



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمر الکریم  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# ظانان سبب جرم هستند

حوزه‌های علمیه

مجله

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# نظام جامع تهذیبی حوزه های علمیه

نویسنده:

کاظم علی محمدی

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۲۸	نظام جامع تهذیبی حوزه های علمیه
۲۸	مشخصات کتاب
۲۹	اشاره
۳۵	فهرست مطالب
۵۸	پیش گفتار
۶۲	فصل اول : کلیات
۶۲	اشاره
۶۴	۱-۱ بیان مسأله
۶۵	۱-۲ اهداف پژوهش
۶۵	۱-۳ ضرورت پژوهش
۶۶	۱-۴ پرسش های پژوهش
۶۶	۱-۵ نوع و روش تحقیق
۶۷	۱-۶ پیشینه طراحی نظام نامه تهذیبی و تربیتی
۶۷	اشاره
۶۷	الف) تربیت عام
۶۷	ب) تربیت تخصصی
۶۷	ج) تربیت نظام مند
۷۲	۱-۷ مفاهیم اساسی پژوهش
۷۲	۱-۷-۱ نظام
۷۲	۱-۷-۲ نظام نامه
۷۲	۱-۷-۳ تهذیب
۷۲	۱-۷-۴ تربیت
۷۳	۱-۷-۵ تربیت اسلامی

۷۳	۱-۷-۶ حوزه علمیه
۷۴	۱-۷-۷ نظام نامه تهذیبی حوزه
۷۴	۱-۷-۸ مبانی
۷۴	۱-۷-۹ مبانی تربیت
۷۴	۱-۷-۱۰ اصول تربیت
۷۵	۱-۷-۱۱ روش های تربیت
۷۶	فصل دوم : مبانی، اصول و روش های تربیتی در مکتب اهل بیت علیهم السلام
۷۶	اشاره
۷۸	۲-۱ مبانی تربیت اسلامی
۷۸	۲-۱-۱ تعریف مبانی
۷۸	۲-۱-۲ انواع مبانی
۷۸	اشاره
۸۰	۲-۱-۲-۱ مبانی معرفت شناختی
۸۰	اشاره
۸۰	مبنای ۱: امکان و وقوع شناخت یقینی و مطلق
۸۱	مبنای ۲: امکان انتقال شناخت (تعلیم)
۸۱	مبنای ۳: شناخت یا حضوری است یا حصولی
۸۲	مبنای ۴: ابزارهای شناخت و معرفت دینی
۸۳	۲-۱-۲-۲ مبانی هستی شناختی
۸۳	۲-۱-۲-۳ مبانی الهیاتی
۸۳	اشاره
۸۴	مبنای ۱: خداوند مبدأ و منشأ جهان هستی و مالک مدبر و رب حقیقی است
۸۵	مبنای ۲: خداوند وجود کامل مطلق است
۸۵	مبنای ۳: تنها خداوند شایسته پرستش است
۸۵	مبنای ۴: خداوند همه امور عالم هستی را مقدر کرده است
۸۶	مبنای ۵: مجموعه اجزای عالم هستی، نظام واحدی را تشکیل می دهند

- ۸۶ ..... مبنای ۶: در نظام هستی علت و معلول حاکم است
- ۸۷ ..... مبنای ۷: جهان در حال شدن و دگرگونی است
- ۸۷ ..... مبنای ۸: نظام هستی، برترین نظام ممکن می باشد که با حکمت الهی ایجاد شده است
- ۸۷ ..... مبنای ۹: نظام احسن بر اساس عدالت برقرار است
- ۸۸ ..... مبنای ۱۰: خداوند موجودات را به سوی کمال هدایت می کند
- ۸۸ ..... مبنای ۱۱: هستی دارای غایت و هدف واحد است
- ۸۹ ..... ۴-۲-۱-۲ مبانی انسان شناختی
- ۸۹ ..... اشاره
- ۸۹ ..... مبنای ۱: انسان موجود مرکب از روح و بدن است
- ۸۹ ..... مبنای ۲: انسان ها دارای سرشتی مشترک به نام فطرت هستند
- ۹۰ ..... مبنای ۳: انسان دارای کرامت تکوینی و اکتسابی است
- ۹۰ ..... مبنای ۴: انسان موجودی آزاد و مختار است
- ۹۱ ..... مبنای ۵: انسان موجودی هدفمند است
- ۹۱ ..... مبنای ۶: انسان همواره در پی دست یابی به کمال است
- ۹۲ ..... مبنای ۷: کمال نهایی انسان قرب به خداوند متعال است
- ۹۲ ..... مبنای ۸: انسان برای دست یابی به کمال حقیقی، نیازمند وحی است
- ۹۲ ..... مبنای ۹: انسان دارای استعدادهای طبیعی متنوع و قابل رشد و تعالی مداوم است
- ۹۳ ..... مبنای ۱۰: انسان موجودی اجتماعی است
- ۹۳ ..... مبنای ۱۱: انسان موجودی ملکف و دارای مسئولیت است
- ۹۴ ..... مبنای ۱۲: زندگی دنیوی انسان، مقدمه ای برای زندگی اخروی است
- ۹۴ ..... مبنای ۱۳: انسان در توانایی، بینش و گرایش کاستی هایی دارد
- ۹۴ ..... ۵-۲-۱-۲ مبانی ارزش شناختی
- ۹۴ ..... اشاره
- ۹۵ ..... مبنای ۱: ارزش به ذاتی و غیر تقسیم می شود
- ۹۵ ..... مبنای ۲: اصول ارزشی ثابت و مطلق هستند و ارزش سایر امور، متغیر و وابسته
- ۹۶ ..... مبنای ۳: حد نصاب ارزش، ایمان به اصول دین است

۹۶	مبنای ۴: عقل تجربه و وحی، راه های تشخیص ارزش ها هستند
۹۷	مبنای ۵: عدالت اساسی ترین ارزش اجتماعی است
۹۷	مبنای ۶: رأفت و احسان متمم عدالت است
۹۷	۲-۲ اصول تربیت اسلامی
۹۷	اشاره
۹۷	۲-۲-۱ ویژگی های حاکم بر اصول تربیتی
۹۷	اشاره
۹۸	مروری بر ویژگی های عمومی تربیت اسلامی
۹۹	۲-۲-۲ اصل هم گرایی
۱۰۱	۲-۲-۳ اصل انطباق با اسلام
۱۰۲	۲-۲-۴ اصل جامع نگری
۱۰۳	۲-۲-۵ اصل تناسب و اعتدال
۱۰۵	۲-۲-۶ اصل تدریج
۱۰۷	۲-۲-۷ اصل پویایی و استمرار
۱۰۷	۲-۲-۸ اصل اولویت
۱۱۰	۲-۲-۹ اصل تدبیر و مدیریت
۱۱۱	۲-۲-۱۰ اصل توحید محوری
۱۱۲	۲-۲-۱۱ اصل فطرت محوری
۱۱۳	۲-۲-۱۲ اصل کرامت انسانی
۱۱۴	۲-۲-۱۳ اصل هدف محوری
۱۱۵	۲-۲-۱۴ اصل آزادی و اختیار انسان
۱۱۶	۲-۲-۱۵ اصل مسئولیت محوری
۱۱۷	۲-۲-۱۶ اصل تفاوت های فردی و اجتماعی
۱۱۹	۲-۲-۱۷ اصل حقیقت محوری
۱۲۰	۲-۲-۱۸ اصل ارزش محوری
۱۲۱	۲-۳ روش های تربیت



- ۱۲۱ ..... اشاره
- ۱۲۱ ..... ۱-۳-۲ ارتباط روش ها با اصول
- ۱۲۱ ..... اشاره
- ۱۲۲ ..... نکته هایی درباره روش تربیت
- ۱۲۲ ..... اشاره
- ۱۲۲ ..... الف) روش ها می توانند ما را به هدف تعلیم و تربیت برسانند
- ۱۲۲ ..... ب) برای رسیدن به یک هدف، می توان از روش های گوناگون استفاده کرد
- ۱۲۲ ..... ج) یک روش می تواند برای رسیدن به اهداف گوناگون به کار رود
- ۱۲۲ ..... د) روش ها با عناوینی کلی و انتزاعی بیان می شوند
- ۱۲۴ ..... ه) روش ها ناظر به انواع فعالیت های اختیاری در حوزه تعلیم و تربیت هستند
- ۱۲۴ ..... و) روش ها دارای مراتب طولی هستند
- ۱۲۴ ..... ز) به کارگیری روش ها ممکن است با یکدیگر تراحم داشته باشند
- ۱۲۵ ..... ح) روش ها علاوه بر فعالیت ها و اهداف، با سایر مؤلفه های تعلیم و تربیت ارتباط دارند
- ۱۲۵ ..... ۲-۳-۲ دسته بندی روش های تربیت
- ۱۲۵ ..... اشاره
- ۱۲۶ ..... ۱-۳-۲-۱ روش های بینشی (شناختی)
- ۱۲۶ ..... اشاره
- ۱۲۶ ..... ۱-۳-۲-۱-۱ تفکر (تأمل، تعقل و تدبیر)
- ۱۲۷ ..... ۲-۳-۲-۱-۲ روش حکمت یا برهان
- ۱۲۸ ..... ۳-۳-۲-۱-۳ روش مشاهده
- ۱۳۱ ..... ۲-۳-۲-۱-۴ روش پرسش و پاسخ
- ۱۳۳ ..... ۵-۳-۲-۱-۵ روش قصه گوئی
- ۱۳۴ ..... ۶-۳-۲-۱-۶ یادآوری نعمت ها
- ۱۳۴ ..... ۷-۳-۲-۱-۷ عبرت آموزی
- ۱۳۴ ..... ۸-۳-۲-۱-۸ نقل داستان، تاریخ و سرگذشت ها
- ۱۳۶ ..... ۹-۳-۲-۱-۹ ارائه الگو

- ۱۳۷ ..... ۱۰-۱-۲-۳ روش مقایسه
- ۱۳۷ ..... ۱۱-۱-۲-۳ روش های منفعل
- ۱۳۸ ..... ۱۲-۱-۲-۳ سایر روش ها
- ۱۳۸ ..... ۲-۲-۳ روش های گرایشی
- ۱۳۸ ..... اشاره
- ۱۳۹ ..... ۱-۱-۲-۳ روش های ایجاد، تقویت و هدایت انگیزه‌های مثبت (ترغیب)
- ۱۳۹ ..... توجه به خداوند (احساس حضور در پیشگاه الهی)
- ۱۳۹ ..... موعظه
- ۱۴۰ ..... محبت
- ۱۴۱ ..... تشویق
- ۱۴۱ ..... پاداش مضاعف
- ۱۴۱ ..... ۲-۲-۳ روش های مهار و تضعیف گرایش های منفی
- ۱۴۱ ..... توبه
- ۱۴۲ ..... جلوگیری از ارتباط با افراد ناسالم
- ۱۴۲ ..... عفو و گذشت
- ۱۴۳ ..... تغافل
- ۱۴۳ ..... حسن ظن
- ۱۴۳ ..... بیم دادن (انذار)
- ۱۴۴ ..... تنبیه
- ۱۴۵ ..... ۳-۲-۳ روش های مشترک
- ۱۴۵ ..... موعظه
- ۱۴۵ ..... عاقبت اندیشی
- ۱۴۶ ..... تغییر موقعیت
- ۱۴۶ ..... روش مواجهه
- ۱۴۶ ..... مهر و قهر (جاذبه و دافعه)
- ۱۴۷ ..... ۴-۲-۳ روش های رفتاری

۱۴۷	..... ۱-۴-۲-۳-۲ سختی کشیدن جدیدیت و تلاش
۱۴۷	..... تحمیل بر نفس
۱۴۸	..... رفق و مدارا
۱۴۸	..... ۲-۴-۲-۳-۲ تلقین به نفس
۱۴۹	..... ۲-۳-۲-۴-۳ تمرین و تکرار
۱۴۹	..... ۲-۳-۲-۴-۴ زمینه سازی
۱۵۰	..... ۲-۳-۲-۴-۵ تکلیف به قدر وسع
۱۵۰	..... ۲-۳-۲-۴-۶ مرحله ای کردن تکالیف
۱۵۰	..... ۲-۳-۲-۴-۷ روش تربیت عملی
۱۵۳	..... فصل سوم : اهداف تربیت در حوزه های علمیه و ترسیم سیمای آرمانی طلبه
۱۵۳	..... اشاره
۱۵۵	..... ۳-۱ اهداف تربیت در حوزه های علمیه
۱۵۵	..... اشاره
۱۵۶	..... ۳-۱-۱ ویژگی های خاص اهداف تربیتی
۱۵۶	..... ۳-۱-۲ تقسیم بندی اهداف تربیتی
۱۵۶	..... اشاره
۱۵۶	..... ۱. اهداف نهایی و غیر نهایی
۱۵۷	..... ۲. اهداف ساحتی و فراساحتی
۱۵۷	..... الف) اهداف فراساحتی
۱۵۷	..... اشاره
۱۵۷	..... ۱. هدف غایی تربیت
۱۶۰	..... ۲. اهداف میانی تربیت
۱۶۰	..... ب) اهداف ساحتی
۱۶۰	..... اشاره
۱۶۰	..... ۱. هدف نهایی
۱۶۰	..... ۲. اهداف غیر نهایی (میانی و جزئی)

- ۱۶۰ ..... اشاره
- ۱۶۲ ..... الف) رابطه با خدا (اخلاق بندگی) -
- ۱۶۲ ..... ب) رابطه با خود (اخلاق فردی)
- ۱۶۲ ..... ج) رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی)
- ۱۶۲ ..... ۳-۱-۳ ساحت های تربیت و مسائل آن
- ۱۶۲ ..... اشاره
- ۱۶۴ ..... ۳-۱-۳-۱ ساحت تربیت عبادی
- ۱۶۴ ..... اشاره
- ۱۶۵ ..... مفهوم شناسی
- ۱۶۶ ..... هدف نهایی
- ۱۶۶ ..... اهداف میانی اصول و روش های تربیت عبادی
- ۱۶۶ ..... اشاره
- ۱۶۶ ..... هدف میانی ۱: معرفت عبادی بعد شناختی
- ۱۶۶ ..... اشاره
- ۱۶۷ ..... اصل ۱: لزوم آشنایی با چیستی و چگونگی عبادات
- ۱۶۷ ..... شیوه های اجرایی نمودن آن
- ۱۶۸ ..... اصل ۲: لزوم آشنایی با، ضرورت فلسفه و اسرار عبادات
- ۱۶۸ ..... شیوه های اجرایی نمودن آن
- ۱۷۰ ..... اصل ۳: لزوم آشنایی با شرایط صحت و مقبولیت عبادات
- ۱۷۰ ..... شیوه های اجرایی نمودن آن
- ۱۷۰ ..... اصل ۴: لزوم شناخت عوامل و موانع کمال بخش عبادات
- ۱۷۰ ..... شیوه های اجرایی نمودن آن
- ۱۷۲ ..... اصل ۵: لزوم شناخت جایگاه قرآن و ادعیه و ایجاد و تقویت انس با آن ها
- ۱۷۲ ..... شیوه های اجرایی نمودن آن
- ۱۷۲ ..... هدف میانی ۲: محبت عبادی (بعد انگیزشی و عاطفی)
- ۱۷۲ ..... اشاره

- ۱۷۶ ----- اصل ۱: لزوم ایجاد تثبیت و افزایش محبت نسبت به خداوند
- ۱۷۶ ----- شیوه های اجرایی نمودن آن
- ۱۷۸ ----- اصل ۲: لزوم ایجاد تثبیت و افزایش محبت نسبت به عبادت
- ۱۷۸ ----- شیوه های اجرایی نمودن آن
- ۱۸۰ ----- اصل ۳: لزوم ایجاد تثبیت و افزایش محبت نسبت به عابدان راستین
- ۱۸۰ ----- شیوه های اجرایی نمودن آن
- ۱۸۲ ----- اصل ۴: لزوم پیراسته سازی مرتبی از افراط و تفریط در محبت به معبود عبادات و عابدان
- ۱۸۲ ----- شیوه های اجرایی نمودن آن
- ۱۸۲ ----- هدف میانی ۳: التزام رفتاری عبادی بعد رفتاری و عملی
- ۱۸۵ ----- ۲-۳-۱-۳ تربیت اخلاقی
- ۱۸۵ ----- اشاره
- ۱۸۷ ----- مفهوم شناسی اخلاق
- ۱۸۹ ----- تربیت اخلاقی
- ۱۹۰ ----- واژگان مشابه (تزکیه و ادب)
- ۱۹۰ ----- تزکیه
- ۱۹۰ ----- ادب
- ۱۹۱ ----- مقایسه اخلاق و آداب
- ۱۹۲ ----- اهمیت آداب اسلامی
- ۱۹۲ ----- ۱. آداب اسلامی نماد ظاهری اسلام
- ۱۹۳ ----- ۲. نقش مؤثر آداب در رشد ارزش های اخلاقی
- ۱۹۴ ----- ۳. ارتباط آداب با آرمان ها
- ۱۹۵ ----- هدف نهایی تربیت اخلاقی
- ۱۹۵ ----- اهداف میانی، اصول و روش های تربیت اخلاقی
- ۱۹۵ ----- اشاره
- ۱۹۵ ----- هدف میانی ۱: شناخت ردایل و فضایل نفسانی
- ۱۹۶ ----- هدف میانی ۲: اصلاح و تنظیم روابط و رفتارهای مرتبی با خود خدا و دیگران

۱۹۶	الف) رابطه با خدا (اخلاق بندگی)
۱۹۶	بینشی
۱۹۶	گرایش
۱۹۸	رفتاری
۱۹۸	ب) رابطه با خود (اخلاق فردی)
۱۹۸	بینشی
۲۰۰	گرایش
۲۰۰	رفتاری
۲۰۲	ج) رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی)
۲۰۲	بینشی (معرفت اجتماعی)
۲۰۲	اشاره
۲۰۲	۱. لزوم آشنایی با ضرورت زندگی اجتماعی
۲۰۲	شیوه های اجرایی نمودن آن
۲۰۳	۲. لزوم آشنایی با فرصت ها و تهدیدهای زندگی اجتماعی
۲۰۳	شیوه های اجرایی نمودن آن
۲۰۴	۳. لزوم آشنایی با حقوق و وظایف زندگی جمعی
۲۰۴	شیوه های اجرایی نمودن آن
۲۰۴	گرایش
۲۰۶	رفتاری
۲۰۸	هدف میانی ۳: نقش آفرینی تربیتی و اخلاقی در جامعه
۲۰۸	هدف میانی ۴: گسترش شعائر دینی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی
۲۱۰	۳-۱-۳-۳ ساحت تربیت خانوادگی
۲۱۰	مفهوم شناسی
۲۱۰	خانواده
۲۱۰	تربیت خانوادگی
۲۱۱	هدف نهایی

- اهداف میانی، اصول و روشهای تربیت خانوادگی ----- ۲۱۱
- هدف میانی ۱: برقراری ارتباط مؤثر خویشاوندی ----- ۲۱۱
- اشاره ----- ۲۱۱
- اصل ۱: لزوم آشنایی با مدیریت روابط خویشاوندی ----- ۲۱۲
- شیوه های اجرایی نمودن آن ----- ۲۱۲
- اصل ۲: لزوم آشنایی با روش های تعامل سازنده میان اعضای خانواده ----- ۲۱۲
- شیوه های اجرایی نمودن آن ----- ۲۱۲
- هدف میانی ۲: تشکیل موفقیت آمیز خانواده (زدواج آگاهانه، بهنگام، آسان و پایدار) ----- ۲۱۲
- اصل ۱: لزوم آشنایی با فرایند همسرگزینی ----- ۲۱۲
- شیوه های اجرایی نمودن آن ----- ۲۱۲
- اصل ۲: لزوم آشنایی با بایدها و نبایدهای دوران عقد و ارتباط با خانواده ها ----- ۲۱۲
- شیوه های اجرایی نمودن آن ----- ۲۱۲
- هدف میانی ۳: تحکیم خانواده ----- ۲۱۴
- اصل: لزوم آشنایی با مهارت های روان شناختی زندگی مشترک ----- ۲۱۴
- شیوه های اجرایی نمودن آن ----- ۲۱۴
- هدف میانی ۴: تربیت صحیح فرزندان ----- ۲۱۴
- اصل: لزوم آشنایی با اهمیت فرزندآوری و فرزندپروری ----- ۲۱۴
- شیوه های اجرایی نمودن آن ----- ۲۱۴
- هدف میانی ۵: تعالی خانواده (حاکمیت روابط اخلاقی پایدار بین زوجین) ----- ۲۱۴
- اصل ۱: لزوم آشنایی با مهارت های اخلاقی و تربیتی زندگی مشترک ----- ۲۱۴
- شیوه های اجرایی نمودن آن ----- ۲۱۴
- اصل ۲: لزوم پایبندی خانواده به باورها و ارزش های الهی ----- ۲۱۶
- شیوه های اجرایی نمودن آن ----- ۲۱۶
- اصل ۳: لزوم ایجاد فضای معنوی در خانه و خانواده ----- ۲۱۶
- شیوه های اجرایی نمودن آن ----- ۲۱۶
- اصل ۴: لزوم حاکمیت امانت، وفای به عهد و صداقت در تنظیم روابط ----- ۲۱۶

- شيوه های اجرايي نمودن آن ..... ۲۱۶
- اصل ۵: لزوم رشد و ارتقاء معرفتي همسران و فرزندان طلاب ..... ۲۱۶
- شيوه های اجرايي نمودن آن ..... ۲۱۷
- هدف مياني ۶: آگاهي بخشي و مصونيت بخشي خانواده نسبت به آسيب ها ..... ۲۱۸
- اصل لزوم آشنائي با آسيب های خانواده ..... ۲۱۸
- شيوه های اجرايي نمودن آن ..... ۲۱۸
- ۳-۲ ترسيم سيمای طلبه مطلوب ..... ۲۱۸
- اشاره ..... ۲۱۸
- بهره های بحث ..... ۲۲۰
- ۳-۲-۱ پيشينه موضوع ..... ۲۲۲
- ۳-۲-۲ دارايی های طلبه مطلوب ..... ۲۲۴
- ۳-۲-۳ جامعيت ..... ۲۲۶
- ۳-۲-۴ مطلوبيت الگوهای متفاوت ..... ۲۲۸
- ۳-۲-۵ تمرکز در مقام تربيت ..... ۲۳۱
- ۳-۲-۶ مقدمات ترسيم چهره طلبه مطلوب ..... ۲۳۳
- ۳-۲-۶-۱ نظر به چهره های مطلوب ..... ۲۳۳
- ۳-۲-۶-۲ شاخصه های طلبه مطلوب از ديده گاه مقام معظم رهبري دام ظلّه ..... ۲۳۶
- الف. شاخصه های اخلاقي و تربيتي ..... ۲۳۶
- ب. شاخصه های اجتماعي ..... ۲۴۴
- ۳-۲-۶-۳ چهره مطلوب طلبه ..... ۲۵۱
- اشاره ..... ۲۵۱
۱. صورت تفصيلي ..... ۲۵۱
- اشاره ..... ۲۵۱
- صورت منسجم و مختصر ..... ۲۵۵
- ۳-۲-۶-۴ نصاب طلبگي ..... ۲۵۶
- اشاره ..... ۲۵۶



- الف. تفقه ..... ۲۶۲
- ب. تزکیه و حیات دینی ..... ۲۶۴
- ج. کارآمدی صنفی ..... ۲۶۷
- ۳-۲-۶-۵ بهره های بحث ..... ۲۶۸
- فصل چهارم : عوامل و موانع مؤثر بر تهذیب و تربیت در حوزه های علمیه ..... ۲۷۰
- اشاره ..... ۲۷۰
- اهمیت و ضرورت بحث ..... ۲۷۲
- تعریف عوامل و موانع تربیت ..... ۲۷۲
- ۴-۱ عوامل و موانع درونی ..... ۲۷۳
- ۴-۱-۱ عوامل و موانع بینشی ..... ۲۷۳
- ۴-۱-۱-۱ عوامل بینشی ..... ۲۷۳
- اشاره ..... ۲۷۳
- الف. شناخت جامع و درست دین ..... ۲۷۳
- ب. بصیرت و آگاهی به زمان ..... ۲۷۴
- ۴-۱-۱-۲ موانع بینشی ..... ۲۷۶
- اشاره ..... ۲۷۶
- الف. افکار و وسوسه های شیطانی ..... ۲۷۷
- ب. غفلت و فراموشی ..... ۲۷۷
- ۴-۱-۲ عوامل و موانع گرایشی ..... ۲۷۸
- اشاره ..... ۲۷۸
- ۴-۱-۲-۱ عوامل گرایشی ..... ۲۷۸
- اشاره ..... ۲۷۸
- الف. امید ..... ۲۷۸
- ب. بلند همتی ..... ۲۷۹
- ج. اخلاص و پاک سازی نیت ..... ۲۸۰
- ۴-۱-۲-۲ موانع گرایشی ..... ۲۸۳

- ۲۸۳ ..... اشاره
- ۲۸۳ ..... الف. هوای نفس و حب نفس
- ۲۸۵ ..... ب. ضعف انگیزه طلبگی
- ۲۸۵ ..... اشاره
- ۲۸۷ ..... موانع درونی
- ۲۸۸ ..... موانع بیرونی
- ۲۸۹ ..... ج. ضعف اراده، سستی و تنبلی و کم همتی
- ۲۹۰ ..... د. حب دنیا
- ۲۹۲ ..... ۳-۱-۴ عوامل و موانع توانشی - رفتاری
- ۲۹۲ ..... اشاره
- ۲۹۲ ..... ۳-۱-۴ عوامل توانشی - رفتاری
- ۲۹۲ ..... اشاره
- ۲۹۲ ..... الف. ایمان
- ۲۹۵ ..... ب. تقوا
- ۲۹۶ ..... ج. صبر و استقامت
- ۲۹۷ ..... د. شکر و رضا
- ۲۹۷ ..... اشاره
- ۲۹۹ ..... راه تحصیل صفت شکرگزاری
- ۳۰۰ ..... هـ. توکل
- ۳۰۰ ..... اشاره
- ۳۰۳ ..... راه تحصیل صفت توکل
- ۳۰۴ ..... و. مناعت طبع
- ۳۰۵ ..... ز. عمل به دانسته ها
- ۳۰۸ ..... ح. تکریم استاد
- ۳۱۱ ..... ط. تعظیم علم
- ۳۱۱ ..... ی. ورزش و فعالیت بدنی

- ۳۱۱ ..... اشاره
- ۳۱۴ ..... راهکارها و پیشنهادهای
- ۳۱۵ ..... ک. تفرح سالم و پاک
- ۳۱۵ ..... اشاره
- ۳۱۷ ..... راهکارها و پیشنهادهای
- ۳۱۷ ..... ۲-۳-۱-۴ موانع توانشی - رفتاری
- ۳۱۷ ..... اشاره
- ۳۱۷ ..... الف. شرک و ریا
- ۳۱۹ ..... ب. گناه
- ۳۲۱ ..... ج. اهمال کاری و تسویف
- ۳۲۳ ..... ۴-۲ عوامل و موانع بیرونی
- ۳۲۳ ..... اشاره
- ۳۲۳ ..... ۴-۲-۱ عوامل و موانع معنوی
- ۳۲۳ ..... ۴-۲-۱-۱ عوامل معنوی
- ۳۲۳ ..... اشاره
- ۳۲۳ ..... الف. خداوند متعال
- ۳۲۵ ..... ب. انبیا، اوصیا و اولیای الهی و کتب آسمانی
- ۳۲۶ ..... ج. زیارت، توجه و توسل به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام
- ۳۲۸ ..... د. توفیق الهی
- ۳۳۰ ..... هـ. توبه و استغفار
- ۳۳۱ ..... ۴-۲-۱-۲ موانع معنوی
- ۳۳۱ ..... اشاره
- ۳۳۱ ..... الف. بی توفیقی
- ۳۳۳ ..... ب. شیطان
- ۳۳۶ ..... ۴-۲-۲ عوامل و موانع انسانی
- ۳۳۶ ..... اشاره

- ۳۳۶ ..... ۱-۲-۴ عوامل انسانی
- ۳۳۶ ..... اشاره
- ۳۳۸ ..... الف. مدیر مدرسه
- ۳۳۸ ..... اشاره
- ۳۳۹ ..... ویژگی های تهنذیبی و تربیتی یک مدیر موفق
- ۳۳۹ ..... الف. ویژگی های معنوی و اخلاقی
- ۳۳۹ ..... ب. ویژگی های شناختی - معرفتی
- ۳۴۱ ..... ج. ویژگی های انگیزشی - عاطفی
- ۳۴۱ ..... د. ویژگی های مهارتی - رفتاری
- ۳۴۵ ..... ب. استاد
- ۳۴۵ ..... اشاره
- ۳۴۶ ..... وظیفه ی استاد؛ نیروپروری نه اطلاع رسانی
- ۳۴۷ ..... انواع رسیدگی
- ۳۴۷ ..... شاخص ها و ویژگی های یک استاد موفق
- ۳۴۷ ..... الف. ویژگی های اخلاقی و معنوی استاد
- ۳۵۰ ..... ب. ویژگی های شناختی و معرفتی
- ۳۵۰ ..... ج. ویژگی های انگیزشی و عاطفی
- ۳۵۲ ..... د. ویژگی های رفتاری
- ۳۵۲ ..... شرایط اثرگذاری بیشتر
- ۳۵۵ ..... نقش معاونت تهذیب در ترغیب اساتید به نقش آفرینی تربیتی
- ۳۵۵ ..... الف. معاونت تهذیب و تربیت ستاد
- ۳۵۶ ..... ب. معاونت تهذیب مدرسه
- ۳۵۷ ..... ج. استاد و درس اخلاق
- ۳۵۹ ..... شاخص ها و ویژگی های استاد اخلاق
- ۳۵۹ ..... اشاره
- ۳۵۹ ..... الف. ویژگی های اخلاقی و شخصیتی استاد اخلاق

- ب. مسؤولیت های اخلاقی و تربیتی استاد اخلاق ..... ۳۶۱
- د. استاد مشاور ..... ۳۶۳
- شاخص ها و ویژگی های استاد مشاور ..... ۳۶۴
- الف. ویژگی های اخلاقی و شخصیتی مشاور ..... ۳۶۴
- ب. صلاحیت های حرفه ای مشاور ..... ۳۶۶
- ه. هم حجره هم مباحثه و دوست ..... ۳۶۷
- اشاره ..... ۳۶۷
- هم حجره ..... ۳۶۷
- هم مباحثه ..... ۳۶۹
- ویژگی های یک هم مباحثه خوب ..... ۳۶۹
- دوست ..... ۳۷۰
- و. کارکنان و کارگزاران مدرسه ..... ۳۷۱
- اشاره ..... ۳۷۱
۱. معاون آموزش ..... ۳۷۲
۲. معاون پژوهش ..... ۳۷۳
۳. کارکنان بخش اداری ..... ۳۷۳
۴. باغبان ..... ۳۷۴
۵. آشپز ..... ۳۷۴
۶. خادم و نظافت چی ..... ۳۷۵
۷. نگهبان ..... ۳۷۷
۸. راننده ..... ۳۷۸
- ز. ظرفیت خانواده طلاب ..... ۳۷۸
- اشاره ..... ۳۷۸
- ارتباط مستمر مدرسه با خانواده طلاب ..... ۳۸۰
- ح. ظرفیت های بخش ها و واحدهای فرهنگی و تربیتی در مدرسه ..... ۳۸۱
- ۲-۲-۲-۴ موانع انسانی ..... ۳۸۲

- ۳۸۲ ..... الف. مدیر مدرسه
- ۳۸۲ ..... اشاره
- ۳۸۳ ..... مدیران فعلی
- ۳۸۳ ..... اشاره
- ۳۸۳ ..... ۱. مدیران موفق و کارآمد
- ۳۸۵ ..... ۲. مدیران متوسط
- ۳۸۷ ..... ۳. مدیران ناموفق و ناکارآمد
- ۳۸۷ ..... مدیران آینده
- ۳۸۸ ..... ب. استاد
- ۳۸۸ ..... اشاره
- ۳۸۹ ..... الف. کاستی ها و مشکلات اخلاقی مربوط به اساتید
- ۳۸۹ ..... اشاره
- ۳۸۹ ..... غرور و خودپسندی
- ۳۹۱ ..... ب. ضعف های مربوط به تربیت اخلاقی شاگردان
- ۳۹۳ ..... ج. استاد اخلاق
- ۳۹۳ ..... اشاره
- ۳۹۵ ..... راهکارها و پیشنهادها
- ۳۹۶ ..... د. استاد مشاور
- ۳۹۶ ..... اشاره
- ۳۹۸ ..... راهکارها و پیشنهادها
- ۳۹۸ ..... هـ. دوست
- ۳۹۸ ..... اشاره
- ۴۰۱ ..... نشانه های دوستی افراطی
- ۴۰۲ ..... راهکارهای پیش گیری و درمان
- ۴۰۴ ..... ز. چالش های خانوادگی
- ۴۰۵ ..... ۳-۲-۴ عوامل و موانع غیرانسانی (طبیعی)

- ۴۰۵ ..... عوامل طبیعی - ۱-۳-۲-۴
- ۴۰۵ ..... اشاره
- ۴۰۶ ..... فضای مدرسه علمیه - ۱-۳-۲-۴
- ۴۰۶ ..... اشاره
- ۴۰۸ ..... الف. نمای ظاهری و صحن مدرسه
- ۴۰۹ ..... ب. حجره
- ۴۰۹ ..... اشاره
- ۴۱۰ ..... شاخص های حجره ی مطلوب
- ۴۱۱ ..... ج. کتابخانه و سالن مطالعه
- ۴۱۲ ..... د. مسجد و نمازخانه
- ۴۱۳ ..... ه. - کلاس های درس (مدرس ها)
- ۴۱۴ ..... و. آشپزخانه و سالن غذاخوری
- ۴۱۴ ..... اشاره
- ۴۱۵ ..... تغذیه
- ۴۱۸ ..... راهکارها و پیشنهادهای
- ۴۱۹ ..... ز. حمام و سرویس های بهداشتی
- ۴۱۹ ..... ح. امکانات تفریحی و ورزشی
- ۴۲۱ ..... ۱-۳-۲-۴ ظرفیت تعطیلات حوزه و اوقات فراغت طلاب
- ۴۲۱ ..... اشاره
- ۴۲۲ ..... ظرفیت فصل تابستان
- ۴۲۲ ..... فعالیت های درسی در تابستان آری یا نه؟
- ۴۲۳ ..... ۱-۳-۲-۴ ظرفیت های تربیتی ایام خاص
- ۴۲۳ ..... اشاره
- ۴۲۳ ..... الف. مناسبت های مذهبی
- ۴۲۳ ..... رجب المرجب
- ۴۲۵ ..... شعبان المعظم

- ۴۲۶ ..... رمضان المبارک
- ۴۲۸ ..... محرم الحرام و صفر
- ۴۲۹ ..... ایام فاطمیه
- ۴۲۹ ..... ب. مناسبت های ملی
- ۴۲۹ ..... اشاره
- ۴۲۹ ..... هفته دفاع مقدس و هفته بسیج
- ۴۳۲ ..... ۴-۲-۳-۱ عوامل اقتصادی
- ۴۳۲ ..... ۵-۳-۱ عوامل اجتماعی - فرهنگی
- ۴۳۲ ..... اشاره
- ۴۳۳ ..... عوامل تربیتی - فرهنگی
- ۴۳۴ ..... اثرگذاری نهادهای دینی بر امر تربیت
- ۴۳۴ ..... فعالیت های فرهنگی - تربیتی در مدرسه
- ۴۳۵ ..... ساختار (قوانین، مقررات، برنامه ها و سازماندهی)
- ۴۳۶ ..... ۴-۳-۲ موانع طبیعی
- ۴۳۶ ..... ۱-۲-۳-۲ فضای مدرسه علمیه
- ۴۳۷ ..... ۲-۲-۳-۲ ساختار و قوانین
- ۴۳۸ ..... ۳-۲-۳-۲ نظام های مختلف حوزه
- ۴۳۸ ..... نظام آموزشی
- ۴۳۸ ..... نظام تہذیبی
- ۴۳۹ ..... نظام پذیرش
- ۴۴۰ ..... نظام ارزیابی و نظارت حوزه
- ۴۴۰ ..... ۴-۳-۲-۲ توسعه بی رویه مدارس علمیه
- ۴۴۱ ..... ۵-۲-۳-۲ حجره یا خوابگاه؟
- ۴۴۱ ..... اشاره
- ۴۴۲ ..... آسیب ها و چالش های زندگی خوابگاهی
- ۴۴۳ ..... راهکارهای پیشنهادی



- ۴۴۴ ..... ۴-۲-۳-۲-۶ موانع اقتصادی
- ۴۴۴ ..... اشاره
- ۴۴۶ ..... شهریه طلاب
- ۴۴۶ ..... ۴-۲-۳-۲-۷ موانع اجتماعی - فرهنگی
- ۴۴۶ ..... فن آوری های نوین (رایانه، گوشی همراه، اینترنت و شبکه های مجازی)
- ۴۴۸ ..... راهبردها و راهکارها
- ۴۵۲ ..... اشتغالات غیر درسی و غیر طلبگی
- ۴۵۲ ..... کثرت تعطیلات حوزه و اوقات فراغت طلاب
- ۴۵۴ ..... پوشش و وضعیت ظاهری طلاب
- ۴۵۶ ..... فصل پنجم : برنامه جامع تربیتی سطح یک حوزه های علمیه
- ۴۵۶ ..... اشاره
- ۴۵۹ ..... کلیات برنامه جامع تهذیبی و تربیتی
- ۴۶۰ ..... منطق انتخاب و جانمایی موضوعات
- ۴۶۰ ..... ویژگی های برنامه
- ۴۶۱ ..... محورهای سه گانه
- ۴۶۱ ..... اشاره
- ۴۶۱ ..... محور نخست تعمیق باورها
- ۴۶۲ ..... محور دوم و سوم : آراستگی و پیراستگی
- ۴۶۲ ..... گام های اجرایی برنامه
- ۴۶۲ ..... گام اول تبیین و توجیه برنامه
- ۴۶۲ ..... ۱. مطالعه دقیق و آشنایی با برنامه
- ۴۶۳ ..... ۲. توجیه برنامه در سطح اساتید و کادر مدرسه
- ۴۶۳ ..... ۳. توجیه برنامه در سطح طلاب مدرسه
- ۴۶۳ ..... گام دوم : اجرای برنامه
- ۴۶۳ ..... گام سوم : ارزیابی و بازخوردگیری
- ۴۶۴ ..... ارکان اجرایی برنامه جامع

- ۴۶۴ ..... اشاره
- ۴۶۴ ..... ۱. مدیر
- ۴۶۵ ..... ۲. استاد
- ۴۶۷ ..... ۳. راهکارهای ترغیب اساتید به نقش آفرینی تربیتی
- ۴۶۷ ..... اشاره
- ۴۶۷ ..... الف. برنامه های عمومی
- ۴۶۷ ..... اشاره
- ۴۶۸ ..... فهرست برنامه های عمومی
- ۴۶۸ ..... اشاره
- ۴۶۸ ..... ۱. تبیین نکات اخلاقی از قرآن و عترت
- ۴۷۰ ..... ۲. درس اخلاق عمومی
- ۴۷۰ ..... اشاره
- ۴۷۱ ..... چند پیشنهاد کاربردی
- ۴۷۱ ..... ۳. نشست صمیمی مدیر و اساتید با طلاب
- ۴۷۱ ..... ۴. ارتباط مدیر با خانواده ها
- ۴۷۲ ..... ۵. دیدار با علما
- ۴۷۲ ..... ۶. نماز جماعت
- ۴۷۲ ..... اشاره
- ۴۷۳ ..... نکاتی که در نماز جماعت مد نظر هست
- ۴۷۳ ..... قبل از نماز
- ۴۷۴ ..... حین نماز
- ۴۷۴ ..... بعد از نماز
- ۴۷۴ ..... ۷. سحرخیزی
- ۴۷۶ ..... ۸. تلاوت نور
- ۴۷۷ ..... ۹. بصیرت افزایی و حفظ روحیه انقلابی
- ۴۷۷ ..... ۱۰. ورزش و نشاط

۴۷۷	.....	اشاره
۴۷۸	.....	راهکارها و پیشنهادهای
۴۸۰	.....	راهکارها و پیشنهادهای
۴۸۰	.....	۱۱. مناسبت ها و مراسم ملی و مذهبی
۴۸۱	.....	۱۲. حضور ناظر شب
۴۸۱	.....	اشاره
۴۸۱	.....	اهم وظایف
۴۸۱	.....	۱۳. تشکیل همیاران تربیتی
۴۸۳	.....	۱۴. هیئت مدرسه
۴۸۳	.....	اشاره
۴۸۳	.....	الف. هیئت طلاب خوابگاهی
۴۸۴	.....	۱۵. محفل انش با قرآن کریم
۴۸۴	.....	اشاره
۴۸۴	.....	الف. اهداف
۴۸۴	.....	ب. جامعه هدف : طلاب علوم دینی مدارس علمیه سراسر کشور
۴۸۴	.....	ج. شیوه اجرا و برنامه های پیشنهادی
۴۸۶	.....	د) برنامه های آموزشی جلسات هفتگی
۴۸۸	.....	ب. برنامه های اختصاصی
۵۱۲	.....	فهرست منابع
۵۲۳	.....	درباره مرکز

## نظام جامع تهذیبی حوزه های علمیه

### مشخصات کتاب

سرشناسه : علی محمدی، کاظم، 1356 -

عنوان و نام پدیدآور : نظام جامع تهذیبی حوزه های علمیه/تهیه و تنظیم کاظم علی محمدی، مهدی محمدی صیفار. ؛ به سفارش و نظارت مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه.

وضعیت ویراست : [ویراست 2].

مشخصات نشر : قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، 1399.

مشخصات ظاهری : 416ص.؛ جدول؛ 14/5 × 21 س.م.

شابک : 6-616357-622-978

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : ویراست قبلی کتاب حاضر با عنوان "ظرفیت های تربیتی مدرسه علمیه مطلوب" در سال 1396 منتشر شده است.

یادداشت : عنوان روی جلد: نظام نامه جامع تهذیبی حوزه های علمیه.

یادداشت : کتابنامه: ص. 407 - 416؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : نظام نامه جامع تهذیبی حوزه های علمیه.

عنوان دیگر : ظرفیت های تربیتی مدرسه علمیه مطلوب.

موضوع : حوزه های علمیه -- ایران -- برنامه ریزی \*Islamic theological seminaries -- Iran -- Planning

ایران -- هدف ها و نقش ها \*Islamic theological seminaries -- Iran -- Aims and objectives

ایران -- مدیریت \*Islamic theological seminaries -- Iran -- Administration

شناسه افزوده : محمدی صیفار، مهدی، 1352 -

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه های علمیه. مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی

رده بندی کنگره : BP7/4

رده بندی دیویی : 297/071

شماره کتابشناسی ملی : 7403180

اطلاعات رکورد کتابشناسی : فاپا

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب : خانم نرگس قمی

ص: 1

**اشاره**

نظام جامع تهذیبی حوزه های علمیه

به سفارش و نظارت :

مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

تهیه و تنظیم : کاظم علی محمدی و مهدی محمدی صیفار

صفحه آرائی : فرهود مقدم

چاپ : داخلی

نوبت چاپ : چاپ اول، پاییز 1398

\*تمامی حقوق برای معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه محفوظ است \*

نشانی : قم، جمکران، خیابان انتظار، مجتمع دارالولایة،

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

[www.tahzib-howzeh.ir](http://www.tahzib-howzeh.ir)

ص: 2

نظام جامع تهذیبی حوزه های علمیه

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی

ویراست دوم

پاییز 1398

ص: 3





آنچه که طلبه ها را بالا می برد، تزکیه می کند و معراج طلبه می شود، عرفان نظری نیست؛ اگرچه عرفان نظری هم ممکن است کمک هایی بکند. باید این عرفان عملی را، این حالت سلوک را، توی طلبه ها انداخت. ما همت کنیم، طلبه را اهل نماز شب کنیم؛ این خیلی کمک می کند. برنامه ریزی کنید که از میان پنجاه هزار طلبه حوزه قم حالا با حذف یک عده خیلی پایین ترها و یک عده خیلی پیرترها - اقلّاً سی هزارتاشان، هرشب نماز شب بخوانند. اگر این شد به نظر من حوزه از جهت اخلاقی راه می افتد. بنابراین لازم است نظام جامع در همه این زمینه ها تهیه شود. (1)

یک دنیایی در آینده در انتظار بشریت است که ولو حالا قطعی نیست اما قابل حدس است. ما به عنوان روحانیون شیعه به عنوان روحانیون اسلام و مبلغین اسلام، باید خودمان را برای آن آماده کنیم. این بدون چشم انداز و برنامه راهبردی نمی شود. همچنین در ذیل آن یا تا قبل از آن، نظام جامع، هم در آموزش هم در پرورش، هم در تبلیغ و هم در رشته های دیگری که شما هستید باید تنظیم شود. (2)

ص: 5

---

1- بیانات رهبری در دیدار اعضای شورای عالی حوزه های علمیه، 1389/08/04.

2- همان.



## فهرست مطالب

پیش گفتار 9

فصل اول: کلیات

1-1 بیان مسأله 12

1-2 اهداف پژوهش 12

الف . هدف اصلی 12

ب. اهداف فرعی 13

1-3 ضرورت پژوهش 13

1-4 پرسش های پژوهش 13

1-5 نوع و روش تحقیق 14

1-6 پیشینه طراحی نظام نامه تهذیبی و تربیتی 14

الف) تربیت عام 14

ب) تربیت تخصصی 14

ج) تربیت نظام مند 14

1-7 مفاهیم اساسی پژوهش 17

1-7-1 نظام 17

1-7-2 نظام نامه 18

1-7-3 تهذیب 18

1-7-4 تربیت 18

1-7-5 تربیت اسلامی 19

1-7-6 حوزه علمیه 19

1-7-7 نظام نامه تهذیبی حوزه 19

1-7-8 مبانی 19

1-7-9 مبانی تربیت 19

1-7-10 اصول تربیت 20

1-7-11 روش های تربیت 20

ص: 7

فصل دوم: مبانی، اصول و روش های تربیتی در مکتب اهل بیت علیهم السلام

2-1 مبانی تربیت اسلامی 22

2-1-1 تعریف مبانی 22

2-1-2 انواع مبانی 22

2-1-2-1 مبانی معرفت شناختی 23

مبنای 1: امکان و وقوع شناخت یقینی و مطلق 23

مبنای 2: امکان انتقال شناخت (تعلیم) 24

مبنای 3: شناخت یا حضوری است یا حصولی 24

مبنای 4: ابزارهای شناخت و معرفت دینی 25

2-1-2-2 مبانی هستی شناختی 25

2-1-2-3 مبانی الهیاتی 26

مبنای 1: خداوند مبدأ و منشأ جهان هستی و مالک، مدبر و ربّ حقیقی است 26

مبنای 2: خداوند وجود کامل مطلق است 27

مبنای 3: تنها خداوند شایسته پرستش است 27

مبنای 4: خداوند همه امور عالم هستی را مقدر کرده است 27

مبنای 5: مجموعه اجزای عالم هستی نظام واحدی را تشکیل می دهند 28

مبنای 6: در نظام هستی، علت و معلول حاکم است 28

مبنای 7: جهان در حال شدن و دگرگونی است 28

مبنای 8: نظام هستی، برترین نظام ممکن می باشد که با حکمت الهی ایجاد شده است 28

مبنای 9: نظام احسن براساس عدالت برقرار است 29

مبنای 10: خداوند موجودات را به سوی کمال هدایت می کند 29

مبنای 11: هستی دارای غایت و هدف واحد است 29

4-2-1-2 مبنای انسان شناختی 30

مبنای 1: انسان موجود مرکب از روح و بدن است 30

مبنای 2: انسان ها دارای سرشتی مشترک به نام فطرت هستند 30

مبنای 3: انسان دارای کرامت تکوینی و اکتسابی است 30

مبنای 4: انسان موجودی آزاد و مختار است 31

مبنای 5: انسان موجودی هدفمند است 31

مبنای 6: انسان همواره در پی دست یابی به کمال است 32

ص: 8

مبنای 7: کمال نهایی انسان، قرب به خداوند متعال است 32

مبنای 8: انسان برای دست یابی به کمال حقیقی، نیازمند وحی است 32

مبنای 9: انسان دارای استعدادهای طبیعی متنوع و قابل رشد و تعالی مداوم است 32

مبنای 10: انسان موجودی اجتماعی است 32

مبنای 11: انسان موجودی ملکف و دارای مسئولیت است 33

مبنای 12: زندگی دنیوی انسان مقدمه ای برای زندگی اخروی است 33

مبنای 13: انسان در توانایی بینش و گرایش کاستی هایی دارد 33

2-1-2-5 مبانی ارزش شناختی 34

مبنای 1: ارزش به ذاتی و غیر تقسیم می شود 34

مبنای 2: اصول ارزشی ثابت و مطلق هستند و ارزش سایر امور متغیر و وابسته 34

مبنای 3: حد نصاب ارزش، ایمان به اصول دین است 35

مبنای 4: عقل تجربه و وحی راه های تشخیص ارزش ها هستند 35

مبنای 5: عدالت، اساسی ترین ارزش اجتماعی است 35

مبنای 6: رأفت و احسان متمم عدالت است 35

2-2 اصول تربیت اسلامی 36

2-2-1 ویژگی های حاکم بر اصول تربیتی 36

مروری بر ویژگی های عمومی تربیت اسلامی 37

2-2-2 اصل هم گرایی 37

2-2-3 اصل انطباق با اسلام 39

2-2-4 اصل جامع نگری 39

2-2-5 اصل تناسب و اعتدال 40

42-2-6 اصل تدریج 42

42-2-7 اصل پویایی و استمرار 42

42-2-8 اصل اولویت 43

42-2-9 اصل تدبیر و مدیریت 44

42-2-10 اصل توحید محوری 45

42-2-11 اصل فطرت محوری 45

42-2-12 اصل کرامت انسانی 46

42-2-13 اصل هدف محوری 47

ص: 9



14-2-2 اصل آزادی و اختیار انسان 47

15-2-2 اصل مسئولیت محوری 48

16-2-2 اصل تفاوت های فردی و اجتماعی 49

17-2-2 اصل حقیقت محوری 51

18-2-2 اصل ارزش محوری 51

3-2 روش های تربیت 52

1-3-2 ارتباط روش ها با اصول 52

نکته هایی درباره روش تربیت 53

2-3-2 دسته بندی روش های تربیت 55

1-2-3-2 روش های بینشی (شناختی) 55

1-1-2-3-2 تفکر (تأمل ، تعقل و تدبیر) 55

2-2-3-2 روش حکمت یا برهان 56

3-2-3-2 روش مشاهده 57

4-2-3-2 روش پرسش و پاسخ 59

5-2-3-2 روش قصه گویی 60

6-2-3-2 یادآوری نعمت ها 61

7-2-3-2 عبرت آموزی 61

8-2-3-2 نقل داستان، تاریخ و سرگذشت ها 61

9-2-3-2 ارائه الگو 62

10-2-3-2 روش مقایسه 62

11-2-3-2 روش های منفعل 62

12-1-2-3-2 سایر روش ها 63

2-2-3-2 روش های گرایشی 63

1-2-2-3-2 روش های ایجاد، تقویت و هدایت انگیزه‌های مثبت (ترغیب) 64

2-2-2-3-2 روش های مهار و تضعیف گرایش های منفی 66

3-2-2-3-2 روش های مشترک 69

4-2-3-2 روش های رفتاری 71

1-4-2-3-2 سختی کشیدن، جدیت و تلاش 71

ص: 10

2-4-2-3-2 تلقین به نفس 72

2-4-3-2-3 تمرین و تکرار 72

2-4-4-2-3 زمینه سازی 73

2-4-5-2-3 تکلیف به قدر وسع 73

2-4-6-2-3 مرحله ای کردن تکالیف 73

2-4-7-2-3 روش تربیت عملی 74

فصل سوم : اهداف تربیت در حوزه های علمیه و ترسیم سیمای آرمانی طلبه

3-1 اهداف تربیت در حوزه های علمیه 76

3-1-1 ویژگی های خاص اهداف تربیتی 77

3-1-2 تقسیم بندی اهداف تربیتی 77

1. اهداف نهایی و غیر نهایی 77

2. اهداف ساختی و فراساختی 77

الف) اهداف فراساختی 77

1. هدف غایی تربیت 77

2. اهداف میانی تربیت 80

ب) اهداف ساختی 80

1. هدف نهایی 80

2. اهداف غیر نهایی (میانی و جزئی) 80

3-1-3 ساخت های تربیت و مسائل آن 81

3-1-3-1 ساخت تربیت عبادی 80

مفهوم شناسی 82

اهداف میانی، اصول و روش های تربیت عبادی 83

هدف میانی 1: معرفت عبادی (بعد شناختی) 83

اصل 1: لزوم آشنایی با چیستی و چگونگی عبادات 84

اصل 2: لزوم آشنایی با ضرورت، فلسفه و اسرار عبادات 85

اصل 3: لزوم آشنایی با شرایط صحت و مقبولیت عبادات 85

اصل 4: لزوم شناخت عوامل و موانع کمال بخش عبادات 85

اصل 5: لزوم شناخت جایگاه قرآن و ادعیه و ایجاد و تقویت انس با آن ها 86

هدف میانی 2: محبت عبادی (بعد انگیزشی و عاطفی) 86

اصل 1: لزوم ایجاد، تثبیت و افزایش محبت نسبت به خداوند 88

اصل 2: لزوم ایجاد، تثبیت و افزایش محبت نسبت به عبادت 89

اصل 3: لزوم ایجاد، تثبیت و افزایش محبت نسبت به عابدان راستین 90

اصل 4: لزوم پیراسته سازی متربی از افراط و تفریط در محبت (به معبود، عبادات و عابدان) 91

هدف میانی 3: التزام رفتاری عبادی (بعد رفتاری و عملی) 91

2-3-1-3 تربیت اخلاقی 93

مفهوم شناسی اخلاق 94

تربیت اخلاقی 95

واژگان مشابه (ترکیه و ادب) 95

مقایسه اخلاق و آداب 96

اهمیت آداب اسلامی 97

هدف نهایی تربیت اخلاقی 99

اهداف میانی، اصول و روش های تربیت اخلاقی 99

هدف میانی 1: شناخت رذایل و فضایل نفسانی 100

هدف میانی 2: اصلاح و تنظیم روابط و رفتارهای متربی با خود خدا و دیگران 100

الف) رابطه با خدا (اخلاق بندگی) 100

ب) رابطه با خود (اخلاق فردی) 101

ج) رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی) 102

1. لزوم آشنایی با ضرورت زندگی اجتماعی 103

2. لزوم آشنایی با فرصت ها و تهدیدهای زندگی اجتماعی 103

3. لزوم آشنایی با حقوق و وظایف زندگی جمعی 104

هدف میانی 3: نقش آفرینی تربیتی و اخلاقی در جامعه 106

هدف میانی 4: گسترش شعائر دینی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی 106

3-3-1-3 ساحت تربیت خانوادگی 106

مفهوم شناسی 106

خانواده 106

تربیت خانوادگی 107

ص: 12

هدف نهایی 108

اهداف میانی، اصول و روشهای تربیت خانوادگی 108

هدف میانی 1: برقراری ارتباط مؤثر خویشاوندی 108

هدف میانی 2: تشکیل موفقیت آمیز خانواده 108

هدف میانی 3: تحکیم خانواده 109

هدف میانی 4: تربیت صحیح فرزندان 109

هدف میانی 5: تعالی خانواده (حاکمیت روابط اخلاقی پایدار بین زوجین) 109

هدف میانی 6: آگاهی بخشی و مصونیت بخشی خانواده نسبت به آسیب ها 111

3-2 ترسیم سیمای طلبه مطلوب 112

بهره های بحث 112

3-2-1 پیشینه موضوع 113

3-2-2 دارایی های طلبه مطلوب 115

3-2-3 جامعیت 116

3-2-4 مطلوبیت الگوهای متفاوت 118

3-2-5 تمرکز در مقام تربیت 120

3-2-6 مقدمات ترسیم چهره طلبه مطلوب 121

3-2-6-1 نظر به چهره های مطلوب 121

3-2-6-2 شاخصه های طلبه مطلوب از دیدگاه مقام معظم رهبری دام ظلّه 123

الف. شاخصه های اخلاقی و تربیتی 123

ب. شاخصه های اجتماعی 126

3-2-6-3 چهره مطلوب طلبه 130

1. صورت تفصیلی 130

2. صورت منسجم و مختصر 134

3-2-6-4 نصاب طلبگی 134

الف. تفقه 138

ب. تزکیه و حیات دینی 139

ج. کارآمدی صنفی 142

3-2-6-5 بهره های بحث 143

ص: 13



فصل چهارم : عوامل و موانع مؤثر بر تهذیب و تربیت در حوزه های علمیه

اهمیت و ضرورت بحث 146

تعریف عوامل و موانع تربیت 146

1-4 عوامل و موانع درونی 147

1-1-4 عوامل و موانع بینشی 147

1-1-1-4 عوامل بینشی 147

الف. شناخت جامع و درست دین 147

ب. بصیرت و آگاهی به زمان 147

2-1-1-4 موانع بینشی 149

الف. افکار و وسوسه های شیطانی 149

ب. غفلت و فراموشی 149

2-1-4 عوامل و موانع گرایشی 150

1-2-1-4 عوامل گرایشی 150

الف. امید 150

ب. بلند همتی 151

ج. اخلاص و پاک سازی نیت 152

2-2-1-4 موانع گرایشی 154

الف. هوای نفس و حب نفس 154

ب. ضعف انگیزه طلبگی 155

ج. ضعف اراده، سستی و تنبلی و کم همتی 159

د. حب دنیا 159

3-1-4 عوامل و موانع توانشی - رفتاری 160

1 - 3-1-4 عوامل توانشی - رفتاری 160

الف. ایمان 160

ب. تقوا 161

ج. صبر و استقامت 162

د. شکر و رضا 163

هـ. توکل 166

ص: 14

و. مناعت طبع 169

ز. عمل به دانسته ها 170

ح. تکریم استاد 171

ط. تعظیم علم 173

ی. ورزش و فعالیت بدنی 174

ک. تفریح سالم و پاک 177

2-3-1-4 موانع توانشی - رفتاری 179

الف. شرک و ریا 179

ب. گناه 180

ج. اهمال کاری و تسویف 182

4-2 موانع بیرونی 183

1-2-4- عوامل و موانع معنوی 183

1-1-2-4- عوامل معنوی 183

الف. خداوند متعال 184

ب. انبیا، اوصیا و اولیای الهی و کتب آسمانی 184

ج. زیارت توجه و توسل به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام 185

د. توفیق الهی 187

هـ. توبه و استغفار 187

2-1-2-4 موانع معنوی

الف. بی توفیقی 189

ب. شیطان 189

2-2-4 عوامل و موانع انسانی 192

1-2-2-4 عوامل انسانی 192

الف. مدیر مدرسه 192

ب. استاد 195

ج. استاد و درس اخلاق 203

د. استاد مشاور 206

هـ. هم حجره، هم مباحثه و دوست 208

و. کارکنان و کارگزاران مدرسه 212

ص: 15

ز. ظرفیت خانواده طلاب 217

ح. ظرفیت های بخش ها و واحدهای فرهنگی و تربیتی در مدرسه 219

2-2-2-4 موانع انسانی 220

الف. مدیر مدرسه 220

ب. استاد 223

ج. استاد اخلاق 225

د. استاد مشاور 226

ه. دوست 228

ز. چالش های خانوادگی 231

3-2-4 عوامل و موانع غیرانسانی (طبیعی) 233

1-3-2-4 عوامل طبیعی 233

1-1-3-2-4 فضای مدرسه علمیه 233

2-1-3-2-4 ظرفیت تعطیلات حوزه و اوقات فراغت طلاب 244

3-1-3-2-4 ظرفیت های تربیتی ایام خاص 246

4-1-3-2-4 عوامل اقتصادی 250

4-1-3-2-5 عوامل اجتماعی - فرهنگی 251

2-3-2-4 موانع طبیعی 253

1-1-3-2-4 فضای مدرسه علمیه 253

2-2-3-2-4 ساختار و قوانین 254

3-2-3-2-4 نظام های مختلف حوزه 254

4-2-3-2-4 توسعه بیرویه مدارس علمیه 257

5-2-3-2-4 حجره یا خوابگاه؟ 257

6-2-3-2-4 موانع اقتصادی 259

7-2-3-2-4 موانع اجتماعی - فرهنگی 261

فصل پنجم: برنامه جامع تربیتی سطح یک حوزه های علمیه

برنامه جامع تهذیبی و تربیتی برای پایه های شش گانه 268

منطق انتخاب و جانمایی موضوعات 269

ویژگی های برنامه 270

ص: 16

محورهای سه گانه 270

محور نخست تعمیق باورها 270

محور دوم و سوم: تربیت آراستگی و پیراستگی 271

گام های اجرایی برنامه 271

گام اول: تبیین و توجیه برنامه 271

1. مطالعه دقیق و آشنایی با برنامه 271

2. توجیه برنامه در سطح اساتید و کادر مدرسه 271

3. توجیه برنامه در سطح طلاب مدرسه 272

گام دوم: اجرای برنامه 272

گام سوم: ارزیابی و بازخوردگیری 272

ارکان اجرایی برنامه جامع 272

1. مدیر 273

2. استاد 273

راهکارهای ترغیب اساتید به نقش آفرینی تربیتی 174

الف . برنامه های عمومی 275

فهرست برنامه های عمومی 275

1. تبیین نکات اخلاقی از قرآن و عترت 276

2. درس اخلاق عمومی 276

3. نشست صمیمی مدیر و اساتید با طلاب 277

4. ارتباط مدیر با خانواده ها 278

5. دیدار با علما 278

6. نماز جماعت 279

7. سحر خیزی 280

8. تلاوت نور 281

9. بصیرت افزایی و حفظ روحیه انقلابی 281

10. ورزش و نشاط 282

11. مناسبت ها و مراسم ملی و مذهبی 284

ب. برنامه های اختصاصی 285

فهرست منابع 308

ص: 17





بررسی سیر تربیتی و اخلاقی حوزه‌های علمیه در طول سابقه بیش از هزار ساله آن، گویای این واقعیت است که تربیت‌مداری و اهتمام اساتید و طلاب به امر تهذیب نفس و خودسازی، اساس و زیربنای تمامی اهداف و برنامه‌های علمی آنان بوده است. گرچه در گذشته، فرایند نظام‌مندی در این امر وجود نداشته است ولی به واسطه هدایت و راهنمایی اساتید و مربیان صاحب‌نفس و مهذب و در یک رابطه استاد و شاگردی که چهره به چهره، در مدرسه‌ای کوچک و محدود بر جزئیات امور طلاب اشراف داشتند تا حدود زیادی امر تهذیب حوزه‌ها پیش می‌رفت.

اما در حال حاضر با توجه به گسترش روزافزون مدارس علمیه، فراوانی طلاب و کمبود اساتید مهذب از یک سو و بروز و ظهور آسیب‌ها و مشکلات اخلاقی و تربیتی فراوانی که در جامعه و به تبع آن تا حدودی در میان طلاب شاهد هستیم، دیگر نمی‌توان به همان شکل سنتی گذشته امر خطیر تهذیب را در حوزه پیش برد و ضروری است که به شکل منسجم‌تر و نظام‌مندتری به امر تربیت طلاب اهتمام ورزید. بنابراین و با توجه به تأکیدهای مکرر مقام معظم رهبری دام‌ظله مبنی بر لزوم تدوین نظام جامع پرورشی و اخلاقی حوزه (1) و نیز مصوبه جلسه شماره 73 مورخ 1392/3/26 شورای عالی حوزه‌های علمیه (دامت برکاتهم) (2) و موافقت و

ص: 19

---

1- فرمایش ایشان در صفحه نخست آورده شده است.

2- متن مصوبه چنین است: «کلیات طرح پیشنهادی مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه در خصوص نظام جامع تهذیبی حوزه‌های علمیه که در راستای پیگیری مطالبات مقام معظم رهبری تدوین شده است، با تأکید بر ارائه برنامه و راهکار عملی برای مهذب و متخلق شدن طلاب به شرح پیوست مورد تصویب قرار گرفت».

ابلاغیه طرح تفصیلی پیشنهادی نظام نامه تهذیبی در مورخ 1392/4/18 از سوی مدیر محترم وقت حوزه های علمیه، حضرت آیت الله حسینی بوشهری، مدیریت مطالعات و برنامه ریزی معاونت تهذیب و تربیت اقدام به تدوین نظام جامع تهذیبی و تربیتی حوزه های علمیه نمود.

برای انجام مطالعات و بررسی های مورد نیاز در این پژوهش از دوروش کتابخانه ای و میدانی استفاده شد و در مجموع بیش از 60 مدرسه از ده استان کشور (1) بررسی و از ظرفیت کارشناسی و دیدگاه های تربیتی و تهذیبی بیش از 190 نفر (68 مدیر، 52 معاون تهذیب، 40 استاد مدرسه و 27 نفر) از کارشناسان مباحث اخلاقی و تربیتی و بزرگان حوزه (2)، جدای از ظرفیت کارشناسی درون معاونت تهذیب و تربیت، کمک گرفته شد.

همچنین، این نظام نامه به صورت مأموریت محور و بر اساس سند چشم انداز، رسالت ها، مأموریت ها و اهداف معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه تنظیم شده است.

با توجه به آنچه بیان شد، نظام جامع تهذیبی و تربیتی حوزه در پنج فصل به شرح ذیل تدوین شد :

فصل اول به کلیات پژوهش اشاره دارد و مشتمل بر بیان مسأله، مفهوم شناسی، اهداف، ضرورت و پرسش ها و پیشینه پژوهش است.

در فصل دوم، مبانی، اصول و روش های تربیتی در مکتب اهل بیت علیهم السلام مورد بحث قرار گرفته است. مبانی تربیت در چهار سطح مبانی معرفت شناختی، هستی شناختی (الهیاتی)، انسان شناختی و ارزش شناختی و نیز اصول و روش های تربیت مورد کنکاش قرار گرفته است.

فصل سوم در دو بخش تنظیم شده است؛ بخش نخست به اهداف تربیت در حوزه های علمیه اختصاص دارد و این اهداف در دو ساحت تربیت اخلاقی - عبادی و مهارت های زندگی پیگیری شده است. در بخش دوم به ترسیم سیمای آرمانی طلبه اشاره دارد و مباحثی چون دارایی های طلبه مطلوب، شاخصه های طلبه مطلوب از نگاه رهبری، چهره مطلوب

ص: 20

---

1- با بهره گیری از ظرفیت کارشناسی استانهای آذربایجان شرقی، اصفهان، ایلام، تهران، خراسان رضوی، قم، قزوین، لرستان، مرکزی، همدان و یزد.

2- فهرست اسامی و متن یا فایل صوتی مصاحبه با این بزرگواران در مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب محفوظ است.

طلبه و نصاب طلبگی مطرح شده است.

فصل چهارم به عوامل و موانع مؤثر تربیت اخلاقی در حوزه های علمیه پرداخته است؛ در این فصل، عوامل و موانع تربیتی به دو بخش درونی و بیرونی تقسیم شده است؛ در بخش عوامل و موانع درونی، به عوامل و موانع بینشی، گرایشی و رفتاری اشاره شده است. عوامل و موانع بیرونی نیز به عوامل و موانع الهی و معنوی، انسانی و غیرانسانی (طبیعی) تقسیم و توضیحاتی درباره هر یک ارائه شده است.

فصل پایانی نیز به تبیین برنامه جامع تربیتی حوزه های علمیه برای طلاب سطح یک اختصاص یافته است.

در پایان از بذل توجه و عنایت اعضای محترم شورای عالی حوزه های علمیه (دامت توفیقاتهم) و مدیریت محترم حوزه های علمیه که زمینه انجام پژوهش حاضر را فراهم نمودند و نیز از همه مدیران، معاونان تهذیب و تربیت، اساتید مدارس علمیه و کارشناسان بزرگواری که ما را در مراحل مختلف اجرا و تدوین این پژوهش یاری کردند، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می کنیم و برای ایشان توفیق سربلندی و شادکامی آرزو مندیم.

از همه مدیران، اساتید، بزرگان و کارشناسان اخلاقی و تربیتی حوزه خواهشمندیم که ما را از پیشنهادها و انتقادات اصلاحی و تکمیلی خود بهره مند سازند. به امید آنکه گامی هر چند کوچک برای جلب رضایت مولایمان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برداشته باشیم.

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی







بی شک مسأله تهذیب و تربیت انسان و به تعبیر قرآنی تزکیه، اصلی ترین و مهم ترین هدف انبیا و اولیای الهی علیهم السلام بوده است و همه ی ادیان الهی و حتی مکاتب بشری در مقام ترسیم سیمای انسان مطلوب و دستیابی به آن، دارای مبانی، اصول، اهداف، راهبردها و روش هایی می باشند که مجموعه این امور، نظام تربیتی آن ها را تشکیل می دهد، گرچه در مقام تبیین این موضوعات، به این صراحت و روشنی نتوان چنین نظامی را مشاهده کرد.

در میان آثار و نوشته های علمی اندیشمندان مسلمان، گرچه در باب اخلاق و تربیت، کتاب های مستقل زیادی نوشته شده و مطالب فراوانی به چشم می خورد؛ ولی کمتر اثری در این زمینه میتوان یافت که به صورت منسجم و با رویکردی نظام مند به امر «اخلاق و تربیت اسلامی» نگریسته باشد. فقدان رویکرد منسجم و نظام مند در این عرصه و پراکندگی و گاه تعارض میان آثار تولید شده، باعث شده تا همچنان دستیابی به يك مجموعه متقن و قابل اطمینان در باب نظام اخلاقی و تربیتی اسلام میسر نباشد.

بررسی سیر تربیتی و اخلاقی حوزه های علمیه نیز، نشان می دهد که تربیت مداری و اهتمام اساتید و طلاب به امر تهذیب نفس و خودسازی، اساس و زیربنای تمامی اهداف و برنامه های علمی آنان بوده است. گرچه در این جا نیز فرایند نظام مندی در زمینه تهذیب و تربیت طلاب وجود نداشته است، ولی به واسطه هدایت و راهنمایی اساتید و مربیان صاحب نفس و مهذب و در یک رابطه استاد و شاگردی که چهره به چهره در مدرسه ای کوچک و محدود، بر جزئیات امور طلاب اشرف داشتند، تا حدود زیادی امر تهذیب حوزه ها پیش می رفت؛ اما در حال حاضر با توجه به توسعه مدارس علمیه، فراوانی طلاب و کمبود اساتید مهذب از یک سو و بروز و ظهور برخی آسیب ها و مشکلات اخلاقی و تربیتی در میان طلاب و حوزویان،



دیگر نمی توان به همان شکل سنتی گذشته، برنامه های تهذیبی و تربیتی حوزه را پیش برد و ضروری است که به شکل منسجم تر و نظام مندتری به این امر اهتمام ورزید. از این رو، تدوین نظام نامه تهذیبی حوزه های علمیه در دستور کار مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت قرار گرفت.

چنانچه پیشتر نیز بیان شد، این نظام نامه به صورت مأموریت محور و عملیاتی تنظیم شده و با توجه به اهداف و مأموریت های تهذیبی معاونت تهذیب، مباحث آن به دو ساحت «تربیت اخلاقی - عبادی» و «تربیت خانوادگی» طلاب و حوزویان محدود گشته است.

## 2-1 اهداف پژوهش

الف. هدف اصلی: تهیه نقشه راه جامع فعالیت های تهذیبی و تربیتی حوزه های علمیه .

ب. اهداف فرعی :

- تعیین مبانی، اصول، اهداف و روش های تربیت در حوزه های علمیه؛
  - بررسی و تعیین ویژگی های تهذیبی و تربیتی طلبه مطلوب (ترسیم سیمای آرمانی طلبه)؛
  - شناسایی و معرفی عوامل و موانع مؤثر تهذیبی در حوزه های علمیه؛
  - ارائه راهکارهای عملی برای مهذب و متخلّق شدن حوزویان و ترویج و توسعه تهذیب در حوزه ها؛
- . ارائه برنامه جامع تهذیبی و تربیتی برای سطح یک حوزه های علمیه (از ترم اول تا پایان ترم دوازدهم).

## 3-1 ضرورت پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع تربیت و تهذیب در حوزه ها و اینکه باید روح حاکم بر تمامی برنامه ها و خون جاری در همه بخش های حوزه باشد، به نظر می رسد در حاشیه بودن تربیت اخلاقی - عبادی و نگاه غیرنظام مند و فردی به این عرصه، از کاستی ها و چالش های اساسی این عرصه می باشد. پژوهش حاضر می کوشد با نگاهی موشکافانه به وضعیت اخلاقی فعلی حوزه و آسیب های اخلاقی و تربیتی موجود و با رویکردی نظام مند و با استفاده از تجارب مفید گذشته و حال و یافته های جدید در عرصه تربیت به این وضع، سامان بخشد و با تدوین

نظام جامع تهذیبی و تربیتی به این مطالبه اصلی و جدی مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید دام ظلّه و سایر بزرگان و اساتید حوزه در رابطه با نظام رفتاری حوزه جامه عمل بپوشاند و زمینه های مناسبی جهت پیش گیری و رفع آسیب ها و ایجاد وحدت رویه در سیاست گذاری، تصمیم گیری، برنامه ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه های تهذیبی حوزه های علمیه فراهم نماید (ان شاء الله تعالی). بنابراین و نظر به اینکه تاکنون چنین پژوهشی در حوزه انجام نشده است، انجام پژوهش حاضر ضروری می نماید.

#### 4-1 پرسش های پژوهش

با توجه به آنچه که بیان شد، در این جا به دنبال یافتن پاسخ های روشن به پرسش های زیر هستیم:

• مبانی، اصول، اهداف و روش های تربیت در حوزه های علمیه کدام اند؟

• ویژگی های تهذیبی و تربیتی طلبه مطلوب چیست؟

• مهم ترین عوامل و موانع مؤثر تهذیبی و تربیتی در حوزه های علمیه کدامند؟

. مهم ترین روش ها و راهکارهای عملی برای مهذب و متخلق شدن طلاب و ترویج و گسترش تهذیب در حوزه های علمیه چیست؟

. چگونه می توان برنامه جامع تهذیبی و تربیتی برای سطح یک حوزه های علمیه ارائه نمود؟

#### 5-1 نوع و روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های بنیادی - توسعه ای با رویکرد نظام سازانه دینی و به روش کیفی است که به شیوه توصیفی و تحلیلی انجام می یابد. جمع آوری داده های این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه ای و دیجیتالی و نیز انجام مصاحبه های ساختار یافته با مدیران، اساتید و کارشناسان اخلاقی و تربیتی حوزوی است.

در واقع پژوهش حاضر در دو سطح و با استفاده از دو روش اسنادی (کتابخانه ای) و میدانی انجام شده است؛ فصل دوم و سوم با بهره گیری از روش اسنادی، فصل چهارم با استفاده از روش میدانی و فصل پنجم با تلفیقی از دو روش یاد شده تدوین شده است.

پژوهش‌ها و آثاری که در زمینه اخلاق و تربیت انتشار یافته و در دسترس عموم قرار گرفته اند، در سه گروه ذیل قابل گزارش هستند: (1)

### الف) تربیت عام

در این گونه از کتاب‌ها و پژوهش‌ها، نویسندگان تلاش کرده است تا به بررسی مؤلفه‌هایی چون مبانی تربیت، اصول و روش‌های تربیت بایدها و نبایدهای مربی و متربی، عوامل و موانع تربیت و... به صورت نظری پردازند. از افراد شاخص در رویکرد اسلامی می‌توان از شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی، مرحوم علی صفایی حائری، آیت‌الله علی رضا اعرافی، دکتر خسرو باقری و... نام برد.

به تناسب نیازی که تنظیم این نظام تهذیبی به این سنخ مباحث داشت، پژوهش‌های تولید شده در این زمینه مطالعه و در بخش‌های مختلف نظام نامه از آن‌ها استفاده شد.

### ب) تربیت تخصصی

این سنخ از پژوهش‌ها، نگاهی موضوعی و تخصصی به امر تربیت دارند؛ مثل تربیت اخلاقی، تربیت عبادی، تربیتی معنوی، تربیت اجتماعی، تربیت جنسی، تربیت اقتصادی، تربیت فرهنگی هنری و...

### ج) تربیت نظام مند

تربیت نظام مند به تربیتی گفته می‌شود که در آن برای مخاطبان خاص، با اقتضائات و ویژگی‌های خاص و با هدف تربیت عمومی و اختصاصی مخاطبان خود طراحی می‌شود. این سنخ از پژوهش‌های تربیتی، چون برای استفاده در یک سازمان خاص طراحی می‌شوند، اغلب عملیاتی، سیاست محور و تا حدودی جامع نگر هستند و اقتضائات بیرونی در تنظیم آن‌ها بسیار اثرگذارند. این سنخ آثار بسیار محدودند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

1- شاید بتوان گفت مهم‌ترین پژوهشی که در زمینه تدوین نظام نامه تربیتی صورت گرفته،

ص: 28

---

1- این دسته بندی از نظام تربیتی بسیجیان (1391)، ص 36 و 37 اقتباس و الگوبرداری شده است.

نظام نامه تربیتی جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله وسلم العالمیه می باشد؛ این پژوهش که از سوی معاونت فرهنگی تربیتی جامعه انجام و منتشر شده، دارای یک مقدمه، شش فصل و یک پیوست می باشد. مهم ترین مباحثی که در این شش فصل به آن پرداخته شده، عبارت است از: مبانی، اهداف، اصول، روش ها، عوامل و موانع و ساحت های تربیت اسلامی. با وجود تلاش های چندین ساله برای تدوین این نظام نامه، لکن در مرحله عملیاتی سازی مباحث نظام نامه، هنوز اقدام عملی قابل توجهی گزارش نشده است. ضمن اینکه مخاطبان اصلی این نظام نامه طلاب خارجی، اعم از برادر و خواهر و با ملیتهای مختلف از سراسر دنیا هستند و بیش تر با این نگاه و رویکرد تدوین شده است. ضمن این که نظام آموزشی و تحصیلی جامعه، با نظام

تحصیلی فعلی حوزه های علمیه کشور متفاوت است.

2- همچنین می توان به «طرح تربیتی سفیران هدایت»، اشاره نمود. در این طرح که از سوی شورای علمی و برنامه ریزی مرکز آموزش های تخصصی تبلیغ برای طلاب مدارس سفیران هدایت سراسر کشور آماده شده، پس از بیان مقدمه، تعریف تربیت و اهداف، اصول و سیاست های کلان تربیتی، به ترسیم اهداف تفصیلی در حوزه تعمیق باورها (شامل ایمان به خدا، ایمان به غیب، ولایت معصومین علیهم السلام، خودشناسی، اخلاص، توکل و تعبد مداری در حوزه های مربوطه)، حوزه رفتارهای اساسی (شامل تقوا، اهتمام به نماز، انس با قرآن، دعا و مناجات و ذکر، توسل، شکر، التزام عملی به نظام و ولایت فقیه، امر به معروف و نهی از منکر، کرامت طلبگی، صداقت، عدم کتمان حقیقت، پرهیز از حسد، رعایت اخلاق اسلامی با خانواده و نظم و انضباط) و حوزه رفتارهای ارزشی (شامل دلسوزی، مردمی زیستن، مسئولیت پذیری، عدالت خواهی، قانون پذیری، صبر و استقامت، پرهیز از حرص و بخل، قدرشناسی از زحمات دیگران، مراعات حقوق شخصی، بهداشت فردی، فراهم کردن زمینه های لازم جهت رشد استعدادهای هنری و حفظ محیط زیست) پرداخته است. در ادامه با اشاره فهرست وار به عوامل مؤثر در تربیت، راهکارهای اهداف تفصیلی در سه حوزه یاد شده بیان شده است. در پایان نیز با آوردن جدول هایی، این اهداف و راهکارها برای ده نیم سال تحصیلی توزیع شده است.

این طرح با وجود مزایا و نوآوری‌هایی که در سبک ارائه دارد کاستی‌های جدی دارد؛ اول اینکه فاقد مباحث مقدماتی، پیشینه پژوهش، روش تحقیق و... است. دوم این که بسیار مختصر و مجمل است و در بیشتر موارد فقط به ذکر فهرست وار مطالب بسنده کرده است.

سوم این که سیر منطقی تدوین یک نظام نامه و حتی یک طرح پژوهشی را ندارد. چهارم این که برای دوره‌های کوتاه مدت طلاب سفیران هدایت طراحی شده و با این وضعیت قابلیت اجرا در دوره‌های بلندمدت حوزه را ندارد.

البته لازم به ذکر است که در مرحله عملیاتی سازی نظام نامه حاضر و برنامه جامع تهذیبی و تربیتی سطح یک حوزه از یافته‌ها، تجارب و ظرفیت نظام نامه تربیتی سفیران هدایت، با رفع کاستی‌ها و تکمیل و ارتقای برنامه‌های آن به خوبی بهره گرفته است.

3- از دیگر طرح‌های تربیتی حوزوی، می‌توان «برنامه جامع تربیتی - آموزشی مدرسه نمونه علمیه بنیان مرصوص» شهرری را نام برد. این برنامه قصد دارد دوره ده ساله سطح را در هفت سال به پایان برساند و هدف کلان از برنامه خود را تربیت طلبه مهذب، مسلط در علوم و حیانی و فعال و مؤثر در نظام اسلامی تعیین کرده است. در طرح هدف از عنوان مهذب، تخلق به اخلاق الهی و کنترل رذائل اصلی اخلاقی در نظر گرفته شده و درس اخلاق نظری، انس با قرآن

کریم و انس با اهل بیت علیهم السلام و تقویت روحیه هنری برای تسهیل دستیابی به این هدف در برنامه گنجانده شده است. در رابطه با هر یک از اهداف یاد شده نیز سیاست‌ها، راهبردها و تأمین‌کننده‌هایی بیان شده است.

این طرح از سال تحصیلی 1390 - 1391 به صورت آزمایشی در مدرسه علمیه شهرری در حال اجرا است. در ارزیابی این طرح باید گفت که اولاً هنوز خروجی خاصی نداشته و ثانياً اهداف آموزشی و مهارتی در آن بسیار پررنگ تر از اهداف تربیتی و تهذیبی دیده شده و حتی برنامه ریزی برای دستیابی به اهداف تهذیبی، بیش تر بر مباحث نظری و شناختی تکیه شده و ظاهراً مسأله عبودیت و روحیه بندگی جندان مورد اهتمام قرار نگرفته است.

4- همچنین می‌توان به گزارش پژوهش «طراحی الگوی مدرسه علمیه مطلوب» شورای مدیریت حوزه علمیه خراسان (1388) اشاره نمود. چنانچه از عنوان این پژوهش نیز

پیداست، بیشتر بر طراحی یک مدرسه مطلوب تأکید دارد، لکن در بخش چهارم با عنوان برنامه های تربیتی مدرسه مطلوب مطالب مفیدی بیان شده و در نظام نامه حاضر گاهی از طرح ها برنامه ها و ایده های مطرح شده در آن استفاده شده است.

5- از میان نظام نامه های نهادهای غیر حوزوی، می توان به منشور تربیتی نسل جوان اشاره نمود که از سوی دبیرخانه شورای عالی جوانان تدوین شده و به مثابه میثاق ملی و آرمانی و چارچوب نظری، سیاست های فرهنگی نظام جمهوری اسلامی ایران را در خصوص رشد و اعتلای فرهنگی و تربیتی نسل جوان ترسیم نموده و مشتمل بر 98 اصل تربیتی (1) است که سیمای کامل نسل جوان را در ابعاد گوناگون حیات فردی و اجتماعی به تصویر کشیده است. این منشور

پس از تصویب در شورای عالی جوانان (تابستان 1374) توسط رئیس جمهور وقت به عنوان راهنمای عملی وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی برای اجرا به دستگاه ها ابلاغ شده است.

6- یکی دیگر از نظام نامه های موجود سند ملی آموزش و پرورش میباشد که علاوه بر بعد آموزشی و تعلیمی آن که محور اصلی سند است، بعد تربیتی آن نیز پررنگ است. این اثر شامل چند محور اساسی است:

الف. فلسفه تربیت: که چهارچوب نظری راهنمای ساماندهی و هدایت انواع تربیت در جمهوری اسلامی است.

ب. فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی «مجموعه ای از گزاره های مدلل و مدون می باشد که تبیین چستی، چرایی و چگونگی تربیت را بر پایه ی فلسفه ی تربیتی، بر عهده می گیرد تا به هدایت، جهت دهی و اصلاح مداوم این بخش مهم از جریان تربیت با توجه و التزام به چنین مجموعه ای پردازد»؛

ج. رهنامه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی: «ساماندهی نظام تربیت رسمی و

ص: 31

---

1- این اصول در 14 بخش دسته بندی شده اند و به ترتیب عبارتند از: «ایمان و معرفت، اخلاق و معنویت، تعلیم و تربیت، تدبیر و سیاست، فرهنگ و تمدن، خانواده و ازدواج، روابط و مناسبات انسانی، تلاش و سازندگی، تعاون و تعهد اجتماعی، علوم و فنون، خلاقیت و ابتکار، هنر و ادب، سیروسیاحت، ورزش و تربیت بدنی». متناسب با هر عرصه، اصول تربیتی ارائه شده است. بعد از تبیین هر اصل، روش های جزئی برای مربی تعریف شده است تا بتواند بر اساس آن ها، اصول 98 گانه فوق را اجرا نماید.

عمومی در جامعه اسلامی ایران، علاوه بر تکیه بر فلسفه تربیت و فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران، نیازمند تدوین الگوی نظری جامعی است که لوازم و دلالت های این دو مجموعه را در عرصه عمل مشخص کند. این الگوی نظری جامع، که از آن با عنوان «رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران» یاد می شود، خصوصیات وضعیت مطلوب این نظام را با بیان تعریف و قلمرو، رسالت، اهداف، کارکردها، رهیافت،

رویکردهای اصلی ساختار و روابط این نظام و همچنین با بیان تعریف، وظایف، رویکردها، اصول و روابط هر یک از زیر نظام های اصلی آنرا ترسیم می نماید.»

7- نیز می توان به نظام تربیتی بسیجیان اشاره نمود که در سال 1391 توسط مؤسسه فرهنگی سبل السلام و با هدف رفع نیاز سازمان بسیج مستضعفین به مبانی نظری و ابعاد عملی حوزه تربیت تدوین گردیده است.

بنابراین و با توجه به ضعف ها و کاستی های کارهای انجام شده و نظر به اینکه بسیاری از این پژوهش ها حتی پژوهش های حوزوی با رویکرد تدوین نظام جامع تهذیبی برای طلاب حوزه های علمیه سراسر کشور تدارک دیده نشده اند، ضروری است پژوهش جدیدی با رویکرد جدید انجام شود که بتواند نیازمندی های تهذیبی حوزه های علمیه کشور را با نگاه به ضعف ها، نیازها و آسیب های شناسایی شده، پوشش دهد و کاستی های نظام نامه های یاد شده را نیز نداشته باشد. با این وجود، در این پژوهش سعی بر این است که راه رفته آنان دوباره تکرار نشود و تا جایی که ممکن است از دست آوردهای علمی و پژوهشی موجود نهایت استفاده بشود.

### 1-7-1 نظام

واژه نظام در لغت به معنای «واسطه نظم و آراستگی»، «هر چیزی که امری بدان قائم باشد و پایه آن بود» و نیز «قوام و آراستگی و نظم و ترتیب» می باشد (1) و در اصطلاح علم مدیریت، عبارت است از: «مجموعه ای از اجزای به هم پیوسته که به علت وابستگی حاکم بر اجزای خود، کلیت جدیدی را احراز می نماید و ضمن پیروی از نظم خاص، در جهت تحقق هدف معینی که دلیل وجودی آن است، فعالیت می کند. مانند نظام بدن انسان، نظام آموزشی کشور و...» (2).

### 1-7-2 نظام نامه

مجموعه ای است از عناصر و اجزاء به هم پیوسته و نظام مند که شامل مبانی، اهداف، اصول، سیاست ها و راهکارهایی است که به منظور ایده آل سازی و متعالی نمودن وضع موجود تدوین یافته است. (3)

### 1-7-3 تهذیب

تهذیب در لغت به معنای پاکیزه کردن، اصلاح کردن، خالص کردن و شتاب کردن است (4) و مُهذَّب کسی است که پیراسته از عیوب اخلاقی و آراسته به اوصاف نیکو باشد.

مراد از تهذیب در این پژوهش عبارت است از ایجاد زمینه ها، رفع موانع و استفاده از عوامل و شیوه های مؤثر جهت پرورش و شکوفایی استعدادهای اخلاقی و تربیتی حوزویان.

### 1-7-4 تربیت

تربیت (5) عبارت است از: رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت

ص: 33

---

1- دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه نظام.

2- جزوه کلیات و ساختار نظام نامه دفتر مطالعات راهبردی شورای عالی حوزه های علمیه، ص 5، به نقل از زاهدی، تجزیه و طراحی سیستم ها، ص 7.

3- همان، ص 7.

4- فراهیدی، العین، ذیل واژه «هَذَّب».

5- کلمه تربیت در لغت نامه "المنجد" به معنای نشو و نما دادن، زیاد کردن، برکشیدن و مرغوب ساختن، آمده و معادل کلمه انگلیسی Educaon به معنای پرورش و رشد جسمی و غیر جسمی است که در فارسی به پرورش ترجمه شده است. راغب اصفهانی نیز در «مفردات» این واژه را از ریشه «ربو» به معنای زیادت و فزونی، رشد و برآمدن ذکر کرده و کاربردهای گوناگون از این ریشه را به همین معنا دانسته است.



کمال مطلق [ قرب الهی ] شکوفا شود (1)». (2)

به بیانی دیگر، «تربیت به معنای فراهم آوردن زمینه فکری برای به فعلیت رساندن قوا و استعدادهای نهفته آدمی و تعدیل غرائز در جهت رساندن انسان به هدف نهایی خود که مقام قرب خداوند و خلیفه الهی است می باشد». (3)

### 5-7-1 تربیت اسلامی

تربیت اسلامی یعنی: «پرورش همه جنبه های فکری، عاطفی، جسمی و اجتماعی شخصیت انسان و ساماندهی رفتارهای او براساس مبانی و دستوره های اسلامی برای تحقق هدف های اسلام در زمینه های گوناگون زندگی». (4)

به عبارت دیگر، تربیت اسلامی عبارت است: «از شکوفایی استعدادهای خدادادی در انسان به منظور ایجاد اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوندی». (5)

### 6-7-1 حوزه علمیه

«حوزه علمیه نهادی است آموزشی، تهذیبی، پژوهشی، تبلیغی و مدیریتی که در راستای حاکمیت قرآن و رسالت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم السلام با هدف تعلیم، تبیین، تبلیغ و صیانت از فرهنگ و معارف دینی در جهت هدایت جامعه و اعتلای کلمه توحید فعالیت می کند». (6)

ص: 34

- 1- مصطفی دلشاد تهرانی، سیری در تربیت اسلامی ص 24.
- 2- امروزه مقصود بسیاری از اندیشمندان مسلمان از واژه تربیت، آنگاه که آن را در برابر تعلیم قرار می دهند و درباره انسان به کار می گیرند، «پرورش روحی و معنوی» است. قرآن کریم برای اشاره به پرورش معنوی و اخلاقی از واژه «تزکیه» استفاده کرده است؛ چنانکه با اشاره به اهداف بعثت می فرماید: (يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ)؛ تا پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد». این واژه اغلب بار ارزشی مثبت دارد و درباره آن نوع پرورش که اراده شخصی پرورش یابنده در آن مؤثر است، به کار می رود. تعبیر «تزکیه نفس» هم به معنای «پاک کردن» نفس از رذایل، و هم «پاک شمردن» آن (خودستایی) به کار می رود. از این رو، قرآن کریم از یک سو تزکیه نفس را مایه رستگاری آدمی دانسته: (قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا)؛ هر کسی نفس خود را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد» (شمس، آیه 9) و از سوی دیگر، این چنین از آن نهی کرده است: (فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ)؛ پس خودتان را پاک مشمارید». (نجم، آیه 32). (گروه نویسندگان، زیرنظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 26-27)
- 3- اسماعیلی یزدی، فرهنگ تربیت، ص 40.
- 4- گروه نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، ص 28.
- 5- افخمی اردکانی، تبیین روش های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه، ص 14.
- 6- پیشنویس سند چشم انداز حوزه علمیه، تهیه و تنظیم دفتر برنامه ریزی و نظارت مرکز مدیریت و شورای عالی حوزه های علمیه، دی ماه 1387، ص 6.

نظام نامه تهذیبی حوزه، مجموعه ای است از عناصر و اجزای به هم پیوسته و نظام مند تهذیبی اعم از مبانی، اهداف، اصول، سیاست ها، عوامل، موانع، روش ها و راهکارهای تهذیبی که با هدف اصلاح وضعیت موجود، بهبود فرایند تهذیب و تربیت و نیز ارتقای وضعیت اخلاقی و تربیتی طلاب و دانش آموختگان حوزه های علمیه تدوین می شود.

### 8-7-1 مبانی

مبانی «زیرساخت اعتقادی فلسفی و نوع شناخت هر مکتبی از مبدأ هستی، جهان و انسان است. بنابراین اهداف، خط مشی و شیوه های عملی در هر زمینه باید بر اساس آن مبانی بنیان نهاده شود و در واقع امتیاز هر مکتبی به مبانی آن بستگی دارد». (1)

### 9-7-1 مبانی تربیت

مبانی تربیت، گزاره هایی توصیفی اند که جهت گیری کلی تربیت را مشخص کرده و در تعیین اصول و روش های تربیت ایفای نقش می کنند. (2)

مبانی آموزش و پرورش را می توان به طور کلی به دو دسته تقسیم کرد: مبانی علمی و مبانی فلسفی؛ مبانی علمی آموزش و پرورش با توجه به جنبه های زیستی، اجتماعی و روانی مورد تربیت مشخص می شوند. مبانی فلسفی آموزش و پرورش، از ملاحظات اخلاقی و فلسفی مربوط به طبیعت آدمی و هدف ها و غایات تربیت افراد استنتاج می شوند. (3)

در مورد دین و آموزه های دینی، صاحب نظران تربیت مبانی دینی را در ذیل مبانی فلسفی قرار داده اند.

### 10-7-1 اصول تربیت

اصول تربیت، گزاره های تجویزی برآمده از مبانی و اهداف بوده که راهنمای فرآیند تربیت از مبدأ تا هدف در عرصه عمل است. این اصول ناظر به بایدها و نبایدهای عملیات تربیت (تعیین اهداف

ص: 35

1- رهبر و رحیمیان، اخلاق و تربیت اسلامی، 1385، ص 37.

2- ر.ک: داودی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، نشریه تربیت اخلاقی، 1390، ص 77.

3- شکوهی، تعلیم و تربیت و مراحل آن 1376، ص 56 و 57.

میانی، ساحت ها و مراحل، شرایط به کارگیری عوامل و جلوگیری از موانع، و روش ها) می باشد. (1)

### 11-7-1 روش های تربیت

روش های تربیت اسلامی، که با عناوین کلی بیان می شوند، ناظر به انواعی از فعالیت های اختیاری در حوزه تربیت اسلامی هستند که می توانند ما را - هرچند در شرایطی به اهداف مطلوب در این حوزه برسانند. این روش ها که همه با مؤلفه های تربیت اسلامی به نوعی ارتباط دارند و از تأثیر این فعالیتها بر تربیت انتزاع می شوند، خود دارای مراتب طولی هستند و برخی از آن ها برای اهداف مختلف به کار می روند. از سوی دیگر، برای رسیدن به یک هدف نیز ممکن است روش های متنوع و احیاناً متزاحم وجود داشته باشد. (2)

به بیان دیگر، روش های تربیتی مکانیزم ها و فعالیت های ایجاد تغییر رفتار و خصوصیات شخصیتی در مرتبه هستند که در فرآیند تربیت به کار می روند تا مرتبه به هدف نهایی تربیت (قرب الهی) برسد. روش ها نوعی فعالیت و عمل در سایه اصول می باشند. (3)

ص: 36

---

1- ر.ک: گروه نویسندگان، همان، ص 297.

2- گروه نویسندگان، زیرنظر مصباح یزدی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 450.

3- نظام نامه تربیتی جامعة المصطفی العالمیة، چاپ محدود و داخلی، 1388، ص 95.





### 1-1-2 تعریف مبانی

در هر علم با پیش فرض‌هایی روبه‌رو هستیم که یا بدیهی‌اند یا در علم‌های دیگر به اثبات می‌رسند. یکی از اصلی‌ترین این پیش‌فرض‌ها «محال بودن اجتماع نقیضین» است که بدون پذیرش آن، هیچ گزاره‌ای در هیچ دانشی به اثبات نخواهد رسید... هر یک از دانش‌های بشری، افزون بر این پیش‌فرض بدیهی، مبتنی بر پیش‌فرض‌های بسیاری است که اگر بدیهی نباشد باید در علوم دیگر اثبات شوند. این پیش‌فرض‌ها را مبانی می‌نامند؛ زیرا زیربنای بنیان‌های دیگر به شمار می‌روند. بنابراین، می‌توان مبانی تربیت اسلامی را چنین تعریف کرد: گزاره‌های خبری که یا بدیهی‌اند یا از دانش‌های دیگر وام‌گرفته می‌شوند و برای تعیین اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل، موانع و روش‌های تربیت اسلامی به کار می‌آیند». (1)

مبانی تربیت، گزاره‌هایی توصیفی‌اند که جهت‌گیری کلی تربیت را مشخص کرده و در تعیین اصول و روش‌های تربیت ایفای نقش می‌کنند. (2)

«مبانی زیرساخت اعتقادی، فلسفی و نوع‌شناخت هر مکتبی از مبدأ هستی، جهان و انسان است. بنابراین اهداف، خط‌مشی و شیوه‌های عملی در هر زمینه باید بر اساس آن مبانی بنیان‌نهاد شود و در واقع امتیاز هر مکتبی به مبانی آن بستگی دارد». (3)

### 2-1-2 انواع مبانی

#### اشاره

با توجه به تعریف، برای تعیین دانش‌هایی که باید گزاره‌های مبنا را از آن‌ها اخذ کنیم، باید با توجه به انواع مباحثی که در تربیت مطرح است، مهم‌ترین پیش‌نیازهای ورود به این مباحث را بررسی کنیم. توجه به نکات زیر می‌تواند در این خصوص راه‌گشا باشد:

ص: 39

1- گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 65.

2- ر.ک: داودی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، نشریه تربیت اخلاقی، 1390، ص 77.

3- رهبر و رحیمیان، اخلاق و تربیت اسلامی، 1385، ص 37.

1. موضوع تربیت اسلامی، انسان است و هدف عام آن، دادن آگاهی های لازم و فراهم کردن زمینه مناسب برای رشد و شکوفایی استعداد های انسان به منظور کمال یابی و بسترسازی جهت وصول به کمال نهایی است. به این جهت، شناخت انسان و قابلیت های او از جهات مختلف بدنی، روحی فردی و اجتماعی و توجه به دیدگاه اسلام درباره آن ها، از پیش نیاز های مباحث تربیت اسلامی است (مبانی انسان شناختی)

2. برخی مباحث معرفت شناسی، به طور عام، همچون امکان شناخت یقینی و مطلق و نیز برخی مباحث معرفت شناسی دینی مانند اعتبار انواع معرفت های دینی برای تعیین مؤلفه های تربیت، در گرو موضع ما در این مباحث است. همچنین بدون توجه به این مباحث، نمی دانیم در تعارض میان داده هایی که با روش های مختلف درباره مؤلفه های تربیت اسلامی به دست می آیند، جانب کدام روش یا داده معرفتی را ترجیح دهیم. به این ترتیب، مناسب است بخشی از مبانی تربیت اسلامی را به مبانی معرفت شناختی اختصاص دهیم. 3. هدف گذاری در تربیت نیازمند معیار است و اهداف مختلف تعلیم و تربیت نباید با هدف نهایی انسان منافات داشته باشند. چنان که اصول نیز باید ناظر به ارزش های قابل قبول تعیین شوند و گزینش روش ها و انتخاب عوامل نیز نباید با معیار های ارزشی پذیرفته شده در تعارض باشند. بنابراین باید موضع خود را درباره منشأ ارزش و ملاک ارزش گذاری به دقت تعیین کنیم. در نتیجه بسیاری از مباحث ارزش شناسی که می توان آن ها را مبانی ارزش شناختی نامید، پیش نیاز تربیت هستند.

4. از آنجا که انسان با سایر موجودات جهان در تعامل و ارتباط است، نگرش ما به تربیت انسان و مؤلفه های آن، از نگرش ما به کل هستی و ویژگی های عمومی آن منبعث می شود که در هستی شناسی [یا الهیات بمعنی الأعم] مورد بحث قرار می گیرد (مبانی هستی شناختی).

5. با توجه به این که هدف نهایی انسان از دیدگاه اسلام، قرب به خداوند است و هدف عام و اهداف میانی تربیت باید در راستای این هدف نهایی باشند، مباحث خداشناسی پیش نیازی دیگر برای تربیت اسلامی به شمار می روند. بنابراین بخشی از گزاره های مبانی از دانش الهیات بمعنی الأخص گرفته می شوند که آن ها را مبانی الهیاتی می نامیم.

در اینجا تنها به نمونه هایی از نیازمندی تربیت اسلامی به برخی از گزاره های مبانی یاد شده اشاره خواهد شد و تفصیل بحث باید در جای خود به دقت بیان شود.

## 1-2-1-2 مبانی معرفت شناختی

### اشاره

معرفت شناسی به طور مطلق، دانشی است که درباره تعریف معرفت انواع معرفت، راه ها و ابزارهای کسب معرفت، معیار صدق معرفت، معیار توجیه و اعتبار انواع معرفت ها بحث می کند. علاوه بر آن، گاهی در این دانش برخی مسائل در حوزه دین و معرفت های دینی به طور خاص مطرح می شوند. بنابراین مقصود ما از مبانی معرفت شناختی در اینجا، گزاره هایی از معرفت شناسی مطلق و معرفت شناسی دینی است و البته تنها آن دسته از گزاره ها مبنای تربیت اسلامی خواهند بود که از آن ها بتوان در تعیین مؤلفه های آن استفاده کرد.

### مبنای 1: امکان و وقوع شناخت یقینی و مطلق

بر اساس آموزه های قرآنی، خداوند متعال این قدرت را به انسان داده است که بتواند جهان هستی را بشناسد. دعوت قرآن به شناخت پدیده های آفاقی و انفسی و به تفکر، تدبیر، نظر، علم و ... دلالت بر امکان شناخت انسان دارد. درباره امکان دست یابی به شناخت، بیش از هفتصد آیه از قرآن کریم به شناخت، انگیزه ها، و انواع ابزارها و نیز منابع آن پرداخته اند. این شمار از آیه های قرآنی، هم نشانگر اهمیت بالای دانش و معرفت در قرآن و هم گویای امکان تحقق شناخت از منظر آن است. قرآن در بیش از 27 آیه شریفه با استفاده از عبارت «اعلموا» دعوت صریح به فراگیری علم نموده است. همچنین با توییح کاهلان در تحصیل شناخت، تکریم علم و عالمان و نکوهش تقلید، انسان را به کسب علم و معرفت دعوت می کند.

از سوی دیگر، امکان و وقوع شناخت یقینی، علاوه بر آن که به لحاظ عقلی مورد قبول فیلسوفان و معرفت شناسان مسلمان است، مورد تأیید اسلام نیز هست. قرآن کریم در موارد متعدد، انسان ها را به تحصیل یقین فرا خوانده (...). (لعلکم بلقاء ربکم توقنون)؛ باشد که به ملاقات پروردگارتان یقین کنید) و از کسانی که به معرفت هایی خاص همچون قیامت، یقین دارند (...). (و بالآخرة هم یوقنون)؛ و به آخرت یقین دارند) تمجید کرده است. دعوت به یقین از



سوئی مؤید امکان شناخت یقینی است و از سوی دیگر نشانه آن است که همه معرفت های ما بالفعل یقینی نیستند و تحصیل یقین در مواردی لازم است.

همچنین، بر خلاف دیدگاه نسبی گرایان که معتقدند: «همه معرفت های ما تنها نسبت به فرد یا جامعه خاص یا نسبت به شرایط عینی خاص، مانند زمان یا مکانی خاص معتبرند، نه نسبت به همه و در همه شرایط و بنابراین معرفت مطلق وجود ندارد»، در جای خود ثابت شده است که اصل وجود معرفت مطلق قابل انکار نیست و بسیاری از شناخت های ما مطلق هستند و بدون هیچ قید و شرطی معتبرند.

## **مبنای 2: امکان انتقال شناخت (تعلیم)**

ادراک امری درونی و شخصی است و هیچ کس نمی تواند به جای دیگری علم و معرفت پیدا کند. اما انسان ها در بهره گیری از ابزارها و راه های معرفت، مشابه یکدیگرند و می توانند به همدیگر کمک کنند تا به معرفت های مشابه دست یابند یاری دادن دیگران برای دست یابی به معرفتی مشابه را تعلیم می نامیم... وجود زبان خود دلیلی روشن بر امکان تعلیم و تفاهم میان انسان هاست.

## **مبنای 3: شناخت یا حضوری است یا حصولی**

برخی معرفت ها حضوری و برخی حصولی هستند؛ بدین معنا که علم یا بدون واسطه به خود معلوم تعلق می گیرد و وجود آن مستقیماً برای عالم منکشف می شود یا آنکه عالم با واسطه چیزی که نمایانگر معلوم است و اصطلاحاً صورت یا مفهوم ذهنی نامیده می شود از معلوم آگاه می گردد. قسم اول را علم حضوری و قسم دوم را علم حصولی می گویند. علم ما به خود، حالات روانی و احساسات و عواطف خویش؛ علم به افکار، اندیشه ها، تخیلات و صورت های موجود در ذهن و علم به آفریدگار خویش که به شکل فطری و غیر اکتسابی در همه انسان ها نهفته است، علم حضوری هستند. در مقابل، علم ما به هر آنچه که با چشم و گوش و سایر ابزارها و حواس ظاهری درک می کنیم و همه علوم عقلی، نقلی و تجربی که قابل تعلیم و تعلم هستند، نمونه هایی از علوم حصولی هستند.

تعمیق معرفت های حضوری و یافت های درونی از طریق توجه دادن و نیز از طریق تربیت و استکمال افراد، از اهداف تربیت اسلامی در مراحل مختلف است. همچنین هدف نهایی تربیت اسلامی (قرب به خدا) علم حضوری کامل به فقر و جودی و عین ربط بودن همه چیز نسبت به خداوند متعال است.

توجه به علم حضوری، در خودشناسی و آگاهی از ظرفیت های وجودی و فطری و به طور کلی در تربیت معنوی اهمیت دارد.

#### **مبنای 4 : ابزارهای شناخت و معرفت دینی**

معرفت دینی را نیز همچون معرفت های دیگر بشری، میتوان به دو نوع حضوری و حصولی تقسیم کرد. در بخش معرفت حضوری، می توان با اندکی مسامحه، راه یا ابزار کلی معرفت را «شهود» نامید. در حوزه معرفت دینی، یافتن بی واسطه رابطه و جودی خود با خدای متعال و تجربه حالات مختلف درونی ای که در اثر توجه به این رابطه حاصل می شوند، همچون خوف و خشیت، رضا و تسلیم، توکل، صبر و محبت، اخبات، ذلت و عبودیت که گاه «تجربه دینی» نامیده می شوند، با معرفت حضوری و شهودی اتفاق می افتند. نیز وحی (القای پیام ویژه رسالت به پیامبران علیهم السلام)، الهام (القای پیام مخفی به کسی) و تحدیث (سخن گفتن فرشتگان با معصومان علیهم السلام یا با برخی اولیای خدا)، می توانند از راه های القای برخی معارف و علوم دینی به افرادی خاص باشند. معارفی که از این راه ها در درون دریافت کنندگان پیام ایجاد می شود از نوع علم حضوری و شهودی است؛ یعنی شخصی که چنین پیام هایی را دریافت می کند، بدون واسطه از وجودشان در درون خود آگاه می شوند و آن ها را می یابند. البته معرفتی که از این راه به امور دیگر پدید می آید، نسبت به آن امور از نوع حصولی است. همچنین ابزارهای حس و عقل نیز برای کسب بسیاری از معرفت های دینی به کار می روند.

انسان با تعقل می تواند بسیاری از واقعیت های هستی را با ادراک مفاهیم کلی و استدلال درک کند و با روش استدلال برهانی به یقین برسد. همچنین این توانایی را دارد که پدیده ها را با فرضیه سازی و آزمون و تجربه، تبیین کرده و پیش بینی کند یا با استفاده از ابزارها، روش ها و

برنامه های مشخصی در مقام مداخله در امور طبیعی و اجتماعی برآید. به وسیله تعقل است که می توان از عالم نمادین و آیات آفاقی و انفسی که سراسر نمود واقعیت هستند، رمزگشایی کرد و در مقام درک حقایق و ارزش ها بایدها و نبایدهای مربوط به عمل اختیاری انسان، صلاح و فساد، حق و باطل، درست و نادرست و خوب و بد را از هم تشخیص داد و در مقام عمل به لوازم درک و فهم خویش ملتزم ماند.

## 2-2-1-2 مبانی هستی شناختی

مبانی هستی شناختی تربیت، بخشی از مهم ترین گزاره های توصیفی - تبیینی درباره حقیقت وجود و احکام کلی آن است که در مباحث جهان بینی اسلامی یا حوزه وجودشناسی فلسفه اسلامی به طور مدلل و مبرهن مطرح شده یا مفروض قرار گرفته اند.

بنابر تعریف مبانی، مقصود از «مبانی هستی شناختی تربیت» در اینجا، گزاره هایی از دانش هستی شناسی [الهیات بمعنی الأعم] است که برای تعیین اهداف، اصول، ساحت ها، مراحل، عوامل، موانع و روش های تربیت اسلامی به کار می آیند.

وجود و احکام آن، اصالت وجود، تقسیم موجود به واجب و ممکن، و تقسیم ماهیت به جوهر و عرض، وجود تأثیر و تأثر میان موجودات، نیاز به علت داشتن ممکن، ضرورت و سنخیت علی و معلولی، مراتب داشتن موجودات، تقسیم موجودات به مادی و فرامادی، تدریجی بودن عالم ماده و موجودات متعلق به عالم ماده و وجود تراحم در عالم ماده از مباحثی است که در این بخش از آن ها بحث می شود. لکن با توجه به فلسفی و نظری بودن بسیاری از این مطالب و جهت اجتناب از اطاله کلام از بیان توضیح آن ها خودداری می شود.

## 2-2-1-3 مبانی الهیاتی

### اشاره

مقصود از مبانی الهیاتی، گزاره هایی است خبری، مربوط به مهم ترین اعتقادات در دین اسلام که از آن ها در استنتاج مؤلفه های تربیت اسلامی استفاده می شود. این گزاره ها در علم کلام با روش عقلی و نقلی مورد بحث و بررسی قرار می گیرند و بخشی از آن ها که با روش عقلی در فلسفه بررسی می شوند، ذیل مباحث الهیات بالمعنی الاخص قرار می گیرند.

مبانی الهیاتی نیز، همچون سایر مبانی تربیت اسلامی به صورت اصل موضوع پذیرفته می شوند و در اینجا تنها درباره مفاد آن ها توضیح کوتاهی ارائه می شود.

### **مبنای 1: خداوند مبدأ و منشأ جهان هستی و مالک مدبر و رب حقیقی است**

خداوند مبدأ و منشأ جهان هستی و مالک، مدبر و رب حقیقی همه موجودات عالم است. توضیح آنکه موجودات یا ممکن الوجود هستند یا واجب الوجود؛ یعنی وجود و بودن برای موجودها می تواند هم باشد و هم نباشد (ممکن الوجود)؛ ولی بودن برای یک موجود، همیشه بوده و واجب است. منشأ هستی موجودات ممکن، خداوند (واجب الوجود) است که حقیقت و ذات هستی می باشد و از هر ویژگی و کمالی بالاترین مرتبه اش را دارد و از هرگونه عیب و نقص و فقر و نیاز پیراسته است تمام موجودات - مادی و غیرمادی - هستی خود را از او می گیرند و در وجود و ادامه حیات به او نیازمندند. ربوبیت حق بر اساس مفاد قرآن کریم به ویژگی خالقیت و مالکیت خداوند اطلاق می شود؛ بنابراین انسان مملوک و مخلوق و تحت تربیت و ربوبیت تکوینی و تشریحی خداوند قرار دارد. ربوبیت تکوینی به معنای خلق و هدایت همه جهان و آدم است و ربوبیت تشریحی به معنای ارسال رسل و انزال کتب، استمرار نبوت خاصه در امامت و ولایت فقیه برای هدایت آدمیان است.

تنها خداوند، مالک حقیقی همه چیز است و بر همه آن ها تسلط دارد. همه چیز در عالم هستی به طور تکوینی تحت ربوبیت الهی است و با اراده او انجام می شود و فرشتگانی که واسطه تدبیر عالم هستند، در نهایت تحت تدبیر خداوند کار می کنند. تنها مربی، حضرت حق تعالی است و هرگونه فعل تربیتی از سوی مربی (و به طریق اولی خود مربی) باید مأذون از او باشد. ربوبیت تشریحی نسبت به موجودات مختار نیز تنها به خداوند تعلق دارد و هیچ کس بدون اذن الهی، حق ندارد قانون وضع یا به دیگران امر و نهی کند. مربی در این فرایند، فقط نقش متذکر و رساننده را دارد.

همچنین، تمام فرآیند تربیت، اهداف، مراحل، روش ها و... به عنوان نوعی تصرف در ملک خداوندی است و باید براساس رضایت الهی و در راستای آن باشد. بدین ترتیب، مشروعیت

تربیت وابسته به اذن الهی است.

از این مبنا می توان نتیجه گرفت که پرورش روحیه توحید در استعانت و توحید در توکل از اهداف تربیت اسلامی است

## **مبنای 2: خداوند وجود کامل مطلق است**

خداوند کمال بینهایت است و هیچ موجودی هم رتبه او نیست. تنها خداوند متعال، آفریننده سایر موجودات است. بنابراین هیچ موجودی در وجود خود از خداوند بی نیاز نیست.

## **مبنای 3: تنها خداوند شایسته پرستش است**

از نتایج توحید در ربوبیت تکوینی و تشریحی، توحید در الوهیت است؛ بدین معنا که هیچ کس جز خداوند متعال سزاوار پرستش نیست؛ زیرا وقتی پذیرفتیم که تنها خداوند است که عملاً اداره و تدبیر کل جهان را در دست دارد و تنها اوست که مستقلاً دارای حق قانون گذاری و صدور امر و نهی است، باید بپذیریم که تنها او این شایستگی را دارد که انسان خود را بی پون و چرا در اختیار او قرار دهد و کاملاً مطیع و فرمان بردارش باشد.

بر اساس این مبنا، توحید در عبودیت از اهداف تربیت اسلامی است و نظام تربیت اسلامی باید انسان را به بندگی خداوند سوق دهد و از بندگی هر موجود دیگر رها کند.

## **مبنای 4: خداوند همه امور عالم هستی را مقدر کرده است**

منظور از تقدیر الهی در قرآن کریم این است که خداوند برای هر پدیده ای اندازه و حدود کمی و کیفی و زمانی و مکانی خاصی قرار داده است که تحت تأثیر علل و عوامل تدریجی تحقق می یابد. منظور از قضای الهی در معنای مورد بحث نیز آن است که پس از فراهم شدن مقدمات و اسباب و شرایط یک پدیده، آن را به مرحله نهایی و حتمی می رساند. طبق این تفسیر، مرحله تقدیر، قبل از مرحله قضا و دارای مراتب تدریجی و نیز مشروط به فراهم شدن اسباب و شرایط است و در نتیجه با تغییر بعضی از اسباب و شرایط تغییر می یابد، ولی مرحله قضا، دفعی و نیز حتمی و غیر قابل تغییر است.... بنابراین، مقصود از قضا و قدر عام الهی نسبت به همه موجودات آن است که سرنوشت مشروط و حتمی هر موجود، یعنی همه مراحل

وجود او با علم و اراده الهی تحقق می یابد.

البته باید دانست که اعتقاد به قضا و قدر الهی، مستلزم جبرانگاری نیست و نباید با آن اشتباه شود. خدای متعال انسان را مختار آفریده و نسبت به افعال اختیاری اش مسئول است. اراده الهی در طول اختیار انسان قرار دارد. پس تنها مؤثر نهایی در امر تربیت خداوند است و نه مربی و تأثیر خود انسان و مربی در مراحل بعدی (در طول اراده الهی) است. براین اساس، مربی باید به گونه ای پرورش یابد که علاوه بر اعتقاد به قضا و قدر، به جبرانگاری و بی مسئولیتی نینجامد. نیز تربیت اسلامی باید موجب تقویت روحیه زهد گردد، به گونه ای که مربی با ایمان به این که سرنوشت او با تدبیر نیکوی الهی تعیین می شود، اولاً برگزیده و نعمت های از دست رفته اندوهگین نشود، ثانیاً نسبت به آینده و نعمت های در اختیار سرمست و مغرور نگردد.

### **مبنای 5: مجموعه اجزای عالم هستی، نظام واحدی را تشکیل می دهند**

کل عالم هستی یک نظام به هم پیوسته است و همه شاخه های هستی با ارتباط وجودی با خدای متعال به یک ریشه متصل اند. از این مبنا استفاده می شود که تعلیم و تربیت باید نگاهی کل نگر و تعاملی به همه اجزای هستی داشته باشد.

### **مبنای 6: در نظام هستی علت و معلول حاکم است**

براساس نظام علت و معلول، جهان در کل، معلول فعل الهی است و حق تعالی علت العلل است. بین پدیده ها و اجزای جهان، رابطه علی برقرار است و همه از فیض الهی و قضا و قدر او و از مسیر اسباب و علل وجود می یابند. در نظام تدبیر جهان، هیچ کس و هیچ چیز به طور مستقل در تدبیر و اراده الهی دخالتی ندارد؛ ولی برخی موجودات محسوس (علل و عوامل طبیعی و انسانی) یا نامحسوس (فرشتگان، شیاطین و اجنه) بنا بر اذن خداوند و در چهارچوب اراده او، می توانند در تدبیر دخالت کنند.

## مبنای 7: جهان در حال شدن و دگرگونی است

جهان و البته انسان نیز، همواره در حال شدن و تغییر هستند. تمام اجزای جهان مادی، در سطوح و مراتب مختلف وجود، در ذات خود در حرکت بوده و سیر تکاملی دارند (حرکت جوهری). این شدن و حرکت، به سوی یک مقصد و هدف نهایی صورت می گیرد و آن خداوند متعال است.

## مبنای 8: نظام هستی، برترین نظام ممکن می باشد که با حکمت الهی ایجاد شده است

جهان هستی که نظام احسن است بر اساس اراده حکمت و سنن الهی اداره می شود. خواست او بر همه جهان تسلط دارد (قضا) و هستی بر اساس محدوده ای حرکت می کند که او معین کرده است (قدر) جهان طبیعت و همه واقعیتهای آن (یعنی دنیا)، امور محدود، پایان پذیر و فناشدنی هستند. توضیح آنکه هدف خداوند از افعال خود، ایجاد کمال در هستی است و موجودات مادی، همه کمالاتی را که می توانند داشته باشند، بالقوه دارند که برای دسترسی به آن ها با موجودات دیگر، دچار تراحم می شوند؛ چراکه عالم ماده، عالم تراحم است. بنا بر وصف حکمت الهی، عالم ماده نیز به گونه ای آفریده شده که در مجموع، بیشترین و برترین کمال از آن قابل حصول باشد و نظامی که به این ترتیب حاصل می شود، دارای اهدافی متناسب با کمال الهی است و حکیمانه نامیده می شود و از آنجا که خداوند کامل مطلق است، تحقق نظامی از موجودات، کامل تر از آنچه او ایجاد می کند ممکن نیست.

بنابراین مقصود از احسن بودن نظام هستی، بدین معنا است که مجموع این نظام در کل وجودش، کاملترین نظامی است که امکان تحقق دارد و این سخن، هیچ منافاتی با لزوم تلاش برای تکامل بیشتر و رفع کاستی ها و نقایص و وصول خود و دیگران به اهداف متعالی - که خود بخشی از همین نظام است - ندارد.

## مبنای 9: نظام احسن بر اساس عدالت برقرار است

نظام احسن براساس عدالت برقرار است و خداوند موجودات را به شایسته ترین وجه آفریده است و هم چنین خداوند بنابر عدالت خویش به افراد مختلف، استعدادها، توانایی ها و ظرفیت های مختلف داده است که بیش از توانایی شان از آن ها چیزی نخواست تا بتوانند به

کمال خود راه یابند. خداوند در مقام قضاوت، متناسب با عمل آن ها داوری می کند و در مقام پاداش و کیفر، آن ها را به نتیجه ای که متناسب با عمل اختیاری خودشان است، می رساند.

با توجه به این مبنا، نظام تربیت اسلامی باید هماهنگ با عدالت حاکم بر نظام خلقت، اصل تناسب و اعتدال را رعایت کند؛ یعنی در همه مراحل، برنامه ها را مطابق با قابلیت و توان انواع مخاطبان در یادگیری و تربیت پذیری تنظیم کند و تکالیف، انتظارات و ارزیابی از آن ها را بر همین اساس انجام دهد. نیز روش های تربیت مانند تشویق و تنبیه، باید عادلانه و متناسب با فهم و توان مخاطب به کار گرفته شود.

### **مبنای 10: خداوند موجودات را به سوی کمال هدایت می کند**

خداوند همه موجودات را به طور تکوینی به بهترین مسیر هدایت می کند و براساس مبنای نظام احسن، آن ها را چنان اداره می کند که در مجموع، بیش ترین خیر و کمال از آن ها حاصل شود. فراهم کردن زمینه های عملی حرکت موجودات به سمت مقصد مطلوب از آفرینش آن ها هدایت تکوینی نامیده می شود. در نتیجه، جهت حرکت عمومی پدیده های جهان در مجموع رو به رشد، کمال و تعالی است.

خداوند موجودات مختار مانند انسان را، علاوه بر هدایت تکوینی عمومی، به صورت تشریحی نیز هدایت می کند (با وسایل درونی مانند عقل و سایر قوای ادراکی و وسایل بیرونی مانند ارسال رسل و انزال کتب و وضع قانون و شریعت).

از این مبنا می توان نتیجه گرفت که برای تحقق اهداف تربیت اسلامی، پیروی از تعالیم و راهنمایی های دین الهی حق لازم است و اصول و روش های تربیت اسلامی نه تنها نباید خارج از چارچوب قانون و شریعت الهی مطرح گردند که همه این اصول و روش ها باید در راستای تحقق و گسترش این قوانین باشند.

### **مبنای 11: هستی دارای غایت و هدف واحد است**

کل هستی در نهایت دارای غایت و هدف واحد است و این هدف، حق و حکیمانه است. بنابراین هدف نهایی و هدف تربیت انسان نیز می تواند واحد، حکیمانه و معقول باشد.



راهنمایی به سوی این هدف از طریق هدایت عام (غریزه، حس، عقل، الهام و فطرت)، و هدایت خاص (ارسال رُسل و انزال کُتُب) صورت می‌پذیرد. بنابراین همه موجودات و از جمله انسان در مسیری معین و مشخص در حال هدایت، تربیت حرکت و شدن برای رسیدن به غایت نهایی است.

#### 4-2-1-2 مبانی انسان‌شناختی

#### اشاره

شناخت انسان، ابعاد و ویژگی‌های او، از پیش نیازهای اصلی تربیت است. هرچه شناخت ما از انسان عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد، برنامه ریزی برای تربیت او دارای اتقان بیشتری خواهد بود. تقسیم‌های متفاوتی از مبانی انسان‌شناسی صورت گرفته است؛ ولی در این جا گزاره‌هایی درباره ابعاد، ویژگی‌ها، استعدادها و توانایی‌ها و محدودیت‌های انسان به صورت خلاصه ارائه می‌شود.

#### مبنای 1: انسان موجود مرکب از روح و بدن است

بنابر آموزه‌های اسلامی، انسان موجودی مرکب از جسم (مادی) و روح (غیر مادی یا مجرد) به عنوان دو حیثیت درهم تنیده و باهم مرتبط است که تأثیرهای متقابل دارند. بنابراین، در تبیین اهداف، اصول، ساحت‌ها، عوامل، موانع و روش‌های تربیت باید هر دو بعد وجود انسان را در نظر گرفت.

علاوه بر این، بخش اصیل وجود انسان، روح، است و انسانیت او در گرو آن بوده و کمال و جاودانگی انسان به کمال و بقای روح بستگی دارد. بنابراین هدف اصلی در تربیت، باید پرورش و استكمال روح باشد و پرورش بدن، وسیله‌ای برای تکامل روح به شمار می‌رود.

#### مبنای 2: انسان‌ها دارای سرشتی مشترک به نام فطرت هستند

همه انسان‌ها سرشتی مشترک به نام فطرت الهی دارند؛ بدین معنا که نوعی معرفت و گرایش ذاتی به مبدأ عالم هستی دارند. فطرت انسان که شامل شناخت‌ها و گرایش‌ها است، همواره در انتظار تحقق و بروز خارجی و شکوفایی می‌باشد. انسان با اراده، آزادی و اختیار می‌تواند آن را به فعلیت برساند؛ یعنی تثبیت کند، توسعه دهد یا به فراموشی بسپارد؛ ولی فطرت هیچ‌گاه از بین نمی‌رود.

شهید مطهری می گوید: «اگر انسان دارای يك سلسله فطریات باشد، قطعاً تربیت او باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد».

(1)

نکته ای که باید به آن توجه کرد این است که برای شکوفایی استعدادهای فطری، نیازمند برطرف کردن موانع آن ها و هدایت صحیح شان برای رسیدن به کمال هستیم. بر مبنای فطرت، روش های تذکر، موعظه، پرسش و پاسخ، امر به معروف و نهی از منکر، برای تربیت اخلاقی اتخاذ می شود.

### **مبنای 3: انسان دارای کرامت تکوینی و اکتسابی است**

در میان موجودات جهان، انسان جایگاه ویژه ای دارد. خداوند انسان را بر بسیاری از مخلوق های خویش، امتیاز و برتری داده و او را خلیفه خود بر روی زمین قرار داده است. هم چنین خداوند آدمی را از بهره های درونی ویژه ای نظیر عقل و اراده برخوردار ساخته و او را به سبب این بهره وری ها گرامی و بزرگ داشته است و به علت این کرامت تکوینی، مسجود فرشتگان قرار گرفته است.

از سوی دیگر، تنها با ایمان و عمل صالح (تقوا) است که سبب پیدایش کرامت اکتسابی است و هر که بهره بیشتری از آن داشته باشد، نزد خدا گرامی تر است.

بنابراین در تربیت لازم است اولاً- به کرامت انسان توجه شود و مورد تحقیر قرار نگیرد و ثانياً برتری او، امکان خلیفه شدن و تلاش هرچه بیشتر در این جهت لحاظ گردد.

### **مبنای 4: انسان موجودی آزاد و مختار است**

با توجه به قضا و قدر الهی و امکان صبرورت در جهت هدایت و گمراهی و کفران و شکر، به طور کلی، دو نوع رفتار را می توان برای انسان در نظر گرفت: رفتار غیرارادی و رفتار ارادی. انتخاب گری در رفتارهای ارادی، یعنی احساس آزادی عمل و توانایی گزینش یک راه از میان دو یا چند راه همراه با سنجش و تصمیم گیری که می تواند به فعل یا ترک یک عملی بینجامد. قرآن بر آزادی انسان و انتخاب گری او تأکید و تصریح دارد؛ ولی بدین معنا نیست که او آزاد مطلق (رها از

ص: 51

هرگونه قانون و تکلیف) است؛ چرا که آزادی به معنای نفی کامل تأثیر علل و عوامل بیرونی و درونی و نفی قانون علیت بر اعمال آدمی و آثار آن نبوده، بلکه آزادی مبنای اختیار و اساس هرگونه تکلیف و مسئولیت پذیری انسان است تا بر اساس آن پاداش و عقاب معنا یابد.

تنها با پذیرش این مبناست که می توان امکان تعلیم و تربیت اختیاری را اثبات کرد. همچنین، با توجه به این مبنا، در فرایند تربیت اسلامی، باید به ایجاد و تثبیت این باور همت گماشت که اراده در مجموعه علل و اسباب فعل اختیاری، عنصری اساسی است. اگر

مترقی چنین باوری نداشته باشد و خود را مقهور عوامل بیرونی بداند، کوششی از درون برای بهبود وضعیت خویش نخواهد داشت و تلاش مریبان بی ثمر یا کم اثر خواهد شد.

### **مبنای 5: انسان موجودی هدفمند است**

از آن جا که جهان هستی، هدفمند است؛ انسان نیز به عنوان جزئی از هستی، دارای هدف نهایی و در هماهنگی با آن است. هدف نهایی انسان، رسیدن به کمال و سعادت است. قرآن، هدف و کمال انسان را در آگاهی کامل و علم شهودی و حضوری او به خدای متعال می داند که همان قرب حقیقی نسبت به پروردگار است و با تلاش و تهذیب نفس به دست می آید. هدف نهایی قرب به خدا برای انسان امید آفرین و تلاش برانگیز بوده و موجب می شود برای رسیدن به کمال خویش، نفس خود را از زشتی ها بپیراید.

رسیدن به سعادت (به عنوان غایت آفرینش انسان) با توجه به نیروی اراده و اختیار، مستلزم حرکت تدریجی و تعالی جویانه از مراتب پایین است. این حرکت، نیازمند تلاش مستمر برای تغییر توأم با ایمان و عمل صالح است. کسب فضایل اخلاقی و عمل به آن ها، موجب اشتداد و شکوفایی وجود آدمی شده و رساننده او به غایت است.

### **مبنای 6: انسان همواره در پی دست یابی به کمال است**

از آنجا که انسان دارای حب ذات است و خود را دوست دارد، کمالات خود را نیز دوست دارد و به دلیل آنکه معمولاً این کمالات در او بالفعل نیستند، خواهان دست یابی به آن هاست. از سوی دیگر، این کمال طلبی انسان بی نهایت است و به هیچ مرتبه ای از کمال خرسند

نمی‌گردد و همواره کمالی بالاتر از آن را می‌جوید.

### **مبنای 7: کمال نهایی انسان قرب به خداوند متعال است**

با توجه به مبانی پیشین، اینکه انسان به صورت فطری هر کمالی را به صورت نامحدود می‌خواهد، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که کمال نهایی انسان، تقرب به خداوندی است که سرچشمه پایان‌ناپذیر همه کمالات است و در اثر قرب به او چنان بهجت و سعادت برای آدمی فراهم می‌شود که با هیچ لذت و موقعیت دیگری قابل قیاس نیست.

### **مبنای 8: انسان برای دست‌یابی به کمال حقیقی، نیازمند وحی است**

انسان با دانش و عقل خود نمی‌تواند به کمال حقیقی خویش دست‌یابد. از سوی دیگر، خداوند حکیم با آفرینش انسان، هدفی در نظر داشته و او را به حال خود رها نکرده است؛ بنابراین انسان به راه و معرفت دیگری نیاز دارد که نقایص دانش و عقل او را برطرف کند. خدای متعال از طریق وحی (معرفت ویژه) به بعضی از بندگان خاص خود، راه‌های رسیدن به کمال حقیقی را نشان داد تا انسان با اختیار خود، هم از دانش عقل و هم از وحی بهره‌برد؛ چراکه در صورت نبودن معرفت ویژه، مردم می‌توانستند نارسایی ابزارهای عمومی معرفت را سبب گمراهی خود دانسته و برای بی‌ایمانی‌شان دلیلی فراهم سازند.

### **مبنای 9: انسان دارای استعدادهای طبیعی متنوع و قابل رشد و تعالی مداوم است**

حرکت انسان به سمت غایت، مستلزم داشتن استعدادها و توانایی‌ها و به فعلیت رساندن آن‌ها است. اگرچه حرکت نفس بر اساس آزادی ذاتی انسان، متوجه جهتی متعین و از پیش تعریف شده نیست و ادبار و اقبال‌های فراوانی دارد؛ ولی خود انسان با اراده‌اش می‌تواند آن‌ها را در جهت خیر و رسیدن به کمال به فعلیت برساند. اما افزون بر عقل درون عقل بیرونی (یعنی پیامبران و راهنمایان الهی) یاری‌رساننده انسان در انتخاب گزینه‌های خیر و شر است.

ص: 53

انسان موجودی اجتماعی و به اصطلاح «مدنی بالطبع» است و در بستر اجتماع ساخته و پرداخته می شود؛ بنابراین، این دو تأثیرهای متقابل زیادی دارند؛ چراکه در بستر زندگی اجتماعی و هم‌گرایی است که انسان‌ها زمینه بروز رفتارهای اجتماعی و خودشکوفایی را پیدا می‌کنند. در گیرودار رفتارهای جمعی و برخوردهای دوسویه، فرصت‌های تازه‌گزینش و آزمایش برای آدمیان فراهم می‌شود و بسیاری از قابلیت‌های آنان امکان بروز و شکوفایی می‌یابد.

براساس این مبنا، ساحت تربیت جمعی یا اجتماعی یکی از ساحت‌های اصلی تربیت اسلامی است. همچنین، هنگامی که میان منافع فرد و جامعه تراحمی روی می‌دهد، باید منافع جامعه را مقدم داشت.

**مبنای 11: انسان موجودی ملکف و دارای مسئولیت است**

آدمی با توجه به آزادی و قدرت انتخابش برای حرکت در مسیرهای مختلف زندگی، تکلیف دارد به طور آزادانه و آگاهانه در جهت حق و کمال بکوشد؛ بنابراین نسبت به انجام وظایف فردی و اجتماعی مسئولیت داشته و باید پاسخگوی انتخابش باشد. الزام به تکالیف فردی و اجتماعی (در رابطه با خدا، خود، خلق و خلقت) متناسب با توانایی و رعایت شرایط عمومی تکلیف (عقل، بلوغ، علم، قدرت و اختیار) از سوی خداوند و در جهت خیر و کمال بندگان صورت می‌پذیرد. عقل نیز علاوه بر پذیرش این تکالیف، امثال آن‌ها و اطاعات از مولای حقیقی را بر بنده لازم‌شمرده و نافرمانی را مستوجب عقاب می‌داند.

در بینش توحیدی، انسان فقط در برابر خداوند مسئولیت دارد؛ ولی در مواردی، انجام برخی وظایف در قبال افراد مشخصی را، ملازم یا مساوی با رعایت حقوق آن‌ها میدانند که از آن به «حق الناس» تعبیر می‌شود و رعایت این حقوق حتی بر «حقوق خداوند» نیز مقدم دانسته شده است. بنابراین انسان هم به دلیل انسان بودن و هم به دلیل اینکه موجودی اجتماعی است در قبال خداوند و جامعه مسئول است. شکرگزاری در برابر نعمت‌ها و اطاعت از فرامین و نیز مسئولیت‌خانوادگی و زیردستان، از جمله مسئولیت‌های انسان است.

## مبنای 12: زندگی دنیوی انسان، مقدمه ای برای زندگی اخروی است

در بینش اسلامی، انسان با مرگ فنا نمی پذیرد، بلکه روح او هم چنان باقی مانده و همه اعمال انسان تأثیری پایدار بر آن دارد. زندگی انسان در پیش و پس از مرگ، رابطه متقابل و تأثیرگذار با یک دیگر دارند. زندگی دنیایی مقدمه زندگی آخرتی است، بلکه دومی در گرو چگونگی زیستن در اولی می باشد. بر همین اساس، قرآن تأکید دارد که انسان در روز قیامت، اعمال خیر و شر خویش را می یابد.

## مبنای 13: انسان در توانایی، بینش و گرایش کاستی هایی دارد

انسان با همه این ویژگی ها، توانایی ها و برخورداری ها، دارای کاستی ها و محدودیت های نیز هست، از جمله:

- انسان در معرض انواع خطرها و تهدیدهای بیرونی و درونی قرار دارد؛

- انسان در این دنیا فناپذیر است؛

- انسان محدودیت اختیار دارد و سنت های الهی بر زندگی او حاکم می باشد؛

. انسان ضعیف، حریص، ستم کار، ناسپاس، نادان، شتاب زده، فراموش کار، دارای قساوت قلب، قفل زدگی قلب، عدم تقه قلب، مهر خوردن و ختم قلب، اعراض از ذکر، تکذیب گری و انکار آیات الهی و آرزوهای طولانی و... است.

البته بسیاری از کاستی های یاد شده را می توان به تدریج بر طرف ساخت و گاهی برای رفع کاستی ها نیازمند یاری دیگران هستیم.

## 5-2-1-2 مبانی ارزش شناختی

### اشاره

ارزش در معنای عمومی، تقریباً هم معنای مطلوبیت است و ارزش مند، یعنی مطلوب. ارزش، کیفیت یک شیء است که آن شیء را مطلوب، خواستنی، پذیرفتنی و مفید می گرداند. در اخلاق، آنچه آرمان زندگی است و نیز فضایل اخلاقی یا کارهایی که برای دست یابی به این آرمان مؤثر است، ارزشمند دانسته می شوند. ارزش به متعلق دستورها، سلیقه ها و قراردادهای و نیز به اهداف، افعال، اشیاء و اشخاص قابل اطلاق است.

ص: 55

اهداف از اموری هستند که به ارزش متصف می‌شوند؛ زیرا اهداف از جمله امور مطلوب به شمار می‌روند. در واقع، هدف به مقصد مطلوب گفته می‌شود.

ارزش گاه به اموری اطلاق می‌شود که صرفاً به لحاظ دستور، سلیقه یا قرارداد مطلوب هستند و مطلوبیت آن امری واقعی و عینی نیست و گاه برای اهداف، افعال، اشیاء یا اشخاصی به کار می‌رود که واقعا شایستگی آن را دارند که مطلوب باشند و وابسته به طرز تلقی خاص فرد یا افراد نیست.

### **مبنای 1: ارزش به ذاتی و غیر تقسیم می‌شود**

برخی ارزش‌ها، ذاتی، ناوابسته و غایی اند و برخی غیر، وابسته و ابزاری. برای مثال، کارهایی که با اختیار خود انجام می‌دهیم، برای رسیدن به هدفی است و در واقع، مطلوب بودن این کارها به جهت مطلوب بودن اهداف است. اما آنچه هدف نهایی ما از انجام دادن کار است، خودبه‌خود مطلوب است، نه به جهت مطلوب بودن چیزی دیگر.

همچنین، از میان همه اموری که موصوف ارزش واقعی قرار می‌گیرند، تنها هدف نهایی (قرب به خداوند) ارزش ذاتی دارد و ارزش آن منشأ ارزش سایر امور است. به این ترتیب، در مباحث تربیتی نیز مقصود از هدف، هدف شایسته است، نه هدف مورد نظر اشخاص و باید ابتدا آنچه شایسته است هدف نهایی قرار گیرد، تعیین شود و سایر اهداف تربیت اسلامی در راستای آن هدف نهایی معین گردند.

### **مبنای 2: اصول ارزشی ثابت و مطلق هستند و ارزش سایر امور، متغیر و وابسته**

بعضی از ارزش‌ها به طور مطلق، همیشه و در همه جا با ارزش هستند (ارزش مطلق) و برخی تنها در شرایط و موقعیت‌های خاص مطلوب واقع می‌شوند (ارزش نسبی). با توجه به ذاتی و ناوابسته بودن ارزش هدف نهایی (قرب به خداوند)، همه اموری که حقیقتاً موجب تقرب به خداوند می‌شوند بدون استثنا ارزشمند خواهند بود؛ مانند توحید (از جمله توحید در عبودیت)، رضا توکل، محبت، خوف و رجاء که مستلزم دست‌یابی به همه فضایل حقیقی انسانی است، دارای ارزش ثابت و مطلق است. همچنین، ارزش‌گیری دارای مراتب است؛ از

میان اموری که به ارزش گیری متصف می شوند، هر چیزی که در نیل به هدف نهایی تأثیر فزون تری داشته باشد، ارزش مندتر خواهد بود و هر مقدار که از تأثیر در این هدف کاسته شود، ارزش گیری نیز دچار کاستی می شود. به این ترتیب، ارزش گیری دارای شدت و ضعف و مراتب مختلف است.

### **مبنای 3: حد نصاب ارزش، ایمان به اصول دین است**

با توجه به مباحث پیشین، می توان نشان داد که اساساً رسیدن به هدف نهایی تنها با ایمان به پروردگار و باور قلبی به این که با بازگشت همه به سوی او به پاداش و کیفر رفتارهای خود دست می یابیم و نیز ایمان به کسانی که راه صحیح زندگی و رسیدن به هدف مطلوب را از طرف خدای متعال نشان میدهند، امکان پذیر است.

### **مبنای 4: عقل تجربه و وحی، راه های تشخیص ارزش ها هستند**

به جز تشخیص ارزش ذاتی که از راه عقل میسر است، تشخیص ارزش گیری و نیز تشخیص ارزش برتر، تنها در مواردی کلی از راه عقل میسر است؛ یعنی در مواردی که عنوان موضوع و موصوف ارزش، نشان دهنده تأثیر مثبت در نیل به کمال حقیقی است؛ مانند ارزش عبادت خداوند، اخلاص در کارها برای او، عدالت و تربیت دیگران در مسیر کمال. اما در برخی از عناوین، تشخیص تأثیر در کمال، وابسته به تجربیات عملی است. برای مثال، علوم تجربی می توانند روش های مؤثر در تعلیم و تربیت را تا حدودی معین کنند. البته تشخیص ارزش مندی این روش ها، منوط به این است که بدانیم در مجموع، تأثیری منفی در کمال حقیقی انسان ندارند.

گاهی عقل و تجربه توان تعیین مصداق ارزش را ندارند که در چنین شرایطی، تنها راه تشخیص ارزش مندی کارها، رجوع به وحی الهی و متون دینی است؛ زیرا هدایت تشریحی خداوند، راه های حقیقی به سوی کمال را به انسان نشان می دهد. نتیجه این مبنا برای تعلیم و تربیت اسلامی آن است که سیاست ها، برنامه ها و نحوه به کارگیری عوامل و روش ها باید با ارزش های اصیل دینی، که در متون دینی اسلام آمده است، منطبق باشند.



## مبنای 5: عدالت اساسی ترین ارزش اجتماعی است

عدالت در آموزه های اسلامی، اساسی ترین ارزش اجتماعی محسوب می گردد که دارای ارزش مطلق و ثابت است؛ زیرا ملایمت و تناسب اعمال عادلانه با استواری و سعادت انسان و جامعه، همواره ثابت است. معیار عدالت، رعایت حق و حقوق افراد است. در عدالت، هر کس متناسب با وسع و تلاش خود، باید از حق و پاداش یا جزای مناسب برخوردار گردد.

## مبنای 6: رأفت و احسان متمم عدالت است

رأفت و احسان به معنای فراتر رفتن از محاسبه دقیق و عادلانه در عدالت است. به هر حال، تکمیل و روند تکوین و تعالی فرد و جامعه در گروه برقراری عدالت و گاهی احسان کردن است. چنان که در رابطه بین خدا و انسان نیز، رحمت و لطف و اسعه الهی مبنای رشد آدمی است.

## 2-2 اصول تربیت اسلامی

### اشاره

اصول با مبانی و اهداف تربیت مرتبط است؛ اصول گزاره های هنجاری و ناظر به «بایدها» است که از مبانی (گزاره های ناظر به «هست ها») گرفته می شود و راهنمای عمل جهت رسیدن به اهداف تربیت است. (1) اصول تربیت به کارگزاران تربیتی کمک می کند تا تمام مؤلفه های جریان تربیت را به نحو شایسته جهت تحقق غایت تربیت ساماندهی کنند. در تعریف اصول تربیت آمده است: «اصول تربیت اسلامی، گزاره هایی تجویزی و کلی، خطاب به دست اندرکاران تربیت هستند که با اتکا بر مبانی تربیت اسلامی، رابطه ضرورت بالقیاس میان انواع فعالیت های مربوط به حوزه تعلیم و تربیت را با اهداف تربیت اسلامی بیان می کنند و راهنمای عملیات مزبور هستند.» (2)

### 2-2-1 ویژگی های حاکم بر اصول تربیتی

### اشاره

ویژگی های حاکم بر اصول تربیتی را می توان به شرح زیر برشمرد:

1. اصل، امری ابداعی و اختراعی نیست، بلکه با توجه به مبانی خود قابل دست یابی است

ص: 58

1- ر.ک باقری نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ص 68؛ شریعتمداری اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، ص 11.

2- ر.ک گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 297.

و یا از رهگذر دریافتِ عنصر مشترکِ روش‌های مختلف قابل احراز و کشف است؛

2. اصل، مفهومی کلی است و ملاک و معیار واقع می‌شود؛ بنابراین نمی‌تواند امری جزئی و دارای یک مصداق معین باشد؛

3. اصل، صرفاً یک پدیده مفهومی است؛ تفاوت ماهوی اصل با دیگر عناصر نظام تربیتی، یعنی مبنا، هدف و روش، در بعد مفهومی آن است؛ به این معنا که، اصل از ارتباط میان دیگر مفاهیم زاییده می‌شود در حالی که مفاهیم مبنا، هدف و روش دارای منشأ انتزاع عینی هستند؛

4. اصل ماهیتی هنجاری (ارزشی) دارد؛ نظر به این که اصل، قاعده و معیار عمل و ناظر بر آن است، نمی‌تواند رویکردی توصیفی نسبت به واقعیات تحت عنوان خود داشته باشد، بلکه، برخلاف مبنا که جنبه توصیفی از واقعیات دارد، درصدد ارائه واقعیاتی مطابق مدلول خود و هنجاری متناسب با خاستگاه خود است. به طور کلی، اصول تربیت متضمن ارزش گذاری متناسب با مبنای پذیرفته شده در تربیت و اهداف مورد نظر آن است؛

5. اصل بر روش حاکم است و ضابطه مفهومی و رابطه‌ای برای استفاده از روش هاست؛ بدین معنا که اصل راهنمایی نظری برای گزینش روش‌های خاص متناسب با اهداف و طرد دیگر روش‌هاست. (1)

### مروری بر ویژگی‌های عمومی تربیت اسلامی

برخی از ویژگی‌های عمومی تربیت اسلامی که از مبانی اخذ شده‌اند و راهنمای تعیین اهداف، اصول، ساحت‌ها، مراحل، عوامل، موانع و روش‌های تربیت اسلامی به طور کلی هستند در هشت مورد زیر خلاصه شده‌اند:

هدف نهایی تربیت از دیدگاه اسلام، تقرب به خداوند است؛

راه رسیدن به این هدف نهایی در دین اسلام به بهترین و کامل‌ترین وجه بیان شده است؛

ساحت‌های تربیت، همه ابعاد و ساحت‌های مختلف وجود انسان را در بر می‌گیرند و هر

ص: 59

یک به نسبت خود، در وصول به هدف نهایی نقش دارند؛

تربیت در ابعاد و ساحتهای مختلف انسان، از طریق فراهم کردن عوامل، رفع موانع و به کارگیری روش های مناسب امکان پذیر است؛

تربیت، امری تدریجی است که با توجه به پیش نیازهای آن قابل تحقق است؛

عوامل و موانع تربیت از زمان انعقاد نطفه انسان تا پایان زندگی او در این جهان، به طور مداوم می توانند در ابعاد و ساحت های وجود انسان تأثیر بگذارند و هر یک زمینه را برای تأثیر پذیری های بعدی نیز فراهم کنند؛

تربیت در ساحت های گوناگون و نیز به کارگیری عوامل و رفع موانع و استفاده از روش های مختلف، در عمل با محدودیت ها و تراحم هایی مواجه می شوند؛

تربیت فرایندی است هدفمند که دست یابی به اهداف آن جز با طراحی، برنامه ریزی، هدایت و رهبری این فرایند از طریق سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات و ارزیابی و نظارت بر آن ممکن نیست. (1)

اینک به عام ترین اصول تربیت اسلامی اشاره می شود که حاصل ویژگی های هشتگانه یاد شده است. همچنین، به برخی از مهم ترین اصول سطوح پایین تر که ذیل این اصول عام و در طبقات بعدی قرار می گیرند و از مصادیق این اصول عام به شمار می روند، نیز اشاره می شود. از آنجا که آیات قرآن کریم و روایات پیشوایان دین علیهم السلام بهترین دلیل و راهنمای ما برای تأیید این اصول و تأکید بر آن هاست، ذیل اصول هشت گانه، برخی از شواهد قرآنی و روایی نیز بیان خواهد شد.

## 2-2-2 اصل هم گرایی

با توجه به مبانی الهیاتی، تمام جهان هستی از یک مبدأ سرچشمه می گیرد و دارای نظامی واحد و غایت و هدفی واحد است و مقصود اصلی از آفرینش هستی تحقق «انسان کامل» باشد و با توجه به مبانی انسان شناختی، انسان کمال جوو به دنبال کمال بی نهایت است و

ص: 60

---

1- تلخیص از: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 298 و 299.

مجموعه همه فعالیت ها و اعمال اختیاری انسان از دیدگاه اسلام باید جهتی واحد به سمت خداوند متعال (قرب الهی) باشد، (1) از این رو از دیدگاه اسلام، تربیت باید همواره به سمت این هدف نهایی سوق داده شود و با وجود برخورداری از اهداف میانی و خاص، باید دارای تنها یک هدف عام، در راستای قرب الهی باشد.

وحدت هدف نهایی و به تبع آن، وحدت هدف عام، مقتضی همگرایی کامل در تعلیم و تربیت اسلامی است و به موجب آن، تشکیل نظام واحد تعلیم و تربیت اسلامی در جهت هدف عام یک ضرورت است. بنابراین اصل، نهادها و مؤسسات تعلیم و تربیت، نباید مجموعه هایی گسسته و بی ارتباط با یکدیگر باشند؛ بلکه کل نظام تعلیم و تربیت اسلامی، باید از یک مرکز واحد فرماندهی شود و میان اجزای آن اتحاد کامل برقرار باشد. مراکز تصمیم گیری متعدد برای بخش های مختلف تعلیم و تربیت رسمی با تفکیک مقاطع و رشته های مختلف، از آموزش و پرورش رسمی تا آموزش عالی و مراکز حوزوی و نیز مراکز متنوع و متعدد آموزش های غیررسمی و فعالیت های مختلف فرهنگی، هنری و تبلیغی باید با وجود اهداف بی واسطه و برنامه های متنوعی که دارند و محتوای ویژه ای که انتقال می دهند، بر اساس تنها هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی، جهت دهی شوند و اهداف، برنامه ها و محتوا، برای هر مرکز یا مؤسسه ای که در تعلیم و تربیت نقشی دارد، باید به صورتی تنظیم شود که با هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی سازگار و بر آن منطبق باشد.

به علاوه، هیچ هدفی ناسازگار با تقرب به خداوند پذیرفتنی نیست و همه عوامل متنوع در این مراکز باید با همین هدف همگرا باشند. همچنین استفاده از روش های متنوع در تعلیم و تربیت، مشروط به سازگاری و هم گرایی آن ها با هدف عام تعلیم و تربیت اسلامی است و استفاده از روش هایی که با هدف عام ناسازگارند، با این توجیه که برای برخی اهداف آموزشی

ص: 61

---

1- قرآن کریم می فرماید: (وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ) (انعام، آیه 153)؛ و این که این راه مستقیم من است. پس از این راه پیروی کنید و از راه های دیگر پیروی نکنید که شما را از راه خدا پراکنده می سازند. خداوند به شما چنین سفارش می کند، باشد که تقوا پیشه سازید. و نیز می فرماید: (قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ) (یوسف، آیه 108)؛ بگو این راه من است که من و پیروان راستین من با بصیرت به سوی خدا دعوت می کنیم و خدا منزّه است و من از مشرکان نیستم.

یا تربیتی مفید و مؤثر هستند، مجاز نیست.

از این اصل همچنین می توان نتیجه گرفت که میان اصول تعلیم و تربیت اسلامی، تزامم واقعی وجود ندارد و تزامم های ظاهری در مقایسه با هدف نهایی برطرف می شود.

از اصل مزبور، اصول فرعی زیر نتیجه می شوند:

• هم گرایی اهداف میانی و خاص نسبت به هدف عام؛

• هم گرایی همه عوامل درونی و بیرونی نسبت به هدف عام؛

• رفع موانع هم گرایی با هدف عام؛

• هم گرایی روش ها با هدف عام؛

• هم گرایی ریز برنامه ها نسبت به برنامه جامع. (1)

### 3-2-2 اصل انطباق با اسلام

دین اسلام تنها دین معتبر برای هدایت بشر به سعادت و کمال ابدی تا پایان زندگی او در این جهان است و معارف و احکام آن از طریق کتاب آسمانی قرآن، با تبیین رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم وائمه طاهرین علیهم السلام و سپس به وسیله فقها به دست ما رسیده است و هدایت عملی جامعه را نیز در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ولی فقیه بر عهده دارد و هرگونه فعالیت تربیتی به منظور تصرف در ملک خداوند، متوقف بر اذن و رضایت الهی است.

براین اساس، اصل انطباق با اسلام بیان کننده لزوم تطابق و هم سویی فرایند تربیت با دین مبین اسلام، قرآن کریم و احکام قطعی شرع و کمک به تحقق و گسترش آموزه های اسلام ناب و نیز لزوم انطباق و هم سویی همه عوامل و روش های تربیت با قوانین و احکام حکومت اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه است.

از این اصل، اصول فرعی زیر را می توان نتیجه گرفت:

انطباق سیاست ها، برنامه ها، روش ها و محتوای تعلیم و تربیت با آموزه ها، ارزش ها و احکام اسلام؛ هم سویی عوامل تعلیم و تربیت مانند سازمانها و نهادها و ابزار و وسایل با اسلام؛

ص: 62

---

1- تلخیص و ویرایش از گروه نویسندگان، زیر نظر آیت الله مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 300 و 301.

#### 4-2-2 اصل جامع نگری

در مبانی انسان شناختی گذشت که انسان دارای دو بعد اصلی روح و بدن است و روح انسان نیز از ساحت های مختلف بینش، گرایش و توانایی تشکیل شده است. ابعاد و ساحت ها، استعدادها و ظرفیت های گوناگون انسان در یکدیگر تأثیر می گذارند و در مجموع، هویت واحد هر انسانی را می توان برآیند فعلیت یافتن مجموع این ویژگی ها در او دانست.

از سوی دیگر، حکمت الهی مقتضی آن است که هیچ بعد و ساحتی و هیچ نیرو و استعدادی در وجود انسان عبث و بیهوده نباشد و وجود همه آن ها برای وصول او به هدفی که نهایتاً برای آن آفریده شده است مفید و مؤثر باشند. به این ترتیب، همه ابعاد و ساحت های انسان و نیز همه انواع استعدادهای قابل شکوفایی در انسان به نحوی در وصول به هدف عام تربیت اسلامی نقش دارند. در این صورت، می توان اصل جامع نگری را به بیان زیر، از اصول تربیت اسلامی به شمار آورد:

در تعلیم و تربیت اسلامی، باید به همه ابعاد و ساحت ها، نیازها و استعدادهای وجود انسان توجه شود و پرداختن به تربیت برخی ابعاد و ساحت ها یا برخی نیازها و استعدادهای، نباید موجب گردد که سایر ابعاد به فراموشی سپرده شود.

ص: 63

از این اصل، اصول فرعی زیر را می توان نتیجه گرفت :

توجه هم زمان به ساحت های گوناگون تربیت (توجه همزمان به ظاهر و باطن؛ (1) توجه هم زمان به نیازهای مادی و معنوی، دنیوی و اخروی (2)؛

. توجه هم زمان به کمیت و کیفیت تربیت؛

. توجه به رابطه تربیت در ساحت ها، مراحل و موضوعات مختلف و تأثیرات آن ها بر یکدیگر؛

. توجه به پیامدهای گوناگون مطلوب و نامطلوب عوامل، موانع و روش ها.

اصل جامع نگری با فروع آن، باید در تعیین اهداف میانی و خاص تربیت و در هر مرحله از مراحل آن و در تعیین اولویت ها، روش ها، تعیین شرایط و وظایف نهادها و افراد، عوامل و موانع در اختیار و ارزیابی از پیشرفت برنامه ها مورد توجه قرار گیرد. (3)

### 5-2-2 اصل تناسب و اعتدال

مبانی هستی شناختی در باب علت تأکید دارند که میان علت و معلول سنخیتی برقرار است و از همین رو، شناخت علل خاص هر پدیده برای پیش بینی یا فراهم کردن شرایط تحقق آن، لازم است. البته ممکن است انواعی از علل بتوانند زمینه ساز تحقق یک معلول باشند یا نوعی علت، زمینه ساز تحقق امور گوناگون باشد. این تناسب و سنخیت میان انواعی از عوامل و موانع با اهداف تربیت اسلامی وجود دارد. روش های تربیت نیز، هر یک نتایج و پیامدهای خاص خود را دارند و با اهدافی معین هم سنخ و متناسب اند.

بر اساس همین اصل، برای دست یابی به حد مطلوبی از نتایج، باید در به کارگیری علل و

ص: 64

1- علی علیه السلام: زَيْنُ الْإِيمَانِ طَهَارَةُ السَّرَائِرِ وَ حُسْنُ الْعَمَلِ فِي الظَّاهِرِ (غُرر الحکم، ح 5504)؛ زیور، ایمان، پاکیزگی درون و عمل زیبا در ظاهر است. / طوبی لِمَنْ صَلَحَتْ سَرِيرَتُهُ وَ حَسَنَتْ عِلَانِيَتُهُ وَ عَزَلَتْ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ (همان، ح 5963)؛ خوشا به حال آن کس که درونش شایسته و برونش نیکوست و شرش از مردم به دور. / واعلم أَن لِكُلِّ ظَاهِرٍ بَاطِنًا عَلَي مِثَالِهِ ، فَمَا طَابَ ظَاهِرُهُ طَابَ بَاطِنُهُ ، وَمَا خَبَثَ ظَاهِرُهُ خَبَثَ بَاطِنُهُ... (نهج البلاغه، خطبه 153)؛ و بدان که هر ظاهری باطنی شبیه خود دارد. پس آنچه ظاهرش پاکیزه است و آنچه ظاهرش پلید است باطنی پلید دارد / عِنْدَ فَسَادِ الْعِلَانِيَةِ تَفْسُدُ السَّرِيرَةُ (غُرر الحکم، ح 6227)؛ با تباه شدن [اعمال] آشکار، نهان نیز تباه می شود. / عن الصادق عليه السلام : فَسَادُ الظَّاهِرِ مِّنْ فَسَادِ البَاطِنِ ، وَمَنْ أَصْلَحَ سَرِيرَتَهُ أَصْلَحَ اللهُ عِلَانِيَتَهُ... (بحار الأنوار، ج 70، ص 395، ح 1)؛ ظاهر نادرست از باطن نادرست است و کسی که نهان خود را درست کند، خداوند آشکار او را درست می کند.

2- امام باقر علیه السلام : لیس منا من ترك دنیا لآخرته ولا آخرته ل دنیا (وسائل الشیعه، ج 17، ص 76)؛ از ما نیست کسی که دنیایش را برای آخرتش رها کند و نه کسی که آخرتش را برای دنیا رها کند.

3- تلخیص از: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 303 306 .

عوامل و روش های دست یابی به نتیجه، از افراط و تفریط پرهیز نمود و حد اعتدال را که با حد مطلوب از نتایج تناسب دارد رعایت کرد.

به این ترتیب، اصل تناسب و اعتدال، این مهم را گوشزد می کند که در تربیت اسلامی، باید برنامه ها، انتخاب عوامل، روش ها، فعالیت ها، مسئولیت ها و ارزیابی ها با اهداف ساحت ها، مراحل، محتوا، موضوع و عوامل و موانع خارج از اختیار (از جمله، ظرفیت و استعداد متربیان، حالات مختلف آن ها، نیازها و موقعیت اجتماعی آن ها، نیازهای جامعه و بازخورد ارزیابی ها) تناسب داشته باشند و باید در موارد مزبور، حد اعتدال را رعایت کرد و از افراط و تفریط پرهیز نمود.

از این اصل، اصول فرعی فراوانی را می توان نتیجه گرفت که به برخی از آن ها اشاره می شود :

• تناسب مراحل تربیت در برنامه ها با ملاک های تعیین مراحل؛ (1)

• تناسب و اعتدال در پرداختن به ساحت های مختلف تربیت و ظرفیت ها و استعداد های گوناگون، برای پرهیز از پرورش انسان نامتناسب و ناموزون؛ (2)

• تناسب و توازن زمان بندی، محتوا و روش ها، با اهداف، شرایط فرصت ها، پیشینه و استعداد مخاطبان؛ (3)

• تناسب انتخاب مربی با محتوا؛ (4)

ص: 65

1- این ملاک ها اعم از مراحل رشد، پیش نیازهای منطقی و اولویت های ساختاری و محتوایی است .

2- قرآن کریم: وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا... (بقره آیه 143)؛ و این گونه شما را امتی میانه و معتدل قرار دادیم/ علی علیه السلام: خَيْرُ الاعمال اعتدال الرجاء والخوف (غرر الحکم، ح 5055)؛ برترین اعمال برابر داشتن امید و ترس است./ الكاظم علیه السلام: .... و خیر الامور اوسطها (الكافی، ج 6، ص 541)؛ و بهترین کارها، میانه آن هاست.

3- الرسول صلی الله علیه و آله وسلم: اِنَّا معاشر الانبياء امرنا ان تكلم الناس على قدر عقولهم (بحار الأنوار، ج 74، ص 140)؛ ما گروه پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه خرد آن ها سخن بگوییم و قال صلی الله علیه و آله وسلم: لا توتوا الحکمة غیر أهلها فتظلموها ولا تمنعوها أهلها فتظلموهم (بحار الأنوار، ج 2، ص 78)؛ حکمت را به ناهل ندهید که اگر چنین کنید به حکمت ظلم کرده اید، و آن را از اهلش باز ندارید که در این صورت، به اهل حکمت ظلم نموده اید./ عن امیر المؤمنین علیه السلام فی الحکم المنسوبة إليه: أولى الاشياء ان يتعلمها الأحداث الأشياء التي إذا صاروا رجالاً احتاجوا إليها (ابن ابی الحدید شرح نهج البلاغه، ج 20، ص 333)؛ مقدم ترین چیزهایی که جوانان باید آن ها را بیاموزند، چیزهایی است که در بزرگی به آن ها نیازمند می شوند.

4- قرآن کریم: ... فاسألوا أهل الذکر ان کنتم لا تعلمون (نحل، آیه 43)؛ پس اگر نمی دانید از دانایان بپرسید./ عن الباقر علیه السلام فی قوله تعالی: (فلینظر الانسان إلى طعامه): علمه الذی یاخذهُ ممن یاخذهُ (البرقی، المحاسن، ج 1، ص 220)، از امام باقر علیه السلام درباره سخن خداوند متعال که « باید انسان به غذای خود بنگرد » سؤال شد حضرت فرمودند: یعنی بنگرد علم خود را از چه کسی می گیرد.



• تناسب ویژگی های مربی با ویژگی های الگوی مطلوب؛ (1)

• تناسب وظایف متربی با ظرفیت و استعداد آن ها و با اهداف، شرایط، امکانات و محدودیت ها، پرهیز از سهل انگاری و سخت گیری در تکلیف، اجرای عدالت در ارزیابی ها، پاداش ها و تنبیهات، مسامحه و چشم پوشی از خطاها به تناسب ظرفیت و موقعیت متربی؛ (2)

• ایجاد زمینه رشد و تعالی همگانی؛ (3)

• ایجاد فرصت های خاص با توجه به تفاوت های فردی و شرایط اجتماعی، به تناسب استعدادها، نیازها و امکانات

• پویایی و انعطاف پذیری برنامه ها و روش ها به تناسب شرایط امکانات و نیازها . (4)

## 6-2-2 اصل تدریج

عالم ماده، عالمی زمانمند و تدریجی است و براساس مبانی انسان شناختی تغییرات و تحولات ابعاد مختلف روح و بدن انسان نیز به تدریج صورت می گیرند. به این ترتیب، طبیعی است که آگاهی بخشی، انتقال مهارت و شکوفاسازی استعدادها یکباره و ناگهان حاصل نمی شود

ص: 66

1- قرآن کریم: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ) (صف، آیه 2 - 3)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! چرا چیزی می گوید که عمل نمی کنید. این که چیزی بگوئید که عمل نمی کنید نزد خداوند بسیار مبغوض است. / عن أمير المؤمنين عليه السلام: كيف يصلح غيره من لا يصلح نفسه: (غرر الحكم، ح 6995) کسی که خود را اصلاح نمی کند، چگونه دیگران را اصلاح می کند؟

2- قرآن کریم ... (لَا تَكْلَفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا) (بقره، آیه 233)؛ هیچ کس جز به اندازه ی توانش تکلیف نمی شود. / عن أمير المؤمنين عليه السلام في وصيته للحسن عليه السلام: واقتصد يا بني في معيشتك واقتصد في عبادتك وعليك فيها بالامر الدائم الذي نطقه (بحار الأنوار، ج 68، ص 214) فرزندم! در امر معاش خود راه میانه را برگزین و در عبادت نیز میانه رو باش و در آن به گونه ای عمل کن که همواره بتوانی عمل کنی؛ وقال: (إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَإِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى النِّوَالِ وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرْ رُؤَا بِهَا عَلَى الْفَرَائِضِ) (نهج البلاغه، حکمت 312)؛ دل ها گاه روی می آورند [و رغبت دارند] و گاه پشت می کنند [و بی رغبت] هستند. پس آن گاه که روی می آورند آنها را بر کارهای مستحب وادار کنید و آن گاه که پشت می کنید بر امور واجب اکتفا کنید.

3- قرآن کریم: (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) (انبیاء، آیه 107)؛ و ما تو را جز رحمتی برای همه ی جهانیان نفرستادیم. وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا...): (سباء، آیه 28) و ما تو را جز بشارت دهنده و هشدار دهنده برای همه ی مردم نفرستادیم. / عن أمير المؤمنين عليه السلام: طيب دوار بطبه قد احكم مرأهه و أحمتي مَوَاسِمَهُ يَضَعُ مِنْ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عَمِي وَأَذَانِ صَمِّ وَالسِّدِّ نَهْ بِكُمْ مَتَّبِعْ بَدَوَاتِهِ مَوَاضِعَ الْغَفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ (نهج البلاغه، خطبه 108) [پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم] طبیعی است سیار که با طب خویش همواره به گردش می پردازد، مرهم هایش را به خوبی آماده ساخته، ابزارش را برای داغ کردن محل زخم ها گذاشته است تا آن ها را در آنجا که مورد نیاز است از قلب های نابینا، گوش های کرو زبان های گنک قرار دهد. با داروی خود در جست و جوی بیماران فراموش شده و سرگردان است.

4- تلخیص و اقتباس از: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 306 311.

و تربیت، فرایندی تدریجی است که در بستر زمان و طی مراحل خاص و با پشت سر گذاردن پیش نیازها و مقدمات خود تحقق می یابد. خداوند متعال نیز در تعیین تکلیف بندگان، بر اساس این اصل، دستورات خود را به تدریج فرو فرستاده و به تدریج دین را تکمیل کرده است.

## 7-2-2 اصل پویایی و استمرار

این اصل بیانگر آن است که فرایند تعلیم و تربیت باید از زمان انعقاد نطفه تا پایان زندگی، به طور مستمر ادامه یابد. از این اصل، اصول فرعی زیر را می توان نتیجه گرفت:

• توجه به پیشینه تربیتی افراد از جهت پیش نیازها؛ (1)

• توجه به تأثیر تربیت فعلی افراد در مراحل بعدی تربیت آن ها (روایات درباره تأثیر وراثت، نوع و حلال یا حرام بودن تغذیه، دعا، یادگیری و ادب آموزی در کودکی، در مراحل بعدی تربیت فراوان است)؛

• تلاش دائمی برای حفظ و ارتقای سطح بینش ها، مهارت ها و شکوفایی استعدادها در جهت هدف نهایی؛ (2)

• نظارت دائمی بر روند مستمر تعلیم و تربیت؛

• ارزیابی دائمی از کارها و ارائه بازخورد به برنامه ریزان؛

• بازنگری در برنامه ها با توجه به هدف ثابت و شرایط متغیر. (3)

## 8-2-2 اصل اولویت

وجود تراحم در جهان ماده، از مبانی هستی شناختی است که نشان می دهد فعالیت های مختلف ما، از جمله در حوزه تعلیم و تربیت، همواره با انواعی از فعالیت های دیگر اصطکاک می یابد و انسان همواره ناگزیر از انتخاب میان اموری است که با هم قابل جمع نیستند. این

ص: 67

1- عن أمير المؤمنين عليه السلام : أْتُجِبُونَ أَنْ يُكَذَّبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟ حَدِّثُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ أَمْسِكُوا عَمَّا يَنْكُرُونَ (بحار الأنوار، ج 2، ص 77)؛ آیا دوست دارید خدا و رسولش را تکذیب کنند؟! برای مردم حدیثی را بگویند که بفهمند و از نقل حدیثی که مورد انکار آن ها واقع می شود، خودداری کنید؛ عن الصادق عليه السلام : إِنْ حَدِيثًا صَعِبَ مَسْتَصَعِبَ لَا يَحْتَمَلُهُ إِلَّا صُدُورٌ مُنِيرَةٌ أَوْ قُلُوبٌ سَلِيمَةٌ أَوْ أَخْلَاقٌ (الكافي، ج 1، ص 401)؛ حدیث ما - اهل بیت - دشوار و دشواریاب است که جز سینه های روشن یا دل های سلیم یا خلق های نیکو آن را بر نمی تابند.

2- عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم ... وَلَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ عَاقِلًا حَتَّى يَجْتَمِعَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ: ... وَلَا يَسْأَمُ مِنْ طَلَبِ الْعِلْمِ طَوْلَ عَمْرِهِ ... (الصدوق، الخصال، ص 433، ح 17)؛ مؤمن عاقل نیست مگرده و ویژگی داشته باشد ... از جست و جوی دانش در طول زندگی خود ملول و خسته نشود...

3- تلخیص و اقتباس از: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 312 و 313.

تراحم، بنابر مبانی انسان شناختی میان انواع نیازها و خواسته های انسان و حتی میان توجه به این نیازها و خواسته ها نیز وجود دارد. به این ترتیب، انسان باید میان انواعی از دانش ها، مهارت ها و استعدادها قابل شکوفایی، گزینش کند. همچنین با تراحمی که میان عوامل و موانع مختلف و نیز میان روش های مختلف تربیتی به وجود می آید و محدودیت ها و ضعف هایی که انسان در به کارگیری عوامل و روش ها با آن ها مواجه می شود، در عمل ناگزیر است از میان آن ها گزینش کند. طبعاً این گزینش ها در صورتی معقول خواهند بود که با توجه به اهداف و براساس معیارهای تعیین اولویت صورت گیرند.

از اصل اولویت، با توجه به مبانی دیگر، اصول فرعی زیر استنتاج می شود:

• اولویت دادن به نیازهای اساسی متربی؛ (1)

• اولویت دادن به نیازهای انسانی، متعالی و اخروی متعلم و متربی؛ (2)

• اولویت دادن به دانش ها، مهارت ها و ویژگی های ضروری ترو نافع تر برای حال و آینده فرد و جامعه؛ (3)

اولویت دادن به نیازهای عمومی و مشترک نسبت به نیازهای شخصی و خاص؛

• اولویت دادن به تأمین پیش نیازها؛

اولویت دادن به تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان که از قابلیت بیش تری برای اثر پذیری

ص: 68

1- عن أمير المؤمنين عليه السلام: ... أَلَا وَإِنَّ مَنَ التَّعَمُّ مَنَ التَّعَمِّ مَنَ التَّعَمِّ، وَأَفْضَلُ مَن سَعَةِ الْمَالِ صِحَّةُ الْبَدَنِ وَأَفْضَلُ مَن صِحَّةِ الْبَدَنِ تَقْوَى الْقَلْبِ (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 19، ص 337)؛ وسعت مال از نعمت هاست و برتر از آن، سلامتی بدن است و برتر از سلامتی بدن، تقوای دل است.

2- عن أمير المؤمنين عليه السلام في قول الله عز وجل « وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا ... » (قصص، آیه 77): لا- تَنْسَ صِحَّتَكَ وَفُؤَادَكَ وَفِرَاغَكَ وَشِدَّ بَابِكَ وَنَشَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ (بحار الأنوار، ج 68، ص 177) درباره ی این گفته خداوند عزوجل « و در آنچه خدا به تو عطا کرده است، خانه آخرت را بجوی و بهره ات را از دنیا فراموش نکن» فرمود: سلامتی، قوت، فراغت، جوانی و نشاط خود را فراموش نکن که با آن ها می توانی در پی آخرت باشی.

3- عن أمير المؤمنين عليه السلام: الْعِلْمُ أَكْثَرُ مَن أَنْ يُحَاطَ بِهِ، فَخُذُوا مِنْ كُلِّ عِلْمٍ أَحْسَنَهُ (غررالحکم، ح 1819)؛ دانش بیش از آن است که فرا چنگ آید، پس از هر دانشی برترین آن را برگزید؛ مَنِ اللّٰهُ تَعَالَى بَغَيْرِ الْمُهْمِ ضَيِّعَ أَهْمِ (59)؛ کسی که به غیر مهم مشغول شود، امر مهم تر را تباه می کند. / عن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم أدبوا أولادكم على ثلاث خصال: حُبِ نَبِيِّكُمْ وَحُبِ أَهْلِ بَيْتِهِ وَعَلَى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ (کنز العمال، ح 45409)؛ فرزندانان را بر سه ویژگی تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او و خواندن قرآن.

برخوردارند؛ (1) اولویت دادن همه نهادها و سازمان های مؤثر به امر تربیت. (2)

## 9-2-2 اصل تدبیر و مدیریت

### \*9-2-2 اصل تدبیر و مدیریت (3)

تربیت اسلامی فرایندی پیچیده و هدفمند است که دست یابی به اهداف آن، جز با هدایت و رهبری این فرایند از طریق سازمان دهی، بسیج منابع و امکانات و ارزیابی و نظارت بر آن ممکن نیست. از آنجا که امور مزبور، مهمترین وظایف عمومی مدیران دانسته شده است، می توان اصل تدبیر و مدیریت را نیز یکی از اصول کلی در تعلیم و تربیت اسلامی دانست و به این صورت نتیجه گرفت: فرایند تربیت باید در سطوح مختلف عالی، میانی و عملیاتی، مدیریت شود.

برنامه ریزی (اعم از برنامه ریزی اساسی و اجرایی): با توجه به تدریجی بودن تعلیم و تربیت، عوامل و موانع مختلف، مراحل، تفاوت های فردی، گروهی و موقعیت های اجتماعی افراد، شرایط غیراختیاری و محدودیت امکانات شامل: تعیین موقعیت و شرایط موجود در مقایسه با هدف عام تربیت اسلامی؛ تعیین اهداف میانی و خاص تربیت؛ تعیین روش های قابل استفاده برای رسیدن به اهداف؛ تعیین اولویت های تربیت؛ بازنگری در برنامه های قبلی با توجه به بازخورد ارزیابی ها؛ تصمیم گیری، طراحی و تدوین برنامه جدید و برنامه های فرعی، همراه با بودجه بندی، تعیین نحوه پی گیری پیشرفت کارها و زمان بندی برای اجرای برنامه های اجرایی؛

سازمان دهی، شامل: تشکیل سازمان ها و واحدهای تابعه، تقسیم و تعیین وظایف سازمان ها، واحدها و اشخاص با توجه به انواع تربیت، تنوع عوامل و موانع، ساحت ها و مراحل تربیت؛ ایجاد هماهنگی میان سازمان ها، واحدها و اشخاص در جهت تأمین اهداف تعیین شده برای تربیت؛

ص: 69

1- عن أمير المؤمنين عليه السلام في وصيته لابنه الحسن عليه السلام: ... وَإِذَا قَلَبَ الْحَدِيثَ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُورَ قَلْبُكَ وَيَسْتَبْغِلَ لُبُّكَ... (نهج البلاغه، نامه 31)؛ همانا دل جوان مانند زمین کشت نشده است. آنچه در آن افکنده شود، می پذیرد. از این رو، پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت سرگرم شود، به ترتیب تو همت گماشتم.

2- تلخیص از: گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی ص 319 - 315.

3- در اینجا مدیریت به معنای عام در نظر گرفته شده است و به اداره سازمان ها و نهادهای رسمی محدود نمی شود؛ بلکه چنانچه یک فرد، کار تعلیم و تربیت فردی دیگر را از جهتی خاص بر عهده گیرد، ناگزیر است برای دست یابی به هدف خاص خود، همه وظایف مدیر را انجام دهد و بنابراین، اصل تدبیر و مدیریت شامل او نیز می شود.

بسیج منابع انسانی و امکانات لازم، شامل: توجه به شرایط لازم؛ توجه به منابع انسانی و امکانات موجود؛ اصلاح شرایط و رفع موانع؛ ایجاد شرایط مناسب (تربیت مدیران متعهد و کارآمد برای تعلیم و تربیت اسلامی در سطوح مختلف مدیریت؛ تربیت معلمان و مربیان متعهد و کارآمد با لحاظ ساحت ها، رشته های تخصصی و مراحل مختلف تربیت اسلامی؛ جذب، گزینش و به کارگیری عوامل انسانی متناسب با اهداف؛ فراهم کردن عوامل محیطی، ابزار و ادوات و تجهیزات، متناسب با اهداف).

هدایت و رهبری، شامل: ایجاد رابطه ی نزدیک و مؤثر با عوامل انسانی؛ ایجاد انگیزه در عوامل انسانی و تحریک آن ها به فعالیت؛ برقراری ارتباطات مؤثر درون سازمانی و بیرون سازمانی؛

کنترل (نظارت بر فعالیت های عوامل انسانی و ارزیابی آن ها) شامل: تعیین معیار برای ارزیابی؛ ارزیابی کارکردها بر اساس معیار تعیین شده؛ تشخیص انحرافات و تحلیل علل آن ها؛ انجام اقدامات اصلاحی؛ ارائه بازخورد ارزیابی ها برای بازنگری در برنامه ها.

لازم به ذکر است که اصول یاد شده باید همزمان مورد ملاحظه قرار گیرند. طبیعی است که با تعیین اهداف خاص تربیت اسلامی و با ضمیمه کردن جزئیات بیشتر درباره ساحت ها، مراحل، انواع عوامل و موانع و روش های تربیت اسلامی، به گزاره های تجویزی جزئی تری می توان دست یافت که مناسب است در دانش تربیت اسلامی، به تفصیل درباره آن ها سخن گفته شود. (1)

علاوه بر اصول یاد شده، اصول دیگری نیز قابل ذکر است که در تربیت اسلامی باید مورد توجه و اهتمام متولیان تربیت قرار بگیرند. این اصول نیز دارای ویژگی جامع و فراگیر است و سیطره و نفوذ آن ها در تمام ابعاد نظام تربیتی اسلام، ضرورتی اجتناب ناپذیر دارد.

## 10-2-2 اصل توحید محوری

توجه به اینکه خداوند مبدأ و منشأ هر چیزی است و همه چیز تحت مالکیت و تدبیر اوست و او تنها شایسته پرستش است، به این امر رهنمون می شود که در روش ها، اهداف، سیاست گذاری ها و برنامه ها، باید به سمت یک چیز حرکت کرد و آن خداوند متعال به

ص: 70

عنوان موجود کامل مطلق است از این رو مربی باید بکوشد در تربیت به گونه ای عمل کند که متریبان را به اعتقاد گرایش و اطاعت از خداوند متعال جهت دهی کند این امر در پرتو عمل به آموزه های اسلام ممکن است. بنابراین لازم است محتوا، ساختار و روند تربیت با آموزه ها و دستورهای تربیتی اسلام، همگرایی و هم خوانی بیابد. علامه طباطبائی رحمه الله معتقد است: «روح توحید در اخلاق کریمه ای که دین اسلام دعوت به آن کرده، ساری و جاری است و روح اخلاق نیز در اعمالی که افراد مجتمع، انجام آن هستند، منتشر است. پس همه اجزای دین اسلام، اگر خوب تجزیه و تحلیل شود به توحید برمی گردد و توحید اگر به حال ترکیب درآید به صورت اخلاق و اعمال در می آید. اگر توحید از مقام عالی اعتقادی فرود آید، اخلاق و اعمال می شود و اگر اخلاق و اعمال از درجه نازل خود بالاتر روند توحید خواهند بود.» (1)

## 11-2-2 اصل فطرت محوری

وجود انسان سرشار از ویژگی های ذاتی است که خداوند در نهاد او قرار داده و او را از سایر موجودات متمایز کرده است. خداگرایی، خردورزی، حقیقت جویی، زیباگرایی، عدالت طلبی، کمال گرایی و سایر ویژگی ها از جمله استعدادهای فطری انسان هستند. از طرف دیگر، تربیت باید به گونه ای سامان یابد که بتواند این استعدادهای فطری را که در زمین وجود انسان کاشته شده اند، شکوفا سازد.

اگر انسان دارای یک سلسله فطریات باشد، قطعاً تربیت باید با در نظر گرفتن همان فطریات صورت گیرد. چون تربیت، یعنی رشد و پرورش دادن و این براساس قبول کردن یک سلسله استعدادها و به تعبیر امروزی ها، یک سلسله ویژگی های انسان است. انسان را دو جور می توان ساخت: یکی ساختن، آن چنان که اشیا را می سازند؛ یعنی سازنده فقط منظور خود را در نظر می گیرد و فرد را به شکلی در می آورد که آن منظور را تأمین کند؛ حال با ناقص کردن یا کامل نمودن آن. دیگر، تربیت، یعنی پرورش دادن استعدادهای واقعی انسان. او اگر استعداد عقلانی و فکری دارد و چون و چرا در مسائل دارد، این را باید پرورش داد، نه اینکه این ها را کشت. (2)

عدم توجه به فطرت، موجب فراموش شدن ویژگی های آن می شود و در این صورت، تربیت

ص: 71

1- طباطبائی مجموعه رسائل، ص 334.

2- مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص 8.



کارساز نخواهد شد. بر اساس فرمایش امام علی علیه السلام یادآوری ویژگی های فطری، وظیفه ای است که انسان های بزرگ الهی برعهده دارند. حضرت فرمود:

(فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ)؛ (1)

خداوند پیامبران خود را برانگیخت و پیاپی میان مردم فرستاد، تا بشر را به ادای پیمان فطرت (در عالم ذر) وادارند. رهیابی م. تربیان به اخلاق مندی، حق طلبی، عدالت محوری، زیبایی خواهی، کرامت جویی و کمال طلبی از لوازم فطرت محوری است و وظیفه مریبان است که این ویژگی ها را در متربی پرورش دهند. تربیتی که به دور از اخلاق اسلامی باشد، حق و باطل در آن مشخص نشود و انسان های بی تفاوت پدید آید، بدون این که به زیبایی های ظاهری (نظم، مرتب بودن و...) و باطنی توجه کند، پی گیر رفتار عادلانه با دیگران نباشد و به کرامت و شرافت فردی، دینی و اجتماعی خود اهمیت ندهد، این نوع تربیت فطرت محور نخواهد بود.

## 12-2-2 اصل کرامت انسانی

در قرآن کریم، شرافت و کرامت انسان را به راحتی می توان از تشریح جریان خلقت حضرت آدم علیه السلام و فرمان سجده ملائکه در مقابل ایشان (2) و اعطای مقام جانشینی خدا در روی زمین (3) دریافت. خداوند متعال در سوره مبارکه اسراء، درباره کرامت انسان در جهان خلقت می فرماید:

(وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا). (4)

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب ها] بر نشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن ها را بر بسیاری از آفریده های خود برتری آشکار دادیم.

از شرافت و کرامتی که خداوند متعال برای مخلوق خویش قائل شده است، چنین برمی آید که این امر، باید به عنوان یک اصل در جریان تربیت برای رسیدن به رشد نهایی و کمال تربیت مورد توجه و دقت قرار گیرد. روشن است که جانشین و نماینده باید از میان دیگران،

ص: 72

1- نهج البلاغه، خطبه 1.

2- (وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا). (بقره، آیه 34)

3- (وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً). (بقره، آیه 30)

4- اسراء، 70.

به بالاترین درجه احترام و ارزش از سوی اعطا کننده منصب جانشینی دست یافته باشد تا اینکه به آن منصب گماشته شود. (1) در تدوین اهداف واسطه ای تربیت کرامت و شرافت انسانی باید رعایت شود و هیچ هدف یا نقطه ای را نمی توان تعیین کرد که با کرامت و شأن انسان که اشرف مخلوقات و جانشین خداوند در روی زمین است، تنافی داشته باشد. علاوه بر آن، در تدوین محتوای تربیت، روش تربیت، استخدام ابزار تربیت و ارزشیابی میزان رسیدن به اهداف، نیز این اصل باید مورد توجه باشد.

براین اساس، در جریان تربیت، نه تنها باید کرامت ذاتی (خدادادی) همه افراد مرتبط با تربیت (اعم از مربیان، متریان و اولیای ایشان) حفظ گردد؛ به گونه ای که با هیچ یک برخلاف ارزش های انسانی و اسلامی به صورت تحقیرآمیز برخورد صورت نگیرد و همه افراد با احساس ارزش مندی و عزت نفس، زمینه پاس داشت کرامت خود و دیگران را فراهم آورند؛ زیرا آنان که برای خود ارزش و احترامی قائل نیستند، برای دیگران نیز چنین اند. هم چنین لازم است تربیتی اتخاذ شود که افراد بکوشند علاوه بر حفظ کرامت خدادادی، با ایمان و انجام عمل صالح در صدد ارتقای اختیاری کرامت خود برآیند. (2) مربی باید بیاموزد که دست یازیدن به کارهای پست، به منزله آلوده کردن گوهر انسانیت است و پیروی کردن از هواهای نفسانی، به منزله برده ساختن و زبون کردن عقل و روح ملکوتی است.

### 13-2-2 اصل هدف محوری

با توجه به این مبانی که «هستی دارای غایت و هدف واحد است» و «انسان موجودی هدف مند است» و «آفرینش انسان هدف مند و در هماهنگی کامل با غایت هستی است»، باید مربیان و متریان همواره هوشیار باشند که در طول تربیت، اهداف را فراموش نکرده و در جهت همان هدف واحد که سعادت و قرب به خدا است، حرکت کنند یا اهدافی که برای تربیت تعریف می کنند، در طول هدف واحد قرار گیرد.

هم چنین تربیت هایی که در آن ها قرب به خدا در نظر گرفته نمی شود، از آن ها دوری کنند.

ص: 73

1- عبادی، اصول تربیت در اسلام (با تکیه بر قرآن کریم)، فصلنامه مصباح، شماره 36.

2- ر.ک: فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران: گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش، ص 119.

امروزه با توجه به عرفان های نوظهوری و دروغینی که مثل قارچهای سمی می سر درآورده اند و مدعی رساندن انسان به سعادت و آرامش هستند و اغلب موارد، توصیه های غیر شرعی به پیروان ناآگاه خود دارند، اهمیت در نظر داشتن قرب به خدا بیشتر نمایان می شود. نقش مربیان در این جهت بسیار چشمگیر و برجسته است که متریبان را از ماهیت و پیامدهای ناخوشایند و گمراه کننده عرفان های نوظهور آشنا سازند.

## 14-2-2 اصل آزادی و اختیار انسان

آزادی و اختیار انسان، موهبتی الهی و وجه تمایز او با موجودات است که نه تنها در امر تربیت باید پاس داشته شود، بلکه همچون معیاری برای ارتقا و تعالی مرتبه وجودی او نیز در نظر گرفته شود. خداوند متعال، یافتن و حرکت کردن در راه راست بر عهده خود افراد گذاشته

است. هدایت الهی با اکراه و اجبار انجام صورت نمی پذیرد، بلکه باید از درون بجوشد. (1) خدایی که برای بشر، پیامبر و کتاب فرستاده است، در نهایت از خود انسان ها می خواهد که خودشان را در مسیر حق، مدیریت و هدایت کنند. پیام الهی از جانب خداوند دریافت می شود؛ ولی تا خود فرد نخواهد، آن پیام ها مؤثر واقع نمی شود. در تعلیم و تربیت هم از این قاعده باید پیروی کرد. (2) بدون اینکه اجباری باشد، مربی می تواند بسترهای لازم را برای آزادی آگاهانه در کسب فضایل و صفت های اخلاقی و انسانی فراهم سازد تا مرتبی با اقتناعی که از طرف مربی صورت می گیرد، با اراده و انتخاب و آزادی خود، به سمت کسب فضایل سوق یابد. روشن کردن چراغ عقل در طی مسیر تاحدی یاری رسان است؛ زیرا وقتی انسان در موقعیت های مختلف (هم چون دوراهی تصمیم گیری و رفتار اخلاقی) قرار می گیرد، باید بتواند با عقل خویش، یکی از راه ها را که به اخلاق الهی و صفت های انسانی نزدیک تر و درست تر است، انتخاب کند.

آزادی جنبه های سلبی و ایجابی دارد. علاوه بر جنبه سلبی آزادی، یعنی رفع موانع و محدودیت ها در جهت زمینه سازی برای رشد همه جانبه، باید جنبه ایجابی آن، یعنی فراهم

ص: 74

---

1- (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ....) ای کسانی که ایمان آورده اید به خودتان پردازید. (مانده، 105)

2- ر.ک: ملکی، اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری، بخش اول فصلنامه مصباح، ش 50.

آوردن امکانات و فرصتهای مناسب برای شکوفایی اختیار و افزایش قدرت انتخاب و عمل آزادانه متربی نیز مورد نظر قرار گیرد. اما آن چه به نظر می رسد امروزه اهمیت بیش تری داشته باشد، این است که مربی بتواند توانایی انتخاب گری و انتخاب احسن در متربیان را پرورش دهد. بنابراین برنامه های تربیتی باید سرشار از فرصت های انجام فعالیت، گزینش، ترجیح، اولویت بندی و تمرین انتخاب گری باشد تا فردیت افراد و استقلال آنان از بین نرود. در عین حال، چه بسا در مراحل نخست رشد و با توجه به عدم آمادگی متربیان برای انتخاب آگاهانه و آزادانه، لازم باشد تا آزادی ایشان به طور موقت محدود گردد. (1)

## 15-2-2 اصل مسئولیت محوری

بنابراین که انسان موجودی آزاد و صاحب اختیار است و هم چنین تکالیفی از سوی خداوند بر عهده وی گذاشته شده است، می تواند با آزادی و اختیار خود به تکالیف عمل بکند یا نکند؛ ولی در هر صورت، انسان (مربی یا متربی) در برابر تکلیفی که با اختیار خود برمی گزیند،

مسئول است. مبنای «مسئولیت محوری» به ایجاد احساس مسئولیت مربی و متربی، نسبت به خدا، خود، دیگران و محیط اشاره دارد. متربی باید به گونه ای تربیت شود که در اطاعت و بندگی نسبت به خداوند، شکرگزاری نسبت به نعمت های مادی و معنوی، رسیدگی درست به نیازهای فردی و اجتماعی، رغبت کرده و پاسخ گو باشد و از فرصت های زندگی و توان مندی های شخصیتی خود به خوبی استفاده کند. مربی نیز باید بداند که متربی امانتی در دست او است و نسبت به او مسئولیت دارد. تربیت تدریجی او با توجه به هدف نهایی از مسئولیت های سنگین وی است؛ یعنی مربی باید بکوشد وظایف متربی را نسبت به خود، خدا، دیگران و طبیعت بازگو کرده و احساس مسئولیت را در او تقویت کند.

علاوه بر مسئولیت های فردی طلبه، وجود انواع مسئولیت های اجتماعی او ایجاب می کند که به سوی جمع گرایی و دیگر خواهی جهت داده شود و ویژگی های همکاری، هم یاری، ایثار، فداکاری، از خودگذشتگی و خیرخواهی نسبت به دیگران و عدالت خواهی تقویت، و با

ص: 75

---

1- ر.ک: فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران: گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش، ص 119 .

خوی خودخواهی و بی تفاوتی نسبت به مصالح اجتماعی به سختی مبارزه گردد. هم چنین روحیه سلحشوری، ستم ستیزی، مبارزه و جهاد با جباران و مفسدان و حمایت از مظلومان و محرومان، در متریان پرورش داده شود تا عناصری شایسته و کارآمد برای ساختن جامعه ای ایده آل به بار آیند و بتوانند نقش خود را در تحقق هدف الهی ایفاء کنند. (1)

## 16-2-2 اصل تفاوت های فردی و اجتماعی

هر انسان، هر چند شباهت هایی با دیگران دارد، دارای ویژگی های جسمی، روانی و توانایی های خاص ذهنی، هوشی و ادراکی متمایز با دیگران است. این تفاوت های فردی، بسیار دامنه دار و گسترده است و در اخلاق، رفتار و استعداد افراد در ساحت های گوناگون زندگی کاملاً مشهود است. توجه به این تفاوت ها در امر تربیت از اهمیتی ویژه برخوردار است و رعایت آن به این معناست که باید:

متریان استعدادیابی شوند و ویژگی های هوشی، عاطفی و ادراکی هرکدام از آنان بازشناسی شود؛

متریان با توجه به خصوصیت های ذهنی، هوشی و روانی طبقه بندی شوند و برای هر طبقه، به فراخور استعدادها و خصوصیت ها، هدف و برنامه ویژه تهیه شود؛

متریان تحت تربیت يك مربی، محدود و معدود شوند، تا بتواند به وضعیت آموزشی و پرورشی آنان با توجه به تفاوت هایشان رسیدگی کند.

از سوی دیگر، رعایت تفاوت های فردی توسط متریان، مستلزم این است که آنان به فنون، هنرها و روشهای گوناگون تدریس و تربیت تسلط داشته باشند تا در برخورد با متریان متفاوت، از شیوه ها و فنون متناسب با هرکدام استفاده کنند و با هر فرد، با توجه به سطح فکری و روانی او مواجه شوند و با زبان خاص او سخن گویند.

در شیوه و سیره پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در رویارویی با مردم، احوال و سطح درك و فهم آنان، این اصل تربیتی کاملاً رعایت می شده است. به همین سبب، آن بزرگواران گاه از خطابه و موعظه، گاه از مجادله و گاه از قیاس و برهان استفاده می کردند. هم چنین به پرسش یکسان

ص: 76

افراد گوناگون، پاسخ های متفاوت می دادند .

عبد الله بن سلیمان می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره امام پرسیدم، که آیا به امام هم اختیاراتی داده شده، چنان که به سلیمان بن داوود داده شده بود؟ فرمود: آری، و دلیلش این است که مردی از امام مسأله ای پرسید، آن حضرت جوابش گفت. سپس دیگری همان مسأله را پرسید و او جوابی برخلاف جواب اول گفت. باز دیگری همان مسأله را پرسید و او جوابی برخلاف آن دو جواب گفت .... من عرض کردم: اصلحك الله، امام که این جواب را می گوید، آن ها را می شناسد (که هر يك را مطابق فهم و استعدادش پاسخ می گوید)؟ سپس به من فرمود: آری، امام زمانی که مردی را ببیند، او را و رنگش را می شناسد. ... از این جهت است که به مردم آن گونه (هرکس را مطابق با فهم و استعدادش) پاسخ می دهد. (1)

اهتمام به رعایت ظرفیت وجودی افراد و تفاوت آنان در تربیت دینی، همان نکته ای است که در روایات بر آن تأکید شده است و به تصریح و تلویح خواسته شده است که از ارائه معرفت سنگین و غیر قابل هضم به اشخاص کم ظرفیت و کم تحمل خودداری شود.

اما بنابر اصل تفاوت های اجتماعی، افراد برحسب موقعیت و جایگاهشان در جامعه و اجتماع، باید برنامه و اهداف تربیتی مخصوص داشته باشند و از آنان انتظارات تربیتی متفاوت داشت.

در برنامه ریزی و هدف گذاری تربیتی، باید بین افراد دارای شئون و موقعیت اجتماعی و افراد دیگر تفاوت گذاشته؛ همانگونه که اهل بیت علیهم السلام آن را مورد نظر قرار می دادند و فرزندانشان را که در آینده به مقام های عالی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی می رسیدند، به آن شیوه تربیت می کردند. (2) در روایتی امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان نقل می کند که:

امام باقر علیه السلام فرمود: ما (اهل بیت) فرزندانمان را در پنج سالگی به نماز گزاردن وادار می کنیم، و شما فرزندانمان را در هفت سالگی به نماز وادارید. هم چنین ما فرزندانمان را در هفت سالگی - تا جایی که طاقت روزه دارند، تا نصف روز باشد یا بیشتر یا کمتر - به روزه گرفتن وامی داریم؛ ولی شما فرزندانمان را در نه سالگی و به اندازه توانشان به روزه داری وادار کنید، و چون تشنگی بر آنان غلبه کرد، روزه خود را افطار کنند. (3)

ص: 77

1- کلینی، الکافی، ج 1، ص 438، ح 3.

2- رک: زهره کاشانی، اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات اسلام و پژوهش های تربیتی، سال اول، شماره 2، پاییز و زمستان 1388

3- همان، ج 3، ص 409، ح 1.

بنابر مبنای «اجتماعی بودن انسان»، متریان باید به گونه ای تربیت شوند که:

1. آگاهی های لازم را نسبت به زندگی جمعی شرایط، مزایا، معایب، جایگاه و نقش خود در آن و چگونگی تعالی فردی و اجتماعی را دریابند؛
2. مهارت هایی نظیر اظهار وجود، مهارت نه گفتن منطقی، داشتن مشارکت فعال، مدیریت جریان زندگی اجتماعی و ترکیب میان خود دوستی و دگر دوستی و توان رهبری گروه را بیابند؛
3. با حضور و مشارکت در عرصه های مختلف زندگی جمعی و پذیرش مسئولیت های اجتماعی در مدرسه علمیه، نظیر مدیریت داخلی مدرسه، مسئولیت آشپزخانه، مسئولیت نظافت و امثال آن، به تدریج خود را برای زندگی جمعی و الزام های آن آشنا سازند؛
4. متریان باید به گونه ای پرورش یابند که افزون بر التزام به هنجارهای مربوط به رفتارها و روابط اجتماعی، آمادگی لازم برای ایثار و فداکاری را کسب کنند.

### 17-2-2 اصل حقیقت محوری

با توجه به این که برای انسان امکان شناخت با انواع مختلف آن وجود دارد و می تواند از منابع و ابزارهای شناخت، جهت دست یابی به معرفت یقینی و حقیقت بهره برد، موجب مسئولیت هایی برای مربی و متربی می شود:

. مربی باید به ترغیب و تشویق متربی برای کسب معرفت و حقیقت پردازد؛

. مربی وی را در بهره گیری از ظرفیتهای شناختی خود یاری رساند و هم چنین به کاستی های شناختی متربی توجه کرده و راهنمایی های لازم را برای اصلاح و ارتقای شناخت وی ارائه دهد؛

. لازم است مربی روش تفکر درست و نقادانه را برای کشف واقع به متربی یاد دهد و در این راستا برای کشف واقعیت، اجازه ارتباط با واقعیت و تجربه و آزمایش به او داده شود؛

. مربی باید در تربیت از معرفتهای یقینی و معتبر بهره گیرد و از ورود به معرفت های تردید آمیز بپرهیزد؛

. در فرایند تربیت، باید از همه منابع و ابزارهای معتبر معرفتی مناسب در کشف حقیقت بهره گرفته شود و نواقص ابزارهای معرفتی حس عقل، تجربه بیان گردد؛

. در استفاده از منابع و ابزارهای شناخت، به عقل و حس منحصر نشود، بلکه از منابع وحی، نقل و مراجع معرفتی و خبرگان علمی نیز استفاده گردد؛

• متری به این حقیقت رهنمون گردد که همه منابع شناخت در جای خود لازم هستند؛ ولی منبع وحی و نقل معتبر از منابع یقینی به شمار می رود که میتوان به حقیقت رهنمون گردد؛

• متری باید بیاموزد که همواره در کسب شناخت و رشد معنوی و تکامل، به شناخت های یقینی پردازد و فریب مدعیان عرفان ها یا معنویت گرایی های دروغین را نخورد؛

. متری باید بیاموزد که معیار درستی و نادرستی عرفان ها، معنویت ها و عبادت ها، با معیار قرآن و عترت سنجیده می شود و هر آن چه با آن ها مطابقت ندارد، دروغین است و باید از پیروی پرهیزد؛

. متری باید فرا بگیرد که شهود رحمانی با شهود شیطانی فرق دارد؛

. مری باید به متری بیاموزد که تلاش برای رسیدن به کمال و سعادت، در گروه توجه به امور شرعی و انجام آن ها است و در واقع، سعادت دنیوی و اخروی از کانال انجام ظواهر شرعی می گذرد، نه ترک آن ها.

## 18-2-2 اصل ارزش محوری

رسیدن به سعادت و کمال، مطلوب هر انسانی است و با لحاظ هدف نهایی و مطلوب غایی، هر چیزی ارزش مند می شود. توحید، عدالت احسان و رأفت، نیت خوب و اخلاص از جمله ارزش هایی هستند که با لحاظ مطلوب غایی، برای آدمی مطلوب و پسندیده می شوند؛ بنابراین:

• مری باید به ارزش های الهی در فرایند تربیت التزام داشته باشد و نقش این ارزش ها را در زندگی علمی و ایمانی متری برجسته سازد؛

. مری باید جهت گیری های ارزشی متری را واکاوی و واری کرده و در جهت ارزش های متعالی سوق دهد؛

• از آن جا که ارزش و دانش از یکدیگر جدا و منفک نمی باشد، در جریان تربیت، مری باید به اشراق و دخالت ارزش ها توجه کند و به سمت تقویت ایمان و اصلاح انگیزه رفتار به عنوان حد نصاب ملاک ارزشیابی توجه کند؛

. متری باید به گونه ای تربیت شود که بداند همه ابعاد زندگی و رفتارهای او ارزش بردارند؛

• متری باید یاد بگیرد که در رشد معنوی هیچ گاه از مدار توحید دور نشود؛



• مرتبی باید بیاموزد که داشتن حسن فعلی (کار خوب) و فاعلی (نیت خوب) رفتار در رشد معنوی و کمال تأثیرگذار است و داشتن یکی از آن دو کافی نمی باشد؛

• مرتبی افزون بر این که باید ارزش های الهی را در درون خود شکوفا سازد، همچنین در عملی سازی ارزشهای الهی اجتماعی بکوشد.

### 3-2 روش های تربیت

#### اشاره

روش در لغت به معنای طرز، قاعده و قانون، راه، هنجار شیوه، گونه، رسم و آیین آمده است. (1) روش های تربیتی، مکانیزم ها و فعالیت های ایجاد تغییر رفتار و خصوصیات شخصیتی در مرتبی هستند که در فرآیند تربیت به کار می روند تا مرتبی به هدف نهایی تربیت (قرب الهی) برسد. روش ها نوعی فعالیت و عمل در سایه اصول می باشند. (2)

در واقع، روش های تربیتی، اصلی ترین و حیاتی ترین بخش تربیت هستند که از یک منظر، می توان آن ها را چهارراه نظام تربیتی به حساب آورد؛ به این معنا که روش ها از سویی به اهداف و اصول و مبانی و از سوی دیگر با ساحت ها، عوامل و مراحل ارتباط دارند.

روش های تربیت اسلامی که با عناوین کلی بیان می شوند، ناظر به انواعی از فعالیت های اختیاری در حوزه تربیت اسلامی هستند که می توانند ما را هر چند در شرایطی - به اهداف مطلوب در این حوزه برسانند. این روش ها که همه با مؤلفه های تربیت اسلامی به نوعی ارتباط دارند و از تأثیر این فعالیت ها بر تربیت انتزاع می شوند، خود دارای مراتب طولی هستند و برخی از آن ها برای اهداف مختلف به کار می روند. (3)

### 1-3-2 ارتباط روش ها با اصول

#### اشاره

هم چنان که اصول به مبانی تکیه دارند، روش ها نیز به اصول تکیه دارند؛ البته اصول و روش ها از یک سنخ می باشند، زیرا هر دو دستورالعمل بوده و به ما می گویند که برای رسیدن به مقصود مورد نظر چه باید بکنیم، اما تفاوت در این است که اصول، دستورالعمل های

ص: 80

1- دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه «روش».

2- نظام نامه تربیتی جامعه المصطفی العالمیه، (چاپ محدود و داخلی)، 1388، ص 95.

3- گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 450.

کلی و روش‌ها دستورات عمل‌های جزئی می‌باشند و روش‌ها در مقایسه با اصول از نوعی تعیین و تشخیص بیشتری و کامل‌تر برخوردارند. (1)

## نکته‌هایی درباره روش تربیت

### اشاره

\* نکته‌هایی درباره روش تربیت (2)

### الف) روش‌ها می‌توانند ما را به هدف تعلیم و تربیت برسانند

روش‌ها، راه وصول به اهداف اند. البته ممکن است یک روش خاص، همواره نتواند ما را به هدف مورد نظر برساند؛ اما اساساً در روش چنین قابلیت‌هایی فرض می‌شود که دست کم در شرایطی بتواند ما را به اهداف مطلوب برساند و برای مثال، تشویق می‌تواند در برخی شرایط، در تربیت فرد، تأثیر مثبت داشته باشد و در برخی شرایط دیگر، ممکن است تأثیر منفی آن غالب باشد؛ اما آن را از آن جهت که قابلیت تأثیر مثبت دارد، یکی از روش‌های تعلیم و تربیت به شمار می‌آورند.

### ب) برای رسیدن به یک هدف، می‌توان از روش‌های گوناگون استفاده کرد

روش‌های گوناگون می‌توانند با هدفی واحد سنخیت داشته باشند. بنابراین، تنوع روش‌ها، همواره معلول تنوع اهداف نیست؛ بلکه برای رسیدن به یک هدف نیز، ممکن است روش‌های مختلف وجود داشته باشد. شناسایی این روش‌ها به برنامه‌ریزان و مجریان کمک می‌کند که در شرایط مختلف، بهترین و مناسب‌ترین روش‌ها را انتخاب کنند.

### ج) یک روش می‌تواند برای رسیدن به اهداف گوناگون به کار رود

بنا بر همان اصل سنخیت، روش واحد نیز می‌تواند با اهداف متنوع سنخیت داشته باشد. این امر گویای این حقیقت است که هر روش لزوماً منحصر به هدفی خاص نیست و ممکن است از روش واحدی برای دست‌یابی به چند هدف استفاده گردد.

### د) روش‌ها با عناوینی کلی و انتزاعی بیان می‌شوند

با توجه به اینکه روش‌ها می‌توانند در موارد مختلف به کار آیند، عناوین بیان‌کننده روش‌ها

1- همان، ص 96.

2- ر.ک گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 445-511.

مفاهیمی کلی هستند. همچنین از آن جا که روش‌ها ناظر به رابطه فعالیت‌ها با اهداف‌اند، باید گفت این عناوین از تأثیر نوعی فعالیت در تعلیم و تربیت انتزاع می‌شوند و نشان‌دهنده ماهیت یک کار، صرف نظر از تأثیر آن در تعلیم و تربیت نیستند. برای مثال، سخنرانی از آن جهت که بیان شفاهی مطالب به صورت یک سویه برای آموزش به دیگران است یکی از روش‌های تعلیم به شمار می‌رود.

### **ه- روش‌ها ناظر به انواع فعالیت‌های اختیاری در حوزه تعلیم و تربیت هستند**

روش‌ها علاوه بر این که ناظر به فعالیت‌هایی در حوزه تعلیم و تربیت‌اند، به زمینه‌سازی، برنامه‌ریزی، ارزیابی و سایر عملیات مدیریتی در حوزه تعلیم و تربیت نیز اطلاق می‌شوند. روشن است که این فعالیت‌ها باید اختیاری باشند؛ زیرا روش‌ها فعالیت‌هایی هستند که متصدیان تعلیم و تربیت، با انتخاب آن‌ها و تحقق بخشیدن به آن‌ها (مثل روش‌های تدریس و آموزش، روش‌های تربیت در ساحت‌های مختلف شخصی، الهی، فرهنگی - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و طبیعی و...) به اهداف مطلوب دست می‌یابند.

### **و) روش‌ها دارای مراتب طولی هستند**

با توجه به اینکه روش‌ها با عناوینی کلی بیان می‌شوند، می‌توان برای آن‌ها مراتبی را در نظر گرفت، به گونه‌ای که از جهت درجه کلی بودن با یکدیگر متفاوت باشند. به عبارت دیگر، برخی از روش‌ها مصداق روش‌های دیگر محسوب شوند. در این صورت، روش‌ها خود دارای مراتبی طولی خواهند بود. برای مثال، چنانچه هدف، ترغیب مخاطب به یادگیری و تحریک انگیزه‌های مثبت او باشد، می‌توان با تزئین کلام که نوعی جذاب‌سازی ظاهری است، به این هدف دست یافت. پس جذاب‌سازی ظاهری و تزئین کلام، هر دو از روش‌های تربیتی هستند؛ اما تزئین کلام، خود نوعی از جذاب‌سازی ظاهری است و در طول آن قرار می‌گیرد.

### **ز) به کارگیری روش‌ها ممکن است با یکدیگر تراحم داشته باشند**

با توجه به اینکه روش‌ها انواعی از فعالیت‌های اختیاری هستند و افعال اختیاری انسان‌گاه با یکدیگر در تراحم‌اند، ممکن است روش‌ها در عمل با یکدیگر تراحم پیدا کنند. در این گونه

موارد، چاره ای جز انتخاب میان روشهای ممکن (و البته انتخاب روش برتر) نیست.

### **ح) روش ها علاوه بر فعالیت ها و اهداف، با سایر مؤلفه های تعلیم و تربیت ارتباط دارند**

چنان که دیدیم، روش ها بر برخی مبانی مانند سنخیت علت و معلول، استوارند. از سوی دیگر، در حوزه تعلیم و تربیت، روش ها ناظر بر انواع فعالیت های اختیاری هستند و از رابطه ای که این فعالیت ها با اهداف تعیین شده در تعلیم و تربیت دارند، انتزاع می شوند. به این ترتیب، روش ها با انواع فعالیت های اختیاری در این حوزه و نیز با انواع اهداف تعلیم و تربیت ارتباط دارند. از آنجا که این اهداف، شامل همه اهداف میانی نیز می شوند و برخی اهداف میانی، براساس مراحل و ساحت ها تعیین می گردند، روش ها با مراحل و ساحت های تعلیم و تربیت نیز ارتباط می یابند.

برای مثال، ممکن است یک روش برای وصول به اهداف تربیتی در ساحتی خاص یا در مرحله ای خاص مناسب باشد. از آنجا که فعالیت های اختیاری در حوزه تعلیم و تربیت، با به کارگیری سازمان دهی عوامل و رفع یا کنترل موانع مختلف صورت می گیرد، روش ها با عوامل و موانع تعلیم و تربیت نیز ارتباط خواهند داشت. هم چنین با توجه به اینکه به کارگیری روش ها خود، نوعی از عملیات مربوط به حوزه تعلیم و تربیت است، اصول تعلیم و تربیت، بر به کارگیری روش ها نیز حاکم هستند و به این ترتیب، روش ها با اصول نیز ارتباط می یابند. پس می توان گفت روش ها با سایر مؤلفه های تعلیم و تربیت ارتباط دارند.

### **2-3-2 دسته بندی روش های تربیت**

#### **اشاره**

روش های تربیت می تواند از مبانی، اصول، عوامل و موانع و هم چنین از اهداف تربیت تأثیر پذیرد. با این تأثیر پذیری، روش های متنوع به وجود می آید که با هر یک از عوامل گفته شده، ارتباط می یابد. شیوه های متفاوتی در تقسیم بندی روش های تربیت به کار گرفته شده است. در این نظام نامه، روش های تربیت به سه دسته بینشی (شناختی)، گرایشی و رفتاری تقسیم شده و در هر بخش، نمونه هایی به اختصار بیان شده است.

منظور آن است که تلقی و برداشت آدمی از امور تغییر یابد. این تغییر از لوازم قطعی تغییر در گرایش ها و رفتارهای فرد است .

علامه طباطبایی رحمه الله، مفهوم شناخت و علم را بی نیاز از تعریف و بدیهی یا ضروری می داند و آنچه در توصیف و شرح شناخت آمده را مناسب شناخت و ویژگی ها و تشخیص مصادیق آن می خواند، (1) اما در يك تعریف شرح الاسمی می توان گفت: شناخت عبارت است از آگاهی به واقعیت و کشف حقیقت . (2)

نخستین گام در تربیت ایجاد بصیرت و شناخت و استفاده از منطق صحیح و استدلالات حساب شده و به تعبیر دیگر دست انداختن درون فکر و اندیشه متری و به حرکت در آوردن آن و بیدار ساختن عقل خفته وی است، از این رو نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم با خواندن آیات الهی در صدد بالا بردن بینش و شناخت مردم بودند. چنانچه خداوند در قرآن کریم می فرماید:

(لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ)؛ (3)

به درستی که خداوند، بر مؤمنان منت نهاد، نعمت بزرگی بخشید، هنگامی که در میان آن ها، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن ها بخواند و آن ها را پاک کند و کتاب و حکمت بیاموزد هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکاری بودند.

خداوند در آیه فوق، آموزش حکمت را روش نجات از گمراهی ها (4) معرفی کرده است .

### 1-1-2-3-2 تفکر (تأمل، تعقل و تدبر)

تفکر و تدبر از ویژگی های خاص انسان و وجه تمایز او با سایر موجودات است. در روایات مختلف، مردم به تفکر و تأمل، به ویژه در مسائل اخلاقی و اعمال و رفتار دعوت شده اند.

ص: 84

1- طباطبائی، سید محمد حسین، «بداية الحكمة»، ص 138.

2- جوادی آملی، عبدالله «شناخت شناسی در قرآن» ص 126 .

3- آل عمران 3، آیه 164 .

4- علی علیه السلام : (إِنَّ الْعِلْمَ حَيَاةُ الْقُلُوبِ وَ نُورُ الْبَصَارِ مِنَ الْعَمَى وَ قُوَّةُ الْبَدَانِ مِنَ الصَّعْفِ)؛ به راستی که دانش، مایه حیات دل ها ، روشن کننده دیدگان کور و نیروبخش بدن های ناتوان است». (مجلسی، بحار الانوار، ج 1، ص 166)

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

(عَلَيْكَ بِالْفِكْرِ فَإِنَّهُ رُشْدٌ مِنَ الضَّلَالِ وَمُصْلِحٌ الْأَعْمَالِ؛ (1)

تو را به تفکر سفارش می کنم که از گمراهی به هدایت رهنمون می شود و اعمال را اصلاح می کند .

## 2-1-2-3-2 روش حکمت یا برهان

حکمت در لغت، به معنای منع و باز دارندگی آمده است (2) از آنجا که علم، دانش، منطق و استدلال، مانع از فساد و انحراف است، به آن حکمت گفته شده است. (3) در اصطلاح، حکمت به معنای علم و دانش و منطق و استدلال است به طور کلی، فهم دین را حکمت می گویند. (4) مرحوم علامه طباطبائی رحمه الله در این باره می فرماید: «مراد از حکمت حجتی که حق را نتیجه دهد، آن هم طوری نتیجه دهد که هیچ شک و وهن و ابهامی در آن نماند». (5) در تفسیر المیزان، حکمت به معنای نوعی احکام و اتقان و یا نوعی از امر محکم و متقن است، آن چنان که هیچ رخنه و یا سستی در آن نباشد، این کلمه بیشتر در معلومات عقلی و حق و صادق استعمال می شود و معنایش در این موارد، این است که بطلان کذب به هیچ وجه در آن معنا راه ندارد. (6)

بیدار ساختن عقل های خفته به وسیله حکمت و استدلال از روش های مؤثر تربیتی است که در آیات و روایات به آن تصریح شده است. خداوند می فرماید:

(ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ)؛ (7)

با حکمت به راه پروردگارت دعوت نما.

نیز می فرماید:

ص: 85

1- تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص 57 .

2- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، «المفردات فی غریب القرآن»، ص 248 .

3- طباطبائی، المیزان، ج 12، ص 534 .

4- قال الصادق علیه السلام: إن الحِکْمَةَ المَعْرِفَةُ والتَّقَهُ فِي الدِّينِ، فَمَنْ فَقِهَ مِنْكُمْ فهو حَكِيمٌ؛ همانا حکمت عبارت است از شناخت و فهم دین؛ پس هر يك از شما که در دین فقیه و فهیم باشد حکیم است. (مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 1، ص 215)

5- طباطبائی، المیزان، ج 12، ص 534 .

6- همان، ج 2، ص 39 .

7- نحل 16، آیه 125 .

(هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ): (1)

او، کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده، رسولی از خودشان برانگیخت که آیتش را بر آن ها می خواند و آن ها را تزکیه می کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می آموزد .

امام علی علیه السلام می فرماید:

گفتار حکمت آمیز گمشده مؤمن است پس حکمت را بگیر هر چند از اهل نفاق صادر شود. (2)

مطالعه (3) و استاد (4) ، تجربه و استفاده از تجارب دیگران (5)، مشورت با خردمندان (6) و نقد و انتقاد سازنده (7) از راه های افزایش حکمت و عملیاتی سازی آن می باشند .

### 3-1-2-3-2 روش مشاهده

به رابطه ما با جهان که به وسیله حواس پنجگانه به وجود می آید و ما به کمک آن حواس تجربیات خود را می اندوزیم، مشاهده می گویند. اسلام برنامه جامع زندگی بشر را ارائه کرده است در این میان از روش مشاهده دقیق غافل نشده است؛ زیرا بسیاری از اطلاعات و آگاهی های ما از جهان طبیعت و پدیده های آن، با کمک حواس و به ویژه حس بینایی و شنوایی فراهم می شود (8) از این رو، استدلال و برهان علمی و منطقی ممکن است یقین بیاورد، اما آرامش خاطر نمی آورد؛ زیرا استدلال، عقل انسان را راضی می کند و چه بسا در اعماق دل

ص: 86

1- جمعه 63، آیه 2 .

2- قال علی علیه السلام: (الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَخِذِ الْحِكْمَةَ وَلَوْ مِنْ أَهْلِ النَّفَاقِ). (نهج البلاغه، ص 48)

3- حکمت، اشاره به حالت و ملکه ای است که از تعلیمات کتاب حاصل می شود و با داشتن آن انسان می تواند هر کار را بجای خود انجام دهد. (مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج 1، ص 513)

4- قال علی علیه السلام: (الحکیم یشفی السائل ویجودُ بالفِضائل) (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص 59)؛ حکیم، عطش پرسنده را فرو می نشاند و فضیلت نثار می کند. (در واقع حکیم، حکمت را آموزش می دهد).

5- قال علی علیه السلام: کفی بالتجاربِ مؤدِّباً (تمیمی آمدی، غرر الحکم ص 444)؛ تجربه ها بهترین آموزگارند. / وقال علیه السلام: لا تُقدِّمَنَّ علی أمرٍ حتّی تَحْبِرَهُ (همان، ص 482)؛ تا کاری را نیاز موده ای به آن اقدام مکن .

6- قال علی علیه السلام: مَنْ شَاوَرَ الرَّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُولِهَا (مجلسی، بحار، ج 72، ص 104)؛ کسی که با بزرگان و صاحب نظران مشورت کند، در حقیقت او با عقل و درایت آن ها مشارکت نموده است.

7- علی علیه السلام: الْعَاقِلُ مَنْ أَنَّهُمْ رَأَيْهُ وَلَمْ يَنْقُ بِكُلِّ مَا سُئِلَ لَهُ نَفْسُهُ (تمیمی آمدی، غرر الحکم ص 55) خردمند کسی است که نظر خود را متهم کند و به آنچه که نفسش وسوسه می کند، اعتماد نداشته باشد. / وقال علیه السلام: ن بَصْرِكَ عَيْبِكَ فَقَدْ نَصَحَكَ (همان، ص 381)؛ کسی که عیب تو را به خودت نشان بدهد، مسلماً او دلسوز و خیرخواه تو است / وایضا قال علیه السلام: طُوبَى لِمَنْ سَعَلَ عَيْبَهُ عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ (مجلسی، بحار الانوار، ج 1، ص 199)؛ خوشا به حال کسی که پرداختن به عیب خویش وی را از عیب دیگران، باز دارد!





و عواطف او نفوذ نکند، همانگونه حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند درخواست کرد شیوه زنده شدن مردگان را با حواس ظاهری درک کند. آنجا که می فرماید:

(وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَكِنَّ لِيُطَمِّنَ قَلْبِي)؛ (1)

و به خاطر بیاور هنگامی را که ابراهیم گفت: خدایا! به من نشان بده، چگونه مردگان را زنده می کنی؟ فرمود: مگر ایمان نیاورده ای؟ عرض کرد: آری، ولی می خواهم قلبم آرامش یابد.

به هر حال، آنچه عقل را آرام و عطش جان را سیراب می کند، شهود عینی است و این موضوع مهمی است که در سیره اهل بیت علیهم السلام نیز به چشم می خورد. امام صادق علیه السلام برای بیان علت عدم قیام و معرفی شیعه واقعی از این شیوه استفاده کرده است. یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام مأمون رقی نقل کرده است:

در محضر امام صادق علیه السلام بودم، سهل بن حسن از شیعیان خراسان وارد شد و سلام کرد و نشست، عرض کرد ای فرزند رسول خدا... چرا بر این حق خود سکوت کرده و قیام نمیکنید و حال آنکه هزاران نفر از شیعیان آماده شمشیر زدن در رکاب شما هستند؟ امام علیه السلام فرمود: ای خراسانی! لحظه ای درنگ کن پس امر فرمود تنور را روشن کنند، هنگامی که آتش شعله ور شد به سهل فرمود: داخل تنور شو. سهل گفت: ای پسر رسول خدا مرا از این کار معاف بدار، در این هنگام هارون مکی وارد شد... امام به او فرمود: کفش های خود را بر زمین بگذار و داخل تنور شو، او بدون هیچ درنگی وارد تنور شد و در میان شعله های آتش نشست. امام رو به خراسانی کرد و از حوادث خراسان برای او گفت، انگار که در آن جا حاضر بوده است سپس فرمود: داخل تنور را نگاه کن. مأمون رقی می گوید: من هم جلورفتم و داخل تنور را مشاهده کردم، هارون مکی در میان آتش نشسته بود و برخاست و از تنور خارج شد. امام به سهل فرمود در خراسان چند نفر مانند او می شناسی؟ عرض کرد: به خدا قسم احدی را نمی شناسم. امام حرف او را تایید نمود و فرمود: در زمانی که ما حتی پنج نفر از این گونه یاران نداریم، چگونه قیام کنیم؟ (2)

ص: 87

1- بقره 2، آیه 260 .

2- (إِذْ دَخَلَ سَهْلُ بْنُ الْحَسَنِ الْخُرَاسَانِيَّ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ ثُمَّ جَلَسَ فَقَالَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَكُمْ الرَّأْفَةُ وَالرَّحْمَةُ وَأَنْتُمْ أَهْلُ بَيْتِ الْإِمَامَةِ ، مَا الَّذِي يَمْنَعُكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ حَقٌّ تَقْعُدُ عَنْهُ وَأَنْتَ تَجِدُ مِنْ شَيْعَتِكَ مِائَةَ أَلْفٍ يَضْرِبُونَ بَيْنَ يَدَيْكَ بِالسَّيْفِ ، فَقَالَ لَهُ اجْلِسْ يَا خُرَاسَانِي رَعَى اللَّهُ حَقَّكَ ، ثُمَّ قَالَ يَا حَنِيْفَةَ اسْجُرِي التَّنُورَ فَسَجِّرْتَهُ ، حَتَّى صَارَ كَالْجَمْرَةِ وَأَبْيَضَ عُلُوهُ ، ثُمَّ قَالَ يَا خُرَاسَانِي قُمْ فَاجْلِسْ فِي التَّنُورِ ، فَقَالَ الْخُرَاسَانِي يَا سَيِّدِي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا تَعْدُبْنِي بِالنَّارِ أَقْلُنِي أَفَالِكَ اللَّهُ قَالَ فَمَا أَقْلُنْكَ ، فَبَيْنَمَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَ هَارُونُ الْمَكِّي وَنَعْلُهُ فِي سَبَابِيهِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْقِ النَّعْلَ مِنْ يَدِكَ وَاجْلِسْ فِي التَّنُورِ ، قَالَ فَالْقَى النَّعْلَ مِنْ سَبَابِيهِ ثُمَّ جَلَسَ فِي التَّنُورِ وَأَقْبَلَ الْإِمَامُ يَحْدِثُ الْخُرَاسَانِي حَدِيثَ خُرَاسَانَ ، حَتَّى كَانَهُ شَاهِدًا لَهَا ، ثُمَّ قَالَ قُمْ يَا خُرَاسَانِي وَأَنْظُرْ مَا فِي التَّنُورِ ، قَالَ فَفُتِمَتْ إِلَيْهِ فَرَأَيْتَهُ مُتْرَبِعًا ، فَخَرَجَ إِلَيْنَا وَسَلَّمَ عَلَيْنَا فَقَالَ لَهُ الْإِمَامُ كَمْ تَجِدُ بِخُرَاسَانَ مِثْلَ هَذَا ، فَقَالَ وَاللَّهِ وَلَا وَاحِدًا فَقَالَ ، لَا وَاللَّهِ وَلَا وَاحِدًا فَقَالَ أَمَا إِنَّا لَا نَخْرُجُ فِي زَمَانٍ لَا نَجِدُ فِيهِ خَمْسَةَ مُعَاوِدِينَ). (مجلسی، بحار الانوار، ج 47، ص 124)

به قول علامه طباطبایی رحمه الله، قرآن کریم با الفاضی از قبیل «الم تر...» و «افلا یرون...» به حواس پنجگانه انسان اشاره می کند. (1) اثر آگاهی حسی بر انسان، بیش از انواع دیگر علم و آگاهی است. (2) سیر در ارض (3)، استفاده از محیط طبیعی (4)، ایجاد صحنه عبرت آموز یا استفاده از ابزارها (5) و دیدار علما (6) از روش های اجرای مشاهده و عملیاتی سازی این روش می باشند.

## 2-3-2-1-4 روش پرسش و پاسخ

در وجود هر انسانی شوق به دانستن و خردمندی وجود دارد و همین شوق و اشتیاق او را به سمت پرسش و پاسخ فرا می خواند، «او به لحاظ توان پی بردن به راز مجهولات، همواره با پاسخ به حس کنجکاوی خود، احساس هویت انسانی می کند و با تلاش برای یافتن و پی بردن به علوم جدید، روح حقیقت جوی خویش را سیرآب و در این راه به طور عجیبی احساس شادی و لذت می کند برخی از انسان ها برای پاسخ به این نیاز ژرف و عمیق خود در طول تاریخ، مشکلات طاقت فرسایی را به جان خریده و انواع لذت های مادی را در این مسیر،

ص: 88

1- طباطبایی، المیزان، ج 5، ص 509.

2- علامه در بیان این مطلب داستان رجعت حضرت موسی علیه السلام از میقات را مثال می زند و می فرماید: ایشان با وجود علم به گوساله پرست شدن قوم خود از جانب حق تعالی و علم به اینکه خبر خداوند صادق است، خشمگین نشد ولی پس از آنکه به میان قوم

خود بازگشت و انحراف آنان را با چشم خود دید، الواح را به زمین انداخت و با برادر خویش تندی کرد. (همان، ج 2، ص 574)

3- (فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ) (آل عمران 3، آیه 137)؛ پس در روی زمین گردش کنید و ببینید سرانجام تکذیب کنندگان آیات خدا چگونه بود؟ (و نیز نمل 27، آیه 69 عنكبوت 29، آیه 20؛ حج 22، آیه 46)

4- (قُلْ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...) (یونس، آیه 101)؛ بگو بنگرید که در آسمان و زمین چه چیزهایی است.... و قال الكاظم عليه السلام: مَا مِنْ شَيْءٍ تَرَاهُ عَيْنَكَ إِلَّا وَفِيهِ مَوْعِظَةٌ (مجلسی، بحار، ج 68، ص 324)؛ چیزی نیست که چشمانت آن را بنگرد، مگر آن که در آن پند و اندرزی است.

5- (إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: نَزَلَ بِأَرْضِ قَرْعَاءَ فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ انْتُوا بِحَطَبٍ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ نَحْنُ بِأَرْضِ قَرْعَاءَ مَا بِهَا مِنْ حَطَبٍ قَالَ فَلْيَأْتِ كُلُّ إِنْسَانٍ بِمَا قَدَرَ عَلَيْهِ فَجَاءُوا بِهِ حَتَّى رَمَوْا بَيْنَ يَدَيْهِ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ هَكَذَا تَجْتَمِعُ الذُّنُوبُ ثُمَّ قَالَ إِيَّاكُمْ وَالْمُحَفَّرَاتِ مِنَ الذُّنُوبِ. (مجلسی، بحار الانوار، ج 70، ص 346)؛ روزی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در بیابانی خشک و بی آب و علف، توقف کردند و به اصحاب فرمودند: بروید هیزم بیاورید. اصحاب گفتند: یا رسول الله، در این بیابان هیزم پیدا نمی شود. پیامبر فرمودند: هرکس به اندازه ای که می تواند، هر چند اندک، هیزم جمع آوری کند، اصحاب در بیابان به دنبال هیزم گشتند و هر کس مقداری هیزم آورد. هیزم ها را روی هم انباشتند و به صورت پشته ای درآمد. پیامبر فرمودند: گناهان نیز این گونه جمع می شوند.

6- قال علی علیه السلام: النظر إلى العالم، أحب إلى الله من اعتكاف سنه في البيت الحرام (مجلسی، بحار الانوار، ج 1، ص 205)؛ نگاه کردن به عالم و دانشمند نزد خداوند، از یک سال اعتکاف در کعبه برتر است.

قربانی کرده اند همه اختراعات، اکتشافات و پیشرفت های علمی بشر، مرهون همین حس کنجکاوی است» (1). خداوند سبحان از این روش در بسیاری از موارد استفاده کرده و با مطرح کردن سؤالات انسان ها، به پاسخ گویی آنان اقدام نموده است و در برخی موارد، خود سؤالاتی را طرح نموده است، تا بدین وسیله روح کنجکاوی آدمی را فعال سازد. (2) امام صادق علیه السلام می فرماید:

براین دانش، قفلی است که کلید آن، پرسش است. (3)

نیز می فرماید :

مردم، تنها به این دلیل هلاک می شوند که سؤال نمی کنند. (4)

پاسخ به پرسش مخاطب (5)، پاسخ دادن به پرسش های مقدر (6)، ایجاد پرسش در مخاطب (7)،

ص: 89

1- نبوی، شیوه برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، ص 4.

2- یکی از روش های نسبتاً زیاد در لسان قرآن و روایات، روش به کارگیری پرسش و پاسخ است. این روش به دلیل اینکه ذهن مخاطب را به تحریک وادار می دارد و او را درگیر با مسأله می کند، دارای اثر بخشی فوق العاده نیز می باشد. (برنج کار و همکاران، کاربست روش پرسش و پاسخ در تبیین عقاید، ص 5.)

3- قال الصادق علیه السلام: ان هذا العلم علیه قفل و مفتاحه المسأله (کلینی، الکافی، ج 1، ص 40).

4- قال الصادق علیه السلام: انما يهلك الناس لانهم لا يسألون. (همان)

5- (يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ) (بقره، آیه 217)؛ از تو، درباره جنگ کردن در ماه حرام، سؤال می کنند بگو: جنگ در آن، گناهی بزرگ است.

6- گاهی اوقات مخاطب پرسش صریحی ندارد و یا اگر دارد آن را مطرح نمی کند، ولی در واقع پرسش مقدری وجود دارد که لازم است به آن پاسخ داده شود و این سؤال ممکن است با بیان قبلی متکلم به وجود آمده باشد و یا ارتباطی با آن نداشته باشد؛ پرسشی که با توجه به بیان متکلم ایجاد شده است: گاهی ممکن است بیانی که در یک مسأله به کار برده است احتمال پیدایش سؤالی در ذهن مخاطب را داشته باشد که در اینجا تبیین گر موظف است به آن سؤال احتمالی پاسخ بدهد و فضای تبیین را کاملاً روشن کند. در غیر این صورت علاوه بر اینکه تبیین اولیه ناقص باقی می ماند، شبهه و اشکالی نیز در ذهن مخاطب حک خواهد شد. در قرآن کریم آنجا که خداوند از استغفار برای مشرکان ولو اگر خویشاوندان باشند، نهی می کند و می فرماید: (مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا قُرْبَى) (توبه، آیه 113) برای پیامبر و مؤمنان، شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند، هر چند از نزدیکانشان باشند». این سؤال مقدر در ذهن مخاطب شکل می گیرد که چگونه ابراهیم علیه السلام به تصریح قرآن برای پدر مشرک خویش قول استغفار داد و گفت: (قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا) (مریم آیه 47)؛ ابراهیم گفت: سلام بر تو! من بزودی از پروردگارم برایت تقاضای عفو می کنم چرا که او همواره نسبت به من مهربان بوده است! خداوند به این سؤال مقدر پاسخ می دهد و می فرماید: (وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ...) (توبه، آیه 114)؛ و استغفار ابراهیم برای پدرش [عمویش آزر]، فقط به سبب وعده ای بود که به او داده بود تا وی را بسوی ایمان جذب کند».

7- (قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ) (سبأ، آیه 24)؛ بگو چه کسی شما را از آسمان ها و زمین روزی می دهد؟ بگو: الله!

طرح پرسش به شیوه استفهام انکاری (1)، جهت دهی به پرسش مخاطب (2) و برگزاری مسابقه از شیوه های اجرایی این روش می باشند.

## 5-1-2-3-2-1-5 روش قصه گویی

در بیان اهمیت تأثیر ادبیات داستانی و نقل روایات از حوادث و اتفاقات بشری در طول تاریخ از دیر زمان تا کنون، همین بس که حتی کتاب های آسمانی نیز بسیاری از آموزه های الهی و دینی را از طریق قصه و داستان به پیروان خود انتقال داده اند و آن را راهی برای خردورزی قرار داده اند. خداوند در قرآن کریم می فرماید:

(لقد كان في قصصهم عبرة لاولى الالباب)؛ (3)

به راستی در سرگذشت آنان برای خردمندان، عبرتی است.

حضرت علی علیه السلام، در خصوص آثار و فواید مرور زندگی گذشتگان می فرماید :

فرزندم! من هر چند عمر پیشینیان را یک جا نداشته ام، ولی در اعمال آن ها نظر افکندم، در اخبارشان اندیشه نمودم، در آثارشان به سیر و سیاحت پرداختم، آن چنان که گویی همچون یکی از آن ها شدم، بلکه گویی من به خاطر آن چه از تجربیات تاریخ آنان دریافته ام، با اولین و آخرین آن ها عمر کرده ام. (4)

امام خمینی قدس سره نیز، با اذعان به اهمیت و تأثیر قصص قرآنی در تربیت انسان، آرزو داشتند فرصتی پیش آید تا درباره قصص قرآن کتاب مستقلی تألیف کنند:

در این کتاب شریف، قضایا به طوری شیرین اتفاق افتاده که تکرار آن انسان را کسل نکند؛ بلکه در هر دفعه که اصل مطلب را تکرار می کند، خصوصیات و لواحق در آن مذکور است که در دیگران نیست؛ بلکه در هر دفعه یک نکته مهم عرفانی یا اخلاقی را مورد نظر قرار داده و قضیه را در اطراف آن چرخ می دهد، بیان این مطلب استقصای کامل قصص قرآنی را لازم دارد که در این مختصر

ص: 90

- 1- (وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ) (اعراف، آیه 147)؛ و کسانی که آیات و دیدار رستاخیز را تکذیب و انکار کنند، اعمالشان نابود می گردد آیا جز آنچه را عمل می کردند پاداش داده می شوند؟
- 2- (يَسَّ مُلُوكًا مَا دَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِللَّوَالِدِينَ...) (بقره آیه 215)؛ از تو سؤال می کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: هر خیر و نیکی و سرمایه سودمند مادی و معنوی که انفاق می کنید، برای پدر و مادر و نزدیکان و... بکنید.
- 3- یوسف، آیه 111. 4.

4- (أَيُّ بُنْيٍ وَإِيَّيَّ وَإِنْ لَمْ أَكُنْ عُمَرْتُ عُمَرَمَنْ كَانَ قَبْلِي - فَقَدْ نَظَرْتُ فِي أَعْمَالِهِمْ وَفَكَرْتُ فِي أَخْبَارِهِمْ وَسِيرَتُ فِي آثَارِهِمْ - حَتَّى عَدْتُ كَأَحَدِهِمْ - بَلْ كَأَنِّي بِمَا انْتَهَى إِلَيَّ مِنْ أُمُورِهِمْ - قَدْ عُمَرْتُ مَعَ أَوْلِيهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ....) مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج 74، ص

نگنجد و در آرزوی این ضعیف بی مایه ثبت است که با توفیق الهی کتابی در خصوص قصص قرآنی و حل رموز و کیفیت تعلیم و تربیت آن‌ها به قدر میسور فراهم آورم. (1)

استفاده از قصه در قرآن کریم، سیره اهل بیت علیهم السلام و عرف جامعه، همگی نشان از تأثیر به‌سزای این روش در مسائل مختلف از جمله تربیت دینی است.

### 6-1-2-3-2 یادآوری نعمت‌ها

اینکه به متریب این شناخت داده شود که در همه حال به یاد نعمت‌های بی‌پایان خداوند متعال باشد. یادآوری نعمت‌ها هم در حیات فردی و هم در حیات جمعی معنا پیدا می‌کند.

(أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى \* وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى... وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ)؛ (2)

آیا تورا یتیم نیافت پس جای و پناه داد؟\* و تورا ناآگاه (از معارف دینی) یافت پس (به وسیله وحی) هدایت نمود... و نعمت پروردگارت را (که به تو ارزانی داشته) بازگو کن.

### 7-1-2-3-2 عبرت آموزی

اینکه انسان از رفتارهای خوب و بد گذشتگان و دیگران پند بگیرد و سعی نماید گناهان و خطاهای آن‌ها را تکرار نکند و کردار نیکشان را دنبال کند.

(وَكَلَّا نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ)؛ (3)

و هر یک از سرگذشت‌های پیامبران را که بر تو حکایت می‌کنیم چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم و در اینها حقیقت برای تو آمده و برای مؤمنان اندرز و تذکری است.

### 8-1-2-3-2 نقل داستان، تاریخ و سرگذشت‌ها

قصه و داستان، تجسم عینی زندگی یک امت و تجربه عملی یک ملت است. تاریخ آینه ملت هاست و هر چه با تاریخ و سرگذشت پیشینیان آشنا باشیم، گویا به اندازه عمر آن مردم زندگی کرده ایم.

ص: 91

1- امام خمینی، روح الله «آداب الصلوة»، ص 188.

2- ضحی، آیات 11-6.



حضرت علی علیه السلام در نامه 31 نهج البلاغه خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می فرمایند:

فرزندم! من در سرگذشت گذشتگان چنان مطالعه کرده ام و به آن ها آگاهم، که گویا با آنان زیسته ام و به اندازه آن ها عمر کرده ام.

بخش مهمی از کتاب انسان ساز قرآن، به ذکر تاریخ گذشتگان پرداخته است؛ چراکه تاریخ آزمایشگاه مسائل گوناگون زندگی بشر است، و آن چه را که انسان در ذهن خود با دلایل عقلی ترسیم می کند در صفحه های تاریخ به صورت عینی باز می یابد.

قرآن با بیان قصه ها، به صورت غیر مستقیم انسان ها را تربیت می کند و رفتارهای خوب و بد آنان را هم چون آینه در برابر چشمانشان قرار می دهد تا با مطالعه آن ها، بیندیشند و عبرت گیرند.

(فَأَقْصَصَ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) (1)

پس این داستانها را بازگو کن، باشد که بیندیشند .

## 9-1-2-3-2-1-9 ارائه الگو

یکی از ویژگی های انسان فضیلت خواهی و کمال گرایی اوست. از این رو هرگاه فضیلت و کمالی را در الگوهایی مانند شخصیت های دینی، سیاسی و اجتماعی می بیند، در پی الگوبرداری از آنان در زندگی فردی و اجتماعی خویش بر می آید. نکته اصلی برای مربیان این است که به متریبان در تشخیص فضیلت ها و کمال ها و مصادیق آن، جهت دهند و به آن ها یاری رسانند تا در دام بت ها و الگوهای نامناسب گرفتار نشوند و به سوی الگوهای مناسب و شایسته رو آورند. خداوند متعال در قرآن کریم روش الگویی را مورد توجه قرار داده و الگوهای پسندیده مانند پیامبران علیهم السلام و آسیه و مریم علیهما السلام و ناپسند مانند همسران حضرت نوح و لوط را معرفی می کند از جمله آیه شریفه زیر که می فرماید:

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ)؛ (2)

در وجود رسول خدا برای شما اسوه نیکویی هست.

ص: 92

1- اعراف، آیه 176.

2- احزاب، آیه 21.



یکی از مؤثرترین روش‌هایی که قرآن کریم از آن برای تربیت انسان استفاده کرده است، روش مقایسه است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

(أَمْ مَنْ هُوَ قَانِتٌ آتَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِمَّا يَتَذَكَّرُ أُولَئِكَ الْأَلْبَابِ)؛ (1)

آیا چنین کسی با ارزش است؟ یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند!

خداوند در آیه شریفه فوق، انسان مشرک و گمراه کننده را با انسان بیدار دل و نورانی که با خوف و رجاء خدا را می‌خواند، مقایسه کرده است و همچنین در ادامه آیه نیز، افراد اهل درک فهم و نادان را مورد مقایسه قرار داده است.

### 11-1-2-3-2 روش‌های منفعل

روش‌های منفعل به روش‌هایی گفته می‌شود که شخص فعالیت خاصی ندارد؛ بلکه استاد یا کتاب، وظیفه اصلی را انجام می‌دهند و شخص باید از آن‌ها تبعیت کند و اثر بپذیرد. این روش‌ها بیشتر در زمینه مطالعه و تحصیل علم به کار می‌روند و در ارتقای بیش‌تر متریان نقش مؤثری دارند.

روش‌های منفعل عبارتند از:

الف. خواندن و مطالعه کردن: قطعاً خواندن و مطالعه کردن در ابعاد مختلف زندگی، نقش مؤثری دارد. به خاطر همین اثر بخش بودن خواندن و مطالعه کردن است که خداوند متعال پیامبرش را به آن دعوت می‌کند و در جایی دیگر مؤمنین را به خواندن قرآن فرا می‌خواند. (2)

ب. یادداشت برداری: یادداشت برداری، یکی از کلیدهای اصلی یادگیری و ارتقای بیش‌تر است که در منابع دینی نیز به آن تأکید و سفارش شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

ص: 93

1- زمر، آیه 10 .

2- (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) (علق، آیه 1)؛ بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید. / (فَاقْرَأْ مَا تَنسَدُ مِنَ الْقُرْآنِ ...) (مزمل، آیه 20)؛ آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید.

دانش را با نوشتن بند نهید (نگه دارید). (1)

ج. حفظ: یکی از روش های تربیتی منفعلانه، هدایت متریبان به حفظ و به خاطر سپردن دانسته ها و چیزهایی است که باید نسبت به یادگیری و عمل به آن ها اهتمام داشته باشند. تأکیدی که در روایات نسبت به حفظ قرآن کریم (2) و احادیث اهل بیت علیهم السلام (3) شده، ناظر به همین نکته باشد.

## 12-1-2-3-2 سایر روش ها

روش های تربیتی چهره به چهره، مشاوره، موعظه، سخنرانی، درس اخلاق، نشست علمی و همایش، کارورزی، بازی، مسابقه، اردو... از دیگر روش هایی هستند که می توانند حیثیت بینشی داشته باشند و می توان از آن ها برای دستیابی به اهداف تربیتی کمک گرفت، لکن در اینجا برای رعایت اختصار و عدم اطاله سخن از تبیین بحث صرف نظر می کنیم.

## 2-2-3-2 روش های گرایشی

### اشاره

منظور از روش های گرایشی، روش هایی هستند که در تمایل قلبی و احساسات و عواطف انسان اثر می گذارند. این روش ها براساس این که برای ایجاد، تقویت و هدایت گرایش های مثبت کارایی دارند یا برای مهار و تضعیف گرایش های منفی، یا مشترک میان این دو هستند، به سه دسته کلی تقسیم کرده ایم:

ص: 94

1- فَيَدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ. (مجلسی، بحار الانوار، ج 57، ص 124)

2- قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: إِنَّ أَكْرَمَ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ حَمَلَةُ الْقُرْآنِ يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا كَمَا يَخْرُجُ الْأَنْبِيَاءُ وَيَحْشُرُونَ مِنْ قُبُورِهِمْ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَمُوتُونَ عَلَى الصِّرَاطِ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَيَأْخُذُونَ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ. فطوبى لطالب العلم وحامل القرآن مما لهم عند الله من الكرامة والشرف (حكيمى، الحياة، ج 2، ص 231)؛ گرامی ترین بندگان بعد از انبیا، علما، سپس حافظان قرآن هستند. مانند انبیا از دنیا می روند؛ همراه انبیا از قبرهایشان خارج می شوند به همراه انبیا از صراط می گذرند و ثواب انبیا را می برند. پس خوشا به حال پوینده راه علم و حافظ قرآن به سبب آن کرامت و شرافتی که نزد خدا دارند.

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَزْبَعِينَ حَدِيثًا يَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالذَّارَ الْآخِرَةَ، حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا (شعيري، جامع الأخبار، ص 182)؛ هر کس از امت من چهل حدیث به خاطر خداوند عزوجل و آخرت حفظ کند، خداوند در روز رستاخیز او را با پیامبران و صدیقان و شهیدان و صالحان محشور فرماید و چه نیکو همدمانی هستند اینان.

### توجه به خداوند (احساس حضور در پیشگاه الهی)

توجه به این واقعیت که هر کاری را انسان انجام می دهد در پیشگاه خداوند است و اصولاً تمام عالم هستی، محضر خدا است و چیزی از اعمال و حتی نیت آدمی از او پنهان نیست، می تواند روی برنامه زندگی انسان آثار زیادی بگذارد. خداوند می فرماید:

(أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى) (1)

آیا او ندانست که خداوند (همه اعمالش را) می بیند؟

امام علی علیه السلام می فرماید:

هر کس قلب خود را با یاد پیوسته الهی آباد کند، اعمال او در پنهان و آشکار نیکو می شود. (2)

### موعظه

مفهوم موعظه، عبارت است از: ترساندن و نرم کردن قلب و ارشاد و امر نمودن به اطاعت توصیه ها. (3) انسان به دلیل ویژگی خاص وجودی اش و به دلیل ویژگی خاص این دنیا، همیشه در معرض غفلت است. غفلت منشأ گمراهی و فساد انسان هستند؛ زیرا انسان غافل در راهی سیر می کند که نهایتش جز سرگردانی نیست و نقش موعظه در چنین وضعیتی غفلت زدایی است. (4) قرآن کریم خود را موعظه می داند که شفا و دارویی برای بیماری دل ها، هدایت و رحمتی برای مؤمنان است:

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ)؛ (5)

ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است و درمانی برای دل های شما و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان!

ص: 95

1- علق، آیه 12 .

2- مَنْ عَمَرَ قَلْبَهُ بِدَوَامِ الذِّكْرِ حَسَنَتْ أَعْمَالُهُ فِي السِّرِّ وَالْجَهْرِ. (تمیمی آمدی، غررالحکم، ص 189)

3- مصطفوی، التحقيق في كلمات قرآن کریم، ج 13، ص 149 .

4- علی علیه السلام : الْمَوْعِظَةُ صِيْقَالُ النَّفْسِ وَجَلَاءُ الْقُلُوبِ. (تمیمی آمدی، غررالحکم ص 224)؛ اندرزهها صیقل بخش جان ها و جلا دهنده دل ها است.

5- یونس، آیه 57 .

همچنین شکل اجرای موعظ نیز در کیفیت و کمیت اثر بخشی آن، نقش مهمی دارد. روش هایی مثل: «بیان زیبا و حسن (1)»، بیان نرم (2) و جلب اعتماد (به وسیله صداقت، اخلاص، عامل بودن و دلسوزی واعظ) (3) که در برخی از کتاب ها به عنوان روش مستقل آمده، در واقع زیر مجموعه روش موعظه هستند.

## محبت

محبت اکسیر اثر بخشی است برای تغییر بسیاری از صفات و حالات انسان و باعث می شود انسان ضمن این که سخنان محبوبش را عمل می کند، خودش را در ظاهر و باطن به شکل او در آورد؛ چرا که مهر و محبت طبع سرکش آدمی را رام و قلب او را آماده پذیرش حقیقت می سازد. خداوند در قرآن کریم خطاب به حضرت موسی علیه السلام می فرماید:

وَالْقِيَتِ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلَتُصْنَعُ عَلَيَّ عَيْنِي؛ (4)

من محبتی از خودم بر تو افکنم، تا در برابر دیدگان من ساخته شوی.

امام صادق علیه السلام در اهمیت روش محبت به استفاده آن توسط خداوند در تربیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم اشاره کرده و می فرماید:

خداوند سبحان پیامبر خود را با محبت الهی تادیب و تربیت کرده است. (5)

میان محبت و اطاعت رابطه معیت وجود دارد؛ با ظهور محبت، اطاعت و همرنگی پیدا می شود و محب به محبوب تأسی می کند. (6) انسان به هر چه محبت پیدا کند، بدو متمایل می شود و

ص: 96

1- (أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ) (نحل، آیه 125)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما.  
2- (فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى) (طه، آیه 44)؛ اما بنر می با او سخن بگویند شاید متذکر شود، یا از خدا بترسد!  
3- ان العالم اذا لم يعمل بعلمه زلت موعظته عن القلوب كما يزل المطر عن الصفا (کلینی، الکافی، ج 1، ص 56)؛ اگر عالم و دانشمند به علم خود عمل نکند، موعظه و اندرز او از دلها می لغزد آن چنان که باران از روی سنگ صفا که صاف و لغزنده است - بلغزد. / (وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) (شعراء، آیه 109)؛ و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی کنم اجر من جزیر عهده پروردگار جهانیان نیست.

4- طه، آیه 39.

5- (إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَدَبٌ نَبِيَّهُ عَلَى مَحَبَّتِهِ). (مجلسی، بحار الانوار، ج 2، ص 95)

6- گاهی بزرگانی را می بینیم که ارادتمندان آنان حتی در راه رفتن و لباس پوشیدن و برخوردها و ژست سخن از آنان تقلید می کنند. این تقلید اختیاری نیست، خودبه خود و طبیعی است. نیروی محبت و ارادت است که در تمام ارکان هستی محب اثر می گذارد و در همه حال او را همرنگ محبوب می سازد. این است که هر انسانی باید برای اصلاح خویش دنبال اهل حقیقتی بگردد و به او عشق بورزد، تا به راستی بتواند خویش را اصلاح کند. (مطهری، مجموعه آثار، ج 16، ص 268)

رنگ، بو، حال و هوای او را می‌گیرد و همسانی صورت می‌پذیرد. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

هر که چیزی را دوست بدارد، به یاد آن حریص می‌شود. (1)

بنابراین روشن محبت کارسازترین روش در اصلاح آدمی و متصف کردن متربی به صفات نیکوی انسانی است و در تربیت دینی و ایمانی بیشترین نقش به محبت اختصاص می‌یابد.

### تشویق

تشویق می‌تواند از طریق تحسین و تبشیر صورت گیرد. تحسین، تشویق گفتاری است و تبشیر به معنای بشارت دادن به عطایایی است که پس از به دوش گرفتن تکالیف به فرد ارزانی خواهد شد. (2) پیامبران در مقام مربی از این شیوه بسیار بهره‌گرفته‌اند.

### پاداش مضاعف

(لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ)؛ (3)

تا خدا در مقابل بهترین اعمال ایشان جزا و ثواب کامل عطا فرماید و از فضل و احسان خویش بر آن‌ها بیفزاید، و خدا هر که را خواهد، روزی بی‌حد و حساب بخشد.

## 2-2-2-3 روش‌های مهار و تضعیف گرایش‌های منفی

### توبه

توبه به معنای بازگشت است. البته صرفاً به معنای بازگشت بنده از گناهش نیست، بلکه خداوند نیز در مقام تربیت انسان، بازگشت دارد. از آیات قرآن استفاده می‌شود که خداوند دو توبه (بازگشت) دارد: توبه اول، توبه هدایت و توفیق است و خداوند به بنده خویش که لغزیده و به او پشت کرده، بازگشت می‌کند و او را نسبت به زشتی کار خویش آگاه می‌کند و به سمت استغفار هدایتش می‌کند.

(تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا)؛ (4)

ص: 97

1- من احب شيئا لهج بذكره. (تمیمی آمدی، غرر الحکم ص 65)

2- باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج 1، ص 169.

3- نور، آیه 38.

4- توبه، آیه 118.

خداوند راه توبه را برایشان هموار کرد تا توبه کنند.

هنگامی که بنده در اثر توبه اول خدا به استغفار روی آورد، توبه دوم خدا آشکار می شود و آن توبه قبول است که با مغفرت همراه می شود

(غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ)؛ (1)

خداوند پوشاننده گناه و قبول کننده توبه است.

به مقتضای روش توبه، باید برخوردی با فرد خطاکار نمودار رحمت باشد. این روش ایجاب می کند که مربی، خود به استقبال خطاکار برود و به او که پشت کرده، رو کند. مربی نباید به محض دیدن خطا در فرد، او را از خویش براند. (2)

### جلوگیری از ارتباط با افراد ناسالم

یکی از مواردی که افراد را به سوی رفتارهای ناشایست می کشاند، ارتباط با افراد ناسالم است این ارتباط هر چقدر بیشتر باشد، احتمال تأثیرگذاری نیز بیش تر می شود. به همین سبب، پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، پیروان خود را از ارتباط با افراد ناسالم یا ورود به محیط های ناسالم بازمی داشتند و از افراد پست و کارهای ناشایست آنان بیزاری می جستند.

(يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا)؛ (3)

ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم.

### عفو و گذشت

امام علی علیه السلام فرمود:

(شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْفُو عَنِ الزَّلَّةِ وَلَا يَسْتُرُ الْعَوْرَةَ)؛ (4)

بدترین مردم کسی است که خطای دیگران را نبخشد و عیب را نپوشاند.

ص: 98

1- غافر، آیه 3 .

2- ر. ک باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج 1، ص 166-168.

3- فرقان، آیه 28 .

4- تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، ص 245، ج 5016.

تغافل به این معنا است که از امری به واقع مطلع شویم و به روی خود نیاوریم.

(من أشرف أفعال الكرم تغافله عما يعلم)؛ (1)

از شریف ترین کارهای انسان بزرگوار این است که نسبت به چیزهایی که [ از دیگران ] می داند تغافل نماید.

نصف العاقل احتمال و نصفه تغافل؛ (2) نیمی از عقل تحمل است و نیمه دیگر آن تغافل.

صَلَاحُ حَالِ التَّعَاشُرِ وَالتَّعَاشُرِ مِإِءٍ مِّكِيَالٍ ثُلَاثَاهُ فِطْنَةٌ وَتُلْتُهُ تَغَافُلٌ؛ (3)

مصلحت همزیستی سالم و معاشرت با مردم در پیمانۀ ای است که دو سوم آن هوشیاری و یک سوم آن تغافل باشد.

## حسن ظن

حسن ظن نسبت به رفتار متربی و محمل مناسب پیدا کردن برای رفتارهای سؤال برانگیزی از روش های دیگر تربیتی است

(صَبَّحَ أَمْرًا خِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مَا يُقَلِّبُكَ عَنْهُ.....) (4)

کار برادرت را به بهترین وجه تأویل کن تا آنگاه که از او رفتاری آید که باورت را دگرگون کند.

آنگاه که راه های توجیه مری سد شد و برای او یقین حاصل آمد که متربی خطا کرده است، زمان تغافل فرامی رسد. در این هنگام، عزت

متربی باید با تغافل از خطای او حفظ شود. (5)

## بیم دادن ( انذار )

انذار در مقابل تبشیر و مقصود از آن بیم دادن و ترسانیدن متربی از عواقب گناهان و اعمال زشت است. متربی نیز به منظور دفع ضرر، رفتار

مطلوب را انجام داده و رفتار نامطلوب را ترک می کند. (6) این واژه و مشتقات آن بیش از 124 بار در قرآن کریم به کار رفته است و خداوند

نیز

ص: 99

1- غرر الحکم، ص 675، شماره 72 .

2- همان، ص 720، شماره 19.

3- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 264 .

4- کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 362 .

5- ر.ک: باقری، پیشین، 201 - 203 .

6- الانذار اخبار فیه تخویف کما ان التبشیر اخبار فیه سرور. (مفردات راغب، ذیل واژه نذر)

خود را منذر معرفی کرده است :

(إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ، إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ). (1)

قرآن کریم رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم را در بعضی موارد تنها در روش انذار خلاصه می کند؛ مانند «ان انت الا نذیر» (2) و «قل انما الایات عند الله وانما انا نذیر مبین» (3). در واقع، آن چه بیش از هر چیزی انسان را به حرکت وادار می کند و از گناه و معصیت پرهیز می دهد، انذار است و روشن است که انذار در شروع کار تأثیر عمیق تری در بیدار کردن جان های خفته دارد.

### تنبیه

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است :

(مَنْ لَمْ يُصْلِحْهُ حُسْنُ الْمُدَارَاةِ، أَصْلَحَهُ سُوءُ الْمُكَافَاةِ)؛ (4)

آن کس که خوبی مدارا او را اصلاح نکند بدی مجازات اصلاحش می کند.

روش تنبیه را می توان به دو نوع تنبیه سلبی و تنبیه ایجابی تقسیم کرد. در تنبیه سلبی متربی در برابر کار ناشایست خود، از چیزی محروم یا به ازای آن، جریمه می شود. در تنبیه ایجابی یا از محرک های آزار دهنده استفاده می شود یا وی به فعالیت های ناخوشایند وادار می شود. بیان خطا، ملامت و سرزنش (مانند تعریض و کنایه زدن) و نیز قهر، اخراج، تبعید، کیفر دادن و تعزیر، از جمله روش های استفاده از محرک های آزارنده اند و تمرین ایجابی، تمرین مشروط،

جبران کردن، تسلیم هدایت شده و ایجاد محدودیت جسمانی از روش های وادار کردن به فعالیت های آزار دهنده هستند. (5)

ص: 100

1- دخان، آیه 3 .

2- فاطر، آیه 23 .

3- عنکبوت، آیه 50 .

4- تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ح 8202 .

5- ر.ک: گروهی از نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 491-492.



## موعظه

قرآن کریم، یکی از روش های مؤثر در تربیت انسانها را موعظه می داند و در بسیاری از آیات به آن سفارش می کند. (1) «موعظه» از «وعظ» به معنای پند و اندرز، تذکر و یادآوری سخنی که با خیر و خوبی همراه باشد و موجب رقت و نرمی دل شود و نیز به معنای واداشتن به کاری آمده است که با بیم دادن همراه باشد؛ به عبارت دیگر، هرگونه اندرزی که در مخاطب اثر بگذارد و او را از بدی ها بترساند یا قلب او را متوجه نیکی ها گرداند، وعظ و موعظه نامیده می شود. (2)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

المواعظ صقال النفوس وجلاء القلوب؛ (3)

موعظه، صیقل دهنده نفسها و روشنی بخش دل ها است.

ان في كل شيء موعظة وعبرة لذوي اللب والاعتبار؛ (4)

به درستی که در هر چیزی موعظه و عبرتی است برای صاحبان خرد.

## عاقبت اندیشی

آن چه فرد را به انجام عمل مطلوب می انگیزد و از مبادرت به خطا مصون می دارد، همان ذات است. هنگامی که فرد بیند پیامد عمل او زیان خود وی را در پی دارد یا آنکه به سود خود او است، زمینه مناسب برای یافتن انگیزه درونی نسبت به ترک یا انجام عمل را یافته است. (5) عاقبت اندیشی به دو صورت ممکن است: (1) اندیشیدن درباره جهان آخرت و انعکاس نتایج اعمال در آن و (2) اندیشیدن به نتایج اعمال در این دنیا. عاقبت اندیشی به دو معنای فوق، به حال متری سودمند بوده و موجب می شود که رفتارهایش را سنجیده و با در نظر داشتن عاقبت نتایج آن ها انجام دهد.

ص: 101

1- (أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ)؛ مردم را با موعظه حسنه به راه خدایت دعوت کن. (نحل، آیه 125)

2- دفتر تبلیغات اسلامی، فرهنگ نامه علوم قرآن جلد 1، ص 4638.

3- تمیمی آمدی، غرر الحکم، و درر الکلم، ح 373.

4- تصنیف غرر الحکم، ص 472، شماره 10770.

5- ر.ک باقری، همان، ص 151.

عن الصادق عليه السلام : ... وَ النَّظْرُ فِي الْعَوَاقِبِ تَلْقِيحُ الْقُلُوبِ؛ (1)

عاقبت اندیشی مایه باروری دل هاست.

### تغییر موقعیت

موقعیت ها و شرایط گوناگون وضعی، زمانی مکانی و اجتماعی تاثیرات مختلفی بر انسان به جا می گذارند. یکی از روش های تربیتی برای اصلاح رفتارهای ظاهری و حالات مطلوب باطنی، آن است که ارتباط فرد با موقعیت پیرامون او دچار تغییر شود. امام باقر علیه السلام می فرمایند:

(أَيُّمَا رَجُلٍ غَضِبَ وَهُوَ قَائِمٌ فَلْيَجْلِسْ فَإِنَّهُ سَيَذْهَبُ عَنْهُ رِجْزُ الشَّيْطَانِ وَإِنْ كَانَ جَالِسًا فَلْيُقِمْ). (2)

به کارگیری گسترده این روش در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام نشانگر اهمیت چشم گیر آن در برنامه های تربیتی اسلام است. کوچ و هجرت، سیاحت و سفر، حضور در اماکن متبرکه و مشاهد مشرفه یا تغییرهای مکانی و زمانی از انواع تغییر موقعیت هستند.

### روش مواجهه

هنگامی که مرتبی با پیامد منفی یا نتیجه مثبت عمل خود مواجهه شود، نسبت به ترک یا انجام عمل انگیزه درونی بیشتری پیدا می کند. در آیات مختلف قرآن به این روش تربیتی اشاره شده است :

(ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مِمَّا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ)؛ (3)

فساد در خشکی و دریا به خاطر کارهایی که مردم انجام داده اند، آشکار شده است. خدا می خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشانند؛ شاید (به سوی حق) بازگردند!

### مهر و قهر (جاذبه و دافعه)

اظهار محبت، مایه تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند، لازمه و زمینه تأثیرگذاری مربی و مرتبی است؛ از این رو در آموزه های دینی نسبت به بیان آن تأکید شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

ص: 102

1- شیخ طوسی، الأمالی، ص 301، ح 595.

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 70، ص 272.

3- روم، آیه 41.

(إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَتْبَتُ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا)؛ (1)

هرگاه محبت کسی را در دل داشتی، او را از این محبت باخبر کند که این آگاهی، دوستی و مودت شما را استوارتر خواهد کرد.

البته در بسیاری از موارد روش بیان مهر و محبت به تنهایی کافی نیست و لازم است در کنار آن از روش قهر و دافعه نیز بهره جست. در واقع، بیان قهر نیز هم چون مهر قدرت مند است؛ زیرا قهر، منع مهر است و اگر مهر نافذ باشد، منع آن نیز نافذ و برانگیزنده خواهد بود. به زبان آوردن قهر و ابراز بی مهری، ترس از حرمان را در مخاطب دامن میزند و همین ترس، عامل بازدارنده نیرومندی است که تخطی را مهار می زند. (2) چنانکه در موردی که همسر نافرمانی می کند، قرآن کریم اول از مرد می خواهد که او را موعظه کند و اگر نتیجه بخش نبود هنگام خواب از او جدا بخوابد و با او قهر کند :

(وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُورَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ ..). (3)

زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید، (نخست) پندشان دهید؛ (بعد) در خوابگاه از ایشان دوری گزینید...

#### 4-2-3-2 روش های رفتاری

#### 2-3-2-3-1 سختی کشیدن جدیدیت و تلاش

#### تحمیل بر نفس

تحمیل در جایی مورد می یابد که کراهت وجود داشته باشد. هنگامی که علی رغم گریز و کراهت باطن، اعضا و جوارح به انجام عملی وادار گردند، روش تحمیل به نفس مورد استفاده قرار گرفته است. طبق این روش، باطن رمیده و بی رغبت را میتوان با حرکات اندام به بند کشید و آن را رام و راغب گرداند. (4) روش تحمیل بر نفس از آنجا که مستلزم وادار نمودن خود به انجام یا ترک رفتارهای غیر ملائم با امیال نفسانی است از اهمیت والایی در منابع اسلامی

ص: 103

1- کلینی، اصول کافی، باب اخبار الرجل اخاه بحبه.

2- ر.ک: باقری، همان، ص 231-234.

3- نساء، آیه 34.

4- باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ج 1، ص 70.

برخوردار است. (1) علی علیه السلام می فرماید:

(إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلٌّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ). (2)

اگر بردبار نیستی پس خود را بردبار بنما، زیرا که کم است کسی که شبیه سازد خود را بقومی مگر این که نزدیک باشد که جزو ایشان گردد.

## رفق و مدارا

برخورد ملایم همراه با گذشت و سعه صدر از صفات ضروری و قطعی یک مربی لایق است. تندروی و اعمال فشار و سخت گیری های بی جا و اجرای برنامه های فوق طاقت فرد یا گروه تحت تربیت و عدم رعایت موقعیتها و مراتب و حالات اشخاص، خسارت های سنگینی را متوجه احساسات پاک آنان کرده و کانون عشق و علاقه آن ها را نسبت به معنویت و اخلاق، از اساس ویران می سازد. (3) توجه به میزان آگاهی، توان جسمی، درجه ایمان و انگیزه فرد و رعایت رفق و مدارا بر اساس آن ها در تربیت بیشتر مؤثر خواهد بود. خداوند متعال به پیامبرش علیهم السلام می فرماید:

(فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ)؛ (4)

پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم خوشدی و اگر تندخو و سخت دل بودی از گرد تو پراکنده می شدند.

علی علیه السلام نیز در سفارش به کمیل می فرماید:

(يَا كَمِيلُ! لَارْخَصَةَ فِي فَرَضٍ وَلَا شِدَّةَ فِي نَافِلَةٍ)؛ (5)

یا کمیل! نه تخفیفی در واجبات است و نه سخت گیری در امور مستحب.

## 2-3-2-4-2 تلقین به نفس

تلقین به نفس به این معنا است که از طریق به زبان آوردن قولی معین تغییر به مقتضای

ص: 104

1- حسین خانی، روش تربیتی تحمیل بر نفس در منابع اسلامی، ص 20.

2- مجلسی، بحار الانوار، ج 68، ص 405.

3- موسوی کاشمیری، روش های تربیت: رفق و مدارا، نشریه پیام زن، ش 279، 1394.

4- آل عمران، آیه 159.

5- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 174.

آن در درون انسان پدید آید (تلقین زبانی) یا با آشکار ساختن عملی در اعضا و جوارح، سایه و ظنن آن عمل را به درون بیفکنیم (تلقین عملی). در تلقین فعلی، مقصود آن است که صورت یک فعل مطلوب را به نحو تظاهر بر اعضا و جوارح خویش آشکار سازیم؛ در حالی که آن فعل و آثار آن در درون ما ریشه نداونده است؛ مثل دستور به پرهیز از تبختر و تکبر در راه رفتن، (1) که خداوند متعال می فرماید:

(وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا). (2)

و بندگان خدا کسانی هستند که بر روی زمین با تواضع راه می روند.

### 3-2-4-3 تمرین و تکرار

این روش اشاره به این مطلب دارد که مربی باید متری خود را به رفتار پسندیده و انجام اعمال صالح عادت دهد و با اجرای برنامه های مستمر همراه با تمرین و تکرار رفتارهای شایسته را در سبک زندگی فردی و اجتماعی وی به صورت ملکه در آورد.

### 4-2-4-4 زمینه سازی

حالات و اعمال آدمی در بستر شرایط و موقعیت ها می روید و از آن ها ارتزاق می کند. انتخاب و تنظیم مناسب زمینه ها و شرایط، به مثابه عامل «تسهیل کننده» ای است که امکان شکل گیری ها و شکل دهی های مطلوب را بالا می برد. طبق این روش، باید از پیش شرایطی را که تسهیل کننده حالات و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب هستند، به نحو مقتضی دگرگون گردد. پس زمینه سازی دو وجه دارد: یکی ناظر به فراهم آوردن شرایط اولیه ای است که احتمال بروز رفتارها و حالات مطلوب را بالا می برد و دیگری ناظر به جلوگیری از شرایط اولیه ای که احتمال بروز رفتارها و حالات نامطلوب را افزایش می دهد. (3)

ص: 105

1- ر.ک: باقری، همان، ص 93-96.

2- فرقان، آیه 63.

3- باقری، همان، ص 135-136.

#### 5-4-2-3-2 تکلیف به قدر وسع

افراد ظرفیت های مختلفی دارند، هم از حیث فهم و هم از حیث عمل. این روش بیانگر آن است که مربی در مواجهه با مربی، باید چیزی بگوید که در طاقت فهم او باشد و چیزی بخواهد که در طاقت عمل او باشد. (1)

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا... ربنا... وَلَا تُحْمِلُنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ... (2)

خدا هیچ کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی کند... خدایا... چیزی را که توان انجامش را نداریم بر ما تحمیل نفرما....

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نیز فرمودند:

(كَلِّمُوا النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَ دَعُوا مَا يَنْكُرُونَ أَتْرِيدُونَ أَنْ يَكْذِبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ؟) (3)

براین اساس، در نظام تربیتی اسلام، مربی باید به توان و کشش مربی خود نظر بدوزد و برپایه آن با او سخن بگوید و از او تکلیف بخواهد.

#### 6-4-2-3-2 مرحله ای کردن تکالیف

بسیاری از احکام و تکالیف خداوند متعال بر بندگان در چند مرحله و در طول زمان ابلاغ شده و تکلیف نهایی به تدریج نمایان شده است؛ مثل احکام نماز و تحریم ربا و شرب خمر که در چندین مرحله صورت گرفته است. با توجه به اصل تدریج و در این روش، باور بر این است که بسیاری از آموزه های اخلاقی و تربیتی باید در طول زمان از سوی مربی به مربی منتقل شود.

#### 7-4-2-3-2 روش تربیت عملی

این روش نیز همانند روش ارائه الگو، بریادگیری مربی از طریق مشاهده رفتار دیگران تأکید دارد با این تفاوت که در اینجا به جای الگو قرار دادن دیگران، مربی الگو واقع می شود و این خود اوست که باید الگوی عملی و رفتاری برای مربیان خود باشد. خدای متعال می فرماید:

ص: 106

1- همان، 151 .

2- بقره، آیه 286 .

3- قمری، سفینه البحار، ج 6، ص 357 .

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ \* كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ)؛ (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا چیزی را می گوئید که عمل نمی کنید؟\* در نزد خدا بسیار مبعوض است که چیزی را بگوئید که به جا نمی آورید.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید:

(كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْإِحْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ)؛ (2)

مردم را به غیر از زبان خود [و با رفتارهایتان به سوی خدا] دعوت کنید، تا پرهیزکاری و کوشش در عبادت و نماز و خیر را از شما ببینند، زیرا اینها خود دعوت کننده است.

بنابراین، عمل و رفتار مربی بیش از هر کس دیگر مورد توجه متربی است و در تعلیم و تربیت او می تواند بسیار اثرگذار باشد. از این رهگذر، برخی از آموزه ها بدون اینکه به زبان استاد و مربی جاری شود به صورت یادگیری عملی در جان و دل متربی می نشیند.

از سوی دیگر، اگر متربی بین گفتار و کردار مربی دوگانگی ببیند، ممکن است نسبت به همه گفته ها و آموزش های مربی بی اعتماد گردد و دچار سردرگمی شود.

\*\*\*\*\*

ص: 107

1- صف، آیه 2-3.

2- حر عاملی، وسائل الشیعة، ج 1، ص 76.





فصل سوم : اهداف تربیت در حوزه های علمیه و ترسیم سیمای آرمانی طلبه

اشاره

ص: 109



هر رفتار اختیاری، هدف و مقصدی را دنبال می کند و جریان تربیت نیز به عنوان رفتار اختیاری هدفمند، جهت دهنده و تعیین کننده مقصد و مقصود می باشد. اهداف از یک سو بر مبانی تربیتی و از سوی دیگر بر نظام ارزشی مبتنی هستند.

لازم به ذکر است که اهداف از یک نگاه، به اهداف ساحتی و فراساحتی تقسیم می شود که نخست به اهداف کلی و فراساحتی پرداخته خواهد شد.

هدف، قصد و غایت، واژه هایی مترادف و در بردارنده مفهوم «نهایت و سرانجام کاری» است. البته با این تفاوت که گاه نهایت، امری عینی و خارجی است؛ مانند هدف در تیراندازی که به آن هدف تیراندازی می گویند و گاه، امری ذهنی یا وجدانی است؛ مانند هدف یک دانش آموز برای پیمودن مقطع خاص تحصیلی که به آن قصد، غرض، انگیزه و شوق گفته می شود. (1)

اساساً هیچ فعالیت آگاهانه ای از جمله تربیت بدون هدف نیست؛ چراکه فاعل تا نداند به سوی چه هدفی در حرکت است، اصلاً نمی تواند قصد و غرض درستی داشته باشد. پیش بینی هدف در تربیت، نتایج و آثاری را به دنبال دارد که عبارت است از:

- شناخت گزاره های تجویزی و اصول؛
- شناخت روش ها و تهیه ابزار و وسایل مناسب برای برطرف کردن موانع؛
- هماهنگی میان فعالیت های دست اندرکاران گوناگون امور تربیتی؛
- هم سوئی و هم گرایی مربی و متربی؛
- ایجاد انگیزه و تحرک بیشتر برای رسیدن به مقصود؛
- آگاهانه بودن جریان تربیت؛
- دست یابی به شاخصی برای سنجش میزان موفقیت فعالیت تربیتی و غیره. (2)

ص: 111

1- ر.ک: اعرافی درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (2)، ص 3.

2- همان، ص 6 و 7.

## 1-1-3 ویژگی های خاص اهداف تربیتی

1. ارزشی بودن: هدف به مفهوم عام و فلسفی، در افعال ناپسند و نادرست از نظر اخلاقی هم وجود دارد؛ اما ویژگی هدف تربیتی آن است که بر پایه معیارهای عقلانی، منطقی و ارزشی انتخاب شده باشد.

2. تفصیلی بودن: هدف تربیتی در اصطلاح به اهدافی اطلاق می شود که به تفصیل و به روشنی در ذهن مربیان حضور داشته و حتی بیان شده باشد، نه هدف های اجمالی و مبهمی که افراد به صورت ارتكازی نسبت به آن ها آگاهی دارند.

3. مرتبط و منسجم بودن: بین اهداف تربیتی باید ارتباط منطقی، ترتب و انسجام وجود داشته باشد و در هجوم اهداف، جایگاه و نسبت هر هدف کلی یا جزئی با اهداف کلی یا جزئی دیگر معین باشد. هدف های از هم گسیخته و بیگانه، نمی توانند اهداف قابل قبولی برای تربیت باشند؛ زیرا ممکن است رسیدن به یکی، مانع وصول دیگری باشد یا آن را خنثی نماید.

## 2-1-3 تقسیم بندی اهداف تربیتی

### اشاره

اهداف از یک نگاه، به اهداف نهایی و غیرنهایی (میانی و جزئی) و به یک اعتبار دیگر به اهداف ساحتی و فراساحتی تقسیم می شود:

### 1. اهداف نهایی و غیر نهایی

در یک تقسیم، هدف به نهایی و غیرنهایی (میانی و جزئی) قابل تقسیم است. هدف نهایی، آخرین مطلوب و مقصود است و هدفهای غیر نهایی، واسطه ای برای رسیدن به هدفی بالاتر و والاترند. در نتیجه، ارزش هدف نهایی، ذاتی و ارزش اهداف غیر نهایی، غیری است. در واقع، تفاوت هدف نهایی با اهداف غیرنهایی، در اجمال و تفصیل آن ها می باشد و اهداف غیر نهایی، تفصیل و بسط داده شده همان هدف نهایی به اجزاء مختلف است.

### الف) اهداف فراساحتی

#### اشاره

اهداف فراساحتی اهدافی هستند که به ساحت و بعدی خاص اختصاص نداشته و در همه ابعاد باید مورد توجه قرار گیرند.

#### 1. هدف غایی تربیت

پیش از پرداختن به اهداف تربیت در حوزه های علمیه، لازم است تبیین کوتاهی از ماهیت و هویت طلبگی ارائه شود تا بتوان اهداف متناظر با این هویت را ترسیم نمود.

طلبگی پاسخی است به دعوت خداوند متعال به تقفه در دین در آیات قرآن به ویژه آیه شریفه نفر (توبه، آیه 122) و نیز روایات فراوانی که انسان را به کسب علم و دانش دعوت می کند. در واقع، طلبه از نظر رسالت و مأموریت، ادامه دهنده راه نورانی پیامبران و اولیای

الهی علیهم السلام است؛ یعنی همان وظایفی را که ایشان بر عهده داشته اند و فعالیت ها و خدماتی را که در جامعه انجام می داده اند، طلبه، در وضعیت کنونی، بر دوش گرفته است. آنچه که از آیه شریفه «نفر» برداشت می شود، بیانگر این است که هویت طلبه از مناسبت وی با سه واژه «لیندروا»، «لیندروا» و «لعلهم یحذرون» قابل تبیین است؛ یعنی فهم عمیق و صحیح دین از منابع دینی، بازگشت به میان مردم، ابلاغ پیام دین و انداز آن ها و تلاش برای تحقق آرمان ها و ارزش های دینی در جامعه اسلامی. از این رو، هویت طلبگی را می توان دارای سه رکن و بعد علمی (فهم دین)، بعد اخلاقی (طهارت و تقوا) و بعد تبلیغی دانست.

البته شاید فهم دو رکن علمی و تبلیغی از آیه نفر سهل تر از رکن اخلاقی باشد؛ چرا که به این دو رکن تصریح شده، ولی رکن اخلاقی را باید از مناسبت این دو رکن با هم استنتاج نمود. در واقع باید گفت کسی که خود انداز نشده و اهل خوف و خشیت از پروردگار متعال نباشد، هرگز نمی تواند مندر دیگران باشد. کسی که خودش ایمان نداشته و ملتزم به رفتار مؤمنانه نباشد، توصیه وی به ایمان و ارزشهای ایمانی مورد تردید قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، اگر طالب علم مهذب نباشد در فهم، استنتاج و استنباط از دین و گزاره های دینی قطعا دچار مشکل،

کج فهمی و لغزش خواهد شد و چه بسا افراد و حتی جامعه اسلامی را به سمت گمراهی و سقوط بکشاند؛ چرا که عموم مردم طلبه و روحانی را نماینده و نمایاننده دین می دانند و خطا و لغزش او را به پای دین می نویسند.

بی شک بر دوش کشیدن چنین بار سنگینی نیاز به آن دارد که طلبه ابتدا خود را از رذائل و هواهای نفسانی پاک کرده، آنگاه پا در مسیر تعالی بگذارد طلبه و عالمی که از فرهنگ متعالی اسلام و کمال انسان سخن می گوید باید در مقام عمل نیز پیشگام بوده، عمل وی سندی بر صدق مدعاهایش و نشانه ای برای جلب اعتماد و اطمینان مخاطبان باشد. اگر مردم میان رفتار و گفتار وی فاصله ای احساس کنند، اثری از کلام او نخواهند گرفت؛ زیرا این امر را به نوعی نشانه نفاق و شاهد بی اعتقادی به سخنان خویش می یابند.

پس اخلاق و تهذیب نفس به عنوان مقدمه بدیهی، طبیعی و لازم رسالت طلبگی مطرح است. البته باید گفت جایگاه و اهمیت اخلاق و ویژگی های اخلاقی عالمان دین در آیات دیگر (1) و نیز متون روایی به طور چشم گیری مورد بحث قرار گرفته که روایت شریف نبوی صلی الله علیه وسلم (انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) (2) شاهدی روشن بر این مدعاست.

تأکید بر تقدم تزکیه بر تعلیم و خطر پیمودن مسیر علم بی توجه به سلوک معنوی، در اندیشه و سخن امام خمینی قدس سره در اخلاق روحانیت موج می زند. (3) به توصیه امام قدس سره تهذیب باید از همان اوان جوانی و ورود به عرصه طلبگی مد نظر طلاب و نیز مریدان اخلاق در حوزه ها باشد که بیشترین بهره از نیرو و صفای روح جوان انتظار می رود. (4) ایشان بر اصلاح نفس پیش از

ص: 114

---

1- از جمله آیه شریفه (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ). (فاطر، آیه 28)

2- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 16، ص 210 و طبرسی، مکارم الاخلاق، ص 8.

3- این اصطلاحات هر چه زیادتر شود، اگر با تهذیب و تقوی همراه نباشد، به ضرر دنیا و آخرت جامعه مسلمین تمام می شود. تنها دانستن این اصطلاحات اثری ندارد. علم توحید هم اگر با صفای نفس توأم نباشد، وبال خواهد بود. چه بسا افرادی که عالم به علم توحید بودند و طوایفی را منحرف کردند. چه بسا افرادی که همین اطلاعات شما را به نحو بهتری دارا بودند، لیکن چون انحراف داشتند و اصلاح نشده بودند، وقتی وارد جامعه گردیدند، بسیاری را گمراه و منحرف ساختند. این اصطلاحات خشک، اگر بدون تقوی و تهذیب نفس باشد، هر چه بیشتر در ذهن انباشته گردد، کبر و نخوت در دایره نفس بیشتر توسعه می یابد (امام خمینی قدس سره، جهاد اکبر، ص 19).

4- شما وقتی وارد حوزه می شوید، پیش از هر کار، باید در صدد اصلاح خود باشید و مادامی که در حوزه به سر می برید، ضمن تحصیل، باید نفس خود را تهذیب کنید تا آنگاه که از حوزه بیرون رفتید و در شهر و یا محلی، رهبری ملتی را بر عهده گرفتید، مردم از اعمال و کردار شما، از فضایل اخلاقی شما استفاده کنند، پند گیرند، اصلاح شوند. بکوشید پیش از آنکه وارد جامعه گردید، خود را اصلاح کنید، مهذب سازید. اگر اکنون که فارغ البال می باشید، در مقام اصلاح و تهذیب نفس برنیاید، آن روز که اجتماع به شما روی آورد، دیگر نمی توانید خود را اصلاح نمایید. در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی توان مهذب شد. اگر حوزه ها همین طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد محکوم به فنا خواهد بود. (همان، 21).

پرداختن به اصلاح جامعه تأکید کرده و فرموده اند تا انسان تهذیب نفس نداشته باشد کلامش در مردم تأثیر ندارد. بنابراین گفتار و کردار روحانی باید یکی باشد. (1) به توصیه امام قدس سره تنها عالم مهذب می تواند در اصلاح جامعه مؤثر باشد و عالم غیر مهذب موجب انحراف امت می گردد. (2)

توصیه همیشگی مقام معظم رهبری دام ظلّه به مدیران و مسئولان حوزه و طلاب جوان و روحانیون همان سفارش های حضرت امام قدس سره بوده و ایشان از هر مناسبتی استفاده کرده و حوزه و روحانیت را به اخلاق و معنویت دعوت کرده اند. (3)

ص: 115

- 1- تا اصلاح نکنید نفوس خودتان را، از خودتان شروع نکنید و خودتان را تهذیب نکنید، شما نمی توانید دیگران را تهذیب کنید. آدمی که خودش آدم صحیحی نیست، نمی تواند دیگران را تصحیح کند؛ هرچه هم بگوید فایده ندارد. (صحیفه امام، ج 13، ص 420)
- 2- اگر به اصول کافی و کتاب وسائل، به ابواب مربوط به وظایف علما مراجعه کنید، می بینید تکالیف سنگین و مسئولیت های خطیری برای اهل علم بیان شده است. در روایت است که وقتی جان به حلقوم می رسد، برای عالم دیگر جای توبه نیست، و در آن حال توبه وی پذیرفته نمی شود؛ زیرا خداوند از کسانی تا آخرین دقایق زندگی توبه می پذیرد که جاهل باشند و در روایت دیگر آمده است که هفتاد گناه از جاهل آمرزیده می شود، پیش از آن که یک گناه از عالم مورد آموزش قرار گیرد؛ زیرا گناه عالم برای اسلام و جامعه اسلامی خیلی ضرر دارد عوام و جاهل اگر معصیتی مرتکب شود، فقط خود را بدبخت کرده، بر خویشتن ضرر وارد ساخته است؛ لیکن اگر عالمی منحرف شود و به عمل زشتی دست زند، عالمی را منحرف کرده، بر اسلام و علمای اسلام زیان وارد ساخته است. اینکه در روایت آمده که اهل جهنم از بوی تعفن عالمی که به علم خود عمل نکرده، متذنی می شوند، برای همین است که در دنیا بین عالم و جاهل در نفع و ضرر به اسلام و جامعه اسلامی فرق بسیار وجود دارد. اگر عالمی منحرف شد، ممکن است امتی را منحرف ساخته، به عفوئت بکشد و اگر عالمی مهذب باشد، اخلاق و آداب اسلامی را رعایت نماید، جامعه را مهذب و هدایت می کند (همان، ص 14 و 15).
- 3- من توصیه به خشوع و ذکر و تقوا و سعی برای تقرب الی الله را برای طلاب واجب تر میدانم تا توصیه به علم، که مایه اصلی کارشان علم است. اگر علم باشد، تقوا نباشد، این علم می شود بی فایده، گاهی هم مضر. عالمانی داشتیم - چه علم دینی، چه علم غیر دینی - که نه فقط از این علم بهره ای نبردند و بهره ای نرساندند، بلکه وزر و وبال شد. این روح معنویت در کالبد علم و عالم لازم است. (بیانات رهبری در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی کرمانشاه، 1390/07/20) مسأله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه ها فیض بردن از معنویات است، تهذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسأله ی تهذیب نیازمند است. کسانی که رشته های رفتارشناسی عمومی را مطالعه می کنند و کار می کنند، این را تأیید می کنند. امروز در همه ی دنیا اینجور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوان ها را بی حوصله می کند؛ جوان ها را افسرده می کند. در يك چنین وضعی، دستگیر جوان ها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت این که می بینید عرفان های کاذب رشد پیدا می کند و يك عده ای طرفشان می روند همین است؛ نیاز هست جوان ما در حوزه علمیه - جوان، طلبه چه دختر چه پسر نیازمند تهذیب است. (بیانات رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، 1389/7/29)

چنان که این اهمیت و اهتمام در مصوبه اعضای محترم شورای عالی نیز «با تأکید بر قرار گرفتن تهذیب و اخلاق در رأس همه فعالیت های حوزوی» (1) به خوبی و درستی نشان داده شده است.

از این رو باید گفت مهم ترین، اساسی ترین و جدی ترین هدف تربیتی حوزه های علمیه مسأله تهذیب نفس و اخلاق می باشد و بقیه امور در درجه بعدی اهمیت قرار دارند.

حال اگر بخواهیم مفهوم تهذیب نفس در حوزه را با توجه به رسالتی که بر دوش معاونت تهذیب و تربیت گذاشته شده است اندکی بسط بدهیم عبارت خواهد بود از:

«حاکمیت روح عبودیت و تقوا در شؤون مختلف زندگی طلاب».

## 2. اهداف میانی تربیت

گفته شد که اهداف فراساحتی به ساحت خاصی متعلق نبوده، بلکه همه ساحت ها را فرا می گیرند. بنابراین می توان برای تربیت، اهداف میانی فراساحتی نیز ترسیم کرد. برخی از مهم ترین اهداف میانی فراساحتی عبارتند از: عمل صالح، اخلاص، توکل، جلب رضای الهی، شکرگزاری، عدالت ورزی، مسئولیت پذیری، همت و تلاش.

## ب) اهداف ساحتی

### اشاره

اهداف ساحتی برگرفته از هدف نهایی تربیت هستند و در راستای آن تعریف می شوند. منظور از اهداف ساحتی، اهدافی است که به ساحت تربیتی خاصی اختصاص دارند. این اهداف نیز به نهایی و غیرنهایی (میانی و جزئی) قابل تقسیم اند.

### 1. هدف نهایی

هر ساحت خاص تربیتی، می تواند دارای هدف کلی و نهایی باشد که در آن ساحت خاص مطلوب می باشد.

### 2. اهداف غیرنهایی (میانی و جزئی)

### اشاره

اهداف غیرنهایی ساحتی نیز برگرفته از هدف نهایی ساحت خاص بوده و واسطه برای رسیدن به آن هستند. در هر ساحت خاص تربیتی، اهداف میانی و جزئی متعددی می توان



1- بخشی از مصوبه شورای عالی حوزه های علمیه، جلسه شماره 37 مورخه 1393/11/10.

ترسیم کرد. در واقع، هدف نهایی ساحت خاص به اهداف خردتری تقسیم می شود تا بتوان بر اساس آن ها، برنامه عملیاتی طرح ریزی کرد.

اما اهداف جزئی و عملیاتی تربیت در هر یک از ساحت ها، متناظر به ساحت خاص است. اهداف تربیتی را از یک منظر بر اساس ابعاد بینشی، گرایشی و رفتاری و از سوی دیگر بر اساس ارتباطات سه گانه انسان (الهی، فردی، اجتماعی) می توان به 9 گروه تقسیم کرد. به بخشی از این اهداف در ذیل اشاره شده است :

### **(الف) رابطه با خدا (اخلاق بندگی)**

• بینشی

• گرایشی

• رفتاری

### **(ب) رابطه با خود (اخلاق فردی)**

• بینشی

• گرایشی

• رفتاری

### **(ج) رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی)**

• بینشی

• گرایشی

• رفتاری

تفصیل هر یک از این اهداف در ادامه و در مبحث تربیت اخلاقی بیان خواهد شد.

### **3-1-3 ساحت های تربیت و مسائل آن**

**اشاره**

تبیین و توصیف روند تربیت در هر ساحت، ناگزیر مبتنی بر بیان مبانی، اهداف، اصول، روش ها، عوامل و موانع و مراحل آن ساحت است؛ اما با توجه به محدودیت نظام نامه حاضر به امر تهذیب و تربیت و نظر به اهداف و مأموریت‌های معاونت تهذیب و تربیت حوزه های

ص: 117

### 1-3-1-3 ساحت تربیت عبادی

#### اشاره

نگاهی به مفاد آیه کریمه ی قرآنی (وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ) [\(1\)](#) بیانگر این حقیقت است که عبودیت و سرسپردگی به استان قدس الوهیت، از جمله اصلی ترین فلسفه های آفرینش جنیان و آدمیان است. از این رو، پیامبران و اولیای الهی علیهم السلام در تلاش های تربیتی خود می کوشند که این دو گروه از مخلوقات را به ساحت اطاعت و بندگی خدای متعال رهنمون باشند. راه یابی به ساحت عبودیت در گرو پیدایش معرفت و محبت به خدای متعال و رسیدن به قله ی توحید در الوهیت است. هرم روانی آدمیان، برخوردار از سه سطح معرفت، محبت و قدرت است. اگر مریبان در تلاش های تربیتی خود بتوانند ستون های معرفت و محبت خدای متعال را در ذهن و دل مریبان خود افزایش دهند، مریبان به طور طبیعی به اطاعت و بندگی کشانده شده و از آن لذت خواهند برد. گذشته از معرفت و محبت الله، مریبان، نیازمند شناخت چستی و چگونگی نوع مناسک و عباداتی هستند که در ادبیات دینی از آن به شریعت یاد می شود. براین اساس، تربیت عبادی نیازمند تدارک گونه ای از معرفت و محبت است که به دیگر ساحت های تربیتی مربوط می شود؛ اما بیان و تفسیر چستی و چگونگی عبادت، ایجاد میل و گرایش به انجام آن ها و آموزش و تمرین بر انجام صحیح و به موقع وظایف عبادی و نیز کمک به متری برای رسیدن به نوعی انقلاب و تربیت شدگی روانی که ما به آن خدا شیفتگی نام داده ایم، مربوط به ساحت تربیت عبادی است. با این توصیف، در این نظام نامه، تربیت عبادی اساساً مربوط به شناسایی و ایجاد عادت و دلبستگی نسبت به انجام مناسک دینی است به همان گونه که در دین، توصیف و تبیین شده است (توقیفی بودن)؛ اما شکل گیری این عادت در صورتی به تربیت عبادی به معنای کامل آن میانجامد که متری، تمامی سکون و حرکت خود را با نیت قرب جویی و خدامداری انجام دهد.

ص: 118

عبادت در فارسی به معنای «ستایش یا پرستش کردن خدا با انجام اعمالی مانند نماز، دعا و مناجات است» (1) و در عربی از ماده «عَبَدَ» مشتق شده و به معنای «اظهار تذلل»، (2) «اطاعت»، (3) «انقیاد و خضوع» (4) است؛ اما در اصطلاح فقهی عبارت است از: «انجام عملی به قصد امتثال فرمان الهی». (5)

با بررسی واژه عبادت، چند معنای کاربردی در متون دینی برای آن می توان برشمرد:

1. انجام اعمالی که قصد قربت و امتثال فرمان الهی، شرط صحت آن است. کیفیت این اعمال توقیفی است و باید از طرف شارع تعیین شود؛ مانند نماز، روزه، حج و... (معنای اول)

2. انجام اعمالی که قصد قربت و امتثال فرمان الهی شرط صحت آن محسوب نمی شود و بدون آن هم مقبول خداوند است (مانند تدفین)؛ اما اگر انسان آن را با قصد الهی انجام دهد، به پاداش بیش تری می رسد و قصد قربت، شرط کمال عمل محسوب می شود. (معنای دوم)

3. در کاربردی دیگر، واژه عبادت به معنای انجام مطلق کارها (اعم از مأمور به و غیر آن) به قصد قربت به خدای متعال است. (معنای سوم)

شایان ذکر است در نوشتار حاضر، «تربیت عبادی» به هر سه معنا مدنظر است. به این معنا که در سه مرحله ی صعودی به سمت کمال پیش می رود. در گام اول، منظور از تربیت عبادی عبارت است از آموزش عبادات (به معنای اول) و کیفیت آن ها و تلاش برای ایجاد روحیه پرستش و نیایش در مرتبه ی به نحوی که به انجام مناسب و تکالیف عبادی متعهد شود و در گام بعدی و با فرض تحقق این مهارت، متریان می توانند با یک صعود رفتاری، تمامی حرکت ها و سکون را نیز با قصد قربت الهی، عبادی کنند. در این معنا عبادت به گستره تمامی کارهای کوچک و بزرگی است که قصد خدا در آن لحاظ شده است.

ص: 119

1- انواری، فرهنگ بزرگ سخن، ج 5، ص 4963.

2- راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ص 542.

3- ابن منظور، لسان العرب، ج 3، ص 272.

4- فیومی، المصباح المنیر، ج 2، ص 381.

5- مشکینی، مصطلحات الفقه، ص 366.

در گام سوم، تربیت عبادی به این معناست که والدین و مربیان می‌کوشند، فرزندان و متربیان خود را در باروری و شکوفا شدگی معرفت و محبت الله امداد رسانی کنند و زمینه‌های خوگیری، میل، استمرار، نشاط و شور بندگی را در تمامی مناسک دینی و رفتارهای خرد و کلان آنان، با صبغه‌ی خداگرایانه و قرب جویانه شکل دهند.

## هدف نهایی

هدف نهایی از تربیت عبادی طلاب عبارت است از: معرفت افزایی و محبت افزایی نسبت به معبود، عبادت و عابدان راستین و التزام رفتاری نسبت به انجام عبادات و مناسک (ایجاد شوق و روحیه تعبد آگاهانه در متربی) و به بیان دیگر امداد رسانی به طلاب برای حسن انجام مناسک دینی و واجبات الهی تا رسیدن به عبودیت و قرب الهی می‌باشد.

## اهداف میانی اصول و روش های تربیت عبادی

### اشاره

در ادامه، هر یک از اهداف میانی تربیت عبادی همراه با اصول مربوط به هر یک بیان شده است

### هدف میانی 1: معرفت عبادی بعد شناختی

### اشاره

بر پایه تعریف مشهور اسلام شناسان درباره مفهوم دین، دین شامل سه بخش عقاید، اخلاق و احکام است. ساحت تربیت عبادی، از میان سه بخش فوق، متمرکز بر تربیت متربی برای انجام درست و کامل متعلق احکام یعنی عبادات و معاملات است.

بنا به مستفاد از برخی روایات (1)، دامنه فقه اسلامی یا احکام الهی، شامل تمامی رخدادهای خرد و کلان زندگی آدمی است که به گونه ای مستقیم یا غیر مستقیم در سعادت و شقاوت وی دخالت دارند. بنابراین در نخستین گام تربیت عبادی، مربیان باید متربیان خود را برخوردار از دانش و آگاهی‌هایی کنند که بتوانند به روشنی و بی هیچ تردیدی، به امثال و فرمان بری اوامر و نواهی خدای متعال پردازند. این آگاهی بخشی مستلزم آشناسازی متربیان با حوزه

ص: 120

---

1- لكل واقعة حكماً معيناً من عنده تعالى (استرآبادي، الحاشية على أصول الكافي، ص 145)؛ عن حماد عن ابي عبد الله عليه السلام قال: «سمعتة يقول: ما من شيء الا وفيه كتاب او سنة؛ حماد گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: چیزی وجود ندارد که در مورد آن آیه ای از قرآن یا حدیثی نیامده باشد». (کلینی، اصول کافی، ج 1، ح 4، ص 134)

فقه اسلامی است. بنابراین، نخستین هدف شناختی تربیت عبادی در صورتی تأمین می شود که متربی آگاهی های لازم در مورد فقه را در اختیار داشته باشد. این دسترسی به دو صورت اجتهاد یا تقلید قابل تحقق است.

در این جا لازم است متریان به شناختهایی مجهز شوند که شرط لازم عمل عبادی است؛ شناخت لزوم بندگی و پرستش چیستی و چگونگی عبادات، فلسفه و اسرار عبادات، عوامل و موانع صحت عبادات مانند توقیفی بودن عبادات، عوامل و موانع کمال بخش عبادات (مانند اخلاص، حلاوت و نشاط)، برخی از معرفت هایی است که متریان پیش از عمل، باید از آن ها برخوردار باشند. در تربیت عبادی، مهمترین و حساس ترین پیش نیاز معرفتی، پیراسته بودن عبادات از شائبه ی ریا و شرک است. پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه وسلم در فرموده ای خاطر نشان کردند که انسان مؤمن باید بیش و پیش از هر چیزی نگران شائبه ریا و شرک در اعمال عبادی خود باشند؛ چراکه حضور یا دخالت این آسیب ها، به گونه ای است که اولاً خدای متعال تمام عبادات ریا زده را به بنده باز می گرداند (1) و ثانیاً عبادات شرک آمیز به گونه ای رمز آلود و اسرار آمیز رابطه میان خدا و بنده را نابود می کند؛ از این رو در روایت نبوی علیه السلام شرک از راه رفتن مورچه ای سیاه در شبی تاریک بر سنگی سیاه نهان تر و پوشیده تر است. (2) دست یابی به این هدف شناختی در تربیت عبادی، در چهارچوب اصول و روش های زیر انجام شدنی است:

## اصل 1: لزوم آشنایی با چیستی و چگونگی عبادات

### شیوه های اجرایی نمودن آن

- عدم قیاس و استحسان در کیفیات عبادات و توجه به توقیفی بودن آن ها؛ (3)

ص: 121

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: لا يقبل الله عملا فيه مقدار ذرة من رياء؛ خداوند عملی را که ذره ای از ریا در آن باشد قبول نمی کند. (فیض کاشانی، محجة البيضاء، ج 6، ص 141)

2- قال الامام الصادق عليه السلام في قول النبي صلى الله عليه وآله وسلم: إِنَّ الشَّرَّيَّ أَخْفَى مِنْ دَيْبِ التَّمَلِّ عَلَى صَفَاةٍ سَوْدَاءٍ فِي لَيْلَةٍ ظِلْمَاءٍ كَانَ الْمُؤْمِنُونَ يَسْتَبُونَ مَا يَعْبُدُ الْمُشْرِكُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...؛ همانا شرک نامحسوس تر از راه رفتن مورچه در یک شب تاریک بر روی تخته سنگی سیاه است. (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 72، ص 93)

3- (أَجْعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ). (توبه، آیه 19)

• آگاه سازی مرتبی به اقسام و احکام واجبات (نفسی، غیری، تعبدی، توصلی، عینی کفایی، تعیینی و تخییری، مطلق و مشروط و...) با برگزاری کلاس؛

• آگاه سازی مرتبی به فروع دین؛ (1)

• آگاه سازی مرتبی به محرمات الهی (گناهان کبیره و صغیره)؛

• آگاه سازی مرتبی به احکام عبادات و معاملات؛

• تشویق متریبان به خواندن و یادگیری رساله عملیه تحریر الوسیله و عروه الوثقی؛

• پرهیز دادن مرتبی از سؤال وسواس گونه در مورد شرایط و جزئیات عبادات؛

• راه اندازی کارگاه های آموزش عبادات؛

• بهره گیری از سیره تربیت عبادی معصومان علیهم السلام.

## **اصل 2: لزوم آشنایی با، ضرورت فلسفه و اسرار عبادات**

### **شیوه های اجرایی نمودن آن**

• آگاه سازی مرتبی از این که اسلام منهای عبادت مثل اسم بدون مسما است؛

• ترغیب مرتبی به آشنایی با فلسفه آفرینش و کتاب های فلسفه احکام، مانند علل الشرایع؛

• آشناسازی مرتبی با کتاب های اسرار نماز اسرار حج و...؛

• آگاه سازی مرتبی به نیاز وی به ارتباط با خداوند متعال و نیایش و گفت وگو با آن حقیقت هستی؛

• آگاه سازی مرتبی از این که سود تمام عبادات به وی بازمی گردد؛ • برانگیختن حس کنجکاوی مرتبی در مورد چرایی و فلسفه احکام؛

• پاسخ گویی به پرسش ها و شبهات ذهنی مرتبی در مورد فلسفه احکام؛

• آشناسازی مرتبی با ملاکات و مناطات احکام عبادی و معاملی؛

• آشناسازی مرتبی با مؤیدهای علمی فلسفه احکام و فواید عبادات (نگاه کارکردی به دین) و البته پرهیز دادن مرتبی از منحصر کردن فلسفه احکام در توجیحات و دستاوردهای علمی؛



1- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : حَدِيثٌ فِي حَلَالِ وَحَرَامِ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ . (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج1، ص 214)

- پرهیز دادن متری از منوط کردن انجام عبادات به دانستن فلسفه آن؛
- پرهیز دادن متری از نسبت دادن اسرار استنباطی غیر روشمند به احکام الله؛
- پرهیز متری از افراط و فرورفتن در فهم اسرار احکام تا ورود به مرز اسرار الله .

### اصل 3: لزوم آشنایی با شرایط صحت و مقبولیت عبادات

#### شیوه های اجرایی نمودن آن

- آشناسازی متری با شرایط صحت و قبولی عبادات؛
- آموزش مقایسه ای عبادات صحیح و باطل به صورت عملی؛
- در اختیار قرار دادن مواد آموزشی مربوط به شرایط صحت عبادات (کتاب، سی دی، جزوه) و برگزاری مسابقه در مورد آن؛
- بهره گیری از آموزش گروهی و تیمی در آموزش صحت و بطلان عبادات

### اصل 4: لزوم شناخت عوامل و موانع کمال بخش عبادات

#### شیوه های اجرایی نمودن آن

- بهره گیری از روش تربیت الگویی با بهره گیری از سیره عبادی معصومان علیهم السلام، عالمان ربانی و قله های تهذیب
- پرهیز دادن (تحدیر) متری از ریا و شرک در عبادت؛ (1)
- ایجاد مهارت تمرکز و حضور قلب در عبادات؛
- آگاه سازی متری از آیات و روایات مربوط به حضور قلب و اخلاص؛
- ترغیب متری به «در محضر خدا بودن» و این که در معرض نگاه شاهدان اعمال و معصومان علیهم السلام است؛
- تشویق متری به تفکر در جایگاه خود در پیشگاه خدا، قبل از شروع عبادات؛
- ترغیب متری به پوشیدن لباس مناسب و استفاده از عطر و فضای با نشاط جهت تسهیل

1- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : يقول الله سبحانه اني اغنى الشركاء فمن عمل عملاً ثم اشرك فيه غيري فانا منه بريء و هو للذی اشرك به دونی؛ خداوند سبحان می فرماید: من بی نیازترین شریکانم. هرکس عملی به جا آورد و غیر مرا در آن شریک کند، من از او بیزارم و این عمل از آن کسی است که شریک قرار داده، نه از آن من. (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 2، ص 1017)

ارتباط با خداوند؛

- آگاه سازی متربی از نقش انگیزه بخش حضور در عبادات جمعی؛
- ایجاد فراغت برای قبل و بعد عبادت
- آگاه سازی متربی به اهمیت انجام بهنگام عبادات (تسریع در انجام عبادات)؛
- آگاه سازی متربی به این که خداوند مشتاق گفت وگویی با بندگان است؛
- آگاه سازی متربی از نقش لقمه حرام در سلب توفیق و لذت از عبادت؛
- پرهیز دادن متربی از عبادت بردگان و تاجران؛
- پرهیز متربی از مجالست با غافلان و دنیاپرستان و تارکان عبادت.

## **اصل 5: لزوم شناخت جایگاه قرآن و ادعیه و ایجاد و تقویت انس با آن ها**

### **شیوه های اجرایی نمودن آن**

- معرفت افزایی در مورد قرآن در کلاسهای قرآن و آشنایی با پیام های تربیتی قصه های قرآن؛
- تأکید ویژه بر قرائت هر شب یک صفحه قرآن همراه با ترجمه بعد از نماز جماعت مغرب و عشاء؛
- برنامه ریزی برای حفظ قرآن به صورت ملایم؛
- برگزاری کارگاه آشنایی با مفاتیح الجنان و سایر کتب ادعیه؛
- برگزاری کارگاه آشنایی با صحیفه سجاده؛

### **هدف میانی 2: محبت عبادی (بعد انگیزشی و عاطفی)**

#### **اشاره**

تربیت عبادی در دومین هدف، مریبان را بر آن میدارد که در مریبان خود، گرایش و محبت به انجام عبادات را ایجاد نموده و به دنبال آن استمرار و پایداری در عبادات را در آنان تثبیت کند. براساس گفته ی علامه شهید مرتضی مطهری ره، تربیت در هر ساحت از جمله در ساحت تربیت عبادی، نیازمند تجهیز متربی به دو بال معرفت و محبت است. ایشان آدمیان را در حرکت به سمت اهداف برگزیده به

ماشینی تشبیه می کند که نیازمند به چراغ و موتور محرکه است. چراغ به منزله ی معرفت و نیروی محرکه به منزله ی انرژی روانی است که

ص: 124

البته تراز تحولی متریبان، مریبان را بر آن می دارد که در فرایند سوق دادن آنان به عبادات، از روش ها و شدت و ضعف تشویق و تنبیهی که دارند به صورت همگون و هماهنگ با این تراز تحولی بهره گیری کنند. ایجاد محبت به عبادات که پیش نیاز دوم بعد از معرفت در عبادات است از کانال های گوناگون معرفتی و انگیزشی قابل تأمین است. برای نمونه، بهره گیری از آشناسازی متریبی با آثار و برکات دنیوی و اخروی عبادات، سکوی پرش بودن عبادات برای حرکت متریبی به سمت کمال و فلاح، استفاده از شیوه هایی که متریبی را به جای نمازگزار بودن عاشق نماز نماید، (2) برخی از این راهکارها است. مریبان می توانند با بهره گیری از روش های تصعید گرایش ها و عواطف دینی، (3) بهره گیری از تربیت الگویی با استفاده از سیره معصومان علیهم السلام در اهتمام و التزام به عبادات، (4) بازخوانی و مرور سیره علوی و سجادی و در یک کلام، ایجاد قالب ذهنی و دریافت انگیزشی از عبادات، همانند آن چه علامه ی طباطبایی در قالب «کیش مهر» مطرح کردند و بالاخره، استفاده از مکانیزم روان شناختی بازگرداندن برکات عبادات به تأمین خود دوستی (حب ذات) قابل دست یابی است. قرآن کریم، در آخرین آیات سوره مبارکه فجر (5)، پایان خط بندگی و عبادت را باریابی به بارگاه قدس ربوبی، همراه با فتح قله ی رضامندی و محبوب شدگی می داند. فتح این قله، در حقیقت بارورشدگی و شکوفایی همان گرایش «حب ذاتی» است که انسان ها از آن بهره مندند. ناگفته نماند که اقدامات تربیتی این هدف گرایشی، نیازمند رعایت تراز تحولی از یک سو واصل

ص: 125

1- مطهری، جاذبه و دافعه علی علیه السلام، ص 42 تا 46.

2- با استناد به فرموده سیدالشهدا علیه السلام در شام تاسوعا: فهو يعلم أنّی قد كنتُ احب الصلاة له وتلاوة كتابه وكثرة الدعاء والاستغفار؛ چه آن که خداوند، خود می داند که من همواره دوست داشته و دارم که نماز بخوانم و تلاوت کتاب خدا و دعا و استغفار فراوان کنم. (شیخ مفید، الارشاد، ج 2، ص 91)

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: حُبُّ الی من دنیاکم ثلاث الطیب والنساء وجعلت قرة عینی فی الصلاة؛ سه چیز از دنیای شما برای من دوست داشتنی است بوی خوش و زنان و نور چشم من در نماز است. (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 76، ص 141)

4- قال الحسین علیه السلام: ما كان فی الدنيا أعبد من فاطمة علیها السلام كانت تقوم حتى تنورم قدمها؛ در دنیا عابدتر از فاطمه نبود؛ او همواره به عبادت می ایستاد تا جایی که قدم هایش ورم می کرد. (علامه مجلسی، همان، ج 43، ص 76)

5- يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ \* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً \* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي (فجر، آیه 27-30)

انگیزه بخشی با تکیه بر تشکیک (مرتبۀ بندی) در مراتب کسب موفقیت و رسیدن به کمال عبادی از سوی دیگر، دست یافتنی است.

پاشیدن و نشانیدن بذر محبت الهی در قلب متری، از دیگر راه های ایجاد محبت عبادی است؛ از این رو، اگر مریبان بتوانند ذهن و دل متریبان خود را از عشق و شوق به خدا و کمال مندی سرشار کنند، تحمل و آمادگی متریبان برای پذیرش دشواری های عبادات و تکالیف هموارتر خواهد بود؛ چرا که :

در بیابان گربه شوق کعبه خواهی زد قدم \*\*\* سرزنش ها گر کند خار مگیلان غم مخور

پیدایش این حالت، مستلزم آن است که متری چنان در عشق الهی واله شده باشد که همیشه و همه جا خود را در حال نماز ببیند و به تعبیر قرآن کریم :

(والذین هم علی صلاتهم دائمون). (1)

دست یابی به این هدف گرایشی، در گرو به کارگیری اصول و روش های زیرین است که امام سجاده علیه السلام در مناجات محبین صحیفه سجادهیه عرضه می دارد :

(أَسْأَلُكَ حُبِّكَ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُوصِي لُنِي إِلَى قُرْبِكَ وَأَنْ تَجْعَلَكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ سَائِلِكُمْ وَأَنْ تَجْعَلَ حَيَّ إِتَاكَ قَائِدًا إِلَى رِضْوَانِكَ وَشَوْقِي إِلَيْكَ ذَائِدًا عَنْ عِصْيَانِكَ)؛ (2)

از تو درخواست می کنم دوستی خودت را و دوستی آنان که تو را دوست دارند و دوستی هر کاری که مرا به قرب تو می رساند و اینکه خودت را نزد من محبوب تر از دیگران قرار دهی و محبتم به وجودت را راهبر به سوی خرسندی ات گردانی و اشتیاقم به خودت را بازدارنده از نافرمانی ات سازی .

ص: 126

1- معارج، آیه 23.

2- مفاتیح الجنان و صحیفه سجادهیه، مناجات محبین.

## اصل 1: لزوم ایجاد تثبیت و افزایش محبت نسبت به خداوند

### شیوه های اجرایی نمودن آن

- بهره گیری از روش حبّ عبودی؛ (1)
- بهره گیری از روش فعال سازی میل فطری شکر در برابر منعم؛
- یادآوری نعمت های الهی و مسئولیت انسان در برابر آن ها؛
- آگاه سازی متری از این که مُحب خدا محبوب خدا می شود؛ (2)
- آگاه سازی متری از نشانه های محب حقیقی خداوند، مانند تهجد؛ تحمل دشواری عبادات، (3) مانند روزه در تابستان ذکر و...؛ (4)
- بیان آیات و روایات محبت به خدا؛
- استفاده از انداز و تبشیر با هدف ایجاد محبت؛
- ترغیب متری به خواندن دعاها و مناجات های شورانگیز (مانند مناجات شعبانیه، خمسه عشر، عرفه و کمیل)؛
- یادآوری و اعتراف به گناهان در پیشگاه الهی و استغفار از آن ها؛

ص: 127

1- حبّ عبودی، یعنی محبتی که از روی عبودیت فرد و ناشی از شناخت توحیدی نسبت به خداوند است؛ محبتی که همه نقایص و تمایلات انسان را پاسخ می دهد. علامه طباطبایی در المیزان می فرماید: مهم ترین شیوه تربیتی اخلاقی در نظر قرآن، شیوه حب عبودی است. چون بنای اسلام بر محبت عبودی است. یعنی ترجیح دادن جانب خدا بر جانب بنده؛ رضای خدا را بر رضای خود ترجیح دادن؛ از حق خود به خاطر حق خدا گذشتن و از خشم خود به خاطر خشم خدا صرف نظر کردن. (طباطبایی، المیزان، ج 1، ص 542)؛ برای آگاهی بیش تر ر. ک: کبیری و معلمی، مبانی و شیوه های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی ره، فصلنامه معرفت اخلاقی، 1388، شماره 1، ص 6790.

2- بخشی از حدیث معراج: فَإِذَا أَحْبَبْتَنِي أَحْبَبْتُهُ؛ پس وقتی که به من عشق ورزید، من نیز به او عشق می ورزم. (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 74، ص 28)

3- قال امیرالمؤمنین علیه السلام: القلبُ المُحِبُّ اللهُ يُحِبُّ كَثِيرًا النَّصَبِ اللهُ وَالْقَلْبُ اللّاهِي عَنِ اللهِ يُحِبُّ الرَّاحَةَ فَلَا تَظُنُّ يَا ابْنَ آدَمَ إِنَّكَ تُدْرِكُ رَفَعَةَ الْبُرْغِيغِ مَشَقَّةً فَإِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ مُرٌّ؛ دلِ خدادوست، رنج و سختی در راه خدا را بسیار دوست می دارد و دل بی خبر از خدا، راحت طلب است؛ پس، ای پسر آدم! گمان مبر که بی رنج و سختی به مقام رفیع نیکوکاری دست یابی؛ زیرا که حق سنگین و تلخ است. (ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج 2، ص 87)

4- يَا ابْنَ عِمْرَانَ! كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَإِذَا جَاءَهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ يُحِبُّ خَلْوَةَ حَبِيبِهِ؟؛ ای موسی! کسی که می گوید من



خدا را دوست دارم، اما شب - هنگامی که تاریکی همه جا را فرا می گیرد - به خواب می رود و به یاد من نیست، دروغ می گوید. آیا می شود برای کسی زمینه خلوت با محبوبش فراهم شود و خودداری بکند؟ (شیخ صدوق، الأملی، ص 357)

• مهیا کردن فرصت تجربه خلوت با خدا و چشیدن حداقل های لذت های معنوی؛

• ترغیب متری به مثبت نگری و زیبانگری؛ (1)

• آگاه سازی متری به این که هرگاه خداوند بنده ای را دوست بدارد حلاوت عبادت را به او می چشاند؛

• تذکر متری به این که خداوند رحمان و رحیم همواره ما را به ویژه در هنگام عبادت می بیند؛ (2)

• پرهیز دادن متری از حب دنیا به عنوان عامل دوری از محبت خدا؛ (3)

• تشویق متری به حب فی الله و بغض فی الله . (4)

## اصل 2: لزوم ایجاد تثبیت و افزایش محبت نسبت به عبادت

### شیوه های اجرایی نمودن آن

• بیان حالات آرامش و عشق عابدان راستین در حین عبادت، همانند پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام؛

• ترغیب متری به روی آوری به عبادات هنگام اقبال قلبی و پرهیز وی از عبادت در حال کسالت روحی و ادبار قلبی؛ (5)

• ایجاد حال عبادت با بیان نقش عبادت در کمال انسان؛ (6)

• بسترسازی برای تجربه لذت در عبادات؛

• لزوم همسوسازی حب الله و حب ذات در عبادات متری یا تصعید حب ذات به حب الله؛

• فراهم آوردن فضای بانشاط و لذت بخش برای متری؛

• زمینه سازی برای عبادت های جمعی؛

ص: 128

---

1- بخشی از فرمایش حضرت زینب علیها السلام: ما رایت الا جمیلا؛ من به جز زیبایی، چیزی ندیدم. (علامه مجلسی، بحار الانوار،

ج 45، ص 116)

2- ألم یعلم بان الله یری. (علق، آیه 14)؛ امام جواد علیه السلام: إَعْلَمَ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُوَ مِنْ عَيْنِ اللَّهِ، فَانظُرْ كَيْفَ تَكُونُ؛ بدان که از دید

خداوند پنهان نیستی، پس بنگر چگونه ای. (ابن شعبه حرانی تحف العقول، ص 455)

3- روی عن الصادق علیه السلام قال: وَاللَّهِ مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا وَوَالِيَ غَيْرَنَا وَمَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَأَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛

امام صادق علیه السلام فرمودند: به خداوند سوگند کسی که دنیا و غیر ما اهل بیت را دوست بدارد (غیر ما را به امامت برگزیند)، خداوند را

دوست ندارد و هر کس حق ما را بشناسد و ما را دوست بدارد، پس به راستی که خداوند تبارک و تعالی را دوست داشته است. (کلینی، الکافی، ج 8، ص 129)

4- از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که خداوند در شب معراج به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: يَا مُحَمَّدُ وَجَبْتُ مَحَبَّتِي لِلْمُتَحَاتِينَ... ای محمد! محبت من به کسی اختصاص دارد که در راه من دوستی بورزد... (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 74، ص 21)

5- قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنْ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالًا وَإِدْبَارًا فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَتَنَفَّلُوا وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَعَلَيْكُمْ بِالْفَرِيضَةِ. (کلینی، الکافی، ج 3، ص 454)

6- قال الامام على عليه السلام: العبادة فوز عبادت، رستگاری است. (تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص 198، ح 3932)

- ذکر آثار و برکات عبادات (بیان فواید دنیوی و اخروی عبادات)؛
- توجه دادن به مقدمه بودن عبادات برای قرب به معبود و عدم غفلت از روح عبادات. (1)
- ترغیب متربی به داشتن اخلاص در عبادات و حضور قلب در نماز؛
- تبیین رابطه عزت و عبادت؛ (2)
- ترغیب متربی به اختصاص زمان ویژه به عبادات؛ (3)
- ترغیب متربی به انجام حج برای دست یابی به روحیه تعبد بی چون و چرا؛
- تشویق متربی به زیارت مشاهده شریفه و انجام عبادات در آنجا برای تجربه لذت در عبادت. (4)

### اصل 3: لزوم ایجاد تثبیت و افزایش محبت نسبت به عابدان راستین

#### شیوه های اجرایی نمودن آن

- لزوم رعایت تراز تحولی و تفاوت های فردی در ارائه الگوی تهذیبی به متربیان؛
- شناسایی و معرفی عبادت عالمان ربانی؛
- ترغیب متربی به مطالعه سیره تربیتی انبیاء و معصومان علیهم السلام.
- ترغیب متربی به دیدار با عالمان ربانی.
- تشویق متربی به الگوبرداری از علمای ربانی.
- آگاه سازی متربی از شدت محبت معصومان علیهم السلام و لحظه شماری آنان برای اوقات عبادت؛
- تشویق متربی به شرکت در نماز جماعت علمای ربانی؛
- تشویق متربی به مصاحبت مجالست و انس با علمای ربانی.

ص: 129

---

1- علامه طباطبایی می نویسد: روح و مغز عبادت، عبودیت درونی است و افعال عبادی قالب های تحقق خارجی آن عبودیت است (طباطبایی، المیزان ترجمه موسوی همدانی، ج 1، ص 507)

- 2- اذا طلبت العزة فاطلبه في الطاعة؛ اگر خواهان عزت هستی، پس آن را در اطاعت جستجو کن. (تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ح 10456)؛ کفی بی عزا ان اکون لک عبدا؛ خدایا مرا این عزت بس که بنده تو باشم. (فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج 1، ص 109) .
- 3- قال الحسين عليه السلام : سألت أبي عليه السلام عن مدخل رسول الله صلى الله عليه وسلم فقال: كَانَ دُخُولُهُ فِي نَفْسِهِ مَأْذُونًا فِي ذَلِكَ ، فَإِذَا أُوِيَ إِلَى مَنْزِلِهِ جَزَا دُخُولَهُ ثَلَاثَةَ ذَلِكَ، أَجْزَاءَ: جُزْءًا لِلَّهِ ، وَجُزْءًا لِأَهْلِهِ، وَجُزْءًا لِنَفْسِهِ؛ امام حسين عليه السلام فرمود: درباره وضعیت داخلی رسول خدا از پدرم سؤال کردم؛ در پاسخ فرمود: رسول خدا به اختیار خود به منزل می رفت و در خانه وقت خود را به سه بخش تقسیم می کرد بخشی از آن را به نیایش و عبادت اختصاص می داد، قسمتی را برای اهل خانه اش در نظر می گرفت و بخشی را هم به خود اختصاص می داد (علامه طباطبایی، سنن النبی، ص 71)
- 4- فِي بُيُوتِ أذنَ اللهُ أنْ تُرْفَعَ ... ؛ [آن چراغ] در خانه هایی است که خدای رخصت داده است که بالا برده و بزرگ داشته شوند.... (نور، آیه 36)

### شیوه های اجرایی نمودن آن

- برطرف کردن تکبر سوءظن به خدا، یأس و اغترار؛
- پیش گیری از برگشت، سرخوردگی و عبادت گریزی؛
- پرهیز از افراط و تفریط در عبادت و کسالت و دلزدگی از آن؛
- اصلاح این باور ناقص که تنها محبت خدا کافی است.

### هدف میانی 3: التزام رفتاری عبادی بعد رفتاری و عملی

سومین و آخرین مرحله در تربیت عبادی، رسیدن به التزام رفتاری یا اطاعت یا بندگی در برابر خداوند است. چنان که در آغاز این ساحت تربیتی گفته شد، رسیدن به مقام عبودیت و سرساییدگی در برابر مشیت و ربوبیت تشریحی الهی، یکی از رازهای آفرینش جنیان و آدمیان است. متربیان با گذار از دو پله معرفت و محبت الهی، آمادگی ورود به مرحله اطاعت را پیدا می کنند؛ اما اطاعت و بندگی خداوند نیازمند تثبیت، تعدیل و افزایش است. سنجش میزان اطاعت و التزام بندگان به دلیل اتکال آن به رفتارهای بیرونی و قابل مشاهده، سنجش سطح دین مداری را ساده تر و هموارتر می کند به فرموده حضرت صدیقه کبری علیها السلام، کسانی می توانند بهترین و برترین مصالح را در زندگی خود فرود آورند که توانسته باشند طاعت و عبادت خود را پیراسته و مخلصانه کنند. رسیدن به این هدف در گرو به کارگیری روش هایی همانند انذار و تبشیر، پاداش و کیفر است. تثبیت رفتارهای عبادی، نیازمند بهره گیری از اصول روان شناسی شخصیت، همانند خوگیری یا خاموش سازی است. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم به عنوان صاحب شریعت اسلامی، اخلاص، اتقان و تداوم در عبادات را از پیش نیازهای تربیت عبادی می داند. هنگام عبور از قبرستانی، وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم متوجه می شوند که میت را بی مهابا و سهل انگارانه در قبر می نهند، توقف کرده و می فرمایند: «خداوند دوست دارد که بندگان هنگام انجام هر کاری آن را متقن نمایند». (1) مریبان باید به هوش باشند که پایداری و دوام در

ص: 130

1- قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ. (بيهقي، شعب الايمان، ح 4913)

عبادات، سر از اضطراب در عمل و سرخوردگی از آن در نیاورد. در این جا، مریبان باید بکوشند متریبان خود را به اوج التزام رفتاری که همان حقیقت و گوهر عبودیت است، برسانند. از نشانگان این دست یافتگی، عبودیت بی چون و چرا و تسلیم بودن محض در برابر اوامر و نواهی الهی است. بر پایه اصول و مبانی فراساحتی تربیت، گذشته از آموزش و الگودهی، متریبان در تربیت عبادی به ویژه در این هدف رفتاری، نیازمند بسترهایی همانند تکرار، تمرین و ممارست در عبادت اند. آموزه های اسلامی در دامنه روایات، مریبان را از دو آسیب یا خطر در تربیت شدگی عبادی باخبر می کند. کوچک انگاری برخی از معصیت ها و نیز بزرگ انگاری عبادات از طرف متریبان دو آسیب تربیتی است. امیر مؤمنان علی علیه السلام در فرموده ای مریبان را هشدار می دهند که (أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَنْ اسْتَهَانَ صَاحِبَهُ) (1) و (... رجل استكثر عمله) (2) و نیز مفاد دعای هشتم صحیفه سجادیه به روشنی براین نکته دلالت دارد. (3)

التزام آفرینی رفتاری از نگاه کارشناسان تربیتی و روان شناسان شخصیت، نیازمند بسترسازی برای لذت بردن متریبی از عبادات و درک سودمندی آن ها در کمال و تعالی وی است. شاید از این رو است که ورود به قلمرو عبادت و عبودیت و دست یابی به مقام شایستگی مخاطب اوامر و نواهی خداوند بودن رسیدن به پایان 15 سالگی در پسران و 9 سالگی در دختران است.

آشنایی با فقه تربیتی یا تربیت فقهی از جمله پیش نیازهای دیگر در سومین هدف در تربیت عبادی است. آگاهی از ظرافت ها، حساسیت ها و رعایت تراز تحول شناختی، عاطفی و رفتاری از دیگر عواملی است که مریبان را در بهینه سازی تربیت عبادی یاری می دهد.

آشناسازی متریبان با سیره علوی و سجادی علیهم السلام و تشویق متریبان به عملی سازی این

ص: 131

1- سخت ترین گناه، آن که گناهکار آن را کوچک بشمارد. (نهج البلاغه، حکمت 348)

2- الامام الباقر علیه السلام: ثلاث فاصمات الظهر: رجلٌ استكثر عمله ونسي ذنوبه و أعجب برأيه؛ سه چیز کمرشکن است: مردی که کار خود را زیاد شمارد و گناهانش را از یاد برد و به رأی خود مغرور باشد. (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 7، ص 3456، ح 11844)

3- اللهم إني أعوذ بك من هيجان الحرص، و سورة الغضب، و غلبة الحسد، و ضعف الصبر، و قلة القناعة، و شكاسة الخلق، و إلحاح الشهوة، و ملكة الحمية و متابعة الهوى، و مخالفة الهدى، و سمة الغفلة، و تعاطي الكلفة، و إثارة الباطل على الحق، و الإصرار على المأثم، و استصغار المعصية، و استتبار الطاعة؛ خدایا، به تو پناه می برم از طغیان حرص و قلت قناعت و کجی خلق و افراط در شهوات و عصیبت شدید و پیروی هوا و مخالفت با هدایت و سستی غفلت و رواداشتن تکلفها و انتخاب باطل در مقابل حقو اصرار بر گناهان و کوچک شمردن گناه و بزرگ شمردن طاعت. (صحیفه سجادیه، دعای هشتم)

فرموده سترگ علوی که فرمود: «بدانید که شما توانایی انجام چنین کاری را ندارید؛ اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاک دامنی و راستی مرا یاری دهید».(1) دست یابی به دو قله سلبی و ایجابی تربیت عبادی را هموار می کند .

نکته پایانی اینکه بنا بر دو فراز پایانی سوره حمد، تعدیل و تثبیت تربیت عبادی، باید از دو افراط و تفریط یهودیان و مسیحیان به دور باشند. یهودیان به دلیل بدعت آفرینی مغضوب و مسیحیان به دلیل حذف عبادات از جمله گمراهان تلقی شده اند. از این رو مسلمانان در تربیت عبادی، نیازمند التزام و تعبد تشریحی یا مرزبندی شده اند که (العبودیَّة جَوْهَرَةٌ كُنْهَ هَا الرَّبُّوبِيَّة). (2)

دست یابی به این هدف در گرو به کارگیری اصول و روش های زیر است:

- مداومت بر عمل و انجام فرائض؛ (3)
- فریضه سازی عبادت؛ (4)
- صبر و بصیرت مایه استمرار عبادت؛ (5)
- تسلیم در برابر همه اوامر و نواهی الهی؛
- دست یابی به اخلاص و پیراسته سازی فعالیت ها با نیت قرب و خداگرایی؛
- لزوم رعایت اصل تدریج در انگیزه بخشی؛

ص: 132

- 
- 1- إِنْكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ وَلَكِنْ أَعْيُنُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسَدَادٍ. (نهج البلاغه، نامه 45)
  - 2- قال الصادق عليه السلام: العبودية جوهرة كنهها الربوبية، فما فقد من (في) العبودية وجد في الربوبية و ما خفي عن الربوبية اصيب في العبودية ببندي حقيقي جوهره اي است كه اساس و ذات آن ربوبيت است؛ پس آنچه از مقام عبوديت كم و ناپيدا شد، در مقام ربوبيت پيدا و هويدا گردد؛ و هر مقداری كه از مراتب و صفات ربوبيت مخفي و پوشيده گشت در مراحل عبوديت جلوه گر و آشكار شود. (مصباح الشريعة، ترجمه مصطفوی، ص 453)
  - 3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: المداومة على العمل في اتباع الآثار والسنة وإن قل، أرضى الله وأنتفع عنده في العاقبة من الاجتهاد في البدع و اتباع الأهواء؛ پیامبر خدا فرمود: مداومت بر عمل بر اساس آثار و سنت هر چند اندك، نزد خدا پسندیده تر و خوش فرجام تر است از سخت كوشی در عبادت بر اساس بدعت و هوس. محمدی ری شهری، (میزان الحکمه، ج 9، ص 4060، ح 14293) ؛ الامام علی علیه السلام - فی وصيته لابنه الحسين عليه السلام - یا بنی اوصیک... بالعمل في النشاط والکسل؛ ... تورا سفارش می کنم به ... کار کردن (و عبادت) در حال سرزندگی و کسالت. (همان، ح 14299)
  - 4- امام صادق علیه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تَقْرِيضَ عَلَى نَفْسِكَ فَرِيضَةً فَتُقَارِفَهَا اثْنَيْ عَشَرَ هَلَالًا مَبَادَا عَمَلِي رَابِعًا لِمَنْ لَمْ يَأْتِ بِشَيْءٍ وَتَدَاوَمَ عَلَيْهِ مَا مَدَامَ يَدْعُونِي إِلَيْهِ...؛ [يوسف] گفت پروردگارا زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند. (يوسف، آیه 33).
  - 5- قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونِي إِلَيْهِ...؛ [يوسف] گفت پروردگارا زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند. (يوسف، آیه 33).



• دست یابی به قلبی توحید در الوهیت، هنگام انجام عبادات؛

. دقت و تلاش مریبان برای پیگیری روش های تربیتی در ساحت عبادت که به شادابی، نشاط و لذت از عبادات بیانجامد؛

پرورش مهارت تحمل سختی و تکلف عبادات؛ (1)

پرورش متربی تا رسیدن به قله دل دادگی و عشق و لذت بردن از دشواری های عبادت؛

ایجاد فرصت برای فراغت در عبادات؛

تشویق به استمرار و ثبات قدم در انجام عبادات و مناسک؛ (2)

• تشویق متربی به انجام بهنگام عبادات؛

ترغیب متربی برای اهتمام به نماز اول وقت و به جماعت؛

اهتمام نسبت به انجام مستحبات و ترک مکروهات؛

پیراسته سازی متربی از افراط و تفریط در انجام عبادات و مناسک.

## 2-3-1-3 تربیت اخلاقی

### اشاره

اخلاق و تربیت اخلاقی از محورهای اصلی مورد توجه در هدایت های قرآنی است. از این رو در قرآن کریم، آیات اخلاقی به مراتب بیشتر از آیات احکام است و معمولاً قصص قرآنی نیز، صبغه اخلاقی دارند. بر این اساس، در نظام تربیت اسلامی، تربیت اخلاقی از مهم ترین،

حساس ترین و زیربنایی ترین ساحت های تربیتی به شمار می رود. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم اخلاق را مهم ترین هدف رسالت آسمانی خویش می داند. (3)

ص: 133

1- قال الحسين عليه السلام: ما كان في الدنيا أعبد من فاطمة عليها السلام كانت تقوم حتى تتورم قدمها؛ در دنیا عابدتر از فاطمه علیها السلام نبود؛ او همواره به عبادت می ایستاد تا جایی که قدم هایش ورم می کرد. (علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 43، ص 76)

2- قال الباقر عليه السلام: ما من شيء أحب إلى الله عزوجل من عمل يداوم عليه وان قل؛ هیچ چیز نزد خداوند عزیز و جل محبوب تر از کاری نیست که بر آن مداومت شود هر چند اندک باشد. (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 9، ص 4060، ح 14297)؛ الامام علی علیه السلام: قليل تدوم عليه، أرحى من كثير مملول منه؛ کار (خیر) اندک که بر آن مداومت ورزی از کار بسیار که از آن خسته شوی

، امیدوار کننده تر است. (همان، ح 14308)

3- قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: **إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْخُلُقِ**. (متقی هندی، کنز العمال، ج 13، ص 151، ح 36472) این فرموده ی نبوی صلی الله علیه و آله وسلم بیانگر دو نکته اصلی است: نکته نخست اینکه اصلی ترین هدف بعثت، تکمیل مکارم اخلاقی است و نکته دوم این که تلاش های تربیتی نبوی، تنها جنبه تکمیلی و تکمیلی دارد.

تلاش های تربیتی در این ساحت، نیازمند انسان شناسی، شناخت ظرفیت ها و هدف آفرینش است. تربیت اخلاقی از نگاه دانشمندان مسلمان، گوهر و محور اصلی تنظیم رفتارها و روابط انسان در همه عرصه هاست. از نگاه آنان، تربیت اخلاقی به شکل گیری شخصیت یا طبیعت ثانوی آدمیان باز می گردد. پیام این رویکرد آن است که دستاورد تربیت اخلاقی، همانند طبیعت اولیه، می تواند امری پایدار و ماندگار باشد. شیوه های درونی سازی و بیرون ریزی (تخلیه و تخلیه) پایه های اساسی تربیت اخلاقی است.

همچنین، در فرایند تربیت اخلاقی، دست کم از چند دانش دیگر باید یاری جست: کلام اسلامی، عرفان اسلامی، فقه الاخلاق، فقه التریه، علم النفس فلسفی، علوم تربیتی و روان شناسی شخصیت.

## مفهوم شناسی اخلاق

واژه اخلاق جمع «خُلُق» است. از نظر لغت دو واژه «خَلَق» و «خُلِق» از يك ریشه اند، با این تفاوت که خلق بر «صفات ظاهری، شکل و هیأت مجسم» و خُلُق بر «صفات و ویژگی های درونی» اطلاق می شود. (1)

امام علی علیه السلام فرموده اند:

خوش خُلُقی، ویژگی نفس و خوش خُلُقی، ویژگی بدن آدمی است. (2)

برپایه این فرموده، واژه «خُلُق» تنها بر شاکله روان آدمی اطلاق شده و در برابر، از ساختار بدنی و ویژگی های آفرینشی آن از واژه «خلق» استفاده می شود.

بنا بر نظر اندیشمندانی نظیر مسکویه رازی و ملا مهدی نراقی می توان گفت:

اخلاق در اصطلاح، به معنای ملکات یا صفات نفسانی است که باعث انجام کارهایی بدون نیاز به تفکر و اندیشه در انسان می شود. (3)

در این تعریف، اخلاق همان «صفات و ملکات نفسانی» است و افعال اخلاقی در حقیقت «آثار ملکات و ظهور و بروز صفات درونی» به شمار می روند. (4)

ص: 134

1- راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص 297.

2- قال الامام علی علیه السلام: حُسْنُ الْخُلُقِ لِلنَّفْسِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ لِلْبَدَنِ. (تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ح 5353)

3- مسکویه رازی، تهذیب الاخلاق، ص 11؛ ملا مهدی نراقی، جامع السعادات، ج 1، ص 26.

4- از دیدگاه بعضی از فیلسوفان و اخلاق پژوهان، موضوع اخلاق اعم از ملکات و صفات نفسانی است و همه کارهای ارزشی انسان را که متصف به خوب و بد می شوند و می توانند برای نفس انسانی کمالی را فراهم آورند یا موجب پیدایش ردیلت و نقصی در نفس شوند، در برمی گیرد». استاد آیت الله مصباح یزدی چنین دیدگاهی را اتخاذ کرده و اظهار داشته که «قرآن کریم و روایات نیز این سخن را تأیید می کنند». طبق این اصطلاح، اخلاق شامل «ملکات و حالات نفسانی و افعالی می شود که رنگ ارزشی داشته باشند». (ر.ک: مصباح یزدی،

اخلاق در قرآن، تحقیق و نگارش محمد حسین اسکندری، ج1، ص 240241

با آنکه اخلاق در نظر دانشمندان به ملکات اخلاقی اختصاص دارد؛ اما در علم اخلاق معمولاً علاوه بر فضایل و رذایل، به رفتارهای اخلاقی اعم از پسندیده و ناپسند پرداخته شده است.

به این ترتیب علم اخلاق دانشی است که از صفات و ملکات نفسانی خوب و بد، علل شکل‌گیری، رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها، آثار و پیامدها و در نهایت شیوه تحصیل فضایل و زدودن رذایل بحث می‌کند. (1)

## تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی، اشاره به روند شکل‌دهی صفات و ملکات شخصیتی در مرتبه‌ی دارد. در این فرایند، اختیار، آگاهی و تدریج از پیش نیازهای اجتناب‌ناپذیر است. تربیت اخلاقی به جای آنکه ایجاد صفات و ملکات باشد، فراهم‌آوری امکانات و شرایط رشد و شکوفایی قابلیت‌های فطری است. از نگاه روان‌شناسی، این فرایند باید سه بعد شخصیت‌آدمی، یعنی ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری را مورد توجه قرار دهد.

همچنین روشن شد که تربیت اخلاقی دو قلمرو را پوشش می‌دهد؛ قلمرو اول منجر به شناسایی فضایل و رذایل نفسانی، ارزش‌ها و خاستگاه شکل‌گیری و درونی‌شدن این ارزش‌ها می‌شود و قلمرو دوم که به اخلاق عملی موصوف است، فرد را به منش و شخصیتی می‌رساند که وی را در اصلاح و تنظیم روابط و رفتارهایش با خود خدا و جامعه یاری می‌دهد.

ص: 135

---

1- ر.ک: طوسی، اخلاق ناصری، ص 48؛ ملامهدی نراقی، جامع السعادات، ج 1، ص 2627 و دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه، اخلاق اسلامی جلد اول آداب بندگی، ص 3 و 4.

در راستای فهم واژه اخلاق، باید به گستره واژگان مشابه (مانند تزکیه و ادب) نیز توجه کرد:

### تزکیه

تزکیه از ریشه «زک و» به معنای رشد و نمو در امور مادی و معنوی آمده است. این واژه هنگامی که در مورد تزکیه انسان و قوای نفس به کار می رود، دو جنبه پیدا می کند: 1. تصفیه نفس از صفات ناپسند؛ 2. آرایش نفس به خصلت های پسندیده اخلاقی. (1) در مصطلح برخی از عالمان اخلاق، منظور از تزکیه یا خودسازی، پاکیزه نگه داشتن نفس برای رشد و سعادت ابدی است. (2)

### ادب

اصل واژه ادب، به معنای «دعا (فراخواندن)» می باشد؛ زیرا ادب، ادب آموز را به امور پسندیده فراخوانده و از امور ناپسند باز می دارد. (3)

در تبیین معنای اصطلاحی ادب نیز باید گفت: ملکات اخلاقی اموری درونی هستند و در مقام عمل به اشکال مختلفی می توانند بروز پیدا کنند؛ اما همه آن ها از لحاظ نیکویی، زیبایی و ظرافت، وضعیت یکسانی ندارند، به ابراز اخلاق پسندیده در قالب نیکو ادب گفته می شود. بنابراین ادب یک عمل، ظرافت ها و زیبایی های آن عمل است؛ یعنی هیأت نیکویی که شایسته است رفتار مطابق آن باشد. (4) این خصلت های شایسته موجب حُسن یا کمال فعل می شوند.

البته این معنا از ادب تنها در افعال مشروع تحقق دارد؛ وقتی در باب آداب سخن می گوئیم یعنی اصل عمل را توصیه می کنیم و یا دست کم روا می شماریم؛ بنابراین در اعمال شنیع یا ممنوع مانند می گساری، تجاوزگری، خیانت و دروغ، ادب معنا ندارد. همچنین روشن است که این معنا تنها در جایی است که یک عمل را بتوان به گونه های مختلفی - زشت و زیبا،

ص: 136

1- مصطفوی، التحقيق في كلمات قرآن کریم ماده «زک و»

2- مصباح یزدی، به سوی خودسازی، ص 21.

3- والأدبُ الَّذی یتَأَدَّبُ به الأديب من الناس، سمي أدبا لأنه يأدب الناس الذين يتعلمونه إلى المحامد وينهاهم عن المقابح يأدبهم أي يدعوهم، وأصل الأدب الدعاء»، (ازهری، تهذیب اللغه، ج 14، ص 147).

4- علامه طباطبایی، المیزان، ج 6، ص 256.

## مقایسه اخلاق و آداب

موضوع «اخلاق» بر اساس تعریفی که بیان شد عبارت است از: ملکات نفسانی در حالی که «آداب» مربوط به رفتار ظاهری و جوارحی انسان و در حقیقت تجلی ملکات اخلاقی است اخلاق، زیبایی جان و آداب، زیبایی فعل است.

«اخلاق» شامل همه ملکات نفسانی - اعم از رذیله و پست و نیز فاضله و نیک است در حالی که «آداب» تنها ناظر به ابعاد مثبت رفتار انسانی بوده و در رفتارهای ممنوع یا مذموم، به کار نمی رود. بنابراین آدابی مانند ادب حسد ورزیدن ادب تکبر و یا ادب دروغ گویی وجود ندارد.

«آداب» ناظر به شیوه های صحیح و زیبای ابراز ملکات اخلاقی است، از این رو به هر نوع تجلی رفتاری مبتنی بر فضایل، ادب گفته نمی شود. مثلاً ملکاتی نظیر تواضع، احترام به دیگران، محبت به افراد و... می توانند هم به شکل معمولی و عادی و هم به شکلی زیبا و دلپسند ابراز شوند. گاهی نیز ابراز آن به صورت معمولی نوعی توهین به مخاطب محسوب شده یا موجب برداشت نادرست دیگران از رفتارهای متواضعانه یا دوستانه انسان می شود.

شرایط مؤدبانه و غیر مؤدبانه بودن رفتارها در موقعیت های مختلف در علم آداب مورد بررسی قرار می گیرد. مثلاً تواضع در برابر کودکان به شکل کرنش و تعظیم نادرست است؛ در چنین مواردی سلام کردن به آن ها بهترین شکل تواضع است؛ در حالی که سلام کردن به اساتید یا بزرگان دین، اساساً تواضع محسوب نمی شود یا حداقل دیگران چنین برداشتی نخواهند داشت؛ در چنین مواردی بوسیدن دست آن ها می تواند تواضع محسوب شود. به این ترتیب، تواضع مؤدبانه، شکل خاصی از تواضع است که هم حاصل ابراز ملکه تواضع می باشد و هم باعث برانگیخته شدن تحسین و احترام دیگران می شود.

آداب، عینیت یافتن بیرونی اخلاق است و گاهی نیز مصادیق متنوع جایگزین پذیر دارد. یعنی هرگز نباید از اخلاق صرف نظر کرد و همواره باید بدان ملتزم بود. اما از برخی آداب

ص: 137

می توان به شرط جایگزینی، دست برداشت. (1) به این ترتیب گزاره های حاکی از رفتارهای ارزشی فرازمانی و فرامکانی، ناظر به اخلاق و گزاره های حاکی از رفتارهای ارزشی زمان مند و مکان مند ناظر به آداب هستند. (2)

نکته مهم اینکه صرف متغیر بودن آداب به معنای به رسمیت شناختن هر نوع ادبی از دیدگاه اسلام نیست؛ زیرا اسلام نسبت به برخی از آداب، توصیه های خاصی داشته و از مسلمانان خواسته تا بر اساس آن توصیه ها با یکدیگر رفتار کنند. مانند توصیه به سلام در اولین مواجهه به جای رفتارهای دیگر نیز نهی از تعظیم و به سجده افتادن در برابر دیگران.

مهم ترین وظیفه رفتاری هر انسانی، انجام فرمان پروردگار است و مهم ترین فرمان های خدا، دستورات الزامی یعنی واجبات و محرمات هستند. بنابراین انجام واجبات و ترک محرمات اولین، مهم ترین و مؤثرترین اقدام در رسیدن به کمال و سعادت انسانی است و تا پایان عمر هیچ جایگزینی برای آن نمی توان یافت. سایر اعمال مطلوب، رفتارهای نیکویی هستند و یا به تعبیر دیگر، آداب مستحب یا آداب خوب هستند و در تراحم میان آن ها و سایر وظیفه های مهم بندگی، بی تردید حق تقدم با الزامات دینی و واجب و حرام الهی است.

التزام به واجب و حرام موجب تقرب به خداست (قرب فرایض) و البته در رتبه بعد از آن، نوبت به رعایت آداب مستحب و غیر الزامی می رسد (قرب نوافل). رعایت آداب اسلامی عمل ما را زیباتر، پسندیده تر، دل پذیرتر و ظریف تر می نماید. (3)

## اهمیت آداب اسلامی

### 1. آداب اسلامی نماد ظاهری اسلام

آداب اسلامی نماد ظاهری اسلام است. مسلمان بودن با هر رفتاری سازگار نیست؛ یعنی وقتی به ارزش های اسلامی سر تسلیم فرود می آوریم، دیگر هرگونه رفتار ظاهری را نمی توانیم

ص: 138

- 1- این تفاوت نظیر تفاوت میان اصول و روش ها است. اصول و روش ها هر دو از مقوله بایدها هستند. اما اصول را همواره باید پاس داشت در حالی که روشها ضمن این که همه درست اند قابلیت جایگزینی دارند؛ یعنی می توان از یکی با دیگری دست برداشت
- 2- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج 1، ص 281؛ فتحعلی خانی محمد آموزه های بنیادین علم اخلاق، ج 1، ص 40.
- 3- ر.ک: دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه اخلاق اسلامی (جلد اول آداب بندگی)، ص 5 - 7.



برای خود انتخاب کنیم. آداب اسلامی آن گونه ظاهری است که با اعتقادات و ارزش های اسلامی سازگار است و بروز بیرونی توحید تسلیم در برابر خدا و بندگی اوست.

چگونگی رفتار ظاهری ما نمادی است از نوع تفکر و علاقه ما است. این جلوه های ظاهری که از ما سر می زند به نوعی ما را به دیگران - و حتی به خود می شناساند؛ احوال درونی ما را آشکار می سازد و باور و پسند ما را می نمایاند؛ برای نمونه پیراهن مشکی شیعیان در ایام عزای اهل بیت: عشق و علاقه عمومی آن ها را به خاندان پیامبر علیهم السلام و اعتقاد آن ها را به این فرهنگ بیان می کند. از این رو این احوال ظاهری اگر میان کسانی مشترک باشد نشان از همفکری و قرابت آنان دارد و اگر در ظواهر افراد و نوع زندگی آنان تفاوتی باشد، می توان حدس زد که در نگاه و ارزش های آنان نیز احتمالاً تفاوتی وجود دارد. (1)

در مقابل، استفاده از آداب و نمادهایی که متعلق به فرهنگ باطل است، تبلیغ و تقویت آن فرهنگ و اعلام حیات و حضور آن در جامعه است. در حقیقت شخص با استفاده از این آداب، عضویت خود را در آن اندیشه و وفاداری خود را نسبت به آن اعلام می کند و سیاهی

لشکر آن محسوب می شود. (2) از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده که به امت خود سفارش می فرمودند:

(ولا تشبهوا بالیهود)؛ (3)

ظاهر خود را مانند قوم یهود مگردانید.

## 2. نقش مؤثر آداب در رشد ارزش های اخلاقی

از ثمرات مهم تأدب به آداب، رشد ارزش های انسانی است. به طور کلی تأدب به آداب اجتماعی باعث ایجاد روابط پایدارتر، عمیق تر، صمیمی تر، شیرین تر و مؤثرتر میان افراد جامعه می گردد. مثلاً سلام سرآغاز الفت و محبت است. اگر این ادب را از میان برداریم زمینه بسیاری از پیوندهای اجتماعی برداشته خواهد شد. (4)

ص: 139

1- در این باره ر.ک: حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص 40.

2- ر.ک: عالم زاده نوری، محمد؛ لباس روحانیت؛ چراها و بایدها ص 9 تا 20.

3- شیخ صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج 1، ص 130.

4- ر.ک: شریفی، احمد حسین، همیشه بهار.

تأدب به هر یک از آداب، انسان را در نظر دیگران زیبا و آراسته می کند؛ گویی انسان با تأدب به هرادبی، لباسی جدید برتن می کند؛ امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید «

الآداب حلال مجددة. (1)

آداب، زیورهای نو - جان و تن - است.

به این ترتیب تأدب به آداب، دیگران را جذب می کند و بستر خوبی برای الگوسازی عملی، امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه فراهم می سازد.

انسان از راه تأدب به آداب پسندیده، ارزشی بالاتر پیدا می کند و مورد احترام قرار می گیرد؛ همین امر باعث می شود که در معرض مسئولیت های بزرگ تری قرار گیرد. در حالی که به قول امام علی علیه السلام انسان خالی از ادب و بازیگوش به ریاست نمی رسد؛

(لا يَرَأُسُ مَنْ خَلَا عَنِ الْأَدَبِ وَصَبَا إِلَى اللَّعِبِ)؛ (2)

به ریاست نمی رسد کسی که از ادب بی بهره باشد و شیفته باز می شود .

### 3. ارتباط آداب با آرمان ها

بی شک کسی که به دنبال هدف مشخصی است نمی تواند نسبت به آداب زندگی بی اعتنا باشد. اگر هدفی در زندگی برای فردی جدی شود، به صورت طبیعی آداب متناسب با خود را بر او الزام می کند؛ یعنی التزامات رفتاری و انضباط خاصی را پدید می آورد.

آداب اسلامی، سبک زندگی و انضباط رفتاری ای است که در جهت آرمان عالی عبودیت قرار دارد. کسی که عبودیت و بندگی خدا را مقصد حیات خود می بیند، نمی تواند نسبت به سبک زندگی خود بی اعتنا باشد؛ بلکه همه شؤون زندگی خود از نماز و عبادت تا کسب و کار و تحصیل و تفریح و معاشرت و بهداشت و خوراک و معماری و هنر و سخن گفتن و تولید و مصرف و آراستگی ظاهری و... را در مسیر بندگی او قرار می دهد؛ یعنی همه جزئیات زندگی خود را صبغۀ الهی می بخشد. مسلمان نه فقط در مسجد که در خانه و بازار و کلاس درس و مدرسه و محل کار و خیابان عبد است و برای هر عملی نخست به رضای خدا می اندیشد.

ص: 140

1- نهج البلاغه، حکمت 5.

2- آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، ح 5096 .

او می تواند هر کاری را به شیوه های مختلفی انجام دهد؛ اما از میان همه آن ها، شیوه ای را که بندگی در آن موج می زند و بیشترین هماهنگی را با دستیابی به قرب الهی داشته باشد، در زندگی فردی و اجتماعی خود برمی گزیند.

اسلامی بودن آداب و توحیدی بودن شیوه زندگی به این معناست که سبک زندگی بستر ساز «عبودیت الهی» در حیات انسانی باشد. به قول علامه طباطبایی رحمه الله: ادب الهی، انجام عمل بر هیات توحید است. (1) به این ترتیب آداب اسلامی عمدتاً آداب بندگی است؛ یعنی

جلوه های ظاهری عبودیت و تصویر توحید در ظواهر انسان. (2)

## هدف نهایی تربیت اخلاقی

هدف نهایی تربیت اخلاقی عبارت است از: پیراسته شدن از زشتی رذایل و ضد ارزش های اخلاقی و آراسته شدن به زیور فضایل و ارزش های اخلاقی که باید هماهنگ با هدف غایی نظام تربیتی اسلام (قرب الی الله و خداگونگی) باشد.

## اهداف میانی، اصول و روش های تربیت اخلاقی

### اشاره

چنان که پیش تر گفته شد، تربیت اخلاقی دو هدف اصلی را دنبال می کند:

1. شناخت مهارت افزای رذایل و فضایل نفسانی و ارزش ها و خاستگاه شکل گیری و درونی شدن آن ها در مرتبه؛
2. اصلاح و تنظیم روابط و رفتارهای مرتبه با خود، خدا دیگران و محیط (که البته در اینجا از اخلاق زیست محیطی بحث نخواهد شد).

### هدف میانی 1: شناخت رذایل و فضایل نفسانی

- آشنایی با آداب اسلامی؛
- آشنایی بازی طلبگی؛
- آشنایی با حیات صنفی طلبگی؛

ص: 141

1- علامه طباطبایی، المیزان، ج 6، ص 258.

2- ر.ک: دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه، اخلاق اسلامی (جلد اول، آداب بندگی)، ص 17 و 9.

- شناخت مهارت افزای رذایل اخلاقی و گناهان کبیره؛
- آشنایی با اخلاق اسلامی؛
- آشنایی با مهارت خود مهارگری (مهار غرائز و عواطف)؛
- آشنایی با روش های تمرین و کسب مهارت صبر و توکل؛
- آشنایی با روش های تمرین و کسب مهارت های خودکاوی (محاسبه نفس)؛
- شناخت جایگاه لباس روحانیت و نقش آن در رشد اخلاقی طلاب؛
- آشنایی با روش های تمرین و کسب مهارت شکر و رضا؛
- آشنایی با آسیب ها و رذایل اخلاقی مربوط به ارتباط انسان با خود و پیش گیری ، مهار و رفع آن ها؛
- شناخت مهارت افزای توقف در شبهات (ورع)؛
- آشنایی با آسیب ها و رذایل اخلاقی مربوط به ارتباط انسان با خدا و پیش گیری ، مهار و رفع آن ها؛
- آشنایی با آسیب ها و رذایل اخلاقی مربوط به ارتباط انسان با دیگران و پیش گیری، مهار و رفع آن ها.

## هدف میانی 2: اصلاح و تنظیم روابط و رفتارهای تربی با خود خدا و دیگران

### الف) رابطه با خدا (اخلاق بندگی)

#### بینشی

- شناخت خدا و شناخت رابطه خداوند با مخلوقات؛
- شناخت انبیاء و ائمه علیهم السلام.
- شناخت معاد.

#### گرایشی

- ایمان به خدا؛

• ایمان به غیب؛

• محبت و عشق به خدا؛

• خوش گمان بودن به خدا؛

• امید به خدا؛

ص: 142

• خوف و خشیت در برابر عظمت او؛

• تسلیم در برابر احکام الهی؛

• رضایت از خدا؛

• خضوع و خشوع در برابر او؛

• شرمساری و پشیمانی از گناه؛

• احساس فقر و نیاز به خدا؛

## رفتاری

1. تقوای الهی

2. ترک محرمات و انجام واجبات الهی (تقوا)؛

3. اهتمام به انجام مستحبات و ترک مکروهات؛

4. توقف در شبهات (ورع).

• بندگی محض در برابر خدا؛

• پیروی از اولیای خدا؛

• توجه به خدا و یاد او در همه حال؛

• صبر بر مصیبت، معصیت و طاعت؛

• ترجیح دادن رضایت الهی بر خواسته های نفسانی و رضایت دیگران؛

• شرکت فعال در مراسم عبادی و مساجد؛

• انس با قرآن و روایات؛

## (ب) رابطه با خود (اخلاق فردی)

• شناخت حقیقت وجود خود و کمال آن (خودشناسی)؛

• شناخت جایگاه انسان در نظام آفرینش؛

• شناخت بعد الهی و کرامت انسان؛

ص: 143

- شناخت غایت و هدف خلقت انسان؛
- شناخت اهمیت و فرصت استثنایی زندگی؛
- شناخت جایگاه و نقش خود با توجه به ویژگی های شخصی مثل جنسیت ، امتیازها و کمبودها؛
- آشنایی با شیوه های حفظ ، سلامت و نشاط و تقویت جسم و روح.

## گرایشی

- توجه به خویش جهت تزکیه و رشد معنوی و الهی؛
- گرایش به کمال حقیقی خود (قرب)؛
- گرایش به کمالات برتر مثل رضایت الهی؛
- احساس عزت نفس؛
- حفظ و تقویت گرایش حقیقت جویی؛
- پرورش حس زیبایی شناسی و زیبایی خواهی؛
- علاقه به دین حق، انگیزه کافی برای یادگیری وظایف دینی و عمل به آن؛
- انگیزه کافی برای حفظ سلامت و تقویت تن و روان و رفع موانع آن .

## رفتاری

- پرورش قوه تعقل و تفکر مثل تمرین های عملی حل مسأله؛
- رفتار براساس سیره و زندگی معصومان علیهم السلام و بزرگان؛
- رعایت اعتدال و تلاش مستمر برای خودسازی؛
- تقویت همت و اراده؛
- رعایت نظم و برنامه ریزی؛



● پرهیز از شتاب زدگی و اتخاذ تصمیمات نسنجیده؛

● رعایت و حفظ شأن خود؛

● اهتمام به سلامت و نشاط حفظ بهداشت و تقویت تن و روان و پرهیز از سستی و تنبلی؛

● ایجاد روحیه صبر و مقاومت در برابر شداید و مشکلات و تلاش برای رفع آن ها؛

ص: 144

- پرورش احساس تعهد و مسؤولیت در برابر خدا و خلق خدا .

## ج) رابطه با دیگران (اخلاق اجتماعی)

### بینشی (معرفت اجتماعی)

#### اشاره

فرایند تربیت اجتماعی در نظام تربیتی اسلام در نخستین گام، مریبان را بر آن می دارد که متریبان را به ضرورت زندگی اجتماعی و برکات هم گرایی در زندگی جمعی آشنا کنند. توجه به حقوق و وظایف جمعی و برکات داد و ستد در بستر زندگی اجتماعی از جمله پیش نیازهای رساندن متریبان به بینش و معرفت اجتماعی است. این مهم در گرو فهم فرصت ها و چالش های اجتناب ناپذیر در زندگی اجتماعی است. فراوانی آموزه ها و بایدهای اسلامی در باب رفتارها و روابط اجتماعی به دست دهنده اولویت و اهمیت زندگی اجتماعی و دست یابی به معرفت آن است. همچنین حضور امدادهای الهی و دریافت رحمت و عنایت خدای متعال در بستر زندگی اجتماعی در گرو فهم ضرورت و اهمیت زندگی جمعی و پابندی به آن است. روایاتی مانند «ید الله مع الجماعه» (1) بر این حقیقت مهم اشاره دارد.

دست یابی به معرفت اجتماعی در گرو به کارگیری اصول و روش های زیر است:

### 1. لزوم آشنایی با ضرورت زندگی اجتماعی

#### شیوه های اجرایی نمودن آن

- آشناسازی متریبان با آیات و روایات مربوط به اهمیت زندگی جمعی؛
- آشناسازی متریبان با آیات و روایات مربوط به نفی رهبانیت و عزلت گزینی؛
- آشناسازی متریبان نسبت به دشواریها و آسیبهای ناشی از زندگی انفرادی و عزلت گونه؛
- آشناسازی متریبان با فرایند برآورده شدن نیازهای آدمی در بستر زندگی جمعی .

ص: 145

## 2. لزوم آشنایی با فرصت ها و تهدیدهای زندگی اجتماعی

### شیوه های اجرایی نمودن آن

- آشناسازی متریبان با آیات و روایات مربوط به تعالی و انحطاط جوامع؛
- آشناسازی متریبان با فرصت‌های مادی و معنوی در زندگی جمعی؛
- آشناسازی متریبان با تراحم و تنازع های ناشی از دست یابی به منافع در زندگی جمعی؛
- آشناسازی متریبان نسبت به دشواریها و ناهنجاری های زندگی اجتماعی (چشم پوشی از فردگرایی در دست یابی به منافع و التزام به قانون مداری)؛
- آشناسازی متریبان با گروه های اجتماعی سالم و ناسالم و آسیبهای اجتماعی؛ (1)
- آشناسازی متریبان نسبت به چگونگی بهره وری از امکانات برآمده از زندگی اجتماعی؛
- آشناسازی متریبان با فرصت های بهره گیری یا عبرت گیری از الگوهای موفق و ناموفق جامعه؛
- آشناسازی متریبان نسبت به برکات اجتماعی حضور اولیای الهی علیهم السلام و متقیان در رفع عذاب های آسمانی و جذب رحمت الهی؛ (2)
- آشناسازی متریبان با فرصت های فعالیت های جمعی و پرهیز دادن آن ها از گوشه گیری و فعالیت های فردی؛
- آشناسازی متریبان با پیوستگی عزت و شوکت انسان با زندگی جمعی؛
- آشناسازی متریبان با فرصت‌های زندگی اجتماعی برای انجام عبادات جمعی و ایجاد مراکز عبادی؛
- آشناسازی متریبی نسبت به شکوه و تأثیر عبادات اجتماعی، همانند حج، نمازهای عید فطر و عید قربان، نمازهای جمعه و جماعات؛

ص: 146

---

1- (وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ)؛ و از فتنه ای که تنها به ستمکاران شما نمی رسد، بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است. (انفال، آیه 25)

2- (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ)؛ خداوند تا تو در میان آن ها هستی آن ها را مجازات نخواهد کرد و (نیز) تا استغفار میکنند خدا عذابشان نمی کند. (انفال، آیه 33)؛ علی بن موسی الرضا علیه السلام به زکریا بن آدم فرمود: ای زکریا این کار را نکن و از قم مهاجرت نما؛ زیرا خداوند به واسطه وجود تو بلا و عذاب را از خاندان تو و اهل قم دفع می کند چنان چه به وجود پدرم بلا را از اهل بغداد دور ساخته است. (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 49، ص 278)

• آشناسازی متریبیان با انحرافات و بزهکاری های موجود در زندگی اجتماعی.

### 3. لزوم آشنایی با حقوق و وظایف زندگی جمعی

#### شیوه های اجرایی نمودن آن

- آشناسازی متریبیان با تضایف و درهم تنیدگی حق و وظیفه در زندگی اجتماعی (دو سویه بودن حق داری و وظیفه مندی)؛
- آشناسازی متریبیان با طبقه بندی چندگانه حقوق (حق الله و حق پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امام علیه السلام، حق الناس در طبقات گوناگون آن • حقوق حیوانات، محیط زیست، مکان های دینی و عمومی و...)
- آشناسازی متریبیان با انواع حقوق اجتماعی در نظام حقوقی اسلام (همانند حقوق پیامبر و امامان معصوم علیه السلام، حقوق والدین، فرزندان، خویشاوندان سببی و نسبی، همسایگان، بزرگ ترها، معلمان، امامان جماعت، دوستان، خدمت رسانان، مسلمانان، اقلیت های دینی و...)
- آشناسازی متریبیان با طیفهای گوناگون صاحبان حقوق (حق داران) و انواع حقوق آنان از راه آشناسازی آنان با رساله حقوق امام سجاد علیه السلام؛
- آشناسازی متریبیان با حقوق متقابل مردم و حکومت؛
- آشناسازی متریبیان با الگوهای حق مدار انسانی و اسلامی؛
- آشناسازی متریبیان با حقگریزان و پیامدهای حق گریزی؛
- آشناسازی متریبیان با باورها، ارزش ها و آداب و سنن اجتماعی اسلام؛
- آشناسازی متریبیان با باورها ارزش ها رسوم و مظاهر اجتماعی معارض و راه های مقابله با آن ها؛
- آشناسازی متریبیان با علوم و فنون مختلف و مهارت های زندگی با توجه به توانمندی ها و علاقه فردی و نیازهای جامعه؛
- آشناسازی متریبیان با قوانین و مقررات اجتماعی و بین المللی.

#### گرایشی

- گرایش به باورها و ارزش ها و آداب و سنن فرهنگی اجتماعی اسلامی در برابر خرافات و بدعت ها؛
- احساس مسئولیت در برابر رفتار و منش نادرست دیگران؛



- گرایش عمومی به مطالعه و تحقیق؛
- انگیزه کافی برای ورود به عرصه های تخصصی با در نظر گرفتن اولویتهای فردی و اجتماعی؛
- علاقه به برقراری روابط سازنده با دیگران؛
- تقویت حس تعاون و همیاری و خدمت رسانی به دیگران؛
- احساس مودت و اخوت با مؤمنان و نفرت نسبت به دشمنان اسلام؛
- گرایش نداشتن به امور نامتناسب با شئون اجتماعی؛

## رفتاری

- نقش آفرینی در تعظیم شعائر دینی؛
- مشارکت فعال و سازنده در فعالیت های اجتماعی سالم؛
- نقش آفرینی تربیتی و اخلاقی در جامعه؛
- جانب داری آگاهانه و عمومی از باورها و ارزش ها و سنن اصیل اسلامی؛
- افتخار به مفاخر اسلامی و بزرگان دین؛
- اصلاح جامعه از طریق نظارت بر رفتار دیگران بدون تجسس نابجا؛
- ارتقای سطح دانش و فرهنگ عمومی؛
- التزام عملی به قوانین و مقررات اجتماعی اسلام؛
- تبعیت نکردن از باورها و ارزش ها و بدعت های مخالف اسلام؛
- رعایت حق و عدالت اجتماعی ستم ستیزی و ستم ناپذیری؛
- انضباط اجتماعی رعایت قوانین و مقررات و پرهیز از قانون گریزی؛
- احترام به دیگران بویژه والدین و حق داران و رعایت حقوق آن ها؛
- دفاع از حقوق دیگران؛

● عمل به مسئولیت های اجتماعی با توجه به نقش و کارکرد خود در جامعه؛

● کار خود را بر عهده دیگران نگذاشتن؛

● انتخاب شغل با لحاظ اولویت براساس ویژگی های ذاتی، تخصص، وظایف و علاقه فرد و

ص: 148

نیازها و امکانات جامعه؛

- داشتن تعهد و وجدان کاری؛
- حسن معاشرت با دیگران؛
- رعایت ادب و عفت در گفتار و رفتار؛
- امانت داری و وفای به عهد؛
- دلسوزی خیر خواهی، کمک به دیگران، ایثار و فداکاری؛
- پذیرش عذر و عفو و گذشت تا جایی که مفسده نداشته باشد؛
- پرهیز از تجمل گرایی و مدپرستی و حرص؛
- رفتار غیورانه با پرهیز از تعصب نابجا

### **هدف میانی 3: نقش آفرینی تربیتی و اخلاقی در جامعه**

- برنامه ریزی و مشارکت فعالانه طلاب در اردوهای جهادی.

### **هدف میانی 4: گسترش شعائر دینی در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی**

- \* هدف میانی 4: گسترش شعائر دینی (1) در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی
- شناخت مهارت افزای روش های تبلیغی مؤثر؛
- آموزش کیفیت و شیوه های صحیح گسترش و نهادینه کردن ارزش های الهی و شعائر دینی در خانواده و اجتماع به طلاب؛
- نقش آفرینی در برنامه ها و فعالیت های مساجد و هیئات مذهبی؛
- مشارکت فعالانه در فراخوان های عمومی ملی و مذهبی مثل راهپیمایی روز قدس؛
- حضور مستمر و مؤثر در نمازهای جمعه و جماعت؛
- تبیین آرمان های انقلاب اسلامی، پیروی و پشتیبانی از ولی فقیه؛
- اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر در جامعه.



1- (وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ)؛ و هر کس نشانه های خداوند را تکریم کند • از تقوای قلب ها است. (کهف، آیه 21)

## مفهوم شناسی

## خانواده

خانواده به عنوان یک واحد اجتماعی کوچک در هر فرهنگ و جامعه ای معنای خاص خود را دارد. برپایه آموزه های اسلامی، خانواده به کانونی گفته می شود که دست کم یک مرد و یک زن بر اساس قوانین ازدواج کنار یکدیگر قرار می گیرند.

## تربیت خانوادگی

چنان چه پیش از این گفته شد، تربیت به فرایندی از اقدامات و فعالیت ها با هدف شکوفاسازی ظرفیت های متربی گفته می شود. از این رو افزوده شدن واژه تربیت به خانواده، یعنی تمام مقتضیات و مؤلفه های تربیت در چارچوب خانواده و با شاخص های خاص آن شکوفا می گردد. به بیانی روشن تر، تربیت خانواده عبارت است از: مجموع اقدامات زمینه سازانه برای تشکیل، تحکیم و تعالی تعاملات و روابط دوسویه اعضای خانواده در چهار سطح روابط زن و شوهر با یکدیگر، والدین با فرزندان، فرزندان با والدین و فرزندان با یکدیگر یا تعاملات احتمالی خانواده با اعضای تأثیرگذار دیگر به ویژه جد و جده (اعضای خانواده نه فامیل). (1)

بنابر آموزه های قرآنی، (2) آرامش روانی، بقای نسل، (3) روابط عشق آمیز (4) و سازندگی اخلاقی (5) از جمله اهداف تشکیل و تربیت خانوادگی است.

ص: 150

1- در این ساحت، فقط اهل خانه اراده شده است نه فامیل.

2- (وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَكِرُونَ)؛ و از نشانه های او این که از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری در این [نعمت] برای مردمی که می اندیشند قطعاً نشانه هایی است. (روم، آیه 21)

3- (فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَدْرُوكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ)؛ پدید آورنده آسمان ها و زمین است از خودتان برای شما جفت هایی قرار داد و از دام ها [نیز] نر و ماده [قرار داد] بدین وسیله شما را بسیار می گرداند چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بینا. (شورا، آیه 11)

4- روم، آیه 21.

5- (.. أَحِلَّ لَكُمْ لِيَلْتَمِسُوا إِلَيْهَا الرِّفْقُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِيَابِسُ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَابِسُ لَهُنَّ ..) ... آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید. (بقره، آیه 187)

در اسلام، تنها مسیر تشکیل خانواده ازدواج است و با نكوهش زندگی بی همسری، شکل گیری این کانون مورد تشویق قرار گرفته است. لذت، انس، آفت، آرامش و جلوگیری از فساد از جمله برکات تشکیل خانواده است که به تشکیل جامعه سالم می انجامد. در اسلام تربیت خانوادگی بر تعیین حقوق و وظایف دو سویه والدین و فرزندان می چرخد. تأمین نیازهای جنسی، اصلی ترین محور گردهمایی زن و شوهر در یک خانواده است که با عرضه آموزه های پیرامون آراستگی زن و مرد و آداب آمیزش بهینه محقق می گردد. نظام خانواده و تربیت خانوادگی می تواند از سوی آسیب هایی مورد تهدید قرار گیرد. این آسیب ها ممکن است از سوی همسران یا فرزندان یا ناشی از عوامل برون خانواده پدید آید. گذشته از عوامل دخیل در شکل گیری خانواده، در اسلام به عواملی نیز اشاره شده است که می تواند بنیان خانواده را مستحکم و مستقر کند. محبت، مهرورزی، خوگیری، خودهی، حسن تبعل و حسن قیومیت، احترام متقابل، مدارا، هدیه، سفر خانوادگی، قناعت و غیرت برخی از این عوامل اند.

## هدف نهایی

هدف غایی از تربیت خانوادگی طلاب عبارت است از: مدیریت موفقیت آمیز روابط خویشاوندی و تشکیل، تحکیم و تعالی روابط اعضای خانواده با یکدیگر (در چهار سطح روابط زن و شوهر با یکدیگر، والدین با فرزندان، فرزندان با والدین و فرزندان با یکدیگر).

## اهداف میانی، اصول و روشهای تربیت خانوادگی

### هدف میانی 1: برقراری ارتباط مؤثر خویشاوندی

## اشاره

طلبه باید از همان اوایل طلبگی در میان بستگان و آشنایان خود در عین حفظ زی طلبگی و شؤونات حوزوی، امین ترین، مورد اعتمادترین و مهربان ترین باشد و در برقراری روابط میان فردی مؤثر، بیش ترین توفیق را داشته باشد. این امر با موفقیت در خودسازی و کسب دانش و مهارت های لازم میسر خواهد بود.

## **اصل 1: لزوم آشنایی با مدیریت روابط خویشاوندی**

### **شیوه های اجرایی نمودن آن**

- معرفی الگوهای موفق حوزوی در مدیریت روابط خویشاوندی مطلوب؛
- آموزش مدیریت روابط خانوادگی به طلاب.

## **اصل 2: لزوم آشنایی با روش های تعامل سازنده میان اعضای خانواده**

### **شیوه های اجرایی نمودن آن**

- آشناسازی متربی با حقوق و وظایف اعضای خانواده (والدین و فرزندان)؛
- آشناسازی متربی با شیوه های برقراری ارتباط سازنده

## **هدف میانی 2: تشکیل موفقیت آمیز خانواده (ازدواج آگاهانه، بهنگام، آسان و پایدار)**

## **اصل 1: لزوم آشنایی با فرایند همسرگزینی**

### **شیوه های اجرایی نمودن آن**

- آشناسازی متربی با اهمیت و قداست ازدواج و خانواده؛
- آشناسازی متربی با شرایط و زمان ازدواج (ازدواج بهنگام)؛
- آشناسازی متربی با ملاک های همسرگزینی؛
- آشناسازی متربی با شیوه های احراز این معیارها و تصمیم گیری.

## **اصل 2: لزوم آشنایی با بایدها و نبایدهای دوران عقد و ارتباط با خانواده ها**

### **شیوه های اجرایی نمودن آن**

- بایدها و نبایدهای دوران عقد؛

● مهارت های ارتباط با خانواده ها .

ص: 152

### هدف میانی 3: تحکیم خانواده

#### اصل: لزوم آشنایی با مهارت های روان شناختی زندگی مشترک

#### شیوه های اجرایی نمودن آن

- آشناسازی متربی با مهارت برقراری ارتباط مؤثر؛
- آشناسازی متربی با مهارت حل تعارض؛
- آشناسازی متربی با تفاوت های زن و مرد؛
- آشناسازی متربی با مهارت مدیریت خشم؛
- آشناسازی متربی با مهارت مدیریت اقتصادی خانواده .

### هدف میانی 4: تربیت صحیح فرزندان

#### اصل: لزوم آشنایی با اهمیت فرزندآوری و فرزندپروری

#### شیوه های اجرایی نمودن آن

- آشناسازی متربی با زمان و شرایط فرزندآوری؛
- آشناسازی متربی با اصول و فنون و چالش های فرزند پروری

### هدف میانی 5: تعالی خانواده (حاکمیت روابط اخلاقی پایدار بین زوجین)

#### اصل 1: لزوم آشنایی با مهارت های اخلاقی و تربیتی زندگی مشترک

#### شیوه های اجرایی نمودن آن

- تبیین جایگاه تربیتی خانواده های روحانیون و تأثیر پذیری مردم از آنان؛
- آشناسازی متربی با راهکارهای ایجاد اخلاق و معنویت در خانواده؛

• آشناسازی متربی با سیره خانوادگی بزرگان دین معصومین علیهم السلام و علمای ربانی).

ص: 153

## اصل 2: لزوم پایبندی خانواده به باورها و ارزش های الهی

### شیوه های اجرایی نمودن آن

- مشارکت دادن اعضای خانواده در برنامه های مذهبی عمومی مثل نماز جمعه و جماعت، هیأت های مذهبی سفر به مشهد مشرفه و...؛
- راه اندازی سفرهای زیارتی - سیاحتی خانوادگی.

## اصل 3: لزوم ایجاد فضای معنوی در خانه و خانواده

### شیوه های اجرایی نمودن آن

- تشویق به تلاوت روزانه قرآن، حدیث خوانی و ادعیه به صورت فردی و جمعی توسط اعضای خانواده .
- برگزاری مراسم مذهبی در اعیاد و وفیات در منزل؛
- همراه کردن میهمانیها با بیان آموزه های دینی خواندن روایات و دعای سفره و...

## اصل 4: لزوم حاکمیت امانت، وفای به عهد و صداقت در تنظیم روابط

### شیوه های اجرایی نمودن آن

- پرهیز از دورغ هر چند به شوخی در خانه؛
- مسئولیت دهی به اندازه توانایی و تعدیل انتظارات از یکدیگر؛
- بازگذاشتن راه توجیه و بازگشت برای فرد لغزیده؛
- تغافل از لغزش ها و اشتباهات یکدیگر؛
- تشویق به رازداری و تمجید از آن؛
- تغییر دادن موضوع اختلاف و منعطف کردن توجهات به موضوع غیر چالشی .

## اصل 5: لزوم رشد و ارتقاء معرفتی همسران و فرزندان طلاب



## شیوه های اجرایی نمودن آن

- تدوین متون آموزشی، جزوه و بروشور؛

ص: 154

• برگزاری کلاس؛

• برگزاری جلسات درس اخلاق به صورت خانوادگی؛

• طراحی و برگزاری دوره های آموزش معارف اسلامی برای همسران طلاب .

• برنامه های تربیتی آموزشی ویژه فرزندان طلاب .

• برگزاری هیئت های مذهبی خانوادگی؛

• برگزاری مسابقات فرهنگی تربیتی خانواده؛

• برگزاری اردوهای فرهنگی و تربیتی خانواده

## هدف میانی 6: آگاهی بخشی و مصونیت بخشی خانواده نسبت به آسیب ها

### اصل لزوم آشنایی با آسیب های خانواده

#### شیوه های اجرایی نمودن آن

• آشناسازی متربی با آسیب های روابط همسران؛

• آشناسازی متربی با آسیب های مربوط به فرزندان؛

• آشناسازی متربی با راهکارهای پیشگیری از این آسیب ها.

### 2-3 ترسیم سیمای طلبه مطلوب

#### اشاره

\*2-3 ترسیم سیمای طلبه مطلوب (1)

این بخش در پی ترسیم سیمای آرمانی طلبه و مطلوبیت هایی است که طلبه با تلاش و پیگیری باید در جان خود محقق سازد. این که «طلبه مطلوب» چه ویژگی ها، برخورداراى ها و دارایی هایی دارد؟ تیپ ایده آل طلبه چگونه است؟ بهترین وضعیتى که یک طلبه می تواند در آن قرار داشته باشد چیست و عالی ترین مرتبه اى که برای او - به عنوان یک طلبه رسالت مند - تصوّر می شود کجاست؟ طلبه موفق • کامل و نمونه کیست؟

طلبه مطلوب یک شخصیت جامع چند بعدی است که لایه های متعددی با نسبت های مشخص در وجود او نقش گرفته است و برای

---

1- بخش زیادی از مباحث این بخش از نوشته های فاضل گرامی حجت الاسلام محمد عالم زاده نوری تلخیص و اقتباس شده است و همین جا از ایشان کمال تشکر را داریم.

یک نگاه سیستمی و منظومه ای نیاز است .

برای مشاهده سیمای طلبه موفق دو زاویه نگاه وجود دارد؛ یکی طلبه موفق در نهایت و دیگری طلبه موفق در مسیر. به بیان دیگر ایده آل های عالم طلبگی را دو گونه می توان بیان کرد؛ ایده آل های مقصد و ایده آل های حرکت. یا به مقصد نظر می کنیم و طلبه را بر قله می بینیم یا از دامنه تا به قله، خطی می نگاریم که طلبه در کوتاه ترین زمان و به بهترین صورت از آن عبور کند و به همه مطلوبیت ها برسد.

در نگاه اول طلبه موفق را پس از پایان دوره رشد و تحصیل و رسیدن به کمال سنی خود مثلاً در حدود 40 سالگی تصویر می کنیم و همه مطلوبیت ها را در وجود او بالفعل می بینیم. این تصویر، تصویر روحانی رشیدی است که اکنون به بهترین صورت آماده ایفای نقش حوزوی و خدمت گذاری فرهنگی به جامعه است و برترین استانداردها را دارا است.

در نگاه دوم طلبه موفق را در میانه مسیر رصد میکنیم و سیمای حرکت به سمت موفقیت و خط تحول او به سوی آن آینده مطلوب را تصویر می کنیم؛ یعنی مطلوبیت ها را بالقوه در وجود او می بینیم و موفقیت او را در پیمودن مسیر موفقیت می نمایانیم. این تصویر، تصویر طلبه ای است که در سیل نجات قرار گرفته و در حال کسب آمادگی های لازم برای ایفای رسالت طلبگی به بهترین صورت است.

این فصل از نظام نامه به نگاه اول اختصاص دارد و بنای ترسیم اهداف را نهاده است، اما نمی توان انکار کرد که در مواردی از این بنای اولیه برتافته و به حوزه نگاه دوم نیز راه یافته است.

## بهره های بحث

توجه به سیمای طلبه نمونه، احساس تعهد ما را افزایش می دهد و انرژی مضاعفی می بخشد. شاید هیچ عامل دیگری مانند نظر دوختن به قله و مرور عظمت والای آن در انگیزش انسان نقش نداشته باشد و شوق و طراوت نیافریند.

مربی اگر به خوبی بداند که محصول نهایی چیست، شوق بیش تری نسبت به آن پیدا می کند. مربی نیز در صورتی که هدف روشن باشد بهتر برانگیخته می شود. اگر طرح و نقشه ما و تصویر آینده ای که به دست ما ساخته می شود معلوم نباشد مربی اعتماد نمی کند و

همواره اسیر دلهره است. اما روشن بینی نسبت به نقطه، هدف او را به یک بهجت فطری وا می دارد؛ زیرا هدف های این مسیر را مطالبه جان خود می بیند. همواره تلاشی که همراه با روشن بینی نسبت به اهداف، باشد مشتاقانه تر از تلاشی است که از روی تکلیف محض و به امید مبهم رسیدن به چیزی خوب است.

تعریف طلبه کامل، به زندگی طلبه معنا می بخشد و او را آینده نگر و آرمانگرا بار می آورد و آرزوهای او را از سطح آرزوهای روزمره به آرمان های متعالی ارتقا می بخشد.

این تلاش به طبقه بندی شخصیت های روحانی و مرتبه بندی الگوهای موجود نیز کمک خواهد کرد. از آن پس طلبه در انتخاب الگو برای حرکت آینده خود موفق تر خواهد بود و با بینش روشن خواهد توانست بهره خود را از تأسی به شخصیت های موجود تنظیم کند. یعنی بهتر خواهد دانست که چه کسی را الگو، پیشوا و مقتدای طلبگی خود بشناسد و به سوی او حرکت کند و از چه کسی به بهره های پراکنده اکتفا کند.

وقتی سیمای طلبه مطلوب به روشنی ترسیم شود، دستگاه اولویت ها و حساسیت ها نیز تغییر خواهد کرد و مسیر دغدغه های اصلی و فرعی متفاوت خواهد گشت. چه بسا دغدغه ای که زمانی در صدر نشسته بود با نظر به نقطه نهایی تنزل یابد و از ناحیه آن، مرکز ثقل حساسیت ها جابه جا گردد. این سیمای آرمانی کمیت و کیفیت فعالیت های طلبگی را معلوم خواهد ساخت و معیاری برای تشخیص خوب و خوب تر خواهد بود؛ هر پدیده یا عنصری تحقق آن سیمای آرمانی بیشتر و بهتر یاری رساند ضریب اولویت برتری کسب می کند و

اهمیت و ارزش بیش تری می یابد؛ و هر چه که این گونه نباشد از طومار فعالیت های مجاز حذف خواهد شد.

بنابراین، تصویر این چهره نهایی، آرزوی طلبه را مشخص می کند. الگوی او را نمایان می سازد. برنامه های زندگی و نظام اولویت های او را سامان می بخشد. مسیر حرکت او را معین می گرداند، به همه فعالیت های او جهت و منطق می دهد و نیز ارزیابی از آنان را آسان و دقیق می سازد.

بحث از اهداف تربیت و کمالات انسان را در منابع مختلفی می توان سراغ گرفت. در صدر همه منابع، قرآن کریم روایات معصومین علیهم السلام (از جمله صفات الشیعه، صفات المؤمن، ویژگی های عالمان دین، اوصاف یاران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، حدیث جنود عقل و جهل، زیارت

جامعه و ...) و سیره ائمه اطهار علیهم السلام قرار دارد. علاوه براین، همه کتاب های اخلاقی به صورت عام در مقام تبیین اهداف تربیت هستند. بحث انسان کامل - در کتاب های عرفانی یا غیر آن - به بیان اهداف تربیت اختصاص دارد. در شاخه روان شناسی کمال نیز این موضوع با رویکرد تجربی مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین شرح زندگی نامه بزرگان و بررسی حیات انسان های موفق (اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام، علمای بزرگ، مردان بزرگ تاریخ) ارتکاز ما را از مفهوم موفقیت به تفصیل می کشد و توجه ما را به ویژگی های مطلوب جلب می کند.

البته باید توجه داشت که مقتضیات تاریخی، عصری و مکانی در ترسیم سیمای طلبه مطلوب باید مورد توجه قرار گیرد. طلبه ایده آل امروز با طلبه 500 سال پیش قطعاً تفاوت هایی دارد. شرایط زندگی در عصر جدید برای اصول ثابت اخلاقی مصادیق تازه ای ایجاد کرده و

نظام اولویت های تربیتی را دست خوش تغییراتی ساخته است. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و وظیفه سنگین مبارزه با طاغوت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بین المللی و تلاش برای بنای تمدن عظیم اسلامی که حقیقت «انتظار» در آن جلوه می کند طلبه امروز را با طلبه پیش از انقلاب به مراتب و سطوحی متفاوت ساخته و قطعاً می توان پیش بینی کرد که صبغه غالب و وجهه اصلی تربیت طلبه در عصر انتظار، پس از نهضت اسلامی و درگیری جهانی، با پیش از آن فاصله دارد.

با این نگاه می توان پیش بینی کرد که روز به روز بر فهرست مطلوبیت ها افزوده و استانداردهای سخت گیرانه تری بر رفتار و برنامه طلبه حاکم می شود؛ یعنی شرایط نوین و پدید آمدن ضرورت ها، مهارت ها، دانش ها و ابزارهای جدید، طالب توجهات تازه ای است که اگر بنا باشد با همه جزئیات و به صورت دقیق بیان شود، جدول استانداردها و نیازهای طلاب به صورت تصاعدی گسترده خواهد شد. ناگزیر در این نوشته به خلاصه ترین و کوچک ترین

مدل باید اکتفا کرد. اما این توصیه های کلی به صورت یک سخت هسته اصلی، باید الگوی کلان موفقیت طلبه را عرضه کند و قابلیت حفظ جامعیت شخصیت طلبه را پس از سرشکن شدن به جزئیات نیز داشته باشد.

بنای این اثر ترسیم سیمای طلبه مطلوب است و در آن باید و نبایدهای مربوط به شأن صنفی طلبه بررسی شده است. ویژگی های طلبه مطلوب بر دو قسم است: برخی از آنان به حیثیت انسانی او مرتبط است یعنی «طلبه؛ بما آئه انسان» واجد آن است و برخی به حیثیت طلبگی او مربوط است یعنی «طلبه؛ بما آئه طلبه» بدان آراسته است.

طلبه پیش از آن که طلبه باشد انسان است و بیش از آن که یک طلبه خوب باشد باید یک آدم خوب باشد. طلبه مطلوب با انسان مطلوب تفاوت دارد؛ زیرا در آن قید طلبگی نیز در نظر گرفته شده و علاوه بر همه مطلوبیت هایی که یک انسان مؤمن غیر طلبه باید داشته باشد، برخورداری های ویژه یک طلبه ایده آل نیز باید برای او بیان شود. به تعبیر دیگر مطلوبیت های شأن طلبگی متفرع بر شأن انسانیت و ایمان او است.

مطلوبیت های انسانی، ربطی به طلبه بودن فرد ندارد و او در همه حال - پیش از طلبگی، پس از طلبگی، ضمن طلبگی، حتی اگر طلبه نمی شد، یا از طلبگی انصراف می داد - می باید به آن ملتزم باشد. اما مطلوبیت های طلبگی ویژگی هایی است که فرد از آنجا که طلبه است باید به آن ها ملتزم گردد و اگر ملتزم نشود ممکن است آدم خوبی باشد اما طلبه خوبی نیست .

بدین ترتیب این نوشتار کاملاً با هویت صنفی طلبه پیوند خورده و ویژگی هایی را که در تعریف طلبه اخذ شده و هویت صنفی او را تقویت می کند (یعنی طلبه را طلبه تر می کند!) می کاود.

سؤال این است که:

مطلوبیت های یک طلبه و برخورداری های ویژه ای که هر چه بیشتر داشته باشد، طلبگی او کامل تر خواهد شد، کدام است؟

حوزه تأثیر طلبه چگونه گسترش می یابد و طلبگی او چگونه پرثمرتر می شود؟

این نکته نیز گفتنی است که ویژگی های صنفی یک طلبه دو گونه است؛ یک بار در حد نصاب فراهم آمده، یعنی به مقداری است که اگر از آن کمتر می بود، صدق عنوان طلبه

مخدوش و فرد از دایره طلبگی خارج میگشت. یک بار هم در حد مطلوبیت است. یعنی اصل طلبگی فرد محرز و مسلم است و این ویژگی ها طلبگی او را مطلوب تر، کارآمدتر و کامل تر می گرداند. در این نوشتار همین قسم اخیر بررسی می شود.

با یک توجه دیگر و در یک استعمال عام، این پرسش، پرسش از اخلاق صنفی طلبگی است. اخلاق طلبگی از شاخه های اخلاق کاربردی به شمار می رود. (1) اگر شأن طلبگی را به اقامه دین (فهم دین شامل تحصیل و تحقیق، تبلیغ دین، تلاش برای تحقق و اجرای دین و دفاع از دین در مقابل هجمه ها و دشمنی ها) تفسیر کنیم، آنگاه اخلاق روحانیت، بایدها و نبایدهای امر اقامه دین خواهد بود؛ یعنی هنجارها و ارزش هایی که طلبه را در امر اقامه دین موفق تر و کارآمدتر می گرداند.

## 2-2-3 دارایی های طلبه مطلوب

با یک نگاه دیگر می توان برای طلبه موفق سه لایه دارایی در نظر گرفت:

لایه اول دارایی های بنیادین طلبه است که مرتبط با انسانیت اسلامی او است. طلبه در این سطح با انسان های مسلمان دیگر از همه اصناف و اقشار مشترک است و اگر از این دارایی ها و کمالات محروم باشد، عنوان انسان به حقیقت بر او اطلاق نمی شود، یعنی انسانیت او مخدوش است. تمام ارزش های اخلاقی در این لایه قرار دارند. مثلاً همه انسان ها - طلبه یا غیر طلبه - موظف به تهذیب نفس، انتظار فرج، رسیدگی به ارحام، حفظ بهداشت فردی و بندگی خدا هستند که هر یک از این ویژگی ها در تکمیل شخصیت انسانی اسلامی آنان دخیل است. یکی از این ویژگی ها حضور در صحنه اجتماع و پذیرفتن یک نقش مؤثر اجتماعی است. اصل این ویژگی برای هر انسانی لازم است. اما انتخاب یکی از نقش های متعدد اجتماعی بسته به تشخیص و استعداد و سلیقه افراد است و موجب تمایز اصناف

ص: 160

---

1- اخلاق کاربردی بنابر فهم درست آن، نه منطبق نوین ارزش گذاری و الزام سنجی که فن مهارت افزایی در تطبیق معیارهای کلان و مطلق اخلاقی بر موارد و مصادیق ویژه یا بافت ها و پس زمینه های متفاوت است و دو مأموریت مهم را دنبال می کند؛ نخست پاسخگویی به مجموعه مسائل اخلاقی نوپدید و ویژه یک عرصه خاص و دوم، حل مؤثر معماها یا تعارضات اخلاقی (ر.ک: اسلامی و همکاران، اخلاق کاربردی؛ چالش ها و کاوش های نوین در اخلاق عملی، ص 14)



مختلف از هم می شود. طلبه از میان همه نقشهای اجتماعی طلبگی را برگزیده است.

لایه دوم را دارایی های اساسی طلبه می نامیم که مرتبط با طلبگی او است و قوام صنفی او به شمار می رود. یعنی اموری که اگر طلبه از آن ها محروم باشد، عنوان طلبه بر او صادق نیست، هر چند در لایه اول انسان خوبی باشد. طلبه در این سطح با همه طلبه های دیگر مشترک است. پس از تأمین این لایه، طلبگی طلبه تثبیت شده و عنوان روحانی بر او صادق است.

لایه سوم دارایی های خاص است. این داراییها مرتبط با تخصص طلبه است. یعنی اگر طلبه از آن محروم باشد متخصص نیست و از او کارآیی ویژه ای انتظار نمی رود هرچند در لایه طلبه خوبی باشد. تخصص ترکیب دانایی و توانایی است که موجب نفوذ و تأثیرگذاری اجتماعی می گردد. هر چه تخصص بیش تر باشد کارآمدی طلبه در حوزه تخصصی افزون تر است. تنوع این دارایی های خاص موجب تمایز طلاب از یک دیگر می شود. یعنی تیپ های تخصصی مختلفی میان طلاب پدید می آورد.

طلبه باید این هر سه را به صورت موازی دنبال کند. یعنی از طرفی دارایی های بنیادین خود را تقویت کند و انسانیت و معنویت خود را فریه سازد، از سوی دیگر طلبگی خود را تقویت کند و از سوی سوم تخصصی فراهم آورد و کارآمدی خود را افزایش بخشد.

در یک نگاه سازمانی، نظام تعلیم و تربیت حوزه نیز این هر سه را به صورت موازی باید دنبال کند. اول این که طلبه را در دارایی های بنیادین خود تقویت کند و انسانیت و معنویت او را فریه سازد. دوم این که حد نصاب های طلبگی را برای همه طلاب تحت پوشش خود بالا-استثنا فراهم آورد، یعنی دارایی های اساسی را به همه طلاب بدهد. سوم این که با نظر به نیازهای متنوع اجتماعی، تخصص های مختلفی در سطح کلان حوزه پدید آورد. یعنی هر طلبه را دست کم در یک موضوع خاص مجهز سازد به گونه ای که از جمع همه تخصص ها کل نیازهای متنوع اجتماعی پوشش داده شود.

این اثر در صدد بیان دارایی های سطح اول نیست؛ ویژگی های مطلوب انسانی را در بحث انسان کامل باید دنبال کرد. در صدد بیان دارایی های سطح سوم هم نیست، یعنی بنای استقصای انواع تخصص ها و شرایط و لوازم هر یک را ندارد. این اثر بیش تر به دارایی های

اساسی طلبه یعنی دارایی های سطح دو نظر دارد و از دو سطح دیگر تنها به قدر نیاز کاوش می کند. به بیان دیگر این جا سخن از طلبه مطلوب است، نه انسان مطلوب و نه مفسر مطلوب یا محقق مطلوب یا مبلغ مطلوب.

### 3-2-3 جامعیت

شاید بتوان گفت یکی از مهم ترین ارزش های انسانی، جامعیت و اعتدال شخصیت است. چه بسا برای اثبات این موضوع نیازی به دلیل نباشد و مانند بسیاری از بدیهیات، تصور آن به تصدیق بینجامد. توجه کنیم که انسان موجودی دارای ابعاد مختلف است، لفظ «انسان» نیز حقیقتاً بر هیئت ترکیبی آن اجزا اطلاق می گردد و اطلاق آن به برخی از اجزا قطعاً مجازی است، بنابراین رشد برخی از ابعاد شخصیت را نمی توان رشد انسان دانست.

از سوی دیگر ارزش های انسانی متعددند و اثبات یکی به معنای نفی دیگری نیست. مثلاً اگر تهذیب نفس یک ارزش است، خدمت به جامعه نیز یک ارزش است. روا نیست که تهذیب نفس منجر به دست برداشتن از خدمات اجتماعی شود یا خدمات اجتماعی تحت الشعاع اهمیت تهذیب نفس فراموش گردد؛ زیرا سیمای جامع و معتدل انسان از بین خواهد رفت. وقتی گفته می شود «شیر» ماده غذایی لازم و پرخاصیتی است، نباید برنامه غذایی خود را در سه

نوبت صبحانه و ناهار و شام، همه اش شیر قرار دهیم! رژیم غذایی ما زمانی کامل است که مشتمل بر همه مواد غذایی لازم باشد. شیر ماده غذایی لازمی هست اما تنها ماده غذایی لازم نیست.

ابعاد شخصیتی طلبه و ارزش های لازم در وجود او متعددند؛ یعنی عنوان طلبه به صورت حقیقی برکسی اطلاق می شود که مجموعه ای از این ارزش ها را داشته باشد و از دست دادن برخی از این ارزش ها صدق عنوان طلبه را مخدوش کند. بنابراین تمام آنچه که به عنوان ابعاد شخصیتی و ارزش ها و مطلوبیت های یک طلبه جامع در نظر گرفته می شود قید «وجوب» دارد. یک طلبه موفق به حکم مسلمانی باید در زندگی فردی، در روابط خانوادگی و در ارتباطات اجتماعی موفق باشد و به حکم طلبگی باید در همه شئون صنفی خود رشید باشد و هیچ یک را به پای دیگری فدا نکند.

به این ترتیب طلبه موفق، طلبه ای نیست که در کوتاه ترین زمان، بیش ترین مواد درسی را به

بالاترین کیفیت بخواند، زیرا علاوه بر دروس رسمی حوزه دانش ها، توانمندی ها، آگاهی ها، صفات و برخورداری های دیگری نیز برای طلبه لازم است که آن گونه درس خواندن ممکن است مانع از تحصیل آن ها شود.

بلکه طلبه موفق طلبه ای است که رشد جامع، هماهنگ، متناسب، متوازن و خوش قواره ای داشته و همه عناصر لازم در تعریف طلبه را دست کم به اندازه نصاب، در شخصیت خود فراهم آورده باشد. بنابراین برای کشف صورت مطلوب طلبه لازم است ابتدا حد نصاب شرایط طلبگی یعنی همه ویژگی هایی که نبودن آن صدق عنوان طلبه را مخدوش می کند کشف شود. این فهرست، شناسه طلبه در صورت حداقلی آن است. آنگاه تقویت این ویژگی ها موجب تقویت صدق عنوان طلبه خواهد شد و طلبه را کارآمدتر و موفق تر خواهد ساخت. عنوان طلبه موفق یک عنوان مشکک و دارای مراتب است؛ یعنی هر چه ویژگی های طلبگی در یک طلبه بیشتر باشد موفق تر خواهد بود. اگر این حد نصاب ها در شخصیت طلبه شکل گرفته باشد صورت های متعددی از ترکیب سطوح مختلف بالاتر از حد نصاب می توان برای طلبه فرض کرد.

تذکر: منظور از رشد جامع این نیست که طلبه ضمن این که با آیات و روایات و علوم حوزوی آشنا می شود بر هنر، علوم تجربی، مهندسی، دانش های فنی و همه انواع ورزش ها نیز تسلط پیدا کند؛ زیرا هیچ یک از این علوم یا مهارت ها در اطلاق وصف طلبه بر او دخالت ندارد. به بیان دیگر، رشد همه جانبه را باید ناظر به اهداف و رسالت های صنفی روحانیت قرار دهیم و از طلبه انتظار داشته باشیم همه شئونی را که در ایفای موفق نقش اجتماعی او مؤثر است، کسب کرده باشد.

همچنین مراد از رشد جامع، جامعیت تخصصی طلبه در علوم حوزوی نیست، یعنی نباید گمان کرد که طلبه برای رشد جامع لازم است که در زمینه های مختلف علوم اسلامی صاحب نظر و مجتهد باشد. با گسترش دانش های حوزوی این صورت هم امکان وقوع ندارد و کسی که بخواهد با یک دست بیش از یک هندوانه بردارد هیچ یک را به منزل نخواهد رساند. نظام تقسیم کار و توزیع نقش اجتماعی دقیقاً به خاطر همین واقعیت شکل گرفته است.

تأکید بر جامعیت و اعتدال شخصیت نباید این ذهنیت را پدید آورد که تیپ ایده آل طلبه تنها در یک الگوی خاص قابل تحقق است. یعنی طلبه مطلوب تنها یک صورت و یک تیپ دارد و مدل جامع طلبه تنها بر یک الگو قابل صدق است. خیر، تیپ های متفاوتی از طلبه ها را می توان موفق دانست. به صورتی که این تفاوت ها به خوبی و برتری آنان آسیبی وارد نیاورد. البته ناگزیر همه این نمونه های موفق و ایده آل در عناصری اشتراک دارند.

راز این مطلب چنین است که گرچه شرط لازم برای مطلوبیت شخصیت طلبه، اعتدال و توازن او است اما صورت و قالب این توازن ممکن است متفاوت باشد. در شخصیت کامل تناسب آن اجزا و عناصر «به طور تقریبی» حفظ می گردد. کلمه «به طور تقریبی» اهمیت فراوانی در این جمله دارد؛ زیرا در یک زمینه مشخص و برای رسیدن به یک هدف معین، بیش از یک طرح و برنامه میتوان ارائه داد. مثلاً برای ساختن یک منزل مسکونی در زمینی مشخص، بر اساس سلیقه های مختلف، نقشه های متعددی می توان کشید. هیچ یک از این نقشه ها ترجیح قطعی بر دیگری ندارد و همه زیبا و کامل طراحی شده اند. کامل بودن نقشه ها در این است که :

1. همه اجزای لازم برای یک واحد مسکونی در آن ها یافت شود؛

2. نسبت میان اجزا به طور تقریبی محفوظ ماند.

وجود «حمام» در منازل مسکونی ضروری است و نبودن آن نوعی کاستی در طراحی نقشه به شمار می رود. مساحت آن هم به طور تقریبی روشن است. مثلاً نباید از اتاق پذیرایی و حیاط، بزرگ تر یا از یک متر مربع کوچک تر باشد. با این اطلاعات می توان حمام را در هر گوشه زمین پیش بینی کرد، به شرطی که در ترکیب کلی، تناسب ها برهم نخورد. در طراحی اندام انسان، وجود همه اعضا ضروری است. نبودن هر یک از اندام ها نوعی معلولیت است. اندازه چشم و گوش و دهان، فواصل میان اعضا و نسبت های کلی هم، به طور تقریبی رعایت شده است. کم و زیاد شدن این اندازه ها تا حدودی امکان پذیر است و موجب اختلاف شکل انسان ها می شود. اما اگر این اندازه ها و نسبت ها یک باره برهم خورد، آن چه به دست

می آید، پدیده دهشتناکی است!

شخصیت یک طلبه هم عناصری ضروری دارد که با نسبت های تقریباً مشخصی باید در کنار هم قرار داده شوند. نبودن هر یک از آن عناصر یا بر هم خوردن شدید نسبت ها، طرح نهایی را غیرقابل تحمل و ناقص می نماید، گرچه کم و زیاد شدن اندک اندازه ها و نسبت ها، دست ما را برای طراحی های مختلف و نتایج متفاوت باز می گذارد. به بیان دیگر تشخیص اولویت ها در طراحی نمای کلی برنامه - با توجه به اهداف و انتظارات - امکان پذیر است. ولی این بدان معنی نیست که برای رسیدن به هدف تنها یک طرح بتوان ارائه داد و جایگاه قطعی

مشخص یا اندازه واحدی برای هر فعالیت بتوان تعریف کرد.

به بیان دیگر نوعی قابلیت انعطاف و جابجایی، متناسب با سلیقه های مختلف وجود دارد که شرط اعمال آن پاسداری از تمام عناصر در حد نصاب و حفظ اندازه ها و نسبت های کلی است. حفظ ارزش های اصلی در سطح کلی و ترجیح سلیقه مند اندازه ها در سطح جزئی موجب تنوع شخصیت های مطلوب می گردد.

اختلاف یا تعارض پاره ای از ویژگی ها در شخصیت های حوزوی موفق که برای برخی از طلاب سرگردانی آفریده، بر اساس همین موضوع قابل تحلیل است. بافت کلی شخصیت یا برنامه کاری بسیاری از حوزویان موفق با یک دیگر متفاوت است و به همین جهت از آن ها تیپ های شخصیتی متفاوت با حساسیت ها و توانایی های دیگرگون و آثار وجودی مختلف پدید آمده است. این چگونگی اولاً قابل فهم و توجیه است، ثانیاً نباید موجب سرگردانی شود بلکه باید به آن به چشم یک نعمت نگریست .

تبیین و توضیح آن چنین است:

الف . زمینه های اولیه ای که فراوی این بزرگان بوده، تنوع فراوانی داشته است. امکانات مالی، شرایط خانوادگی، هوش و استعداد و توانایی های ذاتی، تربیت محیطی و حساسیت تاریخی و ... از مقدرات انسان و خارج از حوزه اختیار او است. این بهره های وجودی در برنامه ریزی تأثیر فراوانی دارد. وجه مشترک همه این بزرگان، استفاده بهینه از سرمایه ها و دارایی های خدادادی است. اما معلوم نیست بهره های اولیه آنان در یک سطح بوده باشد.

ص: 165

ب. بر فرض تساوی کامل بهره های اولیه، سلیقه برنامه ریزی هر یک از آنان ممکن است متفاوت باشد. دو اصل جامعیت و توازن شاه کلید گشودن این معما است. هر یک از این بزرگان بر اساس سلیقه و تشخیص خود برنامه ای تنظیم کرده و به خوبی به آن ملتزم بوده است. اگر فرض کنیم که این برنامه واجد شرایط جامعیت و توازن باشد، یعنی نصاب همه عناصر مورد نیاز در آن وجود داشته باشد مطلوب است. هر چند محصول نهایی این طراحی ها متفاوت باشد.

همین دو اصل که بر برنامه فعالیت های انسان حکومت می کند، در صفات شخصیتی نیز جاری است. فضایل انسانی، مراتب طولی بسیاری دارد. داشتن حد نصاب آن فضایل، لازم و کسب بیشتر از آن فضل است. هر انسانی برای رشد اخلاقی خود باید حد نصاب سخاوت، شجاعت، ایثار، زهد، نظم، حضور اجتماعی و... را داشته باشد شمایل نهایی انسان های متخلق، حاصل ترکیب مراتب مختلف این صفات با یکدیگر است که چون خانه خالی نداشته و از حد نصاب نیز پایین تر نیست، مورد اعتراض قرار نمی گیرد و صد در صد محترم است. اما ممکن است در ترکیب نهایی، شخصیت یکی، مطلوب تر از دیگران شده باشد. الگوی عمل ما طبیعتاً، کامل ترین و سلیقه مندترین ترکیب خواهد بود، چه آن ترکیب در وجود یک شخص، متمثل و مجسم شده باشد و چه آمیخته ای از چند شخصیت باشد. مشروط بر این که امکانات اولیه پی گیری آن مدل را داشته باشیم.

ج. بعضی از بزرگان در شرایط تربیتی ویژه خود، پاره ای از ضرورت ها را درک نکرده، یا درک کرده ولی مقدورشان نبوده است و این عدم آشنایی نه از سر تقصیر، که قصور و ناتوانی طبیعی بوده است. مثلاً ممکن است ضرورت توجه به ورزش یا تغذیه مناسب، برای آنان روشن نبوده یا امکانات مالی و محیطی اجازه اقدام کامل را نمی داده است. در این فرض، عجز یا جهل، عذر موجهی برای آن ها بوده و تکلیف را از آنان ساقط کرده است، اما ما که در شرایط بهتری قرار گرفته ایم نه تکلیفمان ساقط است و نه عذرمان موجه.

اما این که گفتیم «نظر به اختلاف روش بزرگان نباید موجب سرگردانی شود، بلکه باید نعمت تلقی شود». به آن جهت است که مشاهده برنامه زندگی این بزرگان و مقایسه آن ها باهم بیش

ما را در تدبیر حرکت آینده بسیار بالا می برد. مثل مشاهده نقشه های مختلف ساختمان ها که در طراحی نقشه یک زمین بسیار ایده بخش است. به همین جهت مطالعه زندگی و سرگذشت بزرگان همیشه قابل توصیه است.

این تعدد الگوها باعث می شود که در تعریف طلبه موفق تنگ نظری نکنیم و سیمای آرمانی طلبه را به وجهی ترسیم نکنیم که بسیاری از طلاب از دایره بیرون افتند یا ناامید شوند.

جامعه اسلامی برای کارکردهای متفاوت به تیپ های مختلف طلبه نیاز دارد. اختلاف دارایی های اولیه و اختلاف علایق و سلیق انسان ها به صورت طبیعی این تنوع نیازها را تأمین می کند.

### 5-2-3 تمرکز در مقام تربیت

بر خلاف وادی نظر که در آن به جامعیت و کثرت گرایی توصیه کردیم مقام عمل و تربیت عینی، نیازمند تمرکز ذهنی و روانی است. بدون این تمرکز، امکان تحول شخصیت وجود ندارد و اراده ای شکل نمی گیرد. پراکنده کاری و تشتت خاطر مانع تحول پایدار است. تا هنگامی که انسان بر یک موضوع اهتمام نکند و مدت زمانی نسبتاً طولانی بر آن متمرکز نگردد از برکات آن بهره مند نمی گردد. با این تمرکز، شکاف عمیق میان علم و عمل تا حدودی پر خواهد شد.

بنابراین اگر بخواهیم کسی را تحول بخشیم، نباید یک فهرست بلندبالا از خوبی ها و بدی ها پیش روی او قرار دهیم و ذهن او را به همه آن فضایل و رذائل معطوف سازیم. بلکه باید هم و غم او را روی یک موضوع تمرکز بخشیم. مری باید در زمان نسبتاً درازی برای جا انداختن یک صفت، درونی ساختن یک ویژگی یا عادی ساختن یک رفتار بر آن اهتمام کند و به صورت های مختلف یا در قالب های گوناگون بدان حساسیت نشان دهد. به تعبیر دیگر شخص باید مدت زمان قابل توجهی در حال و هوای آن موضوع اقامت کند و منزل گزیند تا از آن بهره برد. اگر این فرایند چند مرحله ای مستمر کامل نشود اثر پایداری پدید نخواهد آمد.

پس نقطه تمرکز فعالیت های تربیتی موضوعی است که برای مدتی روی آن - به امید ایجاد تحولی پایدار - تأکید و تبلیغ ویژه می نماییم که به صورتی که تمام هم و غم و فکر و ذکر مخاطب، به آن معطوف و ذهن او بدان کاملاً مشغول گردد و در خلوت و جلوت و خواب و بیداری بدان بیندیشد.

این تمرکز نیازمند یک عملیات روانی و یک تبلیغات گسترده در زمینه مورد نظر است تا ذهن و جان شخص به کلی بدان معطوف گردد و پذیرای تحول شود. با یک بار بیل زدن چشمه ای نخواهد جوشید. باید این عمل آن قدر تکرار شود تا نتیجه ای حاصل آید. این قانون حاصل ضرب دو اصل تدریج و استمرار در تربیت و مبتنی بر نیاز تحول به عمل و زمان است.

اگر گفته شود «در صورت تأکید و تمرکز روی یک نقطه، مخاطب برنامه های تربیتی به شخصیتی یک بعدی و تک ساحتی تبدیل می شود و از جامعیت شخصیت محروم می ماند؛ هیأتی های بی نماز، نمازخوان های بی سواد، عالمان غیر متقی، متقیان غیر ولایی، ولایان ناکارآمد، کارآمدان بی اخلاق، افراد خدوم غیر متدین، خواص بی بصیرت و... نمونه هایی از این آسیب را می نمایانند. این نمونه ها - گرچه هر کدام دارای تم شخصیتی متفاوتی هستند - اما همگی از نظر تربیتی علیل و ناتمام به شمار می روند. اگر توصیه به تمرکزگرایی در تربیت را جدی بگیریم و تلاش تربیتی خودمان را به یک نقطه کانونی معطوف گردانیم، بیم پدید آمدن چنین موجودات ناقص الخلق های فراوان می گردد؟»

پاسخ این است که تمرکزگرایی، قاعده تربیت است و بدون ایجاد تمرکز ذهنی و روانی امکان تحول مؤثر در جان انسان ها وجود ندارد. بنابراین به صرف این احتمال نمی توان دست از ضرورت تمرکز برداشت. اما برای ایمنی از این آسیب باید چاره ای اندیشید. مثلاً میان مقام نظر و عمل تفکیک کرد. ابتدا به صورت نظری، سیمای آرمانی و چهره مطلوب یک شخصیت رشد یافته را با تمام ابعاد و نسبت ها ترسیم کنیم و همه برخوردارای های او را مد نظر و غایت عمل قرار دهیم، آنگاه سؤال کنیم که این منظومه ارزش ها چگونه در جان یک فرد پدید می آید؟ یعنی متری، به خوبی بر عناصر آن صورت جامع نهایی آگاه باشد و بداند که نداشتن هر یک از آن ویژگی ها یک کاستی اساسی در شخصیت او به شمار می رود اما در

مقام عمل، برای درونی شدن و به ثمر نشستن هر یک از آن ها، به صورت خاص و با برنامه ای متمرکز اقدام کند.

بنابراین میان جامع نگری نظری و تمرکزگرایی عملی یا جامع نگری در مقام تحقیق و تمرکزگرایی در مقام تحول و در فرایند تحقق عینی تربیت جمع شود. این تفکیک باعث



می شود که ما از دو آسیب متناظر ایمن گردیم؛ یعنی نه از کسانی باشیم که نیاز به تمرکز در تحول شخصیت را به خوبی دریافته اند و روی یک موضوع خاص بسیار متمرکز عمل می کنند. اما حاصل کار آنان شخصیت های تک بعدی و ناقص الخلقه می شود! نه از کسانی که متوجه رشد همه جانبه و لزوم جامعیت شخصیت شده اند اما از نیاز تربیت به تمرکز غفلت کرده و در هیچ یک از اضلاع تربیت به بهره وافی نرسیده اند.

## 3-2-6 مقدمات ترسیم چهره طلبه مطلوب

### 3-2-6-1 نظر به چهره های مطلوب

با بیان گذشته به دست آمد که درست تر آن است به جای چهره طلبه مطلوب چهره های طلبه های مطلوب را ترسیم کنیم؛ زیرا مطلوبیت تنها یک مدل ندارد و نمی توان یک دستورالعمل کاملاً مشترک را برای آینده همه طلاب موفق ارائه کرد. درست آن است که دستورالعمل های متفاوتی متناسب با انواع نیازها و انواع استعدادها و انواع شخصیت ها جست و جو کنیم. این دستورالعمل های متعدد تنها در عناصر اصلی مشترک هستند.

بنابراین پیش از پرداختن به عناصر اختصاصی، ابتدا عناصر مشترک همه این الگوها و دستورالعمل ها را بررسی می کنیم. آنگاه اشاره ای به تیپ های متفاوت طلبه و عناصر اختصاصی هر یک خواهیم داشت.

بهتر آن است که طلبه مطلوب را ابتدا با اصلی ترین و عام ترین ویژگی ها که قابل اختصار در چند کلمه باشد معرفی کنیم سپس آن عناوین را توسعه بخشیده و شاخه و فروع هر یک را بیان کنیم. هرچه این عناوین خلاصه تر باشد و به امهات صفات بسنده کرده باشد مطلوب تر است وگرنه ارائه یک باره توده ای از ویژگی های مثبت، هم مخاطب را خسته و کلافه می کند و هم امهات آن را در میان آوار انبوهی از مطالب متفرق، ناپیدا و مدفون می سازد. بدین جهت به جای منشورنگاری و توصیه های از هم گسیخته، بهتر است که آن ویژگی ها را در یک نظام درختی یا هرمی قرار داده و نسبت ها و روابط میان کلی و جزئی اصلی و فرعی ریشه و شاخه واهم و مهم را نمایان سازیم.

براین اساس کسانی که خواسته اند در کوتاهترین و فشرده ترین صورت مطلوبیت های دنیای طلبگی را بیان کنند الگوهای متفاوتی ارائه کرده اند؛ خلاصه ترین الگوها، الگوهای یک کلمه ای هستند که مشهورترین آن ها، تأکید بر تکلیف محوری و عمل به وظیفه است. براین اساس اگر سوال شود که طلبه مطلوب چه کسی است؟ پاسخ طلبه ای است که به تکلیف خود پایبند باشد و مطابق وظیفه عمل کند.

به نظر می رسد این ویژگی با همه ارزش و شهرت چیزی بیش از تکرار اصل موضوع و مصادره به مطلوب در بر ندارد. سخن دقیقا در این نکته است که یک طلبه تکلیف محور و وظیفه گرا، چه وظایفی بر عهده دارد؟ یعنی اگر طلبه بخواهد بر حسب وظیفه، با مهندسی شخصیت خود به یک سیمای کاملا مطلوب برسد و در صدف خویش گهری سازد آن صورت مطلوب چیست؟ بحث بر سر عمل به وظیفه نیست؛ سخن در مقام شناخت جامع وظیفه است.

عنوان خودسازی و نیز عنوان بهره گیری از فرصت نیز در مقام بیان برخورداری های طلبه مطلوب دچار همین اشکال و ابهام است. زیرا این عناوین به قدری کلی است که صورتی در ذهن تصویر نمی کند، باز هم سخن در این است که اگر طلبه بخواهد از عمر خود به خوبی بهره گیرد و خود را به بهترین صورت بسازد چه باید کند؟

پیشنهاد دیگر برای ترسیم سیمای طلبه مطلوب، عبودیت و بندگی خدای متعال است. مفهوم عبودیت مفهوم سرشار و بسیار پرظرفیتی است. اگر بتوان در ادامه این الگو، اجزای آن را به خوبی نشان داد و اجمال آن را در ابعاد مختلف شکست چه بسا تاب بیان همه برخورداری های طلبه مطلوب را بتوان در آن یافت. اما این مفهوم به همین صورت کلی توقع ما را از سیمای آرمانی طلبه برآورده نمی کند.

نوع اساتید به کلیشه رایج علم و تقوا به عنوان دو بال پرواز طلبه استناد کرده و تمام برخورداری های یک طلبه آرمانی را در این دو کلمه خلاصه کرده اند. در این الگو از علم، صرف و نحو و فقه و اصول و ... اراده می شود و از تقوا دروغ نگفتن و نماز شب خواندن و ... این کلیشه به رغم شهرت فراوان، نه جامع است و نه گویا، هم از این رو محک قاطعی برای ارزیابی طلبه و نیز فعالیت های تربیتی مسوولان عرضه نمی کند. بله، اگر در مفهوم علم و تقوا توسعه لازم

داده شود و از این انصراف اولیه جلوگیری شود، چه بسا بسیاری از دارایی های طلبه مطلوب عرضه شده باشد. اما به هر حال همان مفهوم توسعه یافته باید به زبان گویا تفصیل یابد. کسانی دیگر این دو ویژگی را ناکافی دانسته و الگوی سه گانه تحصیل، تهذیب و ورزش را به عنوان اصلی ترین مطلوبیت های عالم طلبگی پیشنهاد کرده اند. علم و تقوا و بصیرت نیز مدل سه ضلعی معروفی است که با نظر به نیازمندی های جامعه اسلامی و لزوم حضور آگاهانه طلبه در صحنه اجتماعی پدید آمده است. (1) چه بسا از ترکیب این دو مدل، به یک الگوی چهارضلعی مطلوب تر بتوان دست یافت که در آن به ابعاد فردی (معرفتی، روحی، جسمی) و اجتماعی توأمان نظر شده است؛ تحصیل، تهذیب، ورزش و بصیرت. ناگفته نماند که در این الگوی چهارضلعی کلیدواژه بصیرت، به شناخت عمیق حوادث اجتماعی اشاره می کند اما از بیان عمل و اقدام اجتماعی مناسب - که یکی از ویژگی های اصلی طلبه مطلوب است - نارسا است.

کسانی دیگر تمام این ویژگی ها را بر چهار محور عقاید، اخلاق، احکام، و آداب سامان بخشیده اند. دیگرانی به پیروی از ادبیات قرآنی از دو کلیدواژه ایمان و عمل صالح استفاده کرده و خواسته اند سایر ویژگی ها را ذیل این دو صفت استخراج کنند. همچنین می توان مطابق سامان کتب اخلاقی همه برخورداری های طلبه مطلوب را برحسب انواع روابط او به اخلاق فردی، اجتماعی و بندگی تقسیم کرد.

ص: 171

---

1- ر.ک: عالم زاده نوری، سیمای آرمانی طلبه در نگاه مقام رهبری، فصل اول، جامعیت اخلاقی، علمی و اجتماعی.

## الف. شاخصه های اخلاقی و تربیتی

1. خودسازی؛ (1)

2. اخلاص؛ (2)

3. تقوا؛ (3)

ص: 172

1- طلبه باید با دعا، با ذکر و با مناجات انس پیدا کند. طلبه باید زندگی خود را يك زندگی دینی محض بکند. طلبه باید دل خود را پاک و صاف کند، تا وقتی در مقابل انوار معرفت و توفیقات الهی قرار گرفت، تلالو پیدا کند؛ برادران! بدون اینها نمی شود. ما کسانی را داشتیم که از لحاظ علمی، مراتب بالایی هم داشتند و مغزشان قوی بود؛ اما دل و روحشان ضعیف و آسیب پذیر بود. وقتی این جا آن بنیه معنوی و دینی ساخته نشود، آنجا که پای مقام و امکانات مادی به میان می آید، انسان می لرزد؛ آنجا که پای فداکاری به میان می آید، انسان می لرزد و نمی تواند جلو برود؛ آن وقت چه طور می شود يك ملت و يك مجموعه را هدایت کرد؟ باید عمل کنیم، تا بتوانیم اثر بگذاریم... (سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلالی حوزه ی علمیه ی قم، 1370/12/1) من توصیه به خشوع و ذکر و تقوا و سعی برای تقرب الی الله را برای طلاب واجب تر می دانم تا توصیه به علم، که مایه اصلی کارشان علم است. اگر علم باشد، تقوا نباشد، این علم می شود بی فایده، گاهی هم مضر. عالمانی داشتیم - چه علم دینی، چه علم غیر دینی - که نه فقط از این علم بهره ای نبردند و بهره ای نرساندند، بلکه وزر و وبال شد. این روح معنویت در کالبد علم و عالم لازم است. (بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی کرمانشاه، 1390/7/20)

2- جوانان عزیز! بارها گفتیم که در درجه ی اول، روحیه ی اخلاص و روحیه ی بصیرت است. این اخلاص و بصیرت روی هم اثر می گذارند. هرچه بصیرت شما بیشتر باشد، شما را به اخلاص عمل نزدیک تر می کند. هرچه مخلصانه تر عمل کنید، خدای متعال بصیرت شما را بیشتر می کند. (اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ)؛ خدا ولی شماست. هرچه به خدا نزدیک تر شوید، بصیرت شما بیشتر خواهد شد و حقایق را بیشتر می بینید. نور که بود، انسان می تواند واقعیات و حقایق را مشاهده کند. وقتی نور نباشد، انسان واقعیات را هم نمی تواند ببیند؛ (وَالَّذِينَ كَفَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ) (بقره/257) وقتی طغیان جلوی چشم انسان را بگیرد، وقتی هواهای نفس - که طاغوت حقیقی اند و در وجود خود ما بدتر از فرعونند - جلوی چشم ما را بگیرند، وقتی جاه طلبی ها و حسادت ها و دنیا طلبی ها و هواپرستی ها و شهوترانی ها جلوی چشم ما را بگیرند، واقعیات را هم نمی توانیم مشاهده کنیم. دیدید بعضی ها نتوانستند واقعیات جلوی چشم را ببینند، نتوانستند تشخیص بدهند. در فتنه ی طراحی شده ی پیچیده ی سال 88 حقایقی جلوی چشم مردم بود؛ نگذاشتند یک عده ای این حقایق را ببینند، بفهمند؛ ندیدند، نفهمیدند. (بیانات در جمع بسیجیان، 1389/9/4)

3- برادران عزیز! طلاب و فضلالی جوان! این بنیه در جوانی شکل می گیرد. در جوانی خودتان را بسازید؛ شما روزگارهای مهم و حساسی را در پیش خواهید داشت. این کشور و این نظام و این نهضت عظیم اسلامی در سطح عالم، به شماها احتیاج خواهد داشت؛ از لحاظ معنوی باید خودتان را بسازید. البته نقشه، نقشه آسانی است؛ اما پیمودنش اراده می خواهد. نقشه، یعنی تقوا. تقوا، یعنی پرهیز از گناه؛ یعنی اتیان واجبات و ترك محرمات؛ کار را با اخلاص انجام دادن و از ریا و فریب دور بودن. برخلاف آنچه که تصور می شود، این کارها

در دوران جوانی بسیار آسان تر است. به سن ماها که برسید، کار مشکل تر خواهد شد. بنابراین، ارزش تدین، یکی از آن ارزش هاست؛ این ارزش بایستی رعایت شود. نماز شب خواندن، نافلة خواندن، دعا خواندن، ذکر گفتن، متوجه خدا بودن، زیارت رفتن، توسل کردن و به مسجد جمکران رفتن، سازنده است؛ اینها شما را پولادین خواهد کرد. نمی شود يك حوزه ی ایده آل داشته باشیم، در حالیکه این چیزها در طلابش نباشد» (بیانات در آغاز درس خارج فقه 1370/06/31)

. پرهیز از حرص و تورع از حرام؛ (2)

• بی‌اعتنایی به دنیا؛ (3)

• حفظ منش حوزوی؛

رعایت زی‌طلبگی و روحانیت؛ (4)

ص: 173

1- مسأله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه‌ها، فیض بردن از معنویات است، تهذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه بیش از گذشته به مسأله‌ی تهذیب نیازمند است... (بیانات رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، 1389/7/29) عزیزان من! وقتش حالاست. از این فضای معنوی، موارث و یادگارهای معنوی‌ای که در این فضا انباشته است، استفاده کنید... من از بزرگان حوزه خواهش می‌کنم، درس اخلاق و تهذیب را برای جوانان مستعد، روشن و نورانی - که در این حوزه فراوان هستند - جدی بگیرند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و روحانیون، مدرسه فیضیه، 1374/9/16)

2- ... عالمی که حرص به دنیا داشته باشد مردود است. عالمی که از محرمات اجتناب نداشته باشد، مردود است. نه اینکه عالم نباید از تمتعات زندگی بهره‌برد؛ اما مراتبی هست که انسان در آن مراتب باید حقاً و انصافاً از تمتعاتی چشم‌پوشد. علما هم مثل بقیه مردم، باید از تمتعات معمولی زندگی بهره‌برند؛ همان‌گونه که خداوند درباره پیغمبر فرمود: (قل انما انا بشر مثلکم) (فصلت، آیه 6). اما این دو چیز - حرص به دنیا و عدم توزع از حرام - ممنوع است. این که حرص به دنیا در عالم احساس شود - ولو به حسب ظاهر فعل حرامی هم نکنند؛ اما همین طور از چپ و راست دنبال این باشد که بتواند مال دنیا را جمع کند - ضد قدس است. یا اینکه خدای نکرده توزع از حرام نداشته باشد و دیده شود که برایش غیبت کردن آسان است، دروغ گفتن آسان است، و خدای نکرده ارتکاب بعضی از محرمات گوناگون آسان است. پس، این نسل موظف است چه از راه علم و تداوم رشته علمی و پیشرفت علمی و چه از لحاظ حفظ اعتبار تقوایی و قدسی، آبروی اسلاف را حفظ کند. (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، 1371/11/25)

3- مسئله تهذیب اخلاق، مسئله ساده زیستی، مسئله اعراض از زخارف دنیا را بایستی در حوزه‌های علمی جدی گرفت... از اول، بنای کار طلبگی بر عسرت و بی‌اعتنایی به زخارف دنیوی بود؛ اما حالا فوراً به فکر بیفتیم که یک ماشین شخصی و یک خانه‌ی کذایی داشته باشیم! البته باید حداقل معیشتی وجود داشته باشد؛ طوری که انسان ذهنش مشغول آن چیزها نباشد و بتواند درسش را راحت بخواند و کار لازم و مورد توقع را انجام بدهد؛ اما این طور نباشد که طلبگی هم به چیزی مثل بقیه کارهای دیگری که بعضی می‌کنند - دنبال تجملات و دنبال زخارف و امثال اینها رفتن - تبدیل شود. این عیب خیلی بزرگی است که باید بشدت از آن جلوگیری شود. (بیانات در آغاز درس خارج فقه، 1370/06/31)

4- امروز، اگر روحانیت از زی‌خود خارج بشود و قدرت طلبی و قدرت‌نمایی و سوء استفاده بکند و اگر عملی از او سر بزنند که حاکی از ضعف تقوا و ورعی باشد که مردم در او سراغ کردند و به او اعتماد دارند، هر کدام از این‌ها لطمه‌اش غیر قابل جبران است. از این جهت هم، امروز وضع ما روحانیون استثنایی است؛ یعنی با دوره‌ی قبل از انقلاب فرق می‌کند. البته، در دوره‌ی قبل از انقلاب هم، اگر از یک روحانی کاری سر می‌زد، ضایعه بود و به همه‌ی روحانیت سرایت می‌کرد؛ اما امروز چون نظام، نظام اسلامی است و روحانیون مظهر

اسلام هستند، ضایعه فقط متوجه جمعی از روحانیون - یا حتی جمع روحانیت - نمی شود؛ بلکه ضایعه متوجه اسلام می شود و به این زودی هم قابل جبران نخواهد بود. (ماه محرم 1368/05 11) یک چیز دیگری که در باب روحانیت شرط و لازم است که ما دقیقاً و جداً به آن توجه کنیم، مسأله ی حفظ قداست روحانی است. روحانیت دارای قداست است... حفظ قداست با سلامت مالی، سلامت اخلاقی و حفظ زی طلبگی است... شأن طلبگی این است که انسان یک زی متوسطی همراه با قناعت، سلامت مالی و سادگی به طور نسبی برای خودش نگه دارد. سلامت اخلاقی، خیلی مهم است. آن وقت قداست حفظ خواهد شد. (بیانات رهبری در جمع روحانیون استان سمنان، 1385/8/17)

• جهادگری؛ (1)

• شجاعت؛ (2)

• حق‌گرایی؛ (3)

• خویشتنداری در مقابل گستاخی‌ها؛ (4)

• حریت در مقابل ظالمان؛ (5)

• استفاده از فرصت جوانی در تهذیب نفس؛ (6)

ص: 174

1- يك مسئله، مسئله ارزش‌ها در حوزه است. طلاب باید ارزش‌هایی را به عنوان ارزش‌های ثابت و زوال‌ناپذیر همواره به یاد داشته باشند که از جمله آن‌ها، ارزش علم و ارزش جهاد است. ارزش جهاد را دست‌کم نگیرید. طلبه‌ی جهادگر، طلبه‌ی تلاشگر، طلبه‌ی بسیجی، طلبه‌ای که آماده است تا در میدان‌های خطر حضور پیدا کند. این طلبه است که اگر با ابزار علم مجهز شد، آن وقت دنیایی در مقابل او دیگر تاب نمی‌آورد... نظام حوزه بایستی این ارزش‌ها را رشد بدهد و پیش بیاورد... (سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم، 1370/12/01)؛ حضور طلاب در خدمات‌رسانی به مردم، مدرسه‌سازی، بیمارستان‌سازی، کمک به مردم هنگام حوادث و دیگر عرصه‌ها، نیروهای مردمی را نیز به صحنه می‌آورد و منشأ خدمات خواهد شد دیدار با طلاب حوزه‌های علمیه تهران، 1395/2/25

2- شجاعت یعنی چه؟ یعنی از دشمن نترسیم؟ بله! این مرحله‌ای از شجاعت است؛ یک شجاعت بالاتر، این است که از دوست نترسیم! بعضی‌ها از دوست، بیشتر می‌ترسند تا از دشمن! ترس به معنای رودربایستی؛ ترس از اینکه مبادا این دوست، از دست برود. ترس اینکه مبادا این حرف موجب بشود که در مورد من این‌جور فکر کنند. شجاع‌ترین شجاعان، آن کسی است که حقیقت، مصلحت و تکلیف را بر توقعات و رودربایستی‌ها مقدم بدارد... اگر در جامعه‌ی مجموعه‌ی روحانیت و علمای دین از این خصوصیات برخوردار باشند، دانش دین را بدانند، از پارسایی و پرهیزگاری به قدر لازم برخوردار باشند، شجاعت لازم را داشته باشند، برای خدا وارد میدان بشوند و عاقلانه و مدبرانه کار کنند. هرچه پیشرفت دنیایی آن جامعه بیشتر شود معنویت او هم به همان میزان پیش خواهد رفت. (دیدار روحانیون و امام جمعه نوشهر، 1378/2/29)

3- هر حرکتی که براساس داعیه‌ی حق باشد و تلاش و مجاهدت پشت سر آن باشد، آن پیروز خواهد شد. (بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، 1376/6/19)؛ طبیعت عالم این است که حق پیروز می‌شود، به شرط این که اهل حق دنبال آن بایستند و مبارزه کنند و برای آن تلاش نمایند (همان)

4- باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی یک چیز لازمی است. (بیانات در دیدار طلاب، فضلاء و اساتید حوزه علمیه قم، 1389/7/29)

5- ما تسلیم ظلم نمی‌شویم، تسلیم زورگویی‌ها و گستاخی‌های وقیحانه‌ی آمریکا و قدرت‌های متحد امریکا نمی‌شویم. قرآن به ما یاد



داده است که حرف حق را با قدرت بزنی و بر آن پافشاری و اصرار کنیم و نیرویمان را برای آن بسیج نماییم. (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، 1372/6/25)

6- مسأله دیگر در نظام رفتاری و اخلاقی حوزه ها، فیض بردن از معنویات است، تهذیب است؛ این خیلی مهم است. جوان امروز حوزه ، بیش از گذشته به مسأله ی تهذیب نیازمند است. کسانی که رشته های رفتارشناسی عمومی را مطالعه می کنند و کار می کنند، این را تأیید می کنند. امروز در همه دنیا این جور است که وضع نظام مادی و فشار مادی و مادیت، جوان ها را بی حوصله می کند؛ جوان ها را افسرده می کند. در یک چنین وضعی، دستگیر جوان ها، توجه به معنویت و اخلاق است. علت اینکه می بینید عرفان های کاذب رشد پیدا می کند و یک عده ای طرفشان می روند، همین است؛ نیاز هست جوان ما در حوزه علمیه - جوان طلبه؛ چه دختر، چه پسر - نیازمند تهذیب است. (بیانات در دیدار طلاب فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، 1389/7/29)

• حفظ روحیه جوانی؛ (1)

• ایمان و امید و ابتکار؛ (2)

• اتقان در عمل؛ (3)

ص: 175

1- طلبه باید روحیه جوانی را با همه خصوصیات جوانی حفظ کند... این جوانی، نباید به پیری تبدیل شود. اگر جوان ما ظاهراً و سنناً جوان، ولی روحیتاً پیر و بی نشاط و بی حوصله و بی ابتکار و ناامید باشد، بسیار چیز بدی است. طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرك باشد. اگر این طور شد، آن وقت طلبه، در صفوف مقدم مسائل انقلاب هم شرکت می کند. شرط اصلی صلاح حوزه، این است. (سخنرانی در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه ی علمیه قم، 1369/11/04)

2- من به همه جوانان و همه ی کسانی که در راه علم حرکت می کنند، مؤکداً توصیه می کنم که رشته علم و تحقیق و نوآوری در دانش و زنده کردن روح ابتکار و خلاقیت و آفرینش درونی و حقیقی خود را رها نکنند. فعالیت و ابتکار و نوآوری و خلاقیت، اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی است. (بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، 1384/2/18) جوان امروز احتیاج دارد به دین، به تقوا، به علم، به نشاط کار، به امانت، به عفت، به انجام خدمات اجتماعی و به ورزش؛ اینها خصوصیات است که جوان امروز به آن احتیاج دارد. (بیانات در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، 1392/2/29)

3- در بیان معارف الهی، معارف اهل بیت، حدیثی که نقل می کنیم، داستانی که نقل می کنیم نسبتی که به امام می دهیم، معرفتی که می خواهیم پایبند آن باشیم؛ در همه ی اینها ما باید اتقان را رعایت کنیم. علمای ما این همه در فقه سر یک مسأله ی جزئی کوچک کم اهمیت به وثاقت فلان راوی تکیه می کنند، اهمیت می دهند، بحث می کنند، رد و قبول می کنند، این راوی مورد قبول است یا نیست؛ برای اینکه بالاخره سند روایت را تنقیح کنند و در بیاورند؛ بگویند این سند، سند درستی است؛ که اگر سند درستی بود، به این روایت بشود اعتماد کرد؛ تا اگر اعتماد کردیم، یک حکم فرعی درجه ی سه در باب طهارت یا در باب بقیه ی احکام عبادی به دست بیاید. آنجا ما این همه اهمیت می دهیم؛ چطور در باب معارف و در باب دل بستگی های فکری و عاطفی، به هر حدیثی، به هر روایتی، به هر حرفی و به هر گفته ی بی اعتماد کنیم؟ این، قابل قبول نیست. اتقان در نقل، اتقان در بیان و اتقان در مستندات آنچه می خواهیم به عنوان خوراک فکری به مردم بدهیم، لازم است؛ این یک شرط اساسی است؛ برای این باید فکری کرد؛ کار آسانی هم نیست؛ عرض کردم این کار بسیار مشکل است؛ با یک نشست و برخاست و تذکر و تشکیل یک نهاد درست نمی شود؛ یک همت و اراده ی جدی از نخبگان روحانی و فضلاء روحانی می خواهد که بر این موضوع اصرار بورزند، پایبند باشند و دنبال کنند و از آنچه در مقابل به انسان بر می گردد، باک نکنند. (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، 1386/6/17) اگر اهمیت کاری که انسان سرگرم آن هست برای انسان معلوم شود، دیگر مسامحه در کار نخواهد بود؛ دلسردی و نومیدی در میان نخواهد بود. وقتی فهمیدیم کاری که ما داریم انجام می دهیم، چقدر مهم است برای حیات جامعه و حیات کشور، آن وقت خود این، نیروئی در درون ما به وجود می آورد که بر همه ی مزاحم های بیرونی فائق می شود. لذا توصیه ی اول ما به همه این است که آن کاری را که محول به آن هاست، با شوق، با علاقه - به هر دلیل اجتماعی و فردی که به سمت آن کار کشیده شده اند - قدر بدانند، ارج بنهند، اهمیت بدهند و کار را درست انجام بدهند. مکرر این گفته ی پیامبر عظیم الشان را عرض کردیم که فرمود: (رحم الله إمرأ عمل عملاً فاتقنه)؛ رحمت خدا بر آن انسانی که کاری را به دست می گیرد و آن را متقن و درست و کامل انجام می دهد. این در مورد من، شما، یکایک افراد کارگر، معلم، پرستار و سایر مشاغل و حرفه ها و مسئولیت ها صادق است. کاری را

که به عهده گرفتیم، آن را متن و کامل انجام بدهیم. (بیانات در دیدار جمعی از معلمان و پرستاران و کارگران 1388/2/9)

، آگاهی سیاسی؛ (1)

. درک مسائل اجتماعی؛ (2)

ص: 176

1- امروز یک روحانی اگر بخواهد مفید باشد، باید بصیر نباشد. اگر بصیر نباشد، در تشخیص جایگاه خود و جایگاه دشمن اشتباه خواهد کرد. اگر در تشخیص جایگاه خود و جایگاه دشمن اشتباه کرد، توپخانه را به سمت نیروی خودی آتش خواهد کرد؛ درست مثل جبهه. در جبهه آدم ها اینجور رو به روی هم که قرار نگرفته اند؛ کیلومترها فاصله است. اگر قطب نما همراه انسان نباشد، اگر موقعیت خود را انسان نداند، موقعیت دشمن را نداند، خمپاره اش را پرتاب می کند روی سرنیروی خودی. این اتفاقی که متأسفانه در مسائل سیاسی و روحانی و دینی و اجتماعی ما بارها اتفاق افتاده است. خودی های ما، خوب های ما، متدین های ما که عزیز هم بودند از نظر ما، توپخانه شان را روشن کردند روی امام، روی جبهه ی حق، روی حکومت حق. اگر ندانید دنیا دست کیست، کی علیه شما دارد توطئه می کند، کی به سمت شما دارد شلیک می کند، چه جور می شود به او شلیک متقابل کرد، این اشتباهات پیش می آید روحانی باید بصیر باشد. این است که طلبه ما نمی تواند برود توی حجره و توی پستو بنشیند، بگوید من فقط می خواهم مطالعه کنم؛ نه، زحمت دارد البته باید زحمت را قبول کند؛ باید با مسائل جهانی آشنا بشود؛ باید بداند در کشور چه میگذرد؛ باید بداند در دنیا چه می گذرد. (بیانات در دیدار علما و روحانیون استان یزد، 1386/10/12) من همیشه به دانشجویها و طلبه ها می گویم، به شما هم عرض می کنم، و این به همه روحانیت مربوط می شود: باید سیاسی باشید؛ منتها نه به معنای ورود در باندها و جناح های سیاسی؛ نه به معنای ملعبه و آلت شدن این یا آن حزب یا گروه سیاسی، یا سیاست بازان حرفه ای؛ این مطلقاً مورد نظر نیست؛ بلکه به معنای آگاهی سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی، داشتن قطب نمای سالم سیاسی که جهت را درست نشان بدهد. گاهی ما طلبه ها اشتباه می کنیم؛ قطب نمای ما درست کار نمی کند و جهت یابی سیاسی را درست نشان نمی دهد. این، چیزی نیست که به خودی خود و یک شبه به وجود بیاید؛ نه، این مزاولت در کار سیاست لازم دارد؛ باید با مسائل سیاسی آشنا شوید، حوادث سیاسی کشور را بدانید و حوادث سیاسی دنیا را بدانید. طلبه ها امروز به این ها نیاز دارند. یک گوشه ای نشستن، سرخود را پایین انداختن، به هیچ کار کشور و جامعه کاری نداشتن و از هیچ حادثه ای، پیش آمدی، اتفاق خوب یا بدی خبر نداشتن، انسان را از جریان دور می کند. ما مرجع مردم هم هستیم؛ یعنی مورد مراجعه ی مردمیم و اگر خدای نکرده یک علامت غلط نشان بدهیم، یا یک چیزی که مطلوب دشمن است بر زبان ما جاری بشود، ببینید چقدر خسارت وارد می کند. بنابراین، یک وظیفه مهمی که امروز ماها داریم، ارتباط با سیاست است. کناره گیری از سیاست درست نیست و کار روحانی شیعه نیست. (بیانات رهبری در جمع روحانیون استان سمنان، 1385/8/17) البته بعد دیگر وحدت دین و سیاست این است که حوزه های علمیه بایستی از سیاست هرگز دور نمانند. طلاب باید آگاهی سیاسی پیدا کنند. مبدا جریان های سیاسی روز، بر ذهن طلاب در حوزه علمیه سبقت بگیرند. طلاب باید در فضای سیاسی حضور داشته باشند؛ بلکه جلوتر از زمان باشند و فکر سیاسی روشن داشته باشند؛ کما اینکه علمایی که فکر سیاسی روشن داشتند مفید بودند. (بیانات در آغاز درس خارج فقه، 1370/6/31) ... مسئولان و اکابر و شخصیت ها و رهبران حوزه - مثل مراجع تقلید و مدرسان بزرگ و شورای مدیریت و امثال این ها - باید کاری کنند که در داخل حوزه علمیه، درک از مسائل جاری عالم و قدرت تحلیل و فهم این مسائل، در عالی ترین سطح خودش در کشور وجود داشته باشد. یعنی ما باید کاری بکنیم که حوزه ی علمیه قادر باشد به وسیله ی یکایک اغلب افرادش نمی گوئیم همه ی افراد - در فضای عمومی کشور، بینش درست سیاسی و فهم مسائل

جاری را در اختیار دیگران بگذارد و مردم را هدایت کند و پیش ببرد. کج فهمیدن، ساده و سطحی فهمیدن، کُند و ناهوشمندانه فهمیدن، غافل ماندن از مسائل جاری عالم و کشور، از جمله ی زیانبخش ترین چیزهایی است که ممکن است حوزه علمیه با آن روبرو بشود. (حوزه و روحانیت، ص 78 - 82)

2- روحانیون و وظائف اجتماعی هم دارند. روحانیون بایستی در مسائل اجتماعی وارد شوند؛ منتها آن نکته اساسی این است که این ورود روحانی در مسائل اجتماعی باید ورود همراه با روحانیت باشد، نه با تحکم؛ اگر با تحکم شد، دیگر فایده ای ندارد. خصوصیت روحانی این است که با روحانیت، با اخلاق، با نصیحت، با ارائه ی راه، اطراف قضیه را آگاه کند، مشتاق کند، قانع کند، به يك کاری وادار شوند. اگر با تحکم شد، فایده ای ندارد. روحانی باید در مقام روحانی عمل کند. البته اگر شما رئیس جمهور شدید، در مقام رئیس جمهور يك وظیفه ی دیگری دارید، در مقام قاضی يك وظیفه ی دیگری دارید؛ اما در مقام روحانی، وظیفه این است که با زبان روحانیت و با زبان انبیاء با مردم حرف بزنید با تحکم نباید باشد، با روحیه ی سیاسی کارانه نباید باشد. (بیانات در جمع علمای شیعه و سنی کرمانشاه، 1390/7/20)

1- من به قشر روحانیت هم عرض می‌کنم که کناره‌گیری موجب این می‌شود که همان طوری که در زمان سابق از کناره‌گیری علمای مذاهب، اسباب این شد که ملت ما و بزرگان‌شان جدا شدند و هر کاری خواستند دولت کردند و دولت‌ها را به حال خود گذاشتند و هر طور سرکشی خواستند کردند، اگر چنانچه شما از صحنه بیرون بروید، علما، دانشمندان از صحنه بیرون بروند، این اسباب این می‌شود که باز آن مسائل سابق پیش بیاید. امروز تکلیف است. حوادث گوناگونی برای انقلاب هست؛ طلاب باید حاضر و آماده باشند. مسئله‌ی آمریکا پیش می‌آید، اظهار نفرت از دشمنان و مستکبران پیش می‌آید، مسائل خلیج فارس پیش می‌آید، مسائل گوناگون دیگری پیش می‌آید؛ طلبه اول کسی باشد که احساس کند مسئولیتی دارد و آن مسئولیت را استفسار کند، ببیند چیست. هنگامی که مسئولیتش مشخص شد، در جای مسئولیت خودش باشد. اینها با طلبگی می‌سازد (حوزه و روحانیت، ص 392 و 393). طلاب عزیز و فضیلا جوان، نباید حتی برای يك لحظه، حضور در میدان‌های گوناگون را فراموش کنند. این حضور، با درس خواندن منافات ندارد؛ بلکه مؤید درس خواندن است. همان طور که امام بزرگوار در پیام فراموش نشدنی خود فرمودند، فضیلا و جوان‌هایی که تقه را در میدان‌های خودش فراگرفتند و منذر قوم خود شدند و میدان جنگ را میدان آزمایش نفس و تکامل معنوی خویش قرار دادند و پیش رفتند، این میدان‌ها را رها نکنند. امروز هم خطوط و میدان‌ها و صحنه‌های نظامی و غیرنظامی و فرهنگی، محتاج حضور فعال شماست. مدرّسان معظم و محترم و اساتید حوزه‌ی علمیه‌ی قم و سایر حوزه‌ها، طلاب را به سمت هدفهای انقلابی و اسلامی سوق بدهند (همان، ص 414). اولاً حاشیه‌نشین شدن حوزه علمیه قم و هر حوزه علمیه دیگری به حذف شدن می‌انجامد. وارد جریانات اجتماع و سیاست و مسائل چالشی نبودن، به تدریج به حاشیه رفتن و فراموش شدن و منزوی شدن می‌انجامد. لذا روحانیت شیعه با کلیت خود، با قطع نظر از استثنای فردی و مقطعی، همیشه در متن حوادث حضور داشته است. برای همین است که روحانیت شیعه از يك نفوذ و عمقی در جامعه برخوردار است که هیچ مجموعه‌ی روحانی دیگری در عالم - چه اسلامی و چه غیر اسلامی - از این عمق و از این نفوذ برخوردار نیست. ثانیاً اگر روحانیت می‌خواست در حاشیه و در پیاده رو حرکت کند و منزوی شود، دین آسیب می‌دید. روحانیت سرباز است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی - که نمونه برجسته آن، انقلاب عظیم اسلامی است - کناره می‌گرفت و در مقابل آن بی تفاوت می‌ماند، بدون تردید دین آسیب می‌دید؛ و روحانیت هدفش حفظ دین است. ثالثاً اگر حضور در صحنه موجب تحریک دشمنی هاست، این دشمنی‌ها در يك جمع بندی نهایی مایه خیر است. آن دشمنی هاست که غیرت‌ها و انگیزه‌ها را تحریک می‌کند و فرصت‌هایی برای موجود زنده می‌آفریند. هر جا به مجموعه روحانیت یا به دین يك خصومت ورزی و کین ورزی ای انجام گرفت، در مقابل، حرکتی سازنده از سوی بیداران و آگاهان انجام گرفت... رابعاً با بی طرف ماندن روحانیت در مسائل چالشی اساسی، موجب نمی‌شود که دشمن روحانیت و دشمن دین هم بیطرف و ساکت بماند؛ «و من نام لم ینم عنه». اگر روحانیت شیعه در مقابل حوادث خصمانه‌ای که برای او پیش می‌آید، احساس مسئولیت نکند، وارد میدان نشود، ظرفیت خود را بروز ندهد، کار بزرگی را که بر عهده اوست، انجام ندهد، این موجب نمی‌شود که دشمن، دشمنی خود را متوقف کند؛ بعکس، هر وقت آن‌ها در ما احساس ضعف کردند، جلو آمدند؛ هر وقت احساس انفعال کردند، به فعالیت خودشان افزودند و پیش آمدند... (بیانات رهبری در دیدار طلاب حوزه علمیه قم، 1389/7/29).

● قدرت تحلیل سیاسی؛ (1)

● احساس وظیفه؛ (2)

● دشمن شناسی؛ (3)

● پرهیز از بی تفاوتی نسبت به حکومت دینی؛

● همگامی با انقلاب؛

● پاسداری از نظام اسلامی؛ (4)

ص: 178

1- سوم از واجبات حوزه علمیه این است که مدیران محترم حوزه و بزرگان و اعلام حوزه باید طلاب را از لحاظ فکری و سیاسی مصونیت بدهند. طلاب را از لحاظ فکر اسلامی و ظرافت هایی که در برخورد با امواج گوناگون فکری وجود دارد، باید مصونیت ببخشند. باید طوری بشود که هر طلبه‌ای احساس کند در مقابل هر منطقی که برای او پیش می‌آید - ولو برایش از قبل ناآشنا باشد - این مایه را دارد که بتواند مواجهه و مقابله کند. همچنین در زمینه‌های سیاسی باید قدرت تحلیل سیاسی به طلاب داده شود. این مجموعه عظیم جوان در این حوزه علمیه، مجموعه‌ای است که می‌تواند و باید بتواند حوادث سیاسی را جزء به جزء تحلیل کند؛ معنای هر حرکتی را که صفوف مختلف و جناح‌های مختلف در داخل و خارج می‌کنند، بفهمد تا بتواند آن خط مستقیم و صراط الهی را در این بین همواره در مقابل چشم داشته باشد و فریب نخورد. (بیانات در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه قم، 1379/7/14)

2- باید مثل عمار هوشیار بود و فهمید که وظیفه چیست نمی‌شود گفت به من ربطی ندارد. امروز هر روحانی و هر عمامه به سر، به مقتضای تلبس به این لباس، موظف است از حکومت اسلام و حاکمیت قرآن دفاع کند؛ هرکس هر طور می‌تواند. (سخنرانی جمع علما و روحانیون استان لرستان، 1370/05/30)؛ حوزه باید به مجاهدت‌ها و گذشت‌هایی که طلبه‌ها کردند، به حضورشان در جبهه‌ها، به حضورشان در ارگان‌ها اهمیت بدهد، آن‌ها را ارج بگذارد، برای آن ارزشی قایل بشود و سعی کند که اگر از لحاظ علمی کمبودی دارند، برایشان به یک نحو اختصاصی جبران کند. فرض کنید طلبه‌ی بی‌استی است که به خاطر نیاز انقلاب، نیاز مردم، نیاز دینی، به نقطه‌ی بد آب و هوای دور دستی - که به طور طبیعی کسی حاضر نیست به آنجا برود - رفته و شش ماه، یک سال، پنج سال در آنجا مانده است. حوزه باید برای این شخص ارزش قایل بشود. این خیلی با ارزش است، تا آن کسی که این زحمت را بر خودش هموار نکرده، این سرما و گرما و ناامنی و گرسنگی و مشکلات و تحقیر و خطر کردن و از زن و بچه دور ماندن و امثال این‌ها را تحمل نکرده و در حوزه مانده است ارزش کدامشان بیشتر است؟ یقیناً آن کسانی که مجاهدت و تلاش کردند، بایستی برای آن‌ها ارزش بیشتری قابل شد. این ارزش‌ها باید به حساب بیاید؛ نمی‌گوییم هم بیشتر؛ هر کدام یک ارزش است. ممکن است کسی هم در حوزه مانده و فرصتاً تحقیق خیلی برجسته‌ی بی‌در حوزه کرده، که البته آن هم یک ارزش دیگر است. ارزش‌های اسلامی باید به حساب بیاید. یکی از این ارزش‌ها، تبلیغ در جاهای خطرناک و دوردست و در جاهای محتاج تبلیغ است. یکی از این ارزش‌ها، حضور در جبهه‌هاست. یکی از این ارزش‌ها، حضور در ارگان‌ها و از این قبیل چیزهایی که دارای اهمیت و ارزش است. (بیانات در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه قم، 1379/7/14)

3- ملت ایران به همان نسبت که دشمن، روش‌های خود را در توطئه علیه ایران اسلامی پیچیده تر می‌کند، باید بر هوشیاری و آگاهی خود بیفزایند و با آمادگی معنوی، فکری، سیاسی و حفظ وحدت و اتصال و ارتباط با یکدیگر، چهره دشمن را در هر لباسی که هست،

شناسایی کند. (سخنرانی رهبری در اجتماع نیروی مقاومت بسیج مردمی، 1376/9/5)؛ يك ملت باید دشمن را بشناسد، نقشه دشمن را بداند و خود را در مقابل آن تجهیز کند. (بیانات رهبری در حرم مطهر رضوی، 1386/1/1)

4- امروز سرنوشت روحانیت و سرنوشت اسلام در این سرزمین، وابسته و گره خورده ی به سرنوشت نظام اسلامی است. نظام اسلامی اندك لطمه ای ببیند، یقیناً خسارت آن برای روحانیت و اهل دین و علمای دین از همه ی آحاد مردم بیشتر خواهد بود. البته نظام زنده است، نظام سرپاست، نظام قوی است و با اطمینان کامل عرض می کنم نظام بر همه ی چالش هایی که در مقابلش قرار دارد، فائق و پیروز خواهد شد. (بیانات در دیدار طلاب فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، 1389/7/30)



• تدوین مقررات اسلامی و تکفل مسئولیت سیاسی؛ (2)

. پرهیز از دسته بندی های سیاسی. (3)

ص: 179

1- طلبه ها باید در صفوف مقدم باشند. اگر جنگ پیش می آید، طلبه باید در صفوف مقدم جنگ باشد و این را ارزش قرار بدهد. این حقیقتاً یک ارزش است. آن کسی که در حوزه ی علمیه مشغول درس خواندن است، به مجرد اینکه اذان حرب و جهاد بلند شد، به سمت جهاد فی سبیل الله می شتابد اصلاً قیمتی برایش متصور نیست. بهترین عناصر طلبه، آن کسی است که همین روحیه را در خود داشته باشد و پیروانند، تا مشمول آن حدیث «من لم یغزو لم یحدّث نفسه بغزو مات علی شعبة من النفاق» نشود. اگر هم مانعی پیش آمده و نمی تواند عملاً وارد میدان جنگ شود، دلش برای میدان جنگ بجوشد و روحش در آنجا باشد؛ یعنی «حدث نفسه بغزو» باشد. این، ارزش بسیار والایی است. این روحیه باید زنده بماند. (بیانات در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم، 1369/11/4)

2- ما امروز در باب اداره ی کشور به مسائلی برخورد می کنیم که مشکلات و معضلات دینی و فقهی ماست؛ ما پاسخ این ها را می خواهیم، اما کسی جوابگو نیست. باید خودمان بنشینیم، یا آقای را ببینیم و از او بخواهیم، یا فرضاً بگوییم در کتاب ها بگردند و جواب این مسئله را پیدا کنند. باید دستگاهی آماده باشد و تمام مشکلات و معضلات نظام را پیش بینی کند؛ نسبت به آن ها فکر کند، راه حل ارائه کند و جواب و پاسخ آماده را برای آن آماده نماید. این، جزو وظایف حوزه های علمیه است؛ لذا متعلق به اسلام است و اسلام آن چیزی است که حوزه علمیه برای آن به وجود آمده است. (حوزه و روحانیت، ص 247 - 249) طلاب باید با کسب صلاحیت ها و آگاهی های لازم، در دنیای متفاوت امروز خود را برای ایفای مسئولیت های تعیین کننده در جامعه آماده کنند... اگر همه تخصص های مورد نیاز یک جامعه به بهترین شکل وجود داشته باشد اما جامعه، دینی نباشد، آن ملت در دنیا و آخرت دچار خسران و مشکلات واقعی خواهد بود و این مسئولیت عظیم یعنی تبدیل جامعه به جامعه ای دینی، برعهده علما و روحانیت و طلاب است. (بیانات در دیدار با طلاب مدیران و مدرسان حوزه های علمیه استان تهران، 1395/2/25) برادران عزیزی که معمم شدند، از این لحظه به طور رسمی مسئولیت شان مضاعف می شود. در نظام اسلامی همه مسئولند؛ (كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ)؛ لیکن بعضی از موقعیت های اجتماعی، مسئولیت های مضاعفی دارد؛ و لباس ما از جمله آن موقعیت هایی است که از چند جهت مسئولیتش مضاعف است: اولاً چون لباس علم است و عالم از دیگران مسئول تر است؛ بخصوص علم دین است که اذاعه ی علم دین و بیان حقایق الهی، شغل انبیای عظام پروردگار است؛ ثانیاً چون مردم معتقدند که در ملبسان به این لباس، معنویت و تقوا و ورعی هست. مردمی که در امور مادی و معنوی شان با احتیاط برخورد می کنند، به یک روحانی که می رسند، احساس اعتماد می کنند. با این لباس هر جا باشید، مردم به شما احترام و سلام می کنند؛ وقت نماز بشود، اگر بخواهند از بین خودشان يك نفر را به امامت بگمارند، شما را خواهند گمارد؛ اینها حاکی از اعتماد دینی مردم به این لباس است؛ این خود به طور اضافه مسئولیتی را بر دوش ما بار می کند. ما باید کاری کنیم که مشمول آن روایاتی نباشیم که هرکس باطن او از ظاهرش کمتر بود، «فهو ملعون». مسئولیت سوم این است که امروز در نظام سیاسی کشور، روحانیت نقش دارد - چون نظام، نظام دینی است - و این نقش در شکل های مختلف مشاهده می شود؛ از حضور در دستگاهی برای اقامه ی نماز جماعت یا بیان احکام دین بگیریید، تا زمامداری جامعه. کارهای دینی و مسئولیت هایی که متوقف به معرفت دینی است؛ حتی خیلی از آن هایی هم که متوقف به معرفت دینی نیست، به روحانیون محول می شود؛ اینها مسئولیت های شماس است. شما اگر معمم هم نبودید، البته مسئولیت

داشتید. اگر کسی عالم دین باشد و معمم نباشد، البته مسئولیت دارد؛ اما اگر معمم باشد، این مسئولیت مضاعف است؛ حواستان را جمع کنید. (حوزه و روحانیت، ج 1، ص 377)

3- مراقب باشید که دسته بندی ها و جناح بندی های سیاسی در حوزه نفوذ و رشد نکند. جهت سیاسی طلاب، همان جهت سیاسی نظام و انقلاب است؛ همان جهت انقلاب را باید ان شاء الله در تبلیغات و در برخورد با مردم - قولاً و عملاً - پی بگیرید. (سخنرانی در اجتماع طلاب و فضلاء حوزه علمی قم، 1370/12/1)؛ نکته دوازدهم این است که در حوزه باید از درگیر شدن با مسائل جناحی بشدت پرهیز شود؛ که بحمد الله این رعایت شده، باز هم رعایت بشود. به خصوص طلاب جوان باید مواظب باشند و این مسائل خطی و جناحی و گروهی و معارضه ها و درگیری ها و غیبت ها و امثال این چیزها را به داخل حوزه ها نکشانند، که در حوزه ها به کلی ضایعه به بار خواهد آمد. (بیانات در آغاز درس خارج فقه، 1370/6/31)

## اشاره

این بخش، مهم ترین فراز این نوشتار است و انبوه مقدمات پیشین، تنها آمادگی مخاطب را برای ورود به این بحث و انتظار او را برای رسیدن به آن بیشتر ساخته است.

در این بخش ابعاد کلی و مشترک چهره مطلوب طلبه را به دو صورت ترسیم می کنیم؛ صورت اول استقرای تفصیلی ویژگی های کلی یک طلبه رشید رشد یافته و موفق است.

## 1. صورت تفصیلی

### اشاره

نباید گمان شود که بیان این صورت تفصیلی مقصود نهایی نوشتار حاضر است. پیش از این نیز گفتیم که ارائه انبوهی از صفات خوب به صورت کلی و بدون بسته بندی در بیان سیمای طلبه مطلوب، هنری به شمار نمی رود و لطفی ندارد و بیش از آنکه کارآیی داشته باشد کلافه کننده و خستگی آفرین است. اما از آن جهت که مخاطب را با نمونه ای از این قبیل نیز آشنا کرده باشیم یک مدل تفصیلی و منشوری را هم بیان می کنیم. هنر آن است که پس از بیان این نمونه نظام و انسجام این صفات را بیان کنیم و اصل و فرع و ریشه و شاخه آن را مرتب سازیم. بنابراین تأکید می کنیم که فرازهای متعددی که در سطور آینده خواهد آمد نباید به چشم محصول نهایی این اثر تلقی شود و مخاطب پس از مطالعه آن هم چنان باید در انتظار ترسیم خط ربط آنان بماند. با حفظ این مقدمه؛

اگر بنا باشد که یک نیروی حوزوی، برای پیگیری مقاصد این نهضت بزرگ الهی - اسلامی، کارآمدی لازم را داشته باشد باید :

مؤمن و علاقه مند به خداوند متعال باشد؛ خدا را نزدیک خود احساس کند. تجربه های شیرینی از اوصاف جلالی و جمالی متعدد خداوند داشته باشد. دلداده و مست محبت او باشد. با او راز بگوید. از او مدد بگیرد. به او تکیه نماید و نسبت به هر چه غیر اوست استغنا

پیشه کند بلکه از آن‌ها تبری بجوید. دست مهربان و نیرومند او را در همه اقدامات خود همراه خویش بدانند و نصرت الهی را بی ابهام ببینند.

به همه احکام الهی از واجب و حرام در درجه اول و پس از آن مستحب و مکروه پای بند باشد و بدون ملاحظه در اجرای آن‌ها بکوشد. تسلط کامل بر خویش داشته و در تمام رفتارهای خود انضباط شرعی را به صورت سخت گیرانه رعایت کند؛

با یاد پیامبران خدا، ائمه اطهار علیهم السلام و اولیای بزرگ الهی مأنوس باشد و روح همه ایشان را همدل و همراه خویش و ناظر دعاگو و مددکار خود بدانند؛

حق گرا، آزاد اندیش، بلند نظر، صبور، قدردان، اهل مدارا، وسیع نگر، ژرف اندیش، متواضع و بی ادعا باشد؛

الگوهای متعالی داشته باشد؛ بهترین انسان‌ها را به عنوان الگوی خود برگزیند؛ الگوهای خود را بشناسد و به درستی و با جوشش و کششی درونی به ایشان تاسی نماید؛

شخصیتی امیدوار، روحیه ای سخت کوش، دقتی بالا، دلی دردمند، دلسوز و مهربان و رویه ای وحدت گرا داشته باشد و اهل وظیفه، بانشاط، آرام، متین، پرشور و انقلابی باشد؛

امید به آینده داشته باشد و احساس فایده مندی، با عرضگی و تاثیرگذاری کند. آرمان خواه، ایده آل گرا، بلند همت و دغدغه مند اصلاح و تحول، متحول و تحول آفرین، دیگگون و دگرگون ساز باشد؛ صاحب نگرش و آگاهی بنیادین نسبت به مسائل عصر باشد. ایران، جهان اسلام و جامعه جهانی را بشناسد. با جریانهای سیاسی عالم و رجال برجسته سیاسی آشنا باشد؛

پر استقامت، پایدار، مستحکم و استوار باشد و روح کار و تلاش و فعالیت و انگیزه بالا در او نهادینه شده باشد؛

فهمیم، دانا، اهل فکر، مدبر و دارای منطق تصمیم گیری و برنامه ریزی باشد. یعنی در مقام خیص وظیفه بر اصول اولویت گذاری وظایف و تفکیک اهم و مهم احاطه داشته باشد. قدرت مواجهه با اختلاف آرا یا تعارض ارشادات و نیز تعدد یا تضاد الگوها را داشته باشد؛

دارای جسم سالم و قوی باشد و پر نشاط، سرزنده، پرشور، حلیم و پرحوصله باشد؛

زندگی خانوادگی موفق و فرزندان تربیت یافته و سالم داشته باشد؛

وضعیت اقتصادی متعادل و معیشت میانه ای برای خود تأمین کرده و نسبت به اندازه کفاف راضی و قانع باشد؛

شجاع، صریح و دارای جسارت اقدام و روحیه امر به معروف و نهی از منکر باشد؛

روحیه خدمت به مردم و تلاش برای رسیدگی به دیگران و از خود گذشته باشد؛

دارای وجدان کاری و دقت در انجام وظایف باشد؛

این ویژگی ها، تا بدین جا ویژگی های مشترک میان طلبه و غیر طلبه است و اگر از آن ها در این بحث یاد شده به این جهت است که این صفات، علاوه بر تأمین کمال فردی طلبه، موجب کارآمدی او در شؤون طلبگی نیز خواهد بود. اما آنچه از این پس گفته خواهد شد به طور ویژه به شأن طلبگی او بازگشت دارد و تجهیزاتی برای انجام وظایف صنفی یا تفسیری از کارآمدی صنفی طلبگی خواهد بود؛

با جغرافیای اندیشه اسلامی آشنا باشد. فهمی منسجم، نظام مند و نافذ از اندیشه دینی و نیز شامه کشف انحرافات و کژی ها را به دست آورده و توان تشخیص سنت از بدعت را داشته باشد؛

با قرآن و روایات کاملاً آشنا و مانوس باشد. منبع اصیل اندیشه ها و الهامات نظری اش کتاب خدا بوده، واجد تفکر فعال و پویای قرآنی باشد؛

با علوم اسلامی با رویکردی عمیقاً دانشی به صورت تاریخی و عصری آشنا باشد؛

رویکردی عینی، زندگی ساز بلکه تمدنگرا در فهم دین، طراحی حیات دینی و صورت بندی قواره های اجتماعی داشته باشد؛

شیفته معارف دین و فرهنگ دینی و سخت معتقد به پاسخ گویی، کارآیی، ممتازی و بی بدیلی آن به عنوان تنها راه نجات بخش و هدایت آفرین باشد و آمادگی کامل برای فدا شدن در راه آرمان دین داشته باشد؛

امام خمینی قدس سره را، اهداف الهی اش را حرکت بزرگش را و امتداد و گستره امروزی اقدام و منویات او را به خوبی بشناسد. اندیشه تابناک او، شخصیت جذاب او و سیره متعالی آن دردانه عصر حاضر برای او همچون نزدیک ترین عزیزانش و ملموس ترین حوادث حیاتش،

روشن باشد و به او و کل حیات و حرکت او به چشم یک تفسیر ارزشمند از قرآن و عترت بنگرد (1)؛

آنچنان با اهداف بلند نهضت مقدس اسلامی و اصول صحیح پی گیری آن ها انس گرفته باشد که شبانه روز خود را صرف رسیدن به آن نماید و مطلوبی جز آن نداشته باشد (2)؛

به طلبگی به عنوان یک رسالت اجتماعی مؤثر و مقدس، ایمان و اعتقاد راسخ و عشق کامل داشته باشد و از سربازی دین در لباس مقدس روحانیت احساس افتخار و سربلندی کند. نسبت به حقانیت حوزه، توانمندی های آن و جایگاه باشکوه آن در بین مردم ایمان واثق داشته و قدرت تحلیل رفتارهای مردم در قبال روحانیت را داشته باشد؛

نسبت به مقاصد طلبگی، اصول و شیوه های انتخاب راه و روشهای مناسب موقعیت خود کاملاً بصیرت داشته باشد و بدین جهت با یقین و استحکام و با استقلال نسبی قدم بزند؛

آداب وزی طلبگی را به خوبی بشناسد و با علاقه به حیات طلبگی دل بسپارد؛

از مناعت طبع، عزت نفس و استغنائی روحی برخوردار باشد و در پی گیری اهداف متعالی حوزه، خود را محتاج هیچ یک از اعتبارات امروزی اجتماعی نبیند و با عزت و بی ذره ای طمع در همه میدان های اجتماعی ظاهر شود. وارسته، آزاد منش و بی تعلق باشد؛

منطق خدمت، روحیه بسیجی و حالت فداکاری در ذهن، ضمیر و زندگی او به صورتی حکیمانه جای گرفته باشد. احساس مسوولیت و حضور در یک صحنه مبارزه کاملاً جدی و سرنوشت ساز داشته باشد.

دست

ص: 183

1- ما مردم چیزی نمی دانستیم. باید اعتراف کنیم که آن مرد الهی به ما قیام الله را یاد داد و آن جا که لازم بود برای خدا قیام کنیم، دست ما را گرفت و بلندمان کرد. خدا به او این قدرت را داده بود. (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار با مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، در استانه ی یازدهمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران، 1368/11/9)

2- شخصیت امام تا حد بسیار زیادی به اهمیت و عظمت آرمان های او مربوط می شد. او با همت بلندی که داشت، هدف های بسیار عظیمی را انتخاب می کرد. تصور این هدف ها، برای آدم های معمولی دشوار بود و می پنداشتند آن هدف های والا دست نیافتنی هستند؛ لیکن همت بلند و ایمان و توکل و خستگی ناپذیری و استعداد های فراوان و توانایی های اعجاب انگیزی که در وجود این مرد بزرگ نهفته بود، به کار می افتاد و در سمت هدف های مورد نظرش پیش میرفت و ناگهان همه می دیدند که آن هدف ها محقق شده اند. نقطه ی اساسی کار او، این بود که در اراده ی الهی و تکلیف شرعی محو می شد. هیچ چیز برایش غیر از انجام تکلیف، مطرح نبود. واقعاً او مصداق ایمان و عمل صالح بود. ایمانش به استحکام کوه ها می مانست و عمل صالحش با خستگی ناپذیری باورنکردنی توأم بود. آن چنان در تداوم عمل، صبور و کوشا بود که انسان را دچار حیرت می کرد. به همین خاطر، هدف های بزرگ قابل وصول شد و دست یافتن به قله ها امکان پذیر گردید.» (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت نخست وزیر و هیأت وزیران، 1368/3/16)

- حساس و پی گیر مسایل سیاسی اجتماعی باشد و نسبت به مسائل اجتماعی محل، شهرستان کشور و جهان اسلام دغدغه مند باشد؛
  - با منابع تحقیقات اسلامی به خوبی آشنا باشد، با قدرت و دقت بالا به تحقیقات دینی بپردازد و صلاحیت ها و محصولات او در زمینه های مربوط از اعتبار قطعی بین حوزویان برخوردار باشد و دست کم در یک گرایش علمی معین تخصص ویژه داشته باشد؛
  - توان ارائه اندیشه با گویاترین و گیراترین قلم و بیان را داشته باشد. قلم او همچون تعالیم انبیا علیهم السلام از طرفی بصیرت بخش و هشداردهنده و از طرف دیگر آرامش بخش و طمأنینه آفرین باشد؛
  - کشش بالایی برای ارتباطات اجتماعی داشته باشد. از تفکر، روحیه و مهارت های تشکیلاتی و قدرت رفتار سازمانی برخوردار بوده، فهم و قدرت مدیریت فرهنگی داشته باشد؛
  - به تدریج و در طول دوران تحصیلی و تربیتی خود به طرحی بلند و واقع گرا برای خدمت به دین مبین اسلام و خلق خدا رسیده باشد تا به صورت منفعل و سرگردان وارد عرصه های خدمت نشود، و به ویژه در طرح خویش نسبت درستی با سرمایه عظیم این حرکت یعنی مقام معظم رهبری تعریف نموده و به واقع ولایی عمل نماید؛
  - دارای توانمندی ها و مهارت های تحصیلی بالایی باشد و بدین جهت دوره تحصیلی خود را هر چه بهره ورانه تر به پایان ببرد؛
- از ذائقه سرشار هنری برخوردار باشد (هم به جهت ارضای نیاز روحی خود و هم به عنوان یک ابزار انتقال پیام دین)؛

● یأس از تربیت چنین انسانهایی نهادهای تربیتی ما را از ناحیه فلسفه وجودی زیر سؤال می برد. در جامعه انقلابی و در دل نهضت عظیم اسلامی، تعلیم و تربیت ما نیز باید انقلابی باشد و معلمان و مربیان ما همه فرزندان واقعی امام بوده، روحیه و رویه ای جهادی داشته باشند.

### صورت منسجم و مختصر

اگر آن همه کثرت و تفصیل در طرح گذشته، مطلوب نباشد یا سرگردان کننده تلقی شود، باید روش منطقی دیگری را برای ترسیم سیمای طلبه موفق به کار گیریم که حاصل آن انسجام

و اختصار بیش تری داشته باشد. پیش تر گفتیم طلبه موفق طلبه ای است که رشد جامع، هماهنگ، متناسب، متوازن و خوش قواره ای داشته باشد یعنی همه عناصر لازم در تعریف طلبه را دست کم به اندازه نصاب در شخصیت خود فراهم آورده باشد. بنابراین برای کشف صورت مطلوب طلبه لازم است ابتدا حد نصاب شرایط طلبگی، یعنی همه ویژگی هایی که نبودن آن، صدق عنوان طلبه را مخدوش می کند فهرست کنیم. آنگاه با تقویت این ویژگی ها، تقویت صدق عنوان طلبه را انتظار داشته باشیم. اکنون این روش را پی می گیریم.

#### 4-6-2-3 نصاب طلبگی

#### اشاره

طلبه را صرفاً از فعالیت های طلبگی نمی توان باز شناخت؛ زیرا می توان فرض کرد که غیر طلبه به فعالیت های طلبگی مشغول باشد یا طلبه به غیر کار طلبگی اشتغال داشته باشد. بنابراین باید دقیقاً مشخص کنیم که طلبه کیست و چه نشانه هایی دارد؟ چه ویژگی هایی در وجود یک شخص موجب صدق حقیقی عنوان طلبه بر او می گردد؟

مراد از نصاب طلبگی حداقل برخورداری ها و ویژگی هایی است که یک طلبه باید دارا باشد تا طلبه نامیده شود، به صورتی که با کمتر از آن اطلاق عنوان طلبه بر او دروغ یا مجاز است. قدر متیقنی که هر طلبه با هر رویکرد و تخصصی باید داشته باشد که اگر آن را نداشته باشد طلبه به شمار نمی رود و اگر آن را داشته باشد به هر تخصصی وارد شود مفید و روا است.

مراد از نصاب طلبگی، به عبارتی، جوهره ی طلبگی است. یعنی آنچه طلبه را طلبه می کند و کمتر از آن برای طلبه روا نیست. بنابراین سؤال این است که کم ترین دارایی یک طلبه که شرط لازم و کافی عنوان طلبگی به شمار می رود چه عنصری است؟ گزینه های مختلفی را بررسی می کنیم؛

آیا برای صدق حقیقی عنوان طلبه، لباس روحانیت کافی است؟ بی تردید نه! نه هر کس این لباس را دارد به حقیقت روحانی است و نه هر کسی در این لباس نیست از وصف روحانیت محروم است.

آیا تقوا و معنویت و سلوک برای صدق عنوان طلبگی کافی است و هر مؤمن متقی اهل



معنایی را می توان طلبه نامید؟ خیر! گرچه تقوا و معنویت شرط لازم طلبگی است، اما هرگز نمی توان ادعا کرد این شرط برای طلبه کافی است.

آیا تبلیغ آموزه های دینی برای این منظور کافی است و هر کس به کار انتقال پیام خدا مشغول باشد طلبه است؟ اگر چنین باشد کارمند رادیو معارف، نویسنده و کارگردان سریال های دینی، و آن راننده تاکسی که برای مسافران خود آیات و روایات را بیان می کند و اطلاعات دینی خود را در اختیار دیگران قرار میدهد نیز باید طلبه باشند. آیا چنین است؟ خیر! این کسان به نحو تخصصی به این موضوع نمی پردازند و هر یک از اعضای صنف دیگری هستند.

آیا خدمت به دین خدا یا عزم آن برای طلبگی کافی است؟ یعنی هر کس در مسیر خدمت به دین و پاسداری از وحی قرار دارد طلبه است؟ خیر! بسیاری از اعضای اصناف دیگر نیز به دین خدا یاری می رسانند و به نیت انجام وظیفه الهی و واجب کفایی در جامعه اسلامی خدمت می کنند، در حالیکه هیچ یک طلبه نیستند. دست کم در خود حوزه های علمیه کارمندان ادارات، نگهبانان و آشپزها که خالصانه به نظام طلبگی خدمت می کنند و بالمآل در مسیر اهداف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گرفته اند، عنوان طلبه ندارند و از صنف طلبگی به شمار نمی روند.

آیا تفقه و اجتهاد به معنی آشنایی با دانش های حوزوی و توان استنباط گزاره های شرعی از قرآن و حدیث برای طلبگی لازم و کافی است؟ یعنی طلبه حقیقی کسی است که مجتهد و فقیه باشد و هر کس این توان را به دست نیاورده باشد یا دست کم در مسیر تحصیل آن نباشد حقیقتاً طلبه نیست؟ مثلاً- طلبه ای که مقداری درس خوانده و به هر دلیل از دست یابی به توان فقاهت و اجتهاد محروم مانده اما به کار تبلیغ در شهر خود مشغول است حقیقتاً طلبه به شمار نمی رود آیا چنین است؟ بنابراین گزینه بیش از 80 درصد طلاب علوم دینی که مجتهد نیستند اما در کسوت روحانیت به رسالت های این نهاد مقدس یاری می رسانند و افتخار می آفرینند باید از زمره طلاب خارج گردند و این البته فرض بعیدی است. از سوی دیگر هر مجتهدی را نیز نمی توان به حقیقت طلبه نامید. زیرا برای صدق حقیقی عنوان طلبگی شرایط دیگری نیز وجود دارد. اثبات این مطلب در ادامه خواهد آمد.

آیا مجموعه و پیوستاری از این صفات شرط لازم و کافی برای طلبگی به شمار می رود؟ با

کمترین وابستگی به نظام روحانیت با ثبت نام در حوزه های علمیه و داشتن کد تحصیلی تحقق می یابد؛ یعنی طلبه با تشکیل پرونده در مرکز مدیریت حوزه از حیث قانونی و اعتباری طلبه شناخته می شود و مشمول آنچه که به طلبه تعلق می گیرد می گردد، هر چند درس نخواند و تقوا نداشته باشد.

در نظر توده مردم نیز کسی که به صورت غالبی لباس روحانی بپوشد طلبه است. هر چند کارمند دفتر یک اداره یا کاسب باشد. به همین جهت در میان مردم انتظارات خاصی از او رقم می خورد. اما سخن ما در اطلاق حقیقی عنوان طلبه بود نه اطلاق عرفی یا شمول قانونی. به همین جهت لازم است ویژگی های طلبه را به دقت بیشتری بررسی کنیم.

به نظر می رسد که از نظر جامعه شناختی انتساب حقیقی به این صنف - مانند همه اصناف دیگر - در صورتی است که شخص عمده زمان و توان خود را به کارکردها و رسالت های این صنف اختصاص دهد. هویت طلبه با دین خدا گره خورده و تعریف طلبه از مناسبت او با دین به دست می آید. طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا و ابلاغ و دفاع و اجرای آن می کوشد و برنامه خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است؛ یعنی برخلاف دیگر مردم که عمده زمان و توان خود را در برنامه های دیگر می گذرانند، طلبه سرمایه توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می کند.

قابل ذکر این که ارتباط با منابع دینی و فهم و تبلیغ و پاسداری و اجرای آن وظیفه ای نیست که اختصاص به طلبه داشته باشد. همه انسان های مؤمن نسبت به پیام خدا احساس مسئولیت دارند و برای بندگی خدای متعال در فهم آموزه های دینی تلاش می کنند، تفاوت طلبه با دیگران در این است که طلبه این مسئولیت را به عنوان رسالت صنفی خود گرفته و کل خدمات صنفی خود را در آن متمرکز کرده و زمان و توان خود را بیشتر به آن اختصاص داده است در حالی که سایر مردم بیشتر به کارها و خدمات دیگر مشغول اند و تنها در حاشیه، به امر دین می پردازند؛ یعنی مأموریت محوری طلبه در حوزه معارف دینی تعریف شده و

این گونه نیست که به صورت تفننی و در حاشیه به آن پردازد. نظیر این که یک پزشک، عمده نیرو و زمان خود را به فهم و تجزیه و تحلیل و انتقال و استفاده از آموزه های بهداشتی درمانی اختصاص می دهد در حالی که نیاز توده مردم به آموزه های بهداشتی و پزشکی کاملاً در حاشیه فعالیت های روزمره تأمین می شود. یک مکانیک ممکن است آشنایی آموخته باشد و گاهی نیز آشنایی کند اما این مقدار برای آشنایی بودن کافی نیست، زیرا مأموریت محوری او آشنایی نیست و می تواند به صورتی کاملاً حاشیه ای و تفننی به آن پردازد، او عمده زمان و توان خود را به مکانیکی می گذراند نه به آشنایی و همین مسأله باعث می شود که در مکانیکی تخصص و مهارت بالاتری نسبت به آشنایی به دست آورد و خدمات بیشتری ارائه کند.

اکنون با هویت طلبه آشنا گشته ایم و می توانیم طلبه را از غیر طلبه بازشناسیم. طلبه کسی است که عمده زمان و توان خود را صرف رسالت های نهاد روحانیت گرداند. وابستگی چنین کسی به حوزه علمیه و صنف روحانی حقیقی است. در حالی که کسی که درس حوزه خوانده و لباس روحانی پوشیده ولی به کسب و کار تجارت یا فعالیت اداری مشغول شده، وابستگی چنین شخصی به حوزه مجازی و به قول ادیبان به اعتبار ماکان است و وابستگی کسی که هرگز درس حوزه نخوانده، ولی لباس روحانی به تن می کند کاملاً دروغین است.

اکنون این فرمول را کمی توسعه و تفصیل می بخشیم. این فرمول معیاری کمی و ظاهری است. کسی که عمده زمان و توان خود را به کار روحانیت یعنی فهم و تبلیغ و اجرا و دفاع از خدا اختصاص داده باشد از نظر جامعه شناختی حقیقتاً متعلق به این صنف به شمار می رود اما مانند همه اصناف دیگر معلوم نیست در کار خود کامیاب و کارآمد باشد. مثلاً کسی که عمده نیرو و زمان خود را به رانندگی یا پزشکی میگذراند الزاماً معلوم نیست راننده یا پزشک موفق باشد. اکنون به معیارهای کیفی طلبگی می پردازیم:

برای آن که فرد در اختصاص زمان و توان خود به رسالت های حوزوی کامیاب باشد و احساس تعلق مستمر نیز به این نهاد داشته باشد، لازم است سه وصف تقفه، تزکیه و ایفای نقش اجتماعی را به شرح ذیل داشته باشد:

تقفه یا دین شناسی: طلبه باید با دین خدا به صورتی کامل، موزون و متناسب آشنا باشد.

اگر فرض کنیم طلبه شناخت متوازنی از دین خدا نداشته باشد نمیتواند در نهاد متولی امر دین به خوبی نقش ایفا کند. یعنی در صورتی که طلبه موضوع فعالیت های خود را نشناخته باشد نمی تواند بدان خدمت کند. این تفقه یا دین شناسی به معنای اجتهاد نیست. بلکه با اجتهاد نسبت عموم و خصوص من وجه دارد. یعنی برخی از دین شناسان، مجتهد و برخی از مجتهدان دین شناس نیستند؛

تزکیه: طلبه باید در راستای ایفای نقش اجتماعی سنگین خود به پالایش روحی پرداخته باشد و از ایمان سرشار و اخلاق فاضله برخوردار باشد. هر چه این صفت در وجود طلبه بیش تر باشد در هویت صنفی خود استوارتر خواهد بود؛ زیرا تقوا و تهذیب نفس هم در فهم معارف دینی شرط لازم است، هم در تبلیغ و انتقال آموزه های دینی به جامعه و دفاع از اندیشه دینی بسیار نقش آفرین است و هم خود مصداق تحقق عینی دین به شمار می رود؛

ایفای نقش اجتماعی: طلبه باید دغدغه خدمت به جامعه را داشته باشد و تلاش های خود را معطوف به نیازهای اجتماعی - یعنی چیزی علاوه بر بهره شخصی خود - رقم زند. اگر فرض کنیم که طلبه از دین شناسی و تقوا برخوردار باشد و عمده زمان و توان خود را صرف این امور کند اما اثری در جامعه نداشته باشد، انتساب او به صنف روحانیت کارآمد نیست. مانند کاسبی که تنها به اندازه نیاز روزمره خود جنس به مغازه می آورد. یا راننده تاکسی ای که تنها خانواده خود را جابجا می کند!

برای بررسی دقیق تر این ویژگی ها در وجود طلبه لازم است تمام احتمالات ممکن از ترکیب این سه صفت را در وجود شخصی که عمده زمان و توان خود را به امر دین اختصاص داده، ترسیم کنیم و به صورت مقایسه ای نسبت به آنان داوری کنیم. این صور ممکن، جمعا هشت احتمال را تشکیل می دهند که برترین صورت آن کسی است که هر سه صفت تفقه، تقوا و نقش اجتماعی را دارد صورت (اول) و پست ترین صورت آن کسی که تقوا و تفقه ندارد اما به ایفای نقش اجتماعی می پردازد (صورت هفتم):

گفتیم اگر کسی عمده زمان و توان خود را به امر اقامه دین (فهم دین یعنی تحصیل یا تحقیق در معارف دینی، تبلیغ دین، اجرای دین و دفاع از دین) اختصاص دهد، اطلاق عنوان طلبه بر او دروغ یا مجاز نیست. اکنون می‌گوییم امر اقامه دین به حقیقت از غیر عالم متفقه و نیز از غیر متقی صورت نخواهد گرفت. بله، ممکن است کسی به گمان خود به اقامه دین خدا مشغول باشد و عمده وقت و نیروی خود را صرف آن کند. اما بی‌شک اگر عالم یا متقی نباشد برآیند کار او به نفع دین تمام نخواهد شد بلکه نوعاً به ضرر آن خواهد بود. بنابراین صدق عنوان طلبه، به وجه مانعه الخلق وابسته به جمع این سه ویژگی است و هر یک از این سه از دست رود، حقیقت عنوان طلبه نیز از بین خواهد رفت هر چند لباس طلبگی یا عنوان جامعه شناختی یا پرونده تحصیلی باقی باشد. البته این سه ویژگی نیاز به تبیین و تفسیر دقیق دارد که تلاش می‌کنیم در فرازهای بعد بدان پردازیم.

بنابراین همه اهداف تربیتی و ویژگی‌های طلبه موفق در سه عنوان تفقه، تقوا و مجاهدت (ایفای نقش اجتماعی) خلاصه می‌شود و می‌توان گفت نظام آموزشی و تربیتی حوزه باید به دنبال تربیت انسان‌هایی عالم، متقی و مجاهد باشد.

این الگو بر اساس تثلیث ساحت‌های وجودی انسان (اندیشه، انگیزه، رفتار) شکل گرفته و شبیه الگوی عقاید، اخلاق، احکام است. اما بر آن بسیار ترجیح دارد؛ زیرا کلیدواژه تفقه از

جهتی نسبت به عقاید عام تر است و از سوی دیگر به شأن صنفی طلبه بیش تر نظارت دارد، کلیدواژه جهاد نیز بسیار بیش از واژه احکام ظرفیت دارد و علاوه بر واجب و حرام فردی به روشنی شامل مسئولیت های صنفی و اجتماعی می شود.

اکنون این سه وجه اصلی هویت طلبه را با تفصیل بیشتری مرور می کنیم:

## الف. تفقه

از مهم ترین برخورداری های طلبه، هنر فهم آموزه های دینی است. «تفقه» مقوم هویت روحانی و از ذاتیات شخصیت صنفی اوست و اگر حد نصاب دین شناسی و آگاهی از معارف اسلام در کسی نباشد اطلاق طلبه بر او مجاز یا دروغ است!

حد نصاب دین شناسی یعنی درجه ای از دین شناسی که برای طلبه ضروری است و اگر طلبه آن را نداشته باشد نمی تواند رسالت طلبگی خود را ایفا کند، فهم موزون دین است.

دین شناسی چندان قابل تبعیض و تجزیه نیست. دین یک واحد به هم پیوسته اما در عین حال گسترده، عمیق و دارای روابط پیچیده است. برای آشنایی با چنین پدیده ای باید همه اجزا را به صورتی متوازن شناخت.

این شناخت دو گونه است؛ دین شناسی تقلیدی و دین شناسی تحقیقی که با قدرت اجتهاد به دست آمده است. دین شناسی تقلیدی همین تصویر کامل و متوازن از دین است که به یاری یک استاد فن و اسلام شناس محقق به دست آمده است. دین شناس مقلد به تنهایی توان استفاده از منابع دین را ندارد و برای تجسم چهره اسلام نیاز به یاری دیگران دارد. اما محققان دین شناس عالمانی هستند که می توانند به تنهایی از منابع دین - قرآن و روایات - مطالب دین را استخراج کنند، پیام آن را دریابند و سیمای آنرا درک کنند.

شناخت چهره موزون دین هرچند به اعتماد دیگران به دست آمده باشد، بسیار ارزشمند است و حد نصاب طلبگی به شمار می رود. (1)

یعنی دین شناسی تحقیقی و داشتن ملکه

ص: 191

1- نظام آموزشی موجود حوزه در برآوردن این نیاز چندان کامیاب نیست؛ زیرا در سال های نخست، بیشتر تلاش می کند تا توانایی های لازم در جهت فهم عمیق دین را در اختیار طلبه بگذارد. طلبه در سال اول با دین خدا آشنا نمی شود، صرف می خواند. سال دوم، نحو و منطق می آموزد، سال سوم بلاغت، پس از آن هم به آشنایی با فقه و اصول می پردازد و تا پایان دوره ی تحصیل، اگر به برنامه ی درسی حوزه اکتفا کرده باشد چندان با متن محتوای دین (جز در دایره ی گزاره های فقهی) انس نمی گیرد. بنابراین طلبه به تلاش و اهتمام خود باید این مسیر دشوار را بپیماید.

اجتهاد، ضرورت صنفی طلبه نیست. گرچه این ملکه در کارآمدی طلبه بسیار تأثیرگذار است و اگر بخواهیم سیمای طلبه موفق را ترسیم کنیم لاجرم باید اجتهاد را به عنوان یکی از شرایط اصلی بیان کنیم.

دین شناسی هم چهره اثباتی و هم چهره سلبی دارد؛ یعنی طلبه هم باید با آموزه های اصیل دین آشنا باشد و هم آموزه های تقلبی مشابه را بشناسد و هنر تشخیص بدعت ها و تحریف ها را داشته باشد و عقربه های حساسیت علمی او، نسبت به کجی ها، انحرافات، تأویل ها و استنادات ناروا واکنش نشان دهد.

بدین ترتیب، هر چه طلبه در تشخیص انحرافات دقیق تر باشد و قدرت حدس لوازم و فروع مخفی گزاره ها را پیش از بروز آسیب، بیشتر داشته باشد، موفق تر، کارآمدتر و ارزنده تر است. امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم فرمودند:

(يَحْمِلُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ قَرْنٍ عُدُولٌ يَنْفُونَ عَنْهُ تَأْوِيلَ الْمَبْطُلِينَ وَتَحْرِيفَ الْغَالِينَ وَاسْتِحَالَ الْجَاهِلِينَ)؛ (1)

راد مردانی، در هر عصر بار دین را به دوش می کشند و تأویل اهل باطل و تحریف اهل غلو و استناد ناروای اهل جهالت را از دین نفی می کنند .

برای رسیدن به حدنصاب دین شناسی، مطالعه مستمر آیات و روایات، مطالعه آثار اندیشمندان بزرگ اسلامی و ارتباط با عالمان دین ضروری است. اما طلبه نمونه و موفق بر حداقل ها اکتفا نمی کند و پس از تحصیل حد نصاب، به مراتب برتر دین شناسی - یعنی ملکه اجتهاد و تسلط بر استنباط از منابع اصلی - نیز می پردازد. بی شک آشنایی با علوم مقدماتی مانند ادبیات عربی (صرف و نحو و بلاغت و لغت و ...)، منطق، اصول، رجال، درایه، نیز علوم عقلی (کلام، فلسفه، عرفان) همچنین مهارت های تحصیلی (مطالعه، مباحثه، تدریس و ...) و مهارت های پژوهشی (پرسش گری، منبع یابی، جمع آوری و تدوین محتوا و ...) برای رسیدن به ملکه اجتهاد ضروری است.

ص: 192

---

1- کلینی، الکافی، ج 1، ص 32 و رجال کشی، ص 4.

می توان فرض کرد که برخی از هنجارها و ارزش ها، هم به انسانیت طلبه سود رساند و هم شأن طلبگی او را تقویت کند و او را در اقامه دین یاری رساند؛ یعنی همان توصیه های عام که برای همه انسان ها - طلبه و غیرطلبه - صادر می شد، این بار به لحاظ شأن طلبگی و وظیفه اقامه دین برای طلبه، پررنگ تر و با تاکید بیش تر بیان شود. بنابراین فهرست مطلوبیت های طلبه ممکن است بر بسیاری از مطلوبیت های عام انسانی نیز مشتمل باشد، از این جهت که طلبه به جهت موقعیت صنفی خود یا ابتلای بیشتری به آن دارد و بیشتر در معرض آن قرار می گیرد و یا این که در ایفای مؤثر نقش اجتماعی خود سخت بدان نیازمند است.

اتفاقا این فرض درباره تزکیه و تهذیب نفس تحقق یافته است. ارتقای معنوی و تهذیب نفس، وظیفه طلبگی طلبه محسوب نمی شود؛ بلکه رسالت انسانی اوست. طلبه پیش از آنکه طلبه باشد یک انسان است. هر انسانی در هر صنف اجتماعی که خدمت می کند وظیفه تلاش برای کسب کمال روحی را برعهده دارد. این امانت به دوش انسان با وصف انسان نهاده شده نه به دوش انسان با وصف طلبه. اما طلبه برای اقامه امر دین سخت نیازمند تزکیه و تجربه حیات دینی است. اگر طلبه، سخت گیرانه به ضوابط شرعی پای بند نباشد و طرح زندگی خود را بر اساس الگوی دینی نبسته باشد، هرگز ظرفیت فهم دین را نخواهد یافت و با باطن حقایق دینی ارتباط برقرار نخواهد کرد.

(انه لقرآن کریم، فی کتاب مکنون، لا یمسه الا المطهرون). (1)

و بی تردید در تبلیغ دین نیز ناکارآمد خواهد بود. هم به جهت این که فهم عمیق، مقدمه ابلاغ پیام است و هم به این جهت که سخنی کز دل برون آید نشیند لاجرم بردل، نه سخنی که تنها لقلقه زبان و تقلید طوطی وار باشد. امر دفاع فداکارانه از دین و تلاش برای اجرا و تحقق دین بسیار روشن تر است. چگونه می توان فرض کرد کسی که عمیقا نتوانسته با حقیقت دین ارتباط برقرار کند آمادگی دفاع از معارف آن و فداکاری برای تحقق آن را داشته باشد؟

ص: 193



خدای متعال خطاب به پیامبر خود صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید :

(يَا أَيُّهَا الْمُزْمَلُ، قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا، نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا، أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا، إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا). (1)

ای جامه خواب به خود پیچیده! شب را جز اندکی - برای نماز به پا خیز! نیمی از شب را یا اگر خواستی اندکی از نیمه بکاه یا اندکی بر نیمه بیفزای و قرآن را پی در پی و شمرده در نماز بخوان که به زودی ما گفتاری گرانبار را که دریافت حقایق آن دشوار و پایداری بر دستوراتش سخت است بر تو القا می کنیم.

یعنی لازم است ارتباط سحری ویژه خود را با خدا بیشتر گردانی؛ زیرا ما فرمان سنگینی بر تو می افکنیم و مسئولیت گرانی بر دوش تو می نهیم.

از سوی دیگر طلبه به همان میزان که نسبت بیش تری با دین خدا دارد وظیفه بیشتری در مراعات ضوابط ایمانی دارد. بایدها و نبایدهای عام ایمانی برای طلبه شدیدتر و اکیدتر است و پای بندی به آن برای طلبه بسیار زبینه تر و لازم تر است. امام صادق علیه السلام به یکی از یاوران و شیعیان نزدیک خود فرمودند:

(الْحَسَنُ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَ مِنْكَ أَحْسَنُ لِكَانَكَ مِنَّا وَ الْقَبِيحُ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَ مِنْكَ أَقْبَحُ لِكَانَكَ مِنَّا)؛ (2)

کار خوب، از هر کس خوب است، اما از تو خوب تر است؛ به جهت نسبتی که با ما داری. کار بد، از هر کس بد است و از تو بدتر؛ به جهت نسبتی که با ما داری.

نظیر این که در قرآن کریم برای زنان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حساب ویژه ای در نظر گرفته شده و از آنان توقع بیش تری بیان شده است. زنان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به جهت نسبتی که با او دارند، تکلیف بیشتری دارند. این نسبت و قرابت از جهتی برای آنان مزیت است و از سوی دیگر، برای آنان مسئولیت ایجاد می کند:

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُصَافَقْ هَا الْعَذَابُ مِنْ عَمَلِنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا \* وَ مَنْ يَفْعَلْ مِنْكُنَّ اللَّهُ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِنَهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا)

ص: 194

1- هر آینه این قرآنی است ارجمند، در کتابی نهفته (لوح محفوظ) که جز پاکان بر آن دست ندارند. (مزمل، آیه 1-5)

2- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 47، ص 349.

ای زنان پیامبر! هر یک از شما که گناه آشکاری انجام دهد، عذاب او دو برابر خواهد بود و این بر خدا آسان است. و هر یک از شما که خدا و رسولش را پیوسته فرمان برد و عمل شایسته انجام دهد، پاداشش را دو برابر خواهیم داد و برای او روزی ارزشمندی آماده ساخته ایم. ای زنان پیامبر شما مانند سایر زنان نیستید .

بدین ترتیب عالم و مبلغ دین باید به همه دستورات دینی به نحو حداکثری پای بند باشد و همه آموزه های دین را جدی تلقی کند. انضباط فقهی، التزام به آداب اسلامی و سلوک معنوی، برای طلبه هم ارزش فردی و هم ارزش صنفی به شمار می رود و بدون این ویژگی، صدق عنوان طلبه بر فرد به حقیقت صحیح نیست.

گاهی گمان می شود طلبه اگر بخواهد در طلبگی موفق بوده و رشد مطلوبی داشته باشد، لااقل برای مدتی باید به پاره ای از دستورات دینی بی اعتنایی کند! از جمله توجهات اجتماعی، مانند صله ارحام، عیادت مریض، امر به معروف، رسیدگی به همسایگان، مرافقت با ابرار و .... در برنامه برخی از طلاب جایگاه مناسبی ندارد. در حالی که انتظار می رود طلبه موفق، سبک عملکرد خود را، بر اساس الگوی زندگی گسترده دینی شکل دهد، نه این که تنها به زندگی علمی اکتفا کند. و چه بسا نظام تعلیم و تربیت امروز حوزه نیز بیش تر سیمای برنامه علمی طلبه را تداعی کند نه برنامه کامل صنفی او را!

برنامه زندگی طلبه، با برنامه زندگی یک شخصیت صرفاً علمی متفاوت است. می توان برای موفقیت در یک پروژه علمی از بسیاری مطلوبیت ها و ضرورت ها چشم پوشید و افتخار علمی بزرگی آفرید! اما طلبه، بیش از آن که موظف به ارائه موفق یک پروژه علمی باشد، موظف به ارائه یک الگوی زندگی دینی است و در تربیت جامع اخلاقی و معنوی دیگران، نیاز به تجربه شخصی حیات دینی دارد .

طلبه باید مجاهد یعنی سخت کوش، توانا و ایثارگر بار آمده باشد. مراد از این مجاهدت، تنها مجاهدت با نفس یا جهاد علمی نیست. از این دو ویژگی در مباحث قبلی به تفصیل سخن گفته شده و نیازی به تکرار وجود ندارد. مراد از این مجاهدت ایفای نقش اجتماعی و رسالت صنفی است.

طلبه باید مانند هرکس دیگر در نظام تقسیم کار اجتماعی، کاری را برعهده گیرد و گرهی را باز کند و هرگز نباید وجود و عدم او برای جامعه مساوی باشد. طلبه باید خود را مکلف به یاری دین خدا و ارائه خدمتی بداند و برای آن خود را آماده کرده باشد. طلبه باید یک عضو مفید برای پیکره اجتماع باشد؛ و یک کارگزار امین برای اهداف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که با قوت و قدرت انجام وظیفه می کند.

این مقدار، حد نصاب شرایط طلبگی به شمار می رود و اگر کسی از آن شانه خالی کند به حقیقت طلبه نیست. اما طلبه موفق در میان انواع نقشهای اجتماعی و خدمات طلبگی باید خدمتی بزرگ تر و جایگزین ناپذیرتر را انتخاب کند و توان خود را به مهم ترین اقدامی که از مثل او بر می آید اختصاص دهد و در این مسیر توان و مهارت خود را روز به روز نیز بیفزاید. یعنی هرچه نقش اجتماعی مؤثرتر و اقدام بزرگ تری را ایفا کند موفق تر و مطلوب تر خواهد بود. نظام تعلیم و تربیت حوزه باید هر یک از طلاب جوان را تبدیل به نیروهایی آنچنان کارآمد و چالاک سازد که کار بزرگ تمدن سازی اسلامی با وجود آنان دشوار ننماید.

برای انتخاب تخصص، بصیرت تشخیص نیازهای اجتماعی، شناخت شرایط جامعه و مقتضیات روز لازم است. آگاهی از دنیای جدید، ساختار اجتماع بشری، قدرت های تأثیرگذار، ضعف ها و قوت های شرایط موجود، امکانات و محدودیت ها و ... برای هر طلبه ضروری است تا با این نگاه گسترده، نقش بیش تری برای خود در امر احیای دین در سراسر جهان تعیین نماید.

این موضوع، برخلاف دو صفت گذشته (تفقه و تزکیه) نقطه تمایز طلبه امروز با طلبه 200 سال پیش و بلکه طلبه قبل از انقلاب است. اگر طلبه این آشنایی ها را نداشته باشد، هر چند در تفقه و تزکیه موفق باشد، شاید رسالت خود را به محدوده یک روستا یا حداکثر شهر محدود سازد؛ و همان

کاری که در قرون گذشته توسط طلبه انجام می گرفت از او برآید. اما اگر این روشن بینی برای او ایجاد شده باشد، با استفاده از همه فرصت ها، وجود خود را وقف اهداف تمدنی و جهانی خواهد کرد و برای این منظور دانش، تجربه، ابزار و امکانات و مهارت های لازم را فراخواهد گرفت.

انتخاب صحیح و دقیق مأموریت (با نظر به ویژگی های فرد و جامعه)، آموزش و تحصیل موفق، دست یابی به مهارت های بالا، یافتن جایگاه مناسب برای خدمت، ایفای نقش به شیوه ای کارآمد و صحیح و خلاقیت در انجام وظیفه از مطلوبیت های این بخش است.

### 5-6-2-3 بهره های بحث

بحث از سیمای ایده آل طلبه بهره های فراوانی دارد؛ ترسیم این چهره نهایی، نقطه هدف را روشن و شفاف و دقیق می نمایاند و امر خطیر برنامه ریزی برای اقدام و حرکت را سامان می دهد. پاسخ سؤال «چه می خواهیم بشویم؟» پایه اتخاذ سیاست ها و روش های گوناگون در همه وجوه زندگی است. تبیین اهداف تربیتی را باید بسیار مهم شمرد؛ «تا ندانید هدفتان کجاست، هرگز نمی توانید به گزینش بهترین راه رسیدن به آن پردازید». (1) این اهداف، جهت دهنده و شاکله بخش برنامه ها، عامل انسجام آن ها، بازدارنده از فعالیت های اضافی و یکی از عوامل پویایی چاره اندیشی های تربیتی هستند می توان گفت: «هدف های تربیتی جهت تجربیات فعالیت ها، مطالعات و بحث های معلم و شاگرد را تعیین می کند». (2)

اساتید و مشاوران، که همواره با پرسش های فراوانی در زمینه نحوه برنامه ریزی و چگونگی اقدام از سوی طلاب مواجه اند، اگر این نگرش کلان را نداشته باشند جز توصیه های پراکنده گاه متضاد، توشه ای به طلبه نخواهند داد.

اختلاف ارشادهای این عزیزان نیز ناشی از نوع تلقی آنان از طلبه مطلوب است. برای آن که این رهنمودهای مختلف یا پیشنهادهای متعارض کم شود و اساتید و مشاوران در ارائه برنامه یا طراحی الگوهای رفتاری، هم آوا و هم سخن گردند لازم است از این نقطه آغاز کنیم. مادام که اتفاق نظری در تعریف «طلبه خوب» پدید نیامده، دستورالعمل های متعدد متنوع

ص: 197

1- شعبانی، مهارت های آموزشی و پرورشی، ص 196.

2- شریعتمداری، جامعه و تعلیم و تربیت، ص 177.

و ناساز، باقی خواهند ماند و تلقی خواهند شد.

عمده سیاست های تربیتی، معطوف به نگاه ما به «تیپ ایده آل» است. عمده اختلاف دیدگاه ها، سیاست ها و توصیه ها نیز به این بحث باز می گردد. اگر مدیر یک مدرسه علمیه تنها به اخلاق فردی و دانش حوزوی طلاب حساسیت نشان می دهد اما مدیر مدرسه ای دیگر، دغدغه مند موضوعات فرهنگی و اجتماعی است به جهت وجود دو دیدگاه در تیپ ایده آل طلبه است. نقش اساسی اهداف تربیت، جلوگیری از انحراف طراحی ها و فعالیت های آموزشی و تربیتی از سمت و سوی حکیمانه و عالمانه است. ترسیم چهره ایده آل طلبه، شاقولی برای آسیب شناسی است و امکان ارزیابی دقیق علمی و مستمر را فراهم می آورد و فرصتی می آفریند تا به گونه ای نوبه صدر و ساقه برنامه کاری طلبه و همه دست اندرکاران نظام روحانیت نظر شود و جهت و مسیر و سرعت حرکت آنان اصلاح یا ترمیم گردد. این آسیب شناسی، ارزیابی و اعتبار سنجی، هم در برنامه کاری یک طلبه، و هم در عملکرد اساتید، مربیان، مدیران مدارس، کارگزاران و برنامه ریزان حوزه در سطوح کلان جاری است. همه این ها را می توان با نظر به ویژگی های طلبه مطلوب محک زد و نمره داد.

نظام های حوزه (نظام آموزشی، نظام تبلیغی، نظام پژوهشی، نظام مدیریتی، نظام جذب و گزینش و...) نیز همه از دستاورد این تلاش بهره خواهند داشت. تدوین بهینه این نظام ها همواره مرهون نظر به آن وضعیت آرمانی است.

با نظر به طلبه مطلوب حتی می توان در استانداردهای موجود و هنجارهای جاری تجدید نظر کرد و نظام ارزش گذاری یا مبنای ارزیابی جدیدی تعریف کرد.

شناخت سیمای طلبه مطلوب، به شناخت سیمای حوزه مطلوب، مدرسه علمیه مطلوب، نظام آموزشی و تهذیبی مطلوب، مدیر مطلوب و مربی مطلوب هم می انجامد.

## فصل چهارم : عوامل و موانع مؤثر بر تهذیب و تربیت در حوزه های علمیه

اشاره

ص: 199



تربیت که فرایندی پیچیده و دارای ساحت ها و مراحل گوناگون است، خود معلول علت ها و تحت تأثیر شرایط گوناگونی است و در صورتی می توان به اهداف تعیین شده برای آن دست یافت که به همه اموری که به نحوی در این فرایند تأثیر مثبت یا منفی دارند، توجه شود. از

این جهت برای برنامه ریزان و سایر مجریان تربیت، بسیار مهم و ضروری است که علل و موانع مختلفی را که ممکن است در دستیابی به اهداف تربیت مؤثر باشند، شناسایی کنند تا متناسب با شرایط مختلف و با توجه به پیامدهای دیگری که ممکن است این علل و موانع در بر داشته باشند تلاش نمایند مناسب ترین آن ها را برگزینند و در تربیت از آن ها استفاده کنند.

### تعریف عوامل و موانع تربیت

عوامل و موانع تربیت، به اموری گفته می شود که می تواند به طور مستقیم یا غیر مستقیم، چند جانبه یا از جهتی خاص با قصد یا بدون قصد و اغلب به تدریج در تحقق اهداف تربیت مؤثر باشد. (1) به بیان دیگر عوامل و موانع تربیت شامل مجموعه ای از تمامی افراد، اشیا، ابزارها، ابعاد، ساختارها، برنامه ها و سیاست هایی است که بر فرآیند تربیت به صورت مثبت یا منفی اثر می گذارد.

این عوامل و موانع را می توان از منظرهای گوناگون دسته بندی کرد که از جمله آن ها، تقسیم به عوامل و موانع درونی و بیرونی است.

می دانیم برخی عوامل و موانع در درون خود متربی هستند و برخی از بیرون بر تربیت او اثر

ص: 201

---

1- گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، ص 378.



می گذارند. شناخت دسته اول از طریق درون نگری و نیز علوم فیزیولوژی، روان شناسی و مانند آن مقدور است و شناخت دسته دوم با مطالعات جامعه شناختی، مردم شناختی و مانند آن ها. دسته اول به بیش، گرایش، توانش و رفتار خود متریبی باز می گردد و دسته دوم به واسطه ارتباطی که وی با انسان های دیگری با خداوند و طبیعت دارد، در او تأثیر می گذارند. ضمن اینکه باید توجه داشت عوامل و موانع بیرونی به طور عام با واسطه عوامل درونی در متریبی تأثیر می کنند و از این جهت، میان عوامل و موانع بیرونی و درونی نوعی ترتیب وجود دارد. هم چنین لازم به ذکر است که این تقسیم بندی ناظر به دامنه شمول عوامل و موانع می باشد. (1)

عوامل و موانع درونی به سه دسته بینشی، گرایشی و توانشی - رفتاری و عوامل بیرونی به سه دسته معنوی، انسانی و طبیعی تقسیم می شوند که نمونه هایی از این سه دسته را به تفکیک از نظر می گذرانیم:

## 1-4 عوامل و موانع درونی

### 1-1-4 عوامل و موانع بینشی

#### 1-1-1-4 عوامل بینشی

#### اشاره

بینش ها شامل شناخت ها، باورها، آگاهی ها، نگرش ها، جهان بینی و اصول تفکر هستند. این عوامل بینشی بر اراده و عواطف آدمی تأثیر گذاشته و از این راه، روند تربیت انسان را تغییر می دهند.

برخی از این عوامل بینشی عبارتند از: شناخت ها و آگاهی های دینی، بصیرت و آگاهی به زمان، توان تشخیص حق از باطل و.... در اینجا برخی از عوامل توضیح داده می شود.

## الف. شناخت جامع و درست دین

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند:

(ما مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ فِيهِ مُحْتَاجٌ إِلَى الْمَعْرِفَةِ)؛

ص: 202

هیچ حرکتی نیست مگر این که انسان در آن نیازمند به شناخت است. (1)

مقام معظم رهبری دام ظلّه در اهمیت شناخت کامل، دقیق و درست دین برای طلاب و روحانیون می فرماید:

روحانی باید با اندیشه ناب اسلامی از بهترینش، مستدل ترینش و قوی ترینش مجهز باشد. ما این طور اندیشه ها و حرف ها، بسیار داریم. یک نفر مثل شهید مطهری رضوان الله تعالی علیه، یک جامعه دانشگاهی را در مقابل خود، به قبول و اذعان و تسلیم وا می داشت. در همان دانشکده ای که آن بزرگوار تدریس می کرد، کسانی بودند که به طور صریح، ضد دین تبلیغات می کردند و درس می گفتند. آن بزرگوار نرفت با آن ها دعوا کند و دست به یقه شود حرف زد، فکر داد، حقایق را گفت؛ از ذهنیت صحیح استفاده نمود و فضا را قبضه کرد.

(2)

### **ب. بصیرت و آگاهی به زمان**

امام علی علیه السلام می فرمایند:

من عرف الايام لم يغفل عن الاستعداد ..... (3)

کسی که به زمانه آگاه باشد، از آمادگی غافل نمی گردد .

امام صادق علیه السلام نیز می فرمایند :

العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوايس ..... (4)

کسی که به زمان خویش آگاه باشد امور مشتبه بر او هجوم نمی آورند.

مقام معظم رهبری دام ظلّه در اهمیت بصیرت برای طلاب و روحانیون می فرماید:

امروز یک روحانی اگر بخواهد مفید باشد، باید بصیر باشد. اگر بصیر نباشد، در تشخیص جایگاه خود و جایگاه دشمن اشتباه خواهد کرد. اگر در تشخیص جایگاه خود و جایگاه دشمن اشتباه کرد، توپخانه را به سمت نیروی خودی آتش خواهد کرد؛ درست مثل جبهه. در جبهه آدم ها این جور رو به روی هم که قرار نگرفته اند؛ کیلومترها فاصله است. اگر قطب نما همراه انسان نباشد، اگر موقعیت خود را انسان نداند، موقعیت دشمن را نداند، خمپاره اش را پرتاب می کند روی سر نیروی خودی. این اتفاقی که متأسفانه در مسائل سیاسی و روحانی و دینی و اجتماعی ما بارها

ص: 203

1- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 171.

2- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون، 1372/3/26.

3- کلینی، الکافی، ج 8، ص 23.



اتفاق افتاده است. خودی های ما، خوب های ما، متدین های ما که عزیز هم بودند از نظر ما، توپ خانه شان را روشن کردند روی امام، روی جبهه حق، روی حکومت حق. اگر ندانید دنیا دست کیست، کی علیه شما دارد توطئه می کند، کی به سمت شما دارد شلیک می کند، چه جور می شود به او شلیک متقابل کرد، این اشتباهات پیش می آید. روحانی باید بصیر باشد. این است که طلبه ی ما نمی تواند برود توی حجره و توی پستو بنشیند، بگوید من فقط می خواهم مطالعه کنم؛ نه، زحمت دارد البته باید زحمت را قبول کند؛ باید با مسائل جهانی آشنا بشود؛ باید بداند در کشور چه می گذرد؛ باید بداند در دنیا چه می گذرد. (1)

سوم از واجبات حوزه علمیه این است که مدیران محترم حوزه و بزرگان و اعلام حوزه باید طلاب را از لحاظ فکری و سیاسی مصونیت بدهند. طلاب را از لحاظ فکر اسلامی و ظرافت هایی که در برخورد با امواج گوناگون فکری وجود دارد باید مصونیت ببخشند. باید طوری بشود که هر طلبه ای احساس کند در مقابل هر منطقی که برای او پیش می آید - ولو برایش از قبل ناآشنا باشد - این مایه را دارد که بتواند مواجهه و مقابله کند. همچنین در زمینه های سیاسی باید قدرت تحلیل سیاسی به طلاب داده شود. این مجموعه عظیم جوان در این حوزه علمیه، مجموعه ای است که می تواند و باید بتواند حوادث سیاسی را جزء به جزء تحلیل کند؛ معنای هر حرکتی را که صفوف مختلف و جناح های مختلف در داخل و خارج می کنند، بفهمد تا بتواند آن خط مستقیم و صراط الهی را در این بین همواره در مقابل چشم داشته باشد و فریب نخورد. (2)

آگاهی به زمان، شامل مهم ترین شناخت ها نسبت به مسایل تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، طبیعی و مانند آن هاست که برای گذران درست زندگی ضروری هستند. (3)

## 2-1-1-4 موانع بینشی

### اشاره

موانع بینشی می تواند جهت تربیت انسان را از سیر صعودی به نزولی بکشاند. برخی از موانع بینشی عبارتند از: افکار و وسوسه های شیطانی، غفلت (4) و فراموشی (5)، جهل و نادانی، ضعف های شناختی، ظن و گمان (6)، شک و تردید و ...

ص: 204

- 1- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون استان یزد، 1386/10/12.
- 2- بیانات مقام معظم رهبری در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه قم، 1379/07/14.
- 3- گروه نویسندگان، زیر نظر مصباح یزدی، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، پاورقی ص 397.
- 4- (مَنْ أَعْرَضَ عَنِ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى). (طه، آیه 124)
- 5- (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ). (حشر، آیه 19)
- 6- (ان الظن لا يغني من الحق شيئا). (یونس آیه 36)؛ (ان بعض الظن اثم). (حجرات، آیه 12)

از بررسی آیات مربوط می توان دریافت که شیطان از طریق هواهای نفسانی در انسان نفوذ می کند و کار و تلاش وی را تأیید می کند یا تغییر می دهد. کارهای زشت را در نظر انسان می آراید (1) و وی را در انجام دادن آن تثبیت می کند و در مقابل نیز او را می ترساند و از کارهای خیر باز می دارد (2) و مسیرش را تغییر می دهد. انسان وقتی تحت تأثیر وسوسه های شیطان، توجهش به مادیات و لذایذ دنیا جلب شد، از خدا غافل می شود و در دل او جایی برای خدا باقی نمی ماند. (3) کسانی که دنبال شیطان می روند و حلقه بندگی و بردگی وی را گردن می نهند، کم کم شیطان بر آنان مسلط می شود (4) و عامل این تسلط، سوء اختیار خود ایشان است. این جاست که نقش مربی برجسته می شود. بنابراین بر مربی است که راه های نفوذ شیطان و راهکارهای مقابله با آن را به مربی آموزش دهد تا در طی مسیر از کمین های شیطان رهایی یابد.

## ب. غفلت و فراموشی

غفلت در اصطلاح به معنای سستی و تنبلی انسان از توجه به هدف است؛ چه هدف دنیوی و چه هدف اخروی. (5) اولین شرط پیمودن راه تکامل، توجه مستمر به هدف و فراموش نکردن آن و سپس تلاش و جدیت است. (6) طالب نجات، هم باید از غفلت بیرون آید و هم از سستی کناره گیرد. در طول زندگی، عوامل مختلفی در غفلت انسان تأثیر دارند که او را از آخرت و راه رستگاری دور می سازند. نقش برجسته مربی، آنجا بیشتر خود را نمایان می کند که بتواند در مراحل تربیت، عوامل غفلت زا را تشخیص، مربی را نسبت به آن ها هشدار داده و راه برون رفت را نشان دهد.

ص: 205

1- نحل، آیه 63.

2- نساء، آیه 120.

3- احزاب، آیه 33.

4- نحل، آیه 100.

5- نراقی، جامع السعادات، ترجمه فیض، ج 2، ص 399.

6- امام علی علیه السلام: إن كنتم للنجاة طالبين فأرْفَضُوا الغفلة واللَّهُوَ وَالزَّمُوا الجهاد والجد؛ اگر طالب نجات و رستگاری هستید، بی خبری و کارهای بیهوده را ترک کنید و پیوسته ملازم کوشش و تلاش باشید. (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ح 3741)

## اشاره

گرایش در لغت به معنای «میل و خواهش، رغبت، قصد، اراده و آهنگ» (1) می باشد. گرایش به معنای یک نظام از تمایلات، عقاید و انتقادات یک فرد نسبت به پدیده های محیط خود میباشد. این نظام از تمایلات در طول زمان در پی تأثیرات محیطی و کارکردهای درونی شخص در میان سازه های روانی، همانند باورها و ارزش ها شکل می گیرد. عواطف و گرایش های انسان اگر به صورت درست هدایت و کنترل شوند، نقش بسیار سازنده ای در پرورش و شکوفایی استعدادها و رشد انسان ایفا خواهند کرد.

### 1-2-1-4 عوامل گرایشی

## اشاره

برخی از عوامل گرایشی مؤثر بر جریان تربیت عبارتند از: امید، بلند همتی، اخلاص، احساس شرافت، حق گرای و کمال گرایی.

## الف. امید

امید یک حالت روحی و روانی و برانگیزاننده انسان به کار و فعالیت است. به طور طبیعی، انگیزه بشر در کارهای اختیاری، امید به نفع یا ترس از زیان است. در واقع، خوف و رجا به منزله نیروی اجرایی برای حرکت بوده، عامل مستقیم تلاش ها و رفتارهای انسانی است. امیدی که از معرفت و شناخت نسبت به مبدأ و معاد حاصل می شود، اساس همه تلاش های مفید و پرثمر انسانی و نیز منشأ اصلاح امور در جامعه و رسیدن شخص به سعادت ابدی است؛ همان گونه که ناامیدی و قطع امید نسبت به خدا و روز قیامت منشأ فسادها و تبهکاری ها و منتهی شدن کار انسان به شقاوت ابدی است. (2)

امید به عنوان نیروی محرکه انسان موجب تقویت انگیزه و نشاط انسان و ارتقاء روحیه تلاش، سخت کوشی و خستگی ناپذیری وی می شود. همان گونه که امید به لقاء پروردگار عالمیان، انگیزه اصلی انجام اعمال شایسته و اخلاص در عبادت های مؤمنان می باشد. قرآن می فرماید:

ص: 206

1- ر.ک: فرهنگ فارسی معین و دهخدا، ذیل واژه گرایش.

2- داودی، محمدرضا، امید و نقش تربیتی آن در زندگی انسان، ماهنامه معرفت، شماره 81.

(فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)؛ (1)

هر کس امید به لقای پروردگارش (روز قیامت) دارد، باید عمل صالح بجای آورد و کسی را در عبادت پروردگارش شریک نسازد.

نیز در آیه دیگر می فرماید:

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ)؛ (2)

آنان که ایمان آورده اند و کسانی که هجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند و خداوند آمرزنده مهربان است.

از این رو بر متولیان، و مباشرین امر تربیت طلاب در مدارس علمیه (از جمله مدیر، اساتید و مشاوران)، لازم است امید و خوش بینی نسبت به وضعیت موجود حوزه، متون درسی و آینده تحصیلی، شغلی و خانوادگی را در بین، طلاب، افزایش دهند و کمک کنند تا آن ها با روحیه ای مضاعف این مسیر پرافتخار سربازی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را بپیمایند.

## ب. بلند همتی

یکی از ابزارهای مهم برای فتح قله های سعادت و کمال، داشتن همت بلند و اهداف متعالی است. علو همت عبارت است از سعی و کوشش در تحصیل سعادت و کمال و طلب کردن کارهای بزرگ و عالی، بدون در نظر گرفتن سود و زیان دنیا؛ به طوری که به سبب دست یافتن به منافع دنیوی شادمان نشود و از فقدان آن اندوهگین نگردد. (3) کسی که به کم رضایت می دهد، خیلی زود از حرکت می ایستد. از ما خواسته شده است «بالا ترین» را هدف بگیریم و با استمداد از خدا و عزم راسخ، «بهترین» شویم که گفته اند: همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده اند. قرآن کریم در وصف «عباد الرحمن» می فرماید:

(الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا)؛

کسانی که می گویند: «پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران کن».

ص: 207

1- کهف، آیه 110 .

2- بقره، آیه 218 .

3- نراقی، علم اخلاق اسلامی، ص 322 .

خواست و آرزوی بندگان خدا، تنها به جهنم نرفتن، نسوختن و رهایی از عذاب خدا نیست. بنده خدا، تنها به متقی شدن نیز راضی نمی شود. همت او آن است که پیشوا و درس آموز متقیان باشد و به گونه ای شود که چشم همه نیکان و وارستگان به او دوخته گردد. به نجات از غضب خدا و آتش دوزخ بسنده نمی کند.

همت بلند، انسان را به کمالات و قرب خدا نزدیک می کند و دون همتی، پیروی شهوات و سرانجام سقوط به بدبختی و دوری از رحمت خدا را در پی دارد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

- هر کس که آخرت همتش باشد، از خیر به نهایت آرزویش می رسد؛ (1)

- همت و تلاش خود را صرف آخرت کن (2) و تمام همت و سعی خود را برای رهایی از جایگاه بدبختی و عقاب و رستگاری از محل بلا و عذاب بگردان؛ (3) زیرا هر که دنیا عزم او باشد، بدبختی و غم او در روز قیامت طولانی شود؛ (4)

- هیچ چیز هم چون همت آدمی او را بلند نکرد و هیچ چیز مانند شهوتش او را فرود نیاورد. (5)

## ج. اخلاص و پاک سازی نیت

\*ج. اخلاص و پاک سازی نیت (6)

یکی از عوامل مهم در موفقیت علمی و اخلاقی یک طلبه، تحصیل اخلاص و پاک سازی نیت است. اخلاص در لغت به معنای خالص کردن، ویژه کردن، خلوص نیت داشتن، عقیده پاک داشتن، ارادت صادق داشتن، بی ریا و سمعه طاعت آوردن خدای را تعالی، دین بی ریا داشتن و... آمده است... و تحقیق آن است که در هر چیز ممکن است چیز دیگر مخلوط و مشوب شود، وقتی که آن چیز را از این غیر صافی و خالی شد آن را خالص گویند و این کار را اخلاص نامند. (7) در مصطلح شرعی نیز نزدیک به همان معنای لغوی و عبارت است از: پاک

ص: 208

1- تمیمی آمدی، تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، ص 144 .

2- همان، غرر الحکم و دررالکلم، ص 359 .

3- آقاجمال خوانساری، شرح خوانساری بر غرر الحکم، ج 2، ص 223 .

4- همان، ج 5، ص 446 .

5- (مَا رَفَعَ إِمْرًا كِهْمَتِهِ وَلَا وَضَعَهُ كَشَهْوَتِهِ). (تمیمی آمدی، همان، ح 9707)

6- به نظر می رسد می توان اخلاص را از عوامل گرایشی به شمار آورد؛ چرا که به قول ملاصدرا در شرح اصول کافی، محل اخلاص و

شرك در قلب انسان است: الاخلاص والشرك يتواردان على القلب و محله القلب . (ملاصدرا، شرح أصول الكافي، ج 1، ص 467)

7- لغت نامه دهخدا، ذیل واژه اخلاص.



کردن نیت از غیر خدا و انجام دادن عمل تنها برای خدا.

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی در رابطه خلوص نیت می فرماید :

(صَاحِبُ النَّيَّةِ الصَّادِقَةِ صَاحِبُ الْقَلْبِ السَّلِيمِ لِأَنَّ سَلَامَةَ الْقَلْبِ مِنْ هَوَاجِسِ الْمَحْذُورَاتِ بِتَخْلِيصِ النَّيَّةِ لِلَّهِ تَعَالَى فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»، وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ «نَيْتَةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ» وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَلِكُلِّ أَمْرٍ مَا نَوَى». فَلَا بَدَّ لِلْعَبْدِ مِنْ خَالِصِ النَّيَّةِ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ وَسَدِّ كُونٍ لِأَنَّهُ إِذَا لَمْ يَكُنْ بِهَذَا الْمَعْنَى يَكُونُ غَافِلًا وَالْغَافِلُونَ قَدْ ذَمَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَى فَقَالَ: «إِنَّ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا» وَقَالَ: «أَوْلَيْكَ هُمْ الْغَافِلُونَ»؛ (1)

صاحب نیت صادق، صاحب قلب سلیم است؛ زیرا که سالم ماندن از وسوسه های (شیطانی) مهلکه با خالص کردن نیت برای خدا در همه امور ممکن است که خداوند متعال می فرماید: « (روز قیامت)، روزی است مال و فرزندان سودی برای انسان ندارند، مگر کسی که خداوند به او قلب سلیم داده باشد» و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: « نیت شخص مؤمن بهتر است از عمل او» و فرمود: «تمام اعمال به واسطه نیت ها امتیاز پیدا می کنند و برای هر شخصی است آنچه نیت می کند». پس لازم است که هر بنده ای از بندگان خدائیت خود را در هر حرکت و سکونی (برای خدا) خالص کند که اگر چنین نکرد غافل بوده و خداوند متعال غافلین را مذمت کرده، می فرماید: «آنان مانند چهارپایان و بلکه گمراه تر از آنانند» و (در جای دیگر) می فرماید: «آنان همان غافلان هستند».

امام خمینی قدس سره در اهمیت اخلاص در زندگی طلبه می فرماید :

علمی که انسان را به خدا نزدیک می کند، در نفس دنیا طلب باعث دوری بیشتر از درگاه ذی الجلال می گردد. علم توحید هم اگر برای غیر خدا باشد، از حجب ظلمانی است چون اشتغال به ما سوی الله است... گمان نکنید اکنون که مشغول تحصیل علوم شرعیه می باشید و فقه که اشرف علوم است می آموزید، دیگر راحتید و به وظایف و تکالیف خود عمل کرده اید. اگر اخلاص و قصد قربت نباشد، این علوم هیچ فایده ای ندارد. اگر تحصیلات شما، العیاذ باللله، برای خدا نباشد و برای هواهای نفسانیه، کسب مقام و مسند، عنوان و شخصیت در این راه قدم گذاشته باشید، برای خود وزر و وبال اندوخته اید. این اصطلاحات اگر برای غیر خدا باشد، وزر و وبال است... هر قدمی که برای تحصیل علم بر می دارید، قدمی هم برای کوبیدن خواسته های نفسانی، تقویت قوای روحانی، کسب مکارم اخلاق، تحصیل معنویات و تقوی، بردارید. تحصیل این علوم در

ص: 209

واقع مقدمه تهذیب نفس و تحصیل فضایل آداب و معارف الهیه، می باشد. تا پایان عمر در مقدمه نمازید که نتیجه رها سازید. شما به منظور هدفی عالی و مقدس، که عبارت از خداشناسی و تهذیب نفس می باشد، این علوم را فرا می گیرید و باید در صدد به دست آوردن ثمره و نتیجه کار خود باشید برای رسیدن به مقصود اصلی و اساسی خود جدیت کنید. (1)

تحصیل اخلاص در نیت و اعمال از دشوارترین و پیچیده ترین کارهاست که به سادگی نمی توان به آن دست یافت و نیازمند مجاهده طولانی و مستمر با نفس و استقامت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در حدیث قدسی از خداوند متعال نقل می کند که:

(إِلَّا خُلَاصُ سِرِّ مِنْ أَسْرَارِي اسْتَوْدَعْتُهُ قَلْبَ مَنْ أَحَبَّيْتُ مِنْ عِبَادِي)؛ (2)

اخلاص سری از اسرار من است که در دل بندگان محبوب خویش به امانت گذاشته ام.

در ابتدای تحصیل ممکن است برخی خویش را از آلودگی به اهداف فاسد منزّه بدانند و چنین پندارند که انگیزه و غرضی غیر از خدا ندارند؛ ولی باید متوجه بود که وقتی دست آدمی از همه جا کوتاه است، می پندارد که هدفی جز رضای خدای متعال ندارد و صد البته این کافی نیست. بلکه چنان باید باشد که اگر روزی ریاست و شهرت و مسند و مقام هم به او روی آورد خود را نبازد و شیفته آن ها نشود و از این امور اعتباری به عنوان وسیله ای برای دست یافتن به اهداف خدایی استفاده کند. (3) بنابراین، کسب و نگه داشتن اخلاص عمل در زندگی طلبگی بسیار دشوارتر است؛ چرا که بیشتر اعمال و رفتارهای طلبه در جامعه و زیر ذره بین نگاه مردم قرار دارد.

روزی علامه بحر العلوم رحمه الله را شاگردانش خندان و متبسم یافتند، سبب پرسیدند؟ در پاسخ فرمود: پس از بیست و پنج سال مجاهدت، اکنون که در خود نگریستم، دیدم دیگر اعمالم ریایی نیست و توانسته ام به قلع و قمع ریا موفق شوم. (4)

کوتاه ترین راه برای کسب اخلاص و پرهیز از ریا و سمعه، تقویت توحید می باشد؛ چرا که

ص: 210

1- امام خمینی، جهاد اکبر، ص 10 و 11.

2- شهید ثانی، منیة المرید، ص 133 و علامه مجلسی، همان، ج 67، ص 249.

3- مختاری، سیمای فرزندگان، ص 106.

4- همان، ص 104 به نقل از لب الالباب، ص 55.

اخلاص میوه علم و معرفت است. (1) منظور از توحید در این مقام توحید افعالی می باشد؛ یعنی انسان باور کند که فاعل حقیقی خداوند متعال است و هیچ مؤثری در عالم جزا نیست. اگر برای ما روشن شود و بفهمیم که عطا و منع غنا و فقر، بیماری و سلامتی، عزت و ذلت، زندگی و مرگ و... همه در دست خداوند است و هر آنچه در جهان هست تحت امر اوست، دیگر دل به دیگران نمی بندیم و ریا و خودنمایی در مقابل دیگران برایمان لذتی نخواهد داشت.

بنابراین بر مریبان لازم است با تقویت مبانی اعتقادی و توحیدی در متریان، زمینه کسب و حفظ اخلاص را در آنان فراهم کنند.

## 2-2-1-4 موانع گرایشی

### اشاره

شماری از موانع گرایشی تربیت عبارتند از: هوای نفس، ضعف انگیزه، ضعف اراده و کم همتی، خودپسندی، خودرایی، ناامیدی از خدا، ترس بی جا، دنیاگرایی، طمع، شهوت و لذت گرایی، راحت طلبی، خشم و غضب بی جا، احساس حقارت، عادت های ناشایست، لجاجت و تعصب بی جا، شیفتگی بی منطق، احساس بی نیازی از خدا، فرومایگی کم رویی، بخل، افسوس گذشته و اندوه آینده، آرزوهای دور و دراز و بیهوده، برتری طلبی، جاه طلبی و خود محوری.

تفصیل بحث پیرامون همه این موانع در این مجال میسر نیست، لکن به برخی از مهم ترین آن ها اشاره می شود:

### الف. هوای نفس و حب نفس

یکی از موانع اصلی در رشد اخلاقی و معنوی انسان، پیروی از خواهش ها و هواهای نفسانی است.

(يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَى فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ هُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ). (2)

(وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى، فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى). (3)

ص: 211

1- ثمره العلم إخلاص العمل. (غرر الحکم، ص 328، ش 55)؛ إخلاص العمل من قوة اليقين وصلاح النية. (همان، ص 70،

ش 1348)

2- ص، آیه 26.

3- نازعات، آیه 40 و 41.

درون انسان، همواره دو گرایش و کشش در ستیزند: عقل و نفس؛ اگر هوای نفس بر عقل غلبه یابد و آن را اسیر خواسته خود کند، نفس جولانگاهی برای انحراف از حق می گردد و موجب سقوط و شقاوت ابدی می شود، ولی اگر به عقل بها داده شود، برخاسته نفس مسلط می گردد و آن را تحت مدیریت خود قرار می دهد. با به کارگیری عقل در تربیت، رشد تدریجی انسان شروع شده و کم کم شرح صدر پیدا کرده و زمام امور خویش را به دست می گیرد. راه ورود معارف الهی به قلب، گوش و دل باز است؛ به شرطی که با پیروی از هواهای نفسانی،

مهر نخورده باشند. (1)

امام خمینی قدس سره در اهمیت رهایی از هوای نفس می نویسند :

ای عزیز! مغرور مشو و بدان که تا انسان در قید اسارت نفس و شهوات آن است و سلسله های طولانی شهوت و غضب در گردن اوست به هیچ یک از مقامات معنوی و روحانی نایل نمی شود و سلطنت باطنیه نفس و اراده نافذ آن بروز نمی کند و مقام استقلال و عزت نفس که از بزرگ ترین مقامات کمال روحانی است در انسان پیدا نمی شود. (2)

نیز خطاب به فرزندشان می فرماید:

پسرم! ماها که از قافله [ابرار] عقب هستیم یک نکته دلپذیر است و آن چیزی است که به نظر من شاید در ساختن انسان که در صدد خود ساختن است دخیل است؛ باید توجه کنیم که منشا خوش آمد ما از مدح و ثناها و بدآمدنمان از انتقادات و شایع افکنی ها، حب نفس است که بزرگ ترین دام ابلیس لعین است. ماها میل داریم که دیگران ثناگوی ما باشند گرچه برای ما افعال ناشایسته و خوبی های خیالی را صد چندان جلوه دهند و درهای انتقاد، گرچه به حق برای ما بسته باشد یا به صورت ثناگویی درآید. (3)

ص: 212

---

1- (أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ)؛ پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و برگوش او و دلش مهرزده و بردیده اش پرده نهاده است آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد آیا پند نمی گیرید. (جائیه، آیه 23)

2- امام خمینی، چهل حدیث، ج 1، ص 249.

3- امام خمینی، صحیفه نور، ج 22، ص 361 و 361.

یکی از موانع و آسیب‌هایی که ممکن است در مسیر حرکت طلاب علوم دینی به سمت رشد و کمال علمی و معنوی بوجود آید ضعف انگیزه طلبگی می‌باشد. ضعف انگیزه نه تنها به خودی خود یک آسیب جدی به شمار می‌رود، بلکه ممکن است زمینه ساز بروز برخی آسیب‌های اخلاقی، تربیتی و تحصیلی نیز گردد. اینکه افراد هنگام ورود به حوزه‌های علمیه و نیز در ادامه مسیر پرفراز و فرود طلبگی، چه انگیزه‌هایی را دنبال می‌کنند؟ آیت‌الله مجتبی‌تهرانی رحمه‌الله سال 1391 در مراسم افتتاحیه سال تحصیلی حوزه‌های علمیه استان تهران در این رابطه می‌فرماید:

مطلب دیگری در اینجا مطرح است و آن اینکه آن کسی که تازه به تحصیل و طلب علم ارزش می‌دهد چگونه با مسأله انگیزه تحصیل مواجه می‌شود. از طلبه‌هایی که وارد حوزه‌ها می‌شوند سؤال کنید که برای چه آمدی؟ و برای چه درس می‌خوانی؟ این‌جا است که شقوق پیدا می‌کند، انگیزه‌هایشان مختلف است. مثلاً والاترین انگیزه برای به دست آوردن علم را این مطرح می‌کنند که می‌گویند: طلب علم برای علم؛ یعنی می‌خواهم عالم بشوم. ما می‌گوییم این ارزنده است و ارزش هم دارد. یا مثلاً شخصی می‌گوید: می‌خواهم در اجتماع مرتبه رفیعی را پیدا کنم، یا می‌خواهم مرجع تقلید بشوم. می‌گویند بهتر از این می‌خواهی؟ مقامی والاتر و مقدس‌تر از این داریم و البته در جایی هم تنزل می‌کند و پایین می‌آید. در اینجا عده‌ای هستند که بستگی به نظرشان دارد. بعضی نظر بلند هستند اما این‌ها نظرشان پایین است و فرض کنید، می‌گویند: می‌خواهیم حیثیتی پیدا کنیم و امور معیشتی را بگذرانیم. به تعبیر من، وسیله‌ای برای امرار معاش داشته باشیم. اخیراً هم سطح پایین آمده و می‌گویند: برای مدرک درس می‌خوانیم. الآن مدرک را که بگیری چه کار می‌خواهید بکنید؟ می‌خواهند از این راه پول در بیاورند و زندگی و معیشتشان را تأمین کنند. من از شما سؤال می‌کنم: آیا همه این اشخاص ارزش‌هایی را که برای تحصیل علم آمده‌اند؟ آیا این آثار بر این تصمیمات مترتب می‌شود؟ جواب: نه! (1)

در ادامه نیز اشاره داشتند:

در باب مسأله انگیزه برای تحصیل و تدریس، فضلا، طلاب محترم و اساتید معظم باید مراعات این را کنند که این انگیزه برای اینکه حوزه‌های علمیه را از رکود بیرون بیاوریم کمک است. الآن بدترین رکود را داریم. تورم در حوزه‌ها هست، اما پیشرفت نیست. چرا بترسیم؟ عده‌ای طلبه

در این جا جمع شدیم تا از این مسائل بگوییم. آیا طلبه ها آن طور که باید درس بخوانند درس می خوانند؟ استاد می فرمود: «این امانت در دست شما است؛ امانت الهی است، حفظش کنید و حفظش به این است که درس بخوانید». آیا این حوزه ها مثل حوزه های علمیه سابق است و به همان نحو در تحصیل کوشش می کنند؟ ان شاء الله که این طور باشد. اگر کسی از من پرسد من چشمم را روی هم می گذارم و می گویم: ان شاء الله، چون می بینم که غیر از این است. یکی از آثار تصحیح انگیزه برای تحصیل و تدریس که اگر تنزیه شود، الهی شود و برای ترویج دین و تبلیغ دین باشد این است که کمر همت را می بندد و درس می خواند، چون می خواهد ترویج دین کند، اما آن انگیزه در شخص وجود ندارد تا به فعالیت وادارش کند. (1)

اینکه چه عواملی باعث شده حوزه های علمیه با پیشینه طولانی بیش از هزار ساله خود، نتواند همچون گذشته شخصیت ها و بزرگانی چون علامه مجلسی، علامه بحرالعلوم، مقدس اردبیلی، شیخ طوسی، میرداماد، شیخ طبرسی، محقق حلی، ملاصدرا، شیخ انصاری، سیدبن طاووس، شیخ مفید، سید مرتضی، سیدرضی، میرزا جواد ملکی تبریزی، میرزا علی آقا قاضی طباطبایی، حاج شیخ عبدالکریم حائری، آیت الله بروجردی، آیت الله بهاءالدینی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله اراکی، آیت الله مرعشی نجفی، علامه طباطبایی، امام خمینی و آیت الله بهجت (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) را تربیت کند به بررسی بیش تر و دقیق تری نیاز دارد که در این مختصر نمی گنجد، اما با توجه به مطالعات انجام شده و تجارب میدانی، ضعف انگیزه طلبگی یکی از مهم ترین ریشه های این کاستی می باشد. آیا مسأله ضعف انگیزه، به نظام پذیرش و گزینش حوزه مربوط می شود و اینکه در جذب جوانان با استعداد، با انگیزه و دارای پشتکار و عشق به سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناموفق بوده است؟ آیا ایراد متوجه نظام تعلیم و تربیت حوزه است که در تربیت طلاب فاضل، مهذب، بصیر و انقلابی نتوانسته به خوبی به رسالت اصلی خود عمل کند؟ به قول مرحوم آیت الله تهرانی: «حاصل نظام فعلی چیزی شده که تورم در حوزه ها هست، ولی پیشرفت نیست!». به هر حال با وجود تلاش های مستمر و برنامه ریزی های چشم گیر و قابل تحسین مسئولان و

دست اندرکاران حوزه، هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب فاصله زیادی وجود دارد و همکاری همه دستگاه های ذی ربط را می طلبد که در قسمت ارائه راهکارهای تقویت انگیزه، به

ص: 214

1- همان.

اهمیت و نقش بخش های مختلف حوزه اشاره خواهد شد.

در یک رویکرد زمینه یابی، می توان ریشه ضعف انگیزه صحیح طلاب را در دو دسته موانع درونی و بیرونی دنبال کرد:

## موانع درونی

در بیان انگیزه های نادرست برخی افراد برای ورود به حوزه به علل زیر می توان اشاره نمود:

- فرار از خدمت سربازی؛
  - ناکامی در ورود به دانشگاه؛
  - بی کاری و نداشتن شغل (طلبگی را نیز شغلی در کنار سایر مشاغل جامعه دیدن)؛
  - نذر و اصرار والدین و عدم تمایل خود فرد؛
  - باورهای نادرست یا ناقص درباره حوزه و طلبگی؛
  - با هدف رسیدن به پست و مقام های دنیوی؛
  - انگیزه های احساسی محض (به دنبال معنویت بودن، در جست و جوی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودن، عاشق امام جماعت مسجد محله بودن، از لباس آخوندی خوشش آمدن، به خاطر دوست هایی که طلبه شدند و....).
  - مدرک گرایی و....
- همچنین موارد ذیل را نیز می توان به عنوان موانع انگیزشی درونی حین تحصیل در حوزه برشمرد (این موانع و مشکلات معمولاً در طول تحصیل خود را نشان می دهد و به مرور زمان موجب تضعیف انگیزه و استهلاک توان افراد می شود):
- مشکلات روحی و روانی مثل افسردگی، اضطراب، وسواس، کینه ورزی و کدورت و....
  - مشکلات شخصیتی: مثل خودکم بینی، عزت نفس پایین و....
  - ضعف در باورهای دینی؛
  - ضعف در استعداد تحصیلی یا اخلاقی؛
  - ضعف هدف گذاری و برنامه تحصیلی؛

• ترس از سختی ها و ناملايمات زندگي طلبگي؛

• ابهام نسبت به آينده طلبگي و....

### موانع بيروني

• فرايند طولاني نظام آموزشي حوزه؛

• نبود يا كمبود الگوهاي عملي مناسب و در دسترس؛

• حضور كم رنگ بزرگان اخلاقي حوزه در بين طلاب؛

• حضور كم رنگ مديران در مدارس (به جهت اشتغالات فراوان) جاني و نداشتن رابطه صميمانه با طلاب؛

• عدم نظارت دقيق و صحيح اساتيد و مديران بر مراحل رشد و ارتقاي تربيت علمي و معنوي طلاب به دليل تراكم بالاي تدريس يا اشتغالات ديگر؛

• به كارگيري افراد غير متخصص و كم تجربه در جايگاه مسؤلين و كارگزاران و كاركنان حوزه (ضعف هاي مديريتي)؛

• تعطيلات زياد حوزه يا تعطيلي مكرر دروس؛

• مشكلات و بيماري هاي جسمي؛

• مسائل و مشكلات ارتباطي (با دوستان، هم حجره اي ها، اساتيد و كارگزاران مدرسه، خانواده همسر و ...)

• مشكلات معيشتي و مالي؛

• دوست و رفيق ناباب (كه افكارشان با اهداف عالي طلبگي سازگاري ندارد)؛

• فقدان نشاط لازم در فضاي حوزه و مدرسه؛

• نبود يا كمبود اساتيد اخلاق و مشاور در مدارس شهرستان ها؛

• نبود يا كمبود دروس اخلاق جذاب، تأثيرگذار و مستمر؛

• اختلاف نظر و تعارض ارشادات اخلاقي و تربيتي اساتيد اخلاق و مشاوران؛

• كميت گرايي به جاي كيفيت گرايي و رقابت برخي مديران مدارس در جذب و پذيرش



- فقدان وحدت رویه در سیاست های تربیتی مدارس و اعمال سلیقه های مختلف در مسایل تربیتی و اخلاقی؛
- فقدان نظام کارآمد جذب، گزینش و پذیرش و نفوذ افراد بی کفایت یا عناصر ناهنجار به بدنه حوزه؛
- قوانین، مقررات، دستورالعمل ها و آئین نامه های ناکارآمد؛
- فضای فرهنگی حاکم بر جامعه که به تدریج ارزش های اخلاقی در آن کم رنگ می شود. (1)

### ج. ضعف اراده، سستی و تنبلی و کم همتی

براساس آیه کریمه (وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى) (2) که به صورت قانونی کلی در قرآن آمده است، هر کس خواهان پیشرفت تعالی و رسیدن به موفقیت و سربلندی در امور مادی و معنوی است، چاره ای جز کار و تلاش بی وقفه و مستمر ندارد؛ چراکه تن پروری و تنبلی، راه به سعادت ندارد (3) و کسی که آسایش طلب است، کامیاب نخواهد شد. (4) از این رو، طلبه ای که خواهان دست یابی به توفیقات علمی و معنوی است، باید تلاش مضاعفی از خود نشان دهد

و از سستی و تنبلی دوری جسته همت بلند دارد.

امام رضا علیه السلام درباره رابطه مستقیم تلاش و کوشش با موفقیت می فرماید:

(مَنْ سَأَلَ اللَّهَ التَّوْفِيقَ وَلَمْ يَجْتَهِدْ فَقَدْ اسْتَهْزَأَ بِنَفْسِهِ)؛ (5)

کسی که خواهان موفقیت باشد، اما نکوشد، خودش را به باد تمسخر گرفته است.

ص: 217

- 1- به منظور تقویت انگیزه طلاب، کتاب «213 راهکار جهت تقویت و ارتقای انگیزه طلبگی» از سوی مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب تدوین و در پاییز 1393 منتشر شده است.
- 2- و اینکه برای مردم، پاداشی جز آن چه خود کرده اند، نیست. (نجم، آیه 39)
- 3- امیرالمومنین علیه السلام: هِيَهَاتَ مِنْ نَيْلِ السَّعَادَةِ السُّكُونُ إِلَى الْهُوَيْنَا وَ الْبَطَالَةَ؛ چه دور است میان آسایش و تن پروری و رسیدن به خوشبختی. (تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ح 10028)
- 4- امیرالمومنین علیه السلام: أَفَّهَ التُّجِّحِ الْكَسَلُ؛ آفت کامیابی، سستی و تنبلی است. (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص 181)
- 5- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 2، ص 342، ح 2951.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

(مَنْ أَرَادَ فِي الْعِلْمِ رُشْدًا فَلَمْ يَزِدْ فِي الدُّنْيَا زُهْدًا لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا)؛ (1)

هر کس بر علم خود افزود، ولی بر زهد در دنیا افزایش نداد، جز دوری از خدا عایدش نشده است.

علی علیه السلام نیز می فرماید:

(حب الدنيا يفسد العقل ويصم القلب عن سماع الحكمة ويوجب أليم العقاب)؛ (2)

حب دنیا عقل را فاسد می کند و گوش قلب را از شنیدن سخن حکمت کر می سازد.

امام صادق علیه السلام می فرمایند:

(إِذَا رَأَيْتُمُ الْعَالِمَ مُجِبًا لِدُنْيَاهُ فَاتَّهَمُوهُ عَلَى دِينِكُمْ فَإِنَّ كُلَّ مُحِبِّ لِدُنْيَا يَحُوطُ مَا أَحَبَّ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا تَجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ عَالِمًا مَفْتُونًا بِالدُّنْيَا فَيَصِدَّ دَكَ عَنْ طَرِيقِ حَبَّتِي فَإِنَّ أَوْلَيْكَ قُطَاعَ طَرِيقِ عِبَادِي الْمُرِيدِينَ إِنَّ أَدْنَى مَا أَنَا صَانِعٌ بِهِمْ أَنْ أَنْزَعَ حَلَاوَةَ مَنَاجَاتِي عَنْ قُلُوبِهِمْ)؛ (3)

فرمود: هرگاه دیدید عالم دوست دار دنیا است او را نسبت به دین خود متهم دانید، زیرا هر که چیزی را دوست دارد همان محبوب خود می گردد، فرمود: خدا به داود وحی کرد: میان من و خودت عالمی که فریفته دنیا است واسطه مکن تا تو را از راه دوستی من باز دارد، زیرا آنان راهزن های بندگان خواهان من هستند. کمتر چیزی که من با اینان کنم این است که شیرینی مناجات خودم را از دلشان برکنم.

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْفُقَهَاءُ أُمَّتَاءُ الرَّسُولِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا دُخُوهُمْ فِي الدُّنْيَا؟ قَالَ اتَّبَاعُ السُّلْطَانِ، فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ فَاحْذَرُوهُمْ عَلَى دِينِكُمْ)؛ (4)

فقها تا هنگامی که وارد دنیا نشده اند امین های پیغمبرانند. عرض شد یا رسول الله! معنی ورودشان در دنیا چیست؟ فرمود: پیروی سلطان، پس چون چنین نسبت بدینتان از ایشان برحذر باشید. امام خمینی قدس سره در اشاره به یکی دیگر از موانع تهذیب نفس خطاب به فرزندشان می فرماید:

پسرم! هیچ گاه دنبال تحصیل دنیا اگر چه حلال او باشد مباش که حب دنیا گرچه حلالش باشد

ص: 218

1- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 2، ص: 37.

2- تمیمی آمدی، همان، ص 65.

3- کلینی، الکافی، ج 1، ص 46.



راس همه خطیاست چه خود حجاب بزرگ است و انسان را ناچار به دنیای حرام می کشد. (1)

### 3-1-4 عوامل و موانع توانشی - رفتاری

#### اشاره

منظور از عوامل توانشی - رفتاری هم قابلیت ها و توانایی هایی در فرد متربی است که منشأ رفتارهای او هستند و هم حالت هایی که نتیجه و حاصل رفتارهای اویند و می توانند در تربیت او اثری مثبت داشته باشند. (2)

### 1-3-1-4 عوامل توانشی - رفتاری

#### اشاره

ایمان و عمل صالح، تقوا، صبر و استقامت، شکر و رضا، توکل و مناعت طبع، عمل به دانسته ها، ورزش و فعالیت بدنی، تفریح سالم، نظم، بهداشت فردی، بهداشت روانی و... را می توان از عوامل مهم توانشی و رفتاری دانست. در واقع اهتمام به آراسته شدن متربی به زیور فضائل انسانی و اخلاقی، راه را برای رشد معنوی و تهذیبی وی هموار می کند. در ادامه به برخی از این موارد با تفصیل بیشتری اشاره می شود.

#### الف. ایمان

ایمان به معنای سکون، آرامش و ضد خوف و ترس است. منظور از آن، تصدیق و اعتقاد قلبی است، آنگونه اعتقاد و باوری که جان آدمی را از کفر، شرک و بیماری های روحی در امان نگاه دارد. (3) ایمان مهم ترین گام در حرکت به سوی اخلاق و ارزش های اخلاقی شمرده شده است. خداوند رمز فلاح و رستگاری را در ایمان معرفی کرده و می فرماید:

(قد أفلح المؤمنون)؛ (4)

قطعا مؤمنان رستگارند.

در فرهنگ اسلامی، ایمان همان گرایش عقیدتی به خداست که تا عمق دل نفوذ می کند و تمام رفتار، اخلاق و اندیشه های انسان را جهت می بخشد. در این باره، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید:

ص: 219

1- امام خمینی قدس سره، صحیفه نور، ج 22، ص 364.

2- گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، پاورقی ص 394.

3- طباطبایی، المیزان، ج 1، ص 43.



(لَيْسَ الْإِيمَانُ بِالْتَّحَلِّيِّ وَلَا بِالْتَّمَنِّيِّ، لَكِنَّ الْإِيمَانَ مَا خَلَصَ فِي الْقَلْبِ وَصَدَّقَهُ الْأَعْمَالُ)؛ (1)

ایمان به صرف ادعا و آرزو نیست، بلکه ایمان آن است که خالصانه در جان و دل قرار گیرد و اعمال هم آن را تایید کند.

جایگاه ایمان، نفس و قلب آدمی است. در قلب، بینش‌ها، گرایش‌ها، نگرش‌ها، منش‌ها، صفات و انگیزه‌های انسان شکل می‌گیرد. سازوکار این تأثیر و تأثر به گونه‌ای است که ایمان به مبدأ و معاد در رأس حالات و گرایش‌های فرد قرار می‌گیرد و از این طریق، برده‌های دیگر اثر می‌گذارد. انسان بر اساس ایمان، از حالات روان‌شناختی خاصی مثل توکل، امید، ایثار و سرور برخوردار می‌شود و به هدف زندگی بیش‌خاصی پیدا می‌کند. این‌ها نیز به نوبه خود، تعیین‌کننده نگرش‌های اعتقادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خواهند بود. با استفاده از همین نگرش‌ها، به شغل، غریزه جنسی، ازدواج، تحصیل، آزادی، خوردن و آشامیدن، لباس و مسکن و مرکب، زینت، جمال، مال، فرزند، عواطف و احساسات (خشم و خشنودی، غم و شادی، ترس و امنیت، یأس و امید) رفتار متناسبی از خود نشان می‌دهد. بنابراین، با توجه به نقشی که ایمان در زیرساخت‌های رفتار انسان دارد، باید در تربیت دینی و ایمان فرد کوشید و برایمان، که منشأ رفتارهای دینی است، تأکید و آن را از آسیب‌ها پاسداری کرد. بنابراین سازوکار این تأثیر و تأثر را میتوان چنین تبیین کرد: چون ایمان ترکیبی از شناخت و گرایش است و جایگاه آن نفس (قلب) انسان است، از این طریق شوق و اراده انسان را جهت داده و در نتیجه، رفتاری متناسب با خود را بروز می‌دهد ایمان بینش ویژه‌ای از خالق و مخلوق و ارتباط انسان با موجودات عالم ارائه می‌نماید. این بینش و گرایش‌های درونی هر کدام زمینه ساز رفتارهای انسان در ارتباط با خداوند و ارتباط انسان با خود و دیگران می‌شوند. به دنبال تکرار این رفتارها در موقعیت‌های مشابه، ملکات و صفات انسان شکل می‌گیرد. هر چند حقیقت‌طلبی و تمایلات لذت‌جویانه و سعادت‌خواهانه در انسان ذاتی است و ریشه فطری دارد، اما شناخت ایمانی، آن‌ها را به سمت و سوی خاصی هدایت می‌کند و بر شیوه ارضای غرایز تأثیر می‌گذارد.

ص: 220

حتی خورد و خوراک انسان را به سوی تقرب الی الله و انجام عبادت خداوند سوق می دهد. (1)

## ب. تقوا

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

(مَنْ رُزِقَ تَقًا فَقَدْ رُزِقَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ)؛ (2)

هر کس تقوا روزی اش شود، خیر دنیا و آخرت روزی او شده است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود:

(إِنَّ التَّقْوَى مُنْتَهَى رِضَى اللَّهِ مِنْ عِبَادِهِ وَحَاجَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِنَّ أَسْرَرَتُمْ عِلْمَهُ وَإِنْ أَعْلَنْتُمْ كِتَابَهُ)؛ (3)

نهایت خشنودی خداوند از بندگانش و خواسته او از آفریدگانش تقواست، پس تقوا از خداوندی بکنید که اگر پنهان کنید می داند و اگر آشکار سازید می نویسد.

امام خمینی قدس سره در باب اهمیت تقوا و تهذیب نفس در زندگی طلبگی می فرماید:

این اصطلاحات هر چه زیادتر شود، اگر با تهذیب و تقوی همراه نباشد، به ضرر دنیا و آخرت جامعه مسلمین تمام می شود. تنها دانستن این اصطلاحات اثری ندارد. علم توحید هم اگر با صفای نفس توأم نباشد و بال خواهد بود. چه بسا افرادی که عالم به علم توحید بودند و طوایفی را منحرف کردند. چه بسا افرادی که همین اطلاعات شما را به نحو بهتری دارا بودند، لیکن چون انحراف داشتند و اصلاح نشده بودند وقتی وارد جامعه گردیدند بسیاری را گمراه و منحرف ساختند. این اصطلاحات خشک اگر بدون تقوی و تهذیب نفس باشد، هر چه بیشتر در ذهن انباشته گردد کبر و نخوت در دایره نفس بیشتر توسعه می یابد و عالم تیره بختی که باد نخوت بر او چیره شده نمی تواند خود و جامعه را اصلاح نماید، و جززیان برای اسلام و مسلمین نتیجه ای به بار نمی آورد و پس از سال ها تحصیل علوم و صرف وجوه شرعی، برخوردار از حقوق و مزایای اسلامی، سد راه پیشرفت اسلام و مسلمین می گردد و ملت ها را گمراه و منحرف می سازد و ثمره این درس ها و بحث ها و بودن در حوزه ها این می شود که نگذارد اسلام معرفی گردد، حقیقت قرآن به دنیا عرضه

شود بلکه وجود او ممکن است مانع معرفت جامعه نسبت به اسلام و روحانیت گردد. (4)

ص: 221

1- ر.ک: موسوی نسب، ایمان و تأثیر آن بر مبادی رفتار، مجله معرفت شماره 104.

2- پاینده، نهج الفصاحه، ص 769، ح 3015.

3- لیشی، عیون الحکم والمواعظ، ص 154، ح 3358.

4- امام خمینی قدس سره، جهاد اکبر، ص 11 و 12.

سیر تکامل هر موجودی است و انسان وظیفه شناس و مطیع اوامر پروردگار، تابع سنت های الهی به مثابه باغبانی است که در مزرعه روح خود علف های هرز را که مانع رشد خوی های نیکو و استعداد های سازنده انسان ها می شود، از بیخ و بن می کند و تکامل و باروری آن ها را قوت می بخشد (1). (2)

### ج. صبر و استقامت

صبر و استقامت در مسیر پرییج و خم طلبگی، هم در تحصیل علوم و معارف اسلامی و کسب کمالات اخلاقی و معنوی و هم تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم السلام و دفاع از دین (3) یکی از مهم ترین عوامل موفقیت طلبه می باشد. (4)

خداوند متعال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم را در آیات مختلف امر بر صبر و استقامت در امر تبلیغ وحی نموده از جمله می فرماید:

- (وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ). (5)

- (فَاسْتَقِمَّ كَمَا أُمِرْتَ). (6)

- (وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا). (7)

همچنین در وصف مؤمنان نیز می فرماید:

ص: 222

1- عن أمير المؤمنين عليه السلام: ... فَإِنَّ تَقْوَى اللَّهِ دَوَاءٌ دَاءٌ قُلُوبِكُمْ وَبَصْرٌ عَمَى أَفْنِدَتِكُمْ وَشِفَاءٌ مَرَضِ أَجْسَادِكُمْ وَصَلَاحٌ فَسَادِ صُدُورِكُمْ وَطَهْرٌ دَسِّ أَنْفُسِكُمْ وَجَلَاءٌ عِشَا أَبْصَارِكُمْ وَأَمِنْ فَرْعٍ جَاشِدِكُمْ وَضِيَاءٌ سَوَادِ ظُلْمَتِكُمْ...؛ همانا تقوای الهی دوی درد قلب هایتان، بینایی برای کوری دل هایتان، شفا برای بیماری جسمانتان، آبادی برای ویرانی سینه هایتان، پاک کننده ناپاکی های نفسستان، جلای شب کوری چشمانتان، ایمنی از ترس دل هایتان و نور برای سیاهی تاریکی هایتان است. (نهج البلاغه، خ 198)

2- ر.ک: حقانی زنجانی، نقش تقوا در رشد شخصیت انسان، <http://tarbiat.net>

3- (وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ)؛ و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می کردند. (سجده، آیه 24)

4- عن أمير المؤمنين عليه السلام: لَيْسَ شَيْءٌ أَحْمَدُ عَاقِبَةً وَلَا الذُّمُّ مَغَبَةً وَلَا أَدْفَعُ لِسُوءِ آدَبٍ وَلَا أَعُونَ عَلَى دَرِي مَطْلَبٍ مِنَ الصَّبْرِ؛ هیچ چیز بیش از صبر، عاقبتش نیکوتر و فرجامش لذیذتر و بازدارنده تر از ادب و ناشایست و یاری کننده تر برای نیل به مقصود نیست. (تمیمی آمدی غرر الحکم و دررالکلم، ح 7508)

5- نحل، آیه 127.

6- هود، آیه 112.

7- جن، آیه 16



(إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا). (1)

امام خمینی قدس سره در نامه عرفانی خود به فرزندشان مرحوم حاج سید احمد، وی را به استقامت در مسیر حق ترغیب کرده و می فرماید :

پسرم گاهی می بینم از تهمت های ناروا و شایعه پراکنی های دروغین اظهار ناراحتی و نگرانی می کنی، اولاً باید بگویم تا زنده هستی و حرکت می کنی و تو را منشاء تأثیری بدانند انتقاد و تهمت و شایعه سازی علیه تو اجتناب ناپذیر عقده ها زیاد و توقعات روز افزون و حسادت ها فراوان است. آن کس که فعالیت دارد گرچه صد در صد برای خدا باشد از گزند بدخواهان نمی تواند به دور باشد. من خود یک عالم بزرگوار متقی را که تا به ریاست جزیی نرسیده بود برای او جز خیر به حسب نوع نمی گفتند و تقریباً مورد تسالم اهل علم و دیگران بود به مجرد آنکه توجه نفوس به او شد و شاخصیتی دنیاوی و لوناچیز نسبت به مقامش پیدا کرد مورد تهمت و اذیت شد و حسادت ها و عقده ها به جوش آمد و تا در قید حیات بود این مسایل نیز بود و ثانیاً باید بدانی که ایمان به وحدت اله و وحدت معبود و وحدت موثر آنچنان که باید و شاید به قلبت نرسیده. کوشش کن کلمه توحید را که بزرگ ترین کلمه است و والاترین جمله است از عقلت به قلبت برسانی.... (2)

## د. شکر و رضا

### اشاره

مرحوم ملا مهدی نراقی در تبیین اهمیت شکر می فرماید:

شکر برترین مقامات نیکان و عمدۀ توشه مسافران به عالم نور است و آن موجب دفع بلا و باعث افزونی نعمت هاست. و از این رو به آن بسیار ترغیب شده است، و خداوند آن را وسیله ای برای زیادتی نعمت قرار داده است. خدای سبحان می فرماید: (مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ انْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ) (3)؛ خدا به عذاب شما چه کار دارد اگر سپاس دارید و ایمان داشته باشید و می فرماید: (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ)؛ (4) «اگر سپاس دارید نعمت شما را افزون می کنم» و می فرماید: (فَاذْكُرُونِي اذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُون)؛ (5) «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس دارید و ناسپاسی نکنید» و می فرماید: (وَ سَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ)؛ (6) «و سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد» و از آن جا که شکر

ص: 223

1- فصلت، آیه 30.

2- امام خمینی، صحیفه نور، ج 22، ص 360 و 361.

3- نساء، آیه 146.

4- ابراهیم، آیه 7.

5- بقره، آیه 152.

6- آل عمران، آیه 145.

غایت فضائل و مقامات است، هر کسی نمی تواند به آن نائل شود، بلکه وصول به آن جز برای یگانه هایی از رهروان کامل میسر نیست و از این رو پروردگار جهانیان می فرماید: (وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ)؛ (1) «و اندکی از بندگان من سپاسگزارند» و در شرف و فضیلت آن همین بس که یکی از صفات خداوندی است چنانکه خدای سبحان می فرماید: (وَ اللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ)؛ (2) «و خدا سپاس دار و بردبار است». (3)

از نعمت های بزرگ خدا بر بندگانش، نعمت های معنوی مثل نعمت هدایت و ولایت است که انسان باید پیوسته یادآور آن بوده و پیش از ویش از نعمت های مادی و دنیوی سپاس گزار آن ها باشد. چنانکه نعمت طلبگی نیز از این نعمت های معنوی و بزرگی است که خدای متعال به گروه اندکی از بندگان مؤمنش عنایت فرموده و آن ها را در مسیر پیامبران و اولیای الهی علیهم السلام و در زمره سربازان و یاوران حضرت مهدی علیه السلام قرار داده است، در حالی که بسیاری دیگر را که آرزوی چنین نعمتی را داشتند از آن محروم نموده است. توجه دائمی و شناخت حقیقی این نعمت و قدرشناسی واقعی از آن، یکی دیگر از عوامل رشد و کمال طلبه می باشد که اگر چنین نباشد، موجب از دست دادن این نعمت شده و توفیق ادامه این راه از وی سلب می گردد، همان گونه حوزه های علمیه از این جماعت سلب توفیق شده، بسیار به خود دیده است.

حضرت آیت الله مجتهدی رحمه الله می فرمود:

روزی در خیابان می رفتم دیدم یک نفر از طرف بالا به من سلام می کند، سرم را بلند کردم دیدم یک شوfer تریلی است که در جوانی هر دو طلبه بودیم و او هم مباحثه من! چقدر ما باید خدا را شکر کنیم که طلبه شده ایم و در راه دیگر نرفتیم، اگر خدا را شکر نکنی، سلب توفیق از تو می شود، شکر خدا هم به اینست که از همه چیز به جا استفاده کنی و این نعمت هایی که خدا به تو داده قدردانی کنی و از آن ها استفاده خوب کنی. (4)

و اینکه به پاس این نعمت الهی بر سختی ها، محرومیت ها و ناامایمات مسیر و زندگی طلبگی شکایا بوده و لب به شکوه و ناله نگشاید و چون خود را رهرو راه انبیاء علیهم السلام و سرباز امام زمان علیه السلام

ص: 224

1- سبأ، آیه 13.

2- تغابن، آیه 17.

3- مجتبی، علم اخلاق اسلامی ترجمه جامع السعادات، ج 4، ص 303.

4- برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص 447.

دید و این حقیقت را با تمام وجود باور کرد، دشواری ها و تلخی های راه به کامش شیرین خواهد شد. چنانکه با مطالعه سیره بسیاری از بزرگان حوزه به روشنی می توان به این امر پی برد. حضرت آیت الله مجتهدی در این زمینه خاطره ای نقل کرده، می فرماید:

یادم می آید که هجده ساله بودم و شب عید بود و من در مدرسه فیضیه قم تحصیل می کردم و چون ایام تعطیلات بود لذا تمام رفقا به شهرستان های خود رفته بودند، چون تنها بودم، تخم مرغ درست کرده و شروع به خوردن کردم. در همین حال به فکر افتادم که الآن خانه ما پلو می خورند. خودم را موعظه کردم و گفتم عیب ندارد همین را بخور، درست را بخوان، مسجد و حرم برو، نماز شب بخوان، همین امور بهتر است، زیرا تحمل سختی ها انسان را به مقصد می رساند. (1)

مرحوم نراقی در بیان حقیقت شکر می نویسند:

از آن جا که حقیقت شکر عبارت است از شناخت اینکه همه نعمت ها از خداست همراه با صرف نعمت ها در جهت محبت و رضای خدا، پس شکر هر نعمتی این است که آن را از جانب خدا بدانی و در راهی که او دوست دارد مصرف کنی. و شکی نیست که این معرفت و این به کار بردن نیز نعمتی از خداست ... بنابراین، شکر هر نعمتی خود نعمت دیگری است از خدا که محتاج به شکر دیگر است ... و همچنین تا بی نهایت... پس غایت شکر بنده این است که بداند از ادای حق شکر خدای تعالی عاجز است .... و این است نهایت آنچه برای بنده ممکن است. گواه این معنی این روایت است که: «خدای عزوجل به موسی علیه السلام وحی فرمود: ای موسی حق شکر مرا به جا آور، گفت: پروردگارا چگونه حق شکر تو را بجای آورم و حال آنکه هیچ شکری نیست که به آن تو را شکر کنم مگر آنکه آن نیز نعمتی از توست؟ فرمود: ای موسی اکنون مرا شکر کردی که دانستی این هم از من است». (2)

### راه تحصیل صفت شکرگزاری

- معرفت و تفکر در صنایع الهی و انواع نعمت های ظاهری و باطنی و عمومی و خصوصی او؛
- نظر کردن به پائین تر از خود در امر دنیا و به بالاتر از خود در امر دین؛
- حضور در گورستان و یادآوری این که مردگان بیش از همه چیز دوست دارند و از خدا می خواهند که به دنیا برگردانده شوند و متحمل ریاضت و مشقت عبادت ها گردند تا در

ص: 225

1- همان ص، 463.

2- مجتبی، علم اخلاق اسلامی، ترجمه جامع السعادات، ج 4، ص 308 و 309.

آخرت از عذاب رهایی یابند یا بر ثواب آنان افزوده شود و درجاتشان بالاتر رود. پس باید خود را از ایشان بینگارد که دعای او به اجابت رسیده و به دنیا بازگشته است، پس بقیه عمر خود را صرف اموری کند که مردگان برای آن خواستار بازگشت به دنیا هستند؛

● بعضی از آنچه را که در ایام عمر بر او روی داده از مصیبت های بزرگ و بیماری های صعب که به سبب آن ها گمان هلاک خود می برد به یاد آورد و چنین فرض کند که هلاک شده و زندگانی و نعمت های کنونی خود را غنیمت بشمارد و خدا را بر آن شکر کند و از آنچه بر او وارد می شود و مخالف طبع اوست رنجور و اندوهگین نگردد؛

● در هر مصیبت و بلائی از مصائب و بلاهای دنیا شکر کند که مصیبتی بزرگتر از آن به او نرسیده و مصیبتی در دین بر او وارد نشده است. و از این رو عیسی علیه السلام در دعای خود گفت: «خدایا مصیبت مرا در دینم قرار مده؛»

● نیز از این جهت که هر مصیبتی عقوبت گناهی است که از او سرزده، هرگاه این عقوبت به او برسد از عقوبت آخرت نجات می یابد، چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هرگاه بنده گناهی کند و سختی یا بلائی در دنیا به او رسد خدا کریم تر از آن است که دوباره او را عذاب کند» ... پس باید خدا را بر این عقوبت زودرس و عدم تأخیر آن به آخرت شکر کند؛ .

● و از این رو که ثواب آن مصیبت بالاتر از خود آن است و آن پاداش بهره او شده باید خدا را سپاس دارد؛

● و نیز از این جهت که هر مصیبتی محبت دنیا و میل به آن را در دل می کاهد و شوق به آخرت و لقای خدای سبحان را می افزاید ....

(1)

**ه- . توکل**

**اشاره**

از امور مهم دیگری که در تحصیل کمالات علمی و معنوی طالب علم بسیار مؤثر است، توکل بر خداوند متعال است که در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام بر آن تأکید فراوان شده است. «توکل عبارت است از اینکه انسان زمام تصرف در امور خود را به دست غیر خود [یعنی خداوند

ص: 226

1- همان، ص 345 و 346.

متعال] دهد و تسلیم او شود که هرچه او صلاح دید و انجام داد، همان را صلاح خود بدانند». (1)

در روایت وارد شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم از جبرئیل علیه السلام پرسید توکل چیست؟ جبرئیل علیه السلام عرضه داشت:

(الْعِلْمُ بِإِنَّ الْمَخْلُوقَ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ وَلَا يُعْطَى وَلَا يَمْنَعُ وَاسْتِعْمَالُ الْيَأْسِ مِنَ الْخَلْقِ)؛ (2)

توکل عبارت است از علم به این که مخلوق نه ضرر می زند و نه نفع می رساند، نه می بخشد و نه باز می دارد و عبارت از مأیوس بودن از خلق است.

همه مردم به ویژه طالب علم، باید در کسب و تقویت این صفت در خود بکوشند؛ زیرا توکل یگانه مایه دل گرمی و تنها مشوق بر تحصیل و تحمل سختی ها و محرومیت های بسیار در مسیر پرفراز و نشیب طلبگی است. شهید ثانی رحمه الله در این باره می نویسد:

پس آنچه بر معلم و شاگرد، پس از پاک سازی و تصفیه باطن و جان و روان از رذائل اخلاقی و به کارگرفتن علم، لازم و ضروری است این است که سراپای وجودش را از درون و بیرون، متوجه خدا کند و در تمام شئون زندگانی به او متکی باشد و فیض را از پیشگاه الهی درخواست کند؛ زیرا علم، همانگونه که از امام صادق علیه السلام نقل شد: «از رهگذر کثرت تعلم به دست نمی آید؛ بلکه علم عبارت از نوری است که خداوند در جان کسی می افکند که خواهان هدایت او است» و او باید برخدا توکل کند و بر علل و اسباب طبیعی و دنیوی تکیه نکند که (اگر این عالم و دانشمند در شئون مختلف زندگانی، صرفاً به علل و اسباب دنیوی متکی باشد و امور زندگانی خود را به همان ها واگذار نماید) همین علل و اسباب به صورت بارگران و کمرشکن بردوش او سنگینی می کند. و بر آفریده های خدا نیز متکی نباشد؛ بلکه باید زمام امور خود را - در زندگانی و رزق و روزی و امثال آن ها - به خداوند متعال واگذار نمایند تا از این رهگذر نفحات قدس الهی و الطاف پاکیزه پروردگار و لحظات انس و الفت با خداوند، بر آن ها تجلی کند و در نتیجه، مشکلات آنان حل، منظورشان تأمین و امور زندگانی شان اصلاح شود. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده که فرمود: «خداوند متعال عهده دار روزی طالب علم می باشد و روزی او را به طور خاص و متفاوت از دیگران تضمین می کند»؛ یعنی سایر

ص: 227

1- طباطبایی، المیزان، ج 12، ص 343.

2- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 66، ص 373.

طبقات مردم در کسب اسباب معیشت و زندگانی به سعی و کوشش نیاز دارند تا روزی خود را بدست آورند در حالی که طالب علم به چنین تلاشی مکلف نیست، بلکه او باید در پی دانش باشد. اگر از حسن نیت و اخلاص در اراده برخوردار باشد، خداوند متعال، هزینه زندگانی او را کفایت می کند. (1)

البته، صفت توکل به دست نمی آید جز آن که انسان به یقین بداند که غیر از خدا هیچکس قدرت بر هیچ کاری ندارد و تا عنایت و لطف او نباشد، هیچ موجودی نمی تواند کوچک ترین گرهی را باز کند. قرآن کسانی را که به خدا ایمان دارند و بر او توکل می کنند از دایره سلطنت شیطان خارج می داند؛ اما آنانی که مشرک به خدا بوده و شیطان را ولی خود می دانند، تحت سلطه شیطان هستند. (2)

(وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ)؛ (3)

هر کس بر خدا توکل کند، پس خداوند او را کفایت می کند و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

(من انقطع الى الله كفاه الله كل مؤونة ورزقه من حيث لا يحتسب و من انقطع الى الدنيا وكله الله اليه)؛ (4)

هر کس به سوی خدا وابسته باشد، خدا همه کارها و حاجات او را کفایت می کند و از جایی که گمانش نمی رسیده روزی اش تأمین می شود و هر کس به دنیا وابسته گردد، خدا او را به دنیا وا می گذارد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز فرمودند:

ص: 228

1- فمما يلزم كل واحد منهما بعد تطهير نفسه من الرذائل المذكورة وغيرها توجيه نفسه إلى الله تعالى والاعتماد عليه في أموره وتلقى الفيض الإلهي من عنده فإن العلم كما تقدم من كلام الصادق عليه السلام «ليس بكثرة التعلم وإنما هو نور من الله تعالى ينزله على من يريد أن يهديه» وأن يتوكل عليه ويفوض أمره إليه ولا يعتمد على الأسباب فيوكل إليها وتكون وبالا عليه ولا على أحد من خلق الله تعالى بل يلقي مقاليد أمره إلى الله تعالى في أمره ورزقه وغيرهما يظهر عليه حينئذ من نفحات قدسه ولحظات أنسه ما يقوم به أوده ويحصل مطلبه ويصلح به أمره وَقَدْ وَرَدَ فِي الْحَدِيثِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ «أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ تَكْفَّلَ لِطَالِبِ الْعِلْمِ بِرِزْقِهِ خَاصَّةً عَمَّا صَدَّ مِنْهُ لِعَیْرِهِ»؛ بمعنى أن غيره يحتاج إلى السعي على الرزق حتى يحصل غالبا وطالب العلم لا يكلفه بذلك بل بالطلب وكفاه مؤونة الرزق إن أحسن النية وأخلص العزيمة (شهيد ثاني، منية المريد، ص 159 و 160).

2- (إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ)؛ چرا که او [شیطان] را بر کسانی که ایمان آورده اند و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی نیست، تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی بر می گیرند و بر کسانی که آن ها به او [خدا] شرک می ورزند. (نحل، آیه 99 و 100)

3- طلاق، آیه 3.

4- پاینده، نهج الفصاحه، ص 731، ح 2796.

(مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ)؛ (1)

هرکس بر خدا توکل کند، سختی ها در برابرش ذلیل و اسباب بر او آسان می شود .

### راه تحصیل صفت توکل

بعد از تقویت توحید و اعتقاد به اینکه همه امور مستند به خدای سبحان است و برای دیگری دخالتی در آن ها نیست این است که آیات و اخبار مذکور را که دلالت بر فضیلت و ستایش آن دارد و این را که توکل باعث رستگاری و کفایت امور اوست به یاد آورد، سپس متذکر شود که خدای تعالی او را از نیستی به هستی آورده و خلعت وجود به او پوشانیده و آنچه را بدان نیازمند بوده برای وی آماده ساخته است و او به بندگان خود از مادر به فرزند خود مهربان تر است و کفایت اهل توکل را تعهد و ضمانت نموده، پس محال است که بعد از این او را ضایع و مهمل گذارد و مهمات او را کفایت نکند و آنچه بدان نیاز دارد به او نرساند و آنچه به وی آزار و زیان می رساند از او دفع نکند؛ زیرا خدای سبحان از عجز و نقص و خلف وعده و سهو پاک و منزه است.

و سزاوار است که حکایاتی را به یاد آورد که مشتمل بر شگفتی های صنع خدا در رساندن روزی به بندگان و دفع بلاها و بدی ها از بعضی از ایشان است و سرگذشت هایی را متذکر شود که متضمن عجایب قهرالهی در تباہ کردن اموال توانگران و خوار ساختن قدرتمندان است، و چه بسا بندگان که مال و سرمایه ای نداشتند و خداوند به آسانی به آن ها روزی می رساند، و چقدر مالدارانی که ثروت و سرمایه از کف دادند یا اموال آن ها به دزدی رفت و تهی دست و بینوا شدند و بسی نیرومند صاحب خدم و حشم و شوکت و سطوت که بی سببی آشکار عاجز و خوار و زبون گشتند، و بسا ذلیل و ناتوانی که قوت و استیلا یافتند.

و هر که در این مطلب تأمل کند می داند که امور به دست قدرت خداوند است، پس باید بر او وثوق و اعتماد کند. و ملاک این است که بداند که امور اگر به قدرت خدای سبحان بی دخالت اسباب و وسائط باشد، پس توکل نکردن بر او و اعتماد به دیگری نهایت جهل

ص: 229

است و اگر برای غیر خدای سبحان از وسائط و اسباب دخالت و تأثیری هست، پس توکل از جمله اسباب کفایت امور و برآمدن حاجات است؛ زیرا اخبار و حکایات و تجربه گواهانند بر اینکه هر که بر خدا توکل کرد و به سوی او منقطع شد خداوند امور و حاجات او را کفایت می کند. و همان گونه که نوشیدن آب سبب برطرف شدن تشنگی می گردد و خوردن طعام سبب دفع گرسنگی می شود، همچنین توکل سببی است که مسبب الاسباب برای برآمدن حاجات و مقاصد و کفایت امور و مهمات مرتب ساخته است.

نشانه حصول توکل این است که دل او مضطرب نشود و سکون و آرامش خود را به سبب فقدان اسباب نفع و پدید آمدن اسباب ضرر از دست ندهد. پس اگر سرمایه اش به دزدی رفت یا تجارتش زیان کرد، یا یکی از امور او باز داشته شد و معوق ماند، راضی و خشنود باشد و آرامش و اطمینان خاطر وی متزلزل نگردد، بلکه سکون و آرام دل او قبل و بعد از آن پدیده یکسان باشد. زیرا کسی که به چیزی آرام نگیرد از زوال آن نگران و مضطرب نشود، و هر که به فقدان چیزی آشفته و پریشان گردد به وجود آن آرام دل و اطمینان خاطر یابد.

کوتاه سخن اینکه، اگر طالب علم در مسیر زندگی خود به آنچه وظیفه اش است عمل کند و توکل بر خدا داشته باشد، خداوند او را کفایت نموده و نصرت الهی شامل حالش می شود.

## و. مناعت طبع

در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است که حضرت فرمودند:

(إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوَضَّ إِلَى الْمُؤْمِنِ أَمْرَهُ كُلَّهُمَا وَلَمْ يَقْوَضْ إِلَيْهِ أَنْ يَذِلُّ نَفْسَهُ أَلَمْ تَسْمَعْ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ»، فَأَلْمُؤْمِنُ يُتَّبَعِي أَنْ يَكُونَ عَزِيزًا وَلَا يَكُونَ ذَلِيلًا، يُعِزُّهُ اللَّهُ بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ)؛ (1)

همانا خداوند عزوجل همه کارهای مؤمن را به خودش وا نهاده، مگر اینکه به او اجازه نداده که خود را ذلیل کند. آیا مگر این کلام خداوند عزوجل را نشنیده اید که فرمود: «عزت تنها برای خداست و برای رسولش و برای مؤمنان»، پس سزاوار است که مؤمن عزیز باشد و

ص: 230



خود را خوار و ذلیل نکند، [چرا که] خداوند وی را با ایمان و اسلام عزیزش گردانده است. (1)

نیز علی علیه السلام فرمودند:

(الجوع خیر من الخضوع)؛ (2)

گرسنگی کشیدن بهتر است از سر فرود آوردن [و از مردم چیزی خواستن].

مرحوم آیت الله مجتهدی در اهمیت مناعت طبع برای طلاب و روحانیون می فرماید:

[طلبه و] روحانی باید منبع الطبع باشد و عزت و احترام خود و لباس مقدس روحانیت را حفظ کند؛ زیرا مقام و منزلت مؤمن عظیم است، خصوصاً اگر روحانی و ملبس شد. نقل می کنند که شخصی هفده هزار تومان برای آیت الله شیخ حبیب الله گلپایگانی رحمه الله در مشهد برد تا اینکه خانه ای برای خود بخرد ولی ایشان نپذیرفتند. آن شخص عرض کرد لا اقل پول را قبول کنید و به فقرا بدهید، فرمودند: من مستحق نمی شناسم، شما خودتان به مستحق بدهید. (3)

نیز ایشان به طلاب سفارش می کردند که:

تو هر موقع کار داشتی بنشین و برای خدا بازگو کن نه برای فلان آقا و دفتر فلان شخصیت نامه بنویسی، گرچه اهل عالم همه محتاج یکدیگرند ولی تو بدان که مؤمن عزت دارد و دست حاجت به سوی هر کسی نمی توان دراز کرد. (4)

## ز. عمل به دانسته ها

علم و عمل نیز دارای رابطه تنگاتنگ با یکدیگر هستند، علم مقدمه عمل صالح است و عمل موجب بهره برداری از علم برداشت ثمره آن و گشوده شدن درهای دیگری از حکمت به روی

ص: 231

1- یکی از مدیران موفق حوزه در پاسخ به سؤالی که از وی در مورد مناعت طبع طلبه ها شده بود، می گوید: من بر مناعت طبع و عزت نفس طلبه ها حساسیت زیادی نشان می دهم. وقتی کسی می خواهد وارد حوزه شود، از همان اوایل، اگر احساس کنم که در او رذالت وجود دارد و عزت نفس ندارد، او را مرخص می کنم؛ چرا که عزت نفس از جمله اصول مهم اخلاقی است. طلبه باید عزت نفس و مناعت طبع و عفت داشته باشد. یکی از عوامل موفقیت انبیا این بود که می گفتند: (لا اسئلكم علیه اجرا إِنْ أُجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ) (شعراء آیه 109)؛ انسان از دو لحاظ روی پول خواستن و اجر طلبیدن حساس است: الف. اگر کسی بفهمد که ما در مال و منال او چشم دوخته ایم، طبعاً از ما متنفر می شود، چرا که او به مال و منال خویش محبت شدیدی دارد؛ «انه لحب الخیر لشدید»؛ ب. همه انسان ها از فرد طمع کار بیزارند، حتی اگر مالی از مردم نخواهد و مردم چیزی به او ندهند، باز از او بدشان می آید صرف طماع بودن او، موجب تنفر مردم است. خلاصه این که دو عامل وجود دارد یکی مادی است و دیگری نفسانی است. (ر.ک: ساجدی پگاه حوزه بهمن 1381، ش 4،

ص 4)

2- تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص 73، شماره 1485 .

3- برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص 281.

4- همان، ص 284 .

انسان خواهد بود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم فرمود:

(مَنْ عَمِلَ بِمَا يَعْلَمُ وَرَزَّهُ اللَّهُ عِلْمَ مَا لَمْ يَعْلَمْ)؛ (1)

هر کس به آنچه می داند عمل کند خداوند او را وارث آنچه نمی داند خواهد گردانید.

کنایه از این که نادانسته ها برایش آشکار می شود و خداوند درهای حکمت را بر قلب او می گشاید. مرحوم شیخ کلینی در اصول کافی بابی را تحت عنوان «باب استعمال العلم» باز کرده و روایاتی متعددی را در آنجا نقل می کند که عموم مؤمنین به ویژه اهل علم را به عمل به دانسته هایشان ترغیب می کند و نسبت به ترک عمل و پیامدهای آن هشدار می دهد. بخشی از این روایات در ذیل آورده شده است:

(سَلَّمَ بِنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَدِّثُ عَنِ النَّبِيِّ يُحَدِّثُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي كَلَامٍ لَهُ:

الْعُلَمَاءُ رَجُلَانِ رَجُلٌ عَالِمٌ أَخَذَ بِعِلْمِهِ فَهَذَا نَاجٍ وَعَالِمٌ تَارِكٌ لِعِلْمِهِ فَهَذَا هَالِكٌ وَإِنَّ أَهْلَ النَّارِ لَيَتَأَذُونَ مِنْ رِيحِ الْعَالِمِ التَّارِكِ لِعِلْمِهِ وَإِنَّ أَشَدَّ أَهْلِ النَّارِ نَدَامَةً وَحَسْرَةً رَجُلٌ دَعَا عَبْدًا إِلَى اللَّهِ فَاسْتَجَابَ لَهُ وَقَبِلَ مِنْهُ فَأَطَاعَ اللَّهَ فَأَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ وَأَدْخَلَ الدَّاعِيَ النَّارَ بِتَرْكِهِ عِلْمَهُ وَاتِّبَاعِهِ الْهَوَى وَطُولِ الْأَمَلِ. (2)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْعِلْمُ مَقْرُونٌ إِلَى الْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ عِلْمًا وَمَنْ عَمِلَ عِلْمًا وَالْعِلْمُ يَهْتَفُ بِالْعَمَلِ فَإِنْ أَجَابَهُ وَإِلَّا اذْتَحَلَ عَنْهُ؛ (3)

علم، به عمل پیوسته است. پس هر که عالم باشد، عمل کند و هر که عمل کند عالم باشد. و علم، عمل را آواز می دهد، پس اگر او را جواب داد، می ماند و اگر نه، از او مفارقت می کند.

(عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطْرَعُ عَنِ الصَّفَا). (4)

ص: 232

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 40، ص 128.

2- سلیم گوید شنیدم امیرالمؤمنین را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم خبر می داد که آن حضرت در سخنی می فرمود مردم دانشمند دو قسمند: دانشمندی که علم خود را به کار بسته و این رستگار است و دانشمندی که علمش را کنار گذاشته و این هلاک شده است. همانا دوزخیان از بوی گند عالم بی عمل در اذیتند و میان دوزخیان ندامت و حسرت آنکس سخت تر است که در دنیا بنده ای را به سوی خدا خوانده و او پذیرفته و اطاعت خدا کرده و خدا به بهشتش در آورده است و خود دعوت کننده را به سبب عمل نکردن و پیروی هوس و در ازای آرزویش به دوزخ در آورده است پیروی هوس از حق جلو گیرد و درازی آرزو آخرت را از یاد برد. (کلینی، الکافی، ج 1، ص 45)

3- همان.

4- همان.

همان گونه که در بحث قبلی از نقش استاد در موفقیت طلبه سخن گفته شد، متعلم و طلبه نیز در مقابل استاد وظایفی دارد که رعایت آن ها در رشد و کمال وی بسیار تأثیرگذار خواهد بود.

در اسلام و سیره عملی پیامبر اعظم و اهل بیت علیهم السلام همواره بر تکریم اساتید و علمای راستین تأکید شده است چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند:

(أَكْرَمُوا الْعُلَمَاءَ فَإِنَّهُمْ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ فَمَنْ أَكْرَمَهُمْ فَقَدْ أَكْرَمَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛ (1))

دانشمندان را گرامی دارید که آن ها وارثان پیامبرانند و هر که آنان را احترام کند خدا و رسولش را احترام کرده است.

امام علی علیه السلام نیز فرمود:

(مَنْ وَقَرَ عَالِمًا فَقَدْ وَقَرَ رَبَّهُ؛ (2))

کسی که به عالمی احترام بگذارد، خدا را احترام گذاشته است.

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوقشان می فرمایند:

(وَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَالتَّعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ الْإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ وَالْإِقْبَالُ عَلَيْهِ وَالْمَعُونَةُ لَهُ عَلَى نَفْسِكَ فِيمَا لَا غِنَى بِكَ عَنْهُ مِنَ الْعِلْمِ بِأَنْ تُفْرَغَ لَهُ عَقْلُكَ وَتُحْضِرَهُ فَهَمَّكَ وَتُرَكِّيَ لَهُ قَلْبُكَ وَتُجَلِّيَ لَهُ بَصَرَكَ بِتَرْكِ اللَّذَاتِ وَتَقْصِ الشَّهَوَاتِ وَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ فِيمَا أَلْقَى إِلَيْكَ رَسُولُهُ إِلَى مَنْ لَقِيكَ مِنْ أَهْلِ الْجَهْلِ فَلزِمَكَ حُسْنُ التَّأْدِيَةِ عَنْهُ إِلَيْهِمْ وَلَا تَخُنْهُ فِي تَأْدِيَةِ رِسَالَتِهِ وَالْقِيَامِ بِهَا عَنْهُ إِذَا تَقَلَّدْتَهَا وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ؛ (3))

اما حق سرپرست علمی (استاد) آن است که او را تعظیم کنی، مجلسش را محترم شماری، درست به گفتارش گوش دهی، به او توجه کنی، استاد را در تربیت علمی خود که به آن محتاجی، کمک دهی، فکر را فارغ و ذهن را حاضر سازی، با چشم پوشی از لذت ها و کاستن شهوت ها، قلب را پاک و چشم را جلا دهی و بدانی که در آن درس ها که به تو می آموزد پیک او هستی، با هر جاهلی برخوردی باید پیام استاد را نیکو به گوشش برسانی و چون این رسالت را به عهده گیری در ابلاغ آن و قیام به این وظیفه خیانت نورزی و لا حول ولا قوة الا بالله (4).

ص: 233

1- پاینده، نهج الفصاحة، ص 239، شماره 450.

2- تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ص 632، ش 1050.

3- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 260.

4- همان، ترجمه جنتی، ص 413.

مقام معظم رهبری دام ظلّه ضمن تأکید بر حفظ جایگاه اساتید، می فرمایند:

مسأله بعدی، مسأله نظام رفتاری و اخلاقی حوزه هاست؛ که همین تحول - اگر تحولی انجام می گیرد - باید ناظر به این جهت هم باشد. چند تا سرفصل در این خصوص وجود دارد که من اینجا یادداشت

کرده ام: تکریم اساتید؛ نظام رفتاری و اخلاقی ما در حوزه ها باید در این جهت حرکت کند. تکریم استاد، تکریم عناصر فاضل، به خصوص تکریم مراجع تقلید. هر کسی آسان به حد مراجع معظم تقلید نمی رسد؛ صلاحیت های زیادی لازم است. غالباً مراجع قله های علمی حوزه های علمیه محسوب می شوند. بنابراین احترام مراجع بایستی محفوظ باشد؛ باید تکریم شوند. (1)

و نیز می فرماید:

احترام به استاد هم يك مسأله است. یکی از سنت های رائج حوزه های علمیه، تواضع شاگرد در مقابل استاد بود؛ احترام به استاد. «آداب المتعلمین» می نوشتند، که متعلم در مقابل معلم چه وظائفی دارد و معلم چه حقوقی بر او دارد؛ هم چنان که متقابلاً متعلم بر معلم حقوقی دارد. اینکه استاد بیاید بگوید و برود نه، حرف شاگرد را می شنفتند، گوش می کردند. این ها از قدیم معمول بوده است. در همین زمان ما بعضی از بزرگان بودند، الان هم هستند؛ شاگرد بعد از درس، تا خانه استاد او را همراهی می کرد؛ بحث می کرد، صحبت می کرد، سؤال می کرد. گعده، گعده ی علمی؛ نشست، نشست تحقیقی و سؤال و جواب؛ این ها سنت های خوب حوزه ی ماست. دیگران می خواهند اینها را از ما یاد بگیرند، ما بیائیم اینها را تبدیل کنیم به روش های دیگران که منسوخ و کهنه است؟! پس این سنت ها باید باقی بماند و تقویت شود. تحول به معنای تغییر این ها نیست. (2)

از آیت الله وحید بهبهانی رحمه الله پرسیدند: چگونه به این مقام علمی و عزت و شرف و مقبولیت رسیده ای؟ آقا در جواب نوشت:

من ابداً خود را چیزی نمی دانم و در ردیف علمای موجود به شمار نمی آورم. آنچه ممکن است مرا به این مقام رسانده باشد، این است که هیچگاه از تعظیم و بزرگداشت علما و نام آنان را به نیکی بردن خودداری ننمودم و هیچ وقت اشتغال به تحصیل را تا آن جا که مقدورم بوده ترک نکردم و همیشه آن را بر تمام کارها مقدم می داشتم. (3)

بسیاری از علما و بزرگان حوزه هنگام اسم بردن از اساتید خود از آنان با عظمت و احترام یاد می کردند.

ص: 234

---

1- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و علما، حرم حضرت معصومه علیها السلام، 1389/7/29.

2- همان.

3- مختاری، سیمای فرزندگان، ص 210.

امام خمینی قدس سره که در آثارش به مناسبتی نامی از استادش آیت الله شاه آبادی رحمه الله می برد، می نویسد: «شیخ عارف کامل روحی فدا» و در بیان های به مناسبت شهادت فرزند استاد نوشت: این شهید عزیز... فرزند برومند شیخ ما بود که حقا حقی حیات روحانی به این جانب داشت که با دست و زبان از عهده شکرش بر نمی آیم. (1)

خدمت به اساتید و علما نیز یکی از شیوه های تکریم ایشان است.

امیرالمؤمنی علیه اسلام می فرمایند:

(إِذَا رَأَيْتَ عَالِمًا فَكُنْ لَهُ خَادِمًا). (2)

اگر عالمی را دیدی به او خدمت کن .

از مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری نقل کرده اند:

توفیقاتی که در زندگی نصیب من شد و در پرتو آن ها توانستم حوزه [علمیه قم] را تأسیس کنم، همه مرهون خدمات من به استاد مرحوم سید محمد فشارکی رحمه الله کرده ام. زمانی ایشان به شدت بیمار شدند و من مدت ها در خدمت ایشان بودم و به آن افتخار می کردم . (3)

در سیره آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله نقل است که:

ایشان در مسجد بالاسر کنار مرقد مطهر حضرت معصومه علیها السلام تدریس می کردند. در یکی از روزها هنگام درس، آقا متوجه شدند که یکی از شاگردان ایشان به قبر حاج شیخ عبدالکریم حائری تکیه داده است. با تندى به او فرمودند: آقا به قبر تکیه نکنید، این بزرگان برای اسلام زحمت کشیده اند به آنان احترام بگذارید. (4)

حضرت آیت الله مجتهدی رحمه الله می فرماید:

تجربه نیم قرن من ثابت کرده است که اگر اساتید از تو راضی نباشند به جایی نخواهی رسید، اگر چه در این راه استقامت داشته باشی، ولی با این وجود، خدمات شایانی نخواهی داشت و آثار باقیات الصالحات از خود به یادگار نخواهی گذاشت. (5)

ص: 235

1- همان، ص 225.

2- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 6، ص 489.

3- مختاری، سیمای فرزندگان، ص 223 .

4- www.ghadeer.org

5- برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص 252 .

اهمیت تکریم و احترام اساتید و علماء بیشتر به جهت علوم و معارفی است که این بزرگان در سینه خود دارند و در گفتار و کردار خود را به این معارف آراسته اند. بنابراین به طریق اولی تکریم و تعظیم این علوم و معارف و احترام به کتاب های مربوطه باید مورد اهتمام همگان و به ویژه طلاب علوم دینی باشد.

مرحوم محدث قمی بدون وضو و طهارت حتی دست به جلد کتاب حدیث نمی زد، چه رسد به جملات حدیث. وی هرگاه می خواست حدیث مطالعه کند یا بنویسد با وضو، مؤدب و دوزانو، رو به قبله مینشست و کارش را آغاز می کرد. (1)

برخی از علما برای رعایت ادب در اتاقی که قرآن یا کتاب فقهی و روایی بود نمی خوابیدند و پایشان را به طرف کتاب فقه و حدیث و تفسیر دراز نمی کردند.

مرحوم دربندی که از شاگردان شریف العلماء است به کتابهای علمی زیاد احترام می گذاشت به طوری که تهنیت شیخ طوسی و مانند آن را مثل قرآن می بوسید و بالای سر می گذاشت و می گفت: «کتب احادیث و روایات مانند قرآن محترم است». (2)

شهید ثانی رحمه الله می نویسد :

لازم است به هنگام چیدن کتب، بر حسب ارزش و شرف علوم و نیز حیثیت و اعتبار مؤلفان آن ها، ترتیبی که حاکی از ادب در کیفیت چیدن آن هاست رعایت شود؛ به این معنا که کتاب های پر ارزش را بر روی کتب دیگر بگذارد و به همین گونه به میزان اعتبار آن ها کتاب ها را روی هم بچیند. (3)

## **ی. ورزش و فعالیت بدنی**

### **اشاره**

در آموزه های اسلامی بر تقویت قوای جسمانی تأکید شده و مؤمن قوی و نیرومند مورد ستایش قرار گرفته است (4) و امیرمؤمنان علی علیه السلام نیز در دعای کمیل از خداوند متعال میخ واهد تا جسمی نیرومند برای خدمت به دینش به او عنایت بفرماید. (5)

ص: 236

1- مختاری، همان، ص 227، به نقل از «حاج شیخ عباس قمی، مرد تقوا و فضیلت»، ص 56.

2- همان، ص 228، به نقل از قصص العلماء، ص 109.

3- همان، ص 230، به نقل از منیة المرید، ص 345.

4- مثل المؤمن القوی مثل النخلة و مثل المؤمن الضعیف كخامة الزرع (پاینده، نهج الفصاحه، ص 715، ش 2716).

5- یا رب قو علی خدمتک جوارحی. (شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان)

بنابراین، اهمیت و ضرورت ورزش و فعالیت بدنی بر کسی پوشیده نیست و امروزه یکی از نیازهای اصلی و ضروری انسان معاصر به شمار می آید و متولیان امر و کارشناسان تربیتی همگی بر این امر اذعان و تأکید دارند.

امام خمینی قدس سره در کلام زیبایی در اهمیت ورزش چنین می فرماید:

عقل سالم، در بدن سالم است. ورزش همان طور که بدن را تربیت می کند و سالم می کند، عقل را هم سالم می کند و اگر عقل سالم باشد، تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد. (1)

با توجه به نوع فعالیت روزانه طلاب و روحانیون که بیشتر به کار ذهنی و علمی مشغول بوده و اغلب از تحرک و فعالیت بدنی کمی برخوردار هستند، اهمیت ورزش و تفریح به مراتب بیش تر می شود. به ویژه در مورد طلاب مدارس علمیه که همه نوجوان و جوان و در سنین رشد و هیجان هستند، ورزش یکی از سالم ترین و مؤثرترین روش های تخلیه هیجانی، رفع کسالت و خستگی روحی و روانی و دوری از بیماری های و مشکلات جسمی آن ها به شمار می آید.

سلامت و نشاط جسمی که در اثر ورزش پدید می آید، زمینه ساز سلامت و نشاط روحی و روانی و شکوفایی فضایل انسانی و اخلاقی است؛ چرا که در فرهنگ اسلامی ما بسیاری از توانمندی های جسمانی در کنار آراستگی به فضائل انسانی و اخلاقی است که ارزش پیدا می کند؛ به عنوان مثال نیرومندی و جوانمردی، همواره دوشادوش هم بوده اند. همچنین به سبب فعالیت های ورزشی، انرژی اضافی فرد تخلیه و هیجانات و غرایز جوانی فروکش می کند و ذهن انسان از امیال درونی به سوی واقعیات بیرونی منصرف می شود.

متأسفانه در مدارس که به این ضرورت توجه جدی نمی شود و طلاب تحرک کافی ندارند، شاهد بروز برخی از مشکلات جسمی و ناهنجاری های روحی و روانی و حتی اخلاقی هستیم؛ ضعف های جسمانی، سردردهای عصبی، اضطراب، افسردگی، اختلالات خواب و... از این

قبیل هستند.

پژوهش های متعدد علمی نشان می دهد که از بین عوامل مختلف مثل چاقی، سیگار و... کم تحرکی یک از مهم ترین و در برخی از پژوهش ها اولین عامل بیماری و مرگ و میر در جهان

ص: 237



تحصیل، تهذیب و ورزش همواره توصیه مقام معظم رهبری دام ظلّه به جوانان بوده و در اهمیت ورزش می فرمایند:

یکی از نیازهای اساسی کشور، فراگیر شدن ورزش همگانی میان مردم است.... یکی از نتایج فراگیر شدن ورزش همگانی در میان مردم حل بسیاری از مشکلات اخلاقی جامعه همچون اعتیاد است. (2)

طلبه باید روحیه جوانی را با همه خصوصیات جوانی حفظ کند... این جوانی، نباید به پیری تبدیل شود. اگر جوان ما ظاهراً و سناً جوان، ولی روحیتاً پیر و بی نشاط و بی حوصله و بی ابتکار و ناامید باشد، بسیار چیز بدی است. طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرك باشد. (3)

آیت الله مقتدایی از اعضای محترم شورای عالی حوزه نیز در اهمیت ورزش برای طلاب در بازدید از مجموعه فرهنگی و ورزشی تیپ مستقل رزمی تبلیغی 83 امام جعفر صادق علیه السلام چنین ابراز داشتند:

ورزش باید با زندگی طلاب عجین شده باشد به طوری که روزانه وقتی را به این امر اختصاص دهند... ورزش شادابی و نشاطی در انسان ایجاد می کند که انسان کارهای روزمره، عبادت و تحصیل خود را با شادابی انجام دهد. انسان وقتی حالت تحرکی در درون خود ایجاد کند و بدن را برای قوت و قدرت آماده نماید، می تواند غم ها و غصه ها و کسالت های جسمی را از خود دور کند و هم چنین در تحصیل و کارهای روزمره با نشاط بیش تری وارد شود و اکثر بزرگان ما همواره در این مسیر قدم برمی داشتند. بنابراین، طلاب برای تحصیل و تهذیب، نیاز به نشاط و طراوات روح

ص: 238

1- گسترش فناوری و ماشینی شدن زندگی، کم شدن تحرک جسمانی را برای انسان ها به ارمغان آورده و این در حالی است که 70 درصد از بیماری ها در اثر بی تحرکی بوجود می آیند... کارشناسان معتقدند فعالیت بدنی روی سایر راهکارهای مقابله با بیماری های مزمن به ویژه برنامه غذایی، کاهش مصرف دخانیات، الکل و مواد مخدر اثر مثبت دارد، به کاهش خشونت کمک می کند، توانایی انجام کار را افزایش می دهد و موجب بهبود روابط اجتماعی افراد جامعه می شود. براساس تحقیقات، سن ابتلا به دردهای مفصلی در بیشتر کشورهای جهان 25 سال کاهش یافته است و دلایل آن، شیوه زندگی نامناسب، بی تحرکی در محیط های اداری و نداشتن فعالیت فیزیکی است.... براساس برآورد سازمان جهانی بهداشت در سال 2002 بی تحرکی سبب مرگ 1/9 میلیون نفر در جهان شده است.... در حال حاضر تخمین زده می شود که 60 درصد از جمعیت جهان به اندازه کافی حتی به میزان نسبتاً کم توصیه شده، فعالیت جسمانی ندارند.... بررسی های انجام شده در کشور هم نشان می دهد که 45 درصد ایرانیان دچار فقر حرکتی هستند. (روزنامه پزشکی ایران، [www.iran.pezeshk.us](http://www.iran.pezeshk.us) خبر شماره 34883، مورخه 1392/1/24).

2- بیانات مقام معظم رهبری در مورخه 1391/12/21.

3- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم، 1369/11/04.

دارند که می توانند از طریق ورزش به آن دست پیدا کند... بنده خودم از جوانی ورزش می کردم و در سفری به مشهد مقدس، یک ماه مبارک رمضان در حجره مقام معظم رهبری در مدرسه نواب با هم بودیم که یکی از برنامه های ایشان، ورزش باستانی بود و به طلاب نیز توصیه می کردند که در طول روز وقتی را برای ورزش اختصاص دهند. (1)

## راهکارها و پیشنهادها

بنابراین برای تشویق طلاب به ورزش کردن لازم است اقدامات زیر انجام شود:

- تهیه فضا، امکانات و لوازم ورزشی مورد نیاز برای مدرسه، مثل: میز پینگ پونگ، زمین والیبال، بسکتبال، وسایل عمومی و معمولی بدن سازی و... با توجه به جمعیت طلاب و فضای موجود؛
- تشویق طلاب به ورزش به ویژه ورزش های گروهی؛
- تخصیص سرانه کافی ورزشی برای طلاب مدارس؛
- وارد کردن برنامه ی منظم تربیت بدنی در برنامه ی آموزشی و درسی (اختصاص زنگ ورزش یا ورزش صبح گاهی یا عصرگاهی در مدرسه)؛
- اطلاع رسانی به طلاب درباره ی آثار و برکات ورزش در تهذیب، سلامت جسمانی، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی آنان (از طریق تهیه و توزیع جزوه، بروشور، کتاب، سی دی و پخش فیلم و کلیپ ورزشی میان طلاب)؛
- دعوت از کارشناسان تربیت بدنی، مربیان ورزشی و طلاب ورزشکار و موفق در عرصه ی تهذیب، تحصیل و تبلیغ برای حضور در مدرسه و سخنرانی برای طلاب؛
- آشناسازی طلاب و ترغیب آنان به یادگیری ورزش های اسلامی (سوارکاری، تیراندازی و شنا) و فراهم نمودن امکانات لازم در این زمینه و نهی آن ها از انجام ورزش های غیر شرعی یا متعارض بازی طلبگی و شؤونات روحانیت؛
- پی گیری برای جذب و تهیه امکانات ورزش همگانی که شهرداری ها در اماکن عمومی و پارک ها نصب می کند؛

ص: 239

• تهیه و خرید عمده کفش و لباس ورزشی متناسب با زی طلبگی و فروش اقساطی آن به طلاب مدرسه؛

• برنامه ریزی و تدارک امکانات لازم برای کوهنوردی (1) هفتگی یا ماهانه طلاب (در مناطقی که دسترسی آسان به کوه ممکن است)؛  
• برگزاری کلاس های آموزشی رزمی و دفاع شخصی برای ایجاد انگیزه، نظم و تداوم ورزش طلاب و نیز بالا بردن روحیه و آمادگی جسمی آنان که علی علیه السلام فرمود: یارب قو علی خدمتک جوارحی؛

• برگزاری اردوهای تفریحی ورزشی در روزهای تعطیلی؛

• پخش دعاها، ذکرها، مداحی ها و سرودهای انقلابی و حماسی مناسب با فضای ورزش برای ایجاد انگیزه ی معنوی و نشاط روحی بیشتر؛

• فراهم کردن امکان دسترسی طلاب به باشگاه ها و سالنهای ورزشی بیرون از مدرسه (اگر در مدرسه سالن ورزشی مطلوب وجود ندارد)، البته با اعمال نظارت های لازم و کافی؛

• تشویق طلاب متخلق ورزشکار ..

## ک. تفریح سالم و پاک

### اشاره

امام رضا علیه السلام در بیان اهمیت تفریح سالم و لذت حلال در موفقیت بر انجام وظایف دینی و اجتماعی خود می فرماید :

و اجتهدوا ان یکون زمانک اربع ساعات ساعه الله لمناجاته وساعه لامر المعاش وساعه لمعاشره الاخوان الثقات والذین یعرفونکم ویخلصون لکم فی الباطن وساعه تخلون فیها للذاتکم وبهذه الساعه تقدرن علی الثلاث الساعات؛ (2)

کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد: ساعتی برای عبادت و مناجات با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب هایتان آگاه سازند و در باطن به شما خلوص دارند و ساعتی را هم به تفریحات و لذایذ اختصاص دهید و

ص: 240

1- مقام معظم رهبری دام ظلّه کوهنوردی یعنی عروج به قله هایی که در کشور ما به طور فراوان وجود دارد. کوهنوردی ورزشی است در اختیار همه، باید مردم بروند ورزش کنند؛ باید مردم به این ارتفاعات شمال تهران یا به ارتفاعات فراوانی که در اغلب نقاط کشور وجود دارد، بروند و از این هوای پاک، از این کوهستان خداداده، استفاده کنند.

2- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 75، ص 321.

با این بخش از زندگی، قادر خواهید بود آن سه بخش دیگر را به خوبی انجام دهید.

حضرت در این روایت شریفه تأکید می کنند که با برنامه ریزی و پرداختن به لذت های حلال و تفریح سالم است که انسان می تواند در سه بخش دیگر امور زندگی موفق باشد.

همین یک روایت کافی است تا نقش و اهمیت تربیتی تفریح سالم و حلال در زندگی انسان به ویژه طلاب و روحانیون و خانواده های ایشان، با توجه به محدودیت هایی که نسبت به سایر اقشار مختلف مردم در زمینه امور تفریحی دارند، روشن گردد و حجت بر مسئولین امر تمام شود که بکوشند تدابیر لازم و امکانات مناسب را در این راستا برای آن ها فراهم کنند. رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرمایند:

(خیر لهو المؤمن السباحه و خیر لهو المرأة المغزل)؛ (1)

بهترین سرگرمی مرد مؤمن شنا و بهترین سرگرمی زن بافندگی است.

انجام هر کاری و از جمله عبادات، نیاز به نشاط و آرامش دارد. کسی که غمگین است، حوصله هیچ کاری را ندارد؛ اما افراد با نشاط و شاداب از انجام کارهایشان از جمله عبادات لذت می برند و احساس خستگی نمی کنند، لذا امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند:

(انّ هذه القلوب تمل كما تمل الابدان فابتغوا لها طرائف الحكم)؛ (2)

بدرستی که این دل ها ملول می شوند چنان که بدن ها ملول می شوند، پس برای آن ها حکمت های تازه طلب کنید.

طبق این فرمایش حضرت، دل انسان گاهی خسته و ملول می شود و باید دنبال وسیله ای برای رفع این خستگی و کسالت باشد که حضرت طلب حکمت های تازه را یکی از این عوامل معرفی می کنند. موارد دیگری نیز در روایات بیان شده است؛ از جمله امام باقر علیه السلام از پدرشان و از جدشان علیهم السلام نقل می فرمایند که :

(النَّشْوَةُ فِي عَشْرِ أَشْيَاءَ فِي الْمَسِيِّ وَالرَّكُوبِ وَالْأَزِيمَةِ فِي الْمَاءِ وَالنَّظَرِ إِلَى الْخُضْرَةِ وَالْأَكْلِ وَالشُّرْبِ وَالْجَمَاعَ وَالسَّوَاكِ وَغَسْلِ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِيِّ وَالنَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَةِ الْحَسَنَاءِ وَ مُحَادَثَةِ الرَّجَالِ)؛ (3)

ص: 241

1- متقی هندی، کنز العمال، 40611.

2- تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ص 232، ش 173.

3- شیخ صدوق، الخصال، ج 2، ص 444.

نشاط و شادابی در ده چیز است: در پیاده روی، سوارکاری، در آب فرو رفتن (شنا)، نگاه به سبزه، خوردن، آشامیدن، جماع، مسواک زدن، شستن سر با ختمی، نگاه به زن (همسر) زیباروی، صحبت با مردان (گفت و گوهای دوستانه).

با مروری بر آیات و روایت و آموزه های دینی موارد بسیاری می توان برشمرد که از عوامل ایجاد نشاط و شادابی در انسان معرفی شده اند که به چند مورد آن اشاره شد تلاش برای فراهم نمودن این عوامل در مدارس علمیه، می تواند در رشد علمی و معنوی طلاب بسیار مؤثر باشد.

## راهکارها و پیشنهادها

• برنامه ریزی منظم برای مسافرت های هفتگی ماهانه، فصلی و سالیانه درون شهری و برون شهری؛

برنامه ریزی برای حضور در طبیعت، جنگل، دریا، کویر، کوه و....

• برنامه ریزی برای حضور در اماکن زیارتی و سیاحتی؛

• فضاسازی نشاط انگیز محیط مدرسه؛

• برگزاری پرشور، مفرح و جذاب جشن های مذهبی و ملی در مدرسه؛

• برگزاری ورزش های مفرح گروهی؛ مثل شنا، سوارکاری، تیراندازی، والیبال و....

## 2-3-1-4 موانع توانشی - رفتاری

### اشاره

موانع توانشی - رفتاری، نوعی ضعف و کمبود در قابلیت ها و توانایی های فرد متعلم یا تربیتی است یا حاصل نوعی رفتار او که در تعلیم و تربیت خود او تأثیر منفی دارد. (1) در واقع، تمامی رذائل اخلاقی، هر کدام به نوعی در تربیت انسان مانعیت داشته و تأثیر منفی در رشد معنوی و اخلاقی وی می گذارند. اما به دلیل گستردگی این بحث، از ذکر همه این موانع خودداری کرده و تنها به چند نمونه مهم اشاره می شود.

### الف. شرک و ریا

وقتی انسان در قلب خود، گرایش و تمایل به غیر خدا داشته باشد، نمی تواند رفتار و اعمال

ص: 242

خود را بر اساس احکام خدا و اخلاق اسلامی و مطابق معیارهای دینی استوار کند. (1) قرآن کریم، شرط لقاء الله را عمل صالح و شریک قرار ندادن برای خدا معرفی می نماید. (2) شریک قرار دادن برای خدا، در اثر جهل است و اثر آن حبط اعمال می باشد. (3)

شرک اعتقادی در بحث حاضر مفروغ عنه است و چنین کسی از دایره اسلام و ایمان خارج است چه برسد به طلبگی. اما آنچه برخی از مؤمنین و طلاب گرفتار آن هستند، شرک خفی (4) در عمل و عبادت به معنای نداشتن اخلاص در کارها و عبادات و ریائی انجام دادن آن هاست. شرک خفی در عمل، مانند این است که انسان نماز شب بخواند یا به مستمندی انفاق کند، اما بخواهد که دیگران اعمال او را در این حال ببینند و تحسین کنند.

همان گونه که در بحث اخلاص گذشت، مبارزه با ریا و در حقیقت کسب اخلاص در نیت و عمل از دشوارترین گرده های راه ایمان است که امام خمینی قدس سره خطاب به طلاب می فرماید :

گمان نکنید اکنون که مشغول تحصیل علوم شرعیه می باشید و فقه که اشرف علوم است می آموزید، دیگر راحتید و به وظایف و تکالیف خود عمل کرده اید. اگر اخلاص و قصد قربت نباشد، این علوم هیچ فایده ای ندارد. اگر تحصیلات شما، العیاذ بالله، برای خدا نباشد و برای هواهای نفسانیه، کسب مقام و مسند، عنوان و شخصیت در این راه قدم گذاشته باشید، برای خود وزر و وبال اندوخته اید. این اصطلاحات اگر برای غیر خدا باشد، وزر و وبال است.

انسان به یکی از این سه دلیل ممکن است گرفتار رذیله ریا شود:

• یا در مال و منافع دیگران طمع دارد؛

• یا به دنبال جلب مدح و ستایش دیگران است و آن را دوست می دارد؛

ص: 243

1- اصغری، موانع تربیت دینی از دیدگاه قرآن، فصلنامه راه تربیت شماره 13.

2- ... (فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)؛ ... پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد. (کهف، آیه 110)

3- طباطبایی، المیزان، ترجمه موسوی همدانی، ج 17، ذیل آیه 65 سوره زمر: (وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ)؛ و قطعاً به تو و به کسانی که پیش از تو بودند، وحی شده است اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباه و مسلماً از زیانکاران خواهی شد.

4- (و ما يؤمن اكثرهم بالله الا وهم مشركون)؛ ایمان نمی آورند اكثر مردم مگر این که در همان حال مشرك هستند (یوسف، آیه 106)؛ با توجه به این آیه شریفه، حتی بیشتر مؤمنان نیز گرفتار شرک خفی هستند.

• یا مذمت و ملامت مردم برایش ناخوشایند است.

اگر ریا کار این سه مشکل را حل نماید، دیگر دلیلی برای خودنمایی در مقابل انسان ها وجود نخواهد داشت. انسان عاقل رغبت به کاری که برای او نفعی ندارد پیدا نمی کند و به امری که به حال وی ضرر رساند بیمیل میباید ریا همان ضرر و نبود نفع است؛ زیرا دل بستن به تعریف یا دل گیر شدن از نکوهش مردم نفعی به حال انسان ندارد بلکه ریا موجب بطلان عبادت و مضر می باشد. علاوه این که نظر مردم به اندک چیزی متغیر می شود. رضا و خشنودی آدمیان زودگذر و ناپایدار است و شخص ریاکار مضطرب، دل نگران، متزلزل و مشوش است. در مقابل، اخلاص و چشم نداشتن به مخلوقات، اطمینان و آرامش دل را افزون می کند.

## ب. گناه

اولین و مهم ترین مانع در کسب فیوضات الهی و رشد و بالندگی در مسیر طلبگی و تحصیل علوم دینی گناه و نافرمانی خداوند است.

گناه مقدرات الهی را تغییر می دهد و اسباب ظاهری را بی اثر می سازد؛ خداوند در قرآن می فرماید:

(وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ)؛ (1)

آنچه از رنج و مصایب به شما می رسد، نتیجه اعمال زشت خودتان است.

گناه رابطه مستقیم و منفی با رشد معنوی انسان دارد؛ گاهی ارتکاب گناه موجب می شود انسان از انجام عبادت یا تحصیل علم یا کسب روزی حلال محروم گردد؛ مردی به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: «یا امیرالمؤمنین انی قد حرمت الصلاة باللیل. فقال له امیر المؤمنین علیه السلام: انت رجل قد قیدتک ذنوبک؛ (2) ای امیر مؤمنان توفیق نماز شب ندارم. حضرت فرمودند: تو مردی هستی که گناهان دست و پایت را بسته است.

(عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا مَمْحَقَةٌ لِلْخَيْرَاتِ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَنْسَى بِهِ الْعِلْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ عَلِمَهُ وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَمْنَعُ بِهِ مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ

ص: 244

1- شوری، آیه 30.

2- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 8، ص 161.

الدَّٰنِبَ فَيَحْرَمُ بِهِ الرِّزْقَ وَقَدْ كَانَ هَيِّنًا لَهُ؛ (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم: از گناهان دوری کنید؛ زیرا گناهان خوبی ها را محو می کند. همانا بنده [گاه] گناه می کند و به سبب آن، دانشی را که آموخته بود، فراموش می کند، و بنده [گاه] گناه می کند و از نماز شب محروم می شود و بنده [گاه] گناه می کند و از رزقی که برایش آماده شده بود، محروم می گردد.

به هر جهت توجه به نتایج شوم گناه از جمله عواملی است که می تواند انسان را از گناه باز دارد؛ اینکه بیندیشد، ممکن است گناه او تلاش های مادی، علمی و معنوی اش را بی ثمر کرده او را از رزقش محروم کند .

این کلام نورانی از حضرت امام خمینی قدس سره معروف است که فرمود:

عالم محضر خداست، در محضر خدا معصیت نکنید. (2)

نیز امام قدس سره در توصیه به فرزندشان می فرمایند :

پسرم گناهان را هر چند کوچک به نظرت باشند سبک مشمار «انظر الی من عصیت» و با این نظر همه گناهان بزرگ و کبیره است... هر گناهی گرچه کوچک به گناهان بزرگ و بزرگ تر انسان را می کشد به طوری که گناهان بسیار بزرگ در نظر انسان ناچیز آید. بلکه گاهی اشخاص به ارتکاب بعض کبایر به یکدیگر فخر میکنند و گاهی به واسطه شدت ظلمات و حجاب های دنیوی، منکر به نظر معروف و معروف منکر می گردد. (3)

آیت الله بهجت رحمه الله نیز می فرمایند:

هیچ ذکری بالاتر از ذکر عملی نیست؛ هیچ ذکر عملی، بالاتر از ترک معصیت در اعتقادیات و عملیات نیست و ظاهر این است که ترک معصیت به قول مطلق، بدون مراقبه دائمیه، صورت نمی گیرد. (4)

آیت الله مهدوی کنی رحمه الله نیز در پاسخ به سؤال کسی که از ایشان راهنمایی خواسته بود، فرمودند:

ص: 245

1- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 70، ص 377 .

2- امام خمینی، صحیفه امام، ج 13، ص 461 .

3- امام خمینی، صحیفه نور، ج 22، ص 364 .

4- به نقل از سایت مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله بهجت : <http://www.bahjat.ir> و ساعی، به سوی محبوب، ص 40 .



بنا را بر این بگذارید که گناه نکنید. (1)

بسیاری از علمای ما عمل مکروه و مباح انجام نمی دادند تا چه برسد به حرام؛ به عنوان نمونه، شهید ثانی رحمه الله می نویسد:

صرف عمر در کارهای مباح، هر چند کم، جز زیان چیزی نیست، چه از ثواب می کاهد و درجات انسان را پایین می آورد.

یا در مورد مقدس اردبیلی رحمه الله گفته اند که ایشان در طول چهل سال از او مباحی سر نزد، چه رسد به حرام و مکروه. (2)

### ج . اهمال کاری و تسویف

اهمال کاری یکی از موانع تربیتی و از جمله آسیب های تربیتی است که در آسیب شناسی اخلاقی و تربیتی انجام شده توسط معاونت تهذیب هم بدان اشاره شده است.

روان شناسان در تعریف اهمال کاری گفته اند: اهمال کاری این است که کاری را که تصمیم به اجرای آن داریم به آینده موکول کنیم. در يك کلمه می توان گفت: جوهره این آسیب روانی به تعویق انداختن، تعلل ورزیدن، سبک گرفتن و سهل انگاری در کار است. بنابراین، اهمال هم در امور فردی و هم جمعی معنا و مفهوم پیدا می کند. در نهایت می توان گفت: در همه این معانی نوعی این دست آن دست کردن نهفته است. (3)

در زبان عربی واژه های «کسل» و «ضجر» مرادف اهمال کاری است. عناوینی چون «تهاون» و «إبطاء» چندان دور از این واژه نیستند. دو واژه «مماطله» و «تسویف» نیز مرادف اهمال کاری اجتماعی است که در قول و قرارهای زمانی تحقق پیدا می کند. در کلام صاعد امام سجاد علیه السلام در دعای ابو حمزه این گونه آمده است: «وقد افنیت بالتسویف والآمال عمری»؛ «خدایا من عمرم را به امروز، فردا کردن (در عمل به عهد و پیمانی که با تو داشته ام) و آرزوهای طولانی و بلند گذرانده ام». در دعای کمیل تحت عنوان «مطال» این گونه آمده است: «وخذعتنی

ص: 246

---

1- کلیپ تصویری از مرحوم آیت الله مهدوی کنی سایت خبرگزاری فارس، اول آبان 1393. <http://www.farsnews.com>.

2- ر.ک: مختاری، سیمای فرزندگان، ص 93.

3- ر.ک: آقائهرانی، مقاله «اهمال کاری؛ بررسی علل راه کارها و درمان» نشریه معرفت، شماره 64.

الدنيا بغرورها و نفسی بجنایتها و مطالی؛ «دنيا به وسیله فریفتن خود و تقسیم به جنایت و سهل انگاریش مرا گول زده است». واژه «بطی» به معنی کندی، نیز معنای «اهمال» را می‌رساند. «و ان كنت بطیئا حين يدعونی»؛ گرچه هنگامی که تو مرا به سوی خود خوانده ای، من کندی (سستی) به خرج داده ام». «او لعلك آلف مجالس البطالین فیینی وینهم خلیتی»؛ «خدایا! مبادا مرا مأنوس به هم صحبتی آنان که عمر خود را به بیهودگی می‌گذرانند دیده ای، که توفیق دعا و عبادت را از من گرفته ای؟» و نیز «الهی الیک اشکوا نفساً بالسوء... و تسوفنی بالتوبة»؛ خدایا از تقسیم شکوه دارم که... توبه امروزم را به فردا می‌افکند. امام علیه السلام به روشنی تسویف را از حالات نفس انسانی دانسته اند. (1)

اهمال کاری و تسویف کاملاً با تربیت و تلاش برای کسب توفیقات مادی و معنوی در تضاد است؛ چرا که شخص اهمال کار، هم در کارهای دنیایی و هم در کارهای اخروی خود را به تنبلی زنده و کارهایش را به بعد موکول می‌کند و در انجام واجبات و ترک محرمات سستی می‌ورزد. به فرموده امام علی علیه السلام چنین شخصی به کار مورد نظرش نخواهد رسید و سرانجام بدی خواهد داشت. (2)

از سفارش های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به ابوذر است که می‌فرماید:

(عن رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم : يا اباذر! ایاکَ وَالتَّسْوِيفَ بِأَمَلِكَ ، فَإِنَّكَ بِيَوْمِكَ وَلَسْتَ بِمَا بَعْدَهُ فَإِنْ يَكُنْ غَدًا لَكَ فَكُنْ فِي الْغَدِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ غَدًا لَكَ لَمْ تَتَدَمَّ عَلَى مَا قَرَّطْتَ فِي الْيَوْمِ)؛ (3)

از اهمال بپرهیز که تو برای امروز زنده ای، نه برای فردا. اگر فردایی بود، فردا نیز مثل امروز باش و اگر فردایی نبود، از اهمال و سستی امروز پشیمان نخواهی بود.

امام خمینی قدس سره نیز در این باره می‌فرماید:

از مکاید بزرگ شیطان و نفس خطرناک تر از آن، آن است که به انسان وعده اصلاح در آخر عمر

ص: 247

1- همان.

2- عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ : كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى بَعْضِ أَصْحَابِهِ : ... فَتَدَارِكُ مَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِكَ وَلَا تُقَلُّ غَدًا أَوْ بَعْدَ غَدٍ، فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ بِإِقَامَتِهِمْ عَلَى الْأَمَانِيِّ وَالتَّسْوِيفِ حَتَّى أَتَاهُمْ أَمْرُ اللَّهِ بَعْتَةً وَهُمْ غَافِلُونَ؛ پس ما بقی عمر خویش را دریاب و مگو فردا یا پس فردا؛ زیرا کسانی که قبل از تو می‌زیستند به سبب دو چیز هلاک شدند یکی باقی ماندنشان بر آرزوها و دیگری امروز و فردا کردن ها؛ تا این که (مرگ و) امر خدا ناگهانی آنان را گرفت؛ در حالی که آنان در غفلت به سر می‌بردند. (کلینی، الکافی، ج 2، ص 136، ح 23)

3- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 1، ص 114.

و زمان پیری می دهد و تهذیب و توبه الی الله را به تعویق میاندازد برای زمانی که درخت فساد و شجره زقوم قوی شده و اراده و قیام به تهذیب ضعیف بلکه مرده است . (1)

## 4-2 عوامل و موانع بیرونی

### اشاره

براساس ارتباطات سه گانه ای که آدمی با غیر خودش در سه شکل ارتباط با خدا، دیگران و طبیعت دارد، سه گروه عوامل و موانع تربیتی بیرونی بروز می نماید. این سه دسته می تواند در چگونگی و روند تربیت تأثیر گذاشته و آدمی را به سمت هدف غایی سوق دهد یا از آن منحرف کند.

### 1-2-4 عوامل و موانع معنوی

#### 1-1-2-4 عوامل معنوی

### اشاره

عوامل معنوی در برابر عوامل مادی و دنیوی قرار دارد و به طیفی از عوامل اشاره دارد که خدای متعال از عالم امر و ملکوت، هدایت و تربیت خود را مضمول بندگان کرده است و انسان با تمسک به این عوامل، مسیر رشد و کمال اخلاقی و معنوی را سریع تر و آسان تر می پیماید.

## الف. خداوند متعال

خداوند متعال اولین و مهم ترین عامل مؤثر در تربیت اخلاقی و معنوی انسان و رسیدن به کمال و رستگاری وی است. اگر خواست و اراده الهی بر هدایت یا ضلالت کسی تعلق گرفت احدی را توان تغییر این اراده نخواهد بود. (2) مبدأ آفرینش و خالق و مالک همه ی هستی اوست و بر اساس ربوبیت تکوینی و تشریحی خود، هدایت و جهت دهی انسان را برعهده دارد. (3) ربوبیت الهی اقتضا می کند علاوه بر این که خداوند، مبادی اراده و اختیار و اسباب و وسایل کار را در اختیار انسان قرار می دهد، راه مستقیم و درست را نیز به او معرفی کند، خوب و بد را به او بشناساند و قوانین مورد نیاز بشر در این جهان برای رسیدن به سعادت و رستگاری ابدی را از طریق ارسال رسل و انزال کتب به او بنمایاند.

ص: 248

1- امام خمینی، ره عشق، ص 28.

2- (ومن یهد الله فهو المهتد و من یضلل الله فلن تجد لهم اولیاء من دونه) .... (اسراء، آیه 97)؛ (و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبین لهم فیضل الله من یشاء ویهدی من یشاء وهو العزیز الحکیم) (ابراهیم، آیه 4)

3- (انّ علينا للهدى)؛ همانا این هدایت بر عهده ماست. (لیل، آیه 12)

بنابراین، کسانی می توانند به سوی غایت و کمال خویش حرکت کنند که راه مستقیم را بشناسند، به قوانین الهی آگاه باشند و آن ها را در زندگی خود پیاده سازند. از میان انسان ها نیز افرادی نسبت به پیروی و اجرای قوانین الهی اولی هستند که وظیفه بیان و تبلیغ این قوانین را بر دوش دارند و از آنجا که طلبه نسبت به سایر مردم به احکام الهی آشناتر است و خود را منتسب به دین می داند، در التزام عملی و اهتمام به احکام و تکالیف الهی اولویت بیش تری دارد؛ چرا که عمل ظرفیت معنوی انسان را افزایش می دهد و محل ریزش فیوضات الهی می شود.

از مرحوم آیت الله بهجت نقل شده که فرمود:

باید بدانیم که هدف باید این باشد که تمام عمر صرف در یاد خدا و طاعت او و عبادت باید باشد تا به آخرین درجه قرب مستعد خودمان برسیم، وگرنه بعد از آنکه دیدیم بعضی به مقامات عالی رسیدند و ما بی جهت عقب ماندیم پشیمان خواهیم شد. (1)

نتیجه اینکه، پذیرش ربوبیت تشریحی خداوند و التزام قلبی و عملی فرامین الهی از عوامل مؤثر در تربیت انسان می باشد.

## ب. انبیا، اوصیا و اولیای الهی و کتب آسمانی

خداوند با ارسال پیامبران و انزال کتب، هدایت تشریحی خود را تحقق می بخشد. مربی هستی، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم را چنان تربیت کرد (2) که به نهایت درجه کمال انسانی و صفات کریمه و اخلاق فاضله دست یافت و از سوی پروردگار جهانیان به خطاب والای (انک لعلی خلق

عظیم) (3) مفتخر شد. حضرت نیز برای تربیت انسان ها با فرمایشات و رهنمودهای برخاسته از وحی الهی به ایمان و عمل صالح سفارش نمودند. ائمه معصومین علیهم السلام این تربیت یافتگان

ص: 249

1- ساعی به سوی محبوب، ص 49.

2- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «أَدْبَنِي رَبِّي بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ» (دیلمی، إرشاد القلوب، ج 1، ص 160)؛ نیز فرمود: «أَدْبَنِي رَبِّي فَأَحْسَنَ تَأْدِيبِي.» (علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 68، ص 382)؛ (لقد مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ)؛ به یقین خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت تا آیات خود را برایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد. قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.» (آل عمران، آیه 164)

3- قلم، آیه 4.

مکتب نبوی نیز، یکی پس از دیگری، راه پر فروغ حضرت را ادامه داده و مسئولیت سنگین هدایت جامعه اسلامی را تا کنون بر عهده داشته اند. امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره به کمیل می فرمایند :

(يَا كَمِيلُ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَدَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ أَدَبَنِي وَأَنَا أُدَبُ الْمُؤْمِنِينَ)؛ (1)

ای کمیل! همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را خدای عزوجل تربیت نمود و او نیز مرا تربیت کرد و من نیز مؤمنین را تربیت می کنم .

آیت الله بهجت رحمه الله در این رابطه می فرماید :

ائمه علیهم السلام از حال ما غافل نیستند، اگرچه ما از آن ها غافل باشیم. (2)

هر بلایی که به ما میرسد در اثر دوری از اهل بیت علیهم السلام و روایات مأثوره از ایشان است. (3)

نجات برای کسی است که اهل بیت علیهم السلام را در همه جا مورد تخاطب و حاضر ببیند . (4)

از این رو، ایمان و پیروی از انبیا و اولیای الهی علیهم السلام پس از ایمان به خداوند متعال، یکی دیگر از مهم ترین عوامل مؤثر در تربیت و سعادت انسان است و آن هایی در این امر موفق خواهند بود که خود را در معرض تربیت ایشان قرار دهند .

### ج. زیارت، توجه و توسل به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام

(... من والاکم فقد والی الله و من عاداکم فقد عادی الله ... من اراد الله بدء بکم و من وحده قبل منکم و من قصده توجّه بکم، بکم فتح الله و بکم یختم و بکم ینزل الغیث و بکم یمسک السماء آن تقع علی الرض الا یاذنه ..... ) (5)

اهتمام به زیارات و توجه و توسل به ساحت مقدس اولیای الهی و ائمه معصومین: یکی دیگر از مهم ترین اسباب موفقیت، تحصیل علم و کمال، کسب اخلاص، تهذیب نفس و ترک گناهان است. سیره عملی و گفتاری بسیاری از بزرگان حوزه نیز اهمیت این عامل در زندگی

ص: 250

---

1- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 74، ص 269. (وَجَعَلْنَا هُمْ أئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا)؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کردند.» (انبیاء، آیه 73)

2- رخشاد، در محضر بهجت، ج 1، ص 208.

3- همان، ص 274.

4- همان، ص 295.

5- مفاتیح الجنان، بخشی از زیارت جامعه کبیره ائمه معصومین علیهم السلام.

طلبگی آنان را روشن می سازد .

در سیره عملی آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمه الله نقل است که:

مرحوم حاج شیخ دستور می دادند قبل از درس قدری مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام بخوانند و سپس درس را شروع می کردند. ایشان حتی پس از رسیدن به مرجعیت در خیابان ها در دسته های سینه زنی و عزاداری ابا عبدالله علیه السلام شرکت می کرد و به سان مردم عادی در عزای آن حضرت به سر و سینه می زد. (1)

شهید مطهری رحمه الله استاد بزرگوارشان علامه طباطبائی رحمه الله را چنین توصیف می کند:

من فیلسوف و عارف بسیار دیده ام و احترام مخصوص من به علامه طباطبائی، نه به خاطر این است که ایشان یک فیلسوف است، بلکه احترامم به این جهت است که او عاشق و دلباخته اهل بیت علیهم السلام است. علامه در ماه رمضان، روزه خود را با بوسه بر ضریح مقدس حضرت معصومه علیها السلام افطار می کرد. ابتدا پیاده به حرم مطهر مشرف می شد، ضریح مقدس را می بوسید، سپس به خانه می رفت و غذا می خورد. این ویژگی است که مرا به شدت شیفته ایشان نموده است. (2)

مرحوم آیت الله مجتهدی درباره توسل به اهل بیت علیهم السلام می گوید:

یک راه دیگر توسل، روضه و گریه و شرکت در مجالس اهل بیت علیهم السلام است. به تجربه ثابت شده است کسانی که در طلبگی مقید به شرکت کردن در مجالس اهل بیت بودند و روضه می خواندند و یا گریه می کردند و به سینه می زدند، نسبت به دیگران موفقیت بیشتری داشته اند ... وقتی ما روضه داشتیم، بعضی می رفتند کتابخانه درس می خواندند اینها را ما دیدیم که هیچی نشدند. (3)

در بین توسل به اهل بیت علیهم السلام، توسل به ساحت مقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام و نیز تقید به خواندن زیارت عاشورا به طور ویژه در مسیر رشد معنوی انسان بسیار مؤثرتر از برخی دیگر

از عوامل است .

یکی از مهم ترین رموز موفقیت امام خمینی قدس سره توجه، علاقه و توسل بسیار ایشان به معصومین علیهم السلام بود :

در تمام مدت اقامت ایشان در نجف اشرف جز در موارد استثنایی، برنامه زیارت هر شبه ایشان ترک نشد. در اغلب ایام زیارتی در کنار قبر امام حسین علیه السلام بودند و دهه عاشورا هر روز

ص: 251

1- مختاری، سیمای فرزندگان، ص 155 .

2- نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری، سیره سالکان، ص 36.

3- مجتهدی، آداب الطلاب، ص 236 و وافی، نسیم هدایت، ص 294.

زیارت عاشورای معروف را با صد مرتبه سلام و صد مرتبه لعن می خوانند. (1)

آیت الله استادی نیز چنین می فرماید :

با گدایی از درگاه خدا باید به مراتب عالی روحانیت رسید. بنابراین توسل هر روز به امام زمان و دعا و یاد آن حضرت سلام به حضرت سیدالشهداء علیه السلام و ذکر مصائب ایشان و گریه کردن، خواندن دعای ندبه در جمعه ها و دعای کمیل در هر شب جمعه، انس با صحیفه سجادیه و دعاهای ائمه اطهار علیهم السلام در توفیقات و ترقی هر کس به خصوص طلاب عزیز بسیار سودمند و مؤثر است. (2)

همچنین، استغاثه و انس با وجود مقدس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای طلاب و روحانیون به عنوان سربازان آن حضرت از اهمیت خاصی برخوردار است.

آیت الله بهجت رحمه الله در اهمیت رابطه با حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

ما در دریای زندگی در معرض غرق شدن هستیم؛ دست گیری ولی خدا لازم است تا سالم به مقصد برسیم. باید به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف استغاثه کنیم که مسیر را روشن سازد و ما را تا مقصد، همراه خود ببرد. (3)

#### د. توفیق الهی

توفیق، یعنی اینکه خداوند مقدمات وصول به مقصود را برای بنده اش فراهم کند. از توفیق در روایات به عنوان بهترین راهبر (4) تعبیر شده است. توفیق و موافق قراردادن همه اسباب و وسائل خارجی، تنها از جانب خداوند متعال امکان پذیر است؛ زیرا کسی را چنین نیروی فراگیر و کاملی نیست که بتواند در هر موردی که می خواهد، همه اسباب و مسائل مادی و معنوی را موافق سازد. (5) در قرآن از زبان حضرت شعیب علیه السلام آمده است :

(وما توفیق الا بالله). (6)

توفیق من تنها از جانب خداوند است .

جلب توفیق الهی، مانند دیگر فضایل نیاز به تمرین و تلاش دارد. امام رضا علیه السلام فرمودند:

ص: 252

1- مختاری، سیمای فرزندگان، ص 149 .

2- وافی، همان، ص 293 .

3- رخشاد، در محضر بهجت، ج 1، ص 311.

4- لا قائد کالتوفیق . (نهج البلاغه، کلمات قصار 113)

5- مصطفوی، تفسیر روشن، ج 11، ص 285 .





(من سأل الله التوفيق ولم يجتهد فقد استهزء بنفسه)؛ (1)

هرکس از خدا توفیق بخواهد، در حالی که تلاش نکند خود را به استهزا گرفته است.

داشتن نیت خوب، (2) انس با دعا و مناجات (3)، نصیحت پذیری و موعظه (4) از عوامل جلب توفیق الهی هستند.

از این رو، در مسیر طلبگی و در راه تحصیل علم و کمالات معنوی، طالب علم بیش از هر چیزی به توفیق مستمر الهی نیازمند است و باید با تمام وجود در پی جلب عوامل توفیق در زندگی برآید و از عوامل سلب توفیق به شدت پرهیزد.

## ه- توبه و استغفار

گناه عامل دور شدن انسان از خداوند و سلب توفیق به ویژه در امور علمی و معنوی و توبه و استغفار وسیله بازگشت به سوی او است. هیچ کس جز معصومین علیهم السلام از گناه مصون نیست و هر لحظه ممکن است به گناه و خطایی آلوده شود، اما مهم این است که انسان تا متوجه اشتباه خود شد برگردد و توبه کرده و جبران کند. خداوند متعال در قرآن کریم در آیات فراوان انسان های خطاکار را به توبه و بازگشت دعوت می کند و این تعبیر بارها تکرار شده که :

(وَإِنِ اسْتَغْفَرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ....) (5)

و از پروردگارتان طلب مغفرت کنید آنگاه به سوی او بازگردید.

و یا فرمود:

(وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ لَهُ إِلَّا اللَّهُ

ص: 253

1- محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 2، ص 862، ح 2790.

2- عن امیر المؤمنین علیه السلام: من حسنت نیتة أمدته التوفیق؛ هرکه نیتش خوب باشد، توفیق یار او شود. (محمدی ری شهری، همان، ج 13، ص 6574، ح 20983)

3- عن امیر المؤمنین علیه السلام: علیک بالاستعانة بالهک و الرغبة الیه فی توفیقک؛ یعنی برتوست که از خدایت کمک بگیری و توفیق را از او طلب کنی. (تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ح 203)

4- عن امیر المؤمنین علیه السلام: من اکبر التوفیق الأخذ بالنصیحة؛ بزرگترین توفیق برای انسان پذیرش نصیحت است. (تمیمی آمدی، همان، ص 674، ح 55)

5- هود، آیه 3.

وَلَمْ يُصِرُّوا عَلٰی مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ (1)

و آنان که چون کار زشت مرتکب شدند یا به خویشتن ستم نمودند یاد خدا کردند، پس برای گناهان خویش طلب آمرزش نمودند و جز خدا کیست که گناهان را ببامرزد.

خداوند متعال در آیات دیگر علاوه بر اینکه وعده داده توبه و استغفار گناهکاران را می پذیرد و آنان را می بخشد، حتی وعده می دهد که گناهانشان را به حسنات تبدیل می کند، باران رحمت خود را بر آنان نازل کرده و اموال و اولاد شما آنان را زیاد می کند:

(إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا)؛ (2)

مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند، پس خداوند گناهانشان را به حسنات تبدیل می کند و خداوند بخشنده و مهربان است.

(فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا، يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا، وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ).... (3)

پس گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده گناهان است (پس از توبه و بازگشت ابر را می فرستد که) پی در پی بر شما ببارد و شما را به اموال و پسران کمک می رساند (اموال و اولاد شما را زیاد می گرداند)....

حاصل سخن اینکه انسان مؤمن و به ویژه طلبه، باید با مداومت قلبی و زبانی بر توبه و استغفار و اجتناب از ارتکاب عمدی گناه، رحمت گسترده الهی را به سوی خود جلب کند و اسباب افزایش رزق، مادی علمی و معنوی خود را فراهم سازد.

## 2-1-2-4 موانع معنوی

### اشاره

در شمار موانع تهذیب و تربیت، می توان برخی از موارد زیر را نام برد:

### الف. بی توفیقی

در قرآن و روایات، مواردی ذکر شده که وجود آن ها، موجب سلب توفیق انسان است و تا فرد آن موانع را کنار نزند، همچنان توفیقات و امدادهای الهی از وی سلب می شود. فراموش کردن

ص: 254

1- همان، آیه 135.

2- سوره فرقان، آیه 70.



خداوند، (1) خود فراموشی (2)، تردید در ایمان به خدا، (3) گناه، عصیان (4) و ظلم (5) از آن جمله هستند.

باید دانست که مشیت و اراده خدا بی حساب و کتاب نیست؛ نه بی جهت توفیق هدایت به کسی می دهد و نه بی دلیل توفیقش را از کسی سلب می کند، بلکه آن ها که در مسیر ظلم و ستم، شک و تردید و در یک کلام در مسیر گناه و نافرمانی گام بگذارند، قلبشان بر اثر این اعمال، تاریک و ظلمانی می گردد و توفیق هدایت از آن ها سلب و از رسیدن به سعادت ابدی محروم می شوند. بنابراین و به طریق اولی اگر طلبه در مسیر طلبگی خود آلوده به ظلم و گناه شد، اسباب توفیق از او سلب می شود و در جرگه علمای سوء قرار می گیرد.

## ب. شیطان

شیطان، عبودیت و بندگی، پاکی و صداقت، اطمینان و آرامش قلب را برای انسان ها نمی پسندد. او برای گمراهی و سقوط انسان ها قسم خورده و برای رسیدن به خواسته هایش از هیچ اقدامی فروگذار نمی کند. (6) گاه وعده می دهد و با آمال و آرزوهای بی پایان، انسان ها را می فریبد. گاه از راه القاء ترس از فقر و آینده وارد جان آن ها می شود و با اندک ناامیدی یا لحظاتی غرور جاهلانه آدمیان شادمان می شود.

در سفارش و وصیت امیر مؤمنین علی علیه السلام به کمیل بن زیاد چنین آمده است:

(يَا كَمِيلُ: إِنَّ إِبْلِيسَ لَا يَعِدُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّمَا يَعِدُ عَنْ رَبِّهِ لِيَحْمِلَهُمْ عَلَى مَعْصِيَةِ بَيْتِهِ فَيُورِطَهُمْ. يَا كَمِيلُ: إِنَّهُ يَأْتِي لَكَ بِالطُّفِ كَيْدِهِ فَيَأْمُرُكَ بِمَا يَعْلَمُ أَنَّكَ قَدْ أَلْفَتَهُ مِنْ طَاعَةٍ لَا تَدْعُهَا فَتَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ مَلَكَ كَرِيمٍ وَإِنَّمَا هُوَ شَيْطَانٌ رَجِيمٌ فَإِذَا سَكَنْتَ إِلَيْهِ وَأَطْمَأْنَنْتَ حَمَلَكَ عَلَى الْعِظَائِمِ

ص: 255

1- (وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ)؛ و چون کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خود فراموشی کرد آنان همان نافرمانانند. (حشر، آیه 19)

2- همان.

3- (إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَازْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ)؛ تنها کسانی از تو اجازه می خواهند [به جهاد نروند] که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و دل هایشان به شک افتاده و در شک خود سرگردانند. (توبه، آیه 45)

4- (.. وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا)؛ و هر کس خدا و فرستاده اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است. (احزاب، آیه 36)

5- (... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ)؛ و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی کند. (بقره، آیه 258)

6- (قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ، إِلا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ) (ص، آیه 82 و 83)؛ (قَالَ فِيمَا أَعُوذُ بِكَ لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، ثُمَّ لَأَأْتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ) (اعراف، آیه 16 و 17).

الْمُهْلِكَةِ الَّتِي لَا نَجَاةَ مَعَهَا. يَا كُمْئِيلُ إِنَّ لَهُ فِخَاخًا يَنْصِبُ بِهَا فَاحِذْ أَنْ يُوقِعَكَ فِيهَا. يَا كُمْئِيلُ! إِنَّ الْأَرْضَ مَمْلُوءَةٌ مِنْ فِخَاخِهِمْ فَلَنْ يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا مَنْ تَشَبَّهَ بِهَا وَقَدْ أَعْلَمَكَ اللَّهُ أَنَّهُ لَنْ يَنْجُو مِنْهَا إِلَّا عِبَادُهُ وَعِبَادُهُ أَوْلِيَاؤُنَا. يَا كُمْئِيلُ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَقَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّمَا سُدُّ لُطَائِنِهِ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ». يَا كُمْئِيلُ! انْجُبْ بَوْلَانِيَّتَنَا مِنْ أَنْ يَشْرَكَكَ فِي مَالِكَ وَوُلْدِكَ كَمَا أُمِرَ. يَا كُمْئِيلُ لَا تَغْتَرَّ بِأَقْوَامٍ يُصَلُّونَ فَيُطِيلُونَ وَيُصُومُونَ فَيَدَاوُمُونَ وَيَتَصَدَّقُونَ فَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُوقِفُونَ. يَا كُمْئِيلُ أَقْسِمُ بِاللَّهِ لَسَّ مَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا حَمَلَ قَوْمًا عَلَى الْفَوَاحِشِ مِثْلِ الزِّنَى وَشَرْبِ الْخَمْرِ وَالرِّبَا وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنَ الْخَنَى وَالْمَاتِمِ حَبَبِ إِلَيْهِمْ الْعِبَادَةَ الشَّدِيدَةَ وَالْخُشُوعَ وَالرُّكُوعَ وَالْخُضُوعَ وَالسُّجُودَ ثُمَّ حَمَلَهُمْ عَلَى وِلَايَةِ الْأَيْمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ»... (1)

... ای کمیل! شیطان با کید و مکر لطیفش به سوی تو می آید و تو را به اطاعتی امر می کند که می داند با آن الفت و انس داری و آنرا فرو نمی گذاری، پس تو گمان می بری که او فرشته ای بخشنده است، در حالی که بدون تردید او شیطان رانده شده است. پس وقتی به او انس گرفتی و اطمینان یافتی، تو را به اتخاذ تصمیماتی هلاک کننده که نجاتی در آن نیست وا می دارد.

به طور خلاصه و با توجه به آیات و روایات، گام ها، راه ها و روش های نفوذ شیطان (2) عبارتند از: وسوسه (3)، خیرخواهی (4)، تسویف (5)، تسویل (6)، زینت دادن اعمال (7)، ایجاد فراموشی در انسان (8)،

ص: 256

- 1- علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج 74، ص 272.
- 2- (وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوبَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ). (انعام، آیه 142) و نور، آیه 21.
- 3- (فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَى) (طه، آیه 120)؛ (وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُكُمْ فَأَخْلَفْتُكُمْ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِي مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ) (ابراهيم، آیه 22) و آیات سوره ناس.
- 4- (فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوَاتِحِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ، وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ). (اعراف، آیه 20 و 21)
- 5- علی علیه السلام: «إِيَّاكُمْ وَالتَّسْوِيفَ فِي الْعَمَلِ بَادِرُوا بِهِ إِذَا أَمَكْنَكُمْ» (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص 122)؛ قال الرسول صلی الله علیه و آله وسلم: «يَا أَبَا ذَرِيَّتِكَ وَالتَّسْوِيفَ بِعَمَلِكَ فَإِنَّكَ بِيَوْمِكَ وَ لَسْتَ بِمَا بَعْدَهُ فَإِنْ يَكُنْ عَدْلُكَ فَكُنْ فِي الْعَدْلِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَدْلُكَ [عَدْلُكَ] لَمْ تَنْدَمْ عَلَى مَا فَرَطْتَ فِي الْيَوْمِ». (طبرسی، مكارم الاخلاق، ص 459 و علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 74، ص 75)
- 6- (إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَى لَهُمْ). (محمد، آیه 25)
- 7- (وَرَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ). (نمل، آیه 24 و عنكبوت، آیه 38)؛ (وَرَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). (انعام، آیه 43)
- 8- (... وَ إِنَّمَا يُنذِرُكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَتَّعِدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ). (انعام، آیه 68)؛ (... فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ....) (يوسف، آیه 42)؛ (اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ). (مجادله، آیه 19)

فتنه و فساد انگیزی (1)، نجوای شیطانی (2)، ترساندن از فقر (3)، امر به فحشا و منکر، ایجاد خوف ترس (4)، ایجاد نزاع و دشمنی بین مردم (5)، غفلت از یاد خدا (6)، هواپرستی (7)، کسالت و بی تابی (8)، شرکت در مجالس آلودگان (9)، دروغ (10)، نگاه (11)، خلوت و ارتباط با نامحرم (12)، دوست ناباب (13).

ص: 257

1- (يا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُم مِّنَ الْجَنَّةِ ... ) (اعراف، آیه 27)؛ (لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ). (حج، آیه 53)؛ (وَقُلْ لِعِبَادِيَ يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلنَّاسِ عَدُوًّا مُّبِينًا). (اسراء، آیه 53)

2- (إِنَّمَا التَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ). (مجادله، آیه 10)

3- (الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ). (بقره، آیه 268)

4- (إِنَّمَا ذَلِكَ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران، آیه 175)

5- (إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنتَهُونَ) (مائده، آیه 91)؛ (... مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ...). (يوسف، آیه 100)

6- و من يعيش عن ذكر الرحمن تقيض له شيطاناً فهو له قرين؛ هر کس از یاد خدا رویگردان شود شیطان را به سراغ او میفرستیم پس همواره قرین اوست؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: لایتمکن الشیطان بالسوسه من العبد الا وقد اعرض عن ذکر الله و استهان بامرہ و اسکن الی نهیہ و نسی اطلاعہ علی سرہ (مصباح الشریعة، ص، 79، باب 35)؛ شیطان نمی تواند با سوسه در دل بنده خدا نفوذ کند مگر آنکه از یاد خداوند رویگردان شود و امر خدا را سبک شمرد و به دنبال گناه رود و اطلاع داشتن خدا بر اسرار بندگان را فراموش کند.

7- تو هرگز بر بندگانم تسلط نخواهی یافت مگر گمراهانی که از تو پیروی می کنند .

8- عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : «إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالشَّجَرَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تَعْمَلْ، وَإِنْ شَجَرْتَ لَمْ تُعْطِ الْحَقَّ» (الكافي، ج 9، 560)؛ از کسالت و بی تابی به دور باش که اگر کسل بودی عمل نمی کنی و اگر بی تابی کردی حق را ادا نمی کنی؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ، قَالَ : «مَنْ كَسَلَ عَنْ طَهْوَرِهِ وَصَلَاتِهِ ، فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ آخِرَتِهِ؛ وَ مَنْ كَسَلَ عَمَّا يُصَلِّحُ بِهِ أَمْرَ مَعِيشَتِهِ ، فَلَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ لِأَمْرِ دُنْيَا».. (همان، ج 5، ص 85)

9- أَوْلَعَلَّكَ فَقَدْ دَتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَحَذَلْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْعَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتُ نَبِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي أَلْفَ مَجَالِسِ الْبَطَالِينِ فَبَنَيْ وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي. (زاد المعاد، ص 96)

10- قَالَ الْإِمَامُ الرَّكْبِيُّ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : جُعِلَتِ الْخَبَائِثُ كُلُّهَا فِي بَيْتٍ وَجُعِلَ مِفْتَاحُهَا الْكَذِبُ (الشعيري، جامع الأخبار، ص 150)

11- علی علیه السلام: الْعَيْنُ زَائِدُ الْفِتَنِ. (الليثي، عيون الحكم والمواعظ، ص 33، ش 594)

12- (وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ ....) (يوسف، آیه 23)

13- (يَوْمَ يَعِضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ، يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ، لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلنَّاسِ خَذُولًا) (فرقان، آيات 27-29)

دنیاطلبی (1)، آرزوهای دور و دراز (2)، اسراف (3)، تقلید کورکورانه (4)، همنشینی با هواپرستان (5)، یأس و ناامیدی (6)، شهوت گرای (7)، خشم و غضب (8).

از این رو، پیمودن مسیر پرپیچ و خم کمال و معنویت بدون شناخت این دشمن قسم خورده میسر نخواهد بود و بر مری است که متربی را نسبت به ابزارها، گام ها و راه های نفوذ شیطان در دل انسان، آگاه ساخته و او را در بستن راه های نفوذ یاری رساند.

#### 4-2-2 عوامل و موانع انسانی

##### اشاره

\*4-2-2 عوامل و موانع انسانی (9)

#### 1-2-2-4 عوامل انسانی

##### اشاره

عوامل انسانی به عواملی گفته می شود که یا به صورت مستقیم در تربیت و تهذیب افراد اثر می گذارد، مثل خانواده، مدیر، اساتید و کارگزاران مدرسه و یا به شکل غیر مستقیم و با واسطه، نقش آفرینی می کند مثل ساختار و قوانین، عوامل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی. در حقیقت، تمام کسانی که شخص با آن ها سروکار و ارتباط دارد، هر یک سهمی در عاملیت یا مانعیت رشد اخلاقی انسان دارند.

ص: 258

1- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ: رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ حُبُّ الدُّنْيَا (الكافي، ج 2، ص 315) وَقَالَ: إِنَّ الشَّيْطَانَ يُدِيرُ ابْنَ آدَمَ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَإِذَا أَعْيَاهُ جَنَمَ لَهُ عِنْدَ الْمَالِ فَأَخَذَ بِرَقَبَتِهِ. (همان)

2- (يَعِدُهُمْ وَيُمَتِّبُهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا) (نساء، آیه 120)؛ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «تَجَنَّبُوا الْمُنْبِي فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِهَجَةٍ مَا خَوْلْتُمْ وَتَسْتَصْعِرُونَ بِهَا مَوَاهِبَ اللَّهِ تَعَالَى عِنْدَكُمْ وَتُعْقِبُكُمْ الْحَسْرَاتُ فِيمَا وَهَمْتُمْ بِهِ أَنْفُسَكُمْ» (الكافي، ج 9، ص 561 و 562).

3- (إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كُفُورًا). (ابراهيم، آیه 27)

4- (قَالُوا أَجِئْنَا لِنُعْبَدَ اللَّهَ وَحْدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ) (اعراف، آیه 70) و سوره هود، آیه 66.

5- على عليه السلام: مجالسة اهل الدنيا منساة للإيمان وقائدة إلى طاعة الشيطان (غرر الحكم و دررالکلم، ص 712، ش 159)؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يَعْصَى اللَّهَ فِيهِ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ (الكافي، ج 2، ص 374)؛ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: ثَلَاثَةٌ مُجَالَسَتْهُمْ تُمِيتُ الْقَلْبَ الْجُلُوسُ مَعَ الْأَنْدَالِ وَ الْحَدِيثُ مَعَ النِّسَاءِ وَالْجُلُوسُ مَعَ الْأَعْيَاءِ (همان، ص 641)

6- (.....) وَلَا تَيَأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ؛ ... از رحمت خدا نا امید نشوید زیرا فقط کفار از رحمت خدا نا امید می شوند. (يوسف، آیه 87)



- 7- علی علیه السلام: الشهوات مصادد الشیطان (تمیمی آمدی، همان، ص 39، ش 635)؛ أهجروا الشهوات فإنها تقودکم إلى إرتکاب الذنوب و التّهجم علی السینات. (همان، ص 152، ش 28)
- 8- الغضب مفتاح کل شرّ. (کلینی، الکافی، ج 2، ص 303)؛ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ الْغَضَبُ جَمْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ . (الشعیری، جامع الأخبار، ص 160)
- 9- این بخش و نیز بخش ظرفیتهای محیطی با توجه به داده ها و اطلاعات کتاب ظرفیت های تربیتی مدرسه علمیه مطلوب (نوشته کاظم علی محمدی) در زمستان 1396 به روزسانی شده است.

در این قسمت ابتدا به تعدادی از مهمترین عوامل مستقیم و در ادامه نیز به عوامل غیر مستقیم و واسطه ای اشاره خواهد شد.

## الف. مدیر مدرسه

### اشاره

گرچه در تربیت و تهذیب طلبه، عوامل گوناگونی مانند خانواده، اساتید، کادر، دوستان و هم سالان، قوانین و مقررات، محیط مدرسه و... مؤثر هستند؛ ولی شاید مهم ترین عامل، مدیر مدرسه باشد که مسئولیت اصلی امر تعلیم و تربیت طلاب در مدرسه را بر عهده دارد و می تواند همه ی امکانات و ظرفیت های مدرسه را برای تهذیب طلاب بسیج کند.

مدیر مدرسه، نقش مستقیم و غیر مستقیم در تهذیب دارد. او از آن جهت که مدیر است، می تواند با زمینه سازی های مناسب در مدرسه؛ از قبیل برنامه ریزی و سازمان دهی درست، انگیزه بخشی به

وسیله ی دعوت از اساتید مهذب و توان مند، اهمیت دادن به رشد معنوی و تشویق طلبه به سمت گرایش های معنوی، انجام عبادات و نیز توجه به نیازهای عاطفی، روانی، معنوی و اجتماعی طلبه، مناسب رشد اخلاقی طلاب مدرسه را فراهم سازد و به صورت غیر مستقیم تأثیرگذار باشد.

هم چنین به جهت جایگاه مدیریتی و رهبری که در مدرسه دارد، خواه و ناخواه به عنوان الگوی عملی نگرسته می شود و طلاب از او به صورت مستقیم تأثیر می پذیرند. «مدیر می تواند با شیوه ی صحیح مدیریت، افراد را تحت تأثیر اندیشه ها، تفکر و حرکت های سازنده و هدایت کننده خود قرار دهد. موضع گیری های مثبت یا منفی مدیر، جنبه الگویی پیدا می کند و به مقدار نفوذی که در روح افراد دارد، می تواند آن ها را هدایت کرده، جهت بخشد»<sup>(1)</sup>.

هم چنین، اولویت دادن مدیر به برنامه های اخلاقی و عبادی، سایر برنامه ها را تحت تأثیر قرار داده و عوامل دیگر مدرسه نیز خود را با این اولویت ها هماهنگ می سازد.

برای این که مدیر بتواند رسالت تربیتی خود را در مدرسه به درستی و به شکل مطلوبی به انجام رساند، باید از ویژگی ها و توانمندی هایی برخوردار باشد. مهم ترین شاخص ها و ویژگی های اخلاقی، شناختی، انگیزشی و رفتاری مورد نیاز برای موفقیت مدیر در امر تربیت

ص: 259

---

1- کوهستانی، «نقش مدیریت و تأثیر تربیتی آن از دیدگاه اسلام»، مجله پیوند، ش 14، ص 16.

طلاب در ادامه ذکر شده است.

لازم به ذکر است که این ویژگی ها بر اساس طبقه بندی معروف به سه گروه شناختی - معرفتی؛ انگیزشی - عاطفی و مهارتی - رفتاری تقسیم شده اند اما ویژگی های معنوی - اخلاقی گرچه ممکن است با سایر طبقات تداخل داشته باشد ولی به دلیل اهمیت آن ها در طبقه جداگانه ای آورده شده است. (1)

برخی از ویژگی های اخلاقی و تربیتی یک مدیر موفق عبارت است از:

### **ویژگی های تهذیبی و تربیتی یک مدیر موفق**

#### **الف. ویژگی های معنوی و اخلاقی**

- اخلاص؛
- انس با دعا و معنویات و عشق به اهل بیت علیهم السلام؛
- برخورداری از روحیه خدمت گذاری و ایثارگری؛
- التزام قلبی و عملی به ارزشهای اسلام ناب و وفاداری به نظام اسلامی؛
- خوش خلقی و گشاده رویی؛
- توکل؛
- مناعت طبع و قناعت؛
- زهد و ساده زیستی؛
- تواضع؛
- امانت داری و رازداری؛
- صداقت و راست گویی .

#### **ب. ویژگی های شناختی - معرفتی**

- اهل فکر و اندیشه و نوآوری فکری، عقلانیت و خردمندی؛

---

1- این شاخص ها در جلسه چهارم شورای تخصصی تهذیب و تربیت مورخ 96/8/7 و با حضور آیت الله اعرافی مدیر محترم حوزه های علمیه، بررسی و به تصویب رسیده اند.

• دارای باور و معرفت نسبت به ارزش کار تربیت طلبه جامع نگری؛

• شناخت ویژگی های نسل جوان؛

• بصیرت انقلابی؛

• دشمن شناسی و آگاهی از جریان های فکری زمانه؛

• دوراندیشی و آینده نگری؛

### **ج. ویژگی های انگیزشی - عاطفی**

• عشق به کار برای حوزه و طلبه؛

• روحیه جهادی و عاشورایی؛

• ولایت مداری؛

• اعتماد به طلاب؛

• صبر و استقامت و سعه صدر؛

• انگیزه بخشی؛

• خوش بینی و امیدواری به آینده حوزه؛

• عطف و پدرانانه .

### **د. ویژگی های مهارتی - رفتاری**

• اهتمام به معنویت و تهذیب طلبه؛

• توجه به صلاحیت های اخلاقی و تربیتی در گزینش طلاب؛

• اصالت و نجابت خانوادگی؛

• مقبولیت عمومی (حُسن شهرت)؛

حضور پررنگ، مستمر و تمحض مدیر در اداره مدرسه؛

• توان برقراری ارتباط مؤثر با طلاب؛

• نظم و انضباط؛

ص: 261

- متانت و وقار؛
- حلم و مدارا؛
- تدبیر؛
- تکریم طلاب؛
- تکلیف محوری و قانون مداری؛
- سخت کوشی و پشتکار؛
- تعادل، ثبات، پختگی و انسجام شخصیت؛
- هویت مستقل و متکی به خود؛
- انعطاف پذیری سازنده؛
- اعتماد به نفس؛
- مسؤولیت پذیری؛
- توان جذب جوانان مستعد برای حضور در حوزه؛
- همسوسازی ارکان مدرسه برای تهذیب و تربیت طلاب؛
- شجاعت و خطر پذیری؛
- روابط اجتماعی مؤثر و مناسب؛
- توانایی مدیریت و انجام کار گروهی و به کارگیری ظرفیت دیگران؛
- خلاقیت و ابتکار عمل؛
- مهربانی و دلسوزی؛
- رفتار گرم و صمیمانه (پذیرش)؛
- روحیه سخاوت و بخشش؛
- قدرت استدلال منطقی

• توان مدیریت بحران؛

• رعایت اعتدال در معیشت؛

• رعایت بهداشت فردی و آراستگی ظاهری.

ص: 262



## اشاره

در حوزه های علمیه عوامل متعددی در تحول شخصیت طلبه نقش آفرینی می کنند. اما بی شک تأثیرگذارترین و موفق ترین عامل در پرورش طلبه استاد است. نقش استاد در شکل دهی به اندیشه و انگیزه و رفتار طلبه بی همتاست و بیشترین رسیدگی در حق طلبه نیز از استاد انتظار می رود. این ویژگی مرهون عوامل زیر است:

نخست: اینکه بستر تربیت و تحول انسان، ارتباط است و فرصت استاد برای ارتباط با طلبه از همه بیشتر است.

دوم: طلبه در مقابل مقام علمی استاد به طور طبیعی کرنش می کند و مسحور و مرعوب جلوه گری علمی او می گردد. طلبه کوچکی خود را در مقابل استاد به علم حضوری درمی یابد و حالت دفاعی خود را در برابر عظمت او می گشاید.

سوم: استاد برخلاف مدیر معاون آموزش، معاون تهذیب، پرسنل اجرایی و حتی استاد اخلاق مدرسه با گروه محدودتر و جمعیت کمتری رو به روست و مشکلات آنان را از نمای نزدیک می بیند و با سرعت و دقت بیشتری در می یابد و امکان شناخت استعدادها و قوت و ضعف طلبه را بیش از همه و پیش از همه دارد.

چهارم: انس و صمیمیت استاد در ارتباط طولانی با طلبه روز به روز بیش تر می شود و زمینه اثرگذاری و نقش آفرینی او هموارتر می گردد. همین انس و صمیمیت است که طلبه را به درد دل با استاد و بیان مسائل فردی خود تشویق می کند و از او اذن خیر و سنگ صبوری برای مشکلات طلبه پدید می آورد. تأثیر استاد در طلبه قطعی است. استاد حتی اگر نداند و نخواهد، رنگ شخصیت خود را به طلبه انتقال می دهد و ناهشیار بر او اثری می افکند. این فرایند ناخودآگاه را باید شناخت و مدیریت کرد و از ظرفیت آن به نفع تربیت بهره گرفت؛ تربیتی پنهان و نامرئی فراتر از آموزه ها و ارتباطات رسمی که می توان بهینه اش ساخت و به کارش گرفت .

البته توجه داریم که درجه اثرگذاری استاد و اثر پذیری طلبه از استاد به عوامل گوناگونی بسته است؛ بنابراین تأثیر همه اساتید مانند هم نیست همان گونه که تأثیر یک استاد در همه شاگردان یکسان نیست.

استاد در کلاس درس با مبلغ بر فراز منبر یا مروج در رسانه‌های عمومی تفاوت دارد. مروج در صدد اطلاع‌رسانی و انتقال آموزه‌هاست و مخاطب خود را عموم مردم گرفته است؛ عموم مردم کسانی هستند که عمده‌ی زمان و توان خود را صرف کارهای دیگر می‌کنند و تا آخر ممکن است به تخصص در آن دانش در نیابند، یعنی تنها از آن اطلاعات سود برند و مصرف‌کننده‌ی پیام باقی بمانند؛ اما استاد با کسانی سر و کار دارد که دیر یا زود متخصص آن دانش خواهند شد و آن را فراتر از مصرف شخصی خود به کار خواهند گرفت. استاد با حلقه متخصصان مواجه است و نیروپروری برای یک عرصه را برعهده دارد.

مقام معظم رهبری دام‌ظله در این زمینه می‌فرماید:

اساتید باید یکی از اهتمام‌هایشان شاگرد‌پروری باشد. ارزش استاد، اعتبار استاد در بیرون، به شاگردان اوست. در حوزه‌های علمی ما هم همین‌طور است. آن استاد، آن فقیه یا اصولی یا حکیمی ارزش بیشتری در چشم‌ها دارد که آثار وجودی او به شکل شاگردان و تلامذه‌ی برجسته‌ی او، خودش را نشان بدهد. شاگرد‌پروری کنید. این افرادی که می‌آیند در کلاس‌های درس شما - چه در دوره‌های کارشناسی، چه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی - می‌نشینند و شما با اینها به عنوان استاد مواجه می‌شوید، این‌ها را نباید به حساب یک مستمع یک سخنرانی، یک منبر به حساب آورد؛ نه، باید مثل مصنوعی که اینها را می‌خواهید با دست خودتان بسازید، با اینها برخورد کنید. البته استعدادها یکسان نیست، شوق‌ها یکسان نیست، زمینه‌ها و فضاهای گوناگون یکسان نیست؛ اما این هدف برای اساتید، به نظر من یک هدف جدی باید باشد. نگاه کنید ببینید چقدر شاگرد‌پرورش دادید. شاگرد فقط آن کسی نیست که سر کلاس حاضر می‌شود؛ آنی است که به وسیله‌ی شما ساخته می‌شود و تحویل داده می‌شود به دنیای علم، به عنوان یک نیروی کارآمد و علمی. (1)

استاد علاوه بر انتقال مؤثر آخرین یافته‌های نظری به حلقه‌های تخصصی و جامعه علمی، باید شاگرد خود را برای ایفای نقش تخصصی در آن زمینه بار آورد. نقش استاد بیش از انتقال اطلاعات و بیش از یک ضبط و پخش است. وظیفه استاد تنها دانش‌افزایی و اطلاع‌رسانی نیست، تربیت است.

ص: 264

برای آنکه استاد شاگرد خود را بار آورد و رشد دهد، باید در حق او رسیدگی کند. صرف سخن گفتن و انتقال داده های علمی، به تحول جان طلبه نمیانجامد. استاد علاوه بر تربیت علمی و تحول ذهنی طلبه (یعنی دستیابی طلبه به کمالات ذهنی مانند قدرت تجزیه و تحلیل، دقت، تمرکز، خلاقیت، تفکر منطقی و...) می تواند و باید به تحول اخلاقی - معنوی و شخصیتی طلبه نیز بیندیشد و اقدام کند.

این خاطره از اهتمام شهید محراب، آیت الله مدنی رحمه الله نسبت به رسیدگی معنوی به فرد فرد طلبه ها شنیدنی است؛ آیت الله راستی کاشانی درباره ی این ویژگی اخلاقی آن شهید می فرماید:

به شهید مدنی اطلاع دادند، طلبه ای صبح ها دیر از خواب برمی خیزد! او چهل روز، صبح ها به دیدار او می رود! او را از خواب بیدار می کند، با او نماز می خواند، قرآن می خواند، صبحانه میل می فرماید تا آن عادت ناپسند را از او بگیرد و موفق هم می شود و این همه تلاش و کوشش به خاطر درک و رسیدن دیگران به ثواب نماز اول وقت است. (1)

### انواع رسیدگی

بهترین خدمت در حق طلبه «رسیدگی» به اوست نباید طلبه را رها و بی سرپرست باقی گذارد و لابلائی اشتغالات فراوان مسئولان و اساتید به فراموشی سپرد. لازم است استاد طلبه را به منزله فرزند خود و ثمره عمر خود بداند و در ایجاد ارتباط صمیمی، سازنده و عاطفی با او پیش قدم شود و به رشد و حرکت و تحول او نظر داشته باشد و در امور اخلاقی، معنوی، معیشتی، روحی، روانی، خانوادگی، درسی، اجتماعی و... او حضور داشته باشد.

مهم ترین شاخص ها و ویژگی های اخلاقی، شناختی، انگیزشی و رفتاری مورد نیاز برای موفقیت استاد در رسیدگی علمی و اخلاقی به شاگردان در ذیل بیان می شود:

### شاخص ها و ویژگی های یک استاد موفق

#### الف. ویژگی های اخلاقی و معنوی استاد

• اخلاص و نیت پاک؛

• تقوا و پارسایی؛

ص: 265

• عشق به اهل بیت علیهم السلام و روضه خوانی قبل از تدریس؛ (1)

• توکل؛

• انس با دعا و معنویات؛ (2)

• اهتمام به معنویت و تهذیب نفس شاگردان؛

• بیان مسائل معنوی در خلال درس؛

• بیان احادیث اخلاقی در ابتدا یا انتهای درس؛

• بیان سیره ی اهل بیت علیهم السلام؛

• بیان سیره ی علما و بزرگان.

• خوش خلقی؛

• پرهیز از انتقال مشکلات خود به شاگردان؛

• داشتن زی طلبگی؛

• زهد و ساده زیستی؛

• احترام به اساتید و علما؛

ص: 266

1- آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری رحمه الله دستور می دادند قبل از تدریس، کسی قدری مصیبت حضرت سیدالشهداء علیه السلام بخواند و سپس درس را شروع می کردند. (مختاری، سیمای فرزائگان، ص 192)؛ مقام معظم رهبری هر روز قبل از درس چند دقیقه ای بحث اخلاقی دارند. اگر روزی هم مناسبتی باشد درس را زودتر تمام می کنند و می فرمایند: یک نفر بلند شود و ذکر مصیبتی بخواند. (پاینده «خاطراتی درس آموز از زندگی مقام معظم رهبری»، مجله مبلغان فروردین 1383، ش 52، ص 100)

2- شهید آیت الله قدوسی رحمه الله: یک شب در مسجد گوهرشاد با نگرانی می فرمود: «برایم بسیار ناگوار و غیر منتظره بود که شنیدم یکی رحم الله از اساتید مدرسه حقانی، مقید به نماز شب نیست. با ایشان صحبت کردم، معلوم شد سبکی معده را در شب رعایت نمی کند.» («مصاحبه با سید محمدرضا طباطبایی»، ماهنامه شاهد یاران، ش 38 ص 89) از اینجا مشخص می شود که شهید قدوسی، صلاحیت های اخلاقی حداقلی را برای گزینش اساتید در نظر نمی گرفت، [بلکه] در کار فرهنگی و علمی مدرسه، خصوصاً دعوت اساتید لایق و عالی رتبه تا می توانست تلاش و همیشه بهترین اساتید را برای تدریس در مدرسه دعوت می کرد و معلوم است که دست یابی به اساتید بزرگ آن هم برای دروس سطح پایین چقدر دشوار بود. حضرت استاد خزعلی، یک روز در درس اصول فقه به مناسبتی فرمودند:

«امروز تقاضا نسبت به من برای تدریس دروس سطح بالا زیاد است؛ اما به جهت وظایف و مسئولیت های دیگری که دارم، قبول نمی کنم و این درس را برای شما از این جهت قبول کرده ام که آقای قدوسی درخواست کرده اند و اگر این مرد بگوید «شرح امثله» را در این مدرسه تدریس کنم. چنین خواهم کرد و آن را وظیفه خود خواهم دانست.» (همان) شهید قدوسی برای تربیت طلاب از اساتید فاضل و مهذبی هم چون آیت الله شبیری زنجانی، آیت الله حائری شیرازی و ... استفاده می کردند. ویژگی های تربیتی اساتید تا آنجا برای شهید قدوسی حائز اهمیت بود که اگر تشخیص می داد استاد یا شاگردی در روحیه طلاب اثر نامطلوب دارد، هرچه زودتر به وجه معقولی، عذرش را می خواست. («گفت و شنود با آیت الله احمد جنتی»، همان، ص 8)

• تواضع در رفتار، گفتار و نوشتار؛

• عزت نفس؛

• عیب پوشی اصلاح گرو....

### **ب. ویژگی های شناختی و معرفتی**

• معرفت به ارزش کار تربیت طلبه؛

• شناخت ویژگی های نسل جوان؛

• توجه به بهداشت روحی و روانی شاگردان؛

• توجه به نیازهای شاگردان؛

• بصیرت اجتماعی - سیاسی؛

• آینده نگری؛

• تقویت مبانی اعتقادی شاگردان؛

• تفهیم استدلالی و.....

### **ج. ویژگی های انگیزشی و عاطفی**

• احساس مسئولیت به تربیت طلاب؛

• برقراری ارتباط مؤثر با طلاب؛ (1)

• ابراز عطوفت پدران؛

• تکریم و احترام شاگردان؛

• انگیزه بخشی برای جهاد پرشور علمی؛

• موعظه ی شاگردان؛

• تویخ و تنبه و انداز؛

• خیرخواهی و راهنمایی؛

ص: 267

---

1- در برخی از مدارس علمیه، اساتید به صورت نوبتی تا پاسی از شب، در مدرسه و در میان طلاب می مانند و ضمن رسیدگی به مسائل و مشکلات احتمالی مدرسه و طلاب (به عنوان جانشین مدیر در آن ساعات)، زمینه های انس بیشتر طلاب با اساتید را فراهم می کنند.

• رازداری

• اعتماد به شاگردان؛

• سعه ی صدر و بردباری؛

• استفاده از ظرفیت ها و استعداد های طلاب و ... .

### **د. ویژگی های رفتاری**

• نظم و انضباط ؛

• بهره گیری از روش تربیت الگویی (بیان سیره ی اهل بیت علیهم السلام، علما و شهدا حین تدریس)؛

• هم سویی با برنامه های مدیر و کادر تهنذیبی و تربیتی مدرسه؛

• ارائه ی الگوی عملی معنویت و فضیلت؛

• پرهیز از نگاه کاسبکارانه نسبت به تدریس؛

• رعایت آداب تدریس؛

• نظافت و آراستگی ظاهری؛

• دفاع از ارزش های اسلام و انقلاب اسلامی؛

• اقدام اجتماعی و..... (1)

علاوه بر این لازم است استاد به تناسب قابلیت های شاگردان، این توجهات و رسیدگی ها را کم و بیش نماید و با شاگردان ویژه و خاص ارتباط بیشتری داشته باشد، از آن ها تکلیف بیشتری بخواهد و برای آنان فرصت بیشتری اختصاص دهد.

شاید همه این عناوین را در این کلمات نیز بتوان خلاصه کرد: دغدغه داشتن، احساس مسئولیت، دردمندی و دلسوزی .

### **شرایط اثرگذاری بیشتر**

تربیت ایجاد تغییر است و برای انسان پذیرش تغییر به صورت طبیعی بسیار دشوارست؛ در



1- برای آگاهی و مطالعه بیشتر، ر.ک: حسین خانی و علی محمدی، «نقش تربیتی اساتید در مدارس علمیه»، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1396 .

شرایط عادی هرکسی در مقابل تغییر مقاومت و موضع منفی دارد. احتمال ایجاد تغییر در صورت وجود شرایط چندی بالاتر خواهد رفت: فضیلت، علمیت و مهارت.

هر چه استاد به ایمان و فضایل اخلاقی آراسته تر و به توصیه های خود عامل تر باشد تأثیرگذاری و نفوذ او در جان طلبه بیش تر است: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا). (1)

از جمله فضایل اخلاقی می توان به این موارد اشاره کرد:

خوش خلقی و ملایمت: (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ)؛ (2) (فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى) (3)؛ (لِيُنْزِلَ لِمَنْ يُعَلِّمُونَ وَلِمَنْ تَعَلَّمُونَ مِنْهُ)؛ (4) اخلاص در ارتباط و پرهیز از نگاه کاسب کارانه: (يَا قَوْمِ لَا أَسْتَلْكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى الَّذِي فَطَرَنِي أَفَلَا تَعْقِلُونَ)؛ (5)

تکریم طلبه و پرهیز از تحقیر و توهین او شرط لازم: (أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا أَدْبَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ). (6) درجه علمیت استاد نیز در اعتماد طلبه و اعتبار او نزد طلبه مؤثر است. پیش از این گفتیم که طلبه در مقابل منزلت و کمال علمی استاد خضوع می کند و آنرا محترم می شمرد. هرچه این خضوع علمی بیشتر باشد قدرت نفوذ استاد بیشتر و پایدارتر خواهد بود.

مهارت های شاگرد پروری و توان ارتباط مؤثر نیز درجه فاعلیت استاد را در اثرگذاری بالا می برد.

این سه ویژگی مقبولیت و محبوبیت استاد را بیشتر می سازد و او را در انجام مسئولیت مهم خود یاری می دهد.

ملاحظه: رابطه استاد با طلبه باید صمیمی باشد، اما این صمیمیت نباید باعث هتک حرمت استاد و از بین رفتن حریم او شود. طلبه باید استاد را همواره استاد و بزرگ تر خود بداند

ص: 269

- 1- مریم، آیه 9.
- 2- آل عمران، آیه 159.
- 3- طه، آیه 44.
- 4- شهید ثانی، منیة المرید، ص 193.
- 5- هود، آیه 51.
- 6- طبرسی مکارم الاخلاق، ص 222.

نه اینکه به منزله یک رفیق برای ساعات سرگرمی و بی حوصلگی خود به او پناه آورد.

ضمناً اگر خانواده استاد صلاحیت لازم برای الگودهی به طلبه را ندارند، در ارتباط با آنان لازم است محدودیت هایی اعمال شود. برای مثال، در این موارد به جای رفت و آمد طلاب به منزل استاد، در مراسم عمومی مانند روضه، هیئت، یا جشن اعیاد مذهبی از آنان دعوت شود. (1)

## نقش معاونت تهذیب در ترغیب اساتید به نقش آفرینی تربیتی

### الف. معاونت تهذیب و تربیت ستاد

معاونت تهذیب و تربیت نیز به عنوان ستاد برنامه ریزی اخلاقی و تربیتی حوزه می تواند از این ظرفیت بزرگ و اثر بخش در راستای اهداف تربیتی خود استفاده کند، برای این منظور پیشنهاد می شود:

- برگزاری جلسات مستمر توجیهی با اساتید (2)، معاونان آموزش و نیز مدیران مدارس علمیه و انتقال این دغدغه به آنان؛
- برگزاری دوره ها و کارگاه های آموزشی برای اساتید در مدارس و در استان ها جهت دانش افزایی و مهارت افزایی؛
- آموزش های غیر حضوری اساتید از طریق کتاب و جزوه آموزشی یا بسته های سمعی و بصری برای اساتید؛ توزیع جزوات و نشریات برای انتقال این دغدغه به اساتید خصوصاً با استفاده از امکانات اینترنتی و ایمیل؛
- نقل سنت شاگرد پروری و سیره بزرگان در ارتباط تربیتی با طلاب برای اساتید؛
- الگوسازی معاونان تهذیب در تدریسهای خود در مدرسه؛
- برگزاری مسابقات کتابخوانی تخصصی و پیش بینی عوامل تشویقی برای اساتید در این موضوع؛
- جمع آوری، تدوین و انتشار خاطرات تربیتی اساتید موفق؛

ص: 270

1- تلخیص و اقتباس از: عالم زاده نوری، محمد، مقاله «نقش تربیتی اساتید»، سایت مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب.

2- نشست معاون تهذیب با اساتید مدارس علمیه اگر به صورت منظم (حدود دو هفته یک بار) برگزار شود و لابلای کثرت مشاغل طرفین فراموش نگردد، اولاً- انگیزه و توجهات اساتید را برای ارتباطات تربیتی و رسیدگی در حق طلاب به طور مستمر تقویت می کند؛ ثانياً موجب تبادل تجارب و اطلاعات می گردد؛ ثالثاً مشکلات میان راه را حل می کند؛ رابعاً شناخت مؤثری از طلاب به معاونت تهذیب منتقل می سازد. همچنین در این همفکری ها به صورت جمعی نسبت به مسائل اخلاقی معنوی طلاب چاره اندیشی می شود. می توان اساتید را بر اساس ماده درسی یا پایه تدریس طبقه بندی و جلسات را تفکیک کرد.

- بهره‌گیری از فرصت برگزاری دوره‌های تخصصی تربیت مدرس جهت القای ضرورت‌های تربیتی به اساتید؛
- گفتگوی چهره‌به‌چهره با مدیران مدارس و توجه دادن ایشان به نقش تربیتی اساتید در مدرسه؛
- انتشار احادیث اخلاقی و ارائه به اساتید جهت ارائه در کلاس درس و مسابقه چهل حدیث؛
- سرمایه‌گذاری بیشتر روی اساتید خلاق جوان؛
- تلاش برای تصویب قوانین و تدوین آیین‌نامه‌هایی که به فعالیت‌های تربیتی اساتید توجه کند و برای آن امتیازاتی در نظر گیرد؛
- بازنگری در روش انتخاب اساتید با اهداف تربیتی؛
- برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر مناسب برای لحاظ شدن برنامه‌ها و روش‌های تربیتی در مراکز تربیت مدرس؛
- تجدید نظر اساسی در شاخص‌های ارزیابی اساتید براساس اهداف و ملاحظات تربیت دینی؛
- ارسال پیام‌های کوتاه برای اساتید در مورد نقش تربیتی و اخلاقی آنان در مدارس علمیه .

### **ب. معاونت تهذیب مدرسه**

- ایجاد ارتباط اساتید با طلاب و فراهم آوردن امکان سرکشی به حجرات به صورت رسمی؛
- برخی از اساتید توان یا انگیزه لازم برای پیش قدم شدن در این زمینه را ندارند اما اگر شرایط آن فراهم شود از آن استقبال و استفاده می‌کنند؛
- ارائه رهنمود به مدیر مدرسه برای استفاده از اساتید دغدغه‌مند و تربیت‌گرا؛
- فراهم آوردن امکان اسکان اساتید دارای صلاحیت الگودهی در حجرات مدرسه و تشویق آنان به این امر؛
- دعوت از اساتید برای شرکت در اردوها مراسم، تفریحی زیارتی سیاحتی و ....
- ملاحظه ویژگی‌های تربیتی اساتید در تقدیر از آنان در روز معلم (آموزش و نمره محوری محض در نگرش مدیر مدرسه نسبت به ارزیابی استاد از آسیب‌های موجود است)؛
- نظارت مستمر بر ارتباطات تربیتی اساتید و ارائه پیشنهادها و تذکرات لازم به او؛

● شناسایی و تشویق اساتید تأثیرگذار تربیتی و واگویی اقدامات تربیتی آنان جهت الگوسازی برای دیگران؛

● بهره‌گیری مدرسه از اساتید باتجربه و مقبول برای ترغیب سایر اساتید؛

● توصیه به طلاب جهت ارتباط فعال بیشتر با اساتید؛

● ایجاد ارتباط میان اساتید و اولیای طلاب با برگزاری جلسات انجمن اولیا و مربیان؛

● فضاسازی و نصب احادیث یا پیام‌های اخلاقی با محتوای احساس مسئولیت نسبت به طلبه در اتاق اساتید .

### ج. استاد و درس اخلاق

مراد از استاد اخلاق، انسان وارسته‌ای است که در عمل به شریعت و دریافت‌های دینی و معنوی توانا باشد، صلاحیت تقوایی، مهارت و تخصص در اخلاق اسلامی و تدبیر استادی داشته باشد تا جوینده کمال را در تهذیب نفس، عمل به تمامی شریعت، شناخت صواب از خطا و حرکت به سوی رضای الهی یاری دهد و راهنما گردد، دستورات اخلاقی اسلام را به شایستگی تبیین کند و هرگونه ابهام و پرسشی را روشن سازد. (1)

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

(هلک من لیس له حکیم پرشده)؛ (2)

به هلاکت رسد کسی که مرشد و راهنمای حکیمی نداشته باشد.

بی تردید، حضور یک استاد مہذب و صاحب نفس در مدارس علمیه و برگزاری جلسات موعظه و اخلاق، یکی از ضروریات تربیت اخلاقی است. در گذشته‌های دور، بسیاری از بزرگان علم و اخلاق، حجره‌ای در مدرسه داشتند و بیشتر وقت و همت خود صرف آموزش و تربیت طلاب می‌کردند. با مروری بر سیر اخلاقی و معنوی حوزه‌های علمیه در طول تاریخ، به وضوح می‌بینیم که هر جا تهذیب و تربیت طلاب، تحت اشراف و هدایت عالمی ربانی و انسانی کامل بوده است، موفقیت‌های اخلاقی و معنوی فراوانی در پی داشته و انسان‌های

ص: 272

1- ضرورت و ویژگی‌های استاد و راهنما در اخلاق، نشریه حوزه مهر و آبان 1367، شماره 28 .

2- اربلی، کشف الغمة في معرفة الأئمة، ج 2، ص 113 .

وارسته بسیاری تحویل حوزه ها شده است. چنانکه در دو قرن اخیر اساتید فرزانه ای را می یابیم که با مراقبت و تدبیر، فرزندگان زمان را با معیارهای کاملاً شرعی پدید آوردند.

امام خمینی قدس سره در اهمیت وجود استاد و مربی اخلاق و لزوم تشکیل جلسات درس اخلاق می فرمایند:

حوزه های علمیه همزمان با فراگرفتن مسائل علمی، به تعلیم و تعلم مسائل اخلاقی و علوم معنوی نیازمند است. راهنمای اخلاق و مربی قوای روحانی و مجالس پند و موعظه لازم دارد. برنامه های اخلاقی و اصلاحی، کلاس تربیت و تهذیب، آموختن معارف الهیه، که مقصد اصلی بعثت انبیا علیهم السلام می باشد، باید در حوزه ها رایج و رسمی باشد. متأسفانه در مراکز علمی به اینگونه مسائل لازم و ضروری کمتر توجه می شود. علوم معنوی و روحانی رو به کاهش می رود و بیم آن است که حوزه های علمیه در آتیه نتوانند علمای اخلاق، مریبان مهذب و آراسته و مردان الهی تربیت کنند و بحث و تحقیق در مسائل مقدماتی مجالی برای پرداختن به مسائل اصلی و اساسی، که مورد عنایت قرآن کریم و نبی اعظم صلی الله علیه و آله وسلم و سایر انبیا و اولیا علیهم السلام است، باقی نگذارد. خوب است فقهای عظام و مدرسین عالی مقام، که مورد توجه جامعه علمیه می باشند، در خلال درس و بحث به تربیت و تهذیب افراد همت گمارند و به مسائل معنوی و اخلاقی بیشتر پردازند. محصلین حوزه ها نیز لازم است در کسب ملکات فاضله و تهذیب نفس کوشش کرده، به وظایف مهم و مسئولیت های خطیری که بر دوش آنان است اهمیت دهند. (1)

نیز خطاب به طلاب و روحانیون می فرمایند:

در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق برنامه تنظیم کنید، استاد اخلاق برای خود معین نمایید، جلسه وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی توان مهذب شد. اگر حوزه ها همین طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود. چطور شد علم فقه و اصول به مدرّس نیاز دارد، درس و بحث می خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد و مدرس لازم است، کسی خودرو و خودسر در رشته ای متخصص نمی گردد، فقیه و عالم نمی شود، لکن علوم معنوی و اخلاقی، که هدف بعثت انبیا و از لطیف ترین و دقیق ترین علوم است، به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم حاصل می گردد؟ کرارا شنیده ام سید جلیلی معلم اخلاق و معنویات استاد فقه و اصول، مرحوم شیخ انصاری بوده است. (2)

مقام معظم رهبری دام ظلّه نیز در همین زمینه خطاب به بزرگان حوزه می فرمایند:

من از بزرگان حوزه خواش می کنم، درس اخلاق و تهذیب را برای جوانان مستعد، روشن و نورانی -

ص: 273

1- امام خمینی قدس سره، جهاد اکبر، ص 3 و 4.

2- همان.

که در این حوزه فراوان هستند - جدی بگیرند. (1)

لکن از باب اینکه «آب دریا را اگر نتوان کشید، هم به قدر تشنگی باید چشید» و «ما لایدرک کله لایترک کله»، اکنون که بسیاری از مدارس علمیه ما از وجود چنین انسان های کاملی خالی مانده اند، نباید دست روی دست گذاشت و غصه خورد، بلکه به قدر وسع و با بهره گیری از اساتید اخلاق موجود و اعزام آن ها به مدارس مختلف، باید کوشید تا جلسات اخلاق مدارس رونق بگیرند.

همچنین با تدبیر و برنامه ریزی صحیح، استفاده از ظرفیت تربیتی اساتید اخلاق موجود، تأسیس و تقویت رشته های مرتبط با اخلاق و تربیت اسلامی در حوزه، برگزاری مرتب جلسات و نشست های هم اندیشی اساتید اخلاق، تدوین متون اخلاقی متقن، جذاب و متناسب با نیازهای طلبه معاصر و... لازم است هر چه زودتر ضعف ها و کاستی های موجود برطرف شوند.

### شاخص ها و ویژگی های استاد اخلاق

#### اشاره

با توجه به اهمیت مسأله ی تربیت اخلاقی و جایگاه ویژه استاد اخلاق در این میان، اساتید اخلاق باید برخوردار از ویژگی هایی باشند که به موارد مهم آن ها در ذیل اشاره شده است:

#### الف. ویژگی های اخلاقی و شخصیتی استاد اخلاق

- اخلاص و نیت پاک؛
- تعبد، تقوا و پارسایی؛
- عشق به اهل بیت علیهم السلام؛
- انس با دعا و معنویات؛
- اهتمام به انجام مستحبات و دوری از مکروهات؛
- الگوی عملی بودن؛
- زهد و ساده زیستی؛
- هماهنگی گفتار و کردار؛

1- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب و روحانیون، مدرسه فیضیه 1374/9/16 .



- تواضع؛
- ادب و وقار؛
- توکل و مناعت طبع؛
- سعه صدر و بردباری؛
- امانت داری؛
- رازداری؛
- حسن خلق؛
- مهربانی و دلسوزی؛
- پختگی و انسجام شخصیت؛
- بصیرت فرهنگی اجتماعی؛
- اعتماد به نفس بالا؛
- ولایت مداری و روحیه ی انقلابی؛
- نظم و انضباط؛
- نظافت و آراستگی ظاهری و .....

### **ب. مسؤولیت های اخلاقی و تربیتی استاد اخلاق**

- شناخت کافی نسبت به مباحث اخلاقی و معارف اسلامی؛
- شایستگی علمی و مهارت و تجربه ی لازم در ارائه ی مشاوره ی اخلاقی؛
- قدرت بیان مناسب در القای آموزه های اخلاقی
- شناخت راه های پیش گیری، درمان، اصلاح، تحکیم و تعالی اخلاقی؛
- توانایی یافتن استعدادها و ویژگی های شخصیتی متربی؛

• تدبیر در به کارگیری درست شیوه های ارشاد و دسته بندی شایسته ی مطالب؛

• واقعیت گرایی و زمان شناسی؛ (1)

ص: 275

---

1- استادی که از واقعیت ها و مسایل و مشکلات جامعه بیگانه و بی خبر باشد، نسبت شرایط زمان مکان و مخاطب خود آگاهی کافی و لازم را نداشته باشد، بالطبع مباحثی را ارائه خواهد نمود که چندان راهگشای نیازها و مشکلات مخاطبان خود نباشد و چه بسا باعث پیچیدگی فزون تر دشواری ها نیز بگردد .

- پرهیز از القای یأس و ناامیدی؛
- توانمند در برقراری رابطه‌ی مطلوب و مؤثر با مخاطبان؛
- به دور از مرید و مراد بازی؛
- عیب پوشی اصلاح‌گر؛
- تلاش برای تقویت مبانی اعتقادی شاگردان؛
- برخورداری از پشتوانه استدلالی در ارائه مباحث اخلاقی و تربیتی؛
- احساس مسئولیت و معرفت نسبت به ارزش کار خویش؛
- تکریم و احترام شاگردان؛
- نصیحت و خیرخواهی؛
- دارای حسن شهرت و مقبولیت عمومی در میان طلاب
- هم‌سوئی با برنامه‌های مدیر و کادر تہذیبی و تربیتی مدرسه و ....

#### **د. استاد مشاور**

امروزه مشاوره، جایگاه مناسبی در یاری‌رسانی و راهنمایی افراد پیدا کرده و در پیش‌گیری و درمان مشکلات روحی، روانی و رفتاری طلاب، اصلاح‌بیش‌ها و شناخت‌های اساسی زندگی، غلبه بر هیجان‌های منفی، ارتقای سطح سازگاری و مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی آنان، افزایش اعتماد به نفس توان تصمیم‌گیری، بهبود و تحکیم روابط خانوادگی، مدیریت تحصیلی، مهارت‌های مطالعه و پژوهش، آموزش شیوه درست زندگی و... می‌تواند خدمات قابل توجهی ارائه نماید. از این رو، وجود مراکز خدمات مشاوره‌ای برای طلاب و خانواده‌های ایشان و در دسترس بودن این مراکز در استان‌ها و نیز بهره‌گیری مدارس علمیه سراسر کشور از مشاورین روحانی متخصص و متعهد بسیار ضروری می‌نماید و از عوامل مؤثر در رشد متوازن و متعادل اخلاقی و تربیتی طلاب می‌باشد.

با توجه به اهمیت مسأله‌ی مشاوره در مدارس علمیه و نقش برجسته‌ی مشاور در این میان،

استاد مشاور حوزه باید برخوردار از ویژگی هایی باشد که به مهم ترین آن ها در ذیل اشاره شده است:

### شاخص ها و ویژگی های استاد مشاور

#### الف. ویژگی های اخلاقی و شخصیتی مشاور

- پرهیزکاری؛
- دارای حسن خلق؛
- عفت و پاک دامنی؛
- انس با دعا و معنویات؛
- امانت داری؛
- رازداری؛
- مسؤولیت پذیری؛
- متواضع؛
- حق مداری؛
- داشتن سعه صدر و بردباری؛
- رعایت زی طلبگی؛
- نصیحت گرو خیرخواه؛
- وفای به عهد و وعده؛
- اجتناب از حرص و بخل؛
- داشتن جرأت و شهامت؛
- عمل به دانسته ها؛
- مهربانی و دلسوزی؛

• دارای اعتماد به نفس بالا؛

• دارای نظم و انضباط؛

• دارای نظافت و آراستگی ظاهری.

ص: 277

## ب. صلاحیت های حرفه ای مشاور

• برخورداری از دانش، مهارت و تجربه لازم در ارائه ی مشاوره و راهنمایی؛

• احساس مسؤولیت و معرفت نسبت به ارزش کار خویش؛

• توجه به کرامت انسانی مُراجع و تکریم و احترام عملی وی؛

• احترام به آزادی و اختیار مراجع؛

• صداقت و راستگویی نسبت به مراجع؛

• شناسایی و ارجاع افراد دارای مشکلات و ناهنجاری های حاد به متخصصان و مشاوران مراکز مشاوره ی تخصصی؛

• ایجاد و حفظ نشاط و شادابی در میان طلاب مدرسه؛

• برقراری ارتباط مؤثر و کمک به مدیر، معاون تہذیب، اساتید مدرسه در جهت حل مشکلات تربیتی و روان شناختی طلاب؛

• در نظر گرفتن مصلحت واقعی مراجع؛

• پذیرش و توجه کامل و مثبت به مراجع و تلاش برای رسیدن به درک درست و جامع از مشکل وی؛

• رعایت عدالت و عدم تبعیض میان مراجعان؛

• توجه به ویژگی ها و تفاوت های فردی مراجعان؛

• توجه به علل و زمینه های محیطی، فرهنگی، خانوادگی و ... مشکل و اختلال؛

• دوری از لجاجت و بحث های بی ثمر با مراجع؛

• پرهیز از مواضع تہمت؛

• عدم سوء استفاده از موقعیت حرفه ای؛

• مشاوره و کسب نظر از مشاوران و کارشناسان دیگر در صورت لزوم؛ • مطالعه ی مستمر و توجه به آرای کارشناسان و نظریه پردازان مختلف.

## اشاره

دوره نوجوانی و جوانی دوره ای است که عناصر شخصیتی و هویتی فرد در حال شکل گرفتن است و به همین دلیل، میزان تأثیر پذیری طلاب از همسالان خود، به ویژه از هم حجره ای، هم مباحثه ای و دوست بیش تر است. این تأثیر پذیری با شدت و ضعف هایی، اغلب در اندیشه، نگرش و رفتار فرد نمایان می شود.

مرحوم آیت الله مجتهدی در اهمیت این بحث چنین می فرماید: دنبال رفیق و دوست و یا استاد و هم مباحثه ی بی عیب نگرد؛ ولی قبل از اینکه با کسی رفیق شوی یا اینکه در درس کسی شرکت کنی، جست و جو بکن... (1)

## هم حجره

انتخاب هم حجره ای مناسب در نخستین روزهای زندگی طلبه، اهمیت زیادی دارد و می تواند زمینه ی رشد و تعالی همه جانبه ی وی را فراهم کند.

آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ به این سؤال که «در انتخاب هم مباحثه ای ها و هم حجره ای ها، چه معیارهایی مهم است و چه شرایطی باید داشته باشند؟» می فرماید:

در این مورد علاوه بر تقوا حسن شهرت، استعداد و خوش سلیقه بودن، هماهنگی سنی و درسی نیز ضروری است. در غیر این صورت، با یک دیگر نمی جوشند و کم کم مشکلاتی هم ایجاد می شود.

بنابراین هم طراز بودن از نظر سن و سال و مسائل درسی را باید کاملاً مد نظر داشت. (2)

آیت الله سبحانی نیز در پاسخ به همان سؤال می فرماید:

باید بدانیم دو یا سه نفری که می خواهند در یک حجره باهم زندگی کنند، هرچه فرهنگ شان به هم نزدیک باشد، بهتر است و قطعاً مشکلات کمتری پیش می آید. (3)

چه بسا افرادی که با هم حجره ای شدن با طلبه های فاضل و مهذب، به مدارج عالی علمی و اخلاقی دست یافتند و برعکس، با انتخاب هم حجره ای نامناسب، زمینه ی سقوط و خروج خود از سلک طلبگی را فراهم کردند. بنابراین یکی از وظایف مدیر و کادر تہذیبی مدرسه،

ص: 279

1- برخوردار فرید، آفات الطلاب، ص 30.

2- وافی، نسیم هدایت، ص 178.

3- همان، ص 178-179.

کمک به طلاب برای انتخاب هم حجره ای مناسب و چینش صحیح حجره ها می باشد.

آیت الله باقری بنابی (1) در مورد چینش ترکیب حجره های طلاب در مدرسه می فرماید :

در مورد ترکیب حجرات که چه کسی با چه فردی هم حجره شود، دقت زیادی می کنیم. اگر قرار باشد انسان برای تدریس کتاب پیچیده ای، تلاش زیاد و دقت فراوان نشان دهد، ما بیش از آن مقدار در مورد هم حجره دقت به خرج می دهیم. ارزیابی می کنیم که اگر این چند نفر کنار هم باشند، آیا برای هم مفید خواهند بود یا نه؟ بعد از بررسی و سنجش، پیشنهاد می کنیم که آقای فلانی! این آقا با شما هم حجره خواهد شد، نظرتان چیست؟ البته باید حوزه هم این ترکیب را تأیید کند، تنها رضایت خود طلبه کافی نیست. در هر حجره، يك نفر را به عنوان مسؤل حجره انتخاب می کنیم تا بین دو یا سه نفر دیگر هماهنگی ایجاد کند. نظر این است که او به عنوان امین ما در حجره بوده باشد و به هم حجره ای هایش خط و جهت بدهد، به ویژه این که در این مورد حدیث شریفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که اگر دو نفر هستید، یکی را به عنوان امیر برگزینید. (2)

ایشان در مورد امکان جابه جایی و تغییر حجره نیز می گویند:

اگر طلبه ای در يك حجره موفق است؛ یعنی از نظر فکری، اخلاقی و درسی و آداب در سطح خوبی قرار دارد، تغییر حجره او صلاح نیست؛ چرا که ثبات روحی وی را از بین برده و او را متزلزل می کند؛ اما اگر ثابت شود که طلبه در این حجره موفق نیست یا با هم اتاقی هایش نمی تواند بماند و یا به درس و اخلاقیش نمی تواند برسد و، در این صورت جابه جایی او مطلوب است. اما اینکه براساس چه معیارهایی تصمیم گرفته شود، باید دید این طلبه با روحیات خاصش، در کدام حجره پیشرفت خواهد کرد. گرچه تنوع هم در کنار اهداف می تواند قرار گیرد و هیچ عیبی هم ندارد؛ اما يك چیز را باید مد نظر قرار داد و آن اینکه نباید جابه جایی يك طلبه تبعات منفی داشته باشد؛ برای مثال، در مدرسه جو ایجاد شود که مگرچه شده فلانی را از آن جا در آوردند و به حجره ی دیگری بردند؟ مگر هم حجره ای هایش چگونه بودند؟ این تبعات، شخصیت هم حجره ای های قبلی او را مخدوش می سازد. براین اساس، باید در این تغییرات دقت و ظرافت زیادی به خرج داد. (3)

هم چنین در برخی از مدارس علمیه، شورایی برای چینش ترکیب حجره ها تشکیل می شود که مدیر، معاون تهذیب و آموزش، یکی از اساتید که انس بیشتری با طلاب دارد و یکی، دو نفر از طلبه های پایه های بالاتر که مورد وثوق مدیر و طلبه های مدرسه است و شناخت بهتری

ص: 280

1- مدیر مدرسه علمیه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شهرستان بناب و از مدیران با تجربه و موفق حوزه .

2- حسین خانی، نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه، ص 155 .

3- همان، ص 155 و 156.



نسبت به اکثریت طلبه ها دارد، را در بر می گیرد. این شورا قبل از شروع سال تحصیلی، اسامی طلاب را بررسی کرده و پیشنهادهایشان را برای ترکیب حجره ها و قرار گرفتن طلاب در کنار یک دیگر ارائه می کنند .

### هم مباحثه

با توجه به اینکه مباحثه یکی از سنت های اصیل حوزه های علمیه و از ضرورت های موفقیت تحصیلی و رشد علمی و معنوی در حوزه است، لازم است طلبه در انتخاب هم مباحثه ی مناسب اهتمام داشته باشد. موفقیت بسیاری از بزرگان مدیون داشتن هم مباحثه های خوب در دوران تحصیل بوده و در سیره و شرح حال زندگی شان، این امر به وضوح قابل مشاهده است.

مرحوم آیت الله مجتهدی در بیان ویژگی هم مباحثه ی خوب چنین می فرماید:

البته فقط هم مباحث داشتن کافی نیست؛ زیرا هم مباحث ضعیف داشتن، چندان فرقی با هم مباحث نداشتن ندارد. بلکه در مباحثه، باید کسی را انتخاب کنی که از او استفاده ببری و در صورت امکان از تو قوی تر باشد تا نیروی محرکه برای تو باشد و باعث شود به درس و بحث و مطالعه پردازی و چون سعی و تلاش و فهم او را می بینی، سعی خواهی کرد که خودت هم هم چنین باشی و همین رمز موفقیت تو خواهد بود. باید هم مباحثی را انتخاب کنی که در درس جدی باشد، رعایت ساعات مقرر را بکند و در هنگام مباحثه از مطالبی که ذهن و فکر هر دوی شما را پرت می کند، خودداری کند... (1)

بنابراین یکی از وظایف کادر تهذیبی و تربیتی و به ویژه اساتید مدرسه، ارائه مشاوره و راهنمایی به طلاب برای انتخاب هم مباحثه ای مناسب می باشد.

### ویژگی های یک هم مباحثه خوب

برخی از ویژگی های هم مباحثه ی خوب عبارت است از:

● پرهیزکار و مقید به امور شرعی و ظواهر دینی؛

● اهل نماز اول وقت و جماعت؛

● دارای حسن خلق؛

● کوشا و درس خوان؛

ص: 281

• منظم و وقت شناس؛

• رفیق و همراه؛

• متواضع؛

• از نظر سن و سال، نزدیک به هم بودن؛

• اهل ایثار و گذشت؛

• اهل مراء و جر و بحث نبودن.

## دوست

بی تردید، انسان دارای یک سلسله نیازهای مادی و غیرمادی است و رشد و کمال او نیز در وابسته به ارضای درست و به موقع این نیازهاست. یکی از مهم ترین نیازهای انسان نیازهای عاطفی است. عواطف انسان از بدو تولد تا پایان عمر باید ارضا شود و گرنه دچار مشکل می شود. نیاز به محبت ورزیدن به دیگران و مورد محبت دیگران واقع شدن، دقیقا یک نیاز عاطفی است.

این نیاز طی مراحل مختلف رشد و در مراحل گوناگون زندگی، شکل های مختلفی پیدا می کند و در هر دوره ای به گونه ای متناسب با آن زمان باید ارضا شود. در دوره ی نوزادی، نیاز کودک از طریق والدین به ویژه مادر، با بوسیدن نوزاد، در آغوش گرفتن او و نگاه های محبت آمیز به او ارضا می شود. در این دوره، تأمین نیازهای عاطفی کودک به اندازه ی نیازهای زیستی، مانند آب و غذا و پوشاک برای رشد نوزاد ضرورت دارد.

در دوره ی کودکی، تأمین این نیاز توسط اعضای خانواده و همه ی کسانی که به شکلی با کودک ارتباط دارند، تأمین می شود. در دوره ی نوجوانی از طریق دوستان و گروه هم سالان و در دوره ی جوانی به وسیله ی دوستان خویشاوندان و همسر به این نیاز پاسخ داده می شود. روان شناسان علت وابستگی انسان ها را به یکدیگر همین نیازهای عاطفی می دانند.

گفتنی است اساس و پایه ی دوستیها در سن نوجوانی و جوانی که با جذب و شور زیادی همراه است، غالبا بر مبنای عواطف و احساسات شکل می گیرد، نه براساس منطق و عقل. مقدمه ی این دوستی ممکن است جذابیت یک فرد از نظر ظاهری یا شخصیتی یا پاره ای از

صفات اخلاقی باشد که او را برای فرد دیگر دوست داشتنی می‌سازد؛ به طوری که توانسته در روح و روان او تأثیر عمیقی بگذارد و خلا عاطفی اش را پر کند.

بنابراین یکی از مسؤولیت‌های تربیتی مدیر معاون تهذیب، مشاور و سایر اساتید مدرسه، نظارت بر کیفیت و کمیت روابط دوستی طلاب مدرسه با یک دیگر است و اگر این مسأله مورد غفلت واقع شود و مراقبت لازم صورت نگیرد، ممکن است این روابط تأثیر منفی بر رشد اخلاقی و علمی طلاب بگذارد.

## و. کارکنان و کارگزاران مدرسه

### اشاره

اغلب کارمندان و کارگزاران مدرسه به صورت مستمر و روزانه با طلبه‌ها در ارتباط هستند و می‌توانند در فضای تربیتی مدرسه به شکل مستقیم و غیر مستقیم اثرگذار باشند.

بنابراین، کارکنان مدرسه باید از چنان نگرش، احساس و رفتاری برخوردار باشند که هر یک نمایان‌گر بخشی از هویت طلبگی مدرسه باشند، خود را جزئی از هویت فرهنگی و معنوی مدرسه بدانند؛ خدمت به طلاب را خدمت به دین خدا و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تلقی نمایند؛ در کار خود پرنشاط و خستگی ناپذیر ظاهر شوند؛ امانت‌داری، صداقت و رعایت سلسله‌مراتب شغلی از جمله ویژگی‌های آن‌ها باشد؛ سرنوشت خود را با سرنوشت مدرسه پیوند بزنند و از خدمت در مدرسه رضایتی عمیق داشته باشند.

مدیر مدرسه باید هر از گاهی، با کارکنان و کارگزاران مدرسه جلسه بگیرد و با تجلیل از آنان و قدردانی از زحماتی که برای مدرسه می‌کشند، انگیزه تلاش و خدمت را در ایشان تقویت نموده و نکات اخلاقی و تربیتی مورد نیاز را گوشزد نماید. همچنین، می‌تواند درس اخلاق اختصاصی برای کارکنان ترتیب دهد و از اساتید اخلاق حاضر در مدرسه یا اعزامی از قم بخواهد که جلسه‌ای نیز با آنان داشته باشند. برگزاری کلاس‌ها، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی و مهارتی متناسب با نیازهای تهذیبی کارکنان نیز از جمله کارهایی است که می‌توان برای ارتقاء سطح اخلاقی و معنوی آنان انجام داد.

در ادامه به تبیین نقش تربیتی برخی از کارکنان مدرسه علمیه می‌پردازیم:

با توجه به اینکه بیشترین وقت طلبه را در مدرسه برنامه‌های آموزشی به خود اختصاص داده و معاون آموزش ارتباط بیشتری با طلاب دارد، از این رو انتخاب فردی متخلّق، مهذب و دغدغه‌مند در امر تهذیب طلاب و باورمند و عامل به زی‌طلبگی برای این سمت در پیش برد اهداف تهذیبی، مدرسه اثر بخش خواهد بود.

معاون آموزش با اهتمام به امور ذیل می‌تواند در موفقیت برنامه‌های تهذیبی مدرسه مؤثر باشد:

- آگاهی بخشی به اساتید نسبت به ایفای نقش تربیتی خود در مدرسه (چنان‌که در صفحه‌های پیشین، بخش استاد، به تفصیل بیان شد)؛
- تعامل سازنده با معاون تهذیب مدرسه و منعطف ساختن برنامه‌های آموزشی به منظور اجرای برنامه‌های تهذیبی در مدرسه؛
- انعطاف دادن به برنامه‌های آموزشی برای اجرای برنامه‌های تهذیبی در مدرسه؛
- دقت و اهتمام در جذب و استفاده از اساتید مهذب، متخلّق، دلسوز، ... و اثرگذار برای تدریس در مدرسه؛
- تشویق و ترغیب اساتید برای شرکت در برنامه‌های جهاد تربیتی اساتید و سایر دوره‌های آموزشی و مهارت‌افزایی که از سوی معاونت تهذیب و تربیت برای اساتید برگزار می‌شود؛
- برگزاری دروس جانبی مثل نهج‌البلاغه، حدیث، تاریخ اسلام، تفسیر و... توسط اساتید مهذب و اخلاقی؛
- همکاری و هم‌راهی با معاون تهذیب در اجرای موفقیت‌آمیز برنامه‌های تهذیبی و تربیتی.

طلاب یکی از مدارس موفق نقل می‌کرد که:

ما در مدرسه معاون آموزشی داریم که بسیار خوش اخلاق و گشاده‌رو است؛ با تمام وجود می‌کوشد مسائل آموزشی طلبه‌ها را حل کند؛ به طلبه‌ها اعتماد دارد و مبنای کارش بر حسن ظن و صداقت و درستی طرف مقابل است. برای مثال، اگر طلبه‌ای برای غیبت از کلاس عذری بیاورد، عذرش را می‌پذیرد و دیگر مدرک خاصی از او مطالبه نمی‌کند. همین برخورد وی، باعث ایجاد فضایی آرام، توأم با اعتماد و احترام متقابل در مدرسه شده و طلبه‌ها با آسودگی خاطر مشغول تحصیل هستند.

## 2. معاون پژوهش

انتخاب فردی متخلق، مهذب و دغدغه مند برای این سمت، می تواند در موفقیت فعالیت های تہذیبی مدرسه اثرگذار باشد. بخشی از کارهایی که در این راستا می توان انجام داد عبارت است از:

- سوق دادن فعالیت های پژوهشی و مطالعات جنبی طلاب به سوی موضوعات اخلاقی و تربیتی؛
- انتشار نشریه های داخلی (در قالب روزنامه دیواری، بروشور، مجله و...) و استفاده از نوشته های اخلاقی و تربیتی اساتید و طلاب در آن؛
- برگزاری نمایشگاه کتاب با اولویت کتاب های اخلاقی و تربیتی در مدرسه (حداقل سالی یک بار) و ایجاد تسهیلات مالی برای خرید قسطی کتاب؛
- تهیه نشریه های اخلاقی و تربیتی مفید برای مدرسه؛
- تجهیز مستمر کتابخانه مدرسه به کتاب های اخلاقی و تربیتی؛
- برگزاری اردوهای علمی - پژوهشی و بازدید از مراکز تخصصی و مؤسسه های آموزشی و پژوهشی فعال در زمینه مباحث اخلاقی و تربیتی و آشنایی طلاب با کتابخانه، اساتید، مطالعات و پژوهش های اخلاقی و تربیتی انجام شده و در حال انجام این مراکز؛
- تهیه سی دی ها و نرم افزارهای اخلاقی و تربیتی برای بانک اطلاعات و اتاق رایانه مدرسه؛
- همکاری و همراهی با معاون تہذیب در اجرای موفقیت آمیز برنامه های تہذیبی و تربیتی از جمله: طرح مطالعاتی شهید مطهری، سیرهای مطالعاتی و... که در معاونت تہذیب حوزه تهیه شده اند.

## 3. کارکنان بخش اداری

چنان که بارها گفته شد، همه کسانی که به نحوی با طلاب در ارتباط هستند می توانند در مسائل تہذیبی مدرسه اثرگذار باشند. بنابراین به کارگیری نیروهای متدین، با انگیزه، مسئولیت پذیر، امین و رازدار، منظم، انتقادپذیر، خوش اخلاق، متواضع و با ادب، پای بند به زی طلبگی، دستور پذیر، خدمت گزار، دارای روابط عمومی مؤثر و تا حد امکان ملبس به لباس روحانیت در بخش اداری و اجرایی مدرسه، می تواند مدیر و معاون تہذیب را در دستیابی به اهداف تربیتی و تہذیبی مدرسه کمک کند.

#### 4. باغبان

وجود فضای سبز درخت و گل و گیاه در محیط مدرسه یکی از عوامل مؤثر در ایجاد روحیه شادابی و نشاط در بین طلاب می باشد. یک فضای سبز خوب نیاز به باغبانی با تجربه و دلسوز دارد که بتواند چنین فضایی را در مدرسه برای طلاب فراهم کند. بنابراین، مدیر مدرسه باید بکوشد فرد مناسبی را برای این کار جذب کند و از مهارت و تجربه وی و در اختیار قرار دادن فضا و امکانات لازم، فضای سبز محیط مدرسه را توسعه و رونق بخشد. برخی از ویژگی ها و شاخصه های اخلاقی یک باغبان مناسب برای مدرسه علمیه به شرح زیر است:

- تدین و تقید نسبت به انجام فرائض دینی و اجتناب از گناهان؛
- داشتن نگاه درست نسبت به کار در حوزه و خدمت به سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
- رعایت ادب و حسن معاشرت در مواجهه با اساتید و طلاب و سایر کارکنان مدرسه؛
- امانت داری و رازداری؛
- با نشاط و پرنرژی در انجام وظایف محوله؛
- پوشش و آراستگی ظاهری متناسب با محیط حوزوی؛
- خوش سلیقگی، رعایت بهداشت فردی، عدم مصرف دخانیات و مهارت و تجربه کافی در باغبانی؛
- دارای مهارت و تجربه کافی در امور باغبانی و فضای سبز.

#### 5. آشپز

بخشی از موفقیت مدرسه در تأمین سلامت تغذیه طلاب به وجود آشپز یا سرآشپز با تجربه و ماهر در مدرسه بستگی دارد. رعایت آداب شرعی و بهداشتی در پخت و پز، تهیه مواد اولیه حلال، سالم، تازه و مقوی و در نظر گرفتن شرایط سنی و نیازهای جسمانی طلاب مدرسه، از اموری است که از یک آشپز خوب انتظار می رود در تهیه و تدارک غذای مدرسه رعایت کند.

برخی از ویژگی های اخلاقی یک آشپز خوب به شرح زیر است:

تدین و تقید به امور شرعی؛

- دارای نگرش درست نسبت به خدمت به سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
- رعایت ادب و برخورد مناسب در مواجهه با اساتید و طلاب و سایر کارکنان مدرسه؛

- آشنا با مسایل و احکام مورد ابتلا و آداب تغذیه در اسلام؛
- دارای پوشش و ظاهر متناسب با فضای حوزه؛
- خدمت گزار، مسؤولیت پذیر و دل سوز در انجام کار؛
- اهل تدبیر و برنامه ریزی برای استفاده درست و مناسب از مواد اولیه تهیه شده و به دور از اسراف و تبذیر در تهیه ی غذا
- دارای نظم و انضباط کاری و وقت شناس؛
- دارای روحیه ی انتقاد پذیری و دستور پذیری؛
- خوش سلیقه و دارای ابتکار عمل در تهیه غذا
- رعایت بهداشت فردی (1) و عدم مصرف دخانیات در محیط کار .

## 6. خادم و نظافت چی

وظیفه اصلی خادم یا خادمان مدرسه انجام امور نظافتی محیط، خدمات پذیرایی از اساتید و مهمانان و سایر امور محوله می باشد. خادم از این جهت که بیشتر وقتش در مدرسه سپری می شود و کارهای در معرض دید مدرسه را انجام می دهد به عنوان بخش مهمی از وجهه عمومی مدرسه به شمار می آید و در صورت داشتن ویژگی های اخلاقی و شخصیتی والا می تواند هم برای مدرسه و هم برای طلاب مدرسه منشأ آثار خوبی باشد.

برخی از شاخص های اخلاقی خادم مدرسه علمیه را می توان به شرح زیر بیان نمود:

- تدین و تقید نسبت به انجام فرائض دینی و اجتناب از گناهان؛ دارای نگرش درست نسبت به خدمت به اهل علم و سربازان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛
- تکریم علما، اساتید و طلاب و رعایت ادب تواضع و حسن خلق در برخورد با ایشان؛
- انضباط کاری، نظم و وقت شناسی و خوش سلیقگی در انجام امور روزانه؛
- داشتن روحیه مسؤولیت پذیری و خود جوشی در انجام وظایف؛
- امانت داری و رازداری؛

ص: 287

نامه های بهداشت محیط که از سوی وزارت بهداشت اعلام شده، ملتزم باشند.



● تلاش مستمر برای تقویت نور ایمان و معنویت در خود؛

● پوشش و آراستگی ظاهری متناسب با محیط حوزوی.

همچنین برخورداری از سلامت جسمانی کافی، رعایت بهداشت فردی، عدم مصرف دخانیات و آشنایی با امور فنی مورد نیاز و کثیر الابدتای مدرسه نیز از اموری است که در انتخاب خادم باید مورد توجه قرار گیرد.

## 7. نگهبان

نگهبان مدرسه اولین کسی است که انسان با ورود به مدرسه با وی مواجه می شود. نوع برخورد او با طلاب به هنگام ورود و خروج ایشان می تواند در روحیه و خلق و خوی آن ها اثرگذار باشد. یکی از طلاب نقل می کند:

مدرسه ما نگهبان بد اخلاقی داشت و من برخی شب ها که از درس اخلاق بیرون از مدرسه و با حال خوش معنوی می خواستم وارد مدرسه بشوم این آقا به قدری در باز کردن در و اجازه ورود دادن، مرا اذیت می کرد که هر چه نورانیت و معنویت جمع کرده بودم از دست می رفت و با ناراحتی و عصبانیت از او جدا شده و به حجره می رفتم.

نکات و شاخص هایی که در انتخاب نگهبان مدرسه باید به آن ها دقت نمود، عبارت است از:

● تدین و تقید نسبت به انجام فرایض دینی؛

● ادب و حسن برخورد با طلاب و مراجعان؛

● امانت داری و رازداری؛

● روابط عمومی خوب و مؤثر؛

● نشاط و سرزندگی؛

● علاقه مندی به خدمت برای حوزه و طلاب؛

● آگاهی به ارزش و اهمیت کار نگهبانی؛

● پوشش و ظاهر متناسب با فضای حوزه؛

● تجربه مهارت و هوشمندی کافی در امور نگهبانی حفاظتی و امنیتی.

## 8. راننده

راننده یا رانندگان خودروهای سواری مدرسه، مسئولیت ایاب و ذهاب اساتید و مهمانان رانندگان وسایل نقلیه عمومی مدرسه مثل اتوبوس مینی بوس یا تاکسی ون، مسئولیت ایاب و ذهاب طلاب مدرسه (طلاب متأهل، طلاب بومی غیر ساکن در مدرسه و...) را برعهده دارند.

برای انتخاب راننده مناسب توجه به ویژگی های زیر ضروری است:

- تدین و تقید نسبت به انجام فرائض دینی؛
- داشتن نگاه درست و موحدانه نسبت به خدمت به حوزه و اهل علم؛
- وقت شناسی و نظم و انضباط؛
- ادب و حسن خلق در معاشرت با اساتید و طلاب؛
- امانت داری و رازداری؛
- تأهل؛
- عفت و پاکدامنی؛
- پوشش و آراستگی ظاهری متناسب با محیط حوزوی؛
- آرامش، حوصله و سعه صدر هنگام رانندگی؛
- قانون مداری و تقید نسبت به مقررات راهنمایی و رانندگی؛
- اهتمام جدی نسبت به امنیت و سلامت سرنشینان خودرو؛
- تجربه بالا و تسلط بر مهارت های رانندگی؛
- آشنایی با امور فنی وسیله نقلیه، تعمیر و نگهداری آن.

## ز. ظرفیت خانواده طلاب

### اشاره

خانه و خانواده نخستین محیطی است که انسان را تحت تأثیر فضا، روابط و مناسبات خود قرار می دهد. این نهاد به عنوان مؤثرترین عامل تربیت معرفی شده است. تقییدات دینی و مذهبی والدین، سلامت اخلاقی و تربیتی خانواده، سطح آگاهی والدین، ارتباط عاطفی مثبت

درون خانوادگی، سبک فرزند پروری مسئولانه و مقتدرانه، ثبات و آرامش خانواده، فقدان

ص: 289

خشونت و پرخاشگری در خانواده، عدالت ورزی، مهرورزی، حق سالاری و تفاهم والدین و... از جمله عواملی هستند که در تربیت فرزندان مؤثرند.

از این رو، بر متولیان امر لازم است هنگام پذیرش و گزینش ورودی های حوزه نسبت به بررسی وضعیت خانوادگی فرد اهتمام جدی داشته باشند و تلاش نمایند افرادی را انتخاب کنند که با کمترین مشکلات در خانواده و با خانواده مواجه هستند. این امر سبب می شود فرد با آرامش روانی بهتری به تحصیل در حوزه پردازد و در مسیر رشد و تعالی اخلاقی و معنوی موفق تر باشد و از سوی دیگر هزینه های مادی و معنوی کمتری بر حوزه تحمیل گردد.

### **ارتباط مستمر مدرسه با خانواده طلاب**

برخی از والدین گمان می کنند که با ورود فرزندشان به حوزه علمیه، مسئولیت تربیتی آن ها پایان یافته است و بنابراین فرزند طلبه شان را به امان خدا و به امید مدیر و اساتید مدرسه رها می کنند! حال آنکه هر کس وظیفه خود را باید ادا کند و حتی در شرایط کنونی، مسئولیت آن ها دو چندان شده و بیش از گذشته باید نگران رشد علمی و اخلاقی فرزندشان باشند.

از سوی دیگر، بعضی از مدیران مدارس علمیه هم تصور می کنند که با ورود نوجوان و جوان به مدرسه، مسئولیت کامل تربیت او به عهده مدرسه است و نقش خانواده را در این امر نادیده می گیرند و گاه ممکن است نگران مداخله های تربیتی والدین نیز باشند. لکن باید دانست ارتباط با خانواده طلاب و درگیر کردن ایشان با مسائل آموزشی و تربیتی فرزندانشان نقش بسیار سازنده ای در پیشرفت تحصیلی و اخلاقی آن ها دارد و به یقین مدرسه بدون همراهی و

همکاری خانواده به ویژه در امور اخلاقی و تربیتی طلاب، راه به جایی نخواهد برد.

از این رو، تعدادی از مدارس علمیه جلساتی را با والدین طلاب (به خصوص طلاب پایه های پایین تر) ترتیب می دهند و آنان را نسبت به مسائل طلبگی و وظایفی که در برابر فرزندان طلبه شان دارند توجیه می کنند؛ در مورد بایدها و نبایدهای زمان حضور فرزندانشان در منزل و مراقبت های مورد نیاز در ایام تعطیلی دروس و.... نکات لازم را گوشزد می کنند. گاه به صورت انفرادی با برخی از والدین در مورد مسائل و مشکلات فرزندانشان صحبت می کنند و

آن‌ها را در جریان روند تحصیلی و تربیتی فرزندانشان قرار می‌دهند. خانواده‌ها هم اگر نکته‌ای داشته باشند بیان می‌کنند و جواب لازم را دریافت می‌کنند.

برای استمرار و تحکیم این تعامل سازنده، پیشنهاد می‌شود مدیر مدرسه به تنهایی یا با همراهی برخی دیگر از اساتید و طلاب مدرسه و به بهانه‌ها و مناسبت‌های مختلف (مثل عیادت، هنگام بازگشت والدین از سفرهای زیارتی، موقع تلبس طلبه و...)، گاهی به منزل طلاب سر بزنند و از احوال خانواده‌ها جو یا شوند. این امر سبب تسهیل فرایند تعلیم و تربیت طلاب می‌شود و مدیر مجبور نیست بار سنگین تربیت آن‌ها را به تنهایی به دوش بکشد.

تشکیل انجمن اولیای مدرسه نیز می‌تواند یکی از راه‌های برقراری ارتباط مستمر خانواده با مدرسه باشد که البته در برخی از مدارس این برنامه اجرا می‌شود و آثار و برکات خوبی داشته است.

### **ج. ظرفیت‌های بخش‌ها و واحدهای فرهنگی و تربیتی در مدرسه**

در بسیاری از مدارس علمیه، بسیج طلاب، هیئت، دارالقرآن و سایر واحدها و تشکل‌های خودجوش طلبگی وجود دارند که مدیر و معاون تهذیب مدرسه با اشراف بر فعالیت‌های آن‌ها و تدبیر مناسب، می‌توانند از این ظرفیت‌ها بهترین و بیشترین بهره‌برداری را بکنند و با اشراف برنامه‌های اخلاقی و تربیتی در فعالیت‌های متنوع آن‌ها به صورت غیر مستقیم ولی اثرگذار، اهداف تهذیبی و تربیتی مدرسه را پیش ببرند. البته باید بسیار مراقب بود که فعالیت‌های این گروه‌ها، موجب چند دستگی و اختلاف میان طلاب نشود. برای مثال، با استفاده از ظرفیت بسیج، میتوان صفاتی مثل ولایت‌مداری، انقلابی‌گری، ایثار و فداکاری، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی، مسئولیت‌پذیری، شجاعت و... را در طلاب ایجاد و تقویت کرد. برگزاری برنامه‌ی شبی با شهدا، تبیین سیره‌ی عملی شهدا و ترویج فرهنگ و شهادت در میان طلاب از دیگر اموری است که بسیج می‌تواند در این زمینه به خوبی نقش آفرینی کند.

هم‌چنین میتوان سخنرانی‌های اخلاقی و حتی درس اخلاق را در برنامه‌های هیئت مدرسه گنجانند و با استفاده از ظرفیت خوب هیئت، عشق و محبت به اهل بیت علیهم السلام را در دل

طلاب شعله ور نمود و از این طریق، بسیاری از آموزه های اخلاقی و تربیتی را به آن ها انتقال داد و چون خود طلاب، اداره ی هیئت را بر عهده دارند، در این تعامل بسیاری از صفات اخلاق اجتماعی، مثل روحیه ی جمعی و کار گروهی، روحیه ی خدمت گزاری، حسن خلق، حسن ظن، ایثار، تواضع، حلم و بردباری و... میتواند به خوبی شکل گرفته و ارتقا یابد.

برنامه ریزی برای انس بیشتر طلاب با قرآن، تدبر در آیات الهی و حفظ موضوعی یا ترتیبی قرآن و... را نیز می توان از دارالقرآن مدرسه انتظار داشت و به همین ترتیب می توان از ظرفیت سایر تشکل های خودجوش طلاب مدرسه برای اهداف تہذیبی کمک گرفت.

از سوی دیگر با این تعامل سازنده، هم می توان بر کم و کیف برنامه ها و رفتارهای آن ها نظارت و اشراف هوشمندانه داشت و هم اعتماد به نفس و شوق و انگیزه ی فعالیت های فرهنگی تربیتی را در طلاب تقویت نمود و برنامه های آن ها را رونق بخشید. در واقع ما در این تعامل ها در پی استفاده از روش های تربیتی غیر مستقیم و در عین حال اثرگذار در مدرسه هستیم.

## 2-2-2-4 موانع انسانی

### الف. مدیر مدرسه

#### اشاره

در آسیب شناسی اخلاقی و تربیتی که از سوی مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تہذیب در سال 1392 انجام شده، یکی از مهم ترین علل مشکلات تربیتی و اخلاقی طلاب ضعف های مدیریتی ذکر شده است. استفاده از مدیران ضعیف و ناکارآمد، نالایق، ناآشنای

با مسایل تربیتی نسل جوان، دارای مشکلات شخصیتی و... موجب شده است بسیاری از زحمات تہذیبی و تربیتی معاون تہذیب مدرسه، اساتید اخلاق و مشاور و دیگر دلسوزان امر تربیت در مدرسه بی اثر و یا کم اثر شود.

بخشی از مشکلات مدیریتی شایع در مدارس علمیه عبارتند از:

- عدم تمحض و کم رنگ بودن حضور مدیر در مدرسه (به جهت اشتغالات جانبی فراوان خارج از مدرسه)؛
- برخوردهای نامناسب، غیر اخلاقی، ناامیدکننده، خشن، غیر مسئولانه و نداشتن رابطه

- بی توجهی، ناتوانی، بی تجربگی، بی استعدادی، ناآگاهی یا بی انگیزگی در امور تهذیبی مدرسه؛
  - نگاه آموزشی مطلق داشتن نسبت به تربیت طلاب؛
  - نبود نظام رسیدگی و نظارتی کارآمد نسبت به مدیران و....
- نظر به اهمیت نقش مدیر مدرسه در تربیت اخلاقی و معنوی طلاب، نکاتی در این رابطه ارائه می شود :

## مدیران فعلی

### اشاره

- در زمینه مباحث تهذیبی و تربیتی، مدیران فعلی به سه دسته قابل تقسیم هستند:
- مدیران موفق و کارآمد؛
- مدیران میانه و دارای عملکرد متوسط که ظرفیت رشد دارند؛
- مدیران ضعیف و ناکارآمد.

### 1. مدیران موفق و کارآمد

متأسفانه تعداد این مدیران بسیار اندک است. بدیهی است ایشان توفیقات خوبی در امر تربیت طلبه دارند و فعالیت خود را به خوبی و شایستگی انجام می دهند. کارهایی که در مورد این مدیران می شود انجام داد عبارتند از:

- الگوسازی از آنان؛ (1)
- استخراج و تدوین شاخص های تهذیبی و شخصیتی این مدیران؛
- معرفی به عنوان مدیر نمونه اخلاقی و تربیتی؛
- تجلیل از آنان توسط مسؤولان و بزرگان حوزه؛
- برگزاری دوره های کوتاه مدت دانش و مهارت افزایی برای رشد هر چه بیش تر آنان؛

1- همان طور که در ابلاغیه سیزده بندی شورای محترم عالی حوزه به معاونت تهذیب نیز ذکر شده که «از روش مدیریت حوزه های علمیه موفق الگوگیری شود». یکی از کارهای مهمی که در زمینه الگوسازی می شود انجام داد این است که بررسی سبک تربیتی و شیوه مدیریتی این گروه از مدیران، موضوع طرح های پژوهشی و پایان نامه های حوزوی قرار بگیرد. چنانکه پایان نامه خوبی درباره مدیریت حوزه علمیه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شهرستان بناب توسط آقای جواد پوراحمدی از دانش پژوهان گروه علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره نوشته شده است.



• تولید و ارسال جزوه، بروشور و کتاب برای ارتقاء سطح دانش و مهارت آنان؛ (1)

• حمایت های مالی و تشویقی نسبت مدرسه علمیه آنان.

## 2. مدیران متوسط

این گروه از مدیران اغلب زمینه رشد و ارتقاء دارند و با اتخاذ تدابیر لازم و ایجاد تمهیداتی میتوان آن ها را به سطح مطلوب از توانمندی مدیریتی رساند از جمله این تدابیر و تمهیدات عبارتند از:

• برگزاری مستمر دوره های کوتاه مدت دانش و مهارت افزایی؛

• برگزاری کارگاه «نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه» برای آنان؛

• تهیه و ارسال بسته های آموزشی و تربیتی به آنان؛

• ارسال نشریات مرتبط با علم مدیریت؛

• توجه ویژه به اعزام کارشناسان تهذیبی به اینگونه مدارس؛

• برگزاری جلسه تبادل نظر کارشناسان اعزامی به مدرسه با مدیر؛

• توجه ویژه معاونان تهذیب استان به توانمندسازی معاونان تهذیب این مدارس؛

• برگزاری جلسات هم اندیشی مدیران استانی با محوریت نقش تربیتی مدیران مدارس؛

• برگزاری جلسات هم اندیشی با مدیران و اساتید مدارس علمیه به صورت مجزا در حاشیه سفرهای استانی معاونت تهذیب؛

• برنامه ریزی به منظور بازدید مدیران از مدارس علمیه موفق کشور؛

• معرفی مدیران برتر به لحاظ تربیتی و الگو قرار دادن آنان در نشست های هم اندیشی؛

• مصاحبه با مدیران موفق و انعکاس آن به شکل مکتوب یا صوتی و تصویری به این مدیران؛

• صدور حکم مدیریت موقت دو یا سه ساله برای آنان؛

• نظارت و ارزیابی عملکرد تهذیبی و تربیتی مدیران به صورت تخصصی و مؤثر.

1- کتاب نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه از سوی مدیریت مطالعات معاونت تهذیب در حال تدوین است. گزارشی از آن در بخش پیوست ها آمده است.

### 3. مدیران ناموفق و ناکارآمد

ضروری است تدابیری اندیشیده شود که این دسته از مدیران به مرور زمان از چرخه مدیریت مدارس علمیه کنار روند. در غیر این صورت، لازم است اقدامات زیر انجام شود:

- ایجاد محدودیت برای مدرسی که براساس الگوی مدارس موفق عمل نمی کنند، مانند: عدم اختصاص ظرفیت پذیرش سالیانه و ...
- انتقال آنان از مدیریت مدرسه فعلی به مدرسه کوچک تر و محدودتر؛
- قرار دادن معاونان و اساتید مهذب و توانمند در کنار آنان، برای جبران ضعف های تربیتی و مدیریتی.
- البته، راهکارهایی که برای تقویت مدیران میانه مطرح شد برای این دسته از مدیران نیز قابل تعمیم و اجرا می باشد. اگرچه بیشتر آنان نسبت به مشکلات و ضعف های مدیریتی خود یا غافل هستند یا آن ها را نمی پذیرند و نوعاً هم در دوره ها و کارگاه ها و نشست ها شرکت نمی کنند!

### مدیران آینده

برای انتخاب افرادی که از این به بعد در سمت مدیریت مدارس علمیه قرار می گیرند، ضروری است تدابیری اندیشیده شود که افراد انتخابی بیشترین کارایی را در انجام وظایف محوله و امر تهذیب طلاب داشته باشند برای این منظور پیگیری و اقدام برای امور زیر نیاز است:

- تأسیس رشته تخصصی مدیریت آموزشی تربیتی (که تربیت مدیر برای مدارس علمیه از اهداف آن مجموعه باشد)؛
- استفاده از ظرفیت مرکز تربیت مدرس حوزه برای ارتقای سطح کیفی توانایی های مدیران مدارس؛
- طراحی، برنامه ریزی و برگزاری دوره های کوتاه مدت دانش افزایی و مهارت افزایی مدیریت مدارس علمیه؛
- تعیین شاخص های تربیتی و تهذیبی لازم از سوی معاونت تهذیب حوزه های علمیه و ارائه آن به معاونت آمار و بررسی برای لحاظ کردن شاخصها در پاسخ به استعلام ها؛
- دقت در گزینش مدیران و احراز شاخص های مدیریتی و تهذیبی لازم در این زمینه، مانند:

تخلُّق، تهجد، اخلاص، زهد و ساده زیستی، سعه صدر، نظم و انضباط، دل سوزی، توان مدیریتی، انعطاف پذیری، انتقاد پذیری، ادب، خوش خلقی، پاکیزگی، انصاف، تواضع، مسئولیت پذیری، عفت و پاکدامنی، عزت نفس، مناعت طبع، عیب پوشی، بلندهمتی، اعتماد به نفس بالا، بصیرت آشنایی با روش های تربیت اخلاقی طلاب، تجربه فعالیت اجرایی در مدرسه، تمحض در مدیریت مدرسه و ...

## ب. استاد

### اشاره

گرچه اساتید حوزه های علمیه، غالباً انسان هایی وارسته، پارسا و مهذب هستند، با این وجود، متأسفانه شماری از ایشان، واجد صلاحیت های لازم در امر تربیت اخلاقی و معنوی طلاب نیستند؛ چراکه برخی از آنان با فنون روابط مؤثر آشنا نیستند؛ بعضی انگیزه و حوصله ی لازم را ندارند؛ برخی در مسائل اخلاقی و تربیتی مطالعه ی کمی دارند؛ عده ای نیز خود از آسیب های اخلاقی رنج می برند و ...

از سوی دیگر، تعدادی از اساتید واجد صلاحیت نیز به سبب اشتغال های فراوان یا مشکلات و دغدغه های معیشتی، اهتمام جدی به امور تہذیبی و تربیتی شاگردان خود ندارند. (1)

همچنین، به دلیل ضعف بودن جایگاه سازمانی معاون تہذیب در مدرسه، بسیاری از اساتید در برابر مطالبات تہذیبی و تربیتی وی احساس تعهد نمی کنند و خود را موظف به انجام خواسته های وی نمی دانند.

در ادامه به برخی از ضعف ها و آسیب های اخلاقی و تربیتی مربوط به اساتید اشاره می شود که گاهی به چشم می خورد و با توجه با جایگاه و نقش تربیتی ایشان، کم آن نیز زیاد است و باید کوشید تا همین گروه اندک نیز از این آسیب ها به دور باشند.

ص: 296

---

1- متأسفانه در سال های اخیر، توجه برخی از اساتید به تربیت اخلاقی طلاب کم رنگ تر شده است. برای مثال، در یک نظرسنجی از طلاب دروس آزاد (پایه هفت تا ده) که در سال 1389 از سوی دبیرخانه شورای عالی حوزه انجام شده، در پاسخ به این پرسش که «به چه میزان تربیت اخلاقی طلاب در دروس آزاد مورد توجه اساتید می باشد؟» تنها 19 درصد از طلاب براین باور بودند که تربیت اخلاقی ایشان برای اساتید اهمیت زیادی دارد و 65 درصد بیان داشتند که تربیت اخلاقی برای اساتید اهمیت کمی دارد و 16 درصد نیز معتقد بودند هیچ اهمیتی ندارد! (دبیرخانه شورای عالی حوزه های علمیه، «بررسی نظر طلاب پایه های 7 تا 10 حوزه های علمیه ی قم درباره دوره معروف به دروس آزاد، ص 31)

## اشاره

- ضعف در خودسازی و تزکیه نفس (عدم شرکت در جلسات اخلاق و دعا، مراسم مذهبی، کم توجهی نسبت به خواندن قرآن، مفاتیح، صحیفه سجادیه، دعاها و اذکار مناسب ایام، انجام مستحبات، عدم تقید به نماز جماعت اول وقت و بی اهمیتی به آن)؛
- بی اعتنایی و نخواندن روایات اخلاقی و تربیتی در آغاز یا پایان درس؛
- عدم آشنایی یا بی توجهی نسبت به شئونات و زی طلبگی و روحانیت؛
- کم توجهی به پوشش متعارف و آراستگی ظاهری (عمامه بزرگ، موی سر و صورت خیلی بلند، لباس های ژولیده و کثیف یا فاخر و گران قیمت، رنگ لباس غیر متعارف، بوی بد بدن،...)

## غرور و خودپسندی

- توقع احترام از دیگران (به ویژه دوستان و هم سطحان غیر طلبه خود)؛
- بی اعتنایی به برخی علما (به ویژه علمای شهر خودشان)؛
- ابتدا به سلام نکردن؛
- انتقادهای مکرر و نابجا از دیگران؛
- ناراحت شدن از نصیحت دیگران؛
- انتظار مدح از دیگران؛
- عدم اقتدا به دیگران در نماز؛
- غرور علمی؛
- ناراحت شدن از نقد و انتقاد دیگران؛
- نداشتن روحیه مشورت با دیگران (در امور فردی و شؤونات اجتماعی)؛
- دعوت به خود و مرید و مراد بازی؛

• تحقیر طلاب و.....

• افراط و تفریط در امور معنوی (مقدس مآبی، افراط در عبادات، انزواطلبی و...)

• فقدان تعهد و مسئولیت پذیری؛

• مصرف دخانیات (سیگار، قلیان و...)

ص: 297

- حبّ جاه و مقام های دنیوی؛
- نداشتن روحیه همکاری و کارگروهی در مدرسه؛
- دو لباسی (برخی از اساتید در مدرسه لباس می پوشند و خارج از مدرسه دوزیست هستند)؛
- ضعف در برنامه ریزی و بی نظمی و بی انضباطی (در رفت و آمد در ارائه درس و...)
- حسادت نسبت به سایر اساتید همکار؛
- نداشتن مناعت طبع و داشتن نگاه کاسبکارانه نسبت به تدریس؛
- کثرت مسافرت برخی اساتید به سفرهای زیارتی و شخصی در ایام تحصیل .

### **ب. ضعف های مربوط به تربیت اخلاقی شاگردان**

- بی اعتنایی و نخواندن روایات اخلاقی و تربیتی در آغاز یا پایان درس؛
- گلایه های مکرر از وضعیت موجود حوزه و بیان ناامیدانه سختی ها و مشکلات زندگی طلبگی .
- افراط در شوخی و مزاح در کلاس و خارج از آن یا انجام شوخی های نامناسب؛
- عدم توجه به حالات روحی و روانی شاگردان؛
- تبعیض میان شاگردان؛
- القا و انتقال مشکلات و دغدغه های شخصی به شاگردان؛
- عدم توجه به استعدادها و توانایی ها و تفاوت های فردی شاگردان؛
- ضعف آشنایی با مهارت های مدیریت تحصیلی (روش های مطالعه، خلاصه نویسی و...)
- افراط و تفریط در ارتباط عاطفی مناسب با شاگردان؛
- سخت گیری یا سهل گیری بیش از اندازه در امر آموزش؛
- توجه نکردن به تفاوت های فرهنگی شاگردان؛
- انتقاد مکرر از برنامه های درسی و متون آموزشی از سوی اساتید و ایجاد تردید در روزآمد بودن کتاب های درسی؛
- ناآشنایی و برخورد نامناسب با ناهنجاری های رفتاری شاگردان؛





- مهارت نداشتن در ارتقای سطح انگیزشی طلاب؛
- ناتوانی در شناخت اختلال های یادگیری و راهکارهای مواجهه با آن؛

## ج. استاد اخلاق

### اشاره

#### \* (1)

- با وجود اهمیت و نقش بی بدیل اساتید اخلاق و جلسه های وعظ و اخلاق در تربیت و تهذیب طلاب، متأسفانه در این عرصه با پاره ای از آسیب ها و محدودیت ها مواجه هستیم که به بخشی از آن ها در ادامه اشاره شده است :
- استتکاف برخی از اساتید از ایفای نقش و گریزان بودن آن ها از مطرح شدن؛
- ضعف حضور بزرگان اخلاقی در بین طلاب؛ (2)
- کمبود درس های موعظه و اخلاق؛
- عدم برخورداری دروس اخلاق از غنا و اتقان لازم و کافی در برخی موارد؛
- ضعف علمی و عملی برخی از اساتید اخلاق که عهده دار کرسی درس اخلاق در مدارس علمیه هستند (به ویژه در شهرستان ها)؛
- فقدان وحدت رویه و اختلاف نظر و تعارض ارشادات اخلاقی - تربیتی .
- تعارض ارشادات برخی اساتید اخلاق با سیاست های تربیتی مدیر مدرسه؛
- تمرکز بر نمود ظاهری اخلاق طلبه و بی توجهی به عوامل آسیب زای بیرونی از قبیل مقررات، اساتید، محیط، خانواده و...؛
- اشتغالات درسی بسیاری از اساتید اخلاق در قم که مانع اعزام آن ها به استان ها در ایام درسی می شود؛
- کم رغبتی طلاب شهرستان ها به استفاده از اساتید بومی به دلیل تکراری شدن؛
- عدم اعزام اساتید اخلاق ثابت به استان ها؛

ص: 299

---

1- البته استاد اخلاق در جایی مانع به شمار می رود که شخص او با کردار یا گفتارش موجب انحراف اخلاقی طلبه ها شود؛ در غیر این صورت او مانع نیست بلکه عاملی است که محقق نشده است و در اینجا هم بیشتر همین بخش اخیر مراد است.

2- برخی از مدیران مدارس پیشنهاد دادند که مسئولان حوزه با اساتید برجسته اخلاق صحبت کنند تا شاگردانی را به صورت خصوصی تربیت کنند و پس از کسب آمادگی های لازم ایشان را تکلیف به هجرت به شهرستان ها نمایند.

● فقدان متن مناسب جذاب و مقبول نزد همه اساتید و در عین حال روزآمد و ناظر به نیازها و آسیب های طلبه معاصر؛

● ناآشنایی بعضی از اساتید اخلاق با مسایل و چالش های تربیتی و اخلاقی نسل جدید و ارائه ی مباحث تکراری؛

● به دلیل غلبه برنامه های آموزشی و درسی در اغلب مدارس، طلبه ها احساس نمی کنند که اخلاق هم باید جزو برنامه های رسمی آن ها باشد؛

● اساتید اخلاق در سطوح بالا، کمتر حاضر می شوند در مدارس حضور پیدا کنند و کمتر وقت می دهند که طلاب به حضور آن ها برسند؛

● عدم اختصاص بودجه لازم و کافی برای اعزام گسترده تر اساتید اخلاق از قم؛

● مرید و مراد بازی برخی اساتید؛

● وجود برخی درس های اخلاق سکولار و بی توجهی به اخلاق انقلابی؛

● عدم هماهنگی برخی اساتید با سیاست ها، برنامه ریزی ها و توصیه های ستاد مرکزی و.... .

## **راهکارها و پیشنهادها**

با توجه به آنچه گفته شد، لازم است با تدبیر و برنامه ریزی صحیح، متولیان امر از این ظرفیت برای اهداف تهذیبی و تربیتی به شایستگی استفاده کنند برای این منظور موارد ذیل پیشنهاد می شود:

● استفاده بهینه از ظرفیت تربیتی اساتید اخلاق موجود در شهرستان ها؛

● شناسایی، جذب و به کارگیری اساتید موّجه، مهذب و انقلابی در مراکز استان ها و شهرستان ها؛

● توجیه اساتید اخلاق اعزامی از قم نسبت به نیازها و سیاست های تهذیبی و تربیتی مدرسه از سوی مدیر یا معاون تهذیب در بدو ورود به مدرسه؛

● اختصاص بهترین ساعت از شبانه روز و بانشاط ترین زمان طلاب برای برگزاری درس اخلاق در مدرسه .

\* د. استاد مشاور (1)

بسیاری از مدارس علمیه از وجود دست کم یک مشاور امین، دلسوز و آشنای با مسایل روان شناختی و تربیتی طلاب محروم هستند و اعزام مشاوران مقطعی از سوی دفتر مشاوره معاونت تهذیب حوزه، نیازهای فراوان مدارس را پاسخگو نیست.

از سوی دیگر، به گفته برخی از مدیران مدارس، بعضی از مشاورین با طلاب ارتباط ندارند و گمان می کنند که فقط باید در اتاق مشاوره بنشینند تا طلاب به آن ها مراجعه کنند! در حالی که باید گاهی اوقات سراغ افراد رفت و دردها و نیازها را شناسایی کرد و برای رفع آن ها برنامه ریزی نمود.

همچنین، نگرش فرعی و جنبی داشتن به امر مشاوره از سوی برخی مشاورین و ممحض نشدن در این امر نیز از موانع جدی موفقیت مسأله مشاوره در مدارس علمیه به شمار می آید.

در ادامه به برخی از ضعف های موجود در بخش مشاوره حوزه که حاصل پژوهش های میدانی است اشاره می شود:

. کمبود مشاور متخصص و با تجربه؛

- ضعیف و کم رنگ بودن حضور مشاوران در مدارس علمیه؛
- عدم توجه مدیران برخی از مدارس به نیازهای مشاوره ای و تربیتی طلاب؛
- عدم احساس ضرورت نیاز به مشاوره در میان برخی از طلاب؛
- رواج نیافتن مشاوره های گروهی؛
- ضعف در ترویج امور مشاوره ای مورد نیاز طلاب؛
- نبود احساس نیاز به مشاور در برخی از مدیران و احساس تحمیل مشاور از بالا؛
- ناکافی بودن اعزام های مقطعی اساتید مشاور با توجه به فراوانی نیازها؛
- استفاده برخی مدارس از مشاورانی که تخصص و غنای علمی لازم را ندارند؛
- فقدان مراکز مشاوره حوزوی در بسیاری از استان ها و شهرستان ها؛

• گُند بودن روند فعالیت ها در حوزه ی پیش گیری و.....

ص: 301

---

1- مشاور نیز در صورتی مانع است که طلبه را گمراه کند در غیر این صورت عدم عامل تحقق یافته نه مانع تربیت.

برای رفع این مشکلات، راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

• دانش افزایی و مهارت افزایی تربیتی و مشاوره ای مدیران مدارس علمیه؛

• تقویت و توانمندسازی معاونین تهذیب مدارس؛

• شناسایی مشاوران فعال و مستقر در مدارس علمیه و برنامه ریزی برای دانش افزایی و مهارت افزایی مستمر آنان؛

• برنامه ریزی و اهتمام جدی تر در حوزه پیش گیری در مدارس؛

• تسریع در تأسیس و راه اندازی مراکز مشاوره در استان ها و شهرستان ها؛

• اطلاع رسانی و انجام فعالیت های ترویجی در زمینه آشنایی طلاب مدارس با امور مشاوره ای؛

• شرکت مدیران و اساتید برگزیده مدارس در دوره های کوتاه مدت و بلندمدت تربیت مشاور در تمامی استان ها به ویژه در استان ها کمتر

برخوردار ..... (1)

ه- دوست

اشاره

در واقع در قضیه دوستی با دو نوع آسیب مواجه هستیم: یکی دوستی های ناسالم و دیگری دوستی های افراطی؛ در رابطه با دوستی های ناسالم و دوستی با اهل گناه و افراد بی مبالات، این اعتراف تلخ سید مهدی هاشمی معدوم (2) قابل توجه است، وی درباره ی نقطه ی آغاز لغزش های اخلاقی خود چنین می گوید:

... ما از اول که آمدیم، مخصوصاً که پاتوق مان مدرسه فیضیه بود، عصرها جمع می شدند بچه ها دور هم؛ خب یک مقدار آن زمان، من اولین گناهی که مرتکب شدم، غیبت بود. یادم هست که

ص: 302

1- برای این منظور رشته «مشاوره اسلامی» از رشته های تخصصی سطح سه حوزه ی علمیه ی قم، تأسیس و از سال 1392 اقدام به پذیرش دانش پژوه کرده است. امیدواریم با ادامه کار این مرکز تخصصی و تربیت مشاورانی توانمند و کارآمد و نیز توسعه این مرکز در سایر استان های کشور، هر چه زودتر شاهد برآورده شدن بسیاری از نیازهای مشاوره ای مدارس علمیه باشیم که البته همت متولیان امر و مدیریته ای استانی در تأمین بودجه و هزینه های مورد نیاز را می طلبد.

2- مهدی هاشمی فرزند محمد [برادر سیدهادی هاشمی، داماد آیت الله منتظری] به جرم فعالیت علیه نظام جمهوری اسلامی [و

مشارکت در قتل آیت الله شمس آبادی، فاش کردن ماجرای مک فارلین و چندین جرم سنگین دیگر [ در تاریخ 22، 23 و 25 مرداد سال 1366 محاکمه و در تاریخ 1366/7/6 اعدام گردید. (ابراهیم زاده، «مهدی هاشمی»، ص 17)

می نشستیم در جلوی حجره های مدرسه فیضیه - دو نفر و سه نفر با دوستان - و غیبت هایی که فکر می کردیم که غیبت مجاز هم هست که غیبت از نوع مبارزه است سر علما علمایی که یا نسبت به حرکت امام کوتاهی می کنند یا اعلامیه هایشان مثلاً اعلامیه های کم مایه ای هست آن زمان و یا برخوردهای مختلفی که از آن ها می دیدیم یک غیبت های خیلی خفیفی آن ایام شروع شد، نه از من تنها، از ما از همه؛ می نشستیم به غیبت کردن و غیبت شنیدن و خب همان زمان هم حس نمی کردیم که این کار حرامی است. فکر می کردیم مبارزه شروع شده و باید طبیعی بود. آن زمان، یادم هست که همان ایام همین آقای مظاهری - ما با هم آشنا بودیم دیگر - نه فقط من را، کل دوستان را نهی می کرد از این کارها مذاکره کردن و بحث کردن ایشان هم می آمد تو [ی] فیضیه. توی همان محافل فیضیه شرکت می کرد و هر وقت مثلاً غیبتی چیزی مطرح می شد از آقایان و این ها، ایشان نهی می کرد. می گفت: نکنید این کار را! خب ایشان از ما خیلی بزرگ تر بود؛ اما ما بچه طلبه ها می نشستیم و این ها حالا برای ما مهم نبود..... (1)

وظیفه ی مدیر و سایر متولیان امر در این زمینه، آگاهی بخشی به طلاب درباره ی انتخاب دوست، معرفی شاخص ها و ویژگی های دوست خوب در اسلام و آداب و مهارت های دوستی و آسیب های آن و نیز کمک به طلاب، به ویژه طلاب جدید ورود برای انتخاب دوست

مناسب در مدرسه است.

در زمینه ی دوستی هم باید گفت که روابط دوستی تا وقتی که موجب اخلاص در برنامه ی علمی و معنوی طلاب، مزاحمت با حقوق دیگران، مشغولیت ذهن، ضعف اراده و ضعف ایمان نگردد؛ اشکالی ندارد، بلکه اگر در راستای اصلاح و قوت بخشیدن به این امور باشد، بسیار خوب و مفید خواهد بود.

افراط در روابط دوستی می تواند به زندگی آینده ی آن ها به صورت جدی آسیب برساند؛ زیرا هر انسانی دارای یک منبع محدودی از انرژی روانی است و همین طور که توانایی جسمانی او محدود است، انرژی های روانی او نیز محدودیت دارد؛ بنابراین باید این انرژی ها را به موقع، به تدریج و با احتیاط هزینه کرد. (2)

ص: 303

-1

2- سرابندی، داستان یک مرداب، ص 30 - 31. در کتاب «آفات الطلاب»، (برخوردار فرید، ص 53 - 60) یک صد و دو ویژگی از ویژگی های دوست ناباب بیان شده است.



برخی از نشانه های دوستی های افراطی میان طلاب که برای متولیان امر تربیت در مدرسه به منزله هشدار و زنگ خطر است، عبارت است از:

- اشتیاق فراوان به کنار هم بودن و وقت خود را با هم گذراندن؛

- میل بسیار زیاد به حرف زدن و پیامک دادن به یک دیگر؛

- پنهانی و خصوصی بودن دوستی ها؛

- همراهی کردن با بیشتر خواسته های دوستان؛

- هم رنگ شدن با آن ها در خلق و خو و رفتارهای ظاهری (پوشش، وضع ظاهری، نوع راه رفتن و حرف زدن و...)

- دشواری تحمل دوری هم دیگر (بی حوصلگی، تنهایی، عصبی بودن و کنار نیامدن با بقیه دوستان هنگام دوری (1))؛

- ابراز محبت افراطی به دوست و گاه دادن هدیه های گران قیمت به او؛

- ایجاد تماس های مکرر بدنی (اوایل بدون قصد لذت شهوانی است؛ ولی بعد از مدتی، اغلب با لذت صورت می گیرد.

- دوری از خانواده، عدم شکل گیری موزون دوری از خانواده یا کسانی که کانون محبت آدمی بوده اند، عدم ارتباط صمیمانه میان فرد با اعضای خانواده خود و کمبود محبت ناشی از آن، داشتن شخصیت وابسته یا سلطه گر، عدم برنامه ریزی و هدفمندی در تحصیل و زندگی، اقتضای سنین نوجوانی و امثال آن، می توانند از علل و زمینه های شکل گیری این نوع از دوستی باشند.

از پیامدهای نامطلوب دوستی های افراطی، به این موارد می توان اشاره کرد:

- اتلاف وقت؛

ص: 304

---

1- در موارد شدیدتر، این دوستان دست در دست هم درس می خوانند، غذا می خورند با هم به کلاس می روند؛ به طوری که اگر یکی به کلاس نرفت، دیگری هم به کلاس درس نمی رود و چون نمی توانند دور بودن یک دیگر را تحمل کنند، خانه رفتن شان نیز با هم هماهنگ است و از لحاظ روحی و روانی، چه سخت خواهد بود که روزی یکی از آن ها به خانه برود و دیگری در مدرسه بماند.

- مشکلات تحصیلی؛
- از دست دادن تمرکز؛
- فاش شدن اسرار شخصی و خانوادگی؛
- تحت تأثیر نقاط ضعف و رفتارهای نامناسب هم قرار گرفتن و توجه نکردن به این ضعف ها؛
- به هم ریختگی و آشفتگی در زندگی؛
- آسیب در روابط با اعضای خانواده؛
- از دست دادن سایر دوستان؛
- بی اعتبار شدن در میان سایر افراد در معرض بدگمانی دیگران قرار گرفتن؛
- اسراف و تبذیر در هزینه ها؛
- کاهش ظرفیت نصیحت پذیری؛
- ضربه ی شدید روحی دیدن در صورت قطع ارتباط افراطی؛
- افسردگی و اضطراب؛
- فراموشی و غفلت از یاد خدا و....

### **راهکارهای پیش گیری و درمان**

- برای حل این مشکل راهکارهای زیر پیشنهاد می گردد :
- تقویت مبانی اعتقادی و انگیزه های علمی و معنوی طلاب؛
- زمینه سازی برای انس طلاب با خدا، قرآن، دعا و معصومان علیهم السلام،
- تلاش برای چیش مناسب هم حجره ای ها؛
- اطلاع رسانی به طلاب درباره ی پیامدهای دوستی افراطی؛
- جهت دهی علمی و معنوی به روابط دوستانه ی طلاب

● برنامه ریزی و هدف گذاری درست فعالیت های طلاب در مدرسه؛

● کمک به فرد برای اصلاح و تقویت رابطه ی عاطفی با خانواده اش؛

ص: 305

● کمک به فرد برای گسترش روابط اجتماعی و برقراری ارتباط صمیمانه با دوستان متعدد؛

● سفارش طلاب به استفاده از پوشش مناسب در محیط حجره و خوابگاه؛

● بهره‌گیری از هم‌فکری و یاری مشاوران در صورت لزوم.

دقت و توانمندی مدیر و سایر متولیان امر تهذیب و تربیت مدرسه در تقسیم بندی درست حجره‌ها، انتخاب هم‌حجره و چینش مناسب افراد در کنار یک‌دیگر و نیز راهنمایی طلبه در انتخاب هم‌بحث و دوست مناسب و نظارت بر دوستیهای طلاب با یک‌دیگر و ... می‌تواند در رشد علمی و معنوی فرد بسیار مؤثر باشد.

## ز. چالش‌های خانوادگی

موانع و چالش‌های خانوادگی طلاب به دو بخش تقسیم می‌شود:

الف مسایل مربوط به طلبه مجرد با خانواده خود؛

ب. مسایل مربوط به طلبه متأهل با همسر و فرزندان خانواده خود و خانواده همسر.

در بخش نخست باید گفت مشاجره‌های طولانی، اعتیاد و طلاق والدین، محرومیت از پدر، مادر یا هر دو، مشکلات اقتصادی خانواده، تک‌سالاری در خانه مادر (سالاری، پدرسالاری، فرزندسالاری)، سبک فرزند پروری غافلانه، سهل‌گیرانه یا مستبدانه، شاغل بودن مادر، عدم آشنایی والدین با مهارت‌های مدیریت خانه و خانواده، کمبود یا نبود معنویت در خانه، داشتن تفریحات ناسالم، عدم هماهنگی والدین در تدابیر تربیتی و ... هر یک می‌توانند اثر نامطلوب بر روند رشد علمی و معنوی طلاب مجرد داشته باشند.

همچنین، فقدان ارتباط و تعامل سازنده بین والدین طلبه با مدرسه و بی‌خبری و غفلت آن‌ها از وضعیت آموزشی و تربیتی فرزندشان به ویژه در سالهای اول طلبگی و نیز ضعف آگاهی مدیر و بی‌توجهی وی نسبت به مشکلات احتمالی درون خانوادگی طلبه خودش، هر دو می‌تواند زمینه‌ساز بروز برخی سوء برداشت‌ها و مشکلات گشته و مسیر رشد و تعالی اخلاقی و تحصیلی فرد را تحت تأثیر قرار دهد.

● در بخش دوم نیز مشکلات زیادی به چشم می‌خورد؛ برخی از این مشکلات عبارت است از:

• ازدواج های زودهنگام؛

• همسرگزینی نامناسب (عدم رعایت تناسب ها، اختلاف فرهنگی و....)؛

• ناتوانی بسیاری از طلاب و روحانیون در ایجاد تعادل بین وظایف طلبگی و تکالیف خانوادگی؛

• وجود ضعف های اساسی در مهارت های همسرمداری و فرزند پروری طلاب و روحانیون؛

• ضعف و ناتوانی در برقراری ارتباط صحیح با خانواده؛

• ضعف در نگرش ها و رفتارهای دینی همسر و فرزندان؛

• تعارض و اختلاف زوجین با خانواده یکدیگر؛

• دخالت های اطرافیان؛

• فقر و مشکلات اقتصادی خانواده؛

• بی اعتمادی همسر (به سبب متعه یا ازدواج دوم و....)

این امور و مواردی از این دست همگی می تواند زمینه ساز ایجاد تنش و سلب آرامش روحی و روانی در طلبه گشته و او را در مسیر رشد معنوی و اخلاقی و تحصیل کمالات، دچار بازداري کند.

زمینه سازی برای ارائه آموزش های خانوادگی مورد نیاز، برگزاری کارگاه های مهارت آموزی، معرفی سبک زندگی اسلامی و فراهم نمودن بسترهای مناسب برای مشاوره های فردی و خانوادگی، تهیه و توزیع محصولات و منشورات فرهنگی و تربیتی مناسب و... از جمله راهکارهایی است که مدیران مدارس و متولیان امر می توانند در جهت پیش گیری و رفع این مسائل و مشکلات پیگیری نمایند.

### 3-2-4 عوامل و موانع غیر انسانی (طبیعی)

#### 1-3-2-4 عوامل طبیعی

#### اشاره

گرچه ظرفیت های انسانی مدرسه، چنان چه گذشت، از اهمیت بالایی در تعلیم و تربیت طلبه برخوردار است و بدون وجود کادر اجرایی - مدیریتی و کارگزاران مهذب، با انگیزه، مسئولیت پذیر و... توفیق چندانی در تربیت نفوس پاک و عالمان ربانی و تأثیرگذار نخواهیم داشت، لکن در این میان از اهمیت ظرفیت های محیطی مدرسه نیز نباید غافل ماند و آن را

نادیده گرفت. از این رو، در این بخش به اهمیت فضاهای فیزیکی مدرسه و نقش قابل توجه آن در پیشرفت تحصیلی و تربیتی طلاب و رونق علمی و تهذیبی مدرسه خواهیم پرداخت.

#### 4-2-3-1 فضای مدرسه علمیه

#### اشاره

در یک مدرسه علمیه مطلوب، (1) تمامی برنامه ها فعالیت ها و امکانات و وسایل مدرسه در کنار هم بایستی یک میدان رشد همه جانبه علمی و معنوی برای طلبه علوم دینی فراهم نماید که بعد از مدتی زندگی در آن آثار رشد و بالندگی در وجود وی نمایان شود. در این بین، هیچ عنصری (چه سخت افزاری و چه نرم افزاری) در مدرسه بی تأثیر در حیات علمی و معنوی فرد نیست و توجه کافی در تدارک و چینش مناسب این عناصر، ضامن دوام ماهیت رشد دهنده آن و تأمین کننده فرصت ها و زمینه های تربیت یافتگی طلاب می باشد.

برخی از عوامل طبیعی و سخت افزاری مؤثر تربیتی در مدرسه عبارتند از:

● نمای ظاهری و صحن مدرسه

● حجره و خوابگاه؛

● کتابخانه و سالن مطالعه؛

● مسجد و نمازخانه؛

● کلاس های درس؛

● آشپزخانه و سالن غذاخوری؛

● تغذیه؛

ص: 308

1- محل احداث مدرسه باید در فاصله و موقعیت مناسبی نسبت به مراکز جمعیتی و نواحی مسکونی بوده و امکان دسترسی به تأسیسات مانند آب، برق، تلفن و گاز داشته باشد. باید به مطالعات اقلیمی در منطقه و تعیین جهت وزش باد توجه داشت تا در مسیر عوامل آلودگی زا مانند: کارخانجات صنعتی و شیمیایی، محل های دفن زباله، فاضلاب شهری، دام داری، مرغ داری، دباغ خانه ها، کشتارگاه ها، کوره های آجرپزی، عمل انباشت کود و سایر مراکزی که به نحوی ممکن است ایجاد دود، بو و گرد و غبار نماید، واقع نشود. همچنین در جوار بیمارستان، تیمارستان، گورستان، زندان، خطوط راه آهن، بزرگراه ها نباشد و خارج از حریم کابل های فشار قوی برق (هوایی یا زمینی)، خطوط اصلی و فرعی گازرسانی، پست های زمینی فشار قوی، پمپ بنزین، محل عرضه و فروش کپسول های گاز، انبار های مواد محترقه، منفجره، ترکیبات شیمیایی و انبار های قابل اشتعال مانند: کاغذ، پارچه، لاستیک، چوب، الیاف و غیره بوده و در مسیر حوزه های آبریز

فرعی و اصلی رودخانه قرار نداشته باشد. در صورتی که احداث مدرسه در نزدیک محیط های ذکر شده اجتناب ناپذیر باشد، باید حداقل 500 متر با مراکز فوق فاصله داشته باشد. (اقتباس از آیین نامه بهداشت محیط مدارس آموزش و پرورش).

• حمام و سرویس های بهداشتی؛

• بوفه و فروشگاه؛

• تجهیزات گرمایشی و سرمایشی؛

• امکانات ورزشی و تفریحی؛

• وسایل ایاب و ذهاب.

• در ادامه توضیح مختصری در رابطه با برخی از این عوامل ارائه می شود :

### **الف. نمای ظاهری و صحن مدرسه**

توجه به شاخص های زیر در ایجاد روحیه نشاط و شادابی و هویت پذیری دینی و فرهنگی طلاب مؤثر است :

• امکان اشراف کامل مدیر بر فضای عمومی مدرسه؛ (1)

• استفاده از طرح ها، نقش ها و نمادهای معماری سنتی ایرانی - اسلامی در نمای درونی و بیرونی ساختمان مدرسه؛

• استفاده از آیات و روایات اخلاقی و تربیتی مربوط به ارزش علم آموزی و جایگاه اهل علم در نمای داخلی و بیرونی مدرسه؛

• ایجاد فضایی با طراوت و شاداب با بهره گیری از فضای سبز مناسب و کاشت درخت و گل و گیاه در صحن و حیاط مدرسه؛

• تعبیه یک حوض بزرگ و تمیز در وسط صحن مدرسه و استفاده از آب افشان برای ایجاد نشاط و شادابی؛

• نظم، نظافت و زیبایی ظاهری مدرسه؛

ص: 309

---

1- یکی از مهم ترین شاخصه های تربیتی مدرسه علمیه ی مطلوب، امکان اشراف مدیر نسبت به کل فضای مدرسه است. بسیاری از مدارس علمیه قدیمی، مثل مدرسه مبارکه فیضیه قم از چنین ویژگی برخوردار بودند و مدیر هنگام ورود به مدرسه و با یک نگاه کلی می توانست اجمالا در جریان امور جاری مدرسه قرار بگیرد و با صرف زمان کمتر به اطلاعات بیشتری در مورد مدرسه و طلاب داشته باشد؛ ولی با کمال تأسف، هم اکنون در برخی از شهرستان ها و حتی استان قم، شاهد وجود مدارس علمیه ای هستیم که ساختمان مدرسه بیشتر شبیه مدارس آموزش و پرورش و آپارتمان های شهری است و امکان اشراف مدیر را نسبت به امور مدرسه به شدت محدود می کند. علاوه بر این که آن روحانیت و معنویت حاکم بر مدارس سنتی را ندارند.



- نورپردازی مناسب و معنوی مدرسه در شب ها؛
- جهت گیری مناسب نسبت به قبله (زاویه نداشتن جهت قبله نسبت به دیوارهای اصلی مدرسه)؛
- نصب ساعت بزرگ در محوطه عمومی مدرسه؛
- نصب سکوها یا نیمکت های رنگی و زیبا برای نشستن استراحت و مباحثه ی طلاب در حیاط مدرسه؛
- نصب تابلوهای اطلاع رسانی تهنیتی و آموزشی در فضاهای عمومی مدرسه و انتقال آموزه های علمی و اخلاقی از این طریق به طلاب؛

## ب. حجره

### اشاره

از گذشته های بسیار دور و همراه با تأسیس مدارس علمیه، حجره هایی برای سکونت و زندگی طلاب در نظر گرفته می شد و این رویه همچنان در ساختمان مدارس علمیه تازه تأسیس ادامه دارد. گرچه در ساله ای اخیر برخی از مدارس اقدام به برچیدن حجرات و ایجاد خوابگاه های عمومی کرده اند. به هر حال، حجره و حجره نشینی هم چنان در بسیاری از مدارس علمیه پابرجاست و با کارکردهای مختلفی که دارد آثار تربیتی مختلفی نیز بر آن مترتب است.

حجره نشینی در اول طلبگی رخ میدهد و طلبه تاحدی از زندگی خانوادگی خود فاصله گرفته و فضای جدید و متفاوتی را تجربه می کند. بعضی از آثار و برکات تربیتی که می توان بر این سبک زندگی برشمرد عبارتند از:

- طلاب در حجرات با افراد مختلفی و با خلق و خوها و خرده فرهنگ های متفاوت آشنا شده و با گذشت زمان سطح مهارت های ارتباطی و میان فردی شان ارتقا می یابد؛
- در این میان، انتخاب هم حجره ای از حساسیت و اهمیت زیادی برخوردار است؛ چه بسا افرادی که با هم حجره ای شدن با طلاب فاضل به درجات عالی علمی و اخلاقی دست یافتند؛
- در حجره، طلبه با نظم و انضباط، نظافت و پاکیزگی و مسئولیت پذیری آشنا می شود؛
- در فضای آرام و امن حجره، طلاب به درس و بحث و مطالعه می پردازند و علاوه بر متون آموزشی مرسوم، فرصتی برای مطالعه سایر کتب و مطالب علمی می یابند؛

- گاهی مدیر، اساتید و مسئولان مدرسه به حجره طلاب سرزده جو یای حالشان می شوند، با مشکلات آنان آشنا شده و آن ها را راهنمایی می کنند؛
- حجره تنها مکانی برای خواب و استراحت نیست، بلکه جایی برای راز و نیاز با خدا، تهجد و عبادت و خلوت های شبانه و توسل و انس با اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام زمان است؛
- دوران حجره نشینی با الزامات و قواعدی که دارد، می تواند بر زندگی عبادی، اخلاقی، معنوی و علمی طلاب تأثیرهای ماندگاری داشته باشد. آغاز رشد بسیاری از بزرگان حوزه از دوران آغاز طلبگی و حجره نشینی بوده است و از کمالات و فضایل بزرگان در آن دوران خاطرات بسیاری نقل شده است؛
- سنت حجره نشینی هم مثل سنت دیر پای مباحثه، باعث شکل گیری دوستی های دیر پای طلاب می شود و این امر می تواند نقش مهمی در زندگی آینده آن ها ایفا کند؛
- گعده گیری طلاب در اوقات فراغت و در حجره، بهترین فرصت برای تجدید انرژی و ایجاد آمادگی برای تهذیب و تحصیل را فراهم می سازد.
- چنان که پیشتر نیز بیان شد، در یک مدرسه علمیه مطلوب چیدمان فیزیکی حجرات باید به گونه ای باشد که مدیر به محض ورود به مدرسه بتواند نسبت به آن ها اشراف داشته و و اجمالا از جنب و جوش رفت و آمد و فعالیت های عمومی طلاب آگاه گردد .

### شاخص های حجره ی مطلوب

- شاخص های زیر را می توان برای یک حجره ی مطلوب در نظر گرفت:
- نصب منشور اخلاقی و تربیتی طلاب و فضلا در حجره؛
- در نظر گرفتن فضا و مساحت کافی برای زندگی سه یا چهار نفری؛
- وجود نور کافی و آفتاب گیر بودن حجره؛
- تعبیه وسایل گرمایشی و سرمایشی مناسب؛
- استفاده از گل و گیاه طبیعی یا مصنوعی؛
- استفاده از رنگهای نشاط آفرین در پرده ها و رنگ آمیزی دیوارها و درب و پنجره حجره؛

● نصب ساعت؛

● فضاسازی معنوی داخل حجره؛

● وجود تخت خواب های دو طبقه؛

● پستو داشتن حجره و ....

رعایت این نکات در طراحی ساخت و بهره برداری از حجره از عوامل مؤثر بر آرامش روحی و جسمی و در نتیجه موفقیت علمی و معنوی طلبه خواهد بود.

### ج. کتابخانه و سالن مطالعه

تحقیق و مطالعه مهم ترین کار طلبه در سال های اولیه طلبگی است و کتاب و کتابخانه نیز بهترین وسیله و مکان برای این منظور است. به فرموده امیر مؤمنان علی علیه السلام «الکتب بساتین العلماء»؛ (1) «کتاب ها بوستان های علما هستند» که از مطالعه آن ها چنان مبهتج و مسرور گردند که دیگران از سیر در باغ ها و بوستان ها. بنابراین وجود یک کتابخانه خوب و مجهز در مدرسه، می تواند فضای مناسبی برای رشد آگاهی و پیشرفت علمی طلاب فراهم کند.

لازم است کتابخانه در بهترین جای مدرسه واقع شود که کمترین تردد و سرو صدا را داشته و از امکانات کافی و استاندارد، نور و دمای مناسب برخوردار باشد. از اول صبح تا آخر شب باز بوده، در اختیار طلاب قرار بگیرد و با قرار دادن گلدان های طبیعی متعدد در جاهای مختلف کتابخانه، معطر ساختن فضا با بوی خوش و نصب ساعت، تابلوهای نقاشی و تصاویر زیبا از مناظر طبیعی و نیز سیمای نورانی بزرگان حوزه رعایت سکوت و آرامش آن و... می توان جذابیت و رونق کتابخانه و کتاب خوانی را دوچندان کرد.

از این فضای دل انگیز و با نشاط می توان برای اهداف تہذیبی نیز کمک گرفت و برای این منظور رعایت نکات زیر ضروری است:

● نصب احادیث مرتبط با علم آموزی و نکته هایی آموزنده از زندگی و سیره مطالعاتی بزرگان حوزه بر دیوارهای کتابخانه؛

ص: 312

- تهیه و تجهیز آن به کتاب های متنوع اخلاقی و تربیتی، زندگی نامه و شرح حال بزرگان، علما و قله های تهذیب؛
- عضویت در برخی از نشریات اخلاقی و تربیتی حوزوی و غیر حوزوی و • تهیه منظم و مستمر آن ها برای کتابخانه مدرسه؛
- تهیه فهرست کتاب های اخلاقی و تربیتی موجود در کتابخانه و اطلاع رسانی آن به طلاب؛
- قرار دادن قفسه ویژه این کتاب ها و نشریات در منظر و دسترس طلاب و ترغیب و تشویق به مطالعه آن ها؛
- تلخیص و گزارش نویسی از کتاب های اخلاقی مطالعه شده توسط طلاب و اهدای جایزه به بهترین تلخیص ها و گزارش ها و نیز تکثیر و توزیع آن ها بین طلاب؛
- معرفی اجمالی برخی از این کتاب های مفید، بین نمازهای جماعت و یا در کلاس های درس توسط اساتید یا خود طلاب و بیان نکات کوتاه جذاب و آموزنده از آن ها برای ترغیب بیشتر افراد به مطالعه این کتاب ها،
- برگزاری مسابقات مستمر کتاب خوانی از کتاب های اخلاقی با همکاری معاونت پژوهش و تهذیب مدرسه؛
- ایجاد فضای بانشاط برای مطالعه با تهیه قفسه و میز و صندلی های یک رنگ و زیبا .

پیشنهاد می شود مدیریت کتابخانه با خود طلاب مدرسه باشد - همان گونه که در بیشتر مدارس چنین است - و چند نفر از آن ها مسئولیت این کار را بر عهده بگیرند و به صورت هماهنگ، منظم و با شوق و علاقه به این کار همت گمارند. معاون پژوهش مدرسه می تواند با برگزاری کارگاه های آموزشی و تخصصی در زمینه کتابداری و مدیریت کتابخانه برای این طلاب، توان و مهارت و انگیزه آنان را تقویت کند.

#### **د. مسجد و نمازخانه**

هر مدرسه ای به یک سالن اجتماعات و نمازخانه مناسب و در صورت امکان به یک مسجد خوب نیاز دارد و بدون وجود چنین فضایی بسیاری از برنامه ها و فعالیت های تهذیبی و فرهنگی مدرسه

قابلیت اجرا ندارد. نمازخانه و مسجد مدرسه هم محل عبادت روزانه و راز و نیاز شبانه طلاب هست و هم جای مناسبی برای مباحثه و برگزاری درس اخلاق و کلاس درس. بنابراین، چنین مکانی باید از ویژگی های مطلوبی برخوردار باشد تا رغبت طلاب را برای حضور در آن شرکت در نمازهای جماعت و سایر برنامه های تہذیبی بیش تر کند، از جمله این ویژگی ها عبارت است از:

• نمای ظاہری مناسب و وسعت کافی برای حضور راحت همه طلاب؛

• فضاسازی معنوی با استفاده از آیات و روایات اخلاقی و نکته هایی از زندگی عبادی و معنوی بزرگان حوزه؛

• استفاده از مهرهای تمیز و ترجیحا تربیت کربلا، قرار دادن قرآن (با ترجمه متقن)، مفاتیح، رساله عملیه مراجع عظام تقلید (نسخه دو جلدی 14 مرجع پیشنهاد می شود)، صحیفه سجادیه و سایر کتاب های دعا به تعداد کافی و در قفسه های مناسب؛

• امام جماعت موجه، مہذب، شاداب، با قرائت صحیح و صدای دلنشین؛

• مؤذن، قاری و مداح خوش صدا و خادم خوب و خوش اخلاق؛

• نظافت و پاکیزگی (معطر نمودن فضا، نظافت منظم و مستمر روزانه یا هفتگی، شستن به موقع فرش ها، گذاشتن گلدان های طبیعی در ورودی نمازخانه یا مسجد، جاکفشی مناسب و تمیز و...)

• استفاده از فرش های زیبا و هماهنگ با پرده ها؛

• وسایل گرمایشی و سرمایشی و نور مناسب؛

• سیستم صوتی مناسب، نصب ساعت و دستگاه ویدئو پروژکتور و پرده ثابت آن در مسجد یا نمازخانه برای اجرای برنامه های تربیتی و فرهنگی؛

• آبدارخانه مستقل با امکانات مناسب برای پذیرایی در مجالس و مناسبت ها.

## ه- کلاس های درس (مدرس ها)

کلاس مکانی است که روزی چند ساعت از وقت طلاب در آن جا سپری می شود، بنابراین با فضاسازی معنوی آن می توان به صورت غیر مستقیم در پیشرفت تہذیبی طلاب اثر گذاشت، از جمله با

• استفاده از رنگ های مناسب در داخل کلاسها با هدف ایجاد نشاط و شادابی و دلنشینی فضا؛

• نصب آیات و روایات مرتبط با ارزش علم و شرایط اخلاقی عالمان در محیط کلاس؛

• نامگذاری کلاس ها به نام بزرگان اخلاقی حوزه و شهدای روحانیت و سرداران رشید اسلام و انقلاب؛

• نصب تصاویری از بزرگان حوزه به همراه پند و نکتههای آموزنده از آن بزرگواران در محیط کلاس. همچنین، با تجهیز کلاس ها به دستگاه ویدئوپروژکتور، نصب ساعت، نور کافی و مناسب، تهویه و سیستم گرمایشی و سرمایشی مناسب، قراردادن گلدان طبیعی، نیمکت های مناسب، استفاده از درب و پنجره های دوجداره (که عایق صوتی و حرارتی هستند) و... می توان به آرامش ذهنی و روانی طلاب و در نتیجه رشد علمی و معنوی آن ها کمک نمود.

## و. آشپزخانه و سالن غذاخوری

### اشاره

با توجه به اهمیت تغذیه در سلامت جسمانی و روحانی انسان تجهیز مدارس شبانه روزی به یک آشپزخانه مناسب از ضروریات یک مدرسه مطلوب می باشد. عمل به توصیه های شرعی و رعایت نکات بهداشتی (1) در رابطه با مکان آشپزی، چگونگی تهیه و نگهداری مواد خوراکی، استفاده از لوازم پخت و پز سالم و استاندارد و... از امور لازمی است که باید مورد توجه مسئولین امر قرار بگیرد.

رعایت آداب معنوی در هنگام پختن غذا مثل طهارت و وضو داشتن، گفتن بسم الله الرحمن الرحیم و در حال ذکر بودن، بلند صلوات فرستادن، خوش اخلاقی کارکنان آشپزخانه با یکدیگر، خالص کردن نیت برای خدمت به سربازان امام زمان علیه السلام و... بسیار اثرگذار است.

همچنین، فضا سازی معنوی آشپزخانه و سالن غذاخوری مدرسه با آیات و روایات متناسب، دعاها، ذکرها و آداب غذا خوردن، می تواند نگاه توحیدی و تهذیبی کارکنان آشپزخانه را در تهیه غذا و نگاه طلاب را در صرف غذا تقویت کند.

گاهی کمک گرفتن از خود طلاب برای تهیه غذا مثل پوست کندن سیب زمینی، پاک کردن سبزی، برنج و حبوبات، نظافت سالن غذاخوری و شست و شوی ظرف ها و... می تواند در

ص: 315

---

1- استانداردها و شرایط فیزیکی و بهداشتی یک آشپزخانه خوب در آیین نامه های بهداشت محیط وزارت بهداشت مشخص و ابلاغ شده است.

روحیه ایثارگری، کارگروھی، خدمتگزاری و مسئولیت پذیری آن ها و به وجود آمدن فضای معنوی مؤثر خواهد بود.

## تغذیه

گرچه بحث تغذیه طلاب، خارج از بحث ظرفیت های محیطی مدرسه است، لکن به تناسب بحث از آشپزخانه و نیز اهمیتی خاصی که در توفیق عبادی و معنوی فرد دارد نکاتی در این زمینه بیان می شود. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

(یا ایُّهَا الرُّسُلُ کُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا)؛ (1)

ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید.

بعضی از مفسران معتقدند ذکر این دو (خوردن غذاهای پاک و انجام عمل صالح) پشت سر یک دیگر، دلیل بر وجود یک نوع ارتباطی بین این دو است و اشاره به این دارد که غذاهای مختلف، آثار اخلاقی متفاوتی دارد غذای حلال و پاک، روح را پاک می کند و سرچشمه ی عمل صالح می شود و غذاهای حرام و ناپاک روح و جان را تیره و سبب اعمال ناصالح می گردد. (2)

در مجموعه ای از روایات، به رابطه ی تغذیه با سوء اخلاق اشاره شده است. برای نمونه به چند مورد اشاره می شود تا اهمیت این بحث در مدارس علمیه بیشتر روشن شود.

(قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَبُّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَائِي. فَقَالَ: طَهَّرْ مَا كَلَّكَ وَلَا تُدْخِلْ بَطْنَكَ الْحَرَامَ)؛

شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عرض کرد: دوست دارم دعایم مستجاب شود. حضرت فرمود: غذای خود را پاک کن و غذای حرام وارد شکمت نکن.

نیز فرمود:

(مَنْ أَحَبَّ أَنْ يُسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيَطِيبْ مَطْعَمَهُ وَ مَكْسَبَهُ)؛

کسی که دوست دارد دعایش مستجاب شود، طعام و کسب خود را از حرام پاک کند.

یا در نهی از پرخوری و آثار زیان بخش آن می فرماید:

(إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ الْمَطْعَمِ فَإِنَّهُ يَسُمُّ الْقَلْبَ بِالْقَسْوَةِ وَيُطِئُ بِالْجَوَارِحِ لِلطَّاعَةِ وَيُصِمُّ الْهَمَمَ عَنِ

ص: 316

1- مؤنون، آیه 51.

2- مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج 14، ذیل آیه 51 مؤنون.

از غذای اضافی بپرهیزید که قلب را با قساوت مسموم و جوارح انسان را نسبت به بندگی خدا تنبل می کند و گوش را از شنیدن موعظه کر می نماید.

امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرمایند:

(مَنْ أَكَلَ الطَّعَامَ عَلَى التَّقَاءِ وَأَجَادَ الطَّعَامَ تَمَضُّغاً وَتَرَكَ الطَّعَامَ وَهُوَ يَشْتَهِيهِ وَلَمْ يَحْسِ الْغَائِطُ إِذَا آتَاهُ ، لَمْ يَمْرُضْ إِلَّا مَرَضَ الْمَوْتِ؛ (1))

کسی که غذای پاکیزه بخورد و غذا را خوب بجود و تا اشتها دارد، دست از غذا بکشد و جلوی تخلیه روده را نگیرد به مرضی جز مرگ دچار نشود.

یا از امام کاظم علیه السلام نیز نقل شده که فرمودند:

لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الطَّعْمِ لَاعْتَدَلَتْ أِبْدَانُهُمْ؛ (2))

اگر مردم در غذا خوردن میانه روی می کردند، بدن هایشان متعادل بود.

از این روایات و روایات فراوان مشابه آن به روشنی استفاده می شود که نوع غذا و کیفیت و کمیت آن و نیز آداب غذا خوردن مورد توجه و اهتمام اولیای دین علیهم السلام بوده است. (3))

بنابراین در بحث تغذیه ی طلاب، دو نکته ی اساسی باید مورد توجه و اهتمام مدیران مدارس و مسؤولان امر قرار گیرد. یکی بحث روزی حلال و طیب؛ یعنی اینکه باید بسیار مراقب باشند که نان حرام و غذای شبهه ناک بر سر سفره ی طلاب گذاشته نشود. گاهی بعضی از اشخاص حقیقی یا حقوقی با نیت های آلوده و فریب کارانه قصد کمک به مدرسه را دارند؛ برای مثال، انتظار دارند در ایام انتخابات، طلاب مدرسه از نامزد خاصی حمایت کنند و.... در این گونه موارد، هوشیاری مسؤول امور مالی حوزه و مدیر مدرسه نسبت به اغراض پشت پرده این هدایا و نذرها می تواند مانع از آن باشد که پول شبهه ناک و حرام وارد مدرسه شود.

آیت الله العظمی گلپایگانی رحمه الله نقل می کنند:

روزی یکی از بازرگانان، مبلغ زیادی که ظاهراً سی هزار تومان بود (به اندازه ی شهریه ی سه ماه

1- علامه مجلسی، بحار الانوار، ج 63، ص 422، ح 37.

2- حر عاملی، همان، ج 24، ص 241.

3- برای آگاهی بیشتر، ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 24 و 25 (کتاب الأطمعة والأشربة).



طلاب حوزه)، به محضر آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری آورد. روزی بود که حوزه نیاز شدیدی به چنین پولی داشت؛ ولی مرحوم حاج شیخ، پس از بررسی و آگاهی از منشأ کسب آن، که چندان صحیح و شرعی نبود، آن را که می توانست چند ماه فکر ایشان را از مخارج حوزه راحت سازد برگرداند. (1)

علامه جعفری رحمه الله در خاطرات خود می فرماید:

روزی شاه، برای مرحوم آقا میرزا فتاح شهیدی (2) سی هزار تومان (به عنوان هدیه) می فرستد. مرحوم شهیدی قبول نمی کند! افراد دربار می گویند: این پولی که ما آوردیم، می دانیم که مورد نیاز شما نیست، آن را بگیرید و به طلبه ها بدهید. میرزا گفته بود: اگر طلبه ها از این پول ها مصرف کنند، دیگر طلبه نمی شوند. (3)

آیت الله بنابی یک وقت در جمعی که نویسنده هم حضور داشت، می فرمود:

اگر احساس کنم مرجع تقلیدی از نظام اسلامی و رهبری معظم انقلاب اندکی فاصله گرفته، به خودم اجازه نمی دهم از شهریه او برای طلاب و مدرسه هزینه کنم و پول ارسالی را عودت می دهم (نقل به مضمون)

همچنین، توجه دادن طلاب مدرسه به این مطلب که اگر طلبه ای شهریه بگیرد، ولی درس نخواند و در کلاس شرکت نکند، استفاده از آن پول حرام خواهد بود (4) و اثر وضعی خود را از نظر علمی و معنوی بروی خواهد گذاشت!

نکته ی دیگری که مدیر مدرسه و سایر متولیان امر تهذیب و تربیت باید نسبت به آن اهتمام داشته باشند، آگاهی بخشی به طلاب نسبت به «آداب و مستحبات» اکل و شرب و ترویج این امور در مدرسه است. همان طور که در برخی از روایات بالا نیز بدان اشاره شد، رعایت این

ص: 318

---

1- مصاحبه با آیت الله عبدالحسین غروی، مجله حوزه، ش 62.

2- میرزا فتاح شهیدی تبریزی (1372/1302 هـ-ق) از فقیهان و مجتهدان قرن چهاردهم و از روحانیون مبارز علیه حکومت پهلوی در تبریز بودند. (به نقل از: ویکی اهل البیت علیهم السلام، ذیل عنوان میرزا فتاح شهیدی تبریزی)

3- فیضی تبریزی، جاودان اندیشه، ص 106.

4- روزی آیت الله بروجردی درباره ی گرفتن شهریه فرمود: «آقایان طلاب! این پولی که به دست من می رسد، مربوط به سهم امام است. من به کسانی که مقسم من هستند، دستور داده ام که این پول بی جا مصرف نشود؛ یعنی به افرادی که استحقاق ندارند، ندهند. امکان دارد این ها به این مسائل رسیدگی نکنند، لذا من به عنوان یک وظیفه ی شرعی به شما بگویم این شهریه به دو شرط برای شما مباح است: اول این که محصل باشید؛ یعنی وقت شما صرف کار دیگری نشود. دوم آن که استحقاق مادی داشته باشید. در غیر این صورت، گرفتن شهریه جائز نیست». به همین دلیل، از آن پس عده ای از متدینین حوزه، دیگر از ایشان شهریه نگرفتند؛ چون عقیده داشتند که مباح نیست.

(پایگاه اطلاع رسانی سیره علما، شناسه مطلب: 6855، تاریخ 1394/4/27)

آداب و سنن می تواند در اعتدال مزاج، سلامت جسمانی، دوری از بیماری ها و آمادگی جوارح و جوانح انسان برای اطاعت و بندگی خدا و اجتناب از گناهان بسیار مؤثر باشد.

کیفیت بخشی به تغذیه ی طلاب نیز نکته ی دیگری است که باید مورد توجه مسؤولان حوزه و مدیر مدرسه قرار بگیرد. از آن جا که بسیاری از طلاب مدارس علمیه در سنین نوجوانی و جوانی و مرحله ی رشد جسمانی قرار دارند توجه و اهتمام به تغذیه ی درست و مناسب آن ها موجب سلامت و نشاط جسمی و روحی آنان شده و راه تهذیب و تحصیل را بر آنان هموارتر می سازد. هم چنین، اصلاح عادت های غذایی در این دوره ی سنی، می تواند از بروز بیماری های مختلف در بزرگسالی آنان پیش گیری کند.

گاه افراط و تفریط طلاب در تغذیه، زمینه ساز برخی مشکلات برای آنان می گردد. برای مثال ممکن است طلبه با تحمیل ریاضت های نادرست و دوری از غذاهای مفید و مقوی، خود را در معرض ابتلا به بیماریهای جسمی و حتی روحی قرار دهد. سوء تغذیه و ریاضت های خوراکی برخی از بزرگان در گذشته و بیماری های طولانی مدت آنان یا عمر کوتاه برخی دیگر از این بزرگواران، اهمیت این بحث را در مدارس علمیه دو چندان می کند.

از سوی دیگر، زیاده روی در مصرف غذا یا استفاده از غذاهای چرب و مضر نیز ممکن است به ایجاد عادت ها و صفت های نامطلوب منجر شده و ادامه ی مسیر طلبگی را با کسالت و دشواری مواجه کند.

### **راهکارها و پیشنهادها**

بنابراین توجه به موارد زیر برای مسئولین امر در مرکز امور طلاب و مدیر مدرسه ضرورت دارد:

- آشناسازی طلاب با اصول و آداب تغذیه در اسلام (از طریق تهیه کتاب، جزوه، بروشور و ارائه ی آن ها به طلاب و نیز دعوت از کارشناسان مربوط و برگزاری کلاس های آموزشی و کارگاه های مورد نیاز)؛
- آشناسازی طلاب با تأثیر تغذیه در سلامت جسمی و نشاط روحی و معنوی؛
- آگاهی بخشی به طلاب درباره ی تأثیر لقمه ی حرام و شبهه ناک بر زندگی علمی و معنوی انسان؛

- مشورت با متخصصان تغذیه و کارشناسان طب اسلامی و سنتی در تهیه برنامه غذایی سالم، مطمئن و مناسب برای طلاب مدرسه؛
- توجه به فرهنگ بومی و محلی در استفاده از خوراکی ها؛
- اهتمام جدی به صبحانه طلاب (که بیش از دیگر وعده های غذایی مهم است)؛
- توجه بیشتر به تغذیه مناسب طلاب در ایام امتحانات؛
- پرهیز دادن طلاب از خوردن غذاهای آماده (فست فود)؛

### ز. حمام و سرویس های بهداشتی

برخی از نکات تربیتی که در رابطه با حمام و سرویس بهداشتی مدرسه باید مورد توجه قرار بگیرد، عبارتند از:

- در نظر گرفتن حمام و سرویس بهداشتی استاندارد به تعداد کافی و سهولت دسترسی به آن ها (تا طلاب به موقع به انجام مستحبات و فرائض دینی خود برسند)؛
- آماده و گرم بودن دائمی آب حمامها برای استفاده شبانه روزی طلاب؛
- ایجاد امکانات بهداشتی نظیر صابون مایع ضد عفونی کننده، آب گرم در زمستان ها، شست و شوی مرتب و منظم و استفاده از خوش بوکننده های مناسب در سرویس ها؛
- نصب دعاها و ذکرهای مخصوص قضای حاجت و استحمام و غسل در حمام ها و سرویس ها و آداب و مستحبات آن دو در جایی مناسب در فضای بیرونی.

### ح. امکانات تفریحی و ورزشی

- با توجه به آنچه در بحث اهمیت ورزش گذشت، لازم است مدیران مدارس علمیه و مسئولین امر تدابیری بیندیشند که طلاب بتوانند تحرک کافی جسمانی داشته باشند؛ از جمله اینکه:
- تهیه فضا، امکانات و لوازم ورزشی و تفریحی مورد نیاز برای مدرسه، مثل: میز پینگ پونگ، زمین والیبال، بسکتبال، وسایل عمومی و معمولی بدن سازی و... با توجه به جمعیت طلاب و فضای موجود؛
- تشویق طلاب به، ورزش به ویژه ورزش های گروهی؛

● تخصیص سرانه کافی ورزشی برای طلاب مدارس؛

● وارد کردن برنامه منظم تربیت بدنی در برنامه ی آموزشی و درسی (اختصاص زنگ ورزش یا ورزش صبح گاهی یا عصرگاهی در مدرسه)؛

● اطلاع رسانی به طلاب درباره ی آثار و برکات ورزش در تهذیب، سلامت جسمانی، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی آنان (از طریق تهیه و توزیع جزوه، بروشور، کتاب، سی دی و پخش فیلم و کلیپ ورزشی میان طلاب)؛

● دعوت از کارشناسان تربیت بدنی مریبان ورزشی و طلاب ورزشکار و موفق در عرصه ی تهذیب، تحصیل و تبلیغ برای حضور در مدرسه و سخنرانی برای طلاب؛

● آشناسازی طلاب و ترغیب آنان به یادگیری ورزش های اسلامی (سوارکاری، تیراندازی و شنا) و فراهم نمودن امکانات لازم در این زمینه و نهی آن ها از انجام ورزش های غیر شرعی یا متعارض بازی طلبگی و شئون روحانیت؛

● پی گیری برای جذب و تهیه امکانات ورزش همگانی که شهرداری ها در اماکن عمومی و پارک ها نصب می کند؛

● تهیه و خرید عمده کفش و لباس ورزشی متناسب بازی طلبگی و فروش اقساطی آن به طلاب مدرسه؛

● برنامه ریزی و تدارک امکانات لازم برای کوهنوردی (1) هفتگی یا ماهانه طلاب (در مناطقی که دسترسی آسان به کوه ممکن است)؛

● برگزاری کلاس های آموزشی رزمی و دفاع شخصی، برای ایجاد انگیزه، نظم و تداوم ورزش طلاب و نیز بالا بردن روحیه و آمادگی جسمی آنان که علی علیه السلام فرمود: یارب قو علی خدمتک جوارحی؛

● برگزاری اردوهای تفریحی ورزشی در روزهای تعطیلی؛

ص: 321

---

1- مقام معظم رهبری دام ظلّه: کوهنوردی یعنی عروج به قله هایی که در کشور ما به طور فراوان وجود دارد. کوهنوردی ورزشی است در اختیار همه؛ باید مردم بروند ورزش کنند؛ باید مردم به این ارتفاعات شمال تهران یا به ارتفاعات فراوانی که در اغلب نقاط کشور وجود دارد، بروند و از این هوای پاک، از این کوهستان خداداده، استفاده کنند.

- پخش دعاها، ذکرها، مداحی ها و سرودهای انقلابی و حماسی مناسب با فضای ورزش برای ایجاد انگیزه ی معنوی و نشاط روحی بیشتر؛
- فراهم کردن امکان دسترسی طلاب به باشگاه ها و سالن های ورزشی بیرون از مدرسه (اگر در مدرسه سالن ورزشی مطلوب وجود ندارد)، البته با اعمال نظارت های لازم و کافی؛
- تشویق طلاب متخلق ورزشکار و....

## 2-1-3-2 ظرفیت تعطیلات حوزه و اوقات فراغت طلاب

### اشاره

هر طلبه علاوه بر آموزش های رسمی که در حوزه می بیند، نیازهای دیگری دارد که باید با «برنامه» و «به تدریج» برای خود فراهم کند و طبیعی است نمی توان از حوزه انتظار داشت برای همه آن نیازها تدارک دیده باشد. با توجه به انبوه مطالبه هایی که جامعه از حوزه و

روحانیت، به ویژه در عرصه اخلاق و تربیت دارد، طلبه، مطالعات جنبی فراوان و مهارت های متنوعی نیاز دارد تا به آن آمادگی لازم برای حضور در جامعه و حتی عرصه های بین المللی برسد که اگر بخواهد در برنامه رسمی حوزه قرار بگیرد، سال های تحصیل حوزه، چندین برابر خواهد شد! طلبه در کنار تحصیل علم به کسب مهارت هایی نیازمند است تا ابعاد اخلاقی و تربیتی خود را نیز رشد دهد؛ برخی از این مهارت ها عبارتند از:

مدیریت تحصیلی و برنامه ریزی، مهار غرایز و عواطف، انتخاب همسر، مدیریت خانواده تربیت فرزند و بسیاری از مهارت های دیگر. به هر حال، نمی توان از مدیریت حوزه توقع داشت همه این ها را برای او تأمین کند. به دست آوردن این مهارت ها برای طلبه، به منزله دست یابی به یک ابزار پیشرفته است که او را با صرف انرژی اندک، به نتایج بزرگ می رساند. ایام تعطیلی و به ویژه تابستان، بهترین فرصت برای مطالعات متفرقه است؛ منظور، کسب دانش هایی است که برای طلبه لازم است و امکان آن در ایام درسی وجود ندارد. مطالعه تفسیر قرآن، کتاب های حدیثی و اخلاقی، تاریخ اسلام و تشیع، سیر مطالعاتی آثار شهید مطهری و بسیاری دیگر از بزرگان و اندیشمندان حوزه، یا کسب مهارت های هنری، فرهنگی، نویسندگی، روضه خوانی و....

تعطیلات حوزه فرصت بسیار مناسبی است تا طلاب در کنار استراحت و تجدید قوا، آموخته های خود را مرور کنند و با برنامه ریزی مناسب، دانش ها و مهارت های جدید مورد نیاز را کسب نمایند.

مسئولان حوزه و به ویژه معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه با همکاری مدیران استانی و مدیران مدارس علمیه می توانند با برنامه ریزی مناسب و اتخاذ تدابیر لازم از این فرصت تعطیلات در جهت پیش برد اهداف تربیتی و تهذیبی حوزه به شکل مطلوبی استفاده کنند.

### **ظرفیت فصل تابستان**

گرچه بیشتر مدارس علمیه، برنامه ی کاری خود را در فصل تابستان تعطیل می کنند؛ ولی طلبگی طلبه، یعنی طالب علم و کمال بودن و مسیر رشد را پیمودن، توقف بردار نیست. فرصت سه ماهه ی تابستان، سرمایه ی زمانی ارزشمندی است که باید با هوشمندی و مراقبت از آن بهره گرفت و اندکی مسامحه و تقصیر در بهره برداری از آن بخشودنی نیست. تابستان زمانی معادل یک چهارم سال است که اگر به خوبی احیا نشود، خسارتی بزرگ و ندامتی بزرگ تر پدید می آورد بنابراین تابستان را نباید تعطیل پنداشت. آن چه در این زمان اتفاق می افتد، تغییر شکل برنامه ی تحصیلی است. تابستان دوره ی رکود، سکون و توقف نیست؛ زمان آغاز یک تحصیل جدید و تنوع بخشیدن به آهنگ تکراری فعالیت های پیشین است.

### **فعالیت های درسی در تابستان آری یا نه؟**

تابستان زمان مناسبی برای فعالیت های درسی رسمی نیست. گروهی از طلاب سخت کوش، ایام تابستان را امتداد ایام تحصیلی می شمارند و همان ادبیات، منطق، فقه، اصول و کلام را که در برنامه ی رسمی حوزه پیش بینی شده است، در این ایام دنبال می کنند. این گروه، گرچه در اصل بهره برداری از زمان و تشخیص وظیفه ی «سخت کوشی»، شایسته ستایش اند و بر اثر همین تلاش، از همکلاسی های خود در برنامه درسی حوزه پیش می افتند، اما از گزند دو آسیب سالم نمی مانند:

اول: خستگی فکری و روحی که موجب عدم آمادگی برای ادامه ی راه در سال تحصیلی

آینده خواهد شد. برنامه آموزشی یک نواخت و پشت سرهم، تحمل انسان های معمولی را در می نوردد و دیر یا زود، موجب سردرد، خستگی، کسالت و افسردگی می شود. طراوت و اشتیاق در تحصیل، نعمتی به دست آوردنی است که برای نگهداری آن باید تلاش کرد. یکی از عوامل مهم حفظ طراوت و نشاط، تنوع فعالیت ها است.

آسیب دیگر، محروم ماندن از کسب امور لازمی است که در غیر تابستان، فرصت فراگیری آن ها نیست که پیشتر بدان اشاره کردیم. اکتفا به روند آموزشی حوزه، موجب بقای پاره ای از خالها در شخصیت طلاب و در نهایت ناکارآمدی صنفی روحانیت خواهد شد.

از این رو، فصل تابستان، بهترین فرصت برای انجام فعالیت های تهذیبی و تربیتی، شرکت در اردوهای جهادی، بازدید گروهی از مناطق محروم، حضور در اردوهای فرهنگی و تربیتی معاونت تهذیب و امثال آن است. (1)

### 3-1-3-2-4 ظرفیت های تربیتی ایام خاص

#### اشاره

از جمله فرصت ها و بسترهای بسیار مناسب برای انجام فعالیت های تهذیبی و تربیتی، مناسبت های ملی و مذهبی در کشورمان است. از آن جا که مؤمن باید زرنگ باشد و قدر لحظه لحظه ی فرصت ها را بداند و مدیران محترم مدارس علمیه نیز شایسته است که از این ظرفیت ها و فرصت ها به بهترین شکل ممکن بهره ببرند و بایستی اعتنایی از کنار آن ها نگذرند.

#### الف. مناسبت های مذهبی

#### رجب المرجب

ماه توبه و استغفار و مراقبه و بهترین فرصت برای ایجاد و تقویت روحیه عبودیت و بندگی (2)

ص: 324

1- از جمله برنامه های خوبی که در سال های اخیر در فصل تابستان برای طلاب مدارس اجرا می شود، می توان به طرح مطالعاتی کتاب های شهید مطهری و طرح تربیتی ضیافت ملکوت اشاره کرد. همچنین، برخی از مدارس، بخشی از فصل تابستان را به فعالیت های علمی و تهذیبی خود ادامه می دهند و از فرصت تعطیلات برای تقویت بنیه علمی و اخلاقی طلاب استفاده می کنند. برگزاری اردوهای زیارتی و سیاحتی قم، مشهد مقدس و... نیز از جمله برنامه های تربیتی برخی مدارس می باشد.

2- عن النبی صلی الله علیه و آله وسلم أنه قال: إنَّ الله تعالی نصب فی السماء السابعة ملکاً یقال له: «الداعی»، فإذا دخل شهر رجب ینادی ذلك الملك کل لیلۃ منه إلى الصباح: طوبی للذاکرین، طوبی للطائعين و یقول الله تعالی: «أنا جلیس من جالسینی و مطیع من أطاعنی و غافر من استغفرنی الشهر شهری و العبد عبدی و الرحمة رحمتی، فمن دعانی فی هذا الشهر أجبته و من سألتنی أعطیته و من استهدانی هدیته و جعلت هذا الشهر حبلاً بینی و بین عبادی، فمن اعتصم به وصل إلی؛ از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و سلم روایت شده است که فرموده اند: خداوند متعال در آسمان هفتم ملکی قرار داده است که به او داعی میگویند یعنی کسی که افراد را می خواند؛ چون

ماه رجب داخل می شود، این ملك هر شب تا صبح صدایش بلند است خوشا به حال آن کسانی که در حال ذکر هستند؛ خوشا به حال آن کسانی که در حال اطاعت اند ملك می گوید: خداوند متعال می فرماید: من هم نشین کسی هستم که خود را با من هم نشین کند؛ من اطاعت کسی را می کنم که او اطاعت مرا بکند و می بخشم کسی که از من طلب بخشش کند این ماه ماه من است؛ این بندگان همه بندگان من هستند. رحمت هم اختصاص به من دارد کسی که مرا در این ماه بخواند او را اجابت میکنم؛ کسی که از من بخواهد به او می دهم؛ کسی که در این ماه از من طلب هدایت کند من او را هدایتش میکنم من این ماه را ریسمان بین خودم و بین بندگانم قرار دادم. هر کسی که به این ریسمان چنگ بزند به من می رسد». (سید ابن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج 3، ص 174)



است. بنابراین توجه به موارد زیر پیشنهاد می شود:

- فضا سازی معنوی مناسب این ماه در مدرسه؛
- آشناسازی طلاب با اهمیت ماه رجب و دعاها و اعمال ویژه ی این ماه؛
- انجام اعمال و دعاها ی روزانه ماه رجب بعد از نمازهای جماعت؛
- فراهم کردن مقدمات لازم و زمینه سازی برای روزه داری و تهجد طلاب؛
- ایجاد تمهیدات لازم و تشویق طلاب به اعتکاف و انجام اعمال ام داود؛
- و موارد دیگر.

### شعبان المعظم

ماه پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم، ماه انس هر چه بیشتر طلاب با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، آشنا کردن طلاب خانواده های ایشان با سبک زندگی مهدوی، ماه تهجد و روزه و عبادت می باشد. برای استفاده ی بهینه از ظرفیت ها و فرصت های این ماه بزرگ، نکته ها و اقدام های زیر پیشنهاد می شود:

- فضاسازی معنوی مناسب ویژه ی این ماه در مدرسه؛
- آشناسازی طلاب با اهمیت ماه شعبان و دعاها و اعمال ویژه ی این ماه؛
- برنامه ریزی برای قرائت روزانه ی مناجات شعبانیه در مدرسه با استفاده از صوت حزین و دل نشین یکی از طلاب مداح؛
- پخش دعای عهد هنگام صبح صلوات شعبانیه موقع زوال و زیارت آل یاسین هنگام غروب از بلندگوی مدرسه؛

ص: 325

- فراهم نمودن مقدمات لازم و زمینه سازی برای روزه داری و تهجد طلاب؛
- احیای دسته جمعی شب نیمه شعبان در مسجد یا نمازخانه مدرسه با برنامه ریزی و تدارکات مناسب؛
- برگزاری پرشور جشن عمامه گذاری طلاب در روز نیمه ی شعبان؛
- برگزاری حلقه های معرفت، همایش سخنرانی و جلسه های پاسخ به پرسش ها و شبهات مهدویت در مدرسه؛
- برگزاری مسابقه کتابخوانی میان طلاب، کارکنان و خانواده های ایشان؛
- برپایی نمایشگاه کتاب ویژه ی مهدویت در مدرسه؛
- آذین بندی مدرسه و برپایی پرشور و جذاب جشنهای میلاد ویژه ی این ایام؛
- ارسال پیامک تبریک نیمعی شعبان به کارکنان، مدرسه طلاب و خانواده های ایشان؛
- انجام قربانی برای سلامتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و توزیع گوشت آن میان فقرا در این ایام به ویژه روز نیمه شعبان؛

## رمضان المبارک

- ماه رمضان، ماه انس با قرآن کریم، تهجد و شب زنده داری و مناجات است. مدیران و متولیان امر تهذیب و تربیت با انجام امور زیر می توانند از ظرفیت این میهمانی بزرگ و پربرکت الهی، بیشترین بهره وری را برای اهداف تهذیبی و تربیتی مدرسه داشته باشند:
- فضاسازی معنوی و شورانگیز محیط مدرسه متناسب با این ماه عزیز؛
  - آشناسازی طلاب با اهمیت و عظمت ماه مبارک رمضان دعاها، مراقبت ها و اعمال ویژه ی این ماه؛
  - کاستن از برنامه ها و فعالیت های آموزشی طلاب و افزودن بر برنامه های تهذیبی و قرآنی آن ها؛
  - تغییر ساعت های درسی مدرسه، متناسب با فضای ماه مبارک رمضان؛ (1)

ص: 326

1- در برخی از مدارس علمیه کشور مثل مدرسه علمیه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شهرستان بناب برنامه ها و فعالیت های آموزشی مدرسه از صبح ها به بعد از ظهرها و شب های ماه مبارک رمضان منتقل می شود و طلاب شب ها تا سحر بیدارند و به جای آن، بعد از نماز صبح تا نزدیک اذان ظهر استراحت می کنند. این تغییر برنامه، شور و نشاط معنوی و علمی خاصی میان طلاب ایجاد می کند و آثار و برکت های زیادی دارد همچنین معمولاً از هر پایه، یک درس تعطیل می شود تا طلاب فرصت بیشتری برای استفاده

از فضای معنوی و برنامه های خاص ماه مبارک رمضان داشته باشند.

- برنامه ریزی ویژه برای قرائت دسته جمعی یک جزء قرآن در شبانه روز با آداب و شرایط خاص آن؛
- فضاسازی قرآنی مناسب محیط قرائت و استفاده از قاریان خوش لحن؛
- برنامه ریزی برای قرائت دسته جمعی ادعیه و مناجات های پُرشور، به ویژه دعای ابوحمزه ثمالی در نیمه شب ها.

## محرم الحرام و صفر

ماه انس با اهل بیت علیهم السلام و توسل و زیارت، احیای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر و بهترین ایام برای تقویت روحیه ی ولایت مداری، حق طلبی، ایثار و فداکاری در راه حفظ دین و ارزش های دینی و استکبارستیزی در میان طلاب است. کارهایی که باید در مدرسه انجام شود عبارتند از:

- فضاسازی معنوی و محرمی محیط مدرسه
- آشناسازی طلاب با اهمیت و عظمت ماه محرم، فلسفه ی عزاداری برای حضرت سیدالشهدا علیه السلام و مراقبت ها و اعمال ویژه ی آن؛
- تشکیل هیئت عزاداری در مدرسه (منطبق با استانداردهای حوزه و روحانیت، به دور از افراط و تفریط همراه با شرکت مدیر و اساتید)؛
- زمینه سازی برای تقویت روحیه ی انقلابی گری طلاب و آشناسازی آنان با فرهنگ جهاد و شهادت؛
- آشناسازی طلاب با شخصیت های برجسته و حماسی شهدای کربلا؛
- دعوت از اساتید و خطبای برجسته برای سخنرانی؛
- فراهم کردن تسهیلات و شرایط لازم برای شرکت طلاب در پیاده روی عظیم و معنوی زیارت اربعین حضرت سیدالشهدا علیه السلام؛
- و سایر اقدام ها.

این ایام نیز فرصت بسیار مناسبی برای انس با اهل بیت علیهم السلام به ویژه ام الائمه حضرت صدیقه ی کبری فاطمه زهرا علیها السلام است و بهترین ایام برای تقویت روحیه ی ولایت مداری، ایثار و فداکاری در راه دفاع از ولی و استکبارستیزی در میان طلاب است. برای این منظور پیشنهاد می شود:

- فضاسازی معنوی و فاطمی محیط مدرسه

- آشناسازی هر چه بیشتر طلاب با شخصیت حضرت زهرا علیها السلام و اهمیت و عظمت حرکت فاطمی؛

- تشکیل هیئت عزاداری در این ایام؛

زمینه سازی برای تقویت روحیه ی ولایت مداری طلاب و آشناسازی آنان با فرهنگ ایثار و شهادت؛

- برگزاری مسابقه ی حفظ خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام؛

دعوت از اساتید و خطبای برجسته برای سخنرانی درباره ی شخصیت حضرت زهرا علیها السلام و ...

به همین شکل از ظرفیت مناسب تهای دیگر، مثل دهه ی کرامت، ماه ذی الحجه (دهه ی اول و دهه ی ولایت) و نیز ایام ولادت و شهادت معصومان علیهم السلام می توان به بهترین وجه برای تقویت و ارتقای امور تہذیبی و تربیتی طلاب بهره جست.

### ب. مناسبت های ملی

#### اشاره

هفته بسیج، هفته دفاع مقدس، دهه فجر، ایام رحلت امام خمینی قدس سره و... نیز از مناسبت های ملی و فرصت های ارزشمندی است که باز می تواند در راستای پیشبرد اهداف تہذیبی و تربیتی به کار گرفته شوند.

#### هفته دفاع مقدس و هفته بسیج

\* هفته دفاع مقدس و هفته بسیج (1)

همانند ماه محرم، این هفته بهترین ایام برای تقویت روحیه ی ولایت داری، حق طلبی، انقلابی گری مجاهدت، ایثار، فداکاری شهادت طلبی و استکبارستیزی میان طلاب مدرسه

1- مقام معظم رهبری فرمود: «مواظب باشید از مسأله‌ی دفاع مقدس که در این کشور اتفاق افتاد، غافل نشوید...» (بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، 1383/7/5)؛ «هشت سال دفاع مقدس ما صرفاً یک امتداد زمانی و فقط یک برهه‌ی زمانی نیست؛ گنجینه‌ی عظیمی است که تا مدت‌های طولانی ملت ما می‌تواند از آن استفاده کند، آن را استخراج کند و مصرف کند و سرمایه‌گذاری کند.» (بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس، 1388/6/24)

است. بدین منظور راهکارهای زیر پیشنهاد می شود:

• فضاسازی معنوی و شورانگیز محیط مدرسه متناسب با این ایام؛

• برگزاری نمایشگاه هفته ی دفاع مقدس در مدرسه؛

• نصب برگزیده هایی از وصیت نامه ی شهدا به ویژه سرداران شهید اسلام و شهدای روحانیت در فضای مدرسه؛

• برگزاری برنامه شبی با شهدا در مدرسه و دعوت از رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، مدافعان حرم و سرداران و فرماندهان بسیج و سپاه و ارتش برای سخنرانی و بیان خاطره های جبهه و جنگ؛

• ایجاد یک موزه ی کوچک و دائمی از آثار و وسایل شهدا و رزمندگان و نیز فعالیت های دوران دفاع مقدس در مدرسه؛

• دفن شهید گمنام در مدرسه (که آثار و برکات فراوانی دارد)؛

• تهیه مجموعه کتاب های خاطره های دفاع مقدس برای کتابخانه مدرسه و تشویق طلاب برای مطالعه ی آن ها؛ (1)

• تشکیل بسیج طلاب و روحانیان در مدرسه؛

• تشکیل حلقه های تربیتی و بصیرتی با موضوع دفاع مقدس در مدرسه (خیلی از مفاهیم تهذیبی و تربیتی و ارزش های انقلابی مثل ایثار، صداقت، تواضع، بصیرت، ولایت محوری و... را می توان با بهره گیری از منابع و کتابهای تولید شده در زمینه ی دفاع مقدس و مباحثه و گفت وگو در این حلقه ها به طلاب انتقال داد)؛

• برگزاری مستمر و سالانه ی اردوی راهیان نور و بازدید از مناطق جنگی؛

• و غیره.

ص: 329

---

1- من توصیه می کنم این کتاب هایی که در شرح حال سرداران است یا آنچه که در گزارش روزهای جنگ و سال های دشوار اول بالخصوص نوشته شده، این را جوان ها بخوانند. خود را سیراب کنید از معرفت به آنچه که گذشته است در تاریخ انقلاب. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان استان فارس، 1387/2/14)

اقتصاد از کلمه «قصد» به معنای «میانه روی» آمده است و در لغت به معنای «میانه نگاه داشتن» و «میانه روی در هر کاری» است. (1) «علم اقتصاد» نیز یکی از رشته های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت فعالیت های مربوط به دخل و خرج و چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و اصول و قوانینی که بر امور مذکور حاکم است، مطالعه می کند. (2)

دهخدا نیز «علم اقتصاد» را چنین تعریف کرده است: علم به مجموع وسایلی که برای رفع نیازمندی های مادی بشر از آن استفاده می شود. (3)

به هر حال، در نظام اقتصادی اسلام به تأثیر مستقیم و غیر مستقیم عوامل اقتصادی بر تربیت اشاره شده است. رسول خدا فرمودند:

(نعم العون علی تقوی الله الغنی)؛ (4)

بی نیازی چه کمک خوبی برای تقوای الهی است.

از این فرمایش پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم استفاده می شود که تلاش در بهبود امر معیشت و اقتصاد حوزه و کاستن از مشکلات و دغدغه های معیشتی طلاب به خصوص در سال های اولیه تحصیل، می تواند در رشد علمی و معنوی آنان بسیار اثرگذار باشد.

از این رو، تأمین نیازهای مالی مدارس علمیه به ویژه مدارس شهرستان ها می تواند مدیران آن ها را در اداره بهتر مدرسه یاری کند و ایشان فارغ از دغدغه های اقتصادی و مالی به امر آموزش و تربیت طلاب همت گمارند.

## 5-1-3-2 عوامل اجتماعی - فرهنگی

### اشاره

هم چنان که پیش تر در مبانی انسان شناختی و مبانی دوازدهم (تأثیر متقابل انسان و محیط) نیز بیان شد، به رغم پذیرش تأثیر و تأثر میان انسان و محیط های طبیعی در فرایند تربیت،

ص: 330

1- دهخدا، لغت نامه ذیل واژه اقتصاد.

2- جبران مسعود، فرهنگ، الرائد، ج 1، ص 227.

3- دهخدا، همان.

4- کلینی، الکافی، ج 5، ص 71، ح 1.



تعاملات انسان با محیط‌های انسانی اهمیت بیشتری دارد. جامعه‌پذیری، فرهنگ‌پذیری، نقش فشار اجتماعی، هم‌نوایی و متابعت از جمله مصادیق این مبنا در فرایند تربیت است.

براساس این مبنا، مربیان و متربیان باید به نقش اجتناب‌ناپذیر تعاملی عوامل اجتماعی - فرهنگی توجه نمایند و در هماهنگ‌سازی این عوامل با فرایند تربیت متعادل و مطابق استانداردهای تربیتی عمل کنند.

### عوامل تربیتی - فرهنگی

فرهنگ به وسیله آموزش مستقیم و غیرمستقیم به نسل بعدی منتقل می‌شود و طیف وسیعی از مؤلفه‌ها همانند آداب و رسوم، ارزش‌ها، باورها، دین‌ها و... شامل می‌شود این مؤلفه‌ها یا خود مؤلفه‌های تربیتی‌اند و یا بر روند تربیت و جهت‌دهی به آن بسیار تأثیرگذارند.

امام علی علیه السلام در نامه معروف خود به جناب مالک اشتر رحمه الله می‌فرماید:

آداب پسندیده‌ای که بزرگان امت به آن عمل کرده‌اند و رعیت به آن اصلاح شده را بر هم مزن و آدابی که به سنت‌های خوب گذشته ضرر وارد می‌کند، پدید می‌آور. (1)

نوجوانان و جوانانی که وارد مدارس علمیه میشوند محصول همین فرهنگ‌ها هستند و اغلب با همین نقاط ضعف و قوت موجود در همسالان خود از اقبال مختلف جامعه، وارد حوزه می‌شوند. لذا، متولیان امر تربیت در حوزه، همیشه باید نیم‌نگاهی به آسیب‌ها و مشکلات موجود در جامعه داشته باشند و اثرات تربیتی آن را بر طلاب مدارس علمیه مورد ارزیابی قرار دهند و در صورت لزوم، اقدامات پیش‌گیرانه و یا اصلاحی مورد نیاز را انجام دهند.

از سوی دیگر، قرار گرفتن طلاب با فرهنگ‌های متفاوت در کنار یکدیگر و در یک مدرسه، اغلب می‌تواند آسیب‌زا و تنش‌آفرین باشد. بنابراین شایسته است در برنامه‌ریزی‌های حوزه، نسبت به تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی دقت شود و با تقویت مدارس علمیه شهرستان‌ها، افراد با فرهنگ‌های نزدیک به هم در یک مدرسه پذیرش شوند. بدیهی است این امر تا حدود زیادی باعث تسهیل امر آموزش و تربیت در مدرسه می‌شود و بسیاری از مؤونه‌ها و هزینه‌های مادی و معنوی را کاهش می‌دهد. بدین ترتیب و پس از مدتی حضور در مدرسه

ص: 331

---

1- لا تنقض سنة صالحا عمل بها صدور هذه الامة . (نهج البلاغه، نامه 53)

و کسب مهارت های ارتباطی و اجتماعی لازم، زندگی در کنار فرهنگ های متفاوت تر، کمتر مشکل آفرین خواهد بود.

### **اثرگذاری نهادهای دینی بر امر تربیت**

بسیاری از نهادهای دینی و مذهبی در شکل گیری فرهنگ و ارزش های حاکم بر فرد تأثیرگذارند. مرجعیت، مساجد، حسینیه ها، هیئات مذهبی، بقاع متبرکه، محافل مذهبی، تعزیه ها، بسیج، کانون های فرهنگی و... هر کدام سهمی در شکل گیری شخصیت فرد دارند و همزمان با برنامه های تربیتی حوزه نقش خود را ایفا می کنند. به ویژه در برهه کنونی و در بیشتر شهرها، بسیج و هیئات مذهبی بیشترین تأثیر را بر نوجوانان و جوانان مذهبی دارند.

برای نمونه، طبق گزارشی که دبیرخانه شورای عالی حوزه در بهار 1389 منتشر کرده، 87/3 درصد ورودی های سیکل و دیپلم حوزه در همان سال، عضو بسیج بوده اند. (1) این مسأله بیان گر این واقعیت است که بسیج ظرفیت بسیار بالایی برای جذب جوانان با استعداد و مهذب به حوزه را دارد و می توان با تعامل و همکاری بهتر و بیشتر با این نهاد پرپرکت از این ظرفیت عظیم و فوق العاده نهایت استفاده را نمود. همین وضعیت را هیئت های مذهبی دارند و می توان با برنامه ریزی های مناسب و تعامل بهتر مدارس علمیه با این هیئت ها، جوانان مستعد را شناسایی و جذب حوزه های علمیه نمود.

### **فعالیت های فرهنگی - تربیتی در مدرسه**

بسیاری از مدارس علمیه دارای بسیج طلاب، هیئت و دارالقرآن هستند که مدیر و معاون تهذیب مدرسه با اشراف بر فعالیت های آن ها و تدبیر مناسب، می توانند از این ظرفیت ها بهترین و بیشترین بهره برداری را بکنند و با اشراف برنامه های اخلاقی و تربیتی در فعالیت های متنوع آن ها به صورت غیر مستقیم ولی اثرگذار، اهداف تهذیبی مدرسه را پیش ببرند. البته باید بسیار مراقب بود که فعالیت های این گروه ها، موجب چند دستگی و اختلاف بین طلاب نشود.

ص: 332

---

1- گزارش یافته های پژوهش در مورد داوطلبان ورود به حوزه های علمیه؛ دبیرخانه شورای عالی حوزه، ص 23.

ساختار یک سازمان، مدرسه مؤسسه یا هر ارگان دیگری عبارت است از اینکه دارای اجزا بوده، به طوری که عده ای در آن به فعالیت مشغول بوده و سلسله مراتب میان ایشان برقرار باشد. وجود قوانین مقررات، و نیروهای انسانی در یک سازمان، مدرسه یا مؤسسه که فرایند تربیت در آن ها صورت می گیرد، برای آن است که زمینه هایی را برای تسهیل در تربیت فراهم سازند؛ در غیر این صورت، فلسفه ی وجودی آن ها بی معنا خواهد بود. هرگاه چنین سازمان و وجود قوانین و مقررات به گونه ای باشد که فرایند تربیت را تسهیل کرده و دچار پیچ و خمهای اداری و کاغذ بازی نشود، در واقع شرایط و زمینه های تربیت فراهم شده است. از این رو بر مربی یا مربیان امر تربیت لازم است که نسبت به تسهیل کنندگی ساختار حساس بوده و با سازماندهی مناسب، چابک و ایجاد قوانین درست، زمینه های تربیت و رشد مربیان را فراهم سازند.

نکته دیگر در زمینه سازی برای تربیت، ثبات و نظم قوانین و آیین نامه ها است. بدین معنا که تغییر زود هنگام و متعدد مقررات، مربی و مربی را دچار سردرگمی می کند. هم چنان که نبود مقررات، نظم و روال مشخص برای تربیت القا کننده بی نظمی در مربی است؛ تربیت صحیح، فقط با وجود نظم امکان پذیر می باشد.

هم چنین، وجود برنامه های مختلف آموزشی، تربیتی و... در مدرسه، نشان از برنامه ریزی هایی است که در راستای وجود ساختاری چابک و کارآمد طراحی شده است. هماهنگی برنامه های آموزشی و تربیتی از ویژگی های مهم یک برنامه آموزشی است. توسعه هماهنگ این برنامه ها به کارایی آن ها می افزاید. در صورتی که یکی از برنامه ها از اولویت ساختاری برخوردار باشد، جنبه دیگر آن آسیب دیده و سازمان یا مدرسه در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده خود، دچار چالش خواهد شد.

نکته دیگر در تدوین برنامه های تربیتی، توجه به سیر تربیتی مراحل تربیت، برنامه های اولویت دار، لحاظ سن و مراتب آموزش است.

تعداد قابل توجهی از مدارس علمیه در قم و شهرستانها از لحاظ فیزیکی و ساختمانی برای سکونت طلبه مناسب نیستند؛ برای مثال، گاه منزل مسکونی یا مدرسه متعلق به آموزش و پرورش را اجاره کرده و تبدیل به مدرسه علمیه اش کرده اند یا مدرسه در وسط بازاری پرتردد یا خیابان های اصلی و شلوغ شهر قرار گرفته و طلاب و اساتید با تأخیر می رسند یا هنگام آمد و رفت به مدرسه مجبورند تنه به تنه زنان و دختران بد پوشش حرکت کنند و خواه و ناخواه چشمشان به منظره های ناخوشایند و نابهنجار بیفتد در چنین شرایطی امر تربیت و

تهذیب طلاب و به ویژه طلاب مبتدی با مشکلات فراوانی همراه خواهد بود و انرژی زیادی را از متولیان امر تهذیب و تربیت مدرسه خواهد گرفت. از این رو، پیشنهاد می شود شاخص های لازم برای یک مدرسه مطلوب از لحاظ امکانات محیطی و ساختمانی بررسی و در اعطای مجوز از سوی شورای گسترش حوزه مدنظر قرار بگیرد.

بنابراین، نامناسب بودن فضای مدارس علمیه در موارد ذیل می تواند مانعی جدی در امر تهذیب طلاب به شمار آید :

استقرار مدرسه در محل تردد دختران و زنان بد حجاب (مثل همجواری یا نزدیکی مدرسه به دبیرستان ها و باشگاه های دخترانه ، دانشگاه های به ویژه آزاد یا غیرانتفاعی و...):

اشراف کلاس ها و حجره های مدرسه بر منازل اطراف؛

قرار گرفتن مکان مدرسه در مسیر عوامل آلودگی زا مانند: کارخانجات صنعتی و شیمیایی، محل های دفن زباله، فاضلاب شهری، دام داری، مرغ داری، دباغ خانه ها، کشتارگاه ها، کوره های آجرپزی، عمل انباشت کود و سایر مراکزی که به نحوی ممکن است ایجاد دود بو و گرد و غبار نماید؛

نیز قرار گرفتن مکان مدرسه در جوار خطوط راه آهن بزرگراه ها حریم کابل های فشار قوی برق (هوایی یا زمینی)، پست های زمینی فشار قوی، پمپ بنزین، محل عرضه و فروش کپسول های گاز و موارد مشابه؛

موارد یاد شده به شکل مستقیم یا غیر مستقیم پیامدهای منفی بر برنامه های تهذیبی

آنان دارد؛ به عنوان مثال عوامل آلودگی را با تأثیر منفی بر سلامت جسمانی طلاب و به ویژه تضعیف سیستم عصبی و روانی آنان منجر به بروز مشکلات اخلاقی و تربیتی نیز می شود. (1)

## 2-2-3-2-4 ساختار و قوانین

نبود یا کم بود قوانین و آیین نامه های تهذیبی و تربیتی مورد نیاز و یا عدم ثبات و نظم در برخی از قوانین و آیین نامه های ابلاغی حوزه از موانع جدی بر سر راه تربیت موفقیت آمیز طلاب می باشد.

همچنین تغییرات زود به زود و متعدد مقررات و آیین نامه ها موجب سردرگمی متولیان امر تربیت شده و منجر به ناکارآمدی نظام تربیتی مدرسه می شود.

عدم هماهنگی برنامه های آموزشی و تربیتی نیز از موانع جدی موجود بر سر راه تهذیب و تربیت اخلاقی طلاب است.

در اولویت اول قرار گرفتن نظام آموزشی حوزه و در حاشیه بودن برنامه های اخلاقی و تربیتی از مشکلات و موانع اساسی نظام فعلی حوزه است. مکرر این دغدغه از سوی مدیران، معاونان تهذیب و اساتید اخلاق و مشاوران مدارس علمیه مطرح شده که نظام فعلی آموزشی حوزه تمام وقت طلبه را به خود اختصاص داده و طلبه معمولاً نمی تواند با آسودگی خاطر و فرصت کافی برنامه های تهذیبی و تربیتی مدرسه را دنبال کند. متولیان تهذیب و تربیت نیز ناامیدانه مترصدند در لابلای برنامه های آموزشی و درسی طلاب بلکه فرصتی به دست آورند تا منویات تربیتی خود را به اجرا در آورند.

همچنین ملاک قرار گرفتن نمرات درسی طلاب در ارزیابی و ارتقا یا تنزل جایگاه مدارس، سهمیه پذیرش ..... موجب شده دغدغه اصلی بسیاری از مدیران و اساتید مدارس صرف رشد علمی طلاب شود و از امر مهم تربیت غافل بمانند.

ص: 335

---

1- پیش تر گفته شد که عقل سالم در بدن سالم است و جسم مرکب روح است که اگر همراه خوبی نباشد، روح توان اوج گرفتن و رشد اخلاقی و معنوی نخواهد داشت.

### نظام آموزشی

- طولانی بودن دوره تحصیل در حوزه؛
- حجم بالای دروس آموزشی (تقریباً تمام وقت طلاب صرف امور آموزشی و درسی می گردد)؛
- هم کلاس بودن طلاب با سنین مختلف؛
- جدی گرفته نشدن شاخصهای تهذیبی اساتید و کادر مدرسه هنگام گزینش ایشان و.... وجود مدارس نیمه وقت. (1)

### نظام تهذیبی

- ابهام در چشم انداز تربیتی بلندمدت حوزه در بعد تربیت و تهذیب طلاب و فقدان تصویر روشنی از طلبه اخلاقی مطلوب در شرایط امروز؛
- فقدان وحدت رویه در سیاست های تربیتی مدارس اعمال سلیقه های مختلف در مسایل تربیتی - اخلاقی؛
- شخصیت محوری در حوزه به جای نظام قانون محوری و اعمال سلیقه های شخصی در تربیت طلاب؛
- مفهوم محوری تربیت در حوزه به جای رفتار و سلوک محوری؛
- تأکید بر رفتار ظاهری بیرونی و مشهود به جای تأکید بر اصلاح درون، نگرش و شناخت؛
- کمبود شدید نیروی انسانی کارآمد آموزش دیده دلسوز و دغدغه مند در مسایل تهذیبی؛
- عدم اهتمام جدی بسیاری از متصدیان و مسؤولان حوزه نسبت به مسائل اخلاقی و تربیتی طلاب؛
- تقدم آموزش بر تهذیب در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های خرد و کلان حوزه؛
- کمبود بودجه برای اجرای طرح ها و برنامه های تهذیبی؛

ص: 336

1- به ویژه در شهرستانها مدرسی وجود دارد که طلاب بومی که - اکثریت جمعیت مدرسه را تشکیل می دهند - فقط به اندازه شرکت در کلاس ها و احیانا مباحثه در مدرسه حاضر می شوند و بلافاصله پس از اتمام درس و بحث از مدرسه خارج می شوند. گویا این مدارس با دبیرستان چندان تفاوتی ندارند! این طلاب که حضور دائمی در مدرسه ندارند، مدیر و معاون تهذیب مدرسه معمولاً فرصت پیدا نمی کنند نسبت به آن ها شناخت درستی به دست آورند و غالباً موفق نمی شوند منویات و برنامه های تربیتی خود را در موردشان اجرا کنند.

• کمبود نظارت اخلاقی بر مدارس، مدیران مسئولان، اساتید و طلبه ها؛

• فقدان دستورالعمل های هماهنگ کننده در زمینه های تربیتی؛

• فقدان پیشنهاد پژوهشی لازم در زمینه های تربیتی و تهذیبی؛

• تغییرات پی در پی ماموریت های معاونت تهذیب؛

• قرار گرفتن بار سنگین تهذیب تنها بر دوش یک معاونت؛

### نظام پذیرش

• فقدان نظام یکپارچه و کارآمد جذب گزینش و پذیرش و در نتیجه، نفوذ افراد بی کفایت یا عناصر ناهنجار به بدنه حوزه؛

• ناکافی بودن اطلاع رسانی به جوانان و مردم در رابطه با نقش جایگاه و کارکردهای حوزه، مسائل آموزشی، پرورشی و اخلاقی حوزه و...؛

• پذیرش انفعالی به جای پذیرش فعال؛

• اصرار بر آزمون کتبی بی فایده و کم ثمر؛

• عدم ترسیم ویژگی های ورودی مطلوب به حوزه؛

• فقدان تست متناسب برای گزینش طلبه مطلوب؛

• عدم هماهنگی مصاحبه گران؛

• اختلاف نظر دست اندرکاران در تقدم کمیت یا کیفیت ورودی ها؛

• اجرای ناقص طرح میثاق طلبگی در برخی استان ها؛

• پذیرش از سطح کارشناسی و بالاتر (کسانی که از دانشگاه کارشناسی یا کارشناسی ارشد می گیرند و وارد حوزه می شوند، اولاً هویت و شخصیت آن ها تقریباً شکل گرفته و تغییر و دستکاری آن امری است بسیار دشوار. ثانیاً بیش تر آن ها یا متاهل هستند یا زمان ازدواج آن ها فرارسیده و به زودی ازدواج می کنند. بعد از ازدواج هم معمولاً با مشکلات مالی درگیرند و دنبال کار و اشتغال ..... این طیف نیز مانند طلاب بومی مدارس نیمه وقت، اغلب فقط به اندازه شرکت در درس و مباحثه در مدرسه حضور دارند و معمولاً در برنامه های

تهذیبی شرکت نمی کنند و خارج از دسترس متولیان امر تربیت در مدرسه هستند و این در حالی است که به طور معمول هویت طلبگی در محیط مدرسه و در زندگی شبانه روزی در مدرسه و در یک فرایند طولانی و به تدریج شکل می گیرد. (1)

## نظام ارزیابی و نظارت حوزه

- نبود نظارت کافی و مستمر بر رشد علمی و اخلاقی طلاب در طول دوران تحصیل آن ها؛
- ناتوانی از تصفیه و پالایش حوزه از عوامل و افراد مشکل آفرین و بد سابقه به دلیل ممانعتات، پارتی بازی و... .
- ناتوانی از تصفیه و پالایش روش ها، ایده ها و اندیشه های مشکل آفرین و نامناسب.

## 4-2-3-2-4 توسعه بی رویه مدارس علمیه

در سال های اخیر توسعه و ساخت و ساز مدارس علمیه در شهرستان ها و حتی شهرهای کوچک رشد قابل توجهی داشته و این امر گاهی موجب بروز مشکلاتی برای حوزه و طلاب شده است. گویا در سال های گذشته یک فضای رقابتی ایجاد شده بود که برخی از ائمه جمعه و علمای بلاد در خود صلاحیت تربیت طلبه دیده و با فراهم نمودن برخی از امکانات اولیه، موفق به کسب مجوز راه اندازی مدرسه از شورای گسترش حوزه می شوند، بدون آنکه به زیرساخت های لازم به ویژه در زمینه تربیت و تهذیب طلاب توجه جدی شده باشد. عدم استقبال جوانان از این مدارس و تعداد کم طلاب آن ها و در نتیجه فقدان نیروی اجرایی مورد نیاز مثل معاون تهذیب (2) امر تربیت را در این مدارس بسیار دشوار می نماید.

هم چنین، تعداد بالای طلبه در یک مدرسه نیز شرایط را برای آموزش، تربیت و نظارت مستمر

ص: 338

- 1- حجت الاسلام والمسلمین آقای میرهاشم حسینی، مسئول مدرسه علمیه فیلسوف الدوله تهران در این باره می گوید: کسانی که از دانشگاه لیسانس می گیرند و می آیند، غالباً زمان تأهل آن ها است به دنبال ازدواج کردن هستند یا بعد از تأهل آن ها هست و مشکل کار دارند. لذا ما باید به آن ها بگوییم که چند سال درس خودتان را بخوانید، دندان روی جگر بگذارید، پیش نیازهای اجتهاد [ را مقداری بگذرانید] تا یک مقدار راه بیفتند، این ها ماندگار نیستند... این ها می مانند و عمامه سرخود می گذارند و یک جاهایی ضربه می زنند که قابل جبران نیست. البته این را هم بگوییم که این بحث، بحث تهدیدها و فرصت ها است و نمی شود به طور کلی گفت. بعضی از لیسانسیه های ما فوق العاده هستند؛ ولی عمومیت آن ها مشکل هستند لذا در قم هم مطرح کردیم.
- 2- طبق مصوبات شورای محترم عالی به مدارس با کمتر از شصت طلبه معاون تهذیب و برخی از نیروهای اجرایی دیگر تعلق نمی گیرد.



دشوار و نامساعد می کند .

به هر حال، براین نکته تأکید می شود که بدون برخورداری از امکانات و شرایط لازم تأسیس یک مدرسه مطلوب نیروی انسانی فضای مناسب و ... نباید به کسی اجازه تأسیس مدرسه داده شود.

## 5-2-3-2-4 حجره یا خوابگاه؟

### اشاره

گرچه ادامه وجود حجره ها در حوزه های علمیه طی قرن ها، نشان از کارکردهای تربیتی و آموزشی آن دارد که بسیار قابل اعتنا بوده و شاید جایگزینی برای آن نتوان یافت. لکن حجره نشینی نیز ممکن است مانعی بر سر راه پیشرفت اخلاقی طلاب باشد و حتی در صورت نبود تدابیر لازم، عامل سقوط و انحطاط اخلاقی گردد. برخی از آسیب های محتمل در این زمینه عبارتند از:

- ضعف اشراف مدیر بر طلاب مستقر در حجره ها؛
  - احتمال مصاحبت با افراد ناصالح، بی انگیزه یا دارای انگیزه های نادرست؛
  - آسیب های ناشی از تنها ماندن فرد در حجره؛
  - بی نظمی، پرخوابی و کسالت، افسردگی، مشکلات و وسواس های فکری، ناهنجاری های جنسی و...؛
  - آسیب های ناشی از حجره های دو نفری؛
  - آسیب های ناشی از تفاوت های فرهنگی و خرده فرهنگ ها؛
  - نداشتن برنامه منظم روزانه و عدم تقسیم کار در حجره؛
  - عدم توجه به سلايق و حساسیت های شخصی هم دیگر؛
- افرادی که در یک حجره زندگی می کنند، در بسیاری از موارد از وسایل و لوازم شخصی یک دیگر استفاده می کنند. برای مثال ظروف کتاب ها، دمپایی ها و حتی برخی اوقات لباس ها به طور اشتراکی مورد استفاده قرار می گیرند. به این موارد باید تخت خواب، کمد و پتورا نیز اضافه کرد. هم چنین، به علت شکل گیری هویت جدیدی به عنوان هم حجره ای و

به علت وجود تعارف در میان افراد بسیاری از این امور مورد پذیرش اجباری قرار می گیرد؛ پوشش نامناسب افراد در حجره و مشکلات تربیتی و اخلاقی ناشی از آن؛

در چند سال اخیر، برخی از مدیران مدارس برای پیشگیری از بروز برخی از این آسیب ها، ترجیح می دهند به جای حجره طلاب را در خوابگاه های گروهی اسکان دهند. این مدارس اغلب فاقد حجره بوده و یک یا چند سالن بزرگ دارند که طلاب در این سالن ها جای داده شده اند. این روش با وجود اینکه موجب اجتماعی شدن سریع تر افراد می شود و مزایای دیگری که دارد خالی از ایراد نیست و مشکلات خاص خود را دارد.

### **آسیب ها و چالش های زندگی خوابگاهی**

طلبه در خوابگاه از فضای اختصاصی و حریم خصوصی برخوردار نیست. اگر کسی حوصله نداشته و بخواهد تنها باشد، این امکان وجود ندارد. اگر نیاز داشت وسط روز استراحتی کند یا چیزی بخورد، به راحتی نمیتواند این کار را انجام دهد.

• تفاوت های فردی و اختلاف فرهنگ ها و سلیقه ها (در کمیت و کیفیت خواب، تغذیه، استراحت و...) در این روش نادیده گرفته می شود؛

• زندگی گروهی مهارت هایی را می طلبد که فقدان آن به ویژه در میان طلاب پایه اول و دوم بیشتر احساس می شود. دانش آموز دیروز به یک باره وارد محیطی شده است که هیچ تجربه ی پیشین از آن ندارد و اغلب از چگونگی تعامل با دیگران ناآگاه است. حال این سؤال پیش می آید که چگونه می تواند بدون دانش و مهارت لازم، با انواع فرهنگ ها و برخوردها در خوابگاه کنار بیاید؛ در حالی که هیچ آموزشی در این زمینه ندیده است. با توجه به اینکه آماده کردن آن ها برای زندگی گروهی و آموزش مهارت های مورد نیاز، باید به تدریج و در گذر زمان اتفاق بیفتد، به نظر می رسد در حجره، با نفرت کمتر و زیر نظر مسئول حجره، این یادگیری به مراتب آسان تر سریع تر و بهتر از خوابگاه محقق می شود؛

• بیشتر افراد ساکن در خوابگاه، تحت تاثیر اقتضاهای اجبارهای محیطی حاکم بر آن ها، از فردیت خود به نفع گروه چشم پوشی می کنند یا کمبودها را به عنوان اقتضای زندگی

خوابگاهی می پذیرند؛

• گاهی درس خواندن و تمرکز برای مطالعه به ویژه در ایام امتحانات در این محیط سخت تر می شود؛

• زندگی با گروه و با جمعیت گسترده تر برای افراد خجالتی و کم رو و با روحیه ی درونگرا مشکل تر است؛

• برای ورود میهمان به خوابگاه هم مشکلات خاصی وجود دارد و امکان حضور و سکونت در شب برای وی بیشتر اوقات وجود ندارد علاوه بر این که گاهی حضور و بیتوته یک یا چند روزه میهمان و مشاهده برخی از رفتارها و شوخی های طلاب، ممکن است موجب بروز شبهه، سؤال و حتی نگرانی شود.

### راهکارهای پیشنهادی

• از جمله راهکارها، تدبیری است که در بعضی از مدارس اندیشیده اند. در این مدارس، طلاب روزها را در حجره های خود مشغول درس و بحث هستند؛ ولی جهت استراحت شبانهگاهی به خوابگاه مدرسه منتقل می شوند و گویا بدین ترتیب، بین مزایای حجره و خوابگاه جمع کرده اند؛ (1)

• اسکان طلاب در خوابگاه های جداگانه و به تفکیک پایه ها و نیز با فرهنگ های نزدیک به هم (از لحاظ زبان، محیط جغرافیایی، طبقه ی اجتماعی و...)

• استفاده از خوابگاه های کوچک تر یا به عبارت دیگر، حجره های بزرگ تر هشت تا ده نفری؛

• آموزش مهارت های زندگی جمعی و برگزاری کارگاه های آموزشی مورد نیاز با بهره گیری از مشاوران باتجربه در آغاز سال تحصیلی برای طلاب جدید ورود؛

• برای سهولت نظارت و رسیدگی به مشکلات روزمره ی طلاب در خوابگاه، مسؤول حجره از طلاب متخلق، مهذب، درس خوان، مسؤولیت پذیر و برخوردار از روابط میان فردی مؤثر از پایه های بالاتر انتخاب شود؛

• حضور متناوب و کوتاه مدت مدیر و اساتید مهذب مدرسه در اوقات استراحت (به ویژه

ص: 341

---

1- از جمله مدرسه علمیه امیرالمؤمنین علیه السلام شهرستان فامنین.

اوایل شب) در خوابگاه در پیش گیری از بسیاری از آسیب ها مؤثر خواهد بود؛

• وجود میهمان سرا در مدرسه یا در نظر گرفتن اتاق های ویژه میهمان و اجازه دادن به طلبه برای حضور در کنار میهمان خود برای ساعاتی از شبانه روز؛

• فضاسازی معنوی محیط خوابگاه نصب تابلوهای زیبا از طبیعت، قرار دادن گلدان های طبیعی و مصنوعی و.....

## 6-2-3-2-4 موانع اقتصادی

### اشاره

ناگفته پیداست که مشکلات معیشتی و اقتصادی چه قدر می تواند در رشد علمی و معنوی طلاب مؤثر واقع شود. (1) در مصاحبه هایی که با تعدادی از مدیران و معاونین تهذیب مدارس علمیه سراسر به عمل آمد، یکی از مهم ترین و اصلی ترین دغدغه آن ها مشکلات مالی مدرسه

ص: 342

1- آیت الله بنایی در پاسخ به این پرسش که کمبودهای معیشتی طلاب چه مشکلاتی را می تواند برای آنان و خانواده هایشان به دنبال داشته باشد؟ می فرماید: مشکلاتی که به نظر می رسد به قرار زیر است: اختلاف خانوادگی: همسر طلبه ای که در فشار مادی و محرومیت به سر می برد با نگاه کردن به دوستان و آشنایان خود می بیند که زندگی اش يك دوم زندگی آن ها نیست؛ قهراً این مقایسه موجب اختلافات خواهد بود؛ عدم تمایل فرزندان روحانی به طلبه شدن: وقتی نوجوانی که پدرش روحانی است و تنگ دستی و بی پولی پدر را مشاهده کرده است به خودش اجازه نمی دهد که فلان رشته دانشگاه را ول کند و به حوزه بیاید. اگرچه حوزه ادامه راه انبیاست ولی دلش بدان راضی نمی شود؛ ایجاد بدبینی در خود طلبه: با هجوم آوردن مشکلات به طرف طلبه، اگر خودش را آماده نکرده باشد. این طلبه به زمین و زمان بدبین خواهد شد... به علمایی که وضع مادی شان خوب است یا نعوذ بالله حتی به مراجع بدبین می شود و می گوید چرا فلان آقا شهریه اش را دیر می دهد یا نمی دهد؛ انجام دادن کارهای ذلیلانه: با افتادن به مشکلات گاهی دیده می شود طلبه در اثر کمبود معرفت و توکل عزت نفس خود را از دست می دهد. آن نفس گران بها را که امام علیه السلام فرمود: (لَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا) [نهج البلاغه، ح 456]، خیلی ارزان می فروشد. کنار گذاشتن عمامه: من بالعیان کسانی را دیده ام که به خاطر مشکلات مادی برای همیشه از این لباس مقدس خداحافظی کردند، اگر چه خود را طلبه می داند و شهریه هم می گیرد اما دیگر لباس را زمین گذاشته .... خداحافظی از طلبگی: افرادی را می شناختم که خیلی پرکار بودند، هنگام بین الطلوعین و حتی قبل از سحر قرار مباحثه داشتند، به قدری جدی بودند که با دیدن بحث شان لذت می بردم؛ اما وقتی به مشکلات مادی افتادند، نه اینکه فقط عمامه را کنار گذاشتند، بلکه به کلی از طلبگی خداحافظی کردند، حالا هم به مسائل تجارت و اقتصاد روی آورده اند.... عدم تمایل برخی روحانیان به طلبه شدن فرزندان: گاهی فرزند روحانی راضی است و تمایل دارد که طلبه شود اما خود روحانی از آنجا که مشکلات و محرومیت های این راه را دیده چندان رضایت و تمایل نشان نمی دهد و به پسرش می گوید برو در دانشگاه در فلان رشته تحصیل کن که آینده اش خوب است. تو هر چقدر درس بخوانی، بزرگتر از من که نخواهی شد. از حال من درس عبرت بگیر. بین این قدر به مردم کردم، عاقبت امرم چه شد؟! ... این یکی از عواملی است که مشاهده می کنیم که نوعاً هیچ یک از آقازاده های اقران و همکاران ما طلبه نیستند، این امر

واقعاً جای تأسف دارد. البته گاهی عوامل دیگری هم وجود دارد که فرزند روحانی دیگر طلبه نمی شود اما یکی از عواملش همین است که گفتم... (با اندکی ویرایش به نقل از وبگاه مدرسه علمیه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شهرستان بناب <http://hawzahbonab.com>).

و تأثیر منفی آن بر اهداف و برنامه های تہذیبی مدرسه بود.

## شہریہ طلاب

با این کہ بسیاری از بزرگان حوزہ شہریہ را کمک ہزینہ تحصیلی می دانند، ولی وضعیت فعلی پرداخت شہریہ گویای این واقعیت است کہ شہریہ برای اغلب طلاب و روحانیون مستمری مادام العمر بہ شمار می آید و ہمین مسألہ زمینہ ساز بسیاری از آسیب های تربیتی و تحصیلی در حوزہ های علمیه گشتہ است بہ گونه ای کہ خیلی از طلاب و روحانیون بہ این آب باریکہ نقد و بی در دسر قانع شدہ، حاضر بہ مهاجرت بہ شہرہای خود نمی شوند و بسیاری از مناطق کشور از حضور و وجود مبلغان کارآمد و مدارس شہرستان ها از وجود اساتید فاضل و متقی خالی مانده است. از سوی دیگر، این سرمایہ مالی کلان حوزہ کہ باید صرف رشد و بالندگی طلاب جوان در حال تحصیل بشود، خرج این طیف گسترده رفاه طلب و مسؤولیت گریز می گردد؟!!

برخی از ایرادہای نظام فعلی عبارت است از:

- فشار مالی بہ طلاب نوحاستہ؛
- اشتغال بہ کار طلاب برای تامین ہزینہ های زندگی و در نتیجہ فاصلہ گرفتن تدریجی از تحصیل؛
- پرداخت شہریہ بہ افرادی کہ هیچگونہ بازدهی برای خود و جامعہ ندارند؛
- تمرکز دانش آموختگان حوزہ در قم و استتکاف ایشان از پذیرش مسؤولیت های تبلیغی؛
- بہ ہدر رفتن بودجہ های کلان بابت پرداخت نابسامان شہریہ.

## 7-2-3-2-4 موانع اجتماعی - فرهنگی

### فن آوری های نوین (رایانہ، گوشی ہمراہ، اینترنت و شبکہ های مجازی)

امروزہ رقیبی بہ نام تربیت رسانہ ای (تلویزیون، مہوارہ، رایانہ، اینترنت و فضای مجازی) بہ طور جدی فضاہای تربیتی خانوادہ ها و مدارس را بہ چالش کشانده است. این امر باعث تہدید نهاد خانوادہ، ارزش های اخلاقی حاکم بر جامعہ و موجب نگرانی شدید والدین و متولیان امر اخلاق و تربیت در جامعہ شدہ است. وسایل ارتباط جمعی با سرعتی وصف ناپذیر توسعہ یافته و زمان و مکان را در نوردیدہ است و هیچ مانعی را بر سر راه خود بر نمی تابد.

آسیب های ناشی از استفاده نادرست از این ابزارها در جای خود و به تفصیل از سوی کارشناسان تربیتی و رسانه مورد بحث و بررسی قرار گرفته و دامنه بسیار گسترده مسائل و مشکلات به وجود آمده حاکی از بحران شدیدی است که باید هر چه سریعتر از سوی مسئولان امر تدبیر جدی اندیشیده شود.

حوزه های علمیه نیز از این آسیب ها در امان نبوده و امروزه یکی از دغدغه های اصلی مدیران و اساتید مدارس علمیه مسأله استفاده از رایانه و گوشی همراه و اینترنت توسط طلاب است و این ابزارها را به درستی مانعی جدی بر سر راه رشد علمی و معنوی طلاب می دانند.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت آنچه باعث می شود بسیاری از طلاب به استفاده از ابزارهای نوین روی آورند، ضرورت ها و نیازهای واقعی یا کاذبی است زندگی مدرن امروزی بر آن ها تحمیل کرده است؛ بخش عمده این نیازها را چنین می توان برشمرد:

• مراجعه به سایت های مرکز مدیریت حوزه های علمیه (ثبت نام های درسی، امتحانات، مسابقات و دوره های مختلف تهذیبی کارهای مربوط به مرکز خدمات حوزه و...)

• مطالعه و پژوهش؛

• استفاده از کتابخانه های دیجیتال و مجازی؛

• استفاده از نرم افزارهای مذهبی، علمی و کاربردی؛

• ارتباط با خانواده، آشنایان و دوستان؛

• مطالعه اخبار و ارسال و دریافت سریع اطلاعات؛

• تبلیغ در فضای مجازی؛

• استفاده از آموزش های غیر حضوری و مجازی؛

• ارسال و دریافت ایمیل؛

• انجام امور بانکی و اداری؛

• پر کردن اوقات فراغت .....

برای رفع این نیازها و پیش‌گیری از آسیب‌های رایج در این زمینه، لازم است اقدامات زیر با جدیت و در اسرع وقت پیگیری شود:

فرهنگ سازی برای استفاده درست و مناسب از موبایل، رایانه و اینترنت در مدرسه؛

- هماهنگی تمام ارکان مدرسه در این فرهنگ سازی (یک دلی و یک صدایی)؛
- توجه به اصل تدریجی این فرهنگ سازی؛
- آگاهی بخشی نسبت به خطرهای آسیب‌های آن‌ها؛
- شناسایی افرادی که استفاده از گوشی هوشمند تبلت و فضای مجازی را تبلیغ می‌کنند و شروع کردن فرهنگ سازی از آن‌ها؛
- ارائه بازخوردهای حاصل از تغییر رفتار طلابی که آموزش‌ها و فرهنگ سازی در آن‌ها مؤثر بوده است؛
- اجرای «سیاست‌های کلی استفاده از گوشی همراه و فضای مجازی در مدرسه» (1) در مدرسه؛
- تهیه رایانه کافی در اتاق رایانه به تعداد نیاز هر مدرسه؛
- در نظر گرفتن زمان کافی برای بهره‌گیری از رایانه؛
- نصب و راه‌اندازی کتابخانه‌های الکترونیکی در رایانه‌های مدرسه؛
- نصب نرم‌افزارهای کاربردی مورد نیاز طلاب در رایانه‌های مدرسه؛
- اتصال به اینترنت پرسرعت همراه با اعمال محدودیت‌ها و نظارت‌های لازم در رایانه‌های مدرسه؛
- حضور مشاور آگاه نسبت به رایانه در اتاق رایانه برای نظارت و پاسخگویی به طلاب؛
- نصب آیین‌نامه اجرایی استفاده از رایانه در اتاق رایانه؛
- معرفی سایت‌های مفید به طلاب جهت بهره‌مندی از مطالب و محصولات موجود؛
- دعوت از کارشناسان رسانه و فضای مجازی و برگزاری کارگاه‌های آموزشی توجیهی برای طلاب مدرسه؛
- معرفی مفاهیم سواد رسانه‌ای، فضای مجازی و....
- بیان آسیب‌های موجود موبایل و فضای مجازی (فنی و امنیتی، اعتقادی، شناختی، روان‌شناختی و ...)





- معرفی نرم افزارهای آسیب را همراه با تحلیل محتوای آن ها؛ ● شناسایی و معرفی نرم افزارهای مناسب برای سطوح مختلف طلاب؛
- تدوین و تدریس کتاب درسی سواد رسانه ای در سطح یک؛
- برگزاری دوره های کوتاه مدت تربیت کارشناس رسانه در استان و مدرسه؛
- تأسیس رشته تخصصی رسانه های نوین در معاونت تبلیغ؛
- برگزاری دوره پودمانی تبلیغ در فضای مجازی از سوی معاونت تبلیغ؛
- دانش افزایی مدیران معاونان و اساتید در خصوص اینترنت و فضای مجازی؛
- تبیین دیدگاه های مقام معظم رهبری دام ظلّه در رابطه با فضای مجازی؛
- تبیین مفهوم حیا و عفت در فضای مجازی و راهکارهای ایجاد و تقویت ملکه حیا و عفت؛
- بیان احکام فقهی و حقوقی و آداب اخلاقی فضای مجازی؛
- توجه به ریشه ها و عوامل بروز این مشکل و تلاش برای رفع آن ها؛
- تسهیل فضای امر به معروف و نهی از منکر در مدرسه؛
- تقویت مهارت های ارتباطی طلاب؛
- ایجاد فضای مناسب و سالم ورزشی و تفریحی برای طلاب در محیط مدرسه؛
- تقویت و تحکیم روابط خانوادگی طلاب به خصوص متأهلین؛
- درگیر کردن طلاب در فعالیتهای و برنامه های مثبت در مدرسه؛ ● برگزاری مسابقات پژوهشی فرهنگی در رابطه موبایل و فضای مجازی؛
- برگزاری کارگاه برنامه ریزی و مدیریت زمان؛
- تهیه و عرضه نرم افزارهای مناسب برای طلاب مدارس علمیه؛
- تهیه و نشر کتاب، جزوه، بروشور، فلش کارت، نشریه دیواری، بنر، پوستر، تابلوهای نمایشگاهی، نرم افزار کلیپ های صوتی و تصویری و مستندهای مرتبط با موضوع؛
- تهیه و عرضه پیوست فرهنگی از سوی مرکز خدمات در کنار فروش محصولات رایانه ای به طلاب؛
- ارسال پیامک های تهنیتی مرتبط با موضوع به گوشی های طلاب؛

● قرار دادن تلویزیون برای پخش اخبار و استفاده از برنامه های مفید دیگر آن در سالن

ص: 346

عمومی مدرسه، البته با اعمال محدودیت‌ها و نظارت‌های لازم؛

- استفاده از مانیتور بزرگ جهت به نمایش درآوردن صفحه نخست سایت‌های خبری و تحلیلی، اخبار روز و اطلاع‌رسانی در مسیر تردد طلاب به کلاس‌ها در مدرسه؛
- نصب تلفن عمومی به تعداد مورد نیاز در مدرسه و ...

### اشتغالات غیر درسی و غیر طلبگی

برخی از طلاب ضمن تحصیل و به دلیل نیاز مالی و تأمین معاش در پی فعالیت‌هایی می‌روند که هم خوانی و هم خوانی و هم سویی چندانی با اهداف و رسالت‌های واقعی طلبگی ندارد؛ مثل انجام امور رایانه‌ای، تدریس شیمی و ریاضی در مراکز آموزشی و امثال آن و البته متأسفانه مشاهده می‌شود که گاهی تن به کارهایی می‌دهند که دون شأن طلبگی است مثل ساخت و ساز منزل، خرید و فروش ماشین، مسافركشی، مکانیکی، بنایی و کارگری جوشکاری، کابینت‌سازی، نگهبانی در مجتمع‌ها ..... انجام اینگونه مشاغل و فعالیت‌ها گرچه از روی ناچارى باشد، اغلب مانعی جدی در ادامه تحصیل و رشد و بالندگی اخلاقی و تربیتی فرد است. مگر اینکه فرد تنها به صورت پاره وقت و آن هم به اقتضای ضرورت‌هایی که گفته شد به این امور بپردازد و با از بین رفتن اضطرار دل به درس بدهد و سعی نماید ضعف‌های درسی خود را هرچه سریع‌تر جبران کند.

اما اگر این فعالیت‌ها، تمامی وقت فرد را گرفت به گونه‌ای که دیگر از درس و بحث و تبلیغ فاصله گرفت و فرصتی برای پرداختن به شؤون طلبگی نیافت چنین فردی عملاً از جرگه طلبگی و روحانیت خارج شده است و تنها اسم طلبه را یدک می‌کشد.

در حالی که سیره عملی بسیاری از بزرگان حوزه در امور معیشتی نشان می‌دهد که ایشان با صبر، قناعت و توکل بر خداوند متعال در همه شؤون زندگی، توانستند در مسیر طلبگی و سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ثابت قدم بمانند و مدارج بالای علمی و معنوی را یکی پس از دیگری بیمایند.

### کثرت تعطیلات حوزه و اوقات فراغت طلاب

چنان که در مبحث عوامل تربیتی اشاره شد، عدم استفاده درست و بهینه از فرصت تعطیلات

در حوزه و نداشتن برنامه منسجم از سوی مسئولان ستادی و مدیران مدارس، آسیب های مختلفی را می تواند متوجه روند رشد علمی و تربیتی طلاب بگذارد.

از سوی دیگر زیاد بودن تعطیلات حوزه نسبت به سایر نهادهای آموزشی (فصل تابستان، دهه اول ماه محرم، دهه آخر ماه صفر، ماه مبارک رمضان، ایام فاطمیه، ایام شهادت اهل بیت علیهم السلام، تعطیلات رسمی و مناسبت های متفرقه دیگر) (1) موجب طولانی شدن دوره های آموزشی سطوح مختلف حوزه، ناتمام ماندن بسیاری از دروس و مانعی جدی در روند آموزشی و تهذیبی مدارس علمیه می شود. (2)

مقام معظم رهبری دام ظلّه در این باره می فرماید:

امروز روز شروع درس است و البته دیر هنگام، متأسفانه تعطیلی درس ها در حوزه های علمیه بیش از اندازه ای است که به آن احتیاج هست، ای کاش مسئولان حوزه های علمیه و مدرسان درس های بزرگ و عمده، متفقاً و مشترکاً، فکری برای کم کردن تعطیلات بکنند تا در سال تحصیلی، طلاب و علاقه مندان به تحصیل، این فرصت را پیدا کنند که از وقت خودشان حداکثر استفاده را بنمایند. (3)

ایشان در رابطه با روش مدیریتی آیت الله شهید قدوسی علیه السلام در مدرسه چنین می فرماید:

از خصوصیات دیگر برنامه ریزی شهید قدوسی این بود که اوقات تعطیلات را در مدرسه حقانی کم می کردند. حوزه های علمیه متأسفانه تعطیلات زیاد دارند و همه اعیاد و وفیات ائمه را تعطیل می کنند. ایشان فقط سه چهار مورد تعطیل می کرد. حتی گاهی با دوستان خدمتشان می رفتیم و می گفتیم: آقا فردا شهادت فلان امام است. آخرش می گفتند: من هشت امامی هستم. اگر خود امام بودند، امروز درس می دادند. شما چرا روز تولد امام هادی یا روز شهادت امام جواد را تعطیل می کنید؟ این تعطیلی چه معنایی دارد؟ شما اگر شب روضه ای دارید، برگزار کنید و در روز اگر برنامه ای دارید، اجرا کنید؛ اما چرا درستان را به خاطر شهادت این امام معصوم تعطیل می کنید.

ص: 348

1- بسیار اتفاق می افتد که به خاطر حوادث و جریان های اجتماعی، فرهنگی یا سیاسی در کشور یا جهان اسلام و جهت اعتراض به مسأله خاصی، سریع دروس را تعطیل می کنند! در حالی که هیچ ضرورتی برای تعطیلی دروس در تمام روز نیست و صرفاً می توان به تعطیلی آن یکی دو ساعت زمان تجمع یا راهپیمایی و ... بسنده کرد و در بقیه ساعات طلاب سر درس حاضر باشند.

2- برخی از مدارس با درک آسیب زا بودن کثرت تعطیلات و غیر ضروری بودن بسیاری از آن ها، سعی در کاهش تعطیلی دروس کرده اند؛ مثلاً در روزهای شهادت اهل بیت علیهم السلام فقط یک ساعت به ظهر مانده درسها را تعطیل می کنند و طلاب در مراسم عزاداری شرکت کنند و در بقیه روز دروس دایر می باشد. برخی دیگر شروع سال تحصیلی را از اول مهر به اوایل شهریور جابجا کرده اند. مدرسی هم هستند که روزهای پنج شنبه را تعطیل نمی کنند.

3- بیانات در آغاز درس خارج فقه، 1380/6/19. (حوزه و روحانیت، ص 258)

بنابراین یکی از دقت‌هایی که ایشان داشت، این بود که حداکثر استفاده را از وقت می‌کرد؛ برای این که بتوانند از زمان استفاده بهینه بکنند.

(1)

### پوشش و وضعیت ظاهری طلاب

متأسفانه در سال‌های اخیر، وضعیت ظاهری نوع اصلاح سروسبورت و پوشش طلاب به شدت از فضای جامعه اثر پذیرفته است! به گونه‌ای که گاهی وقتی انسان وارد برخی از مدارس می‌شود احساس می‌کند وارد دبیرستان شده است. پر واضح است که عدم رعایت وضعیت ظاهری و شؤون طلبگی در این زمینه، در محیطی که همه نوجوان و جوان هستند چه قدر می‌تواند پیامدهای منفی اخلاقی و تربیتی بر جای بگذارد.

ص: 349

---

1- «مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین علی سعیدی شاهرودی»؛ شاهد یاران، شماره 38، ص 33.



فصل پنجم : برنامه جامع تربیتی سطح یک حوزه های علمیه

اشاره

ص: 351





فصل حاضر به سطح بندی اهداف اخلاقی و تربیتی اختصاص یافته است. در واقع آن چه در فصل های پیشین گذشت، پیش نیازهای لازم برای تدوین این فصل بوده است.

پس از انجام مطالعات و بررسی های کتابخانه ای و میدانی لازم و برگزاری جلسات کارشناسی متعدد و انجام مصاحبه با مدیران، معاونان تہذیب و اساتید مدارس علمیه کشور و بزرگان حوزه، کارشناسان تربیتی و صاحبان تجربه عملی در عرصه اخلاق و تربیت و نیز مصاحبه با تعدادی از طلاب مدارس، اطلاعات و داده های به دست آمده از لحاظ محتوایی تحلیل و نتایج در قالب فرم ها و جدول هایی خلاصه گردید. سپس فرم های یاد شده به عنوان طرح پیشنهادی در اختیار تعدادی از کارشناسان قرار گرفت و از ایشان خواسته شد نظرات اصلاحی یا پیشنهادی خود را در ارتباط با اهداف کلان اهداف جزئی و راهکارها و برنامه ها بنویسند. پس از جمع آوری فرم ها، نکات اصلاحی و پیشنهادی جمع بندی و برای چندمین بار در جلسات متعدد کارشناسی، مورد نقد و بررسی قرار گرفتند حاصل و نتیجه کار در صفحات بعدی گزارش خواهد شد.

با توجه به اینکه بیش تر طلبه ها به ویژه در مدارس علمیه شهرستان ها، عموماً تا پایه شش مشغول به تحصیل هستند، بر این اساس و در این نوشتار، سطح بندی و بخش عملیاتی (برنامه تہذیبی و تربیتی) حوزه برای پایه های شش گانه برنامه ریزی شد. در واقع، در این جا مشخص شده که طلبه از اولین روزی که وارد مدرسه علمیه می شود تا پایه ششم، دقیقاً در هر پایه چه شناخت ها، آموزش ها و مهارت های تہذیبی و تربیتی را باید دریافت کند و چه فرایندی را در مسیر خودسازی و رشد و تعالی اخلاقی و معنوی پشت سر بگذارد.

اگر سؤال شود که آیا طلاب بعد از پایه شش نیازی به تربیت و تہذیب ندارند که نظام نامه

حاضر برنامه خاصی برای آن‌ها در نظر نگرفته است؟

در پاسخ باید گفت: اولاً اگر طلاب از بدو ورود تا پایه شش بر اساس برنامه‌ها و تدابیر اندیشیده شده در نظام نامه تربیت شوند، در این صورت از لحاظ تهذیبی و تربیتی به اندازه لازم و کافی رشد میکنند که بتوانند بقیه راه را به تنهایی ادامه دهند و روی پای خود بایستند. ثانیاً ان شاء الله به زودی و در ادامه همین پژوهش، سطح بندی و عملیاتی سازی نظام نامه برای سطوح بالاتر و نیز مراکز تخصصی حوزه انجام خواهد شد.

### کلیات برنامه جامع تهذیبی و تربیتی

این برنامه در دو بخش تنظیم شده است: 1. برنامه‌های عمومی 2. برنامه‌های اختصاصی.

ویژگی اصلی برنامه‌های عمومی مستمر بودن آن‌ها در طول سال و فراگیر بودنشان برای تمامی پایه‌های تحصیلی است. هدف از گنجاندن این بخش در برنامه جامع تربیتی (که تا به حال نیز با فراز و فرودهایی در بسیاری از مدارس علمیه اجرا می‌شده، مثل: برپایی نمازهای جماعت، درس اخلاق عمومی، تلاوت نور، مراسم دعا و نیایش و...) تأکید بیشتر بر اهمیت تربیتی آن‌ها و اهتمام بر استمرار و حسن اجرای این برنامه‌ها در همه مدارس است.

برنامه‌های اختصاصی با هدف تمرکز بر اصلی‌ترین اهداف اخلاقی و تربیتی، سعی دارد در سه محور «تعمیق باورها»، «آراستگی به فضائل اخلاقی و انجام واجبات» و «پیراستگی از رذائل اخلاقی و گناهان»، زمینه رشد و تعالی اخلاقی و معنوی طلاب، حوزویان و خانواده‌های آنان (همسران و فرزندان) را فراهم آورد.

در این سه محور، سعی شده اهداف تربیتی یکباره مطرح نشود که از تأثیر آن بکاهد (چه بسا امکان وقوعی هم نداشته باشد) و در طول دوره آموزش و تحصیل نیز مورد غفلت قرار نگیرد، بلکه با توزیع محورها و موضوعات در طول نیمسال‌های تحصیلی، بر این نکته تأکید دارد که تربیت امری تدریجی است و جهت تحقق اهداف تربیتی باید برنامه‌ای جامع و سطح بندی شده (ناظر به نیاز مخاطبان) طراحی شود تا هر یک از پایه‌های تحصیلی، اهدافی دست‌یافتنی به دور از نگاه‌های آرمانی داشته باشند و به

تدریج در طول یک دوره شش ساله، نتایج مطلوب و از پیش تعیین شده حاصل گردد. نوشته حاضر، تبیین برنامه جامع و فرایند اجرای آن، برای استفاده مدیران، معاونان تہذیب و تربیت، شورای تہذیب مدارس علمیه و سایر علاقه مندان امر تہذیب و تربیت می باشد.

## منطق انتخاب و جانمایی موضوعات

همچنان کہ بیان شد، با توجہ بہ تدریجی بودن امر تربیت و نیز اهمیت توجہ بہ اولویت ہا، در برنامه جامع تربیتی محورہا و موضوعات اخلاقی و تربیتی مورد نظر در طول شش سال تحصیلی (سطح یک) توزیع شدہ است. برای رسیدن بہ این شکل از جانمایی موضوعات و عناوین در نیمسال ہا، ابتدا با توجہ بہ یافتہ ہا و دادہ ہای نظام جامع تہذیب و تربیت، نیاز سنجی ہا و آسیب شناسی ہای انجام شدہ در مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تہذیبی معاونت، تمامی موضوعات مورد نیاز در سہ محور یاد شدہ، شناسایی شد. سپس از بین این موضوعات، مواردی کہ از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار بود تعدادی عنوان انتخاب شد. در گام بعدی با تشکیل جلسات شورای کارشناسی برنامه جامع تربیتی و مشورت با اساتید، این عناوین با یک نظم منطقی و حساب شدہ در شش سال توزیع شد.

در ترتیب و چینش این عناوین و موضوعات بہ چند نکتہ توجہ شدہ است :

- در بخش عبادات و فضایل اخلاقی سہ نکتہ در نظر گرفتہ شدہ: یکی شروع از اعمال عبادی آسان بہ دشوار، دوم میزان اهمیت موضوع و تأکیدی کہ در شرع مقدس اسلام بہ آن شدہ و سوم ترتب منطقی موضوعات نسبت بہ یکدیگر .
- در بخش رذایل اخلاقی و گناہان نیز دو نکتہ در نظر گرفتہ شدہ: یکی میزان شیوع و گستردگی آسیب در جامعہ و بہ تبع آن در بین طلاب و دیگر پیامدہای ناگوار آن آسیب بر زندگی معنوی و تحصیلی طلبہ .

## ویژگی های برنامه

محوریت مدیر مدرسہ در اجرای برنامه (بہ عنوان مسؤل تربیتی مدرسہ و یکی از مہم ترین عوامل تأثیرگذار در بین طلاب)؛

- فعال سازی ہمہ ظرفیت های تربیتی (انسانی و محیطی) مدرسہ؛

● تأکید بر گفتمان سازی و فرهنگ سازی موضوعات اخلاقی و تربیتی در مدرسه و استفاده بیشتر از روش های تربیتی غیر مستقیم، مثل روش تربیت الگویی؛

● استناد بسیاری از راهکارها ابزارها و قالبهای پیشنهادی در برنامه به آیات و روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام و سلف صالح؛

● قابلیت نظارت و ارزیابی یکسان بر برنامه های تهذیبی و تربیتی مدرسه از سوی مدیر مدرسه، استان و ستاد مرکزی .

## محورهای سه گانه

### اشاره

در یک تقسیم بندی پذیرفته شده، معارف دینی به سه بخش «اعتقادات، اخلاقیات و احکام» تقسیم شده است. امام کاظم علیه السلام از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وسلم نقل می فرماید:

إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ، وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ؛

که گفته شده منظور از آیه محکمه اعتقادات، فریضه عادلّه یعنی احکام (مطلق واجبات) و سنت قائمه یعنی مستحبات و اخلاقیات.

## محور نخست تعمیق باورها

اعتقادات به منزله پایه های فکری می باشد و نتیجه شکل گیری صحیح آن ها، تخلق به اخلاق حسنه و عمل به احکام شرعی است. به عبارت دیگر نمی توان فرض کرد در اعتقادات (توحید و فروع آن مانند عدل الهی، اسماء و صفات او، نبوت، امامت و معاد) خللی به وجود آید و در عین حال در مرحله اخلاقیات و عمل به احکام، هیچ تأثیری نگذارد. در واقع، بسیاری از مشکلات اخلاقی انسان ریشه در ضعف اعتقادات وی دارد. لذا «تقویت و تعمیق باورها»، نخستین محور از محورهای سه گانه برنامه جامع محسوب می شود. در قرآن کریم نیز اعتقادات بر اخلاق و عبادات و تبعیت از دستورات الهی مقدم شده است؛ آنجا که فرموده: (خالق کل شیء فاعبدوه) (انعام، آیه 102)، (ان الله ربي وربكم فاعبدوه) (آل عمران، آیه 51)، (يابني لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم) (لقمان، آیه 13)، (الا تشركوا به شيئا وبالوالدين احسانا ولا تقتلوا اولادكم من اطلاق...) (انعام، آیه 151).

ص: 356

اهتمام به واجبات و آراستگی به فضایل اخلاقی و پرهیز از گناهان و رذائل اخلاقی دومین محور را شامل می‌شود. قرآن کریم نیز فرموده: (یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وقولوا قولا سديدا) و تقوا نیز چیزی جز انجام واجبات و اتصاف به فضایل و ملکات اخلاقی و اجتناب از

گناهان و رذائل اخلاقی نیست. همچنین، طلبه عهده دار امر تعلیم و تربیت مردم است و ارتباطش با جامعه بسیار عمیق تر از ارتباط اصناف دیگر می‌باشد. به همین جهت و با ملاحظه اقتضانات صنف روحانیت، آشنایی با زی طلبگی و شؤون روحانیت و رعایت آن بسیار ضروری است. خداوند متعال در توصیف پیامبر اعظم صلی الله علیه وسلم فرموده: (فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (آل عمران، آیه 152)؛ و در جای دیگر از زبان حضرت موسی علیه السلام چنین خواسته ای را بیان می‌فرماید: (قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي) (طه، آیات 25-28)، که گویای این واقعیت است که رهبران معنوی جامعه بیش از دیگران نیازمند صفاتی از قبیل دلسوزی، مشورت، حلم، شرح صدر و مانند آن می‌باشند. امام علی علیه السلام در این باره فرمودند: (مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيْرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ).

### گام های اجرایی برنامه

#### گام اول تبیین و توجیه برنامه

##### 1. مطالعه دقیق و آشنایی با برنامه

انتظار می‌رود مدیران و مجریان برنامه پیش از اجرا، آن را به صورت دقیق و کامل مطالعه نموده، در شورای تہذیب مباحثه کنند تا به فهم مشترک و یکسانی از این برنامه برسند. سپس تمامی عوامل اجرایی برنامه را نسبت به آن توجیه نمایند.

## 2. توجهیه برنامه در سطح اساتید و کادر مدرسه

با توجه به اینکه اجرای موفقیت آمیز برنامه منوط به همکاری و همدلی کادر و اساتید مدرسه است، شایسته است این بزرگواران نیز نسبت به برنامه توجهیه شوند تا در مقام اجرا هیچ گونه ابهام و دوگانگی در مدرسه پیش نیافتد.

## 3. توجهیه برنامه در سطح طلاب مدرسه

نظر به اینکه مخاطب اصلی این برنامه طلاب مدارس علمیه می باشند؛ نیاز هست آن ها نیز تا حدودی نسبت به برنامه جامع تربیتی توجهیه شوند.

### گام دوم : اجرای برنامه

اولین گام در اجرای برنامه تشکیل شورای تهذیب و تربیت مدرسه است. پس از آن، برنامه طبق موضوعات و عناوین مشخص شده، با رویکرد گفتمان سازی و بهره گیری از ظرفیت های تربیتی موجود در مدرسه آغاز می شود. با توجه به ظرفیت فوق العاده ای که فضای گفتمان سازی و جریان سازی در اثر بخشی برنامه های تربیتی دارد، باید بخش قابل توجهی از فعالیت های تربیتی مدرسه به این حوزه معطوف گردد. تشکیل حلقات و گروه های تربیتی، همیاران تربیتی، هیئت مدرسه و ... از جمله این ظرفیت هاست که مدارس علمیه به فراخور امکانات و استعدادهایی که دارند می توانند از آن ها به بهترین شکل ممکن در راستای اهداف تهذیبی مدرسه بهره بگیرند.

### گام سوم : ارزیابی و بازخوردگیری

با توجه به اینکه ارزیابی و بازخوردگیری در دستیابی به اهداف ترسیم شده، نقش مهمی را ایفا می کند؛ ارزیابی برنامه در دو حیطه کمی و کیفی انجام می شود تا در ضمن شناسایی آسیب ها و مشکلات احتمالی در روند اجرایی و ارائه راهکار تکامل مستمر برنامه را نیز شاهد باشیم.

همچنین، نظر به تأکید مدیر محترم حوزه های علمیه، آیت الله اعرافی و معاونت تهذیب و تربیت حوزه، مبنی بر تداوم میثاق طلبگی و برگزاری میثاق های 2، 3 و 4 در پایان سال های اول و سوم و ششم، ارزیابی های صورت گرفته در برنامه جامع در طول سال های تحصیلی،

کمک خواهد نمود تا میزان رشد اخلاقی و تربیتی طلاب در این سه مقطع به صورت دقیق تر و واقع بینانه تری مورد سنجش قرار بگیرد.

## ارکان اجرایی برنامه جامع

### اشاره

با توجه به مطالعات و بررسی های انجام شده و نتایج آسیب شناسی اخلاقی و تربیتی که بدان اشاره شد، مدیران و اساتید مدارس بیشترین سهم و نقش را در رشد و پیشرفت علمی و اخلاقی طلاب دارند. به همین جهت در برنامه جامع به طور ویژه به نقش تربیتی این دو گروه تأکید و بیشترین بار تربیتی طلاب بر دوش آن ها نهاده شده است؛ در واقع، مدیر مدرسه مسئول اجرای برنامه می باشد و معاون تهذیب مدرسه نیز به عنوان بازوی اجرایی مدیر خواهد بود. اساتید نیز در قالب شورای تهذیب و هم در کلاس های درسی از لحاظ تهذیبی و تربیتی نقش آفرین خواهند بود. در ادامه توضیح کوتاهی در اهمیت نقش تربیتی مدیر و استاد ارائه شده است.

### 1. مدیر

گرچه در تهذیب و تربیت طلبه عوامل گوناگونی مانند خانواده، اساتید، کادر، دوستان و هم سالان، قوانین و مقررات، محیط مدرسه و... مؤثر هستند؛ ولی شاید مهم ترین عامل، مدیر مدرسه باشد که مسئولیت اصلی امر تعلیم و تربیت طلاب در مدرسه متوجه اوست و می تواند همه امکانات و ظرفیت های مدرسه را برای تهذیب طلاب بسیج کند.

مدیر مدرسه، نقش دوگانه ی مستقیم و غیر مستقیم دارد. او از لحاظ مدیر بودن با زمینه سازی های مناسب در مدرسه از قبیل برنامه ریزی و سازمان دهی درست و انگیزه بخشی به وسیله دعوت از اساتید مهذب و توانمند، اهمیت دادن به رشد معنوی و تشویق طلبه به سمت گرایش های معنوی، انجام عبادات و نیز توجه به نیازهای عاطفی، روانی، معنوی و اجتماعی طلبه، می تواند زمینه مناسب رشد اخلاقی طلاب مدرسه را فراهم سازد و به صورت غیر مستقیم تأثیرگذار باشد. نیز به جهت جایگاه مدیریتی و رهبری که در مدرسه دارد، خواه و ناخواه به عنوان الگوی عملی نگریده می شود و طلاب از او به صورت مستقیم تأثیر می پذیرند.

همچنین، اولویت دادن مدیر به برنامه های اخلاقی و عبادی، سایر برنامه ها را تحت تأثیر قرار



داده و عوامل دیگر مدرسه نیز خود را با این اولویت ها هماهنگ می سازند.

## 2. استاد

اساتید باید یکی از اهتمام هایشان شاگرد پروری باشد. ارزش استاد، اعتبار استاد در بیرون، به شاگردان اوست. در حوزه های علمیه ما هم همین طور است. آن استاد، آن فقیه یا اصولی یا حکیمی ارزش بیش تری در چشم ها دارد که آثار وجودی او به شکل شاگردان و تلامذهی برجسته ی او خودش را نشان بدهد شاگرد پروری کنید. این افرادی که می آیند در کلاس های درس شما - چه در دوره های کارشناسی، چه در دوره های تحصیلات تکمیلی - می نشینند و شما با اینها به عنوان استاد مواجه می شوید، این ها را نباید به حساب یک مستمع یک سخنرانی، یک منبر به حساب آورد. نه، باید مثل مصنوعی که این ها را می خواهید با دست خودتان بسازید، با این ها برخورد کنید. البته استعدادها یکسان نیست، شوق ها یکسان نیست، زمینه ها و فضاهای گوناگون یکسان نیست؛ اما این هدف برای اساتید، به نظر من یک هدف جدی باید باشد. نگاه کنید ببینید چقدر شاگرد پرورش دادید. شاگرد فقط آن کسی نیست که سر کلاس حاضر می شود؛ آنی است که به وسیله ی شما ساخته می شود و تحویل داده می شود به دنیای علم، به عنوان یک نیروی کارآمد و علمی. استاد نیز همانند مدیر مدرسه و بلکه از جهاتی بیشتر از وی در تربیت و تهذیب طلاب مؤثر است؛ چرا که بیش ترین ارتباط را با طلبه دارد و ماندگارترین اثر را در ذهن و دل طلبه برجای می گذارد. نقش استاد در شکل دهی به اندیشه و انگیزه و رفتار طلبه بی همتاست و بیشترین رسیدگی در حق طلبه نیز از استاد انتظار می رود این ویژگی مرهون عوامل زیر است:

نخست اینکه بستر تربیت و تحول انسان، ارتباط است و فرصت استاد برای ارتباط با طلبه از همه بیشتر است. استاد روزانه با طلبه مرتبط است و فرصت تأثیرگذاری طولانی در اختیار دارد. می تواند در این فرصت حرف بزند، عاطفه بورزد، برانگیزد، راهنمایی کند، هشدار دهد، بشکند، بسازد و برافروزد

دوم : طلبه در مقابل مقام علمی استاد به نحو طبیعی کرنش می کند و مسحور و مرعوب

جلوه‌گری علمی او می‌گردد. طلبه، کوچکی خود را در مقابل استاد به علم حضوری در می‌یابد و گارد دفاعی خود را در برابر عظمت او می‌گشاید گویا این اعتبار علمی خود به خود به شخصیت استاد نیز سرایت می‌کند و به اعتبار شخصیتی تبدیل می‌گردد و اعتماد می‌آفریند؛ اعتمادی که بزرگترین سرمایه در اثرگذاری تربیتی است.

سوم: استاد برخلاف مدیر، معاون آموزش، معاون تهذیب کادر اجرایی و حتی استاد اخلاق مدرسه با گروه محدودتر و جمعیت کمتری روبه‌روست و مشکلات آنان را از نمای نزدیک می‌بیند و با سرعت و دقت بیشتری در می‌یابد و امکان شناخت استعدادها و قوت و ضعف

طلبه را پیش از همه و پیش از همه دارد.

چهارم: انس و صمیمیت استاد در ارتباط طولانی با طلبه روز به روز بیشتر می‌شود و زمینه اثرگذاری و نقش‌آفرینی او هموارتر می‌گردد. همین انس و صمیمیت است که طلبه را به درددل با استاد و بیان مسائل فردی خود تشویق می‌کند و از او آذن‌خیر و سنگ‌صبوری برای مشکلات طلبه پدید می‌آورد.

تأثیر استاد در طلبه قطعی است؛ استاد حتی اگر نداند و نخواهد، رنگ شخصیت خود را به طلبه انتقال می‌دهد و ناهشیار بر او اثری می‌افکند. این فرایند ناخودآگاه را باید شناخت و مدیریت کرد و از ظرفیت آن به نفع تربیت بهره‌گرفت؛ تربیتی پنهان و نامرئی فراتر از آموزه‌ها و ارتباطات کلاسیک که می‌توان بهینه‌اش ساخت و به کارش گرفت.

البته توجه داریم که درجه اثرگذاری استاد و اثرپذیری طلبه از استاد به عوامل گوناگونی بستگی دارد؛ بنابراین تأثیر همه اساتید مانند هم نیست همانگونه که تأثیر یک استاد در همه شاگردان مشابه نیست.

نکته‌ی بعدی این که در شرایط فعلی و با توجه به انتظاراتها و مطالبه‌های فراوانی که از طلبه معاصر وجود دارد، استاد با اکتفا به تدریس معمولی و بدون دغدغه‌مندی‌ها و دلسوزی‌های لازم نمی‌تواند نقش مؤثری در تعلیم و تربیت شاگردان داشته باشد، بلکه نیازمند حرکتی جهادی و همتی بسیار بلند است تا بتواند نقش‌آفرین باشد.

#### اشاره

- برگزاری جلسات مستمر توجیهی با اساتید؛
- ترغیب اساتید برای شرکت در دوره ها و کارگاه های دانش افزایی و مهارت افزایی تهذیبی و تربیتی؛
- ایجاد زمینه ارتباط اساتید با طلاب و فراهم آوردن امکان سرکشی به حجره ها؛
- فراهم آوردن امکان اسکان اساتید دارای صلاحیت الگودهی در حجره های مدرسه و تشویق آنان به این امر؛
- دعوت از اساتید برای شرکت در اردوها، برنامه های تفریحی، زیارتی، سیاحتی و فعالیت های تهذیبی مدرسه؛
- ملاحظه ی ویژگی های تهذیبی اساتید در تقدیر از آنان در روز معلم؛
- نظارت مستمر بر ارتباطات تربیتی اساتید و ارائه پیشنهادهای و تذکرها لازم به آن ها؛
- شناسایی و تشویق اساتید تأثیرگذار تربیتی و بازگویی اقدام های تربیتی آنان جهت الگوسازی برای دیگران؛
- برگزاری جلسات انجمن اولیا و مربیان با حضور اساتید، جهت ایجاد دغدغه های تهذیبی و تربیتی؛
- فضاسازی و نصب احادیث و پیامهای اخلاقی با محتوای احساس مسئولیت نسبت به طلبه در اتاق اساتید مدرسه .

#### الف. برنامه های عمومی

#### اشاره

ویژگی اصلی برنامه های عمومی مستمر بودن آن ها در طول سال، فراگیر بودنشان برای تمامی پایه های تحصیلی و لازم الاجرا بودن آن هاست. هدف از این بخش در برنامه جامع، تأکید بیشتر بر اهمیت تربیتی آن ها و اهتمام بر حسن اجرای این برنامه ها در همه مدارس است. ایجاد نظم، عادت و نشاط در انجام برنامه های تهذیبی، انس با قرآن و ادعیه، ارتقاء امور معنوی مدرسه، توسعه و تقویت برنامه های عبادی جمعی، احیای سنت ها و سیره سلف صالح و... از دیگر اهداف این برنامه ها می باشد.

اشاره

1. تبیین نکات اخلاقی از قرآن و عترت؛

2. درس اخلاق عمومی؛

3. نشست صمیمی مدیر و اساتید با طلاب؛

4. ارتباط مدیر با خانواده ها؛

5. دیدار با علما؛

6. نماز جماعت؛

7. تلاوت نور؛

8. سحر خیزی؛

9. بصیرت افزایی و حفظ روحیه انقلابی؛

10. ورزش و نشاط؛

11. مراسم ملی و مذهبی.

12. حضور ناظر شب؛

13. تشکیل همیاران تربیتی؛

14. هیئت مدرسه؛

15. محفل انس با قرآن؛

**1. تبیین نکات اخلاقی از قرآن و عترت**

برای هر نیمسال تحصیلی (15) هفته، آیات و روایاتی از سوی ستاد آماده شده که باید از سوی اساتید در ابتدا یا انتهای کلاس های درسی به مدت حداکثر 5 دقیقه تبیین گردد. این برنامه در ابتدای هر هفته در اختیار چند نفر از اساتید منتخب اخلاقی در پایه های مختلف تحصیلی قرار می گیرد و از ایشان خواسته می شود برای تبیین موضوعات هفته تا پایان نیمسال همکاری نمایند.



### اشاره

امام جواد علیه السلام می فرماید :

( الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى تَوْفِيقِ مِنَ اللَّهِ وَوَاعِظُ مِنْ نَفْسِهِ وَقَبُولِ مِمَّنْ يَنْصَحُهُ )؛

مؤمن، نیازمند توفیقی است از خدا و اندرزگویی از درون خود و پذیرش از کسی که او را نصیحت می کند. بی تردید، حضور یک استاد مذهب و صاحب نفس در مدارس علمیه و برگزاری جلسه های موعظه و اخلاق، یکی از ضرورت های تربیت اخلاقی است. در گذشته های دور، بسیاری از بزرگان علم و اخلاق، حجره ای در مدرسه داشتند و بیشتر وقت و همت خود را صرف آموزش و تربیت طلاب می کردند.

با مروری بر سیر اخلاقی و معنوی حوزه های علمیه در طول تاریخ، آشکارا می بینیم که هر جا تهذیب و تربیت طلاب تحت اشراف و هدایت عالمی ربانی و انسانی کامل بوده، موفقیت های اخلاقی و معنوی فراوانی در پی داشته و انسان های وارسته ی بسیاری تحویل حوزه ها شده است. چنانکه در دو قرن اخیر اساتید فرزانه ای را می یابیم که با مراقبت و تدبیر، فرزنانگان زمان را با معیارهای کاملاً شرعی پدید آوردند.

امام خمینی قدس سره در اهمیت وجود استاد و مربی اخلاق و لزوم تشکیل جلسه های درس اخلاق می فرمایند :

در زمینه ی تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید؛ جلسه ی وعظ و خطابه، پند و نصیحت تشکیل دهید. خودرو نمی توان مذهب شد. اگر حوزه ها همین طور از داشتن مربی اخلاق و جلسات پند و اندرز خالی باشد، محکوم به فنا خواهد بود. چطور شد علم فقه و اصول به مدرس نیاز دارد، درس و بحث می خواهد، برای هر علم و صنعتی در دنیا استاد و مدرس لازم است، کسی خودرو و خود سر در رشته ای متخصص نمی گردد، فقیه و عالم نمی شود، لکن علوم معنوی و اخلاقی، که هدف بعثت انبیا و از لطیف ترین و دقیق ترین علوم است، به تعلیم و تعلم نیازی ندارد و خودرو و بدون معلم حاصل می گردد؟ کرارا شنیده ام سید جلیلی معلم اخلاق و معنویات استاد فقه و اصول، مرحوم شیخ انصاری بوده است .

مقام معظم رهبری دام ظلّه نیز در همین زمینه خطاب به بزرگان حوزه می فرمایند:

من از بزرگان حوزه خواهم می کنم، درس اخلاق و تهذیب را برای جوانان مستعد، روشن و نورانی - که در این حوزه فراوان هستند - جدی بگیرند .

- استفاده بهینه از ظرفیت تربیتی اساتید اخلاق موجود در شهرستانها و شهرهای همجوار؛
- شناسایی، جذب و به کارگیری اساتید آموزشی مهذب، موجه و انقلابی در مراکز استان ها و شهرستان ها؛
- توجیه اساتید اخلاق اعزامی از قم نسبت به سیاست های تهذیبی و تربیتی و مشکلات و نیازهای اخلاقی و تربیتی مدرسه از سوی مدیر یا معاون تهذیب در بدو ورود به مدرسه؛
- اختصاص بهترین ساعت از شبانه روز و بانشاطترین زمان طلاب برای برگزاری درس اخلاق در مدرسه؛
- حضور مدیر و ترغیب اساتید و کادر برای شرکت در درس اخلاق؛
- ترغیب طلاب و ایجاد انگیزه توسط اساتید آموزشی برای حضور طلاب در درس اخلاق؛
- لزوم استمرار در برگزاری درس اخلاق هفتگی؛
- برگزاری نشست ها و سخنرانی های اخلاقی و تربیتی از سوی مدیر یا اساتید توانمند (بیان تفسیر قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و .....)

### 3. نشست صمیمی مدیر و اساتید با طلاب

جهت ایجاد اعتماد بین مدیر و طلاب لازم است نشست های صمیمی مدیر با طلاب صورت گیرد. برای این منظور پیشنهاد می شود:

حضور مدیر و اساتید در حجرات هم سفره شدن با طلاب، شرکت در اردوها و....

برگزاری جلسه پرسش و پاسخ و مشارکت طلاب در بحث ها؛

پیشنهاد می گردد این جلسات در صورت امکان به همراه اطعام باشد.

### 4. ارتباط مدیر با خانواده ها

با توجه به دشواری و پیچیدگی امر تربیت به ویژه تربیت اخلاقی و معنوی و اینکه مدیر یا والدین به تنهایی از عهده تربیت طلبه بر نمی آیند، لازم است بین مدرسه و والدین هماهنگی و همراهی مناسب و مستمری شکل بگیرد تا این امر به شایستگی محقق شود. از این رو،

پیشنهاد می شود مدیر مدرسه جلسه ها و نشست هایی را با والدین طلاب (به ویژه طلاب پایه های پایین تر) ترتیب دهد و آنان را نسبت به مسائل طلبگی و وظایفی که در برابر فرزند طلبه شان دارند، توجیه کنند؛ در مورد بایدها و نبایدهای زمان حضور فرزندشان در منزل و

مراقبت ها و حمایت های مورد نیاز در ایام تعطیلی حوزه و... نکته های لازم را متذکر شوند. خانواده ها هم اگر نکته ای داشته باشند، بیان و پاسخ های لازم را دریافت کنند. به تعبیریکی از مدیران موفق، «فرزند مردم (در مدرسه) امانت است در دست مدیر و طلبه مدیر (در منزل) امانت است در دست والدین»، لذا باید از امانت های مردم مراقبت شایسته ای صورت بگیرد.

چند پیشنهاد در این زمینه :

- سرکشی به خانواده ها به بهانه ها و مناسبت های مختلف (مثل عیادت هنگام بیماری، زیارت هنگام بازگشت والدین از سفرهای زیارتی، موقع تلبس طلبه، جلسه افتتاحیه و اختتامیه و...) و تلاش برای حل مشکلات احتمالی آن ها در صورت امکان؛

- تشکیل انجمن اولیای مدرسه؛

- حضور در برنامه های خانوادگی طلاب؛

- برگزاری مراسم مذهبی با حضور خانواده ها حداقل یک بار در سال.

## 5. دیدار با علما

جهت انس طلاب با علما لازم است جلساتی تشکیل و از مواعظ و نصایح علما و بزرگان حوزه استفاده شود. همچنین پیشنهاد می شود :

حضور در منزل علما در اعیاد و وفیات و سایر مناسبت ها؛

شرکت در نماز جماعت و برنامه های خاص آن ها؛

دعوت از علما در مراسم و برنامه های ویژه مدرسه مثل جشن عمامه گذاری، عید غدیر و...؛ برگزاری اردوی دیدار با علمای شهرهای دیگر

## 6. نماز جماعت

### اشاره

در آموزه های اسلامی و واجبات عبادی، نماز اولین و مهم ترین وسیله تقرب به خداوند متعال



است که از جایگاه ویژه ای برخوردار است. نماز جماعت یکی از مهم ترین فرصت های تربیتی به شمار می آید، لذا از این ظرفیت عظیم باید به نحو شایسته ای در مدرسه استفاده شود. در این

رابطه چند نکته قابل ذکر است :

- توجه به اینکه اصل در نماز جماعت است؛
- توجه به حکمت و آثار اخروی و دنیوی، فردی و اجتماعی و تربیتی نماز جماعت؛
- توجه به سیره معصومین علیهم السلام و علمای ربانی در اهتمام به جماعت؛
- توجه به پیامدهای زیان بار ترک جماعت؛
- اهتمام به حضور حداکثری طلاب در نمازهای جماعت؛
- توجه و اهتمام مدیر، کادر و اساتید به شرکت در نماز جماعت مدرسه؛
- پرهیز از برنامه ریزی آموزشی و خودداری از تشکیل جلسات در وقت نماز؛
- توجه به وظیفه امر به معروف در امر جماعت؛
- برنامه ریزی برای حضور طلاب مدرسه به شکل دسته جمعی حداقل ماهی یک بار در نمازهای جماعت علمای بزرگ شهر؛
- برپانمودن نمازهای جماعت برخوردار از شرایط مطلوب (دقت در انتخاب امام، شخصیت اخلاقی و قرائت وی، نظم در شروع و پایان نماز، نظافت مسجد و نمازخانه، خوش بو کردن فضا، فضا سازی معنوی و ...).

### **نکاتی که در نماز جماعت مد نظر هست**

#### **قبل از نماز**

- آشنا نمودن طلاب با احکام نماز جماعت؛
- اهتمام جدی به تصحیح قرائت نماز طلاب؛
- فضا سازی مناسب محل اقامه نماز؛
- اهتمام به طهارت و پاکیزگی مکان نماز جماعت (جاکفشی مناسب، نظافت فرش ها، در و دیوار و...)

- حضور به موقع در نماز؛
- ترغیب به خواندن نوافل روزانه؛
- تذکر: به دلیل تنوع مضامین و تعدد تعقیبات نمازها، بهتر است هر هفته یکی از ادعیه در محل اقامه نماز نصب گردد تا به مرور زمان طلاب تعقیبات را حفظ نمایند؛

### حین نماز

- پوشش مناسب (ترغیب طلاب به استفاده از عبا)؛
  - تلاش برای ایجاد تمرکز حواس و حضور قلب؛
  - برگزاری منظم نماز (نظم صف های جماعت، تبعیت از امام جماعت و...)
  - اجرای برنامه شمیم احکام
- تذکر: حتی الامکان بین نمازها برنامه گذاشته نشود.

### بعد از نماز

- قرائت ادعیه و تعقیبات کوتاه؛
- تلاوت یک صفحه از قرآن کریم بعد از نمازهای صبح و عشاء؛
- سخنرانی های کوتاه اخلاقی توسط اساتید یا طلاب؛
- گاهی پخش کلیپ های مختلف اخلاقی و بصیرتی.

### 7. سحرخیزی

(وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا).

ما همت کنیم، طلبه را اهل نماز شب کنیم؛ این خیلی کمک می کند. برنامه ریزی کنید که از میان پنجاه هزار طلبه حوزه قم ... اقلأسی هزارتاشان هر شب نماز شب بخوانند. اگر این شد به نظر من حوزه از جهت اخلاقی راه می افتد.

نظر به سیره علما و بزرگان حوزه در سفارش و اهتمام به تهجد و سحرخیزی، نکات ذیل پیشنهاد می شود:

● پخش مناجات، قرآن یا دعا از بلندگوی مدرسه با صدای بسیار ملایم و دل نشین، حدود

ص: 368

نیم ساعت قبل از اذان صبح به مدت 5 دقیقه؛

- تعیین گروه مسئول بیداری از بین طلاب هر حجره که آماده همکاری هستند تا طلاب علاقه مند به تهجد را بیدار کنند؛
- اعلام ساعت خاموشی رأس ساعت ده و نیم شب و نظارت بر حسن انجام آن؛
- سفارش طلاب به رعایت آداب قبل از خواب (وضو، قرائت سوره واقعه، رویه قبله بودن، اذکار خاص و ...).

## 8. تلاوت نور

(اَقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ..) (مزمّل / 20)؛

به اندازه ای که برای شما ممکن است از قرآن تلاوت کنید.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

- (مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنُ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ وَجَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَكَانَ الْقُرْآنُ حَجِيرًا عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ)؛

هر جوان مؤمنی که در جوانی قرآن تلاوت کند، قرآن با گوشت و خونس می آمیزد و خداوند عزوجل او را با فرشتگان بزرگوار و نیک قرار می دهد و قرآن نگهبان او در روز قیامت، خواهد بود.

( الْقُرْآنُ عَهْدُ اللَّهِ إِلَى خَلْقِهِ فَقَدْ يَنْبَغِي لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَنْظُرَ فِي عَهْدِهِ وَأَنْ يَقْرَأَ مِنْهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسِينَ آيَةً)؛

قرآن عهد خداوند و فرمان او است بر خلقش پس سزاوار است برای شخص مسلمان که در این عهد و فرمان خدا نظر افکند و روزی پنجاه آیه از آن بخواند .

برای این منظور پیشنهاد می شود :

- تلاوت روزانه قرآن توسط طلاب قاری و خوش لحن در دو وعده بعد از نمازهای جماعت صبح و عشا؛

- تشکیل جلسه قرائت قرآن کریم با حضور استاد تجوید هر هفته یک جلسه توسط همیاران قرآنی؛

- اجرای برنامه ختم قرآن غیر حضوری با ثبت نام طلاب و خانواده ها و اهدای ثواب ختم به ساحت مقدس معصومان علیهم السلام، روح مطهر امام و شهدا و....

## 9. بصیرت افزایی و حفظ روحیه انقلابی

با توجه به اینکه انقلاب اسلامی حاصل پایداری، رشادت و خون دل خوردن های علمای بزرگ، شهدا و رزمندگان اسلام می باشد، برای صیانت از انقلاب و راه شهدا و افزایش بصیرت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی طلاب، رعایت نکات زیر پیشنهاد می شود:

- تشویق طلاب به مطالعه منشور روحانیت و وصیت نامه حضرت امام قدس سره و وصیت نامه شهدا؛
- پخش کلیپ های بصیرتی از فرمایشات مقام معظم رهبری دام ظلّه؛
- دعوت از شخصیت های کشوری و لشکری برای حضور در جمع طلاب و پاسخ گویی به سؤالات و ارائه تحلیل های سیاسی؛
- تشکیل محافل انس با خانواده ها و هم‌رزم های شهدا جهت ارتقاء روحیه ایثار و فداکاری طلاب؛
- برگزاری مراسم شبی با شهدا و بیان سیره شهدا؛
- توجه ویژه به اردوهای راهیان نور و اردوهای جهادی؛
- ترویج و گسترش فرهنگ و گفتمان انقلابی و روحیه بسیجی در مدرسه؛
- برگزاری جذاب و شورانگیز مراسم ملی جهت افزایش اطلاعات و ایجاد شور انقلابی؛
- ایجاد شرایط برای شنیدن یک یا دو وعده اخبار تلویزیونی و پخش مشروح سخنرانی های مقام معظم رهبری دام ظلّه.

## 10. ورزش و نشاط

### اشاره

الف. برنامه ریزی ورزشی :

در آموزه های اسلامی بر تقویت قوای جسمانی تأکید و مؤمن نیرومند ستایش شده است و امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز در دعای کمیل از خداوند متعال می خواهد تا جسمی نیرومند برای خدمت به دینش به او عنایت بفرماید .

بنابراین، اهمیت و ضرورت ورزش و فعالیت بدنی بر کسی پوشیده نیست و امروزه یکی از نیازهای اصلی و ضروری انسان معاصر به شمار می آید و متولیان امر و کارشناسان تربیتی، همگی بر این امر اذعان و تأکید دارند.

امام خمینی قدس سره در کلام زیبایی در اهمیت ورزش چنین می فرماید:

عقل سالم، در بدن سالم است. ورزش همان طور که بدن را تربیت می کند و سالم می کند، عقل را هم سالم می کند و اگر عقل سالم باشد تهذیب نفس هم دنبال او باید باشد.

با توجه به نوع فعالیت روزانه ی طلاب و روحانیان که بیشتر به کار ذهنی و علمی مشغول و اغلب از تحرک و فعالیت بدنی کمی برخوردار هستند، اهمیت ورزش و تفریح به مراتب بیشتر می شود. به ویژه در مورد طلاب مدارس علمیه که همه نوجوان و جوان و در سنین رشد و

هیجان هستند، ورزش یکی از روش های سالم و مؤثر تخلیه هیجانی، تفریح و رفع کسالت و خستگی روحی و روانی و پیشگیری از بیماریها و مشکلات جسمی به شمار می رود.

متأسفانه در مدارس که به این ضرورت توجه جدی نمی شود و طلاب تحرک کافی ندارند، شاهد بروز برخی از مشکلات جسمی و ناهنجاری های روحی و روانی و اخلاقی هستیم. ضعف های جسمانی، سردردهای عصبی، اضطراب، افسردگی، اختلالات خواب، آسیب های جنسی و... از این قبیل هستند.

تحصیل، تهذیب و ورزش توصیه همیشگی مقام معظم رهبری دام ظلله به جوانان بوده است و در فرمایشی در اهمیت ورزش برای طلاب می فرماید:

طلبه باید روحیه جوانی را با همه خصوصیات جوانی حفظ کند... این جوانی، نباید به پیری تبدیل شود. اگر جوان ما ظاهراً و سناً جوان ولی روحیتاً پیر و بی نشاط و بی حوصله و بی ابتکار و نا امید باشد، بسیار چیز بدی است. طلبه باید منشأ امید و شور و نشاط و تحرک باشد.

## راهکارها و پیشنهادها

• تهیه فضا، امکانات و لوازم ورزشی مورد نیاز برای مدرسه؛ مثل میز پینگ پنگ، زمین و تور والیبال، بسکتبال، وسایل عمومی بدن سازی و... با توجه به جمعیت طلاب و فضای موجود (از طریق مرکز امور طلاب، شهرداری ها و...)

• تشویق طلاب به ورزش، به ویژه ورزش های گروهی؛

• اطلاع رسانی به طلاب درباره ی آثار و برکات ورزش در تهذیب، سلامت جسمانی، بهداشت روانی و موفقیت تحصیلی آنان (از طریق تهیه و توزیع جزوه، بروشور، کتاب، سی دی و پخش فیلم و کلیپ ورزشی میان طلاب)؛

● برنامه ریزی و تدارک امکانات لازم برای کوهنوردی هفتگی یا ماهانه ی طلاب (در مناطقی که دسترسی آسان به کوه ممکن است) و برگزاری اردوهای تفریحی ورزشی در روزهای تعطیلی؛

● برگزاری کلاس های آموزشی رزمی و دفاع شخصی، برای ایجاد انگیزه ، نظم و تداوم ورزش طلاب و نیز بالا بردن روحیه و آمادگی جسمی آنان؛

● فراهم کردن امکان دسترسی طلاب به باشگاه ها و سالن های ورزشی بیرون از مدرسه (اگر در مدرسه، سالن ورزشی مطلوب وجود ندارد)، البته با اعمال نظارت های لازم و کافی؛

پخش دعاها، ذکرها، مداحی ها و سرودهای انقلابی و حماسی مناسب با فضای ورزش برای ایجاد انگیزه ی معنوی و نشاط روحی بیشتر؛

● تشویق طلاب متخلق ورزشکار و....

ب. برنامه ریزی تفریحی :

امام رضا علیه السلام تفریح سالم را مهم ترین عامل توفیق برانجام وظایف دینی و اجتماعی دانسته ، می فرماید:

(اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ - سَاعَةٌ لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَسَاعَةٌ لِأَمْرِ الْمَعَاشِ وَسَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَالثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ عُيُوبَكُمْ وَيُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَسَاعَةٌ تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ وَبِهَذِهِ السَّاعَةِ تَقْدِرُونَ عَلَى الثَّلَاثَةِ سَاعَاتٍ)؛

کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد : ساعتی برای عبادت و مناجات با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب هایتان آگاه سازند و در باطن به شما خلوص دارند و ساعتی را هم به تفریح ها و لذایذ اختصاص دهید و با این بخش از زندگی، قادر خواهید بود آن سه بخش دیگر را به خوبی انجام دهید.

حضرت در این روایت شریف تأکید می کنند که با برنامه ریزی و پرداختن به لذت های حلال و تفریح سالم است که انسان می تواند در سه بخش دیگر امور زندگی موفق باشد و آن ها را به خوبی انجام دهد.

با توجه به این روایات، نقش و اهمیت تربیتی تفریح سالم و حلال در زندگی انسان، به ویژه طلاب و روحانیان و خانواده های ایشان، با توجه به محدودیت هایی که نسبت به سایر اقشار مختلف مردم در زمینه ی امور تفریحی در جامعه دارند، روشن می شود. تلاش برای فراهم کردن و تسهیل این امور در مدارس علمیه، می تواند در نشاط روحی و روانی طلاب و در نتیجه رشد

علمی و معنوی آنان بسیار مؤثر باشد و این مسأله، مسؤلیت متولیان امر را دو چندان می کند.

## راهکارها و پیشنهادها

- برنامه ریزی منظم برای مسافرت های هفتگی، ماهانه، فصلی و سالیانه درون شهری و برون شهری؛
- برنامه ریزی برای حضور در طبیعت، جنگل، دریا، کویر، کوه و...؛
- برنامه ریزی برای حضور در اماکن زیارتی و سیاحتی؛
- فضاسازی نشاط انگیز محیط مدرسه؛
- برگزاری پُرشور، مفرح و جذاب جشن های مذهبی و ملی در مدرسه؛ ● برگزاری ورزش های مفرح گروهی؛ مثل شنا، سوارکاری، تیراندازی، والیبال و.
- تذکر: جهت برگزاری مفرح برنامه ها از لوح فشرده و کتاب «شیوه اردو داری» ارسالی از ستاد استفاده شود.

## 11. مناسبت ها و مراسم ملی و مذهبی

از جمله فرصت ها و بسترهای بسیار مناسب برای انجام فعالیتهای تهذیبی و تربیتی، مناسبت های ملی و مذهبی است. برنامه ها، دعاها، و آمده و اعمال خاص ماه های شریفی چون رجب المرجب، شعبان المعظم، رمضان المبارک، محرم الحرام و صفر، ایام فاطمیه و نیز اعیاد و وفیات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فرصت بسیار مغتنمی برای فعالیت های تهذیبی و تربیتی در مدرسه است.

هفته بسیج، هفته دفاع مقدس، دهه فجر، ایام رحلت امام خمینی قدس سره و... نیز از مناسبت های ملی و فرصت های ارزشمندی است که می تواند در راستای پیشبرد اهداف تهذیبی و تربیتی به کار گرفته شوند.

تصمیم گیری در مورد چگونگی استفاده از این ظرفیت ها بر عهده شورای تهذیب و تربیت مدرسه است.



### اشاره

لازم است مدیر مدرسه نظارت مستقیم یا غیر مستقیم شبانه روزی نسبت به اخلاق و آداب و تربیت طلاب داشته باشد. بنابراین حضور مستمر یک نفر از اساتید یا کادر (مدیر و معاونین) در مدرسه به عنوان ناظر شب جهت نظارت بر حسن اجرای برنامه ها با نگاه تربیتی ضروری می باشد.

### اهم وظایف

1. نظارت بر ساعت خواب و بیداری؛
2. رسیدگی به امور جاری مدرسه؛
3. نظارت بر حسن اجرای برنامه های تربیتی مثل هیأت و غیره.

### 13. تشکیل همیاران تربیتی

آثار فراوان همکاری و همیاری طلاب در اداره مدرسه، مثل ایجاد روحیه کار گروهی، آموزش شیوه های مدیریتی، نشاط فردی و اجتماعی در بین طلاب و در نتیجه برپایی فرهنگ تعاون و خدمت به دیگران و... بر کسی پوشیده نیست، بنابراین ایجاد مسئولیت های زیر جهت مشارکت طلاب در اداره امور مدرسه پیشنهاد می شود:

1. مسئول بیداری طلاب در سحر؛
2. مسئول همیاران قرآنی؛
3. مسئول برنامه صبحگاهی و صبحانه؛
4. مسئول امور فرهنگی در ایام اعیاد و عزاداری؛
5. مسئول برپایی هیئت های عزاداری و راهپیمایی در سطح شهر؛
6. مسئول حفظ و ارتقاء فضای سبز؛
7. مسئول نظم و نظافت کلاس ها؛
8. مسئول نظم و نظافت و اداره کتابخانه؛

9. مسئول پذیری از مهمانان؛

10. مسئول برنامه های بصیرتی (پخش اخبار و ...)

ص: 374

11. مسئول هیئت طلاب خوابگاهی؛

12. مسئول هیئت طلاب متأهل؛

13. مسئول تهیه شام طلاب (توصیه می شود این گروه جهت استفاده بهینه از وقت طلاب در نظر گرفته شود).

#### 14. هیئت مدرسه

### اشاره

با هدف برنامه ریزی جهت انس هر چه بیشتر طلاب با حضرات معصومین علیهم السلام، ضروری است طلاب تحت نظارت شورای تهذیب با تشکیل هیئت مذهبی و نامگذاری آن به اسماء مبارک یکی از حضرات معصومین علیهم السلام فضای لازم را برای تقویت ارتباط و توسل به این ذوات مقدسه مطابق برنامه زیر فراهم نمایند :

### الف. هیئت طلاب خوابگاهی

- انتخاب سه الی پنج نفر از طلاب خوابگاهی و علاقه مند به همکاری در هیئت مذهبی مدرسه توسط شورای تهذیب به عنوان هیئت امنا؛
- تعیین یک نفر به عنوان مسئول هیئت (منتخب اعضای هیئت امنا)؛
- برنامه ریزی جهت برگزاری مراسم هیئت حداکثر هفته ای یکبار؛
- برنامه ریزی برای سخنرانی هیئت؛
- مدت زمان برگزاری کمتر از هفتاد دقیقه؛
- لزوم مراعات برنامه های آموزشی و ساعت خاموشی و آیین نامه های مدرسه در انتخاب زمان برگزاری هیئت؛
- لزوم رعایت شئونات حوزوی، سیاسی، اجتماعی و دغدغه های مقام معظم رهبری در اجرای برنامه های هیئت؛
- محور سخنرانی ها و مداحی ها پیرامون موضوعات طرح تربیتی همان سال باشد.
- ب. هیئت طلاب متأهلین مدرسه؛
- انتخاب سه الی پنج نفر از طلاب معیل و علاقمند به همکاری در هیئت مذهبی مدرسه

توسط مدیر محترم به عنوان هیئت امنا؛

• تعیین یک نفر به عنوان مسئول هیئت (منتخب اعضای هیئت امنا)؛

غیر از شرایط و تذکراتی که در تشکیل هیئت خوابگاهی ذکر شد، رعایت نکات زیر در هیئت متأهلین الزامی است:

• لزوم پرهیز از اختلاط خانم ها و آقایان؛

• لزوم پرهیز از تشریفات در پذیرایی؛

• تشکیل جلسات به صورت گردشی در منازل طلاب؛

• توجه جدی به رعایت حقوق همسایگان؛

• محتوای مطالب ارائه شده حتی المقدور پیرامون مباحث مرتبط با خانواده مانند تربیت فرزند، اخلاق در خانه و ... باشد.

## 15. محفل انش با قرآن کریم

### اشاره

جهت گسترش فرهنگ قرآنی مورد تأکید مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و چشم انداز قرآنی حوزه های علمیه و ضرورت ارتقای نظام مند معرفت و مهارت های قرآنی طلاب علوم دینی، دستورالعمل برگزاری جلسات هفتگی قرائت قرآن کریم به منظور تصحیح قرائت و تجوید طلاب به شرح ذیل ارائه شده است.

### الف . اهداف

1. ارتقای سطح آگاهی ها و مهارت های قرآنی طلاب؛

2. تداوم آموزش قرآن کریم؛

3. گسترش فرهنگ قرآنی

**ب. جامعه هدف : طلاب علوم دینی مدارس علمیه سراسر کشور**

**ج. شیوه اجرا و برنامه های پیشنهادی**

1. اجرای جلسات، یک جلسه در هفته ترجیحا بعد از فریضه مغرب و عشاء، به مدت حداکثر دو ساعت می باشد.

ص: 376

2. مناسب است ابتدای جلسات، با تلاوت قرآن یکی از طلاب قاری مدرسه به مدت ده دقیقه آغاز شود.

3. آیات منتخب در طول جلسه، توسط همه طلاب شرکت کننده قرائت شده و استاد محترم تذکرات لازم را در زمینه روخوانی و روان خوانی اعمال می کند.

4. استاد محترم در هر جلسه، با توجه به پرونده قرآنی طلاب مدرسه و سطح قرآنی آنان، مباحثی از روخوانی و روان خوانی و سپس تجوید را به صورت منظم و منطقی انتخاب و به مدت حداکثر 15 دقیقه مطرح می نماید.

5. بیان نکات ترجمه و تفسیری، اعتقادی، اخلاقی و ... از آیات منتخب هفته توسط استاد یا اساتید مدعو یا یکی از طلاب مدرسه به مدت حداکثر 15 دقیقه مورد تاکید است (با توجه به تجربیات گذشته، سخنرانی، منبر، درس اخلاق و بیان نکات و موارد غیر مرتبط با موضوع و آیات قرائت شده در جلسه، در این برنامه جایگاهی نداشته و بهتر است به سایر برنامه ها واگذار شود).

6. چنانچه در میان طلاب یا اساتید مدرسه و یا سطح شهر، قاریان یا حافظان ممتاز و با اخلاقی وجود داشته که دارای توانمندی اجرای زیبا باشند، می توان از آن ها در اجرای تلاوت یا حفظ در میان جلسه به مدت حداکثر 15 دقیقه بهره گرفت.

7. برگزاری مسابقه قرآنی حضوری یا غیر حضوری (از مباحث جلسات) بلامانع است.

8. تقدیر از طلابی که بیشترین پیشرفت قرآنی را در طول سال تحصیلی داشتند، بسیار مناسب است (نه صرفا طلابی که بهتر از دیگران بوده و یا هستند و دارای پیشرفت آنچنانی نبوده اند).

9. چنانچه مدرسه ای برنامه قرآنی ابتکاری و مفید، غیر از برنامه های مذکور در نظر داشته باشد، می تواند آن را اجرا و به معاونت تهذیب و تربیت اعلام نماید و حسب مورد از بسته های تشویقی برخوردار شود.

## **(د) برنامه های آموزشی جلسات هفتگی**

به منظور ارتقای سطح آموخته های قرآنی طلاب، برنامه های آموزشی جلسات هفتگی قرآنی

بدین شرح ارائه می شود :

### 1. روخوانی، روان خوانی و فصیح خوانی

هدف: ایجاد زمینه های انس با قرآن، مهارت لازم در خواندن کلمات قرآن و فراهم نمودن مقدمات لازم جهت آموزش های تخصصی در سطوح روان خوانی و فصیح خوانی و آشنایی با تجوید نماز و تصحیح قرائت آنان

- منبع: کتاب آموزش قرائت قرآن (1)؛ تألیف استاد علی قاسمی.

تذکر: گذراندن این دوره برای کلیه طلابی که در این سطح به آموزش و تمرین نیاز دارند، الزامی است.

### 2. زیبا خوانی قرآن کریم

هدف: آشنایی فراگیران با مخارج حروف، صفات ذاتی و عارضی آن ها، ایجاد زمینه های کسب مهارت در تجوید عملی، آشنایی با احکام وقف و ابتدا.

- منبع: کتاب آموزش قرائت قرآن (2)؛ تألیف استاد علی قاسمی

### 3. قرائت (صوت و لحن)

هدف: آشنایی مقدماتی با مقامات موسیقایی عرب، ایجاد زمینه های کسب مهارت در قرائت ترتیل و تحقیق .

تذکر: این مبحث در صورتی بیان می شود که سطح قرآنی طلاب مدرسه، بالاتراز سطح زیباخوانی باشد.

### 4. ترجمه و بیان تفسیر: تفسیر موضوعی آیات منتخب جلسات

هدف: آشنایی و فهم واژه های قرآن کریم، آشنایی با شأن نزول آیات ، آشنایی با نکات تفسیری مهم، توانایی فهمیدن پیام آیات قرآن در سایه استمرار قرائت و انس با قرآن.

### 5. اجرای حفظ یا تلاوت:

هدف: انگیزه سازی حفظ و تلاوت قرآن در میان طلاب، آشنایی با شیوه های حفظ و مرور قرآن، آشنایی با شیوه های یادگیری تلاوت قرآن.

## ب. برنامه های اختصاصی

در ادامه، عناوین و موضوعات اخلاقی و تربیتی اختصاصی شش سال همراه با ریز موضوعات و منابع آن در قالب جدول های ذیل ارائه شده است.

لازم به ذکر است که ترتیب و نحوه چیدمان این موضوعات حاصل جلسات کارشناسی متعدد با کارشناسان تربیتی معاونت تهذیب و تربیت است و سعی شده با یک نظم منطقی و شیب ملایم و به تدریج ما را به اهداف تربیتی مورد نظر برساند، ان شاء الله .

همچنین، علاوه بر محورهای سه گانه (تعمیق باورها، آراستگی و پیراستگی) برنامه اختصاصی یک هفته در ماه به برخی از مهم ترین موضوعات برنامه عمومی (مثل نماز، سحرخیزی، بصیرت و...) اختصاص یافته که از باب تأکید بیشتر بر اهمیت تربیتی و اخلاقی آن ها می باشد.

ص: 379



















































تذکر:

لازم به ذکر است این برنامه ویرایش سوم از برنامه جامع تهذیبی و تربیتی می باشد که برای سال تحصیلی 98 - 1399 مدارس سطح یک آماده شده و موضوعات، ریز موضوعات و راهکارهای اجرایی پیشنهادی این جدول ها پیوسته در حال بازنگری، به روزرسانی و تکمیل می باشد.

ص: 402

الف. منابع فارسی و عربی :

. قرآن کریم.

. نهج البلاغه .

. صحیفه سجادیه.

• مفاتیح الجنان.

1. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، تصحیح جمال الدین میردامادی؛ بیروت دار الفکر، 1414 ق.

2. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)؛ اسرار التوحید یا شرح و ترجمه کتاب توحید؛ ترجمه محمد علی اردکانی؛ بی جا، نور، 1337 .

3. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)؛ أمالی؛ ترجمه محمدباقر کمره ای؛ بی جا، کتابخانه اسلامی، 1362.

4. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)؛ خصال؛ بی جا، کتابخانه اسلامی، 1365 ق.

5. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم جامعه مدرسین، 1363.

6. اربلی، علی بن عیسی؛ کشف الغمه فی معرفه الائمه؛ ترجمه علی زواره ای؛ تهران : انتشارات اسلامی، 1364 .

7. ازهری، محمد بن احمد؛ معجم تهذیب اللغة؛ [بی جا]، دار المعرفه، 1422 ق.

8. اسلامی، محمدتقی و احمد دبیری و مهدی علیزاده؛ اخلاق کاربرد؛ چالش ها



- و کاوش های نوین در اخلاق عملی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، معاونت پژوهشی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1386.
9. اسماعیلی یزدی، عباس؛ فرهنگ تربیت؛ قم مسجد مقدس جمکران، 1385، چاپ دوم.
10. اعرافی، علیرضا، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (2)؛ تهران: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1372.
11. آقا جمال خوانساری، محمد بن حسین؛ شرح غررالحکم و دررالکلم؛ تهران: دانشگاه تهران، 1373.
12. انواری، حسین؛ فرهنگ بزرگ سخن؛ تهران: سخن، 1382.
13. باقری، خسرو؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی تهران: نشر مدرسه، 1383-1384.
14. برخوردار فرید، شاکر؛ آداب الطلاب (سلسله درس های مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی)، تهران: لاهوت، 1393.
15. برخوردار فرید، شاکر؛ آفات الطلاب (سلسله درس های مرحوم آیت الله مجتهدی تهرانی)، تهران: لاهوت، 1387.
16. بهشتی، محمد؛ «مبانی تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن»؛ تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1387.
17. بیهقی، احمد بن حسین؛ شعب الایمان؛ بیجا، دارالفکر، 1417ق.
18. پاینده، ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه؛ بی جا، جاویدان، 1364.
19. پیش نویس سند چشم انداز حوزه علمیه، تهیه و تنظیم دفتر برنامه ریزی و نظارت مرکز مدیریت و شورای عالی حوزه های علمیه، دی ماه 1387.
20. تدوین گروهی، فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند ملی آموزش و پرورش؛ تهران: 1387 ویرایش دهم.
21. تمیمی آمدی، عبدالواحد؛ تصنیف غرر الحکم و دررالکلم، تحقیق مصطفی درایتی؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، 1374.
22. جبران مسعود، فرهنگ الفبایی الرائد؛ (ترجمه رضا انزایی نژاد)؛ مشهد به نشر، 1384.

23. جزوه کلیات و ساختار نظام نامه؛ دفتر مطالعات راهبردی (مصوب شورای عالی حوزه های علمیه، 1391/4/3، شماره مصوبه 858).
24. جعفری، محمدتقی؛ شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1360.
25. جمعی از پژوهشگران؛ درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (2): اهداف تربیت از دیدگاه اسلام تهران: سمت، 1387.
26. جمعی از نویسندگان؛ همایش تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی 1388.
27. جوادی آملی، عبدالله شناخت شناسی در قرآن؛ قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1370.
28. حداد عادل، غلامعلی؛ فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: سروش، 1359.
29. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، 1409ق.
30. حسین خانی، هادی؛ روش تربیتی تحمیل بر نفس در منابع اسلامی؛ قم: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه، 1393.
31. حسین خانی، هادی؛ نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه؛ قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1395.
32. حوزه و روحانیت از نگاه مقام معظم رهبری، تهران: انقلاب اسلامی (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، حفظ نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای مدظله العالی)، 1389.
33. خمینی، روح الله؛ آداب الصلوة؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی H، چاپ 1394، 22.
34. خمینی، روح الله؛ جهاد اکبریا مبارزه با نفس؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، 1373.
35. خمینی، روح الله؛ چهل حدیث؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی H، 1394.
36. خمینی، روح الله؛ ره عشق؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، 1369.

37. خمینی، روح الله؛ صحیفه امام تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، 1379.
38. خمینی، روح الله؛ صحیفه نور؛ تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، 1368.
39. داودی، محمد؛ سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام؛ تربیت اخلاقی؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1390.
40. دفتر امور خانواده معاونت تهذیب حوزه های علمیه، کتاب برنامه تعالی مجموعه طرح ها و برنامه های تربیتی فرهنگی خانواده (ویژه خانواده حوزویان)؛ 1392.
41. دلشاد تهرانی، مصطفی؛ سیری در تربیت اسلامی؛ تهران: ذکر، 1377.
42. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه دهخدا؛ تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا، بی تا.
43. دیلمی، حسین بن محمد؛ إرشاد القلوب فی الحکم والمواعظ، بی جا، بینام، 1370ق.
44. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی الفاظ القرآن؛ بی جا، سبحان، 1385.
45. رخشاد، محمد حسین؛ در محضر حضرت آیت الله بهجت؛ قم: مؤسسه فرهنگی سما، 1382.
46. رهبر، محمد تقی و محمد حسن رحیمیان؛ اخلاق و تربیت اسلامی؛ تهران سمت، 1385.
47. زاهدی، شمس السادات؛ تجزیه و طراحی سیستم ها (مبانی سیستم های اطلاعاتی مدیریت)؛ تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، 1376.
48. ساعی، سید مهدی (تهیه و تنظیم) به سوی محبوب: دستورالعمل ها و رهنمودهایی از حضرت آیه الله بهجت رحمه الله؛ قم: دفتر آیت الله بهجت، 1386. الله؛
49. سبزواری، محمد بن محمد؛ جامع الأخبار؛ [بی جا]، مطبعه الحیدریه، بی تا.
50. شریعتمداری، علی؛ اصول و فلسفه تعلیم و تربیت؛ تهران: امیرکبیر، 1391.
51. شریعتمداری، علی؛ جامعه و تعلیم و تربیت؛ مبانی تربیت جدید؛ تهران: امیرکبیر، 1374.
52. شریفی، احمد حسین؛ همیشه بهار؛ قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، 1391.
53. شعبانی، حسن؛ مهارت های آموزشی و پرورشی (روش ها و فنون تدریس) تهران: سمت، 1376.
54. شکوهی، غلامحسین؛ تعلیم و تربیت و مراحل آن؛ مشهد: به نشر، 1387.

55. شهیدثانی، زین الدین بن علی؛ منیة المرید فی آداب المفید و المستفید؛ تصحیح و تحقیق رضا مختاری؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، 1409 ق.
56. شیخ مفید، محمد بن محمد الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد؛ ترجمه هاشم رسولی؛ قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1378 .
57. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم؛ شرح اصول کافی؛ تصحیح محمد خواجهوی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1383 .
58. طباطبایی، سید محمد حسین، بدایة الحکمه؛ قم: مؤسسه نشر آثار اسلامی، 1404 ق.
59. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1363 .
60. طباطبایی، سید محمد حسین؛ سنن النبی؛ ترجمه علی حسینی؛ تهران: اندیشه مولانا، 1390 .
61. طباطبایی، سید محمد حسین؛ مجموعه رسائل؛ به کوشش سیدهادی خسروشاهی؛ قم: بوستان کتاب، 1388 .
62. طبرسی، علی بن حسن؛ مشکاة الانوار فی غرر الاخبار؛ بی جا، دارالثقلین، 13780 .
63. طبرسی، علی بن حسن؛ مکارم الاخلاق؛ قم: شریف رضی، 1370 .
64. طوسی، خواجه نصیرالدین محمد؛ اخلاق ناصری؛ تهران: خوارزمی، 1356 .
65. عالم زاده نوری، محمد؛ سیمای آرمانی طلبه در نگاه مقام معظم رهبری؛ قم: بوستان کتاب، 1389 .
66. عالم زاده نوری، محمد؛ لباس روحانیت، چراها و بایدها؛ قم: مؤسسه امام خمینی، 1386 .
67. علیزاده، مهدی؛ محمدتقی اسلامی، احمد دبیری و عباس جباری مقدم؛ اخلاق کاربردی (چالش ها و کاوش های نوین در اخلاق عملی)؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1390 .
68. فتال نیشابوری، محمد بن احمد روضه الواعظین؛ قم: کتاب فروشی مصطفوی، 1377 ق.
69. فتحعلی خانی، محمد؛ آموزه های بنیادین علم اخلاق؛ قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، 1379 .
70. فراهیدی، احمد بن خلیل؛ العین؛ بیجا دار الهجره، 1405 ق.
71. فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران: گزارش تلفیق نتایج مطالعات نظری سند

72. فیض کاشانی، ملامحسن؛ المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1362.
73. فیضی تبریزی، کریم؛ جاودان اندیشه قم تهذیب، 1380.
74. فیومی، احمد بن محمد؛ المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی؛ بی جا، دار الهجرة، 1405ق.
75. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ بی جا، دار الکتب الاسلامیه، 1350.
76. کشی، محمد بن عمر؛ معرفه اخبار الرجال؛ بیجا المطبعه المصطفویه، 1317ق.
77. گروه نویسندگان، تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر؛ قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1388.
78. گروهی از پژوهشگران؛ نظام تربیتی بسیجیان؛ مؤسسه فرهنگی سبیل السلام، 1391.
79. گروهی از نویسندگان؛ زیر نظر آیت الله محمد تقی مصباح یزدی؛ فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، 1390.
80. گزارش یافته های پژوهش در مورد داوطلبان ورود به حوزه های علمیه؛ قم: دبیرخانه شورای عالی حوزه، چاپ داخلی .
81. اللیثی واسطی، علی بن محمد؛ عیون الحکم والمواعظ؛ به کوشش حسین حسینی بیرجندی؛ قم: دارالحدیث، 1376.
82. متقی الهندی، علی بن حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال؛ بی جا، مؤسسه الرساله، 1405ق.
83. مجتبیوی، جلال الدین؛ علم اخلاق اسلامی، ترجمه جامع السعادات؛ بی جا، حکمت، 1366.
84. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بیجا، دار احیاء التراث العربی، 1403 .
85. مجلسی، محمد باقر؛ زاد المعاد بی جا، اسلامی، 1378ق.
86. محمدی ریشه‌ری، محمد؛ میزان الحکمه؛ ترجمه حمیدرضا شیخی، قم: دارالحدیث، 1377.

87. مختاری، رضا؛ سیمای فرزندگان؛ قم: بوستان کتاب، 1391.

88. مرتضی الزبیدی، محمد بن محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت: دارالفکر، بی تا.

89. مرکز تدوین متون درسی حوزه های علمیه؛ اخلاق اسلامی (جلد اول، آداب بندگی)؛ قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1394.

90. مسکویه رازی، احمد بن احمد؛ تهذیب الاخلاق؛ قم: طلیعه النور، 1426 ق.

91. مشکینی، علی؛ مصطلحات الفقه؛ تحقیق حمید احمدی جلفایی قم: مؤسسه دارالحديث، 1434 ق.

92. مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة؛ ترجمه حسن مصطفوی؛ تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، 1401 ق.

93. مصباح یزدی، علی و دیگران؛ روان شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، تهران: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، سمت، 1374.

94. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن؛ نگارش محمدحسین اسکندری، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قدس سره، 1377.

95. مصباح یزدی، محمدتقی؛ به سوی خودسازی؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره، 1380.

96. مصباح یزدی، محمدتقی؛ معارف قرآن (خداشناسی، کیهان شناسی، انسان شناسی)؛ قم: در راه حق، 1367.

97. مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360.

98. مصطفوی، حسن؛ تفسیر روشن، ج 11؛ تهران: سروش، 1371.

99. مطهری، جاذبه و دافعه علی، تهران: آدینه سبز، 1389.

100. مطهری، مرتضی؛ اسلام و مقتضیات زمان؛ تهران: صدرا، 1375.

101. مطهری، مرتضی؛ تعلیم و تربیت در اسلام؛ تهران: صدرا، 1368.

102. مطهری، مرتضی؛ فطرت؛ تهران: صدرا، 1369.

103. مطهری، مرتضی؛ فلسفه اخلاق؛ تهران: صدرا، 1374

104. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: صدرا، 1368.

105. معاونت فرهنگی و تربیتی جامعه المصطفی العالمیه؛ نظام نامه تربیتی (چاپ محدود و داخلی) بی جا، بی تا.

106. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، 1374.

107. مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام قرآن؛ قم مدرسه الامام امیرالمؤمنین، 1367.

108. نراقی، ملامهدی؛ جامع السعادات؛ ترجمه کریم فیض؛ قم: قائم آل محمد علیهم السلام، 1390.

109. وافی، علی؛ نسیم هدایت (رهنمودهای بزرگان به طلاب جوان)؛ قم: شفق، 1388.

110. ورام، مسعود بن عیسی؛ تنبیه الخواطر و نزهه النواظر؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1376.

ب. مجلات و نشریات

111. اصغری، موانع تربیت دینی از دیدگاه قرآن فصل نامه راه تربیت، شماره 13، 1389.

112. افخمی اردکانی، محمد علی؛ تبیین روش های تربیت اجتماعی در نهج البلاغه؛ فصل نامه نهج البلاغه؛ شماره 21 و 22 بهمن 1386.

113. آفاتهرانی مرتضی؛ مقاله «اهمال کاری؛ بررسی علل، راه کارها و درمان» نشریه معرفت، شماره 64.

114. برنج کار، رضا و علی عباس آبادی؛ کاربرت روش پرسش و پاسخ در تبیین عقاید؛ مجله حدیث اندیشه، سال نهم، شماره 17، بهار و تابستان 1393.

115. حقانی زنجانی، حسین؛ نقش تقوا در رشد شخصیت انسان؛ مجله علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س) شماره 11 و 12، 1371.

116. داودی، محمدرضا امید و نقش تربیتی آن در زندگی انسان؛ ماهنامه معرفت، شماره 81.

117. زهره کاشانی، علی اکبر؛ مقاله «اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات»؛ اسلام و پژوهش های تربیتی سال اول، شماره 2، پاییز و زمستان 1388.

118. ساجدی، اکبر؛ روش های گزینش و تربیت طلبه موفق در گفت و شنود با استاد حاج شیخ عبدالمجید بنایی؛ پگاه حوزه، بهمن 1381، شماره 4.
119. ساور سفلی، محمد ابراهیم؛ بایسته های حوزه و روحانیت از دیدگاه مقام معظم رهبری؛ حبل المتین، دوره اول، شماره اول، 1391.
120. شاملی، عباس علی؛ مقاله «در تکاپوی رسیدن به مدلی از تربیت اخلاقی در اسلام»؛ مجله تربیت اسلامی، شماره 2، 1379.
121. عابدی، لطف علی؛ مقاله «اصول تربیت در اسلام (با تکیه بر قرآن کریم)»؛ فصل نامه مصباح، شماره 36.
122. عبادی، اصول تربیت در اسلام (با تکیه بر قرآن کریم)، فصلنامه مصباح، شماره 36.
123. کبیری، زینب و حسن معلمی؛ مقاله «مبانی و شیوه های تربیت اخلاقی در قرآن کریم از دیدگاه علامه طباطبایی»؛ فصل نامه معرفت اخلاقی، شماره 1، 1388.
124. کوهستانی، حسین علی؛ نقش مدیریت و تأثیر تربیتی آن از دیدگاه اسلام؛ مجله پیوند، شماره 140، 1370.
125. مشایخی، شهاب الدین؛ اصول تربیت از دیدگاه اسلام، مجله حوزه و دانشگاه، سال 1381، شماره 32.
126. ملکی، حسن؛ مقاله «اصول تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه شهید مطهری»؛ فصلنامه مصباح، شماره 50.
127. موسوی کاشمیری، سید مهدی؛ مقاله «روش های تربیت: رفق و مدارا»؛ نشریه پیام زن، شماره 279، 1394.
128. موسوی نسب، سید محمد رضا؛ ایمان و تأثیر آن بر مبادی رفتار؛ معرفت، سال پانزدهم، شماره 104، 1385.
129. نبوی، محمد حسن؛ «فرصت های تبلیغی را دریابیم: شیوه برگزاری جلسات پرسش و پاسخ» نشریه مبلغان، شماره 46، تاریخ: 1382.
130. نشریه افق حوزه، 22 آبان 1387، شماره 207.



131. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع با شکوه طلاب در مدرسه فضیه قم، 1379.
132. بیانات مقام معظم رهبری در جمع طلاب و اساتید حوزه علمیه قم، 1379/07/14.
133. بیانات مقام معظم رهبری در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی کرمانشاه، 1390/07/20.
134. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی حوزه های علمیه، 1389/08/04.
135. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مجمع نمایندگان طلاب و فضیای حوزه علمیه قم، 1369/11/04. 136. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، 1368/11/9.
137. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از روحانیون، 1372/3/26.
138. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب فضیای و اساتید حوزه علمیه قم، 1389/07/29.
139. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون استان یزد، 1386/10/12.
140. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیعت نخست وزیر و هیأت وزیران، 1368/3/16.
141. بیانات مقام معظم رهبری، 1385/9/23.
142. بیانات مقام معظم رهبری، 1391/12/21.
143. پایگاه اطلاع رسانی سیره علما، شناسه مطلب: 6855، تاریخ 1394/4/27.
144. روزنامه پزشکی، ایران خبر شماره 34883، مورخه 1392/1/24.
145. عالم زاده نوری، محمد؛ «نقش تربیتی اساتید»؛ قم: سایت مدیریت مطالعات تربیتی و فرهنگی معاونت تهذیب، 1393.
146. مصباح یزدی، محمدتقی؛ مقاله «مبانی و اصول تعلیم و تربیت»؛ پایگاه اطلاع رسانی آثار حضرت آیت الله مصباح یزدی، بخش مقالات.
147. <http://hawzahbonab.com>.
148. <http://khabarfarsi.com>.
149. <http://varesoon.ir>.

. <http://www.bahjat.ir> .150

.[www.ghadeer.org](http://www.ghadeer.org) .151

.<http://mesbahyazdi.ir> .152

.<http://www.farsnews.com> .153

.[www.iran.pezeshk.us](http://www.iran.pezeshk.us) .154

ص: 412

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

